

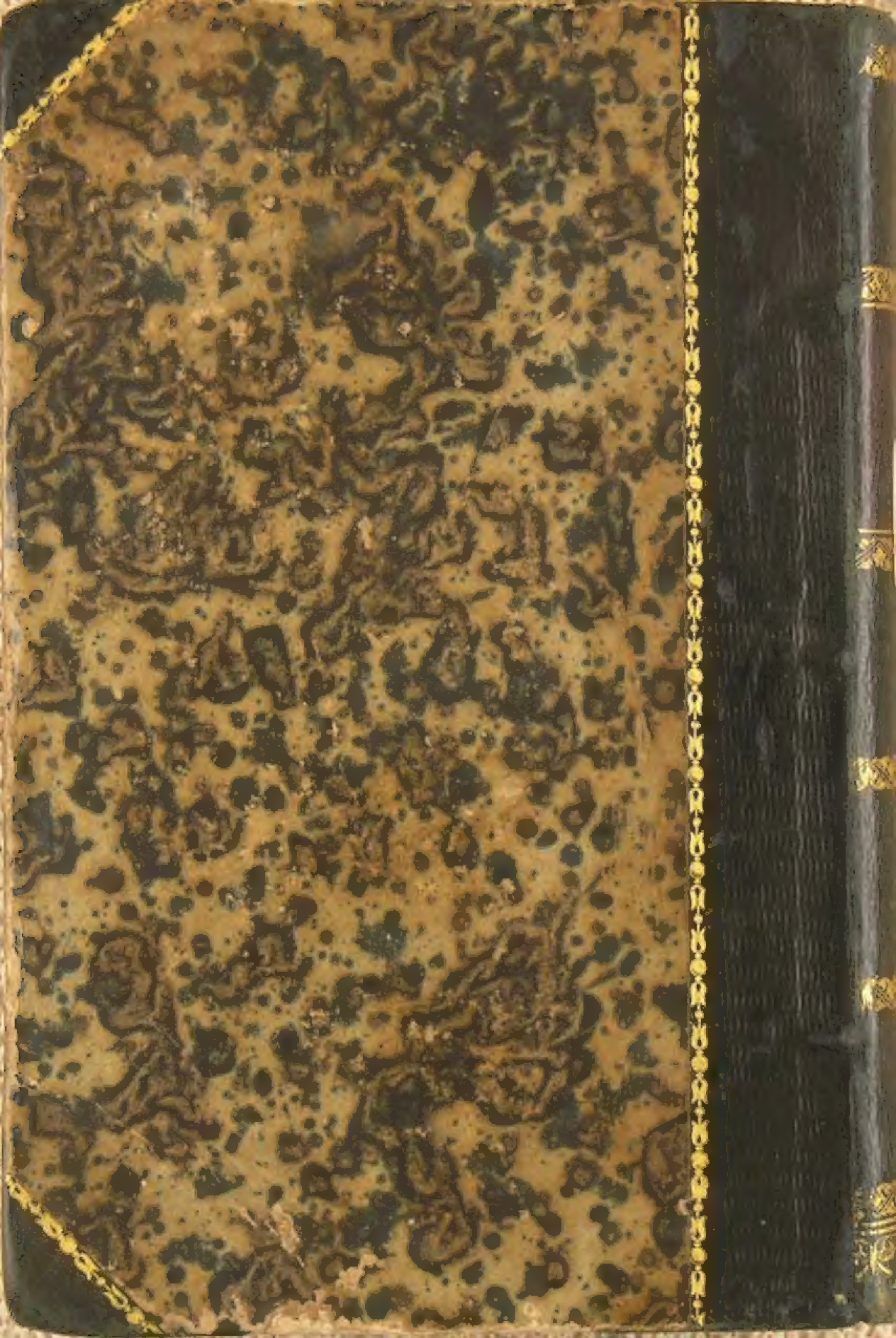
تذکرہ حسرت علی

374

Tezker

Hassan, eldin





سر نامه صحیفه ان ذره تذکره که مفتاح خزاین تبصره و فهرست نسخه سعاد
 ابدی که در بیابان کرامت سرمدی در حمد و سپاس و شکر فیض خالق جنت
 والناس متکلم کلام اعجاز اساس در که ربه شعری مادی و مقام سحر
 افریبا شعرا الی کلامی عدیل و فرینده که ماحدق و اثرها تذکره متفاین
 الشعرا تبصره الغاوان کلامیله است و ادنی فلتشیکن تنیاسی کرامت مغزا
 الا الذین امنوا و عملوا الصالحات ایله یلیند بالا ایلدی **بیت منشده**
 حال شعری حق بیان اتمشدر استثنایله شانی اثبات ایدر سبک میرد ایلدی
نثر و جوهر زوهر مستایش که خزانه لغت و صندوقه محاسبه کنجالت طلوع
 اول مبدع معانی بدیع الشان الدی خلق الان و علمه البیان جنایه شایسته
 و رواد که خلعت اعجاز معطر از دن غبار احتمال شعری و ما هو لفظی شعر
 مقالی اید از الیه معیاض تقدس کلام بلاغت نظامه حشره معجم و ما علمناه شعر
 و ما یغنی له دن مانفی اسد انیمکه درجات شعری منیع و اعلی ایلدی

قطعه

پایه شعله بن که چون زبنی نفی لغت بهمیری کردند
 بهر فصیح نسبت قرآن نهامت او بشتاعری کردند
نثر زهی فیاض و وارث عوارف مدیاب خلق و شرافت که معانی کلکین کلکین
 کلستان جان عوفانده را کجبه شادوات معلک سبله بو با ایدوب عند لیبک
 و بیلسان انسانی بستان سرای جهانده نغمه شکر نعمت و احسن الی لغت ایلدی

هر زبانی که

هر زبانی که نه ذکر تو کند گویا نیست هر کوی که فکر تو بود گویا نیست
 بر سمنش بر کمال و مبدع لایزال در که و رفیع بعضهم فوق بعض درجات
 فحواسی و وزره درجات کلام جلالت مقامی که طراز قبای محامد و
 مائز در نماین تفاوت و اقدار اتمشدر که بعضنک کلامی مانند اصوات
 حیوانات و بعضنک ادای و وزمره سی شمل انواع تشبیهات و استعارات
 تعالی الله که ما پیشین بر کنش انسان کینی ایلدی باقل کینه ایلک حسان
 و هو الخالق الباری المصور مقصص بخیه بد قدرت قاهره سی بر سبک نمایی
 خانه ابداع در که هر روز سراسر سیما بی رنگ کافوری ایلد مصیقل
 و محلی ایدر و بر نقش کجای او ان کمنت و اختراع در که هر شب
 کاشانه سماواتی شمعان زترین و قنادیل شهب و پروین ایلد
 مزین و محلی ایلد بین کنار و ثنا کن بعد مزار زبان
 بهر ان کنار کری کو چنین کنار آراست
 بر صاعد که خانه نقش بند و کنار آرای قدر تکه لوح موجودانه بر تو
 دلبر بر رسم و تحریر اتمشدر که هر ورق رومی و خطابی سند نقاشان
 کنار خانه عقل و خرد و آله و جیهان در و بر مبدع که صحایف ابداع
 مواد مخلوقات کلک ابداع و رقم اختراع صور محمد ثانی نقش تصویر
 اتمشدر که هر صوتیک خد و خالنده و هر سبک زنگ و الذمه بختوران
 عالم مثال قلم خلدن با شکر نه اشاعه اید و دوات آساجیه ندر
 انوارین آجوب بر کار کبی زار و سرگردان اتمشدر
 چنان کاشت لوح وجود صورت خلق
 که خیره گشت در و دین اولوالالباب

بر ملک الملک ملک متعال در که اساطین طایین سرخودیت و نیاز فی جناب
چاره سازنده زمین سکنت و انک رده سوده ایتمنجه منشور اختیار و درمبلغ
اقتدار لرعی انی انیکم سلطان بن عنوانی ایل معنون و مویش اولمز و اول
یاد شاه لایزال و قهار لم یزل در که خوا قین حشمت آیین بیشانی خضوع
و خوشنودی ساسه عونت و عظمتند مالین فلیمینجه تاج پراپتهاج تسلط
و حکومتند و لفظ مکنناکم فی الارض بواقیتی ایل مزین و درخ اولمز **شو**
بادشاهی که بادشا ائمه بادشاهی فیض نمیشد است سرفرازان و تاجداران را
که در جان بطوق منت است بر لطیف در که لطف بی کران و احسان فراوان
شهباز بند بر و از عقل جنت سرای عالم قدس کنگره سن آشیانه و نادر
ایدوب طوطی شیرین زبان جانه شکرستان جهان انک نفس متعین مقام و شوق
ایک **شو** پیاجه نویس و قمر عقل رخت فی بخش کوم عقل پرکار زن محط افلاک
بر مرکز تنک عوطف خاک کاشانه فروز شب سبایان از متعل نور صبحگاه
بر حکیم و رزاق و کریم و در که پروردگار در که هر کجی نچه ازین بسیمینی صحرای
بریندنازاید و هر صبح آینه بر خورشید زینده غدا ایل و بر سلطان قهار در که هر شب
عساکر جوار ثوابت و سیار مقاومت سلطان نهاری چون صفدر آراسته انیشکن
ظهور طلوع جبهه خورشید ایل بر آنده جمله سن نابود و نابید ایل **شو**
بنور مشعل آفتاب عالم تاب کشت بد از رخ کینی جناب ظلمات
شو غدا صبحی سن ایندک منور **شو** از لغینی سن قدس معبر
جوهر سکند و بر دک نظامی **شو** یکم اندن بوله عالم انتظامی
میون انجمن کل و جایی **شو** چکوب زین ایلدک وجه سماپی
سین اور دک خنک چرخه زین زین **شو** سهند اسمانه نقل سیمین

اول حکیم خلاق با دشت علی ملاق در که مجموعه حدوت و امکانی غایب و عجایب
مخلوقات ایلدک مرکب و ملمع ایدوب بیت القصیدت جوخ کن فکانی جواهر و اهرام
واختر اعلمه نجوم و در صرح ایلدوب بر نظر زلفت در حمله نیجه بیک در با صورتی کتم
عدم ایکن جلوه کر منصفه وجود ایدوب هر برنی وحدانیت ذات پر جودینه شهود
شو روز نور بر نو اولمه تجلی کرد بدید کشت از ان آفتاب نورانی
تعالی الله زهی قدرت که ذات واحدی ایکی حرفه اوج مولود و جابر نصر و بیج اوقات
و شش جهات و هفت سیاره آسمان و هشت جنت جنان جاودان و نه فلک
و عقول عشره جلالی ایجاد ایدوب و زهی حکمت باهره که ذباب حقیر رضا
فی شفاء الناس دار و سنی تجیه ایدوب بر کرم ضعیف بحر میک عاجنده
نیاب سندس خضر و استبرق اسرارنی ایدوب آل انواع تشریفات
و تکریمات مواد ایلدی **شو** بالذات واحدی تو و اعداد کوثره نبود جز اختلاف ظهور
رخار وحدت تو جمالی دیگر گرفت در دین شده و زخا و خط و عدد
بر سن که ایکی حرفه سن ایلدک **شو** بیش وقت و بیدی نجم و طوق چرخ معلما
و بر جواد که بد که زلال صفا شوقنده نورسنگان بوسان وجود و
سککان صوامع چرخ کبود آتش من جانب الطور تا را بر و فک المعاندین
و وادی جبرنده سرگردان و تبه طلب دنیا قی خست وجوده مایم و جبران
اول **شو** و احینا کم من با غرق **شو** سحابت من ماطر اولان شایب رحمة
و حبیبنا الاما حبنا **شو** هر شمه سندن فخر و جبار اولان جو بار وجود و زانته
منظر و عکاشان اولمشد و **شو** کجا آرا و بکر بند عالم
صفای خشنده کلزار آدم **شو** ملک ملکینی بحر کاف و نونان
بدیدار ایلدک بطن کموند **شو** دو عالم عکس مرآت وجود کشت

سده

نومستند

جهان و تشنه آنها بود که خدا بآب چونکه با کمال خطه های کمال
 که نقش سیمای نقصان و حد نماند برین و کمال بلکه و صفت لاغنه
 عوالمی وجود ایکه ساری فلک را می در، الوهیت بارگاه منکوح کبرایی
 جنبانده مقام طومق نه خدی در، و ایوان جلال با کمال بیان وصف
 انتهای باینده او تر منی نشانی در، بوباید صد شینان صف
 بنوت و اصطفا، و سر بر آرای مقام خلقت و وفای اولی الامر عجز و قصور
 معترف و اول جویا جلالت آثار در ابادی مذلت و انکسار ایل
 موقر اوله بر مقوله غایب که جابم و آثار المذن سیه روی و نفس
 عالم او جندن بد فعل و بخوی اولوب غم مشکال درونی و جلاله مملو و شش
 و انما معاصی و خطیئات اشکله هست و چاکلک و فعل حسن و عمل مبرور
 قلمقین ضعیف و کمال مدام کوی هوا و موسس بولندن کلوب بر کون سجده
 بولندن کلمه و هر بار بسجود مر جانی الدن قوموب ذکر و تسبیح بزدان
 المذن کلمه **نشیه** ر و سه و محرم و عاصی منم، مرکب جمله معاصی منم
 هر کون اینم اینم در رنگ کلاه، ایلمزین بر کنه بر کون آگاه
 اولدی مدد و جملک عالم تناه، سا که صفندم کرم است باله
 درم خون و هم ستم رسیدن از، مطیع حکم امانی مسخر آمال
 بان کوه کران جنگ کرم بر آهده، زبان کوی سبک کرد شمر بره
 دایما جوم و عصیان و موافقت نفس بر طعنه مشبه و نیک انمشین
 و غبار معاصی بیشمار ایل آینه سینه سی رنگ طومقش اوله، اعتراف
 عجز و قصور در دمن زمان اولتی نهانده فضولی اید و کی ریت و کمال
نشیه چکله قادی در کل هر حکم کائناتیا، بنجه انیسون یا اله بودل بجاره با

ایلمزین بر کنه بر کون آگاه
 زبان کوی سبک کرد شمر بره
 بنجه انیسون یا اله بودل بجاره با

ضلال

چون قضایه و ابیات سخن، لایحه و پادشاه ذوالنور، ایلد آراسته اوله
 ملایم و مناسب بلکه مهم و واجب اولدر که حوام زو اهر صلوات، خواجده کمال
 ایلد محلی و پیراسته اوله **نشیه** تاج حمد او که چو شاه سخنه حلیه ذات
 زینت اولتی کرک اول تاجه علی صلوات، پسر صلا صلوات، و کجیات نجیب
 اول سلطان رسل وادی کسبل امام الهدی شفیع الوری، افصح من بطن
 بالقضای، و امجد من ردت عین عکاره کل صلاه، نوز حدیقه افرینش
 نوز دیده عقل و پیش، رهنمای قافله لارا نیایا، راه کشای سلاسل اولیا
 واسطه قلاوه رسالت، پیشوای صدر شینان صفه نبوت و جلالت
 خلیل انبیا و چند اصفیا به فایده جیش، بلبل کلمات انا افصح العرب
 بیدانی من قریش، طوطی شکرستان انا سید ولد آدم، عند لیب
 کلزار انا افصح العرب و العجم، خلوت گیرن، ما ارسلناک الا رحمة للعالمین
 مسند نشین کنت نبیا و آدم بنی الامه و الطین، رسول مجتبی حضرت
محمد مصطفی صلی الله تعالی علیه و سلم جنبانده که مطلع دیوان نبوت
 وصف کمال، و قطع داستان رسالت تحت کمال، او کوناج بر استیاج
 بداعت و بیایا، اکلیل جلیل ان من البیان حوا، ایلد مکمل و توشن
 صعب القیال لغت و فصاحتی حکمه ان من کثر حکمه، ایلد منقادی و تدلل
 ایلد **نشیه** اول رسول گیرن که کلکله، عالم ویردی زینت و پیرایه
 آسمانن تر ذل ایدن بیت، اولدی شوق فرجی آیه، قلائی شوقی مل
 پایا شوایردی شوایه، اول زرکس باغ، باز اغ البصر و ما طفی، و طوطی
 شکرستان، و ما یطق عن الهوی، در که ترنیل جلیل بانی، و قران
 و افصح البرهان صمد، عجز فصاحت و عجز لاغنه آسمان قدرت، و بارگاه

حکمت

عظمی نازل و لوب شب فلک جهانی نور آید که هفتاد و یکمین عالم
 دیوب قصاید سبزه معلقه بی کعبه معظمه دن آید مشهور و بالاخره معارضه کلام
 و لادنی مقارعه بالرباع و السیفه و دوزخ ترایدی همانا قیامت اول فرقه
 پرستار متک باشته فویشدی که سبزه سیاره کر. و اذا الکواکب انقشت
 مضمون او زره رده و گشتی. عیان جهانده بادبان بگشاید لیکن آجوب کید کر
 عظمت فرقان کرکی کوریک لیکنی آشوبه فودطر و بنزدگاه دورانده علم آجوب
 مری صاحب قرآن زمان بزرگ. شوکت و هیبت قرآن عظیمی شاه ایچک
 علمین دورب دلالت تیغ مومنین الله دبار عده قیامه یوز طوطی **تر**
 صدق تو بگو صبح بر افاق روشنست. در موهن معارضه از روی تجربه است
 بهر سواد مدحت و نعت خاست. ز کان چشم من قدم دکاند و دوست
 اول سلطان رسل که عقل کل حقیقت کلیدن بزرگ در اولادی رسل که
 بنیان شرع مبین و احکام دین مبین قلع کردون بخشی حصین و بر کر **تر**
 طاقیت فلک ز بارگاهت. رعیت ملک ز استیانت
 کوثر و قیست از حیثیت. طوبی و قیست ز بوستان
 و اول شکر جیش جنس رسلین در که هنوز آدم صغی که مظهر کرامت
 فقواله ساجدین در بین الماء و الطین او کو. نعت فیمن روحی
 سعادت دخی قرین اولدین. اول خاتم انبیاء و رسلین چار بالش فرخنده
 بسند نشین او کو. سر برارای ملا اعلی سرای علیین آیدی **تر**
 دخی یوغ و غمشدی خاک آدم. سن و لشکر سرای راز و مخ
 وجودک اولدی کرچه مکره ظاهر. ولی مقصود کسین اول اخ
 داشت در صلب ترا آدم ولی دید خدا. به عظیم تو علیم ملک کرد سجود

و اول رسول مقبلین. و خلاصه کونین. سلطان سهر قاپ قونین
 در که بود کلو صور محدثات و اعیان جلوه کردات شود اولوعه نسبت
 وجود هر خود دیدر. و بر جان جانان. و محبوب حمت رحمان در که طاعت
 جهان. و غناوت انس و جانیه نعت حضور و سجودی **تر**
 ز لولاک و نعمت کحت و ناحتش. کشیده چرخ بر کردون و آتش
 امیر بارگاه بی مع الله. ز به بالائی این نه خیمه خگاه
 ای رسل آسمانک نشی. وی بنی عیسی فرشی. عصا
 اتمه ملاذ و طجاد کسین. و ارباب خوف و خشیته مهر و منی کسین
 انت اب شیخ و شاب. جناح ملک قبا که در که. خاشاکه خورد و داد
 و استخوانند و آزاد. شده سدره نهادر در که. خاشاکه
 باب کریمک مند و داوله **تر** ای رسول حق شفیع المذنبین
 مقصد ای انبیاء و رسلین. عاشق نوریده جالکد حسن
 خاک را ملک یا مالکد حسن. جو می خوفد بر عنایت قبل اکا
 باره سول الله شفاعت قبل اکا. چونکه نشاند کلام و مقال
 تاج حمد ملک متعال. و قلابد صلوات رسول بر افضال ابدار ایش و جمال
 ویرکد مناسب اولدر که محمدت اصحاب و آل دخی اول نوع و نس
 حسن و کماله ز رخسار اوله. پس جواهر زواهر تر صنیه که کان صدق و وفاد
 اولمشد. آل اصحاب و عشق احبابه که کفره بیا قبول ایمان و اسلام
 تا برین اولد لکن جمله **تر** فاما لهم عن التذکره موصیین. دیوب
 کسے باش و خالریله چاشوب. نیزه جان ستان المیه راه هدای. کفار بی دین
 و ایمانه کوسر لرود وجود شرت نهاد و ضلالت تخمین لرینی. نیزه تاثر لرله

ترتیب

عالم بن المصیر کور و رور و تیغ بی دروغ لری اول محاذیل و ملائمه طمق فنا
ایروب دست فاضل المشرکین ایله اول فرقه بی دینی قلچدن کچور ایدوب
وکیسجی خی زبان ولسان ایله خدمت ایدوب اول خضر تک مدح و ثنانه
بجه قصاید غزالیات و دانش را برده و ظاهر الطاف بحد و اهراری اولور کچور
و کند اهریری تخوم هری و بد و رنج اولور فامیت مناقب و مفاخر
استاد علی الکفار حجاب بنهم خلعت ایله کرم و غور خلعت برهشت
منقبتری رصانه غم و رنج اولور طراز اولور و موزرا و کد **منشی**
ابر رضوان که بجه طور مدیک ساعت و آن روضه آینه اصحابه اوسون باران
و کرا نقاب **بیان** مرآت ضمائر ایل بیا بید و واضح و ظاهر و شکوه
انظار ارباب معارف و مفاخر کالتشخص اوقات الهواج روشن
و بامهر در که بر فحوائی غمزدای و اجعل لسان صدیق فی الاخرین
جهت ناظران در رکلام بلاغت آیین صحایف ادواری محاسن
شایان ملک کلین ایله ترکیب ایدوب هر قرنک بیجا بکشد اول هیکله
صاحب قران زمان و فرمان فرمای زبان اولور که حاکمان شعور
ملک و ملت و جالسان سر بر عود دولت و مستظیل هر اوقات
جلالت حوای و زیر سایبان وجود و امکاره صد شهنشاه دروان
السلطان ظل الله در کعبه و تعیین ایتمک عاکت جنت لری و هموان
سروران انجمن سخن پرور و پیش روان مسالک بلاغت گسری
کردن کوشش لایمی جوامه مانتر سلاطین براحتیه ام ایله که منظر انواع
فتوحات کثیره و فیوضات شریفه و معاطف و لازبال شهر و دعوائی
زوام مفاخر خلفا سپهر اقدار و گواکب احتشام که شایسته خلعت

هر کرامت

هر کرامت انا جعلناک خلیفه در محلی و مغاز و خزن و معوز ایتمک ایله
کرمه و سنت سنیه لری در بناء علی هذا اول ایتمه بایه اقدار اولور
فی الواقع هر مزده که خطبه سلطان کچور و بر او قنیه اندر جمعه و جماعت
مقبول اولور و هر کیم و زرد که نام یاروشاه عدالت گسترانده بازلمه
بر اندر مطلوب و ناموال و **منشی** انا مدد رغبت ویرن هشت هله
سکه در حالت ویرن کیم و زرد بو مقدمه دخی صد شهنشاه محافل
فضل و وفان اولان اهل دانش و ادیان ظاه و عیان در که نه اوار
خلافت خضاری و شایسته بر سلطنت و کار و کارگاه بر ذات
سعادتمند اولور کرک که منظور غلو مفتی تعزیت دین کتب و نصیب العین
غیر مبنی تمثیل احکام سید المصلین اولوب آینه تیغ ظفر بیکری
هر چند که مصفیه تأیید الهی و الطاف نامتناهی ایله اجداد بوله جام
جهان نمای رای محاکم ارا سنده صوت بکجا اهدای خیر بر نقش منقطع
اولمیه و هر زمانه دید و دل جانانه امن و امان رعایا وزیر دستان چون
برق و رعد تیغ انشرفان غنیمتی بر شسته طلوع اولمیه زلال تیغ ابدار
رخ کلزار عدل داده سرخ رو ملک و بر و پیکان جوش کذار
خار ظلم و بیداد هر روح و فکر کارک سینه محنت خزینه سینه چهره
و نهال بر ارجلان گلشن سعادت و اقبالده کشیده بالا اولور
سایه احسان لا بعد و لا یحیا کسینه سوختگان مضطرب و غنا
اولمیه حمد و ایدوب کلین فوادی غنی م ادرتور
حمد و صد حمد بدر کما که ممتعال که غایت بی غایت قادر مختار
موجب و الله یوتی ملک من شایسته کوی سلطنت جهان بر سلطان

سعادت نشانک چو کان اختیار نه نور شد **شکر و حمد** شکر بنمای کریم رزاق
 که ارادت حضرت پروردگار بمقتضای و الیه یوید بصره من بشاء و غنائ
 ملک ایران و نورانی بنهادی شاه کار که قبضه اقتدار نه گنور شد و که تاج پرتیاج
 خلافت استحقاقه شایسته و سر بر عالم مصیر سلطنت استهالنه حجتی مدنی
 آن لطف حق که عقل ندیدست و نشیند **شکرانه** واجبست که در روزگار
 سلطان سلاطین جهان باسط با امان و امان همیشه شتری مهر و کین **سکندر**
 کیوان چشم و کین **بهرام** فرخ حمله و آهنگ **دارای** خورشید غلام فرزند
 خسرو نایب بزم فریدون عطار دغم و دغم **سید** ماه رایت و علم
 افراسیاب ستاد خدمت **ششم** **دجسر** پادشاهی قطب سلطنت
 سایه لطف الهی نایب فضل و کرم **پادشاه** بحر بحر الهی طود العلی
 افتاب به در کف الوری خیر البشر **خورشید** زحل محل خورشید فلک بکس
 آینه جمال فرخنده مقال **فاکرم** بین کس نقد وقت اشرف و نجه قران و نواف
 نظم شریف و وراثت لطیف **جعلنا** کم خلف **وارث** ملک سید
 حاکم سبط جهان **باطول** الوض **مظلم** کلام ریخت نظام
 و ماصدق خطاب بر انظام **انا جعلنا** کظیفه فی الاصل
خورشید صبح سخن و ماه کل زحل **دارای** چرخ کوکبه مشرقی خصال
 خاقان بی نظیر و سپه داری شبیه **سلطان** بی عدیل و شهنشاه بی نشان
 متمدن اساس شوکت و جهان بینی **مجمعی** ثمر عدالت نوین و انی خورشید
 عالم مکارم و احسان بی نهایت **سلطان** سکندر آیت و داراد آیت
 نمره شجره **و جعلنا** کم خلافت فی الاصل **شجره** غره و رعنا بعضکم فوق بعض
 بایه راحت و اما **سایه** خمرت بیج **مفیض** انواع نعم و عطایا **معیون** کل خلق

مغنی

و مغنی عامه رعایا **نصار** بخش قلوب افضل زنگ زای و انت صد و امان
 مهربان ایوان برای وجود **رابطه** صوت و ماده حوت وجود
سکندر قدر و دارا فریدون فروز و جرم فرمان **خضر** الهام و موسی کف و خلق و بی
 جهان **ارفلک** قدر مبارک رای فرخ رخ **جهان** کبر جهان شمس ایوان موکب مقدم
بر سلطان عاقلیت و عنوان در که هلال رخ دوار **نعال** نرسن صبار فتاح
 او لمعله ابتهاج و افتخار **بولوب** کجکشان زین پرتیزیم خام و اطللس
 کرد و نینقام **غاشیه** سی و لمعله قدر و اعتبار بولور **ذات** رشید
 و انی شرح مبین **و مستقیم** حیل المبین **دین** کزین در **پس** ساجه
 اقبال قنا و زوالدن مأمون اول **راوا** **ذات** جمیع صفات کار
 دفع فتن و شر و رلیات **پس** نواب و اخدان جهان **مردن** و مرس و مرس
 اوله سرادر
سایه نردان و خورشید **چهار** **ارد** خورشید دل آرای **سکندر** خصال
 آسمانست او و لیکن آسمان **برقرار** **افتاب** است او و لیکن افتاب **زوال**
بر سلطان عدالت **نذر** که زمان **سلطنت** کمان **کجک** ابد نام و نشان
 بولد و چون هر زمان **گرفتار** آلام کش **وزلف** مهوشان عاری لقا
 غارت دل عاشقان بی هم و با اید **اسباب** جمعیت خاطر لرین دل هنرور
 کجی نهم ده ویریشان **ایند** و کجی **دایما** احوا **در** هم و مشوشند
بجک سبک هم موفته نذر **در** **در** زمان تو مکر طره خوابان طهر
 کار با کاهی **پس** سبب **کاهی** **عصب** **ایند** و چون هر زمان خوف
 و شبنم مبتلای **رض** برقان **و شجره** **بیده** **معنی** خلافت او لمعله
 دایما اضطراب و دامن شدن گرفتار علت **حفظان** او **شهر**

بغیر کاه ربا در زمان خودش / کس خبیب نیار و در بودر کاه
در ایا و مصالح و احوال و ایراد تصادف بیرون اولد و چون بزم ابلیس
عدالتند و فتن غیر می بزم دست آفریده دن طبعه کور مشرب ز دانی
اکادم ساز اولد و چون ایشی فریاد و فغان اولد و کدر و مهر زانده
حاج خارج شرع و قانون الموعین جنگ و قانوندن اوز که کس دن ضرب
و شکست نمیشد رباب دانی انرا ایله هم آواز اولمغله و ایما کار نامه و زار

اوله بدیع و غریب دکلدرد
بهمد عدل تو خوش نه غی زند نامه / ز دست حادثه خود نمی کند آواز
دور که کس جو بر سنگردن اغفر / بی شرع ایدر ایدر اگر جنگ فی فغان
بر پادشاه سیادت دستگاه که نفس شرف و انفس لوح محفوظ کمال
انسانی و ذات شریف اقدس / نسخ جامع که آتفا فی ذات جلال
سمیه مهبط انوار ربانی و مجمع فیوضات اسماء سبحانی / خاطر عالم منظر نظر فعال
و عنقریب شریقی منظر فانی مجد و محال / لفظ که باری صد شکاف در عدن و خلقی
که بی نادگی شکستن / لفظ و عبارت / خرج منها اللؤلؤ والمرجان / رای
و صغیری / التمس القوی بایان / اکار اکاری / کم یلمس من ارض قبلهم و لا جان
خدا م بارگای / سنگین علی رفوف خمر و عبقری جان / و اعدای بدنها و سپ

بطوفان بهما و بین جمیع آن در /
انکس که در هوایت جوان صیغ صادق / مشهور عاشق کج کارش بان کردن
وانکس که او دودل شد بام و ایا تو / دندان نادر و آو و خوشن جو پسته بیرون
خسار خار و دست کوه بارنه / دعوی شکست ایدر /
ح تنگ سنی آبی شورین حال بی صفا / و سجا بد ارف ز بخش پر ایا ایله لا معاد

فکوره

هرزه کردی بادیمای که ای / بی تو است
بافیز دست بادل و کس نمکنت / بادرک طبع روشن او برقی کور
اول سلطان و الامت / و خاقان ملک نمک ظاهری لباس سجاد
و صلاح و تقوی ایله طرز و مطرا / و باطن مکارم اخلاق جو یله ایله زین و محلی
جنان کجا ز نور احسن تقویم ایله آراسته / و بیست هم بر فی زمین خلق
عظیم ایله هم آراسته / ان بابتی مصدر انار و اطفاف الیه / و بنان هم بیا
منش و مد ارجح نامتناهی در

مخض رحمت تنش عقل خود دانش / که چون این هم دوم ایا هم لطف و هنر
خط فرمان تو طوای مناشیه / حکم دیوان تو امضای قضا و قدرت
بر پادشاه زهد پیشه / صلاح اندیشه / در که سلطنت ربیع سکون و خلا
روی زمین که ایالت کم بقعه حی / سرت ملوک سواف و غایت بغیت
شایان پیشین در / و اصل حق الیقین / و عین البقین / اولان نظار دیده حق

بی قدر و اعتبار در / و مقتضای علو امتیازی / و متغای سمو طبیعتری / اوزره
امیت منظور ایتهاج و فستخار / ترک تعلقات فانیه / و تنو با سوالیله قرب
جوار رحمت پروردگار در / در او چنان انکه وجود در جهان / با وجود عظمت در نظر
بر سلطان دراک / و خاقان برادر کدر / دامن عظمت و عفتی مانند اذیان
افلاک که در ارات طبعیه و اوساخ بشریه دن ظلم و پاک / و انکار کار
آفت نرسان و غناک / اولمغله هر چه ز کس سحر خیزی / قطرات کجا
و شبنم کریمه غنا که ربار کده و لوحش اند / زهی قوت نفس
و طهارت قدسی که / وجود بهبودی / مالک قدرت و استطاعت و آو و شو
و ادراک غایت مطالب نفسی / و نیل به نهایت تار شهبازی به قادی

بیلرین

مخمس

و مستغنی و لوک زمان انضواء و تواتر و همتکام ستمذات نفسیه اکبر تابع
 فرمان و نهی النفس عن الهوى و او کو محبت انواع مناجی و ملاهی و مطمح
 انظار علی لری سیفای لذات باقیه ده رضا حضرت الهی و شدره
 طراز دولت باقی تر ابرار دبس که همت تیر در مقام عالم غایت
 درون خلوت کرد بیان عالم قدس صبر ملک تو باشد سماع روحانی
 همت اول سلطان ملکی ملک کمال صلاح تنوی حسن شماء و انواع محاسن
 اخلاق و محاسن صفات بر ملک روحانی که متعلق متشخص هیچکس است
 و جمله افراد بشریدن داخل حوزه اولیائی تحت قبائی لایو فهم غیر
 در که ظاهر اسرار آرای تحت سلطان حرمانی اگر چه ظاهر شاه جهان در
 حقیقتده ولی قطب زمان در توبی که صورت جسم تر اهیولا نیست
 جو جوهر ملکی در لباس انسانی تمام کرامت و دلائل بریه و علامات و ایت کما
 و اثبات حرامه بود مقدمه مقبوله و در که شاهان ایران الی هذا الان هر بر
 حتی که روزگار و افرا سیاب موکه گیر و داره او کو ز غلج صاحب قرانی
 نو بن او شش و نطق جانده فرزانه یکن پنجه شکاری پیاده ایدوب
 اسب و دندن خاک منده دوشم شده اجداد عظام و سولف کرامی
 به لذات جنگ و پیکار اید اخذ انتقام من عجز نامری و اریکل جناب بهم حسن
 ادنی بنده رینه اشارت ایمل اکثر ممالک و ولایتنی داخل حوزه تصرف
 و اقتدار اید و سخت آبادی تورانی و ایمانی بایستنه تنگ تار و تیشدر
 و الی نبر بر اگر خط اشرف میرسد تاج بر کردن ز آذربایجان می آورد
 چشم بر راند اهل صفهان تا بادی سره اذرا همت اهل صفهان می آورد
 فی الواقع ذوات پاداری قطب جوخ و دوازده پست ثابت و بر قرار و نه و از

و هرگز و ایدر بنده طور مغله و ایدر مثال عالی محیط اوله نه جای جدال انکار در
 اطراف بلاد تو شد از فتح زمین اسباب واد تو شد از فتح مهتاب
 اتمه نه که درین فتنه نداری جو منت حق جل تبارک و تعالی
 الا و هوک سلطان الاعظم و الحاقان الاعمال الا کرم مالک رقاب الامم
 مولی ملک العرب و العجم مفتوح ابواب البر علی الخلائق مفیض سیول الکرام
 فی المغارب و مشارق اولی السلاطین و الهم عظماء و اکثر هم فضلاء
 و اصدهم عقلاء و ارفعهم حضلاء و اوفهم صلاء و اعلمهم خلفاء و اجملهم خلفاء
 السلطان بن السلطان **الکلیطان مراد خان** ابن السلطان سلیم خان
 غیاث اهل ممالک مغنی ملت و ملک غیر مصر حکارم مؤد دولت دین
 قضا توان و قدر قدری و شکاره پناه زمین و قار و زمان عمت و خود ممکن
 بنه و پشت سلاطین و داورایام محیط بر اقباب ابر بمیان
 ادام الله مکه و سلطانه و اغراضه و اعوانه کما اعلی شانه و قرن ایام
 سلطنته الی اعوام الدوام و الخلد الی ان یرث الارض من عباده حمید مجید
 دعای دولت سلطان همیشه ورد نه بر امید عطا و توفیق ادرار
 تو باد شاه جهانی و ورد من اینست که پادشاه زشاهی ملک بر خور
 اول سلطان جهان و مالک ملک خضر تر است و ایت حقیقت شایخ کرامت ملک
 اول مغله انک کما محققان و موصدان اولو شایخ زمانه شرح ایمل ظاهر الطاف
 بی کرانه لری و شدره و شش کل دیوان بر عنوان لری و عربی و فارسی
 و ترکی که کسایت بلغت شکاری واد در
 بود پادشاه آن سخن پس بلند که انجارد وصف بار اکتند
 سخنهای شاه که ز دل پاک فاست بر پاگان که شاه سخنهای باست

برین نکته باشد دلیل نام . کلام الملوك ملوك الكلام .
من از وصف گفتار قاصم . بهر حسن چهره بر دغاظم
تو بر ای شاعر نامداره اول سلطان کا مکارک . اول بادشاه با عدل
و دادک . و اول طاقان سعادت نهادک . اول حبیب شهر احتشامک
اول سکندر فریدون غلامک . اول آفتاب عالم تاب خلافتک . اول
دریای عمان جهان زانکت . اول مغیث ملک تنگ اول اتق جمل المبین
شرح مبینک اول اور روی زمینک اول بحر سخا و کوه وقار و نمینک
کلام بلاغت سماندن در .

اما بعد حوم بیان دکان کون و مکان . و صیر فیان بازار عالم کن فکان .
اولان دانش اندوزان عالم اوکو . محایف ادوار محی کن قلم شکبار
موشح . این ناظران در فصاحت . و صفای ازمانی لطافه کوه تشاریل
مزین و موشح . این ناظران غریب بلاغت اولان اصحاب محارف . و ارباب لطایف
و نام داران اقبال محی . و شهسواران عرصه ذکا و فطن . و سالک کمال
نظم و نثر . و مالکان مالک فریض شو اولان اهل ذکا . و متصف صفت عقل و بایه
نور ذکا لکی واضح . و اشرف خورشید حسن و بهمانی ظاه و لایح . در که عایت
قیمتد کوه بر اعتبار که کان امکانه محال اولش افلا . و نهانیده لطیف متاع
شرف که دکان خیمه و مکانه . سبیلان ابداع . و ناجوان اختراع .
الذین و اصل اوله . و غایتد حسن و ابهی . و لوی یکدانه کران بهی که
جوهر خود خورده دان . اندن شرف و استی بردانه پیدایش اوله . و نقش
و لکش که نقش بند کرمت و خیاله . اندن زیبا صورت و نشان . و هر کشت اوله
خواهر زواهر کلام . و زیبای زیبای سخن فصاحت نظامد که مشایخ زیبای

معنائک قامت و سر نیزه خلعت و فخر اندن قلمور . و عودن شبنان کمالک
کردن و کوشنده روز و یور انکه بولنور .
سخن اربابش دیم کهن در . هر که گوید نزل این سخن
سخن غمی اوله پال کوه . انی ارسال ایدردی حبه داور
و هر که زند باد حوادث ایام . و هر که فخر نافر جام ابله بنای رهین و اساس متین
منهدم اولم . و نقش و نگار . و محقق روزگار دن کرد و دور . و دور شهر اوله .

بهر است سخن پرده کش رازها . رنده کن مرده آوازها
هر که نفس کند ابیات جان . و سخن خوش بود جان
است نفس قالب و لب سخن . این نفس از رنده دلان کوش کن
کشف حقایق بزبان و بست . حل و قایق بزبان و بست
جنگ سخن که چه بسی زیارت . از دم او نغمه اعجاز زیارت

و همی نیم مهر در زبان . و خاطر عطر کوه در زبان . و فهم و ادعان . ارباب
ذوق و وجدان . و اصحاب فصاحت و عارفان . مانند خورشید در نشان . ظاهر و عیان
در که سخن لای سنگ اگر چه اصناف و افرادی منتش
ایکی قسم که منشور منظوم در نظم در . و قسم ثانی که ناظم در معانی و لغه مستحب
مدایح و منافی در . در رباب و لولوی شاد و آواز . اوله او بخون اکابر لازم
وزر کامل العیار . و سکه بر رواج و اعتبار . اوله صاحب وزن دایم در بهر مایه
در که دگر دن جدا اولم . و هر مالک در یاد که بگردن حقیقه حیات و بقا بول
و العجب رفاهد که مدام نقش و سماع . ایکن دایم دن حقیقه و بهر استاد کونیده
در که بود کلون نقش و صوت و قیوب هر بار عمل و کار . ایکن هر کوه اصول دن و در
بونه حالدر که هر کار و اراد عالی زیر پایه الوب دنیای کشت و گذارده ایکن

منهدم اوله

اصلا دایره دن بیرون و طهر بر جانباری و هر دوز که لذت تر از و کمر
و بر صبره فی نقاد که باز از جهانده نیزان و معیار نیز بر کار اتمز لا جرم
طبع موزون و صاحب ذوق عارف چون اولاد صاحب حسن و جمال
اولان محبوب بی مثالک عاشق شوریده کا اول شد و علی الخصوص موز حقایق
و موز دقایق و احوال عشق و محبت و اوصاف اشواق و هویت و مدح
جمال و شرح فراق و دوصال بوسه مقرر و نصایح و دلچسپی
غفلت و پندار خفته لرین بیدار ایدر و موعظات قیامی بر نایب که کوشش
و بطالت نامه لرین و وادی رزیت و ذلت در مانده لرین و هر کار که
بر پا و بر کار ایدر و نو عهد میسر در بنا علیه اصحاب وجد و حال بو
دلبر بی مثالک حوکاند سکنات نه کمس واره کوزد کوب شلری هر باره اگا
اکانظاره اوکو و ارباضیل کمالک و درونی غنچ و ذلالت هر مقالان
صد باره و لشکر بیت یا موزون و کاکا اولمجه خوشال و مستلا اولمزدی حسنه اهل
بر سر و دلار در که اصحاب عارف و ارباب لطایف که شاه مقال حسن و جمال
ویر نکر و ذوال محبوب بی مثالک عاشق شوریده هان اوکو حویار آسا پایینه
یوز لر سور و واری بولنه روان ایدر لر و بر کل عنا و غنچه زیبا در که جمله
اهل عرفان و بلبل هزار دستان کجی عشق و لاسیله عالمه داستان اولور
قافیه و دسی که زیور تمی و آید از دلبه و دل دمی و چونکه نور شود آینه
طعنه زنده نو کا سته و چون که نظم حایل کند عارت صد قافله دل کند
چون کند قافیه خلیان ای جان خود منم بوز جای چون زد و مع اع کند ابر و ان
رخنه شود در دل بر دجوان معنی رنگین چو شود غازه اش باغ شود در کل نازده اش
امس که زهرش بدوی ز ایدم و غنلف کرده این شایدم اول جلدن بود اعی

موزن حال

شوریده حال و خاکراه اصحاب کمال و غنی اول بر حسن و جمال محبوب
مربوب ملک ملک عاشق بر محنت و مکار اوکو قدی غمی ابره سر و کبی پای در کل
و جیم زلفی المیلد ال مثال و دونا اوکو نقطه صفت داغ بر دل دزد شلری
آز و کسیده شین کجی شکسته دندان و چشم زیبا و عین و عکسینه صاد کبی مدام
اکمران اوکو و خلقه بیم کبی لام زلفی غمندن عالم با شتم نیک قمار و اول در دم دیده
ارعیان غفلت ایکی کوزم اما کجی حیران و زار اول شدی و باد صبا کبی هر مرده انی تنک
و بوده و جویا بر مانند هر بارانی جبت وجوده ایدم اول کل عنا نه بردن قومشدر
و اول و جهان را آیا قنقی مطلعدن طو غمشدر و اول محبوب شیرین شمایلی
کیملر سینه چکمشدر و اول جوان موی سیاه کمر آس کیملر در کن را یتمشدر
و اول آفتاب عالمنا بی مانند سیاح کیم حایه خوابه کشدر و مجرد صالنه غواص
و اربکملر طامشدر و بو علی التوا تحسین و تفحص اکلدن خاک و کلام
و ارب و اول کوز لریش جیشی کار اتمکون و شاه باز نظری هر طرفه صالنه ایدم
پس بو خاطره خاطره جای کیم اوکو و بامل مخواه ضمیمه و شید و کاکل دلبران
کجی با شتم بو سوداد و شمشیدی که اول اشعار در بار که شهرت شعار اولان
نامدیر که علم قلمی و ددش هم لرینه رفوع و سر در رفوع و غاری مصفونه
فصاحتی سخن آفرینکی صحنه موضوع قلمغه اقلیم سخن خسر و خاقان و کمال عهده
نمانی کان صفوانی اوکو مجلس سخن دریده کوا بر و تبه جینی یا یتمشدر
اهل عیاق و حجازی بزرگ و کوچکی جبرتی رناده ایدو آوازه لری کوشن مهلابی که
در شش و جانیه خاکیان اهل کلامی نازده و تر اتمشدر و قریحه بر طبعی لری و اول
انار طبع بر اقدار لری صحایف روز کارده مجله و با اوکو مدام فکر و خیال
مجلس کلام و مقاله سانی اتمشدر و اول فصل نامه ار که بولنده و خبی

بر دم که خاطر خلوت گزین کویست
 چو لاله زار زینده سر خنوب غلته
 و پای فراغتی دامن قناعت چکوب
 نقشه نشان سپهر نقشه رنگ فنون
 و رنگین زانوی فکره سر نهاده
 ما و لاله دار دل اعدا را یکسحاب
 دیده مهر اردن منشرح اولان قطرات
 در ششایدن بر کینلو فرشته بنم داده
 آید ناکاه در یکد گوشه قهرم
 ای خوشه باغ غیب دن که مرآت وجود
 قتل غبار رب و غیب کلد ز بو خطاب
 سحاب بر شدی و بر زمان لطافت
 افرانده که نفس بافت پرور
 ارواح ملا اعلی ایل مرآت اند به طشهر
 ایلوب عجایب طارم افلاک
 سپهر بند بگردد عالم مثال پروبال
 چشمت
 و در خیال حالان سلیمان عقل دراکه
 و جیشک من سبب و یقین فحواسی
 اوزره بر خیز موعظت اثری کوردی
 که روزگار روزگار کیمند و فرایب
 دوستی یاران کیمی بستان
 و سپهر جفا پیشه نک و فاداری
 عهد بسنده
 ابتدا و کی قوال بمان و عهد
 وصال لبران افادیل بستان در شعر
 جتان غدار باکر و قتل دره
 بچاردن فلک بر به زنده انچه وعده مهر به انک
 پس عاقل و لبیب و فطن ارب و ادیب
 لازم که بخا ذکر جمیل و اجعل
 لسان صدق فی الامور فحواسی
 اوزره ساعی هوا کنند اولاد الواح
 خد و در واحد مانند خط اصباح
 هر کون مشهور و منظور هو و لو
 بر باد کار
 قوم مبادرت انک فکرنده
 لولا شعر کالک کتبه و جودی
 بجا دی قلو
 سن و خنی اکل کور کم
 ارا و لو آدی قلو پس کا دخی لازم
 و فهم اولاد که
 اول مام هما افتد ایدرس
 و اول کلاف کرامه که اشرف
 فخر افتد
 قلد کس شعر نه بولد کس
 بو عطلت نوشته شده نه یا نورسن
 فرغت کوشیده
 شعر اویار جان بلبلینی
 نخسارت ناکل مقصود که عرض نیاز است

سخن این

سخن بزمن ترانک تازه ایسون
 کلامی هر ی بر آوازه ایسون
 و مکن خوشتر دم اولون
 ایل عرفان سوز کدن ختم
 اولسون عالم جان
 صمیم که رنگارستان ماسی
 دکلدر عین آب زندگانی
 کرک نظم ایدرسن
 هر در مکنون قلد ایل
 بو سینه کردون
 لاله کلامی رشته انتفا
 چکوب بر کتاب لغت نصایب
 تالیف و تصنیف ایلکه
 مانند درای مصنف تیاره
 کوش سموات سبعة کوشواره
 اولون هر ایل کمال
 اول محبوب فی مثالک
 استوب و غوب و لا وینر
 و طرز خوب لطافت اینر
 عایشه بیاره اولو
 اول کل عشا و غنچه
 زیبا یک غنچه دل صاحب نظران
 بلبل شیدا کیمی هزار باره
 اولو و بر ششدر
 دلار با سینه صرف ایل
 مانند کعبه علیا
 ایل فضایل و تحقیق بر فحواسی
 یا این من کل فحواسی
 مکان بعید و دیار
 سحیفدن موقوفه احقاق هم
 و مطلع انظار ارباب کرم
 او کو بحث شده
 رجال رجال عالم اولان
 نینده بدی ای فارس میدان عرفان
 بکون سن سن نینده
 چورام اولشدر
 کو که حس تویر نه چون
 کو ستر رس عجز و تقصیر
 دکل قنادنی کوروش
 کمرینر
 شکر تنگینی کشف ایت
 اینم پر هیزم نابعلیب
 بو اوراق عجز نشان و
 الفاظ و عبارات پریشانی
 تسوید اید و توفیق خلاق
 کریم معین و رفیع اولم
 بو جموعه سیو و نسخ مطبوعه
 نک اواسنی جمع و تلیق
 اینم دم لکن اکابر زمان
 و اعظم جهانک بو مقوله
 جواهر غنچه ایلوب باره و حرف
 ایل صدق و فخره ایل
 لو بوم ابر و هوای دانش
 و اذ غلرینه نه با زیندر و از
 ایل نه هوامه اولو
 قوری مدح و ثناء
 دن سنه حال ادم و بیت و تصنیف
 ایت بنم و در بسی کیم
 دیو یوزینه تویر و دیو
 بی سیم و زرا و بیج تصنیف
 اله الم لر و مالدار
 ایل و بیج ایل کاله غنچه
 قلم کر پیش تذکره کس
 او قور لر

استاد

سجده

کوردش کمرینر

اند که نشو اندر بلبل هر آینه نماند بیت افضل اعلی و شوق حال اول
 جل خایه زنده نه شود قوی و ناز کن در ارج و آودر عجب حالت که بازار جهان
 متاع و غانی که لب صوم اما که نماند عجب و حالت طور مریب صانع
 و غیب واقع در که اسرار معرّفه ذره به میل و رغبت و عین هر طرف
 نیز طعن و سنگ ملات المکده در بیت معرفت نیست درین قوم خدا یابی
 که برم کوه خود را بجز ندارد که لا حول و اذی قیات و تضاعف رزق این
 نطق اوقات غنائی افترا خدای کورینوب مرایای امانی و آمال تصادم
 غبار خون و ملال ایله مرزنگ و مغلله چهره مفقود که بوسه آنک بیاض و نوحی
 حیات ناخبرده و جمال مطلوب نقاب تقصیر و قلمشیدی و بوسه بیدن نو عوس
 مرام خجله نواح ایا میده ستور فاکو تازانه سنی و اجتهادی از الوب رکوب
 توسن رجا ایله سلوک مناج و اد غیر مقرر و اوشید
سبب نقاب و ذکر اوصاف و القاب جناب عاقلی
 مکرر روز بروز و بر وقت سعادت افروز که آسمان شرفدن ستاره بعد
 ظهور و بروز آیتش و بر زمان بهبود لطافت فردوزه که افق برج صعوددن
 کوکب اسعد خسته نمود فلک الدرج طلوع صعود آیتش و بر زمان سعادت
 اقتران ابریکه تعاطی کوشش طردن چهره روز کاره روی دلوی دلبران کبی
 بر افروخته و کل کل و تناول افراح و انبساطدن و من غنوم و من الکلیه
 درون عشق محزون کبی سوخته و کل اوشیدی آیام سهرستی صبح عشق
 اول کلکست و مد هوش ایدی تادم نبرد و خشم غموم و دهری فراموش
 آیتشیدی فتنه چشم عیار دلبران کبی خواب صفاده و نواب و احوان و حواش
 دور آنک کورنگ یوزی او غلام پرده احتجاب اختفا ده آید

ادری

شعر و زنی که دولت بر و مند بود . نظمهای سوار سپیده بود .
 اتفاق عنایت بی غایت کریم حلاق ایله اول آیمده افتاب عالم تاب
 بوسه و ارجل حوتن خلص و مناس بولوب تخت و روز بروز و قدین
 مقام خاص الخاص اولدقه بلبلان نغمه دازا صدای بلند و ندای دراز ایله
 اطراف و اکاف زمین و زمانه او از هاشمی م عالم پر در کربان جوان خواهد شد
 و مرغان خوش طمان و قمارخی هزار دستان صحن جهان و سهرای طمان
 پرناله و افغان آیتشدم نفس باد صبا مشکشان خواهد شد . همانا بخیر
 مست اثر دن باد سبکبایی سهرای گلستانه فزاش و ابر جابک دست
 تزیین مقصور زمین ایکن نقش اولوب باغبان جهان و شط طکتنا
 سلطان بهار ایکن نو و دس باغی حلک سبب رابقه و طرار مذهب باقه
 ایله نوشج و رخسار کل طری و خط زنگار نقش طریسی بنیم شبنم روی
 ایله نوشج اید و مجر کردن نسیم صبا . بنیم مجلس بهجت فزایکون
 بخوردان لاله ابرو اکلر لر افروخته و تطیبت مسکنان بهشت مقام ایکن
 بحر شقایق سخانی نوحه جزو انشا اند و خسته آیتشیدی
 مخدّرات چمن جلوه میکنند آروز . عوسیت نبات نبات را پندار
 صبا ی غایب سالی بنیم مجر بوز . شمال چهره کشای و دلا اینه دار
 مطربان خوش نوای بلبل نغمه سربان ملایم صدای عنادن توجّ خواطر
 اهل دل ایکن کل شبنمیده دن دستنه دف بهر جلجل الوب بهر بنیم روی
 و صبر اوراق شجوی ایله نقش غم و صورت المی سینه عالمیان دن
 بهر تصفله حوایک مله نرم و عالم کبر شو آغاز حیانت و کرباره جهانرا
 سر سبزئی عیشست زمین و زمانرا . تاثیر هوا در بدن خاک قرینست

درین لطافت بهر ادب و ادب
 درین لطافت بهر ادب و ادب

سلطان بهار کرازاره غرض دیدار باشد و کینه هر کس چشم بجای بدارد
 اولشده و دست کل ملک گشته است سلطان عالیشان اولد و بخت
 شکوفه هر طرف از دست زشتان او کو. بصفایان لاله کلاه خنی آسمان
 انداخته ایتشدی و استخار مرغزار هر طرف از اعلام سرور شاهی بالای
 رمان فری فرقدانه افراخته فتمشده **ش**
 چمن از پس کل هرک و نوایی دارد. عالم از طلع نور و زلف دارد
 ابر روز و زهره روز و چمن مینالد. صبح تک نیت که او نیز هوا دارد
 سوسن ده زبان کمر بنده کی سلطان بهار میان جانانه حکم و استوارید
 مدح و ثنا سی لاله رطب اللسان. و خطیب قاری هزار دستان بنابر سرور
 اوزده آیات القاب اوصاف تکرار اینک عذب البیان اولشده **ش**
 بوی شیر از دهن سوسن از آن می آید. که هوش سرستان صبا در دهنش
 ده زبانست و کلوید سخن حق او بابت. با چنان عمر که با دست چه جای خجسته
 اعتدال بیخ خوشدم. اید خراج بر اعتدال عالم. صبح و کلم او کو در و نده مدغم
 و قلبند مضاعف اولاد و فاعلند بی مثال خوف او کو و غماید که نفس شمال
 لطافت اوزده کو که بشمیدی. و خراج لطافت خراج عالمند و غرض عارض
 برودت و سردی بالکله زایل ایتشدی که. اشهر او کونا کون. و معاین
 تقویت مقرون اید تنقیه دماغ حاصل فتمشده **ش**
 می جهد بنفشه صبا خوش خوش بخدا اعتدال. تا طبع را خراج مختلف شد مستقیم
 جمله از بار درون و غار و صفای بی شمار. اید که ده دل فرخنده طوار
 ایکن بنفشه مسکین لب جویده سر بر انوشیروان و کلان اولق خبیر میان کلستانه
 سر و جان و امان او کو بنفشه هر طرف از املقه. و کل عیان بیرون بوز

کو زوب

کو سروب و غرض دیدار اینکله. روی همان خرم و خندان! و لغده ایکن غلب
 مالان هر شب صبا و دکناله و افغان اینک غلب **ش**
 جان غرض ایدر که هزاران نازم حول کل. نذر بخت بود کونا و افغان ای
 نر کس شملام هر کج بنفشه زین قدح ایل شرب مدام ایتد و کن بنفشه انکار ایدر که چشم خرم
 هر صبح ظاهر و بدیدار در. و ناله بلند بالا. سر و غنای عاشق و عذارشال کل زیار
 و امق اولوب هوا با غدن کج و کن بنفشه صقل که رخ زرد و تن لاغدن روشن **ش**
 مقوس سرش از غمی نیست زمانی خالی. اما همه سیم و زرخود کرد درین سر
 شمع جمع طرب و چشم و چوای چمنست. و آن چمن را همگی چشم بود بر کس
 باد صبا باغ و راغ و صفای کوریکه سرور و زدن بر برد. طور خفته است
 بوغدی. و حوای لطافت کلاست. باشد اینکله بر آن قرار می فتمشده سرور
 عنانک باشی طشره اولمغل آب روان اباغی باغ المندی. و شمشاد
 و چار و بوی اولمغله بی سبب با غدن چمنون. او کوشه کاستان کنون
 و بونال بسمن کا حکم صا شدی. سر از طراوت می پذیرد و آسمان عکس
 و زلفاقت می نماید بر زمین رنگ سما. ساحه مطالب قطرات سیاب **ش**
 برو دهل ریان اولشده که خشک سال غموم و اخوان. ظاهر و عیان اولق
 احوال اید. و چمن را امید. رشحات فیض جاوید. اید بر در نه ده شاد و خندان
 اولشده که. ناله آرزوی بال. پشوده و پراختلال اولق نهن خیال
 اید. همانا و مشه روی زمین. مثال خلد برین. ایدی که حوکک طایر داد و **ش**
 هوای خیالنده پرواز اید. کوزا چوب بو می دست حصوله شایه و محسوس
 او کو رو. و لطافت هوا دن عالم بر حال فتمشده که نقش بند آرزو و خنقی
 نقشه که در قخیال صحنه باله رسم و حکم اید فی الحال صوره و مثال او کو

و اشکار

مواهب الیه

شعر ز اعتدال هوا حکم جان نو گیرد . اگر بنوک قلم صورتی بکشد نگار
 بومقوله زمانه غنچه تنگ لکل کجی خندان اوله روادره دلاله نمان
 نشاطی بر آن ، الدن قوسه سزاور بنفشه سبکین ، بنجدم خون و گلین اولو
 غنچه و ملال ایلده باشی حاللیدی . پس شرب شراب ثابیدن باشی فالدره
 بریدره و کس شمشاد عشق با غله زرد و نزار اولشده دفع کنند و ملال چون
 ساغ لعلین لاله ایلست و قیاب اوله و قنیر **شعر**
 میان و دم از ان روی دگسته شدش . که در چنین سره قنیت سر کرا زخارا
 بومقوله زمانه لطافت نشاند ابر کریان ، اشک زریان ، اوله غنچه چمنزار جهان
 اکابرسم کنان ، اولو کُتر آردی ، و بگوونه هنگام تراست فرینده ارعد
 ناله خون ، ایند و کنه برق مدام خنده زان اولور دس **شعر**
 رفت انکر روزگار ستم تیره رنگ بود ، رخ رلعل با زبون زرد رنگ بود
 دان عهد شد که چون گل غنچه خون دل ، و اندوه را بنزد دل در رنگ بود
 آخودمان چو گل بشکر خنده باز کرد ، انرا که بچو غنچه دل از غنچه تنگ بود ،
 اتفاق بر کون یاران صفا ، و اخوان وفا بلکه که هر بری اینه طالع علم و کمال
 و ایامی انواع بکارم و انفعال ، شمع انجمن فضايل معارف ، و مهر پر
 علوم و کواکب نواقب فنون لطایف اولو ، هر بری و دم چشم کجی کوشه کبر
 ایکن قلم و کمال فی شعر . بی درد سر نبره و آمد شد بیکان آن
 یک قلم ضبط و نسیم انیمکه مانند خورشید مشرق شود و منور و صغیر و کبر و کبر
 مثال پر دین بر برده جمع اولو ، بالاصفت عقد خلقة و صحبت امتدک ، بود اعی
 بی ارتباط ، بگوونه خطاب مستطاب بوی برادر که ، اول جمع ایند و کل کمال لطافت
 سمان ، بنج بر بطون مسود اندک مکنون اوله ، و اول کان کمال عرفان در

ایند ملک جواهر بر رغبت در و اج ، بنج دکل حقه قلب محزون کده محزون قلم و مبد
 رشته انتظام چکوب درون دلدن رفته رفتی رفته طاعتیه کربسک عبودیت
 منسک و منخط اولوب کردن افتخار ، و کوشش اعتبار که جواهر او امر لیه
 منضبط و منسط قد و غلک و صدف و اهر بار غنچه کمال لطف بیست ماری
 و کوه مرشال پرورده کان و احسان و ادراک ، اوله و غلک خراف جواهر سخن
 و عواف اربابین ، اولکان سلطان فاضل از من خیر لریک خباب عاوت
 نفاست صورت نیاز ایلد نثار ایدین **شعر** که اوله در مقصد اخلاص جهلانه
 عنایت بخشد اهل زمانه ، اولدر کل کجی عرض ایدین حیا ، اولدر کویا ایدین کمال
 مفیض جود و انواع کرم در ، معین زمره اهل حکم در ، زمانه معارف بگوونه غنچه
 اوله و بر دایم فضل قدر و عز ، متاع فضل و بر کله رواج ، معارف اهل بگوونه ابرها جی
ذکر القاب جناب خواجہ الادب و کمال الفاضل
 و النخبة الحامی سلطان العالی فی الافاق ، مالک ازمنه الفضايل بحال الاحکام
 علم الهمم علامه التورک کشف الشکاک ، حلال المضل ، اوله بکارم الاخلاق ،
 فی الافاق موصوف ، و فی تعدد اصحاب الفضايل و کثر شاک و اهدی عدل الالوف
 موعنان غیاة البصیر ، کختر بینه اصحاب العلوم و الفضايل و ساحة دولة العارف
 محط رحال جلال المهر ، و مخیم منجم الافاضل ، اوله بیک مفاہیج فواہی الفضل و کمال
 منشور و منظوم ، و باسمه التمجید شرف مناشیر استعاده و الاقبال مفتوح
 و محتوم ، خبر کل مجد و مبتدا ، و نهایت کل فضل و منزه ، بالطلوع العکام دار اللعاب
 دار الزمان غلبه و فو فی المراء ، لولوی لای هدف وجود ، جوهر کیمای معدن
 منظور دیده اعیان و شهود ، آیت سجود و محف وجود ، بر صغیر غای الفضايل
 بلغا کماله لطایف معر علماء الایام مجد اول الفضايل و معارف ، شهره و اهر

میدان فصل و عرفان بهر سه راه و مطلع انظار علم و ابقان غوام در میان
 تحقیق و ابقان، کجور کتوز علوم بجز و کران، قاموس لای فضل حکم طاقس ریاض
 حیاض علوم بهر بیاض لطف و کرم، ششید اساس کارم و حسن جم، مصدر افعال
 جان، سنده حرقت و حسن، آینه جمال فضل و کمال، مطلع انوار حسن
 مشرق آفتاب عالم وجود و نوال شعر آن لطف حق که هیچ مذیدست و نشیند
 شکرا نه واجبست که در روزگار است، دره بیضای کمال قنوت، غره
 وضیای جهته حرقت، در دریای کون و مکان، خلاصه جوامهر کان امکان، مطلع کواکب
 مناقب مشرق آفتاب سعادت و مواب، سباق فرسان میدان کلام و منطق
 حدیثین حجام مغرب و مشرق، غلظه غایبه حرقت و حسن، خلاصه تائید
 و تائید و حب و مکان شورش و عین مطلع انوار یقین، ذات فرخ انوارش مطلع
 بر ذات خلک سمات، ملک صفاته که بهر سعاد و خلاصی قطب ملک مستدیر
 کبی قائم و راستی، در فرخ نور عاقدی، مانند فلک الافلاک عاقد فرخ و افلاک
 باین افواه انانه اغصان و افغان مغر و کربلی، در شان سعادت
 نشانه در جلیل عنایت، و جلیل ابی صغیر و کبیر، و برنا و پیر که قاید و دبیل او کو
 غمام انعام احسانی، از بار اشجار اکوانه باران، اولمغه جمله انسان
 و عامه خلق جهان، محی ارم گری و مقتطف ثمار ریاض خود و نبی او شد شعر
 بی عقل بهر حد کمال نورسد، به جان بهر اجه نوال نورسد، اوجای جهان اگر
 ممکن بود در جلال نورسد، حلیم ملک مطلق، و جویم فضایل او صفا قبله جلال
 مشایخ، و کعبه قوافل محاسن فضایل، اولد قریب به قتل کلام در که جمله انام، و
 عامه اصحاب معارف و ارباب لطایف، اوام عبودیت الیه طایف، اوام فی تحقیق
 و توفیق، بهر خواهی، باین من کل حج عقیق، بلاد بعید و دیکر تحقیق شد حال

اید و بصر هم تر ندن که دارالامان جمله عالم در مقیم و عاکف او شد
 نخل سیم سمنش تاج بهر اکابر، خاک در سر ایشان آب رخ افشان
 آن کعبه معانی و آن قبله کواکب، آن منبع انوار و آن مجمع فضل این
 ذات سعادت سما، جامع سعادت دنیا و آخرت، و حائز انواع علوم و اصناف
 فضیلت اوله غیب دکل، اول سنده فضل، اولان سید علما کلام نامی و اسم
 که امیرک سعاد در، و بمن بهر سمن نور که ایل زمان بهر حضور و حضور لرزدن ساحه
 قلوب با و امانی و رضی مطوره، و خازن صد و راقا و افغان فاضل و مثالیست معمور او
 عجب دکل که بحساب کرایم مواهی بهر برق و رعد در شاعر شعر
 کجیست و صل و دست که عالم طلسم است، هر کس یافت حکم سعادت با اسم او
 درر لای ایلک ساحه زمین با دکل که کار زخار دست جوادیم ایشان
 مش کلاله، و عامه خلق غیب و مشرق، تراکم و کائنات مطار ایل غرق او شد که
 بحساب لولو بار کف در پاشنه و کوه تارینه فاضل اول شعر
 کف در پاشنه بگزرد اوله فی الجمله، ابره باغشده و عینی سینه الماسه کار
 اول و دارید صد فضل و حسن خواجه جهان اولد و غننه دایل و بر مان، نه لازم که
 استا و فرمان فرمای زمین و زمان در و اول در دریای کریم علوم ریاض
 و حکم و علم و و تی اولد و غننه خیر دلیل بر اتفاق، نه حاجت که او کسلطان
 اقلیم و فان خواجه سلطان جهان در شاعر شعر
 اسم جهان خواجه اسم فقر و ادیباجه، نکت سرفکر لکن کجاست استغنی
 حفا که بر ذات شریف، و عظم لطیفه که کلستان استارینه آب روان که
 یوز اورن منتظان وادی سخن زمین، آب جوی خوی نیگور ندن، آب جوی
 سیراب و غمام انعام و نوال نیک رشتی و قوای ایل به عامه عالم کلاستان
 انام و اما سر سبز

و شاداب در علی الخصوص خانه درون صفای لای متلالی بل سبوی
 بعلون ابل ملو و شون اولان طایفه شریفه علم و ایوان سعادت نشانی بود
 الشوا و آیین الرحمن در منزل و مکان ایدن فرقه لطیفه شوا و سایر
 اصحاب معارف و ارباب لطایف غیبی جنانی بنایم انعام و احسان خندان
 و هر یک نظام خود و دل شکسته و غمونی الطاف کلام از حد بیرون بر کمر
 و شادان او شد **شعر** بود عواقب تو در ره دی محمود بودی تو در وطن مشکور
 برار کجا با نثر جلیش مجبول بر اکتب مغافیر طبعش مظهر طایفه کلستان
 فصاحت اولنک کشید لغنه با جنت کل روی خندان و طوطی هندستان غلالت
 اولنک کو با لغنه سبب کمر لطف آسانی در خوش **شعر**
 و رقی شعر نگاری کیم او فور کیم و کلمات حق و جعفر خیر التقصیر که یوسف شای
 اخوان زماندن کم التفات او اخوان یوسف کجی حضرت عزیزیه تحفه کلام نور
 بفضالت مر جاده ایکن رعایت و تفقدی جانیه میل ایدر ره و کمال کرلمدن
 الا ترون اتی اوف الکیل دیر ره اولک سبدن دایما اخوان ایلر جانر
 جانب مع احسانه کیدر ره و هر بار بو کلام با نیت انجانی تمام تکرار ایدر **شعر**
 با حسن من لطفک احسن الینا تا الله لقد اشکرک الله علینا
 شعر خاک جعفر تر سبک یو بود وجود بادیه سار لونه که صحن سینه زار
 آفتاب عالم وجود بابر افق دولت و اجلا لدن لام و شارق اولک
 عونت و انبیا کبر دولت روز افزونی و مایه قدر آسمان مکار مطلع
 شکوت و گدانی دن طالع و لام اولک شکوت و اجلال محبط مقام سبک
شعر طاق ایوان رفیعش را محل آسمان خاک درگاه شمعش خواص کجیا
 شادی اندر نام او غمسم چو در صفا طاعت اندر ذوق او مفر چو در انجم صفا

آسمان قدری قدر آسمان کجی میجا و زردار ک افهام و سپهر رفیع نوعی شهر
 خارج حیطه ادراک و نام خورشید فضلی فضل خورشید کجی سطح و ظاه و غام
 انعامی غام مانه دی متعاط و متواتر نور طلعت طلعت نور کجی بارق و با هر
 صحیفه شریفه خارا عاظمی نقل نفوس حقایق و لوح ضمیر خورشید تنویر
 مهبط انوار دقایق سخنان طبع کو هر افشانی منبع اسرار الهی و ذوق نقاد عالمت
 معدن الطاف انصافی است وجود تو محیط است که بی غور و کفایت جاه تو جهانت که بید و کمر نیست
 آسمان سعادتی است رفعت و علا و بلا فرقی فرقی عینو قلعه
 طاق فلک نگاه ایوان کواکب بر ابر بلکه قلعه سماک و قنبره افلاک دن بالا و بر
 الحسب بریدر که اندن منزل مقام ایدن اول سعادت کبر و جبریس انور در
 و بوی دجلوی نیکو سندن شام عالم معطر و خود سعود خلق محمود دن
 و ماغ بنی آدم معین و منیر اوله رواد که کواکب سالیج ایدن اولات فضیلت
 مشکین ز طیب ناله خلقش شام کل روشن ز کرد موکب تو چشم تو تیار
 شمعن کبر و کونر رواد صدای کل بوی ها خلق فلک کوه که هر دیار
 بنا دولک سپهر انتظام کراساس نیکو کار ایلد است حکام بولش دیر
 لاجرم شرفات نام ایوان به احترامی مناکب جوزا و اطلیل ثریا ایلد حکاکا
 ایلد عجب کلدرد و فاعل سعادت و احتشانی قوایم اصول قبول و بطوع
 اوزر مبنی و موضوع در پس عایم سقف رفوعی ایوان کبوانه مبارک
 قلعه غریب کلدرد به اقدام حوام انتظامی عین بشکورد هر شیخ سبن
 قطره نبات و خرقه خام سنگ ظلمات دواتن افواج اینه دکی قطرات
 مثال آب حیات در که جمعی عظم رفات اصحاب جاد کلام روح بخشی دم سید
 دم اور و غنی خرم حمله عالم و آرد مر که هر روز ایلد بی یک لوده کرا حیا ایدر

کسر در

شعر حاجت بقول نیست که بی منت سوز آل حاجت سالک از در تو شود روا
شعر مسیح وار کند زنده از دم خوشه مکر که لفظ روانش بود در وان سخن
 عجب کند که رضای اصحاب باطن رجا به بی رحمت ادویه و عقاقیر کلمات
 جان فراود پذیرد بر آند بخشند قانون شفا اولور و معالجه و مداوا
 اطباء جهان و حکمت اندوزان دوران و والد و حیران قال فکری مضایر سوز لرزه
 علاج دو و ابولور **شعر** در عبارات تو توضیحات فهاج فهاج **شعر**
 در اشارات تو کلمات قانون شفا الفاظ و عبارات و کلمات پر کنایه استعاره
 قدرت و استطاعت بوق که قنطره حقیقت مدح و اطرالینس مجاز مقدور و
 و شهرها قوت متفکر ده اول کلو مکتب قات بوق که هوای شایع و انتهای
 لریدن بر دوازده یک لکن و سوز اوله اوراق آسمان و اطباء زمین زمانه
 الم ابر و که مناقب و معارف بید و کرانه لرن تو بر و نظیر ده قادر اولم و دشوار
 و دیاری اقلام مشکبار انکه قدرتم نیک مدایج و منا بکربن انکه تو بد و کثر فلم
 شو گشت در شرح نیابت فلم سر کردان روزگار میت تا در سر او این بود
 قوت ناطقه که صراف نفود و اوصاف و طوطی سر استان نون و کاف قدر
 و آله و حامیه و متاعل متفکر در که بوته قلند قال اوله از خالص عبارته
 حال قال ایل اول جناب معانی یک بوته اوقفا و القابنه شایسته
 و لایق اوله و قنغی لفظ شکرین و کلام شیرین اول سر و ملک فضل
 تملکینک توفیق ذات شریفه نظر باقدان معانی و بیانده رائق و شایقی
 اوله قطار اختران و خوش احتمال احوال لطف معروضدن تشکیر
 و سکندر و میدان درلق اول ذات کریم الاطلاق و شریف الالواق
 رکضات کینت توصیف استرمان استحقاقلر نه غایت حق و سکندر

شعر

شعر و اوصاف کمالا تو از شرح نیست ما وصف تو نه از ذکر شری است
 بخت شهر و توام در که شهر سوار میدان ارک و لان زمین قاده و عقاب لاک
 قوت اعتقاد فیض الهام و نیروی بازوی بلاغت و انسجام ایله تو ادب
 صنوف عبارت و قیاتی فنون کنایه و استعاره علی الدوام تر کن نازده و بچه
 و سور و آیات در که شهرها زبال بلبل توادم و حوائی فکر و خیال ایله هوای حقیقت
 و مجاز و فضای طلق و ایجاز مدام پروازده در لکن اول ذات ملک صفای
 و فلک سمانک سر منزل مدح و ثنا کند اصل و سماء مناقب لایعده و لا یحیی
 نایل اولی امثال و محض خیال بلکه ادنی شرفات قصر عابدین ناز اولی
 و رای قوای طایران و صده و عینه امکا و بیرون اقبالم انقدر کسا کون و کاد در
 و لوان بی فی کل نیست **شعر** **شعر** لسانا استوفیت غایه و صفت
 کر زانکه سده رانم اعتقاد و صدیک وصف تو نتواند شمار کرد
 مسکین زمین سجده دایره اول افتاب دولت قاهر و خورشید سلطون دولت
 باهر نیک و دیکان رفعت شانی بلکه قاهر اوله عجب و کل افلاک معدل النهار
 و اسطرلاب مهر و ماه ایل اول ذات سعادت پناه و جلالت جلالک در جات
 مجد و معاد در ک انکه عابد و حایر در **شعر**
 سپهر و نسب آن خواجه جهان که شده است بذات خویش صفای کمال احاطه
 ز قصر قدر رفیع وی اولین پایه رواق تاسع افلاک را بود عاشر
 مبادی جالذن بوستن و سالک طریقه انمار او امرای و انزجار و او
 مناسیح شعار ذات سعادت کردار و تحسین و تکمیل صفای ذات مطبوع افلاک
 و شمایل لرینک دثار اوله و غنندن غیری بو منقبت علیته و سجدیه جللیه
 ایله ممتاز و سر و خلق جمیل ایله کشیده بالا و سر افرازه او شکر در که انتظام

امیرجهور

وضبط و ربط بلاد و ثغور. تعیین مناصب ارباب فضل و کمال و بالجملة جلالت و جلال
و جلال تعلیم و ارشاد جناب پر صلاح و سداد برین مقوف و موقوف و دهر آن لوازم
تمام جمله اهل اسلامه موافق مشغول او گو. آمدند اصحاب حاجا طبع عالمی به بلال
ولی نزد نزد و اصحاب ارباب مناجات ذمه شریفه تعب و کمال و بیشتر هر عالم که
جناب فضل و علم به بحث علمی الفایده فی الحال و لغت کمال صورت
اضحلال بولوب خیر ظاهر و ضمیر ان ضمیر سعادت ظاهر که بوهو ایلد تر و ناز اولور
و چمنه طبع بافت در کمر بر دمه اکتب بضراب بحد و اندازه قلمور
چه حاجت دلت ابد فکر و نظر ز نور عینیت شود بر تو آشکار است
نارنت بود آن کوزه در فنون حکم که در همه چو حکیمان یک فن ماهر
اول علم جلیق برده و در کس از تنه بل کف برده بر امام فایق در که جمله
اهل حق جناب بر اختر امنه که نفس عطیه الهی و منبع سعادت نامتناهی در
افتد الیه سرایه و عاقله اول فضل و کمال و کمال و فضایل
اغتراف اید لر و ذرات توده صفاتی که کشف کمال و حلال فضل در کشف
اسرار کتب و خرایا و رفع اسما و حجب و خفایا و قدردانیه و صدور و عجز و غیور
اغتراف اید لر و بضا و دخی حکم انصافه و قاضیه بوجوه حکم یک شبهه را
اولور و علم حدیده بر رتبه عاقله است امام اهل امام او حد جامع اصول
فضل و کرم رای اخبار حسن و حسن و در و ابکار اکتفا کشف به تقصیر
و موسی اوله عجب کل که مالک فضل صحر کبر و ذلت رفی و مغایره مصباح
ذهن باقی مستلانا و دشمنان اوله غیب کل که احادیث کمال اکتفا
معنی صبح و صحر کبر علم اصوله کنه حکمی مقتدای جمله اناس و بالاجماع
اهل سنت و جماعت عام و خاص بمانده فضایل کمال خارج حیطه عقل و فیه در

علم نور عیار الطیفه و استراش بر لبه تیغ و توفیق اینه و کی نه محل
کلامه که قدر کثرت و کلا سلام و اول هر آج و با یک سالک و ناسک لکر
منه حاجت موصل مطلوب و بغیه اوله و غنیه ابراد و لایل نعلیه و بر اهدین عقلیه
نه حاجت که منار فضایل بحد و شمار بشهود و منظور جمله انام در و علم فقه
اول خلاصه الهی علوم و مختار ارباب حدود و رسوم و اول و اثبات و نواکرده
اصحاب فضایل و فواصله عده حایز کمال و معارف بلا عده هدایه رجا و عتاب
بیر و ایلد عارج موانع درایه و صاعد صاعد فضایل بلانایه او گو درایه
محیط فضل عرفان و جمع نیایح تحقیق و ایتقان اید و کی معلوم و مجرم و عالم
شوا و حقیقه نانی ذلک نولا اکا فضایل بجزه افاضل و لیدر که عیان
و علم کلامه اول مقتدای نام خواجه مکتب حدوت و امکان معلول علل
فضایل عرفان و آتف موافق پیشمار مبادی نظاره مقاصد و مراد
اصحاب نظاره و اصل پیشوایان تحقیق و ایتقان بجه زمانه اکتب
ایند فکر حقان و دقایقه بر آنده نایل او کو مقام فضل کمال طبعا جلالت
رفیع و منبع اوله و مانع محلی بیک و کماند که بر صحر رتبه فنی و اتقان اولور هر کون
سده سعادت نه رویال اید لر و هر آن اصحاب مطارح و مباحث استنان
حکک سماتند و التفاضل جواهر معارف کمال اید لر
ذات بی مثل و عقلیت به تو گشته که سر ایا همه علم و هنر و حلم و ذکا
ایمانی فضایل و ارباب فنون و الامم بی انجام دهر دون و غنوم و غنوم
و از کون دن نه غم چکر که باب عایسی عاقله موافق پسند در و موافق
کتب و سایل بخون محتاج و سایل اولور که محب اول اول ذات
امجد و اسعد در اول بر کنیده ایا موز و شرق خد شکر نیک علم عاقلی و منطق

مهارت و قدری بیرون تصور و تفکری و گوی جلای تحقیق و عرفان مقید بود و دعا
 اید و اول ذات فضایل ارجا به قدر آفریده نسبت اول نعمه لایق و شایسته بود و کل اید و
 حکم اید و بوقضیه نک صدق و قوی نور افتاب خورشید کجای ظاهر و عیان فطرت
 علم هر قوم که خفته و حلاج جوی و کلی سنی جامع و جانم و در قایم حقایق و جلال
 و رقایقند و اسرار و کائنات از لایه برید که جناب جلال است و فضایل و چه حد و
 اید و مورد و صورت فضایی علم و نور و لایق و اشکالی و تصورات و تصدیقات
 فی مظهر تفصیل و اجزاء و اید اوقات و اشکالی ایلد بالیده معلوم و مجرب
 اول و نه جای نوبت که نقوش و صور الفاظ و عبارت لوح ضمیر منیر فضایل ایلد
 محرز و مورد در جالبینوس نمان سعادته و نوسلرزه اید و قدم عالم شیشه سندان
 دم و اورمزدی و میان حکما و ده کج و لک ایلد موسوم و لیوب در یافت سعادت
 اید و بن مایوس و محروم و اول و اید و علی سینا زمان بهر نوبت و سنا لرنده
 حاضر اید و ذات فضایل و خورند قاعد و قان و نون اوزر و تفصیل علوم و فنون
 اید و اراض و کل شکوک بی محلدن شفا و نجا بود و اقتضا و احتیاج
 انواع فضایل و اصناف کمال اید و در کمال غایت علمش علوم مد که ظاهر
 زکته آیت نقش نفوس ناطقه مضطر و علوم غریبه و فنون عجیبه علی الخصوص
 علم و فائده و علی الاطلاق میان اصحاب استیمال و استحقاق قدیم
 افان اید و بوفن بر اعتماد و وفا فده و خج استاد و ماهر اید و کینه اجماع و
 الطباق و تشریح و عجایب حالات و غرائب اتفاقات در که جناب فضایل
 مانی خود که مدبر علیه بلدم خانه ده مدرسه و بنای ساری وجود
 بر خود لرنده انواع فضایل و حضور و کمال با معدود ایلد و شش ایلکن
 علم و نور و فی الجمله کوشش و در شش ایلکه بوفند و استاد اولوب

بو علم

بر علم غوامض و خفایا و اسرار خبا بکسی جامع بر گزیده بلاغت نهاد تا لایف
 اید و وفق اید و یو آد و میر شد و فی الواقع کواکب نواقب عزت و شرف
 وفق اید و کت اید و جوق مدت کچین با دشت با عدل و اید و کت
 نو مشیر و ان تر اید و افتاب عالمی عقل و کد و اید و شام نور و شرف
 مراد اید و سلسله بالا و اولاد و بوم التنا و خدمت و تعلیم و ارشاد
 استناد اید و بعنایت استناد اول زمان هر و کام و اید و اول و شکر و در
 منع الله الوجود و بطول بقایه و نور و در مسکن نور بقایه و لازالت نجوم
 بافاق الوجود و طالع و مشرق و السج جابم الاث و بسوابع المدح
 و الاطراف منطلقه حقا که مثلث و در جاعا و فاق اول است و در اخلاق
 خضر و رنگ دست کوه با شمع بر انفا فکرة نجه تا نیر انسون که اثر و سعاد
 و اید و فائده و ان رسم و تعیین تصویر اید و سعد کبر و اول و ان کبریم لا اید
 نه حالت ایلد نزع و شفاق اید و زمان واجب الاذعان و انقباض و ارتقاء
 اوزر و ایلد کز قبض و بسط جلای جهان علم قلم جلال و شرف و شرف در
 سبهر را اید بر قطب دولت و ممدار و سناره را اید بر حکمت طاعت و سبهر
 اول و ان خواجه جهان و فضل و فائده و انکشت اخلاق و او صاف لرنده و در صف
 اول و لازم که آیات واضح البینات محامد صفات و فی حسن سلک
 جامع و محافل ان سینه نوع ان نه متلو و فی این قلوب و در فایده
 انس و جان و جوامع و اید و صف خلق عظیمی که شجون و متلو و شرف
 همه کس را شرف و شرف و کمال و همه و نوبی انکس که بنوع علم و هم و شرف
 اقدام اید و قصد اعلام و افهام اید و هر دباره که و اید و بیان اید
 اخلاق و شماره سببی استقبال اید و هر کس که و کدن زیاده و مقدمات اید

اید

سکا نه رقیل قال این شعر بوی اخلاص انصافی بسیار است و صفت است خیر کنونی که
 بر شایسته است آنکه ذکر جمیلی غوار و انجا درج کند هر بار شک با یک طبع
 آنک و صفت و لغاتی است و اذاعه ای که تحصیل حاصل آید و کی نور خورشید کنی
 روشن و واضح و بر ذات خود صفات که ششم نمکست خلق کریمی لطف بی نهایت
 و با دروی زمین نشسته آید. انی ارباب عقول و طباعه بیان و عیان قلمی تطویل و تطال
 آید بوی خود غنیمت کجی ظاهر و فای در شعر بوی خلق خوش است هیچ کاروان به
 سحر که از طرف تبت و خطایم سید. غادر و هم افاق دزه که در وین
 ز آفتاب دولت بر نوع طاهر سید. اول حضرت اولان است روی و طاعت
 وجه عدوت بت بیان. طاهر و زده سندن اولان حسن و طاعت و عبارت
 فصیح سنده اول لطف و حکمت. لطافت روی هوشان بهر جهت و کج
 قابل تعبیر و ممکن تویر و روایت و کلامی رفیق حکامی زمین مد آمدن. ارق و
 لطف در سخنی در سخنی بدن حسن و اطراف نام کلام که دمان به انتظامند
 عیان اوله پنج جان بهر دران روان اولور و مکر افغانی سیدی که در ده اصحاب حاج
 ملک اوله حیوان بود غایت علو جاهله نهایت سکنت و کمال کنت و اقتداره فوق الغایه
 در ویشی و سالت نفو و علما ایلد کمال ملایمت و انساطی و فراغت و جبار طبع
 اولان چشم و غضب و ابطال احباطی افلام بهر اعت انتظامه قابل اعلام و افهام و کل
 آید و معلوم و جزوم جمله نام در حالی که هر نفس مجلس انس و محفل قدس سینه
 داخل اولو صفای کلام و اوله گوش و خاک بسیار با مال بید مکر و در
 بهر طره سین نوش آید با کلبه کند و بی فراموش آید و ب نام خشم و مدح
 اولی میفر در احوال فرخنده فالری علی الاجمال و بوموال اوزره و بیان
 اینست در و کواکب نواف ایضی شارق و مطالع مابر و ز ظهور و در و طالع

و در خن اولش که جناب بهر معارف افضان تاریخ بخت رسول بهر جلاله در
 از و یکم بهر سبب سادات جلال بهر نیت و اربعین و سعادته بهر عالم و جو
 نشانه پر جودی قدم بصوب ذات فرخنده و سکود ایلد و جن جهان تازه و خرم
 اولو هر کوشه سی رشک کار خا و چین و آرام گاه ارم اولشید زوایای
 کردون و اقبالیم بهر سکون انواع شرف و سعادت ایلد و چون و اصناف
 مستر و اجناس بهر مودون اولو بهر غیب کل که افق وجود و ششم امکان
 طالع و خن اولان اوله کبر در و سهر ابای کلک جلال انوار انوار ایلد
 مالا مال اولو بهر غیب کل که مطلع حلاله در بارق و شارق اولو اولو خورشید انور
 شور و زولادش چو نظر کرد شتری. انصاف داد و گفت اولو سعد اکبر است
 و زولادنده راهندان سپهر تقدیر و سنا رشتناسان افلاک مقدر السیر
 اول ذات جلال نهاد و سبکات نژادک سعادت طاهر و بخت خدا داد نذر
 معلوم و جزوم آید بلکه عن قرب الزمان و بونوردید اکابر داعیان نور دیده
 منظور و مقبول خلق جهان اولو عالم فضل و کمال در هلال مثال مشرب الیه بستان
 اوله کرک و مسکنان فایده گذار و طبع زمانه باستان و انار و چین حکم و ششم
 اول ذات بزرگواری کلام فرخنده اطوارن کوریک جزوم آید بلکه سمن مانده
 خواجه جهان اولو بهر کرک نشین فرح آن ساعت که طالع شد بعون کرم کار و افتاب فضل و ششم خورشید بر آرد
 بعد ذلک بهر خجای قلمایع استن آینه علما و ادبی تحصیل علم و کماله سالک
 و ذات مستنای سن تمیزه بانغ اولو انواع معارف و لطایفه بالغایع طایر
 و مالک و لیتی فانون معاد و اسلوب مهور اوزره افاضل کارم نامعدود
 خدمتند تکمیل اصناف فضایل ایلد سکود اولو بهر سوسن دزه زبان ششم
 مدح و اطوار لیل طبعان و عذب البیان اولو بهر ششم

هر کیم که این رسیده و در حال کل کیم . عاشق بی ساره و لورده ایما بل کیم
 بعد سلطان الاضطرار بر مان الامان قدوة المفسرین اسوة المتأخرین
 کشف الشکاک . حلال المضل . شیخ الاسلام . مقنن الانام . ضیاء الصفا
 دانش و ادعای نعم الهادی . اولاد مولانا ابوسعید احمدی . و هو ان
 لم یسج الا بام بملک فی التوارخ و القواد . خدایه و دانشمند و لوب
 سیف صرام . و اسد ضارم خدایه و ندرین ملازم اولاد قد صحرای بی توین
 تدریس عازم اولاد قد . اولاد او نور افیه ایلد مدرک علییه و ادب ایلد بهر مند
 و برادر او شکر ایلد . بعد . و حوسه بر و ده فرق ایلد مدرک یلدرم خایه
 تحصیل انواع فضایل سعادت جاد و ایند انشرا ایلد . جلد دن مولانا محمد صالح الدین
 و حوکن توارخ بی ترجمه ایلد . و ان . لطیف و بلع ایلد کتاب بدیع انشرا در که
 استاد زمان . و خواجه جهان مکتب وجود ایلد . و نظم و مثال کور شد
 و منشیان عالم . و سخنوران بنی آدم اول کلام بلاغت سماک فرسج
 ایشتمند عبارت عایقه و استعارات رابقه سی غیت غای ایشتمند
 و کلام طبع و الفاظ عباراتی نسیم حردن اعذب و کلام بر انتظامی
 نمودن حسن و طیب هر صیفه ده لطیفه او هر صیفه سنده پنجه فرجه هر صیفه
 پنجه و ف هر نقطه سنده پنجه نکته هر روزن پنجه کتر هم اشارت پنجه نارت
 مندرج و خلال طور و و ف کین غروفن حاله حلال کمال مندرج در
 کتاب لحاظ العیون التوا . و لفظ کمال الزلال البواکر
 و نظم کازمار الحدائق رونقا . و نثر کانون النجوم الترواح
 نقایس در کمن نایج خاطر . اذ اباح لزمی بالبحر الترواح
 اول کتاب بلاغت صفا . انعام ایلد و بعضی در زرا عظامه ایلد کلامه بر لزم

اون پنجه تر فیه او غمشدی چوق زمان کچدین بایه و کلامه در سلسله طایفه برو
 ایلد مرتفع و معلی و کوا اول بایه بذات فضایل هر یک از انواع غوت و علا و شدر
 سعاده اول منصب که شریف جناب شریفی ایلد موز و شرف اولد . دولت
 اول کسبه نیک کوشن لک جا . جوامه کلام بر عنوانی ایلد موقوف و شرف اولد . بعد
 قدر مدارس ثانیه شوای بایه ایلد . اول مقام کانک مجتبه تشریفات
 حوری هر شکر ایلد معادل و ش کل شت بهشت اولد **منش**
 منضبله بولدی غنی خلق جهان و . بولدی شرف وجود کل غوت و علو
 بعد بخت و سعادت دن اسعاف و اسعاف ایلد باجسته سعادت نژاد سلطان
 و ادختر تدریس کشف ایلد . بکن خواجه اولد غنایت بغایت رحمان
 بیکران سبحانی ایلد بهر مند و برادر او شدر . اولاد نازدن برو و شدرین
 مقام رفیع غوت و علا و ادنی بایه شرفات رفعت و عظمتی فرق و قدین و ورز
 مرز میندن بر نرو بالا در جمیع مبارک و نعلی سهر بر غوت و رفعت با و خلده
 و انام غوت و سعادت لری الی قیام الساعه و ساعه القیام مستند و مؤید
 ایلد . و هم سهرای وجود سعادت بر ایلد بیستان جهان کی خوان خواند
 مصون و طوارق و نوا ایلد نازدن و موسی و مامون **طی**
 او درم آمین دیر روح الامین . کم درون دلدن او شدر این
 بوننده و طبع بزرگوار و رینک افتد . بر و تبه ده در که افلا مشکیار ایلد
 قابل علم و اظهار دکلدر قطره منبع آب زلال . و ریشه نه کشیل سال
 ایلد جبهه ارقلوب اهل معارف و کما تحفر و منظر . و عود عبارت مسعود . عنبر
 ساری کلام مدوح و محمود ایلد و ماغ مستشفان فضایل و معدود
 منجر و معطر ایلد . هر بار دامن جهان بانه کوا هر نامدار و جوامه بر اعتبار

نار و انبار انک طبع عکاء و ذات کامل العبار لرینه شعار و ذمار او شد
 تبرکاً و بتیناً خواید طبع آتش افروز و نوادر هر حکمت اندوز و لرین بعضی صیغه
 اخبار و صیغه اناره ابراد و اصدار اولند بوبرقاج اشعار بلغت شعار
 اول ذرات خود و اوضاع و اطوارک اول معدن لطف و فتونک اول منبع
 گرم و درونک اول حریت و فضا یل و وفانک اول سر دفتر امیای الفا
 و احکامک اول و معین جود نوالک اول ناصر و معین اهل معارف و کمالک
 آثار افلاک شکین رقام و نتایج طبع فضا بل انتظامند کلام

چونکه غایت بی غایه ربنا و اله و اعظم جاسیجی اید بوطایر معیون بال
 و همای میایون فال که هوای کماله بر و از اید پس لایقید که اول بارگاه
 جاه و جلال و ایوان عباد و اقباله آشیان از اول و بوجده چرخ جمال
 و غایت پر غیغ و ذلال که تنوع مکون و سر پرده غیبین ظهور اید سر او در
 حرم سرانی مکارم و افضالده مقبول منظور اول و صدقه رشیده که اعضا
 اشجار انواع و انواع و انوار پیمای اید مالا مال و زمین لطافت قرینی احسان
 و اجناس رباعین اید خلقتش اول و اکاشایسته و خلیقه که کاپ
 توجگاه جناب سلوک بنامی اوله
 بر لطیف آینه در بوی که زمانیکه ظهوره لطف و احسن که لایقید را و کور منظور
 شوز و دان نه نیکوست لایقیت مکن بو العفولانه حار فضایل
 بلکه آشیانند زبده و عقاب عقابین زبده الموش عین لیب توان
 دیده در ملک کلستان التیاجد و کرامتند مال آجوب کمال اله و اعظم

خدم بارگاه شکفته و خندان اول فله مقاله کله و جمله خجسته و دست بجا
 مقال انفعال ایل بسته بر و کس بدعا موش بدی حسن و بهادره مکرمین
 نظر عطفند جمال بو کو معالعه میایون اید نه الجملة کمال بوله و خشک سال
 محبت و ملائک ذیول بوش و آسیب عموم عموم اید بهرک و بار صوفی
 بر نهالدر مکرمین مطار حمت و افضال و رشخ مدد ر مکرمت و نوال سر سبز خرم
 شو گر این بهره مس قلب اید از نور و اج ما شود روانه بیار کارگاه فضل و کمال
 بود که صد رشیدان بارگاه کرم نظر کنند بر افتادگان صفت فعال
 معلوم مجرم ذوی الباب اول که کو کتاب استطاب اوج فضل و رزه در فضل اول
 سلطانین ماضیه آل عثمان و فضل ثانی شهراده کان و صفند فضل ثالث
 و وف ای تریتی و زنده علما و شوا باینده در

اوله

و صدقه و جند ربع سکون و ضرب جیام سعادت شخونی و بطبیطا
 محطه اوقات عظمت و جلال اولوب خشتین اقالیم جهان و بالطلوع الارض
 آیین جمال کمال **انا جعلناک خلیفه فی الارض** هر دایره سپاه
 ظفر نپاه مطلع انوار السلطان ظل الله اولوب اولاد اجداد کعبه اذ غمانند
 بر تواند از قهر وجود اول و نامدار لر و وجه محبت و قبله تمکین صلاح امور عباد
 و بلاد و نظم مصالح معاش و معاد اید که حکم تیغ زبان اید ملک بلاغت
 و بیجا نشوده اید چو کان بناندر اید کوی نظمی بوده قبله شهر بار لر و صفند
ذکر حضرت سلطان داد بن سلطان محمد خان که بنزاه
 اولاد اول دو دمان کینه لسان و خاندان لطف و امتنانند کند و
 شعر بله شعار دیر و عصبه بلاغت و میدان فصاحت و صاحب کبر و دار
 او کوه راج خطی به محاسن خطی به منظم و دقایق تیغ از مایه به جفاقی

آرا به به طبع انبیکه صاحب کشف و الفهم بیخ بی درنج ابد فتم نراش اید و دست
 و زبان اید و امن جهانیا که هر بارش اولان سدا طین جهان خزان
 فرمای زمین و زمان به نهار بخش ریاض اراضی و مالک طراوت فرای صدای
 مناجح و سالک و اسع کننده حرم اسلام بار و کنده طعاع کفره نیام و آفتاب
 حاکم دولت قاهر و ماه جهان افروز شوکت ماهر **لله الشکر**
 سر کردن کن و نای داران . پناه سر و ان شهر باران
 فایح حصون و طعاع کاسر عبید و د و سواع اکثر مالک و می عا کفره و سوجی
 ابد بخیر و پنجه صاحب که و سر بر اولان سر دار کفار که بر نی قویس المصیر
 ایدن بلاد دین و ایمانی به عا کس و اولاد اجداد کین عفا نه به و کس
 اولان ابو الفتح و الفار و حرم سلطان و ادا خان عا در و قوم افلاک سلطنت
 و مالک سادی اولان که صاحب ملک شتری در عا و دانشوران میل
 رغبتی با طایفه شریفه فضلا اید محبت و الفتح اولوب عزات غیر هنر و ران
 همیشه منظور نظر انعام و احسان و سفینه سینه اصحاب کمال استوفی در مای
 سحای خا و ابدی بقا نشان صو و حکایت بو کونه رسم و صورت روایت
 ایشلر در که اول کوکب برج شایه مهر عالم افروز پادشاهی خاقان
 صاحب قران مهر هفتگی کون علما و شوالیه قران اید و کاهن کلا علوم
 و فضلا فنون دن صاحب و مناظره و کاهن عارف و لطایف کونا کون اید
 مشاعره و دی و ره اید و سده خشم عشرین و نمانا و ده بیعت بهای و کور
 او کوه سر سلطنت صلو س عا و متو و کور اولان سده سده خشم خشم خشم
 با ایتها النفس المطمئنه ارجی الی ربک راضیه و حسیه نه اسنه اجابت
 اید و سبهارها آشیان جهان دن ریاض رضوانه پر و از قلوب

فاد خلی بن عباد و اد خلی خسته در مانیکه جنت برین و اوج علی بن
 آشیان سازا و کوه به خلد خدم و طبع علم تک نه نام اید و نم عالم عفا
 خدمت اله فرد و سس کان و قدر سس آشیان ناسک ناسک حکایت و کمالک
 سالک روایت او کوه به کار اخبار ده فواضلی املک بصل خنج و بیانه
 کوزر کی در و ولانی ثمان دن در که هر کون بر در و بش و برش که فی هر
 خنج نان کور و کور لکن عالم باطنه سدا جهان اید **شعر**
 حشت زیر سر و بر تارک مفت اخیای و دست قدر و کرم و صبا جای
 کونه و بر این تخت سلطانی به دشمنی و کلاه فوری نایج بر این نایج
 دهر و دیر و کون پادشاهان صاحب تختی شهر و تختن اید و در
 و پنجه فنا دکان کوی ذلت و هوا به تخت سلطنت و سر بر خونه اید و کوری
 بر در میگرد و رندان قلندر باشند که ستانند و دهند آفرینش استای
 سدا مسفور اوای نامدار و عا کر شیر نگار اید کشت و کوه و دشمن
 کور کن نداید و دیر که ای پادشاه با عدل و داد و ای موسم شریف
 را و تخمین و بین اوزره اول که وعده بقین او کوه جان به پرب و کین
 سکا و بر بلان دینک عدل سی نم در مدت کرد و دار و نیت کنا و افر
 او کوه شدن کور و سفا عالم عفا به عا او کوه چشم جان و دیده جانکی
 جانب نیاد و دو ندر و رب ریاض ملک عفا به ناز اولان و نطق و منصو
 دخی سرای عا و پیر آی و تخت بر سر و در رینه کلوب نرین مقدمات صیافنه
 مباشرت اید و علما و صلی و شایخ و فوا به دعوت قلوب حضور و کور و کور
 تجدید به نای و دنا بت ایشلر و بو حاله دن بر آی مقداری مدت کچین
 بو غار و زردن سرای سرور و حلت ایشلر و نورا اید قبره بو بر کی اشعار

صحن بهشت باغ رضوانه مقابل درخت جنتش مقابل به نهاد استاد عقل
 گفت رضوانش بیا این عرصه می آن قصه ملک مد ارسن گانه بنا انگ ایله
 قدری شوای یابنده ابر کرب علم و کمال کوکده استند و کن برده بولد
 و مواید فواید فضل و انصاف ایله کج غلظت ساحه زمین و زمان و کون
 ذکر مدایح و معجزات و تعداد مغازی و فتوح عالمه بولکلام کجا و صدق
 مد عاده پوشا و اهد و آن در کلام محسن نظام و بیدق طنبه حال عالمه نظر
 و سواد اعظم بلدان عالم او کد و مخفی و مغرور اولان سلطنته ختمه که فتح و تجری
 غایت غایت طوفان و خراج و قساری استغای سری و غیر مغبوط و محسود
 خلف خواصن مطلق معصود سلف سلاطین ابد سلوک جهان فتح و تسخیر نصیب
 عنفا کجی او حال و حوالی فلک انصافه و زیب و لغی اقدام هر عقال ملاذ و ده
 سپهر حواله ایریک کجی خراج اکثریدی اول مهر سپهر کرد و اعراسا کر
 و آرا نجم شمار ایله که هرری شیرین شد و انکی و پلنگ خجسته فرزانی
 عازم فتحی او کوه غایت فتح بزدان ایله که منافع مغالطه امانه دره تنفع
 و قلوب اهل ایمان ملو اشو شمس اسلام ایله شرح او کوه بین الملوک کند و کرد
 نعم الامیر او ما شریف و کرم بیدر بها ایله کرم کای ذان سعادت پناهی شوای
 زمانه و معنای دورانه ایله صحبت ابرو و بوطایفه کلی ملوک رخت ابرو کرد
 و کند و کرد آجیان کلمنی با جمعه مقاصد صد اید و اشعار خجسته شمار
 در کرم اید و بوز و حقه الطاف علیاری کامل و محارم و واکم سینه
 شامل اولوب تحفات مناصب و مراندن فلکله آید بیک انچه ادرار
 ر ابتیری معین و مقررایدی بوبرای اشعار اول و دشت کرد و دقان
 والی ولایت و قضا بط اقلیم کبر و دارک گفتار نندند

حکرم باره لدی خجسته جو رستم صبر یک طایفه سنی طوغودی توانمک
 سجد کاه ایلریدی کجسته کجسته کجسته کجسته ملک کورسته نشان قدیم
 ای کوزم کون بوزینه فرخنده بر دو کون مار خری تان ایله نوریدی قلماد نک
 س قیامی صون که بر دم لاله زار الدن کجسته ایر شوی نفس خوان وقت بهار الدن
 فرمان و غلی ایله خصومند و پیشتر مطلع بزرگه سلطنت لافن ایدیش اول امان
 خدا فرصت و بر سر کفراییده فرام **ذکر حضرت یزید خان اول**
 حضرت عالیه استوده صفاتک برسی کجسته پادشاه و نبدون منش و خاقان
 سکندر دانش مهر سپهر طنت و جهاندار مرات جلال کمال خلافت و شهر بار
 دارای مودت و روشن رعیت و بر خاقان سنار کبر و کبر و نواقب
 شکر عنوان نشو خلافت و فرمان و مای اقلیم جو در افت و سلطه نوابت نباش
 و خورشید مزلت نتیجه امتزاج ارکان احسان و مودت مبدع کارم خجسته
 و بدایع شریفه مطلع انوار کلام محسن نظام انا جعلنا کل طیفه جی فغان حصصات
 ملوک و الف طوای زینت آرای بر لیغ بلین جعلنا کم خلایف سماعک
 انصافک مهر نور افشانی و خانقاده و صلاحده بایزید تانی اولاه سلطان
 سلاطین الزمان با سوط طالسان رافع الوته العدک الانصاف
 قاطع افانین الظلم و الاحفاف و مؤاولیا الدین بوخه الباهره منزل اعداء الله
 بسطه القاهرة الخاقان استعید حضرت کشتان بایزید شی الله نراه و جعل
 کجایه الجنان متقلبه و شواه خد متلریدر که مخلص نه فکر عدلی در بر پادشاه
 سعادت دستگاه او بر شهنش مودت پناه اید بیکه رفته استطاعه
 ملوک سخر بقه اطاعتی و شرف مغارق ملوک افان و دره التاج انقیاد
 و متابعتی اید افتا عالیه عدک زافنی که سپهر طنت و خلافتن شافی

ولامع مبین خبر صحیح لطف و کرم و حدیث حسن اربع و اصعاع جمله
 بلاد و متصل الکسناد و معنی و انار الکتابیت شمار بنای قیاس منطق کی
 مدلول برهن اوکو صومعه قطان اقالیم سبعة رواج فواج انعام عام ایل
 معروض مخالف و منازل عا و اسافل من علی شفاق و انصاف کامل او
 تبادلی محاسن او صفا و لطف و علی بدینور او شجده بخت نبویه نک علی
 افضل الصلوات و اکمل النجاسات و نمایان و نمایان کند جنات
 قبا تو فی الملک من حیث دن شور سلطنت و ابالت و ناز و ذلت پر معدلت
 اوکو سر سلطنت جلوس سعادتی او شیری او شیری پنجه زمان امن او
 اوزره زمان و نای جهان خلق عالم بخت بیدار رنده غنوده و برکت و عدل
 و داد لریده شر و شور و فساد و الحوده است لکن او را با هم سلطنت کند
 مقتضای سن خلقت اوزره ابدان عالم مانند دم و باعث حیا جمله عالم
 اولاد از غزیری نقصان پذیر و پای مبارکری رضی تقربین ایل
 علین اوکو نگار کیر و دار و ابلق جنک و پیکار و سوار او غله میشه و
 و خدا غنوده محتفی اولان شغال بر تر و بر شیر دلیر کجیکه بشلیو سید
 با جوج فتن اولان تیغ جوشن فکند سینه و در ایام دهور ایل فی الجمله ضعف
 و فتور کلکین سبیل عوب و خطوب نلال و دنا و عا و عا و عا
 رواج فتنه و فساد و اغوار و انجاد بلاد و ساری و شیده بنا علیه کند و
 حسن اختیار ایل او غله شنه اده سلطان احمد که دنی عهدت شد
 و اکافر اغت و سلمه تقیم امیر شد سلطان احمد دخی اول آرزو و مله جوار
 اسکار و مال پستی و یکله اشتها زولان موضعده نزول اید و
 منزه و متقرب و حصول اموال او شیده لکن تقدیر مالک تقدیر ایل

رای و بدین موافق تقدیر او محبوب هر چند که شیطانی در افشای چون دوست
 آرزو و نیت در از اید و تیغ عواقب و موانع ایل منقطع او کورده و هر وقت که
 بر شفقری قانیم مقام نصب نگه انعام این جناب تنوع الملک است و دن
 منوع منقطع او کورده و الا احوال و احوال و بندگان صاحب عقل و اختیار سلطه
 احمد سلطنت عدم باقی منظور نظر اعتبار کرد او لوب عقل صادق و رای مادی
 ایل متفکر و متامل و دلیر که شنه اده نک و وجودی صبا سلطنت متخل کلدر
 کاسه ملا دن اولدنی عاقبت یاده ریزان او کسی محتق و واقع و مدام فی برست
 او غله خلق عالم و عالیا بر نزاع و نفاق جمله سنک اتفاق ایل سلطنت سید
 خدمت در کفده متصرف امارت ایکن کور و ب تیغ بر ابتهاج سلطنت خلعت رواج
 ایالتی البکس اید و سر سلطنت و خلافت اجلاس اید و بار جمیده کبار شیخ
 نقش بندیه دن شیخ و صاف شریفه پیری خلیفه دیر لر بر پرورش ضمیمه و اید که
 مرکز دایره ولایت و قطب فلک کرامت اوکو عونت اید و کنه ریب و کان یوغیب
 و الد فرد و سجنان آشیان لمر دن نفور و روایت اید و سید بیور دیر که
 اول زمانه مدانک روض سما و سکان ملا اعدا دن انهم و نه عبدا و نه
 صداسی کلوب جمله سی بوایت رفیع الابی تالی اوکو ذهن و زمانه بو آوازه ایل
 اولدیر بر هفته مقداری نه اولد و بو متفکر و متجرب اولد فی بنه اول طرفدن
 کون التسلیم امیر صداسی و اسل اوکو اطلاع حقیقه حاصل اولد فی الواقع
 غائب امور دیر که سلطان احمد بود کلوب یقین کلوب سلطان نور قود کجوری اوده
 کین ایکن لوای سلطنت کفده اولان سلطان سلیم خانک کف کفایته تسلیم
 اولد الفقه خواه و نا خواه فلک سیتقا حضرت خداوند کا و شنه اده کرد
 و قاره سلطان سلیم نامه و تیغ بر ابتهاج سلطنت بر سر و تخت بر بخت خلعت

قربا

منزل مؤد او کو. لوی ظفر برای ایام. ذان حکیم و سیمین نفوس و سیمین اید و کند و کرد
 و بموت نام قصبه به غنچه تقسیم نشود. همانا روح روح و با بخت جیات و زندگانی
 اولان سلطنتن جدا اولد فن. هنوز اول قصبه به وصل اولد وین قطع منازل
 و طی تراصل ایدرک روح به فتوحه بو عالم آب و کلدن محمل بغلیوب ریاض ضوا
 و صدای جنای منزل ایکه. و کان ذلک فی شهر صفو المظفر ~~نه نمانج~~
 من بحره خیر الفیه. یا دشت مذکور علیه رحمۃ الملک الغفور علما و صلحا و مشروران شوی
 غایب میل و رغبتی او کو. سایر خواص جهانک فکر و فراموش اولان فضل زمان و
 بلفا فضیلت عنوانه ارسال جوانمردان ایدر کرد. جمله دن اقلیم فضل و ملک
 سلطان عابد شاه. و عالم علم و عرفانک خورشید نور افشانه او کو معلوم
 و مفهوم هر فای و دایه اولان مولانا جلال الدین الزاویه نمانج غنی و محبت
 ساقی شود و حقیقت الدن و دن دو سنگای ایدر جناب فی حضرت مولانا
 جامی به ذره پرور لکله و خاک نواز کله ایدر ارسال جوانمردان ایدر کرد
 انردخی الدن کله کچه قضا بد و سایل کوندر بر و میانم زده آمد و شد و سایل
 و سایل اسکند کل ایدر و لاف و دوسرگان بو کو کوم افشان او کو بوبروردی
 خدمت مولانا جامی به به دفعه پیش بوز فلوری زیاده کوندر و کلر نف حضرت مولانا
 جلال منکر البان و منکر الحان او کو متاع علم کرده و ارد و غنک کتاب
 ایدر به قصبه بلیغ بر بو کوندر شله اول قصبه نک مطلع بودر. و بدیم اندر ساج
 عجیبه از اختلاف لیل هزار. بوبر ایکی کتا با بخت شام اولادش استوده صفایک
 و اول ش بختی بخش کردن اقتدارک. و او افضله خواص و نفا و
 سلاطین کار که ناصب ربابت جود و امسالک رافع الویة انواع معانی
 و احکام ابیات با بخت عنوانه ذره ای توارسب ناز اولار کاب جان به

در این کتاب که در این کتاب

هر دو که پدید شود از سینه چاکم. ابری شود و کرد که پند بر سر خاکم شود و فی شبح ایدر
 بخانه هر ناو که کز نور سید بر دل چاکم. لایلی شود و ناله کند بر سر خاکم
 جوی طهر به جفا کز نور سید بر دل چاکم. سروی شود و سیه کند بر سر خاکم
 و صفی هر سنگ جفا کز نور سید بر دل چاکم. لوجی شود و سیه کند بر سر خاکم
 و تیز زاده هر تیر به کز نور سید بر دل چاکم. مرغی شود و در قفس کند بر سر خاکم
 حال حق زاده هر غمزه شوخی کز نور سید بر دل چاکم. سوکن شود و سیه کند بر سر خاکم
 کمال زاده سودای خط کز نور سید بر دل چاکم. سنبلی شود و بوی دهد بر سر خاکم
 و کز سلطان سلیم خان ~~با صفی~~ اول خواص زمانه نبری دخی
 سلطان جهان استخارال عثمان کسری باج بخش و فریدون کامران
 بخار بخش چمن سنگ. زمین افزای ایوان حکومت را نه چند شتری رای دینی
 اسکندر کیوان خشم و لیکن بهرام و تیج انتقام دارای خورشید غلام خسرو
 ناهید برزم. فریدون عطار و خرم. افتاب سیماره خدیم افراسیاب ماه تاب
 و علم رزم و غاده قدر کوشش. بزم سخا و فضا بخشش به فارس میدان
 شجاعت و عدالت مبارز معارک شهامت و جلالت ~~سب~~
 رسمی از قاعش معرکه اش زرم پیش. تبرکی از کوکبه سلطنتش نور شینک
 کو فریدون و سکندر که بیاموزد از او. این جهانماری و آن رارس فرنگ
 به خشد سیر دین دوست. خورشید قلک ملک و ملت بهشت شمال لطف و نوال
 محبت نوال انعام و افضال تاسع سماء سلطنت و رعیت پروری مجد و جفا
 جهان عدالت کسری. سلطان الاسلام خلیفه الله علی الانام حوز مالک الدنیا
 قطره کلام الله العلی. حافظ سوره المسلمین. صاحب امور الملک و الدین. قاضی الکفوة
 و المسلمین. قاهر الفجرة و المتمردين. ناصب الراية الباهر فاع انشا الله القاهر

کاسه الهجاء الاکاسه، ادم قصور القباصة، علیک بنی بالعدل قصر مشید
 فصار به ملک الامان محمد، ملک سر خلافت فی الآفاق، وادی فی القلم العالم
 بالکشف، الفایض انوار حجت الی طبع الجمهر، النایح آنا مرکز مع صلیت
 التهور سلطان الحقائق، خادم الی میل شریف، المقتطف لآثار الصدیق
 فی انتاج منابع القدوق و قتل الزندق، و التمسک فی جمیع الابواب بعد عن المطالب
 سحاب الحیا فی العشرة العفانیة، حایز المکارم السنیة، و لدراحم العلیة، بغض
 الی کنت و جماعت اولیاءه، و در و افک عرق بایض، وجوده قاطع و قاض
 اولان خاقان، بی منابع و معارض، صاحب الفتح العظیم، کاسب اللطف العظیم
 السلطان بن السلطان سلیمان، خدشک بر در، روق آتیه کج روضه
 و زاد فی عالم القدس فتوحه، فخلص هر قلعه سلیمی در حفاکه بر باد شاه بلندت
 و شهنش و خشنو بیت و سطوت ایدیکه رعد و برق، تیغ هر حرف و خورقین
 انالی مالک عرب و شرق، و نهیب خیمه میزند امیر عرق غرق و شاه
 هر سان اوکوه هر سو که ده که برق حسام خون اشامی معان اید، آتش
 حله شیران کار از منطقی، و هر میدان ده که قامت کسان نهرت اقترافه بال
 کوسره امداد مکت و افتدار دشمنان بالکلیه منتفی او کورده، **سخت**
 آن زمان که کرد میدان چشم کردون کوشید، آن زمان که بانک سبان کوشی
 ماه مکر رای فتح از شهر بیکر کجفتش، آن چنان حیات کز قلب سید باند جور
 و بر خاقان بر معدن و کسان ایدیکه نایم اخلاق عطا سندن غنچه و او
 عالمیان شکفته و خندان و تاب نوردده روضه جور اولان نشسته لبان
 قطرات زلال فضائلدن ریان، و هر طرفدن سوختگان بادیه جوان اولنر
 سیاه بان معدن و کساننده بر فراخ و امان اید، **سخت** کج زیر شهرت هین روشن
 خوش خفته است بک دری افراغ بال حله تیر و کانیتر، و صد شمشیر

عالم بیکر

عالم کبری مکر کوه این جهان بکشته ستوده او کوه بر فحوا، و بست الجبال سیه
 برین قالدی **سخت** بر کوه جامدار کذر دبانک سبتش کزنده چون بخار و او مواجیل
 و سطوت جهانگیر و قلعش سیه زار روز کاره کزار این سیه بر مقتضای و در کده الاثر
 خزه مثال با کویا کبیر **سخت** حلتش سبت ازنی از عافیتش بیکار کشته بود او واداش
 زمان مایونش شب در لک ایدن انجی خیال و عهد میونش غارتگر عقول و لان
 همان صهبای آل اید، فتنه و فتنه و شول حمله کوشه کیم اولشیدی که غمزه خواندن
 غیر یبرده کور غمزه و زمان پر امان، و ایا م سحابت اقرانتش پش بلع کاکل و لبرادن
 او که مکانی بولمز اید **سخت** بخور زلف پری رویان بد و رانسن هر موی، کس اور دای طرغی اید پشانی
 بر باد شاه عالمی ایدیکه از هر زو و قهرینه باز هر لطف بچه و حصری حاضر و بشیر
 هر هبله نوشن تر عینی مقارن و معاسر سان کسان خون اشامی منابع عطا ده
 او صف اجمام و اقدانی و اقدانی کتاب افایم جواب و وف و کتایه بنفیم او کوس جد
 و شاکرا احسان و انعامی ایدیکه سید تان شر و سمانده دیوان انش و تونی الک
 منش دن منشور ایالت زمین بالطلون الارض و بارگاه پادشاه، و ما انظر الامم عینه
 دن نایج بر انتهای، اما جعلنا کل خلیفه فی الارض، ما و ز جناب الکلیک و پیراسته
 تدارک مبارک بر عاکلر، اولشیدی اولاکه سر سبطنت جلوس ایدیکه سالتک
 مالک دست فتح و مالکدن محفوظ و و کس ایدیکه بعد فرمانده و دیا و جسم
 شایسته شایسته خدم و مظهر انواع بدع و اباطیل و سر دارا شتر و بریم فرقه
 محاذین ضحاک خواجوز اولان شاه اسماعیل که اطراف و جوانده اولان ملوک طواغله
 جنگ و بیکار ایدیکه اظهار دست غلبه و اقتدار اید و میدانی خانی بولخله حکومت
 ایرانی خم چوکان اقتدار سیه کوشیدی، و منابع و مدافع و خاصم و سیه اید و لمغله
 نوسن ایا لای اکثر ولایت تورشیدی **سخت** چو پش تهر کرد دار نره شیره

حال در این

با این جمله مطهرت شرح و احکام الهی در کردن او کو تمام فخر و شرف و غایت
 انام و مناصب ایلد انصافی شهنشاه جهان اوست که بر خدای یا ایها الذین آمنوا
 کونوا انصارا لله و سنت تمکینه قلع و فتح و قطع و خلعی لازم و مهم و واجب و منتهی
 الموعین حومه جانگیرنده اولان عسکر کاسره و فدر کاسره و بواتر و انزله و
 قواطع قاهره ایلد که هر بری اجل موعود کجی بر وجهه ددنگ او حال و مثال نهی
 قبرم هر چند که دفع و دفعه نقد و لینه یوزد و دندر یک نفس خیال در
 کردی جوانان رزم آزمای و هم عقی آتین ز سر تابای میان
 نیزه و سنانده خار ابر که شکفته اولان غنچه کجی خنده زبان او کور کرد و مقابل
 تیغ کشید زبان آفتابه قرشونلو فرمانند بکشگرین جوش آب کوندن نیایا ایدر
 خرهم بادل شاد و بکس از جنگ همه کیتی از دوزبانم و ننگ
 زمان کینه دار زنده زمانه فی شرم ایلد رزم ایدر کرد و منظم کیم و دآرد
 سپهر قدر ایلد جنگ پیکاره عزم ایدر کرد و دلبان کشیر افکن جنگ جو
 همه کرده چون کشیر با جنگ خو مثال دریا بر خورش و مانند ماهی جوشن کوشن
 شیران دلبان که نیشان سنان دن غیر ی پشته بکمر کرد و خوه بخوان
 نیزه که ارا ان ایدی که نوش خون دشمنان دن اوز که اندیشه قدر کرد
 دیگر ان کشیر زن بشمار بر دم کز ایدر جو پیچیده مار هوای چالدر انج بلای
 واقع او کو سفارت تمام زبان اوزی حسانه مبتدع و محاربه با کلام و کوف
 معارجه بالرماع و کسوفه قتل او کو نیز آهن پیکان قوت مظاهرة کمان ایلد
 قلب دشمنانه یوزد او رشبده حمله کز و نیزه جوشن سپهر مانع اولیوب
 پنجه دلا و دلک روی جیانی خاک مانده سورتشیدی
 روز کین جیتی کردان و صرف میدارزم پشت بر جان و جهان کردند و بر یکدیگر

تیغ کاهی تن زد کاهی زبان کردی بر دی از تخم زبان کردن تر از خون
 تیغ جان عمان رزه و خفتان غواصلر کیه لاله جان ار در و نیزه خنجر مثال عیار
 خواب سینه پهلوانان در لرزاید بجهت تیغ و عنایت عتیقه دولت شرم ظفر و
 ایلد خندان و آثار نظام بحر نظام الا ان جند الله هم الغالبون ظاهر و عیان او کو
 سراز بهار تیغ و نصرت لاله زار کشت دشت کرد ابر و کوس عدد و تیر برق و خون
 شاه اسماعیل بقیة السیوف اولان فی ذیل ایلد فراری فراره و غوغای نهیمیه
 تبدیل ملک بوحال بادشاه معاشمول جنگ نیزه شاه محذول مشغول
 اولد قن اعراده ذوالقادر یزدن امیر علی بیگ که زمانه سنده رستم اسفندیار
 و تهن منصف و ب و کیم و دار سر آمد میدان ششی عت و دلاور ملک رالیه
 مضار مهابت سرور کجوری جاذبه انصافدن مخوف و دایره سعادتدن منصف
 او کو اردوی مایه نکلن نرنی غارت ابر و بیلد اولاسکمان و اصل نهیمیه
 شهادت ایلد و کینه اول سلطان عجم و عجب قواره غضبی جوشان و عیان قهر
 زجوی قوشان و آتش خندلری فردزان اولد قن فرمانها جوان
 ظاهر و عیان اولد که بعضی ابر مقدار لشکر کشیر شکار ایلد اولاطیفه طاغوت
 دمار الاله فی الواقع خواهر خدم ستاره خشنود بر کردی که عیار میدان کارزار
 نوبای دولت اعتبار بلور کرد و عیان الجوه بقایه ظلم از گاه و وعده وعاده
 صنوبر کرد حد و دعواییدن حد و دمانی ترجیح ایدر کرد و طره میکن رماهی
 کاخل عینین ملا صدق تفصیل قلمور کرد تعیین ایلد کلین دلبان کارزار
 انظار تیغ ایدر ایلد نام ناسعودن دفتر وجود دجک ایدر احوال تخت
 و انجک مصدوقه حال کان لم یکن شبانه کور اولد
 چه حاجت بایش که خاطر بے دفع اعدا بترتیب شکر

و اول خردنگ پسندیده و نشان مظهر اندن برسی و خجی بو مطلع در
 نیست بهود و شو ما و فرس انی ما به جمعیت و لهاست پریشانی ما
 و تو ابیات بادشانه و کلا شجیعانه و انز کدر و منج و خجی بهر و درونم
 منج و بهر و درونم کبر سر سرشان زور بازو و بختم محمود زبان سر و
ذکر سلطان سلیمان خان اول سلاطین مامدار و خوانین و دوی الاقدار
 بری دانی اولیایم هم بادشاه و هم شمس سلطان جشد نیکین خاقان خرد و
 آیین و دراب خورشید لکوس و افرا سبک سلیمان نیکین خورشید جهان خلعت
 خورشید آسمان آسان و رافت نرغز نرغز و در نرغزها من بعضی صاحب گران
 احتوای انا جعلناک خلیفه فی الارض بادشاه و دوی نعت بشهنتا فریون عظم
 محمود روان کجسر و کعبه و سجود جهان اسلاف امجاد و اجداد و خیر
 زچهرش سپهر برین پای و ز قدرش فلک کزین پایه و خورشید کو آسمان زاکر
 بیخ زرافشان جهان را گرفت و تختش هم سر و آن سوده تاج
 بنفش همه خسروان داده تاج و منظره جوارق مناقب مفاخر و پنجه
 رواق ادراک عقل عاشر لایق سلطنت و امالت ارضی مغبوطا کلاطین
 مستقبل و تاج برج خلافت و ابانک کوکب برج شرف و سعادت روز و
 رواق و تاج ملک لا ینبغی لاحد من بعد و مالک ملک سلیمان خاکی ملک جهان
 شهر بارکان با بریم بین و عرصه ملک جش زینکین مطلع آفتاب جهان
 جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم منشور و اربع بلین عسی برکم ان بهلک غد و کم
 صفد مصاف کمال او صاف سبزه الطاف و اعطاف
 شهنتا مقبل جهاندار فضل و سپهدار عادل جهانگیر صفدر
 حکمت جوقان کجمن سلیمان بصولت فریون و دولت سکندر

کو ملک العرب و جسم غیاث الوری ملاذ الام حافی بقیة الاسلام
 داعی رعان کافه الانام قد و سلاطین شرق و المغرب حافظ الدین
 المبین بالنعم الام و الجند العالی و نعلی العداة بفضل ظهوره
 کرما و قد و صوا علی اخیایة السلطان الاعظم ملک قی الام حاکم زفات النعم
 ناصر القوانین السلطانیة عاشر الخواص الغماة السلطان بن السلطان
 سلیمان خان نور الله و قد و کف فصول الجنان ارقص و خد سکریدر کفصل
 سر سکر و خجی دره بر بادشاه عالمنا هر ایدی که بخوار عصاره و دهره زینت
 و برین جوامع زو اهر مفاخری و صعب امور و متذلل اعنه و نواهی و ادوار
 ادرار غامغامدن سلاطین قلوب انام کجیات کجی و شکوة سر خدافین
 اشعه و مصباح غیاثک برقی و کعنه کانه کاکوب دری در راس پایه
 آفتاب وجود بار علی و افی و لا و دن لام و طالع او کورست و خیر
 شوالنده دولت و اقباله سر بر سلطنته ملکوس بر اجلا لکر و افی و اولش
 حقا که بهر تبتید عنوان و خاقان سکندر قدرت و شان ایدی که قامت سر و
 جویا سلطنت بالا کو ستره فی اختیاران زمان مانند آب روان پاینده
 بوزر سور و خدمت ار دوان کجی دوان اولدیر و کلین ذات سعادت
 انصاف زین جلالت و کستان ایالند و حیران اولک تاجداران جهان
 سالک لایق آشفته کل خدانی اولدیر و آفتاب سلطنت پدید
 افق فیروزیدن بیدار اولک فتح و مغرت سباز و ملازم تنی فرخنده
 و میمون و ماهی جبر آسمان نه مطلع اقبال و کارواندن غایبان اولدیر
 دولت و اقبال و مثال محبت همایونی و اولشید و جویا تخت جهاندار و نعلی
 سرافراز و دید حاج کبانی و زینت اور و دشمن شد آفاق جهان کر لعه برقی پمانی

اول پادشاه سعادتمند و ملک فخریه زنک افندی ملک اعظمی فتح قلعه رود و
حقاک اول قلعه رفیع بر رتبه آید طایر و هم و خیال شواهی جبال قلعه فلک
و دج انسی مقتضای عقل و ادراک کن و دج و کنگره دیوار رفعت مداره و غول
و حواسه و ماس محب فلک البروج آید و زینت انداز او سکه که جسته
پس از قرنی سر کیوان شکستی طقوز آبی اول قلعه فلک فرسایه عی کر فلک کنای
ایله محاصره آید بغایه الله تعالی و قدره العاقله هیبت و اهت شکر نعمت ان
تره یون به عد و امانه و عد و کم موجب اوزره اول کوفه فخره نک بصره پیرنده ظاهر
و عیان اول قلعه آذانه بشارت و اورنگ ارضهم و دیارهم و اهل کوش و خوش عالمی
اول قلعه بشارت صاحب قران سلطان بشارت که بر دای ختم شک صاحب قران
بیک لحظه ستانده کشوری راه همین باشد مد کشورستانی بهر کشور که راند خوش
کنند بار و سعادتمندی غایب اتفاقان در که اول سلطان سعادتمند و نزدیک اول
نمفت میاوتلری فتح قلعه اولدوغی کبی آفرغیت میولری دخی فتح قلعه
سکنوار و دحقاک بودنی بر حسن حصین قلعه متین و زرین آید کبرج بار و سی
فلک زحل آید دعوی مبار آید قلعه حصانه نوی منطقه الجوزا بلده دم محاکا و ساوا
اور و در و دیوار دل ظالمان کبی آهن و سنگ دره آمد شدی دهن
دلبران کبی تنک آید اول کونکه قلعه فروره نک فتح و استخلاصی سیر و غور او
پادشاه و قومک طایر روح بر فتوحی عالم شجاعان ملک ارواحه بران او
فتح ابواب قلاع جنانه روان او بود عواقب او در ره هدی محمود
بود مساعی او در طریق حق شکور برار کتاب باغ جلیتس مجبول
بر اکتب بغافه طبعش منظوم و کائنات ذلک نه سه سبیل و شمعانی
صاحب قران سوزک فتح آید و کی قلاع و بلاد بیرون مهر و افزون تعداد و در

اون سکر بکر یکملک مالکی هر بری بر باد شک متورات و علی آید فتح آید
عالم محمود برینضم و نمشده و قن اشعاره افندارک و اوصاف اشعار غایت
اشعارک نور آفتاب نو آری روشن و اشکار در سلطان جهان و خاقان دم او کده
کبی مالک مالک نظم و نثر آید مطلع طبع در برابر رند ظاهر و بیدار اولانی آید
و جوامع شهور درج دیوانه درج آید و ابحار افکار پر اعتبار و عایش
تفائس اشعار برین جمله جمیع تزیین و تزیین آید خاقان بلاغت و بیان
و تزیین محکم دیوان بلاغت عنوان آراسته ایلمت در
آید از انش دل غرقه آید کار این چشمه چشمه خواست و
چون می خوری در وی تو کرد در جهان روز و خورشید به فروغ شود چون چراغ روز
نی و فایز کجی جوری مغذ و طوط یار سفر قاور جهانده غیب سیر اراستین
همه یک هر دم بر کل یوزی جان اولدی محکم دون کون و خورشید خان او کده
تاج تخت و طغنت بر باد او و چون غایب کند و کی عالم سیرین سلیمان اولد طوط
قادر رس چون ایامی بزم دنیا دن کلن ایچد کلام شرا آب حیوان او کده طوط
و هر باغینک محبت یوق کلند بوی و اغلر حسیلک بریر و در خند او کده طوط
مقر و توبه می خردم قحی خوش آید و جان شو کو کلدن کچن کبی کابر کلند او
و کرسطان سید ناسی اول سلطان عظام و خواستین خیاکت
بری داخلی سلطان عظام عظام دارای چشمه قدم و کوان غلام سلطان
اعظم فریدون تخت سزاوار تاج و دهم تخت کشتن شاه نو پیر و ان
یکخ و هوشنگ صولت کتیب و فریدون دولت در فریدون صدف
شهر باری کوهر کیتی کان کاسکار لجه بحر محیط عواطف دریای بیکران
عالم عوارف کبوتر چشمه کانت و کنت جامع لوازم و شهر ابرار کانت

شهر با غفور درایت و بهرام بالت کامکار اسکنه جلالت و بهمن
و سلطان الاظم الاخضر و الحاقان الاعدل الاکرم، ظل الله تعالی المبتسط علی عالم العالم
صاحب نیل الارباب و صاحب ذیل الهمم، مالک الامانه الکبری و السلطان الابرار
وارث الخلافة العظمی کاتب الاعمال و ارفع الابرار الذین الازهر موضع آیات کرمه العظمی
و غم انوف الفواغنه و الجبابره، معفر جباه الافاق الاکاسره، العقل الحادی
الشمس الازهر، و البدر الازهر و سلطان المشرقین، خاقان الحاقین الشامل
عدله الحادی لمصالح كافة الامامه کامل بذله الوافر المنداک امور الخواص
و العوام السلطان بن السلطان، السلطان سلیم خان، علیه الرحمة و الغفران و در
اسکنه الله تعالی عرف روضات الجنان، حضرت بزرگوار که مخلص کبری سبک در خفا
برادش، فلک دستگاه، و ملک انتباه اید بکه فلک منبج و سپهر برین جنبه
و جنبین آستان بر نمکینه سور منبج رفعت جلال بولمر، و قمر عالمی قمرت
تراب علیه، بر غلتمند منتهی و منبج موسوم اسم الملال و لمز کوه نر اودی مالک
اغوا کریم اولان قدم سعادت م، و جلالت تو اطرینیه رویال ایتیمکله
نامه و اثر بایه بیکره و خاک پاک ستر سماکینه، نقبیل نغال جنول بر اجلاالی
اید الملال سمایه بنجر ایدردی **سحر** شهنشاهی خطه روشنان فلک
نهد به پیش تو بر خاک بتره پیشانی، سخاوت لطف دی حباب اعشقان
بستان امکانه فیض رسان اولغله شیخ و شاب انکتاب نظارت
و تحصیل لطافت قلورردی، و غمام احسان و انعامی حدایع و ریاض
الکوانه باران اولغله، پر و جوان منوم و شادان، ارم کرم و روضه
نعمدن اجنباً ثمار بید و کران ایدردی **سحر** پادشاهی راستخا و عدل هر بار است
در سنی چون خاتم و در عدل چون نوشین روان، هنوز تیاج و تخت ایل

سفر از و کامکار اولمدین بنا کار و بار لرخی توکل جناب حضرت کردگار اوزره
نهاد، انجمنی طبع سکا نژاد برین پیش نهاد ایدو، اسباب غیر متکررینه مابقه
للتناس من رحم ظلامت لها، خواهی شدن اعداد و مقابله امور رزق
فیض مواهب توفی الملک من تشاء، و در امداد ایتیمکله سعادت و کامرانی
بر وفق امان امانی محصل و مرت اوکو، اول شهنشاه درست اعتقاد و پاک
مشرب، بی وجه و بی سبب منوک اولغله ترک دت ایتیموب بنار ایاالترب
سکون اوزره منی ایکن خاسم خون اشانی، زخم کینه دشمنان و در بیام
ایله معرب اوکو، برادر لری بایرید خان سالک بادیه عدوان و عیان
اوکو، یاننه اطراف و اکاف جهاندن، و ابطال و شجاعت کرداندن
بیمه و کران شکر فراوان جمع اولغله نقش بند خال بوضوح و تمیزی صغیر
صغیرینه، نقش تصویر ایکن که شکر با جوج ایدر اسکنه رخلل پذیر اوله عا کر
مور فراوان ایدر ملک سیمین **سحر** ختم نوکر زذره فروست در عدد
ما افاب سنج نواز ذره کیم است، لکن بومعنادن غافل و بونکته
زیادان ذاهل ایدر که شول نهال کاسه، که آب حوزده جویبار توفیق بزدان
اوله بومقوله با دوزان اوزره، و اول هر ای سعادت مسانی که طرح معمار
بزدان اوله بومقوله تعب ایدر منهدم و دیران اولمر، **سحر**
خصمت برای ملک بسی جهد کردیک، توفیق اصل معتبر و بایست
آخو الامر بایرید خان عا کر فراوان ایدر جنگ بیکاره آهنگ ایدر کن
و حوم صاحب قران سلطان سیمان خان، شته بایریدک بوافعال
اطوارندن متغیر و مشکدر اوکو، عا کر نصرت ناژدن دیوان بیکار
و شیران روز کاری طومور **سحر** ایدر کرد

دلیه از

بکه وقف یک یک صفدار، بکه حله سبب صفدر، چون از قلم تیغ تان نضر،
ورک از قلم ریح تان بگذرد، با هزاران پیرایه هم بایین، با پلنگان بکوه هم بستر،
سلطان مذکوره اعانت و نصرت چون کند، شکر بدی ظاهر توبه و صیوای
وامع، تلافی عسکری او کو، خاک مو که غبار ما، و زمین باد در دگاه، خنده
دیده خورشید عا جایگاه او کو حسام انتقام سر کشان، و تیغ در دستان
بی دریغ ز زشتان خون فشان او کو، تیر و کمان غمزه خوابان کبی فتنه انگیز
و تیغ خون فشان، غمزه عاشقان کبی خون ریز او بشید، نیزه جان سستان
الف مثال جان بکره مکان انباشید، و خنجر خونخوار غمزه دلد و زلد را
کبی سینه بی کینه ده قرار بشید، روزی که سواد سینه بر کند از خای
چون باد خوان از سحر اوراق خوانرا، سر دشمنان برک رزان کبی ریزان
و خون بی دریغ اعدای مهاب سنان جان ساندن روان او لایحی صفا
و محله عالمگیر دن بنای ثبات دشمن منهدم، و برق حمله کوه پیکردن لشکر
ضمیمه جعفر منهدم او کو خنده تیغ درنده لرزیدن غمزه ظفر خنجر زنان
و اسام حسام خون آسمان لرزیدن، مباسم دولت با نظام خندان او کو
حسب با حمله شمال جناب او در دواغ، با دولت بهای چه بهلوت و نذر غن
شبه بایرید منهدم و منکسر، و عسکر مور پیکری کجرا دمنتشر، قرار عین
قرار و ثبات و کبریا نگریدی نامن حیات بلوب مهر اغصص و کرب
ایله، خایفانه قرب و ذری و غایت خوف و دهرشتنن سایه سار
اردینه و کشت لشکر تو هم ایدرد، تیغ اشجاری عا کرجو آرخفیف
ریاحی خفوف رماح ذرات کروه، و برک کاهی مثال کوه بلور در
همانا جنگ و پیکار و عرصه کبر و دارده، فالیوم لا یملک بعضکم بعضا

ولا ضرر معنای روشن و آشکارا و کوه میدان بزرگ کاه روز قیامت
نشان اومعین، یوم یفرلزم من اخیه، فحواسی ظاهر و عیا، اومشیدی
بو حال ایلد مقررایت و مستقر جلالت اولان اما سینه به واروب
کو اکب اقبالی راجع، و افتاب سعادت طالعی منکشف اولد و غی ساطع
اولیجی، ایلد و کی خارت و عصبانیدن مادم و پشیمان اومشیدی
مصرع الآن قد ندمت و ما یبغی الندم، هزار توبه و استغفار ایلد
راه تضرع و تحضن کلوب متمسک دامن اغذار، و قدم سالت و کنت
سالت حاذقه تذلل و انکسار او کو، حماه نامه معذرتی اجنحه ضراعت ایلد
متطایر موت و باطن و ظاهری، ظلم انفسنا آیتنی تالی و ذاکر و العوق
یتثبت بکل حبش، فحواسی او زره تیر جهان مهر جانیه ناشیر
اومشیدی، لکن مقدما کند و به راه هدایتی مشعل نصایح ایلد دلالت
اینده طرین، دیده بصیرتی کورا و لوب بدر بزرگوارن کوزه کوستر میوب
و کلمات مواعظ و پندی گوشوار گوش هوش اینک اسند طرین، انا مل
استکباری ایلد پنبه غفلتی دخی محکم ایدو، حقی صفا چون قطعا اول
طافه قلوب طوتم ایدی پذیرش فقری، و لا تکر مع الکافرین خطاب
مستطابنی تکرار اید که یا نه جمع اولان شباطین انک اصلا و
اف دینه تابع او کو، ساری الی جیل جوانی اظهار ایدردی عاقبت
ضمیمه منیر حضرت صاحب قرانه او علی شیه بایرید بر طغیانک حالی مظهر
عمل غیر صالح، اید و کی روشن و واضح اولد قدده تیر مامولی هدف قبوله
موصول اولدی، و ترتیب اید و کی مقدمات و مباحثه منتهج کلام
ولا تنفع الشفاعه اولوب و سابط و شفاعت جناب بمانیدن

فلما تبينهم جبنوا ولا قبل لهم بها ونحر جهنم منها اذلتهم خطابی وارد وصادق
 وپیش از آنکه خود دست امیدی دامن مظلومین قاصر او شود و مات دولتند
 غبار ذلت ابله زندگ گرفته اوستی مقرر ایدی جمال عفو سلطان طاهر و باهر
 اولی حق فغوت منکم ما خفکم معافی ابله عامل او کو خواه ناخواه شاه بخت
 سیاه طماس کی عقل او انتباهک مفضلالتن پناه اید و ممالک بر جهان
 داخل او شد اول شیطان بر عصیان و دبولعین بر خذلان انان
 صنوب خانه بوم آشیانه سنده همان او کو حمای حمایتی دارالامان
 ظن ابله اول داخلی جنود عا کر سلیمان بن نهیب فراوانی اولوب
 رعایت جانب صاحب قرانی چون فرور شهر یاری حسن اینه که صحن
 اولاد صفایله رتبه نهاد نه بتور شدی و مقتضای خبث طبیعت
 و دشمن و زره همان دار کی برینه کتور شد **شعر**
 که رایت خوار خورشید است حاجون بجز مادی غمت مقابل دوش کرد تمام
 بعد سر رشته خلاف و نزاع منقطع و در اغوش عروس و اطربند مانع
 و خراجم و ترفع او کو سه اربع و سبعین و تسعایه ده سریر سلطنت و خلافت
 جلوس سعادت نانوسری واقع و شد فی الواقع نهال خود مسعود لایق
 چون که کوشش نا محصورا معدود ابله آب و باب ویر دیر لا جرم ریاض
 مدطنده بالا کو ستره روا و مقدما اخوان و برادر رندن یوسف کمال
 مبتلای لآل و ممال و شری بی بس غنم نصر البت اوله لایق
 و سزا در پادشاه فرور و ارث ملک سلیمانی او کو ب سبط جهانی
 سحر بکران فرمانی اینه که نه بر سر جویره سنی فتح ایتمکه غنیمت لشکر
 فی الحقیقه جویره مذکوره لطافت اب و هو ابله معروف مهر شال کثر محمول

ایله موصوف اولوب داخل جویره ده لغو و لغو نام فلو لرینک
 مهری حسن حصین و ترفع الذری و ممتنع الذری و رتفعه رفیع خلک مثال
 و ممتنع الجبال ابله مکنه ارضها و جوازی جوازا او کو مرکب با دای صبا
 دامن کوه بالا سینه زنا بولق محال و ممتنع و برق جهان نوردده هوار اشل
 رفتار ابله برج بار و سینه نه فی اینه سنگ استحال سنی نور خاله کبی ملتحم در
 ستر نه باشن انهیبت تاب خورشید نه بوشن اکزند برف و باران
 بو کار حصوله و زیر شتری تدبیر و خود ستیم طوای مناشیر حی حسن تدبیر
 آینه صور عایش نقدیر و حوم مصطفی پاشا خد کریم نا فر دایدوب
 اول زبرد در یادن بیکران یعنی لشکر فراوان ابله سبب ایل و قضا بایل
 کبی ذکر اولسان جویره به داخل ولدقن قلط بالحق و ذوق الباطل معبانی
 معلوم اعلا واس فل او کو بغایه الملك الجلیل زمان سیر و مهر قلید ح
 اولوب سیر ممالک سلامیه به صمیمه اولفله فلاید مدراج شاه کریم و عفو
 مناقب شهنشاه سلیم و حلیمه نیمه اولک و کان ذلک فی شهره ثمان و عین
 و تسعایه پادشاه مذکور انواع معارف و کمالات نا محصور ابله معروف
 و مشهور شهاب کلزار طبع سلیمدن شام جان موطر و نایم شکار ذهن
 مستقیمدن دماغ جنان معجز ایدی بواسطه کار و شهنشاه کوه
 و قارک اشعار بلاغت شعار نه ندر نوای نیده روح افزا او عشا و بر دم
 دلانی کبی لالان اولده براوز که عالم وار طالب کسعی بلینغ ایت کوی یاره وای
 جانی جانانه ویروب ترک ابله یوغی واری کوز کوی لبردن کلای زاهد کماله طالب
 آرزوی جنتی قوجهد ایدوب بیداری کور چشم و چشمه عشا فی قتل ایلر دیمه
 و ده لرا حیا ایدن لعل سحر اناری کور زلف لبر خلقه خلقه روی بار اوزره تیر

هزار آفرین و ابد و نجات موز و نه زیر و بم و الحان بدو خوش تهنه ستاد
 زمان بشمار حسن ایدرد. بو خجالت شمریدن قاتم چنگ کی کان اوکو.
 آتش جان گذار انگ رده عود **اول** موزان اولدم. آخوالا نرند خیمقد و ربه
 بزل ایدو. بخص و خجی سازه آغاز ایدو. هوای دیگره عالم برتر دن بردار
 ایتدکم حضور شرفلرین مقبول و کو. قبول بر اصولرینه موصول اوکو. حضور
 موفور لهور رندن مفارقت لازم کلوب داراللطمة العتیه طنطنیه خجیه جابه
 مهاجوت اولدنده. ناله ماه تابان. و فرض خورشید خشن اوسع و اکبر
 بر حسن سمن دستنه صفرا نافع نونهاتر آتخارین. ایلده موصوف اولان
 زمر سکوکدن بر عظیم و بالاسنه نارسکوفه سم ایدو. هزار اغندار ایلده
 بورد و لمر که سیر سلطان یعقوب سلطان حسین بیوانک داخل مجلس عینواری
 اولوب مظهر الطاف فراوان. و مطمح الله افتاب احسن. اولد و کز الکاشت
 بونرد در بادن بر قطره. و افتابدن بر ذره دره. حال انکه شهنشاه نور اول
 ایدو کی انبار در هم و دیار. اول کامکار رجه روز کارده ایتدکری. صنوه
 مهتاب کجی ظاهر. و نور افتاب کجی روشن و باهر دره. و شب و کمل بواوار در
 بو مطلع شهور. اول شهنشاهه معاف موفور کلماتنددر **تغی**
 نوتبای خاک با بکدن ایدن قطع نظر. ایکی کوزره کرکر خفسون ای نور بصر
 و تو ابیات در ویشانه اول شهنشاهه عکاشانه منسوبد کز باج قبایی ترک ایدو
 غننده سیران ایلوب مهمان اولاین بر زمانا جنگ و ربا بک صحنی مطرب تمام اوکو
 بر زم بلاده فی کجی نالان اولاین بر زمان. که دوشه بن کامی طوب که کوله بن که
 رفان بودوب سر خوش اوکو سکران اولاین بر زمان **ذکر سلطان جم**
 بری دخی اول شهنشاهه جم ششم. منبع مروت و کرم شهنشاهه دیم ششم و والاهم

اولان اولاین بر زمان
 و حاکم
 و حاکم
 و حاکم

نور دیده شهر یاری. نور شجره کامکاری جامع کمالات و معارف بدر لامع
 شریف اولان شهر یار فرخنده دم خدمت سلطان جم در که وجوم سلطان فرخنده
 خمر لمرنگ فرزند جلالت مجری. و وجوم سلطان بایزید خان عازنیک برادر
 مهتر بیدر شهنشاهه نورده سعادت سعادت سعد و تحت دولت و دولت
 معاون و معاضد و اقدام اقدام مدارج و ثواب معارج خلافته رانی و صد
 اولوب و بروسه حوالی سنده نفاذی صفین اولوب دلیران کیرد و ارباب
 جنگ و بیچاره ایکن بعضی ارکان دولتی نیک و طبع ایدوب خدمت شهنشاهه فی
 تهر ک ایدو. اکثری کریمه سلطان بایزید خانه تابع و فرمان اولنجی سایر انصار
 و احوالی دخی بوجا کورد که. کامل کسبم ان کجی پریشان اوشیده. آخو کار
 شهنشاهه دخی ناچار قرار ایدو سلطان مهم. التی ایتدشده. اول ایا مده
 خدمت شهنشاهه بر احترام. اعانت سلطان مرقوم ایلده طواف نیایه کرام. و
 رویال ستم خیر الانام. ایکن شهنشاه اولوب نیایم. اول مقام بر ختم مده
 مجاورت. و نیچ مدت اول بار جلیل الاعتبارده اقامت قلمشده **بعد**
 اول سر و جو بیار جلالتک هواداری اولان بعضی سفا سلسله سودا بطینتی
 تحبک انجمله مواد جلا باشنه او شوب نینه آرزوی باج و تحت و رجاستفانت
 سبانه تحت ایلده دیار روم و رشت عودنی. باره غنیمته حکم و سخت ایدوب
 لشکر موریکر ایلده جم و برای شهنشاهه نام و علم ایلده سلطان عالم اولی فقیله
 تربیت خیل خشم ایتدیدی. لکن دیوان قضا و قدرده طوای ایلان جهان بنام
 بایزید خان مجرور و مسطور و حکومت روی زمین. اعراب العالمین ایلده اولی شاه
 سکندر آیینک بلران فرامینه کسجه اوکو. ناتف عجبیدن بو خطاب ستیاب لب لمر کجی

کمز اولد فده سحرای جهان کبر و جهان بخش که در حکم ازل سلطنت تاباید
الفقه شکار خم خورد و مقوله سی و لیکن تضاد جمله نگرینی بدنا که مظهر
و خیرها جامه ده و ای تکرر السحاب در ظاهر اولان رعد و برق و قوت
هرسان اولوب انش جان سوز و قتل استعال اولوب فرزندان اولوب
دست ایلدن کربان جانی فور و چون کیزان اولوب و در بای خوف و خطر
کنار و کران بولق امبدله کشته وجودنی جانب فرنگ نامه صلیب و پنجه مدت
اول لماند لنگر اقامت بر افشید اول بایده روزگار روزگار است مخالفه
کلک ساطع حیانت لنگر شای الویشتی وجودی غرق در بای فنا و فنا اولوب
روایت اولور که فرنگ لعین و بد آیین رعایا سلطان بایزید خان چون
اول شهنشاه سرفراز کی باشتی زهر آلوده استره ایله تراش المیوب زهره شهادت
باش انجیل و جسد نه دفن چون خطه اسلام کوند شلره در بر و سه و سه ده
خا دیوارنده مدفونده سر گذشت و بهر کجای سید و ارقام معروف و معلوم
خاص و عباد اول بار دن بیستاد محنت نامه لکوند مکمل قصه پر غصه سن
اجبار و حمن و نور و کرب و سخن ناچهورن ابداد اظفار اید و نفقه المصدور
بر قصیده و بوب کوند شد مطلق بودر **سحر** جام جم نوش المیه ای جسم و فرنگستان
هر قولک باشینه یازیلین کلور دور اندر ساقیاد و سیمنازال دره جام حبه
بیزه حی صون بکلم چاره بود دفع غم و سینه مضود اید و غنقله یاز سه کوکل
بیر بد رینق اوده هر زیره صینه کیده فرقلدی کیر و جسم بوی بغلندی کسر
بروزی کلن صحن سبل لبی مل غنجه **چون** او بر غیر اول علل شکریای قلیج
روز کار الیه باری طبر اغری قلیج لیک که بچه نولاستر فی فاش ایت کوکل

لا زبیر که حیوان الیه اسیری قلیج چاره نوق ایریکه ای جم و دینی جامه
قان بودوب در دله ناچار اکلیم قلیج **شهنشاه** **بر صفا** **و نوم سلطان**
بر دخی اول شهنشاه عاقلان سر خیل کرده شهنشاهان جو و کشش غزوات
سر کران باد و سعادت بوج و نیر و عذر و ستم زحمت چشیدن زهر غذای الم
در خم خورد و شمشیر جهاد و صوم و مغفور و سلطان مصطفی در که سلطان سلطان
و نوم سلطان بنیما خانک فرزند پو شمنی و اول رفقه جلالت و خلافت
مقدما سر زده اولان نهال کبد در **منور** **سحر** و نوم سر سلطاننی انحصار قدم
نم نظیری الیه شرف و منابر و محافل اذان الش و جانی کوشواره العاب
بر عنوانی الیه شرف ابدین قصه مغنیاده ایکن اول مطلع صدق و صفاد
مانند خورشید بر صبا طالع و هویدا اولدره اول شهنشاه ملک بمانان
خلافت بالا چکوب بعن سجاغه جقدن عینه علیه کسی تحمل تقبیل عالی
سده سینه می غنکف اکابر و امانی اولوب صیت مودت جلالتی قبه جهانی
بر طین و اوازده سحیعت و بالی و اصل غانه مکان و مکی و لیکن
کوسس بابت آستانه و نوبت زن و همای خلافت سر بر خود و رافینه
سایه فکن در و لوق خوفدن سیر شهادت کانک و الیه سی اولان عهد علیا
فلاده کردن عصمت با نوبی جهان بلقیس زمان خالص سلطان
اتفاق و زبر پر زور و ستم مظهر بدایع الخیال الخداعه ستم بایه کین گاه
عذر و مکر و ظلم و جورده طور و بدام اجنبانی مدام قورر و و تیر بر تایش
نفاق کمان اتفاق اولان استوده اخلاق اتر لرایدی هر چند بود کلو
بیر حفاک بری خطا ایدر سه بیر یغمسی مغر و تنها بر کس پیش و بدین
کلن اعدای مقاومت ایملک مضور و کل ایدو کی نو شمر دن اظهر و نور در

عاقبت هزار جیل و خدیگری بلیه شارع شفقت و عطا صاحب
 قرآن مکتور و سرچشمه خورشید تنویری هزارا کا ذیبت و برکت
 ابد مغیر اولوب اولاد حضرت صاحب قرآن ملک عراقی نسیم بکرانی
 بیور دقیری سفوده ار کل نام موصوفه شهنشاه سوده دل بوندر مکر
 و خدا غدن غافل و ذایل و شفقت و رحمت پدری بالکلیه زائیل اولوق
 خیال فاسد وطن باطل در دیور و مال سنده سلیمان اندکن خون ناحقنی
 خاک روان اید و اول شهنشاه غالبانی سرخیل کرد و شهیدان ایند
 پدر مکر نیک آستاننی دارالامان ظن اید و بلدی که داربله و اخوان اولد
 و ستغفک سماننی س حل در بای نجات و حیات مکرید لکن عثمان بکران
 فنا و مات اولد حفا که سپهر نافر جام ده بوظلام ظلم که ظاهر و مطیع آبادن
 بو غام جور که دبغ خام و عامی س ترا اولد فریاد اصاغ و اکابر قبه آسمان
 و آشیان نسر طایره بچید و صباح و صراخ اولاد آدم و غریو و ناله
 خلق عالم سطح صاخ کوان و توانه رسید اولد

در بیخ ان سر و غیر شهر یاری در بیخ ان قد و قامت بهلوانی
 صفار و جبار صاحب قرآن کامکارک بوکارینه انکار اید و سلطان فرزند کش
 دیونار بیخ دیشلدره مکرستم دخی نار بیخ و فانی اولمشدره ستراده خور شوا
 و ایل فانه میل و غنی اولوب خواجه لری اولان سروری افندی ایلده ام
 صحنی اولغده بو فتنه کرجکن قدرت و مکنی و اید بو اشعار اول شهر بکر
 رفعت اسر سک اگر مهر جهان را کبی سور بوزک هر کون بره ایلده تنزل کبی
 خوش قیامدر دکل بو نقش و زکار فی المنزل نیایشان عالم رو یا کبی
 سوزن و زکام کدن کدن دل شری بولده فالدم ای سی حضرت عیسی کبی

بهلوان عالم اولمش قلیب استغایله طوب و خنی دهر المنج او یار کما
 قراه دن کیدر و خودک مخلصه باعجب نظم ایدوب در لرد و کرطبعک نیک
ذکر سلطان محمد اول شهر یار کبری دخی اول شهنشاه معاشقار
 ذات کارم پیشه و دمار چاکسوار میدان شهریار یکانه مضمار مودی و کار
 ریا قلیت و ایالتک سر و نوخیز و نو دمیده سی و کلتان سلطنت و خلایک
 کلبن تازه رسید سی شیل اسد صکار صو و قمر سار قره عین سلطنت
 و جلال قره طهر معدلت و ایالت بخل اجل و اسعد شهنشاه شرف و مجد
 حدیقه شهر یار بید و سر و سر آمد اولان شهنشاه سلطان محمد در و مانع غزو
 دولتی سیاح بود و رفت ایلدش داب و وابع ملک و ملتی غلام انعام
 و معدلت ایلد سیراب ایدوب روضه سلطنت کشید بالا اولد فرخ
 معنایه سخا و جفده او ایل بهار عمرده هنوز نو شکفته و خندان ایکن
 اول نهال کاوانه بچک جفاریا ریحی فان و شکوفه جفا صر قنا و تنباج
 حیات ایلد ریزان اولد بیت در بغا که باغ بهار جوان فروخت از تنباج و خایه
 والد ماجدی صاحب قرآن معاش هک مزبور محبت نام و شفقت و عطا
 ملا کلا فی اولد و غدن جنازه سنی استبوله کتوروب جامع شریف
 و مدرسه و عمارت بنا سنده فرمان همایونی اولمشدره حال جنازه سی انده
 مدفون و روح پر فتوحی انواع دعا غفرانه مقرون در و حرم سلطان سلیمان
 مزبوره و رتبه دیوب و بنار کلرینه انده درج ایلشدر **مصرع**
 شهنشاه لکر نیده سخی سلطان محمد اول شهنشاه نامدار دن بعض اشعار
 صادر و واقع اولوب مشرق ضمیمه بنیدن بعض مطلع طالع اولمشدر
 جمله دن بو مطلع اول منبع صفا و معدن و فاشر عدند

در یک

اول شهریاری و ماری که بموید به کرمسون بیاخته خوش و خرم و به
بولنه جان و بر ملا بگون افرا بدم بینه در کلسون بری اول در موفوم دیده
او حرم شو کمر بایرم آشته که در کمال چسبید و جاده ز نخد انده مدیونم دیده
دال دولت اول کجا نغمی بود نیا بکم نازله اول چشمی ز کس با که مفتونم دیده
دلیه اول در ای محمد چشم بد کج عا شقه بونیکه بند ابدم زلف مهابونم دیده
ذکر شهنشاه سلطان بایزید اول شهر یار اردن بری دخی اول شهنشاه نامدار
دلیه مو که کبر و دار شهنشاه بهمن صلابت خان زاده رستم شیخ عمت
در صدف شاهی در ری رخ شهنشاه می آفتاب آسمان مکارم و معالی
شهنشاه بلند پرواز مطلع انوار الفخار احسان و حرم شهنشاه سلطان بایزید
خان در مخلص نغمی شاهی که سلطان سلیم خان شاهی خضر نیک برادر
کترید ز حفا که او ابله عالمه مکارم اخلاق و در کسم شفا که مذکور و شریف
و جب حب و تخم و لاکسی زمین بال بالی دنیا ده نگاشته و وزوج او کو
سفاین آتو آباد بان صلاح و سداد ابد مقتضای حال و مرتضای مال اوزره
جاری و لغو بارقه اهتمام و اجتهاد ندن ظلمت ظلم و بیداد کتم عدم دستور
و منواری بید لکن آرزوی سلطنت ابد اهل امارد لیری و شجاعت
ابدوب بهادر نامه برالای حیای حمانی و ابطال دینه بر قاج بطلان
و جانیه بانه او شمس که کثرن جنود و عساکر و غایت و دانگی بهادر
لغنه اعتماد ابدوب فسر حقوقی عین حقوق تبدیل و سب طار غایت
ادنی بای قباحه و نادر دی ابدی بلبل ابدوب کستنا خانه اوضاع
افدام آیم شدی تفصل حال سلطان سلیم خان خضر نیک ترجمه رنن
خبر و نظر او شهنشاه و افق حال اولان اهل ملک تحقیق اول ابدیکه

اول شهنشاه

اول شهنشاه نامدار که مثال برنده ثابت و برقرار اولسه خلق عالم امان
سعادته یوزا و ر و سلطنت و خلافت اباخته و اریق محقق و مقرر و
سر و مثال کلازار استقامت و پایداری اولسه مثال زار صفار و کبار
اباخته اقوب جویبار ابا بت مقتضای فرمان اوزره جاک اولوق منصور
و میسر اید لکن برالای شهنشاه خسای سعادته سجد ماری اولمغه اول
بلبل کلازار سلطنتی آشیان ندن کوچه دیلر و برایکی بدخت سینه کار
اول شهنشاه شهادت درونی مثال آب روان با ستمگری یره اقمغه
اول شهر یاری یاردن اوچوردیله عجاب طالا و غرائب اتفاقان ندن
در که مخلص شاهی اول شهر یار حلاله و شنگاهی بالا خوه رئیس کفره
سردار رضنه خوه طاهر لعلین خذله الله و دره به النجا ایتمک سابع
او کو بنایه مخلص نور آفتاب کبی لامع و ساری او که حفا که شهر یار زبور
معارف و کمال ابد آشنای و دین دل و جا کل معارف و لطایف
بیکران ابد روشنا سجد و لایعده کمالات و عرفانی اولوب بر حال ابد
ارباب کمال یانند خیل نام و شایخ و ابد لکن **شهر**
کار و دولت بکار و دانی نیست و خرباید آسمانی نیست
بوشعار اول شهر یار کما کارک اشعار بدخت شکاری و باد کا قلم شکاری
شهر اگر تحت سبک میسر میشود مارا برینج قهرمانی بر کشایم روی غبار
درد و بلا و غم شد حاصل مهر کرد و بار چه چاره سازم شد حال و اگر کو
درد و بلا و غم شد حاصل مهر کرد و بار چه چاره سازم شد حال و اگر کو
وصلت الدن کیده یوز دل بچه خندان او کو دم زلفت کلی یوز فی کبی لان او کو
بولغدی بر دسم الوردینه و جفا طوندم یوز فی طایکه ای خضر مولانا

اولی یوز

نامیده نولاش ای اسم یک قبکون بر بند خورم که بولنم بکه هست
 بن بچه ضایع ایدم طول امله نفسی قالدی ذره قدر دلد بود با هوای
 کاربان ره اقلیم عدم منم ننگ طوفنور اوکد کاسمه بانب جوسی
 اضطرابی فوکل ای و غروان صلیب اسکوب انشه خرابه واری بوزن نفسی
 ش ای بیدل و بیمار و کنکاره زغم سن اولور بیک بالطف خدا دست
فصل ثالث علما و شوا بیان در مفاصل امانل روم و مفاصل فضایل روم
 چمن آرای گلستان علوم نخل بید بوستان منشور منظوم چهر کنای صورت
 علم و کمال زینت فرای عرایس فضل و افضال قاطع ماده نزاع و جدال
 حاکم عروق و شراس ابراد و اشکال بریان الا مانل سلطان الا قبال
 الانه بالمتقطه الا و ایل صاحب التصانیف العایقه و المؤلفات
 الانبیه الزایقه فایز مالد و لیتن الفتوی و التقوی حایز للربا سنین
 فی الاولی والاخری حقا که علوم عقلیه و فنون نقلیه و معارف کلبیه
 و خرنیه و لطایف حلیه و خفیه ده موسی و ا صاحب بدیضا و کوب
 سحره بلغا و کتاب عصا قلم از دما دی خورن بر فوای خوراکها
 و اناب تسلیم و رضا و زره اولد قری مانند خورشید بر ضیا ظاهر
 و پیداد در روشن و هویداد **در** بامتاب چه حاجت شب بختی را
 و احباب اخوات علوم وارد انده عیبی کردار صاحب دم بجز نما
 اولد و ملاحت هوشان حوری لقاء و صباحت روی دلبران ملک سبها
 کبی محتاج املا و تحروان و کلد ریح چه احتیاج بقانون طب سبهارا
 ذات ملک خصله نصاب دانشوری و بلاغت و کمال فضل کسری
 و براعتدن صاحب خط وافر و ذوق متکاثر اولد و کالشمع اوقات

ایام بختی

ایام بختی
 ایام بختی
 ایام بختی

روشن ظاهر و جلی و باهر در وصف او گفتن نه شان هر کس است
 نام او گفتن بهین مدتش بس است صلیب خاطر نرفی محل نفوش انواع خلی
 و مبط انوار جلال و دقایق دریای طبع کو هر افت فی معدن اصناف کمال
 و فضایل و ذهن و قادم عالی شان مواد اصناف جلال خضایل ابد
 معلوم صغیر و کبیر و رسوم هر جوان ویم در
 زدرک غایت علمش عقول فایقه عاجزه زکته آیت نقش نفوس ناطقه مضطر
 اصناف علما و اشرفدن اهل اصناف اولوب مجاب جانب حور و غایت
 اولتر قشع تمام مدح و ثناء و غایت محبت و اطرا الریح بوکلام بوخرا کاشی و فید
 الی نه الان فارس میدان فضل و عرفان اولان علما و اشوران بعض علوم
 و اجل و هر برینک تحسین و تقصیر اولد کردن محامد و مفاخر لری حلیه مشارکت
 و فلا ده مساهمت جمله علوم مدن عا طلاع لوب بلکه اکثر علما بکفن اولد و
 معلوم و رسوم این کا فطن در مکن و حوم و قومک جمیع علوم نسبت
 علی السواء اولوب هر برین فایق اقران و نادره دنیا ابد کی ظاهر و هویدا
 و حوم و قومک مؤلفات و رسائل و مصنفاتی اعداد فضایل و کالات کبی
 دایره عددن افزون و مرتبه بختدن بیرون در جامع جلال و دقایق علما
 روم اولان کتاب شقایق مسطور و رسوم در که تحصیل علم و کمال کبر سن
 و سالدن حکم اشتغال بمنشدر اکثر منلا لطفندن تحصیل تکمیل علم و فضل
 اید و بعد ادر نه ده علم بیک مدرسه سنده اندن اسکوب مدرسه اولوب
 بنای سزای فضل و کمال شتند و موشش اولشدر حکایت اولور که حوم
 مولانا الحاج حسن زلفه روم ای فاضل سکر و موبد زلفه اناطولی
 قاضی سکر ایکن ادر نه ده کمالی مدرسه سی محمول اولد قش کمال زلفه

طالب و رغب اولدق مذکور چنانچه زاده نیک مندا به عداوتی و ارایدی
 لاجرم جانب وجودن باد طلب و زان اولغلا آتش حقد و جدی فرزندان
 و دیک رکنک بعضی جوشان اولورد و خدمت مندا به درونی باغض
 اولد و غندن طور مبوب عرف عداوتی نابض اولغلا جانب فضایل المبر
 طابق فضایل لک ایله قائم و ناهض اولوب حضرت مندا درسته و نوره به
 تیرجا و سهام طلب و استعدا سن تران ایله کجه موصول هدف
 حصول ولسون دیومهر آن دست تم فراوانی ایله مانع و عایق اولوب
 اول مقبول جمیع خلایق و زبورک هدف بزخبا و نشان خدنگ جور و اذرا
 اولمشیدی بالاخره و حوم دخی مکت قضایه رضا صورتین ظاهر ایله کج
 صدر الف الذکر حضور سلطان جلیل الشانده منصب قضایی عرض ایلمک
 مباشر اولدقن مؤید اربا فضل و افاده اولان و حوم مؤید زاده
 خدمت خلیفه زمان و جناب ملک قباب خاقان بسکندرشان حضرت سلطان
 بایزید خانه خدمت مولانا نیک مناقب و مفاخر و مکارم و مانتزدن
 عرض ایدوب با و زورک اطلاق جو د سکود که طابین الاقران مشارالیه
 بالبنان در یوما فیو مانتزدن بان اولطای مقرر و اقدام قید المقل
 و شواهن فضایل بی انجام تعلی و تلوخ ایتمکله امتناع و افراندن تفوق
 ایتمس عن قریب نزد ادوب مدرسه زبوریه الی التور بندر وینه اول
 مجلس بولانه ایله خدمت شاه جهان اجداد و امی دکرک معاز و فتوح
 کثیر البرکات و بحر و نظیر او نمائند اولش به سیمک لباسی روحی ایله
 جلوه کراولس اند مهم و زبان ترکی ایله توارنج آل عثمان بازلمی لازم
 ایدوکی معلوم سلطان پرکارم در منلاد اعیکر اول خدمتک عهد مندا

کلمه قادره بکجه بو نوع و امک تمامی ذات پراخترا منک شخصه مخم در دیو
 پادشاه فرمان مایندر دکرک صحن حضور شاه جهان به کوکونه کوهرشان
 اولمشیدی مولانا زبور زل فقر و غل ایله دبسته و رات قلب
 نیک خصلتی سنگ مذلت و فلاکت ایله شکسته در بنا علیه باخدا جهان
 زبورده او نور نیک افق احسان ایتمشیدی سلطان بایزید توب زبور ایله حو
 معلوم ایدوب اکثر باخلع فاخره و جوایز و افرح ایله شان و غنچه
 جنان بنایم احسانی ایله خندان ایدر ایدی فی الواقع ترتیب سلطان
 کاکار و احسان و الطاف خواقین ذوی الاقدار کترقی قوابل روزگار ده
 تاثیر تامی واره ایدوکی ظاهر و آشکار در دست روزگار اصداف الجار
 زخاری ترتیب نیمه قطره نیان باره لؤلؤش بواره اولمکده و آفتاب
 عالمنا بدن نوازش شیشه باره ظاهر و بدیده اولسه کان جهان لعل ایدر و
 کوهر پراختباری حاصل قلمزدی **منشیه** ایدر سه قطع منازل نولادل آگاه
 هر چند حکم حل عمر و غل الطوق ذکر فضایل حدایی و تعداد مؤلفات و ربانی
 محتاج بخبر ارقام و تحکیم قدم دکرک لاجرم مقصود اصلی که اشعار برن
 اشعار در انی بیان اشک وادی وادی در حوم خط و حال علم و کمال ایله
 نروچ روح علوی ایتمکده صلی بحسب الطبقة البشریه بوازرم شعار طبع
 تنزل ایدوب کاهی در منشور کبی نثر جهانیا نیک کردن و کوش و برانغوش
 وزن و اراسته و کامی نولون منظوم کبی نظمه خلق جهانک ساعد و دوشن
 محلی و پیراسته ایدرده اشعار بر صفا سی علی الخصوص فقه یوسف و ربی
 نظم جان بخش و روح بخشای مشهور در اول کتاب بلاغت سمانده اول
 کجه سرتینی فاش ایدی چون **دو شروانی دلدن شمع مهر باره**

سمند طبع اولور تازا به نکت

نحیه ابیات

در نوشتن نه او اینست کوشش ایگر بر بر **در جلد لوحه** از خامبله کسر بر
 بر اتن شتری ایگر دی امل **در نودن جلوب** اوستینه طوا
در سوت قمر ابرش دکلر با پسینه **کوشش و شمشیر** دکلر با پسینه
 یوزن کوره **در چشم ستاره** **کجبله ماه** ایتمر دست نظاره
در وصف دور لر بر عماره خوب دریا **که راحت** اوله ایچ سندن زلیجا
 صد فیکه ایچ بر دور و کومر **طش نقش صدف** کاری هر امر
در وضع سفی کویا چتر چشید **زرافشان** قبه سی چون کوی خوشید
روان اولوب بول چون است **اولور** املایل و بدرله بر
حساب طولی آنک بر عملدر **ارشمک** عمقنه طول املدر
در نزل نیا شور سه کنج و مانی ایندی نراج **که خلق** اولدی غنی و کندی محتاج
در وصف چون او کد سر کون چرخ دکو **مداد شب** بویادی کایانته
در وصف نقوشه قابل اوله جوخ طلسم **چقوب** بایمنی ایگر دی نورس
در وصف غضب بوحاله نیز اوله آتش آس **که بن** آبی بم و بادی زلیجا
در دم دنیا قبا ی وصل و کورد جا **الکرا** ایندند اولما سیدی جوان
 اول کتابستطاک ایات بلاغت مضامنه **حد و حساب** یوقدره بومقدار له
 اکتفا اولنوب ترک طناب اولمده **بر نالیفی** دخی نوارخ آل عثماندره **اگر چه**
 اول کتاب بلاغت مضامنه معانی نفیس **لکن** اکثر الفاظی بختین اوزره
 بنا و تائیس اولمقله اداسی جندان سلس **وروان** دکلر حاج حسن زاده
 ایله عداوت سابقه سی اولمقین شکایت کونه **بواسطاری** دیشدر **در**
 این حسن اول قبیح صورت **شهر نظهری** نظر چشما **با که نوله** کر معارض اوله
 نایل اولور معارض ال **هر احمد** بولینور بوجمل **و فارسی** نگارستانی واردر

بعینا کلاستان حکایا **در** **بجمله** ترتیب واداسن تغییر ایدوب
 وجه حسن و نهج ابلغ اوزره **بغیر** اینمندر **لکن لطافت** و نایز **سخت** شیخ
 نه مرتبه ده ایدوکی معلوم صغیر و کبیر **در** **و حوم** نگارستانند **دیشدر** **در**
بهارستان نگارستان مانیت **ولیکن** چون نگارستان مانیت
 و سلطان سیدم خان ایله اناطولی قاضی سکرکن مصره وار دقح جمال الین
 سکرکی بیر دینک بخوم زاده **آدلو** کتائن **اگر** سید ایله نرجه اینمندر **در**
 حکایت اولنور که بر و **قفا** سندن **تقاعد** است که **مکن** انتقال ایدن
اشی زاده حسن چلی اول منظره **مهر** **اد** تورا **قچه** مدرسه دن موزل و کو
 ذکر اولسان ترجمه نک سودیس **بیاض** ایچکه مشغول ایدی خدمت منظره
 بیور سکریدی که بن بلاغت مضامنه **نرجه** سن خایه سیاه ایله کجقه ماه کبی
 اوراق اوزره **هرگاه** که تسوید ایدم سیر خام مشکفان ایله افتاب خشان
 کبی کاغذ سفید اوزره **بیاض** ایدوکی **فی الواقع** خدمت مولانا **مهر** کجبه
 برجه ترجمه ایدو **یاد** شاه **ملک** خصلت ایله معدن عودن قطع قبا فی
 و طی سباسب ایند کلر کجبه **انام** و ام **زبوره** طالب و رغب **اولو** **مهر** کبی
 قوناقد **قندیل** **کبی** **چراغ** لری **صباحه** چقاروب **اقتاب** پرانوار
 خنک افلاک سواره **اولوب** **یاد** شاه **معا** کرداره **دخی** سوار سمندر **ایوار**
 اولیچ **حصور** سلطان کامکاره **برجه** **احضار** **ایدر** **در** **و حوم** **ک**
 نکت و نوادری چوق **لطایف** و مطایبه حد و غایت یوقدر حکایت
 اولنور که **افش** **امان** **روز** کار **دن** **نجه** **نامدار** **لر** **بروانه** **واره** **کبی**
 مثلا نک **شمع** **پرانوار** **دیدار** **نجم** **وباران** **بهاره** **و ن** **نولوبار** **کبی**
کلام فصاحت شاعرانه صدف کردار کوشش دو توب **بجمله** **شمع** **ایدر** **کجبله**

رسی مندا رفیق اهل علم و کمال اما بولد و عی کتبی جمع ایدره عجب بود کلو کتانی
 جس انکدن مراد میانه اوله دیکر مندا دخی علما زمانه دن کنایت
 و اینا روزگار دن کنایت ایدوب باران صفا کتانی الوب مشکینه
 ایدرله یله جس ایدریش جس خود اشکینه امتدن اولی ایدو کی ظاهر و پور
 دیو یوزلره وینه حکایت اولور که صاحب شوکت باهره اولان سلطان بیلم خان
 ماضی فتح مصر قاهره دن عودت و اول مرز بودن دبار روم مراجعت
 ایدکن سلطان کامیاب و زرادن برینه یا نشوب رکاب هر رکاب عرض
 قضا ی شینج و شاب ایدرکن سمند وزیرک لعابندن بر قطره حرا جامه
 شاه فلک قدره و اریکج پادشاه مظفر و مسعود غایتج بخصور اوکو
 مقدا ایدر که وزیرک سرنی تنندن جدا و جسدن آلوده خاک قضا اید
 آخو واکا ظمین الغیظ و العافین عن الکسل و فوا سنده اقتدا ایدوب
 بعض خواص ندای شفاعتی ایلد و الله الکفایتی ایشدی ابرستی خدمت نایب
 یا نشوب کیدرکن اسم سمند حضرت مندا جامه دیبای سلطان دنیا یی بر باره
 کل ایلد لباس مست لایعقل و پلاس عاشق در کل کبی آلوده ایدیک جان
 باشد چه یوب چشمه بار خارا عاظم سلطان قاهر مغیر و آینه غمیر خورشید
 تنویری عیار کدیر ایلد کدر اولدین مطلع مصاحبتنہ مقطع و برمدین و
 اف زبانه و کلام الحجاب ایدرین جلد و دس کلان بوکونه تزیین و بر و
 دیر که ای پادشاه سهرنگین سلطان پیشین و دقواقین روی زمیندن
 خلفا عباسیه دن ناصر خلیفه نک که آواز و کوس نهامتی غلغلہ انداز
 بهر دواره و صدای کربای مهابت و شجاعتی و اصل قبه جمله دیار
 اولندی و جهان داری که از لطف الهی بتم کشتن از نه ناماهی بر فحوی

لکل اجل کتاب قباب تحت عالجانی دست نهاب جلد و خواب و بیا اوکو
 با طخلاخت و ساطا ابالتی بر مغزای کطی التجل لککت مطوی و تحت
 روان تابوت ایلد عزم دیار ایدو اوکو اخو فت و مرض مونس
 وصیت ایدر که چون بن قبر ده هم آغوش سنگ و حجر و کنج حلدده محتاج
 بالین و پستر اولام فلان صندوق انواع جواهر ایلد ششون و درون
 خواند مکنون اولان خشتی بکا بالین راحت ایلک که سکا امید مغفرت
 و رجاء رحمت و اوخت سعادت سرشت در خلیفه آخو نه رحلت ایدکن
 بر مقتضای وصیت اول صندوقی کتور لر انواع عطر ایلد آراسته
 حیره صابری خشت بولوب آفی حید خلیفه به بالین ایدر لر بعد
 خواص و خدم و موبان عوددن سر خشتی نقش ایدر کلین جواب
 ویردیر که خلیفه کند و به کلن علما کشف کلن جمع ایدو به خشت ایدر
 وصیت ایدکی قبرن بیلد دفن ایدر لر زیر که رعایت علما سبب دفع
 عذاب قبر و باعث فوزجات و آخو تن موجب رفع درجات در حضرت
 مندا بو حکایت نصیحت آفر و روایت عبرت ایلد اما غضبی جناب
 سلطان عزم و عودن دور ایدوب روی آشنای کنی انوار سرور ایلد خندان
 ویر نور ایلد وینه روایت اولور که سلطان کار ایلد فرمان دمارن بانه
 یا نشوب کلورکن هر کرد یا دیدا اوکو پادشاه ملک خصلت و شهنشاه
 فلک فرعت مندا خردن استفسار ایدر که فرمان دیار نک کرد یا
 حد و غایت یوقدره خصوص ضرورک حکمتی و موجب علقی و ایدر
 دیدکن مندا جواب ویروب یوزدن کوهر افشان اولور که توشیه
 پای تحت خط قرماند حضرت مندا خداوند کارکن مبط انوار و مجلای

اول اجلدن در کردنت و طاع و طاعت و طبرانی هماغه ایدر مولود بر سر
 عهد عشق کور حضرت مولانا بی. طور مدین داخی دونه او سینه بولد
 صاحب قران زمان افتخار و دمان ال عثمان فاتح مالک ایران و
 نوران حضرت سلطان سلیم خان بهل زمان بیطجانی مسخر بکران و
 ایدو. و ضرب و شمشیر قهر و جوری کاسر افسر و زور و جوری و تیغ
 خونبار جان نمان بی عدلی بدل ناج بی رواج اسماعیل او کو اسکندر
 زمان قهر و مدت سیرده. ریح کوفی لشکر انجمن شدی بو معنای تعبیرده
 بو قطره سی غایتی بی عدلی و نظیر در
 از مدته جوق ایش انجمن شدی. سایه سی اولمشیدی عالم کبر
 شمس غم ایدی عصره شمس. ظلی مد و داولور زمان قهر
 ماه شوالک انجمن کوفی سینه ارباب و شمایه ده روح شریف و عظیمی
 جناب رب کریم و رحمت رحیم و منادی یا ایها النفس المطمئنة ارجعی
 سلیم ایدو. تجمل فضایل دینوی اینه که مکن. تکمیل درجات اخروی. به
 اشتغال بو فانی غور و درون سرای سرورده انتقال ارکان ایدو
 زمانه سندن نظیر اولان شاعر بی نظیر مولانا ذاتی یک و حرم حقوق
 وفاته تاریخی خارج دایره کبر و بیرون مرتبه تعبیر و توفیر در زوایج
 مات الخیر در و خوار و قدینه. هذامقام احمد. و کفن مغفوت اقتباسه
 هی احوالک باس دره بواسطه بلاغت شعار خدمت مولانا ملک یادگار
 قلم سحر انار و ساجی طبع بر اقدار گذار
 بنجه طویچه کورم سن کل نازک بدنی. کند و کرم بو کم او پند رینه کوزم و گنی
 کلشنگ آب روان سا که او کلنگ نده. اولدی یه نولا کرسنکین دل و نازک بدن

شمس کلگون اولدی جام قندو یا شمدن نیم. ناز عشق شعله سی کوزندی طشت
 ای و لون شمع جمالک نورنیک پروانه سی زلفک زنجیرنیک و صباد بوکسی
 اشکلدن اشک چشم سایلین کل قندو رده. فاش ایلر ده مردم زاده درای
 عشق اللریه سینه بلا کوس ایدر. کم نازه داخی بربر انک لاله زار ایدر
 فان اغلا دی سز زلفک خمیده خالیه. قاره یه بویندی خطک و تمیله مکر
 دیدی دلبر شمع کیمی یانه سولیر سن کا. چون دل او جندن بیر سن یانه سولیر سن کا
 اولدم قنی ترانه نیزم قفاندی. قندو یا شمس قد حده می ارغواندی
 ایات حسن یازیلان لوح سینه ده. درسم کتاب شقدی بر خوش زمانه
 صبحدم اجوب کل فر کس کوزن. کوز قوای طوشت در کلر شمس کا
 احمد شوی روی مقدم و پیشوای. و بو طایفه علتیک مقلد و مقلد
 سر دفتر اصحاب فصاحت. و متهر ملک براعت. بلغای رویک مرد دلبر
 واقیم بلا شنگ ابر و وزیر ی. در که ولی الدین و علی دیکلمه معروف
 و اما و اجدادی فضل و رشاد. و صلاح و سداد ایلد موصوف. در
 باباسی سابقا سلطان مراده قاضی سکر اولمشدر مرتی علما و اهل عرفان
 اولان خاقان فردوس مکان. شهنشاه نوید سلطان محمد در نور
 نهال قابلیت جو بار تر بیت ایلد سیراب. و کلش جنانن انار احسان
 فراوان. ایلد سر سبز و شاداب. اسمکله نبات مدارج بلاغت ارتقا
 و غایت معارج اهلینه اعتلاء. ایدوب و نولو کوسل اشتهاری زین
 وزمانی بر صدا. و اوازه شهرت و اعتباری. قلم حلیه جهانی بز ناله و خوغا
 ایلد سلطان محمد خواجه اولد قدس. وزیر اعظم و مدبر امور حلیه عالم
 اولمشدر خفایا اشعار در بر رصیح و حکم. و مهندسان قصر عت

بنم
 قد

بابنده فی تصور و نظم شعر **شعر** ترکی به حالت غیر اکتی اول بود و بر دو کون
است و مقدم اولوب خلعت صفا خلعت تقا الفضل المتقدم طرازی
ایله طراز و معاد در فی الواقع بودند ان قدم شعر ترکی سلاست و تر اکتون
دور و در تقابلان کسی ملاحت و الحافقتن به جور اید راقم و قلم
جدی اولان میری افندی دن والد فردوس مکان روایت ایدر کر ایدر
احمد شاه کنک او این حال دید و کی اشعار و مقاله جوق حالت و جلالت
یو غنئی صکره ایدر غالب شیر نوانی او تونز اوج دانه غزل کوندر مشید
احمد شاه اکا افتد ایتمکله اسلوب شعر خوب و طراز کفاری و خوب و بلند
بعض موزین انی بخاتی دن برججه ایتمکله جانبی تصریح ایتمکله بخاتینک که
نامی عیبی دره بوسیدن استدلالت ایتمکله اول بیت بود در **ن**
بخاتینک در پسندن اولوبی احمد کیدر که عیبی کو کمره غصه نه دم در احمد
اما که طراح انصاف دن صدم حله دور ایدر و کی ظاهر و کلام موزن زبانت
صدور ایتمکله اولد و غی روشن و باهر در احمد شاه وزیر اعظم ایکن
بعض اصحاب بغض و تم ارج او غلام کردند بر سینه عشق و محبت ایتمکله
دو معنای خیانت ایله خباب بهوشا هم غم و غیبت ایدر کر آخر سلطان
مکتبه دان انی تجربه و امتحان ایچون هنوز کر بایه عشقندن سوزان
وزراف بر جبین و کامل شکینی غمیده در مهم و پریشان ایکن اول جوی
پیری شان ایله انی تمام نومعه فرمان ایدر و سودای عشقین فاش
ایتمکله چون دلبر سیم اندامک زلفنی تراش ایدر و ب سسته در عشق
جانان و شکسته مرض جوان اولان احمد بی جانیه اول طبیب دل
و جان ایله آب کوثر دن خوشتر شربت جان پرور ایدر

احمد شاه و خدی اول طبیب عیبی خصلتک شریکین ایدر کن و کیفیت یاده عشقندن
مست اولوب کیدر که بدیده بوینی دیر
زلفن کیدر مش اول صتم کافر لغن قوم هنوز زبانی کیمش وادی و انجی سمان
پادشاه غنوز مخصوص زور دن دلیکر و بخور و زباینده بجنور او کو
احمد شاه بخت قتل ایله قیو جیلر اوده کسند و جس ایدر احمد شاه و خدی جس
ایکن کرم قصید سن دیوب کسانه اقرار و جوم و عصیانندن استغفار
ایدر کمال دشت کامکار و شهر یار سپهر اقدار و الکا طین الغبط و العافین
عن الناس کلام فرخنده پیاده افتد و یو خلق جمیده اسلاف کبار و
سلاطین نامداره افتد ایتمکله جوم و کنا این عفو و اب اللفح بحسب بله
نقوش و اتم و عصیاننی نحو ایدر و ب بروسه ده او تونز اچ ایله تولیت
سلطان اور خانی احسان ایدر مطلع قصید کرم بود **مطلع**
ای مجید کر یک قطره سی عیان کرم باغ خود ایدر کنگدن طوبو باران کرم
قول کنه اینسه نول غفوشنه فنی طونه لم ایکی الم قند ایشرفانی کرم
روایت اولور که اول موشس قواعد فضل و عرفان و بانی مانی علم و
ایقان اولان شهید کندی دان سلطان محمد خان علیه الرحمه و الغفران
قصید موزوره فی او فودقن بو کونه کو بهر افش ن اولش که نوع ذوبت بیان
و فصاحت لسان که وجود احمد ده نمایان در سلاطین دن افتاب وجود
زوال و کمال فضلنه عین الکمال ایدر کمال و تحض خیال در والد فردوس
مکان خطی ایله مسطور در روایت اولور که احمد شاه کنک ش بهانک بعض
خدمتکار رینه بخلق خاطری واقع اولوب بعض خاسد لر غم ایدر کمال
پادشاه تحقیق حال کون علامت اسند کن خور جو انک زلفنی غلامان

پنهان ایدوب البته احمد مناسب حال نظم مقال است که کرد و بمنشور الحقیقه
ایله ایدوب احمد شاه فی الحال بمنشور است از لاف لا ویری جعفر حبس کلیدن
کم ظلم الن اوزندی قبی فتنه لری وار، انتهی کلامه شریف بعد حضرت
امیر او فافنه متولی او کو اول حضرت بزرگوارک اسرار طیبیه و انار طیبیه
استمداد ایدوب بونر جمیع دیندر ب ای عالم ولایت سلطان اولان امیر
وی ملک روم رخت رحمان اولان امیر بونر جمیع بیدی دید که صبح روح
حضرت امیر مزبوره طهر و معین و دستگیر اولوب سلطان او کی سخاخی
ایله خبر دلگیر او لشکر بعد جو اید دولت اسلام و صحیف ملت شهر
انتظام سلطان بایر نیک بر لیغ قضا و توفیق خورشید انجلیتیه صدر
وروی جهان و جهره زمان لمعات جمال سلطان مزبوره و اشاعت کمال
خاقان مسفور اید منوره اولدق بر و سه بخاغن احسان ایدوب
منظر انار لطف بی کرانی او لشکر بعد قضیه عمری بقطع و انترایه ایدوب
ماتی تحت جیاتن کند و به مخلص و مجا ایدوب سده انی و سعادته جوار
ملک متعاله انتقال و ارکان ایله او اخو عمر بن برو سه ده سخاخی کی
ایکن مرادیه جامعک محاذی کسند بر مدرسه شریفه بنا ایشد و تریه
عالیه سیخی اول مقام متصل متوالی در افاضل و زکاء و اماثل نامدار
بیشماره کسند اول مدرسه سعادت مدار و فضیلت قراره مدرسیس
اولوب والد فردوس مکان دخی اول مقام افاده فضل و عرفان انور
محمد نه شایع و منه الذی نوالی بود قیر قلب الیه بضاحه و عدم الاستطاعه
دخی افاده و تعلیم و ابلاغ و تفهیم خدمت و اول مدرسه سینه و بقعه
علیه ده مدرست اولوق دولته و اصل و نایل او لشکر در حوم و در قومک

تر به سنده افلاطون و غنه منسوب بوابیات بلاغت اسلوب محروم و کتوب
من مشکوه انوار المن علق الرحمن من مدوحه و قمر من انداس ملک الدار از
راح مشتاق الی استوحه قال روح القدس فی نایحه ان فی الجنات باقی
چونکه اشعار بلاغت شعار افواه اصحاب بلاغت و مشهور ما و ابیات
مسانت و ناری حد و در ارباب فصاحتی مظهر دره ابراد و انکاره اجتناب
یوقدره لکن تمییز ایکی اشعار اید الکفا و اختصار اوست
چین لعلک مک بکرتدم خطاسن بکدم کی پریشان سولیدم بونر قراسن
جانه قلم نوبه لعلب بایر استین باش و بر روی هر زلف به کار استین
کوبینی کو میله دلکس کن اولمز شوقی فانی اولمز جنت فردوسه دیدار استین
عاضی خطن فرمتش اول شکر قنده کن ای کل تر جستن از جنت غار استین
مشکل بود در که هر کیمه کم عالم اغلسم عشقک یولند اولی خندان بر جوق
اجه عجمی جنت کوبیدن اولکس دور بلکر لکله آدم الذن نکر حق
اول صنم کیم بلی زلفن کر بکیر طیش رحم ایدوب مجنوننه تدبیر بخیر طیش
حق لوا عشقک صبح از لدن لعلک مهر سدن کیم ای همه آسمان کیر طیش
احمد داس ولایت کرماندن سلطان مراد اصفی یک برادر امیر سلیمان
شواسندن و ناظران رومک قدما سندن در جنگ نامه اولوب کتابی و خلق
ار اسنده مشهور رشتی وارده بوابیات انکدر
ایا خورشید به یکر جمالک مشتمی نظر نه منظر منظر طالع نه طالع طالع انور
جمالکدن جهان روشن و دوا غلکدن زمان بکیر طیش جنت نه جنت جنت کوثر
بوزکر آیت جنت و زکدر مظهر قدرت نه قدرت قدرت صانع صانع اکبر
و دوان اشعارندن اولان مطالعک اعلا سندن که نیت اولند

کوزم هیچ کور دنگ واری حق مورطه بنم یارم کمی فتنه بنم کوکلم کمی سید
احمد یک دوقه کن او غلغله نند از آغز عانی و خلی شوکت و ریاستی
 واریکن گوشه فنا و انزواده اختیار گوشه قناعت ایتمکله سلوک وادی
 توکل و صبر و غلبه ایتمیدی فقر و فناء متعلق اشغاری و تصوف و حقیقه
 ملایم کفاری و اردر **سحر** زین انجلیون جسته انسان ایلدر لر
 و اعظای فوری فو قه ختم اود اولمز هر کیشی اودن نیمه بوندن ایلدر لر
 جان یوسفی مصر وجود کن بوریک کفان ایلنه اسکله سلطان ایلدر لر
احمد برج و بار و سی قلعه شهر مینو کبی بلند و رفیع و سواد لکات نهادی
 سماعت اهل کرم کبی سیح و وسیع اولان شهر استبولد ندر سنا امینی خلیج
 او غلغله در طریق علم سالک و نضال مالک اولوب دانشمند اکن زبانت
 عشق و محبتن نه وجود بهودنه طبیعت اولمشیدی جفای دلدار ایلد قهر و قار
 مجال و کندوده بار بلای یاره نخل آفتابی اولمچو حضور حضری مشقت
 سفره تبدیل انکی اختیار ایدو بیل کبی اطراف و کناف معری کشت و کد ارازی
 انده دخی مصر پاشای اولان اسکندر پاشا نک او غلی درویش یک ایلد قدس
 شریفه وار دق طایر روح روان عالم قدس و جنانه طیران و سیاح جهان ملک
 فنادن مقصد افشای سیری اولان عالم بقایه روان اولمشیدی و کان
 ذلک فی حدود سبعین و شصت عالم دارده بی نظیر روزگار اولمغله
 بوج و مستی و دور خبر بد و محسوس و معجزی شهره دار و دیار مقبول
 و مدوح صفار و کبار اولشدره علم و تصنیفات صدر نشینان کلستان مقامی
 عندلیب و ارب غلغله آواز اتمشدره و دیار روین بغله و خی مرعبلر آهنگ
 خوشخوان عراق و حجاز اولشدره اکثر اشغاری داده و عاشقانه و کثاده

این شهر را که در این زمانه
 از شهرهای ایران است
 و در این شهر که در این زمانه
 از شهرهای ایران است

و در این شهر که در این زمانه
 از شهرهای ایران است

و نرکی و فاشی اشغاری و اردر هنروران اعیان ایلد محاط و مصفا
 و کندوده و خی عجم زاده لک تهمتی اوله و غندن فارسی اشعار و عکله
 و خی اقتداری و اربدی بو اشعار **اکلدر** زخوناب کرجون لاله پر خون امینی
 بسینه چاکما از دست کلپیر امینی دارم هر لاکایدان قامت بالا آید
 چه توان کرد بلای که ز بالا آید رفته از جای خود از دست دل بجا
 دست بر سینه چاکم بدست آوردلم **احمد** قبطار زاده و یکله معروف
 و مشهور و محارم اخلاق ایلد موصوف و مذکور در باب ایلری لیاقت
 و استحقاق ایلد میر سنجاق اولمشیدی کند و لری یا باباشی اولو بعد
 دیوان سعادت مدارده دوات دار بعد ارباب امینی بعد شهر امینی بعد
 روم ایللی تیمار دقرداری بعد دیار برگردده مال فقر داری اولوب
 تحصیل مال میرید سعی و کفایت لری اولمغین سنجاق یکله ویرمشیدی
 لکن منصب دولتن گوشه فراغتن قناعت اولی درد بو اختیار
 مقام غلت ایللربوب یوز قرق بیک آنچه تیمار ایلد درگاه عالی متفرقه
 اولمشیدی اورنه کوی نام سیره خواص و عوام لب در یاده
 برجای جنت آسای بر آرامگاه ارم این رنگ تزیینت خلد برین
 به عزت گاه وسیع و به فقر و نکش و رفیع بنا اتمشیدی **مظفر**
 بنایی ممکن به وق و صفا بدیع و نثا آورده لکشا غیب و مسافر
 و مقیم و محاور اصحاب معرفت و ارباب فضیلت آزاد و بنده و آینده
 و روزگار ایلد اول فقر فلک فتنه صحبت یاران و احوال الفتن
 روزره ایلکن سه استین و سحین و شمایه ده میر فحوائی
 و اتی نعیم لاکلدره الدهر فقر حیا موصوف صفت قاعه مصفا

دارم

لوندن

اولوب گشتی وجود غرق در بای قبا اولد بوبر یکی اشعار اگ گفتار نند
 قول اولدی قدر کشتن شاد انجون اولدی شایم غمغن آزاد
 قوم سن بر دم او پیکه الوکی اللدن یاد شایم داد فریاد
 جفا طاشینی با که انجینه بنم ویرانه کو کلم او المز آباد
 هزاران داغ بدم سینه بن بجا بر داغ ایله بکرمی فریاد
 خون دنیای گشت ابدم سر سبز آریوب بر دانه فخر صبح لیا دم
 احمد جامع اصناف قطبان کمالا ومنع انواع فواضل و مکررات
 ذهن وفاد و طبع نقادی ادراک دقایق و حقایق اسرارده مفسر کمال
 زینها بعضی دلو لم یمنه نار و رای مشک کشتی کشف مشکلا جمهر و وصل
 معضلا آورده کشف فی سه نور علی نور اولان بحر کامل و عالم فوکل
 مخون علم الروم جمع الفنون و العلوم سنا حلی افندی خمر لریک علی زین
 المبتون قدوة الفضلا المتفردین اتی اعلم بالاعلم حلیه جلیه سنی
 ان له اباشی کبریه شرفه علاوه و خزینه شکیه فضایل فیه سنی
 نفود اولین و آخرین طرف واداده ابدن حسین افندی نکر نند
 سعود و در کریمه صدف وجودی در که کز و نک دخی خلقت وجود
 سعید اولد الرشد بعندی بوالده الحمید طرازله طرز و د
 فرخنده صفای فضا جلی و شعی و کمالا موروثی و کتب سنی ایلکرم
 و مؤز در تحصیل علوم مداوم اولد قدسین قاضی زاده افندی ملازم
 اولوب طریق تدریس ناک و عازم اولمشره ترجمه لری بحر اولمشره
 فرق انچه مدرسه دن عزول و تکمیل علوم و فنون مشغول ایدی
 انشاء الله الملك الفقار شولکه بر مقدار فایده توفیق قرین و رفیق اب

کلزار و ورکارده نخل ارجمده و دودخ بر و مند وجودی انست
 ثابت و برقرار و عمر باقی و دولت نند کانی ایله بر مراد و بر خور دار
 اولد که چکدن صاحب اعتبار و اشهار اولور انچه زماندر که کلزار جهانه
 عنجه دل و جان شایم کمالا کوهر فانیله منفی و دل چین و خنر اعلی
 فی کل زمان و چین صحت و کمال الیه منبسط و منشرح در لاجرم خدمت
 شریفین توفیق و توفیق کند لری مدح ایلک معناسنه عابد و راجع
 ابد و لی فخر میرال عرفان و روشن و لامع در بناء علیه بوندن زیاده
 کمیت خام به میدان اطنابده نک و بود علی الدوام شایم مرچی اولان
 اسبابی حبت و جوا بیکه رخصت و میر لیدی بو اشعار اگ گفتار نند
 و انیم اوسک رفیه رعایده بارم بر انچه بوشی یاننده بزم اعتبار
 بعضی مطالب و مارب میره اولمشره بر مقتضای بشریت ایلک رخله اولد
 بو غل شکایت کونه راقم کو و فدن صادر اولمشره
 علم و کمال فضله در افشای مرز عالمه منصفیه و کل اعتبار مرز
 خاکی اولد میره شمدی نوله زور کارده عین عدویه کوز لری ایده عیار مرز
 مرات قلی که چه شکست ایلدی ملک خیر اخرا کلرن اکه ده ایلک مرز
 مختلرله کار مرزی زاری ایلد جو قدر ستاره ایلد بزم کارزار مرز
 کرد اب غده کشتی و اقله جی سن بر کون مواقع اولمشره می روزگار مرز
 عدم ملکینه کم اولد بکایار و ناک اولد انده داخی سوز وار
 احمد یک صاحب قران زمان و حرم سلطان سلیمان خان قلع
 سکوتاری محاصره ایلد که کلستان جنازه روان اولان شایم
 محمد بیک او غلبه بر تمش یک انچه تیار ایلد درگاه عا متوفی نند

بر قصیده دیوبندیه سی احمدی قصید بنمزد دیوبند نور لره عرض ایندگی اول
زمانه اولان اکابر واعیان، ناقدان استعلا غت و بیان و صرافان
بازار فضا یل و عرفان، اولمغین کور لر که قصید ایلد نظر کتابک اول قدر
مناسبتی، و الفاظ و معانی ده اصلک شایسته یوق ایکیلی بر کوه دول
اقتباس اولمغ و غنی ظاهر و اول نوامده عالم غیبک اول در درن
طوغه و غنی نور خورشید کی روشن و باهر قصیده سنک ایسه کتاب سنک
دکدزد بیکله منع کند اخضر و خضر در دیوبند عاقلی رد و ابواب حج
قبول و تحسینی بو بوزدن کسده انیشلر انجی بو بدینی مشهور در اول خدی
نه مقوله ایلد و کی غیر مستور در فرستنده دشمنه ویرن امان، فید فای
احمدی امرایر عنواندن صاحب قران زمان سلطان سلیمان
خان دورنم غم باغ رضوان انجشده اشعار کی اگر چه حد در بیرون
اما که محذیر کلام موزون در جمله اشعار نیک آب رویی بود در سینه
نما عشتق کله جسم اودی یا ندر مریخی، تشنه بزم بیدی در با صوفی فایز
کی صقین عاشق انتم زاهدک فسوننه، بیک کرامت کستر ره هیچ انامد
ادای استنبول ندر قرآز کبر حلیه و بیکله مشهور در اصحاب خرقه
وار باب معرفت ندر منانت الفاظ و مدحمت ادای جامع لطیف
ایات و خوب مطالع، مشرق ضمیر ندر شارق و طالع، اولشدر طقوز یوز
اتلی ایلد انمشلر اسندن خلق جهان ار اسندن جان کبی تران اولمغله
عالم عقبار روان اولشدر، بو اشعار اکلده اکلده کی کسه به کجه جهان انجند
باکه بالکشر اکلده دی ضربی تغله اول ستر اشش، بولدی کم بولدن خیر کند کجه
نجیر سنک کلدی حقندن انک ای فاشنه یا نیرک سنک

مجلس ندر ایدر آرای یوسف جمال، روح پاک اهل عشق حسن تغییر کنگ
کبردی بر کز قول غنیه ادایی اول شهک، کاکلی او جندن اولان اشیکر
ادای بیک اما سینه دندر او ایل حالنده خاقان صاحب قران، مرحوم
سلطان و علی سلطان مصطفی کت استانه سینه انتاب ایلد خدی جلالت
شان اکت با یوز، مجلس خاصه داخل اولمغله کرجلیدن دولته و اصل
ونایل اولمشید، علم اوارده بی نظر روزگار، و اول فن بر اعتبارده
صاحب اشتیاده لطف اداسی حسر صداسی کبی مقبول اولی لا بصارت
ادو، مرضی طباع، ایلد جد و سماع، ایدی حتی شهنشاده نیک محموله ندر
عقبنه کیوان دیر لر، بر ماه شهر آشوبه مرتج دیوبند شهنشاده پشهر افتد او نه
خجلی اعتبار بوشیدی، بعد تنه باد حوادث اول شهر بارک و در وجود
تار و مار و روزگار زور کار جمعیت دیوانن اوراقی دیوانی کی برش
روزگار، ایلد کده استنبول کلوب زمزمه کتاب خونه سلطان کانیان
اولد قدح کن آهده فخر خیا صفا، حضرت پیا که پیا نیک مجلس دکش سندن
جام مروت و عطا سندن مست قیام و ذرته دار اول افتاب برانواز
مقابل اولمغله مناصب عالییه به وصل اولمشید چودان باینده تبار
دفر داری ایلن سه اشین و شامین و شجانه و عالم بقایه انتقاله
سلوک ایتمکله نامی اطفار فنا ایلد دفر بقا دن محکوک اولمغله بو اشعار اکلده
آسمان سنک ای ابر و ایلالی سیم سیم، خوشه کوز لر کور مدک بر طاق عاقل
تبعندن چون کجور دیر کجور ای خواستی، زوده با شرف لدران خوشه کجور
میر کوا اولان قیاسیگ مهرینه بو بدینی ملا و مقبول باران صفا در
مهر شریف مهر تو یاسید البشیر، بر سینه قیاسنده کاشش در حجر

از هر چه شوای رو یک قدر اسندن در میان جبهه ملک و حسن
 بلاد و مردم یکسره و در هر ماه چهار اولان بده اف شهر دند و ای نورالدین
 اولغله از هر چه خلص نمیشد در سلطان مراد خان غار دورن سالک
 خط اشعار خود کلام منظوم اید و کی ابرار اولان اشعارند معلوم در
 فرصت ال و برش ایکن و قلی غنیمت بلکم غمزه حاصله مهر و محبت بلکم
 هر سه بزرگ اینی نوزنه نوزل سوره لم با قبول ابرسه انی سعادت بلکم
آزری اسمی ابر اسم اولغله از هر چه خلص اید نمیشد در مرحوم معتمد زاده ملک
 باغ وجود دند بر نهال و اول دوخته متصف معرفت و کمال اولوب جمله
 اخوانک اولی و ابج و امثال افرانک اشعرا و اضمح در لطافت طبع
 وحدت ذکا اید معروف و مکارم اخلاق و مراسم اشفاق ابراهیم و
 نوجوان و نوسال ایکن فرخ بلاغته صاحب کمال اولمشد رساند لا خجل
 و الا سلام شیخ الاسلام مفتی الانام مرحوم او کتود افزیدن لازم
 اولد قدس کمال برادر ملهتری محمود چلی صحن مدرسه نیشانی او غنایین
 کند و سی دخی او نوز یک آنچه نهار اید درگاه عا متفرقه لرندن اولغله
 برقاج کون اگر چه بر شوق اولمشدی لکن سائق قضا وجود پر خود معارف
 اقتضا بین کت قضا به سوق ایکن حیف صریف که هلال وجود
 بر کمال یونما فیو مانر قیق و اسباب معارف و کمال آنا فائز تقصیر ایکن
 شهباز روح بر فتوح سه ملت و تسعین و ستایه ده شهر طرابلس
 یوسرای سپنج و منزل عنا و ریخ دن هدائی قدس صفایانوسه
 طیران ایدوب بلبل جنبانی ریاض گلشن جنبانغ اشبان ایکن
 اگر فایده عنایت و توفیق اسباب حیاتی جمع و تلفیق و سائق

لطف و نایب و ملک مجید ارکان عمرنی رفع و تشبیه ایدوب عمر و حیات
 بهره دار اولید کر چکن اعتبار و اشتها را او کورد بی زمان
 جبه جهان مرحوم مرحومک داغ ظلت له و سم اولغله موصوف صفت
تج صاقل قلبی مقام ابر اسم اولمشدی بنای علبه مدح و اطر لرندن
 بو مقدار اید کتفا اولمشد بویراکی اشعار انک کفایت نمیشد
 کوکله غیر کتیروب جویرله کوکله غیرک و اراولای روح روانم خاطرندن
 دل بود عوایی ایدر کا و لبه بارک او خنی ایدر اما که خلافت شهادت سخنی
 آفتدی چوق کوکله داری مانند جویرا صوفی تسبیح و عصا می کلفاه کوش
 حقه زهد و ربانی جویرا جام کوش اول هر و کلفه از کوز تلبه و جوی وار
 استم نین هر کوکله کرفه را و لنی با جبرین دون و کون حجر کله زار اولنی
 به دیر بین که صفین سوره جفا کارو ستمی ای بوزی کل غنچه رعنا ستمی
 بو برقاج ابیات مخزن الاسرار طر زنده دید و کی کتا بدند طبعی مشنوب خلی
 ای قلم فتنه کرسر ساز خاطر آشفته یه اولن توان کند کی طوطی سخن راز قل
 حمد مقامات اغافل اید سر اغار خد احمد اول شنه اقلیم بقا حمد نه
 یعنی خداوند زمان و زمین نقش کارن هفت ایمان باغ ده خرد و خاور
 شمع فروز فلک چارمین **اسعد** دوخته فضل و کمال دن سر زده اولمش
 بر شاخ پر جلال و نهال سعادت و اقبال دن منتعب اولمش بر غصن باکمال
 نواده باغ سعادت مند ی نمره شجره فضل و ارجمندی نور هدیه سعادت
 و انصال نور هدیه جاه و جلال کوکله اسعد برج مکارم درای درج
 اشفاق و مراحم هر در بوستان فضل هر اینه بلبل بر اسمان علم درخشنده
 چون او نزا دما در ایام دیکری روشن دی دقیقه شتاب در

بناء ذات شرفی معده رسا و تدن مشتق . و فضائل و کمی لای بی نهایت
 و اخصیات کبی مبرهن و محقق و اولوب مثال غیب و اقبال **بعد** اولان خودم
 انتم و اجد در سه سلطان الافضل . برهان الاثبات و ان یکبار فعل
 عرفان لولا لای صدق کون و مکان . خواجه عالی هم . و با چه خودم
 منطوقه حسن شیم عون انوری غیب لایم . کان جهان مرآت معدن صدق
 و سقا جوهر نزل و ساحت خضر فضل و حکم ظیلان بادیه محنت و غنای الطاف
 مجد و غنایت بی غایت به لری مرثه ها دی . و کلز ازلطف و صیافی بلیل دل
 نغمه سرا اولمه باعث و بادی اولوب منظر الطاف سجاتی فضل و ملکات
 نفسانی سید علما و سعد الدین ثانی اولان خواجه افندی حفر غمره فرزند
 سنانا و اله بزرگوار ری بر فحوی کلام رفیع المقدار تبارک الذی جعل فی السماء
 بروجا و جعل چهارچاق و قمر امیر آسمان ذات البروج در که بود کلکو کواکب
 ثواب معارف و ج اندر طالع و ثبات اولک . و به شبهه بدر بر افوار لرست
 بر مقتضای و البلد الطیب کجج خانه باذن ربه . بر طیبه طیبه در که بود کلکو
 زلال طوبی مثال اندر خیران و ثبات اولک **متر** نعم الاله علی العباد کثیره
 و اجلن خانه اولاده بر شجره طیبه که ماصدق اصلها ثبات اوله مظهر در عباد کما
 اولسی محقق و معلوم . و بر زلال بر افضال که خاک پاکین حاصل و ثبات اوله بر که
 بار که کشید بالا موسایه پرور اولسی مقرر و مجرّم در ارادت از که کردون
 ایامی قلابه فضایل و انجمله مزین ایکنه مستحق اولشد و بس کمال احسان و مکرمتدن
 بود کلکو لای کران قیمت و معدن فضیل غایه دن پنجه بواقیت گرانمایه
 ظاهر اولسه عزیز و کلدر و غنایت لم بزیله کلستان جهان از بار بی حد و کمال
 پر رونق و با فکست ظهور نمیشد و لاجرم پنجه نال فضل و نوال کشیده بالا

اولیک

اولوب انحصان سعادت و جلال شود نما بولسه عجیب و کلدر و حفا که ذات
 خورشید اما رنگ افق موقت و فضیلتدن بر مرتبه ده ظهور و طلوعی و باین
 وجود به قرینک چمنه اردانش و نمکسندن اول و جمله روز دینو جم و ارد که
 عن قریب عنایت کریم مجیب الیه ارجاء چمن جهان و انجا گلشن جهان
 ایلان ذمان . از بار ذکر جمیل و مدحی جوی ابله مروح و مزین و صفاخ سکان
 دایره امکان صفت و صدای فضایل و عرفان بملک و مطلق اولسی مبین معنی
 اهل و وجود پر اجلا بوی فبویا ترقیق اولسه و او در که دایما انوار فضل و شمس
 اول خورشید نواردن تلقیق در و میدان جهان ذات بر عنوان رشد
 و رشاد ابله استقلال استبداد بولسه سزا در که اولک سلطان اقدیم فضل و سداد
 اکا اعانت و امداد اوزره در **متر** یک شمه از شما بیا فر کریمان کنیم
 جمع اید از کارم اخلاق دقتی بر محمد دوم حکام موم در که آیات سعادت اقبال
 جبین مبیند لعلان صبح صادق کبی طاهر و طوع و دلائل بی نیر جاده جلال
 ناحیه ناصیه سدن شعفه خورشید شارق کبی لامع و بارق در تحفیل فضائل
 و کماله علی الدوام و اطلب و مداوم و ایام شب بلورن که هنگام کتاب فضل
 بجای بدز ضایع اتمیوب تمیل لوازم لطایف و معارفه تمام مرتبه مجد و عظام
 الولد ستر ایه کلامه ماصدق اولان ذات نبیه رنگ نظم اشعار و لغت شعار
 دخی تمام اقتداری و اردز بوبر ایکی اشعار اول محمد دوم نادر که انار کلک سمان
 و نتیجه طبع فضایل و نازندند

اینی جمله محن وجودی کرد محنت آشوب رخ رفت و روبر بولو بلدان روم

اینچنین مرغوب اولان نصیبت اسکودندره بابائی فلجی بر اسپم و بیکه عرو
 اوکو ارباب خرفندن ایکن ششیر طبع بر تائیرن جای گیر اولان جوهری ابد
 و اول تیغ سر نیزده اولان اسناداده مصقل اجزای ابله جلا و بر و علو تحت
 و تمویط یعنی الیه کسب کمال معرفت و تحصیل علم و فضیلت مد اوم اولد قدس
 مولانا قریب بالیدن ملازم اوکو ادرند ده ابر اسپم پادرسین مدرس اوکو
 بعد مدرس مدرسه اسکوب اوکو بعین برده ده قبلوجه مدرسه
 بعد از تبقیل سلطه اورخان مدرسه سنه بعین ۹۴۴ ادرند ده دارالحدیث
 مدرسی اولمشدر مولانا معالی اول اثناده بوتاریخ رعنا بیدند و هر فرقه بی برکنار
 عالم و اهل فیسر روشن فقیه افان الله نه سختدر دارالحدیث اسحاق
 بعد مرحوم جوی زاده واسه اقبل زاده ابله کلوب استبولی محی الدین افندی
 روم ابله قاضی عسکری قادری افندی اناطولی قاضی عسکری ایکن مرغوب
 اباصوفیه اوچ کونج اول عکدن امتحان ایدو و هر بری قدوه جهان دوسر امد
 زمان اصحاب نیمه میانه بو حالله جلدی ستنی و محارزه و هر بری کلشن
 فضل و کمال دوسر افراز پونه فضایل و معارف کد ورنه ماه و ان فی الام
 و التکمال نشر واجب لاحترام و لاجلاله ادره ابله کلدن بری اختیار اولدوسر
 غیر نیک شیشه قلب فضایل پشته برینه انک و کلور دبو جلدی مدرسه لرینه
 کتون دیو فرخان شاه جهان جوان ابله کلدن هر بری بنه بریو برینه رجوع
 اید کلدن صحن ثمانه هر بری نیک ذات موفور الفضایل ابله قصه هشت باشین
 مانع و زینت نواقب نوات فلک مننه عادل اولوب قدوه ارباب انجا
 ذکر اولان دحوم اجم جلدی دخی اول معانه و اسل و نایل اولمشدر
 و کان ذلک سیه سیه و نمشین و شمع مانع دیدم تاریخی صحنه شرفدر

تاریخ واقع اولمشدر بعین سیه اشین و شمع و اربعین و شمع مانع دیدم
 شام نه بی شرف انجانه قاضی اولدقت کند و نک نظر کونه بوتاریخی عجب و افان
 شهر ذی الحجه ده غم سفر شام اوکده بشلدم باز مغه تاریخی اخلاص اوکده
 که لک اول تاریخی مقدسه به و مهمل و مدینه شام سعادت احتشانه و اهل
 اولمغه قریب اوکو صالحه نام موضع ظاهر اولجی اول نظیره نظیره روزدن
 بو مطلع دخی کند و اردن صادر اولور **تاریخ** جنت قوخی کلکه بشلادی شامه
 ابر شدی کبی قافله مرز منیر شامه و اوانع سیه و اربعین شمع مانع دیدم روز
 پیر و زمره شام دلسوز اجل ابر و کار بان حیات و بغاسنه منزل عدم و فنا
 محل اوکده حالت نزاع بوتاریخی باز شدز کلکی حالت نزاع دیدی تاریخی اسحق
 یونکم جانب حق باشم اجم بالین ایاق احق که غایب فضل الهی مبداء فطرتن
 مشمول و مندرج و غایب فیض نامشاهی مشاء نشاء و کنون و مندرج
 اولمغه فذک که فضل و افضال و فخرت کتاب رساله کمال عنوان نامه
 معارفه و شمع بیت دیوان لطایف اولد و غدن غیری فن فصاحت و بیان
 شمره زمان و اشعار بلاغت عنوان و ورد زجان اهل خان اولمشدر طرز اشعار
 عاشقانه و کثاده و الفاظ و اداسی حسن صدای کبی تکلف و تصنعن ساده
 بو اشعار اکر و خوب دفع ابدک فی کمال کاجانم فدا بر قضا صودک کیم ایزد می قربان
 ز آدم غصه و غم در دو بلا فافله منر جکوب کعبه کو بو که کیدر راحله منر
 و چشم چشم سینه عجب خونین افرایشی مکر و اربه اول غنیک حکر فاعندن در با
 باده کم نوکش ابرم آبرود و شب بایر و قطره قطره و کلور دخی خونبارید
 دور حسنه خطک طلاله جان و دل الو شول سپاهی کبی کیم بلین اکی حال الور
 بنه جان قصه عسکر جکر اول خط سباه بنه چاسوس مرز سینه به کلدی اولور

قدر که بلین ایررسه نولا و سکنه . بر زمانه که بکم منصبی هب جلال الی
 در دهر نه کچرا ایل اولان اسحاق کبی ، خوبه صحبتک ذوقنی ناقابل الی
 جان عذابدن بزی قور زنده کچرا ایل سر خلاص الیه بکم کل سا که اولون شتم
 اغز که او بسم حکم کبی کلور دی جورک ، ذره جہ بوق طالع و غلجه وارد هتم
 کونده بیک کز او ملکیده کجی ایامم نیم . فقی بیرن دیه سن چوقدر سر بخامم نیم
 قهر اندی صند سبیل اشکم جوا بکی . کوزدن کچو مین کیشی حسنک کتانی
 مشکین خطک بور دی لکک دخی کون . چوقدن در دم اچکک مسکت شرنی
 خاک اولدوغم فاپوکه . سنک بلدرم یو حاله مکر اولدی صبا کت و راکل
 غل سمندی بچر کونشد فرح و بر . بر مهلقایی که کجیده جف کله
 گوکل آینه سی صافیدر اما . نماش بوکه بر صاحب نظر بوق
 در حوم غایت رند و ظریف اولغده دیر ان ایله ندیم و جویف . اولوب
 صحبت مهوشان سیرانه طالب و جان و دلدن معاشرت و مناد تکریر غلب
 ابدی جمله عمر نه میر مجردان . و سر حلقه قلندر ان . بکی زن طایفه سنک مهر مهر
 طلاق اطلاقه تبدیل ایدو . اخو عمره دگ محبوب دوستلوق مذهبندن تحویل تمشد
 مرحوم مرحوم سر دفتر اصحاب فضایل و عرفان و معارف و کمال ایله مدوح
 زمان و مقبول دوران . اولغین سپهر سلطنت آفتاب رخشان و اوچ نعت
 وایالت خورشید نور افشان . اولان افندی رال عثمان سلطان سلیم خان
 علیه الرحمه الملك النان . عربیان فتحده اکمن اشغال سلطنتدن اکلان
 و ندیر اموال ملک و ملتدن ملان کلک کن تشبیط طبع و تشجیع خاطر بون
 انواع معارف ذراخ و ما هر برنج کسسه طلب اندکن ارکان دولت
 واعیان جهرت و حوم رفوی و غلظه قیسی بروسه لے نال جعفر جللی بے

و جلال قیسی کوسه برنی تعین ایدوب بات و پاقرن کور و بختورست
 کوندر لر بونلردخی واروب پادشاه کردون و قاریس و کار افند اکمن
 بیلدن قتلر و آلات و اسباب سخر ایلال او پرلز پادشاه و ج غصب بونلرک ترک
 ادب اندک کرسنه غضبان اوکو قتلدرنه فرمان ایدر اخا اول پادشاه سعادت
 استیناس بر نخواستی . و الکنا طین العیظ و العافین عن الناس جوا بعبیدلر
 خط احسان چکوب . اندک لری کنایه عفو ایدر . لمر بو حالدن غافل و ذاهل اسحق
 چلبی دستوس سلطان جعفر جللی تک تقدندن ماثرو و دکلیر اوکو بویتی دیر
 آل او پکنده بون کون نیزه جعفر سر او کم الدی ایاغی سینی جف دی
 جعفر جللی دخی مقابله ده دیر آل او پکنده بون کون نیزه سینی . سکم کبی سوکد کون
 بعد شهر مار سپهر اقتدار شطرنج اوینارکن زبور کرد عوت ایدر بونلردخی
 جبه و دستار و منلایانه وضع و وفان حضور پادشاه کاره وصال و شرف
 صحبت و دولت مناد منته نایل اولد قلدن پادشاه معادله بونلرک اوضاع و
 اطوار لرندن تأدب ایدو . فی الحال شطرنج دن فراغت قلوب زبور کر قطع
 معارف و بباطلایف قنقیسی حالکدر دیو اچار دن امتحان قصد ایدو .
 زبور لر ایله جدا جدا مصاحبه آغاز ایدر لکن بونلرک فرزین طبعی تکرری
 کچر و کلک ایدو فی الحال حضور شاهن بخش و خولیه باشکوبت بری بریله اسب
 می وره و لطایفی سورت اول دیدک لری ایستاق و قیوت کوشکله بشکر لر ،
 پادشاه ملک خصال ابتدا مجلس بونلرک بو حالندن بجهنور اوکو بزم حساب
 استک ایدر . بونلر بی نوالا یمش یو بر مقدار بخشش و نوال ایله نیر بر یوسیه
 ارسال ایدر . والد فردوس مکان بو کون کوهو افشان اولور ایدی که در حوم
 جلیم جللی و پادشاه یک خیمه ی محرابی بونلر جسد ایدو در انک شهر بارستوده

او صفی زبور را سده و مضمون جلیل است آن شاه زحل محلدن روایت کرده
 صاحب خوار بادی اولور را بولردنی بر مقدار توقف ایدر کور که حجت
 بگویند اولور مردنی موافقت ایدر که لکن ابتدا چمن و مقدمه خوانست
 اولمغین پادشاه بولردن نفرت ایدر که بولردنی خفت افعال و ذنات
 احوال دنیا استدلال ایدر که و آب و نور و حرم استی جلی مستحق و شایسته
 عمری و اصل ضایع مافات رتبه و مبداء کمال از غی و اولوب بلوغ حقیقی که هستی
 اولان سن اربعه و اصل ولدق و داعی و فنی خلقه انانی خلوتخانه دل جانانه
 اور و دلیل هدایت قوافل استانی پیشگاه خاطر پرتابنده ایر کور
 زمان کهولت وصال غوانی خوش و لزه و ظهور اولان شیب شربان و غوا
 نوش و نغمه ارک مافات که عنفوان شبان اولمشیدی توبه و انابت
 میتر اولزه و طایفه زلات که علو و جوایده از کتاب اولمشیدی تدبیر و در جنت
 مصور اولزه دیوب صحن مدرس اکین جمله ملاجی و منا جیدن رجوع و انابت
 ایدوبت نت الی الله دیوبایخ دیوبت توبه ایش اولمشیدن دم رکنه دکن دامن
 پاک توبه دست شکست ایش و حرم عصمت و غنچه نام حرم کبریا
 حق تبارک و تعالی توبه سن قبول ایدوب جنت علا به دخولن مقدار این توبه اولمشیدن
 اسیری اناطول و لایتند تحصیل علم و معرفت ایدوب طریق تدبیر و قضادان
 فراغت ایدر که صدر نشین ابوان قناعت اولوب مدت مدید کافران
 اسیر اولمغین محض زبور ایل شربت پذیر اولمشیدی بعد قید حبس اسیردن
 خلاص اولدق و نواحی او بوزده ذل حصار نام قصبه ده منزل مقام طوب
 الام و ایمنی من نظم ایشدر بواشعار ایدر غنچه لیبی زار ایدن ای دل خرد ایدر
 غنچه رخندان ایدن شبنم کبی یا شکوه **اصغ** بوک خفندن صاحب قران

حطب
 شاه

در ماه دوم سلطان سلیمان خانک بن و بنده زاده لرندن و دودمان کثیر انسان
 آل عثمان خانواد لرندن در خلص زبوری اختیار ایدر و کنگ و چمنی ظاهر
 و بدید از دکلدر سوره کبی ایش صحت و پمانه مثال ایش شربت کسنا ایدی
 بود و در حطب دیارین اخوت رحلت ایشدر و اشاری که حقیق رفیق و رفیق
 رقت با در لطافت و ملاحتن کار و خا دکلدر بوشه ایدر **و حطب**
 کتم دید چمنی خرد و دو ستم دشمن کا کیمدر بویوزدن اکلادن بنی و کنگ
 طور موسی و دیو کنگ ای تجلی ایشدر و دیون دل ایدر و کنگ ای کنگ
 کم بکا تخت بیخانی ده ویرک اصغ **ب** کدای کوی بار اولدوغی ویرک
 بر لواء از دیکر چکوب هر بارلف **ع** عکر خال خطه اولمشدر بر درازلف
اصغ مجمع طایع و منبع شوالا اولان و اردار کور سندن در سبک حال انواع آن
 اولان اصناف کمالات و عوای فرود و اسهوا ایدر تحصیل و معارف کلیه و جوی
 ابواب و فصول ایدر تکمیل ایدر که طبع جذبات رحمانیه و علیت سبحانیه دل
 جانده علیت و نایم لطایف ربانی هب خاطر طایع جهان ایدر و نوارق
 عوایط سبحی شرق و غربت ایدر که مصرده شجر ابرهیم کلشنی کنگ
 آستاندن اجنه انوار معرفت و عوای و اقتباس انوار توحید و ایمان
 ایچون خدمت شریفند دامن دریا اولمشیدی بعد پنج کلشنی کلشن
 جنانه انتقال و بودار عنادن سیزه زار بقایه ارجح ایدر که نیر و موعود
 ایوب گاه بگوید گاه اورنوس بیک او علی عبیدی کنگ یا نشد ایکن
 وفات ایدوب کونیند بزم فنا کنگ اصوله او بخله ترک صحبت بقا و طوب
 ایدر صوفیانه اشعار و فو و فایه متعلق کفاری و اردر بواشعار ایدر
 وجود مطلق کبریه موحی کیم ایدر پید انا الحق سرنی سولر اگر حق اکر پید

پنجه ز جنت چو کسب کمال اید بخیر عمار ، بلقی قلم بود در کان ایلینجه کهر سید
 تصویر غیره قلم کل قلب اقدسی ، احسانه کن ایل بیت المقدس
 بر کوکل نیز بلا یگانگی خرمایگی ، طاعتی طاعتی نوش اید غم نشینی حلوایگی
 اسکک یوق ذره جبر پیل بل خوبسن ، آه کم هر جای سن مهر جهان اراکی
 آفتاب آفتاب وجود پر غنوی ، مطلع شهر و زینفون ذرخش ن اولمشدر
 انداء حال طریق علمی تحصیل اید کدشک سمت تقوئه سکول ایتکه علم
 ذخی تمیل اید کن اما سبده توطن واقامت اید و خلقه و عطا و نصیحت
 اورزه ایکن نه محبت خلقه انقطاع و غلت افتد اید بو حال ایکن
 آفتاب عمر نه غوب ، و ساری وجود نه صر فغان صلوب ایدوب جناب
 رت اوتنه رحلت ایتکه و اسل مطلوب اوشید آفتاب و اربو مطلع پراشتتاری
 مشهور روزگار و مقبول و مطبوع اولی لایبصار اولمشدر
 به دیش اید و ارسیب ز نخت اید ، به شفا لویشلر کی بوستانک
 چکدی چاک اید ی تن جیه سنی عشق هنوز ، دوستک دست غمندن بهمن قورقه
 آفتابی طوغه دولت کنشی بر کون اول ، حق تبار قولنی قهرله دایم قره فر
 آفتاب دکر نام حسن ، اوضاع و احکام سخن کمنه ایدی دارالت لطفه
 قسط طیفه محبه ده نشو و نما بوکو طریق علم سالک اولو دانشمند اولمشدر
 اسلوب بحر درده ماهر و خطک قلم کی اقب منی نیرغه قار ، اوجین دیوان
 کاتنی اوشید سینه اهدی و نماین فتوح باده بو قلم و فغان ملک بقایه
 رحلت ایدوب مع عمر نیک آفتابی ایدی غوب ، نظر اقداری اولمشدر لایق
 قبول شکاری دارد بو شو اید و ترکان بختی سدا ایلد قور دس
 نوکم چکدی قرا بنونه قور دی ، بوکده حسن ایلد که سن نور بصیر سن

یوز ویرم ایکن ز نعل که نوری بهر سن ، اکنس منیع شعرا بلاغت شعرا اول
 یکپی و اردار دندره نامی منصور و علم و دانش و کمال پیش ایلد شهر
 در نکتة شرف قضا سندن نفا عدا بدن خواجه قاینی و یککله رون اولمشدر
 ملازمی در طریق قضا بهر سالک اولوب قضاة زمره سندن ارباب فضل و احسان
 خاک رجی و زوفا علم و کمالک درد اکنس ایدی حفا که علوم عقیده و نقلیه ده ماهر
 و معارف کلیه و خویه ده عدیل و نظیری نادر اولد و غنای غیری خوب شعاری
 و مرغوب گفتاری وارد راستنبول قضا کن مؤول ایکن نه خسرو نماین فتح
 جهای الا و سندن پنجه اجلدن تخلص بو یوب مطلع حیات مقطع مانه اید شدی
 آتزدی بن غباری ره کوی اردن ، چوقد بریم شکایتی ز روزگار دن
 تجربه و صلت دلداری ایدر شرافت ، یزه آخر کور سن سو کور باوصا
 تحت و صالک اولدی پنجه سبزه زاره ، آلهه سود و کم جوق اولور روزگار در
 قرین اید ی پنجه راول میان بند ، قیامت اولدی به اولیق کوز لندی
 بر یکپی جوانه عاشق و شیدا و بکر محبت و هو اسیدا آشنا اولد قن اول طایفه
 اصطلاحی وزره بو قیشت غایب دیوب مشهور جهان ، و مقبول ارباب فضل و غنائ
 اولمشدر ، چکدوب فرقه کی اولکل لار غمندن ، بحر فرقت پنجه فرقه لر چکدم بن
 الهام ، استنبول دیز مقبول خیرت به طایفه علیه نقشبند بهنگ کبر استن
 امیر بخاری خیر نیک خلفا سندن اولان حکیم جلای فن نیک فتوا سندن
 سابع علوم ظاهر به استغال ایدر کن الهام ربانی ، و عنایت بسیج ایشوب
 ترک قیل قال اید و تحصیل فوق و حال ستمه سکول ایشدر محققه کلیه
 و درویش نه ابیات بلاغت نظامی وارد درویش داوود رک نقد سکر البال
 ایشقی بکره اگر در دله خوشحال اولک ، باشد لک دکن ایشی زلفی بوکده

بو شعر اشد

اولک

سوره یوسف پنج زمان در دله نالا اوک. کورد و کل خود کوکل ویرک اولور دی
 سندن الهانی کی عاشق متال اوک. بو دورده اعمال شیخی ایکن اخوان حال
 و ارتحال تیشدره **الهی** کوردستان بکلر نندرتخارال عثمان. سلطان سلیم بن
 بایزید خان. دوزورک بعضی جوایم و عصبانیه و اذیت اویچ شهر حلبین خربور
 تیغ سیاست بر بیلده و ونیم ایتدیشدی ترک اشاری واردر بوطلع اکتدره
 یار و یب جانلیر ویرین بر ملای جان کول. باده دیب قلمرو تیرین بر پالان
الهی دیکر یکجه وارداردن شیخ زاده در جلد ناکره کویان حبیب
 و طرفه سخیان ناظران زمانه نذکاته لب دیکر کی مفرح اولغله اشعارنی افینر
 دینا فوتم و خندان اولور و کاه اولور که خدمت ناظم دخی نظم حال و نکت
 و حیران اولور غایب اشعار و عجایب افشاری واردر کیفیت کجا اشعارند
 روشن و اشکار اولور **مستر** قول ایتدی بزی کند و حسن اذ بیلده
 فرمای ایلد شیرین ایلو قیس ایلد یلی. عالمک **الهی** دخی مصلی چاپ بیلده
 تونن بر مصلحت و دوشدی بنیم طام. کجه یین کوکله اچندن کین یین بولدر
امان قدیم استنبول دندر دخی می حضر اولان مرحوم اسکندر جغتیک
 مصاحب لیدن و معارف و کمال طالب لیدن بر زمان خونی سلی کال لیدن
 ایدی کای اختیار غارت و کای سلاطین تحرق خدمت تولیت ایتدیک
 داین اصل دانه غری طوبت بر آن امان ویرمیک او احوال اخوانه ارتحال
 ایدوب ترک امان و آمال ایتدی اشعار بلغت و کتت ری حالندن خلایق و کلدر
 اولدر ملک بن خسته دلی تیغی چک کل جان نقدی ایشار اید. کم تک کل
 ارباب نظر خاک رهن سیدی بوپرد. ای ادمبایار ایشکینه یلر کل
 اهنک هفتی بلند اولدی. کوکله جفته کند اوک. یرده کوکله سنی ارطوز
 و اولور

در مصلی دین شاه نورالقلیل

امان نانی روسی نام قصبه دندراوی مصطفی در مرحوم والد فردوسی
 خدمتند ایکن سمت کتابت و طبع زعامت سلوک ایتدیشدی بعضی ب دولت
 و ارباب عتیه انتاب بیکله امان و آمان منتظم و انتاب اسباب حواس
 فی حکم ملتئم اولور. زعامت دیوان کاش اولدی بحار خا معارفین پنج روز کار
 سواران ایلد اشعار لغزین بعضی لای قصبه پیدا ایتدیشد حاکم ان قلمنی مفضل
 کمال ایلد مجلو و خونی سینه سنی جو اوز و احمر معارفه سکون و کلو ایتدیک سلام
 وجد و اهتمامی واردر کثیر الکلام و غیر لایب. میدان ججاند چوکان بکاشند
 ر بوده کوی اولان ناظم بر کوی در تاریخ کو بقت به نظر و مثال در صحن عیسی
 اولدر که اولد لبر با کمال هر کس با غنه وار غلام ابدال کوشدر و از مثال
 لایحد و لایحی اولغله ارزان بها اولددر بو اشعار ایتدیک کفار ننددر **مستر**
 وصف و نیکلی که که دلش ندون بولر. سو یلم نو یلم اما در مکنون سو یلم
 طاق ایتدی چشم بوجفا و ستم بنیم. قدم خم ایلدی بو فراق و الم بنیم
 دیر جهانده صورته هرگز کتور مدب. بر صورت ایلد کو کلم آتوب و من بنیم
 ویر لکن که افندی عذار ز کینک. بو کن بو فار و بغر اوکد یار بالینک
 رقیبی غمک رو بنده کی یار اکلش غنای. مدد کوسه او مر و آینه ایشاری کوشدر
 وزیر خود شیرینان شاه خیر لری یمنی دفته بانه دخی ایتدیک بو تاریخ بنیم
 جمد ایتدیشد اوکد بیکله من در **امان** استنبول دند یار کای کاغذ ایتدی
 اولغله ایتدی خلقت **امان** دند و سی فی بندکان صاحب قران ملک
 تمیکنک در دکرین و کزینی. مله و باغت و پیکانک ناظر و ایتدی در کاه عالیه
 سلطانین سپاهی و غلغلی زمره سندن دحادخی تمیسل معارف و لطایفه
 کوشش و سوار باغت حار ایلد خیلی و زرش و زرش در مقبول و غیر و کیر اولد

در مصلی دین شاه نورالقلیل

دخی بوجله دن غافل و ذاهل بسیار عیاریوب قان زل اولور ز نورنگی
 ادرنگ کورنگی اولور و غن کورنگی بیکرک امری کنه تعجیه ایله کتاب
 بید خوردم بیکرک دیر اوی دخی ایله بشارت اسمنه بویستی دیکرک بشارت
 زارم ز آه و ناله بسیار متصل دارم ز بخت خویش نیست خوانم و تاج
 دخی قدرته و خفایت مهره دارد در تعجیه اولور بعضی عارینک
 اولغی و فانه بوناریخی خود برع هزاردن کلک دون آید دی برک کلی آه
 بود صراع تاریخ اولور و غن عریه هزار که بیکرک کلی که لامد ز عدا یک
 تاریخ اولور و اکابر علماء و اعظم فضلادون ادرنه قاضی اولان و حوم مر
 افندی مجلس فنادون بزمن بقایه ارحال و بودار محنت حوار فزیده انتقال
 ایندکن بوناریخی بی نظیر و **عجیب** مسافیه بزمن جهانن مر حبایا بویستی
 و واعظ امیر دیکرک حرف بر تریز و اریکه دایا اقولان و افکار خلقه نزاع
 و جدال و عبادت و اعتقاد و ریاضت و بندی ادا و دعا و عبادت و جود
 هیت کاری و پیوسته افکاری خاطر شکنی و مردم ازاری آید معنی
 و جواد سینه سینه سینه روستن و بود اولوب سینه اهدی سینه سینه
 بعضی کنه را ایل حضورت ایندکن زبوره نادیه چون ایندکن بوناریخی
 عجیب و غریب واقع اوکدر **عجیب** تاریخ اولور دام با و اعظمک اینن کسیدی
 و مردم عبیدیک پسر اولان بنی خلفه جواریک لطیفه انتقال ایندکن
 بوناریخی زیبا سی خود برع روح پاکینه نینک **مسلو** **مسلو** مبط انوار فیوض
 الحق و مغرور مقام حضرت سلطنت پناهی و اذعظم مغروران عالم اولان
 ستر استبولدن و زمره اصحاب لطف و قبول نند و تحصیل علم و کمال و تکمیل فنون
 و معارفه اشتغال ایدوب پنج زمان بوستان افندی و حومک کشتا فضا اینن

خوشه چین و آستان ایلل اشیا نده سر بر زمین اولوب نخل امیدی بود
 و صورت مایه امرات حصوله جلوه کرا اولیجی قاضی زاده افندی پشته
 ایدوب آخوالا اولیدین برادر اولور قدس کن سه ست و اربعین شیخ
 عالم عیاریه روان اولور و شایسته بشارت جواد این اشیا نیکه
 خفا که بلغا و روم لطافت محبوب میانن شو خوب و کفایت و خوب ایلر معدود
 و محبوب اولان لشو انک امدار لند و کلستان فصاحتک لیل نغمه اوه و هندو
 بلا خنگ طوطی شکر کفایت لند و توری و ابرام جانبین بل نانی اولوب اگر چه
 باقی جلیک شاعر بلاغت سماعتی رات ایدوب طوطی طبعی کا کوره کلمه و لیل
 س نه اول وادین ترغیم استیجی عادت ایندکن لکن نه بوجله ایدوب ایدوب ان
 فائق الاذان ایجا دمقایه قاکر شاعر بر عنوانند و بوی یکی شعار رقم
 زده کلک سحر لند **عجیب** باینده طاقوب نینه بر تیغ زنگار فردی کردی
 جور ایدرد و دوزخ و خلقه ذکر ایچره نگار سوزده کلک و فاذ کرن لیدر
 ایامه صلیله دیوزلف غیر قشنگی صرلدی بونینه اول افک کریمانی
 خوام ایدبخس بکون بازله اول هر دروان ره جفا ده نه تویز لر قویردی اکس
 بکون مجلس سنانی ساغر الملق دستا لمر همان بر کل فو برقی کیمی در شام کل
 عالمی فصل کهار ایدک سر سبز چین بشکدی نغمه بیل سینه هر وادیدین
 که کله والد که غنچه شید اچنور والدن دالده قوز دغ نخل کلشن
 سانه بزمن با دوه کلرنگ لاله قام اکک دیر سه غیری بزندن بکاتام
 جنت اکلر رفک خاطر ایل آدم کعبه باد اوله سر کو یک دار عالم
 دوشنه بن خاکیا بو که قوتنه دوستم سنده کورسکا دوشنی
 اولور دم مقدم بعضی اراضه بنلا اولور دغ و بطلعی دیندر

عالمی اولور و نغمه کهار

اول لدره

مزدن

۱۰ خرد و دلبسته زارم ایندی التون، بنی و جنگ استر کجی کردون
 بر دلاک سیم اندامک عشق و خواک ایلد شال خام انک زینان، و سوز درونی
 ایلد سینه خورده سوزان، اولد قلم بویینی دیوب دیوار خامه باز شد
 نول اولد سیم تن دلاک نقد انکی خرج اشم، شلد رای میدی چونکه خامه کون در
 خامه نوار زمان، و خامه شال مقبول خلق جهان، اولان بیجلیک خام
 قصیده سینه نظره ده بویینی خوب واقع اولمشدر
 التون آدن باقر ایلر حذر ایتون زخار، بولم دایم طاقلوب التون بیلر خام
 امیرک حکیم منلار و بیک غلبه عجم زاده دوزن طبع جانینور
 نهر شکار اولنن درگاه سلاطین العثمان، ده حکیم و طیفه دار، ایدر
 معارف خنیده صاحب بد طولی، و سزاک اف مندر مهارت نامی اولد و غلغ
 غیری مالک حسنیه ایدی، لکن کونه قامت و قصیر بالا خبلی خودین و خود نام
 کسینه ایدر، تمک و فارسی و عربی و خوی اردر، نظم و سادستدن دور، و کلامی لطف
 و حالتدن مجور دکلدر، بواکلی اعار انکدر، سودم کونج سن شه یوسف لقابی
 کوز کوره باشمه صتون بالدم بلایه بن خط غبار بیک اثرین کوریدن هنوز
 ای کلوار او قودم ایدی بود عابی بن، چهره زردم نیم خاک در دل آرد
 طبرقه دوشش خوان پیر اغیدر کلزارده، مجنون چه کست و کوه کجست
 در عشق بنان منم در کینست، و خلق کند و یبرک دیو نصیفر و تحقیر احتمالن
 دیوب بوقطع سیری دیشدر، کوجکی نغ بزرگ نیست، کز ترا کست خواج حکیم
 نیست کوجی ز طور کوجکتر، پس بزرگیت بیک نزد عظیم، راستی جادین دعوی
 شاه عادلست شاه سلیم، امیر فطهر انار امن و ارمان فرمان فرمای زمین
 و زمان، اولان دحوم سلطان بایزید خان زمانن نقیب الاشراف اولان شرف

اینا التون زینت اصحاب النقیبه و الجلاله قدس سادات پناه نمودین
 سید عبدالله دژ مولودی بروسته خود سه دژ نورعی منلای عظم جامع العلوم
 و حکم مولانا قدیمی دژ بوم دیار رومه قدوم سرت روم بورد فکرین سید
 و قوم بیتم و معصوم فالغین شرف یادنه نظر ایدوب یتیمک انزه بیلندر
 نولونی شهوارا بیتم اولد قیبه قیبت دار، اولوب زیاده زیاده اعتبار بولور
 دیو تر نور، اغول ایدوب تعلیم و تربیتند مهر پدران سن اماراتیمشید
 بر مقدار تحصیل علم و معرفت، ایندک دغدغه شروار زوی سیاحت قرار
 و افامنده راحت، و پر میوب بر مقدار اطراف دیار باد صبا کجی کشت و کداز
 ایتد کد صکره جانب وطنه عودت و رجعت ایتشدی، اول انشاده اولست
 ستوده او فضا، و نورین نقیب الاشراف ایدوب هلال خودی کد کج
 بدر پر نوز اولوب مقبول منظور جهوز اولسیدی، اخو عمر نغ و طیفه بی تمیشه
 یتیمشیدی دحوم سلطان سلیمان علیه الرحمة و آرزو، سر سلطنته جلوس ایتد
 ایام ده دیار فادن ملک بقا به خواص ایتیمشیدی سلطان بایزید ویردکی قصیده
 ایکی جهانن ایکی بایزیده ایتدی طفیل، خدا قلوب نظر لطفه مهری منظور
 بر بسی عالم معینه شهره آفاق، بر بسی صورت و معین کون کجی
 بر بسی محیط انوار فیض رحمت، بر بسی رهبر جهوز غازیان غنور
 امیری دیگر اعلی محمد در فخر بیک برادر کهنه پیر امیر با سکا و غلی در
 سادان قسطنطنیه دند قلم کجی اصناف خط معمارتی دوزن حساب و اکتوب
 محاسبه ده خبلی قدرتی، اولد و غندن غیری سلیقت نظمتی دخی
 لطف و قبولدن بی نصیب و اسرار صفا سکار دخی نوع لطافتدن مجبور
 و غیب دکلدر بوا سعار انکدر، طوق قلوب عدو به اید و ارر نیرک

بوز جهوز نیرک سکار کوزده امیرک

بغلش خون کوزن کوردم اول آفت زدن حالتی تمان ایتمه اچا زدن
 مسطور انما حق دیر و کئی ایتمه تجت . فوسولینی عارفک سولیدنه کور
 امیر سید محمد بن سید اسلام در قبه ابی ایوب انصاریدند و مرحوم استاد
 و استاد الانام شیخ الاسلام ابو سعید کفر زندی احمد جلیلی ن ملازم او اندر
 حالک قضات منظم و سادات کبر البرکاته و وصف لازم اولان منفت
 سخاوت ایلد متصف و مستدر اسفاری بیمار صاحب دیوانه اش و پسران
 کچر منظور اصحاب انظار و مقبول اولی الا بصار بوبر یکی اسفاری کفشارندند
 بنای صبر مه سیر غلظت با خلل ویرد بلم بودی تکلجاری تن دیواری بکویرد
 مرد و نهی حبس اچره کمراده دن کجایی دم اولدی بزمره بصدی ایق
 جهان الملری عالمدر استیفا کوره دو کونه واریدر ماتم افترافه کوره
 آنی زیرک زاده دیکله زوف و زمره قضات جلیلی شان و ریاست
 ایلد مذکور در سمور دن مندر و جامه غاب و بالینی و خدم و خشمک
 کمال تزیینی و آریک لکن مغلوب برش و فنون اولمغه و اهل مرتبه جنون اولو
 افعالی رد ادات و اطواری قبا حذن کاکل آید باران صفایه از شکر
 خانه سنه دعوت ایلد و بر خونه سنه اچون آنی اچکوب اوضاع خوبه ایلد
 بکین زفر ایلد اما معارف و کمال بیمار و خوب اسفاری واریدی طغوزیوز
 بتمش بدی سنه سنه انتقال ایلد بوبر یکی اسفاری انکدر
 میانندن خبر سورر یک اقلیم ملاحظه اوده سی کوه بطور آه نیر بر اینه بیلد
 کوز لرم ای لاله رخ چون فاکر دیکلر عیش اچون بزم بلایه ارغوانلر دیکلر
 آنکدر ناز گلخانه اغوی سزندن خبر غنچه گلشن سوزلر زایلر دیکلر
 آنی دیکر تیره بیدر هنوز جوان کولن اچکون مالک مال بنیان اولوب

جمال زیبای کبی سهره جهان و بسندین ارباب عرف اولمیدی
 با زلمش صند کوز لوج جبین اوزده ابرودر بو بنمخت سبلم ملبر برقاره یازور
 کولکل سول کلوما یلدر قد موزون خوابه کور یکک پاینه هر سرور عینک افروز
 انوری وجود پر عنوانی بلدان جهان کجهر انور و عالم حسن و ملاحتک شمر خا
 اولان استنبول دندر عیدر که حرکت فروغ الکاکار اچکون او قیوب یازور
 بهره دار او قیوب البه کتاب و خانه المش و خت مختی زبان قران و کاتبه
 صلح ایق و عابیکل بلیدین کچر سوزلر کچر نه سوار و کک با لیدن مذکور
 او قیوب بزماغه فاکر دکل کچر بوقوله معنی داره اسفاری اولق نوادر زور
 دن اید و کج روشن اسفاری در بر زمان اسباب و دکانه حال پریشانه
 کبی طغروب رمال حیدر کجبه سنه داخل اولوب اول جماعتدن بیافرم
 حاصل اینک رجایله خانه سنه خارج و داخل اولان امور مال و جمله حاله کنده
 اولمیدی انده دخی مشتمل الاحوال او قیوب عاقبه العاقبه فراغت ایدوب
 بنه اسکی صنعت عودت و غنیمت ایلد محصل نفقه مال و توشی حال ایلد دنیا
 انتقال ارحال ایلد قیاسی انور نیک جهلن باشنه قیوب و مرکب چکین یوزنه
 اوروب دیندر او بر جمل مرکب در کتبته در کار جهان انوری کبی سیکار اولو کون
 و یورک آتش بار لعل نهایت مهارتی وارید حتی میری قوباره جی اولوب
 اول بلوکه کنده اولمیدی و حوسم سلطان سلیمان علیه الرحمه و لغوان سنه
 ست واربعین دنع مائه ده هزاره کرن سنت ایلد کچر ایلد آتشار لوج
 ایدر کن بوابی قیوب او قوزدی کجاست ای شاه عالیجناب
 بدی قله دزد ایدر آفتاب او پیرا و پیرایک اباسم سوار
 ایلد روبرو بدی ایشنی رکاب کوزدی ایامه لقا انور بلا نهری

کجاست ای شاه عالیجناب

بوبرایکی که با رعایت سحر انگشت اندازند
 بدین سخن چمن سیرنی جانانم بوق . بریانج صاف نور بر و خا نام بوق
 بنوکا بشنید داغ غلغل و در یقینی . قالدیم آیفق فرا باشنه در مانم بوق
 نه قلو طوطی دلی دیرن نه نازک سیمین کین . جهانم سولیز بر طوطی سیرین سخن کین
 جوانی قماش ابدی نیم انوری سیم . اولدم دم وصلتی این باره صرخه
 غره شربت کاکتاز بوزنگ چکین . چکین اوستم بر قطره دو کرم کین
 زلفک خطک علم وفا بخش ایدوب . بیری قه جابل برسی جابل مرکب
 در حوم احوالک بومر اعی خوب قضیان تمیز
 ایکی ستم طلوعی دستم صندرم نیم . طوتم ایکی الم قانده ایسرفانی گرم
 هر یک بوی کاکلی آرومار ایدر . اقام صبا به ایدو که بوز کار در
 آه روم ایمن نیکو دندر با بایسته سیدی خواجه دیر لاکه هم
 و دیار بر مالدار با جایدی نامی حسن در باباسی وفات ایندکد جانب
 بدینه علم دکانه سندر حال ایدو استبوله کلوب خلیل معارف و کالاه مداوم
 و طوبی بر توفیق علم سلوک ایتمه نگارم . اولمدر حاکم خواهر و مکاتالارندن
 و بولایفک نماز و سننارندن در اسرار دکن . و ابیات جاتقوا بی قبول
 و سلم و مدوح سخنان عالم در خسرو شیرین دیکدر در اواقع کتاب زبور
 بر نظم متین . و کتاب رسیدر که ابیات شیرین . و کتارین نظامی کورس
 تخمین . ایدوب خسرو هزار افین . در بر یک در حوم او کتاب بلاغت سحره
 جوق جوامع آبدار فوج و اول نظم فصاحت آیین ده اولدلو قرین دبع
 ایتمدر که اقام سکین ارقام ایله قابل توفیر و اعلام دکلدر بوبر ایکی ابیات
 اول کتاب بلاغت سماندند ۴ مکرر صبح کم بوز آل کردون

فصل

بکمر

سپهرک دامن طلشی پر خون . مکرر وضع حال اتندی لیدر . انجمن قانچین دکلدر
 طوغدی صبح دم بانوی دورا . برالتون بیلو صبره بکلواغلا . جوطلعت مطلقندن
 ملکر دبدی کوکدن زادناته . نه دندرای مآینه خسار . رخک زکار غم طوتمش
 مبارک خاطرک ای چشمه جان . قراکولقد در چون آج بوا . کوکل آینه در سحر قیاس
 کونر ز جام چشیدکن ری . کورندی بر غبار توتیاوار . کوزلر خطی کچی خبرین بار
 توزوب نوزوب کلوکلر از کین . خط دیکر کچی حسا کین . بخارار دیکه اوچش باز
 قمت بوش کلوکلر از کین . نه دندر دلن نایک سوزواری . دلکوسیه لاکر بوزار
 نه فتم بنون دکلدر دلدن . طبعی بیس اسناد الدن . نه لبون نوکلدر اولدی
 که نه چنبرده حلاج ابدی حضور . روایت اولور که مرحوم سلطان سلیم بن بایزید خان
 حبیب الرحمن و القوان . کتاب و نور دکن بر ایکی ورق کور دکن اول زمانه قیام
 اولان زیرک زاده . و کمال پش زاده . بر آهنگ سن سول و وصف حالندن سوال
 ایندکد ذخی مضبه دخول تمیش سک ملازمیند . و سالی حد و اربعین در دیر
 مرحوم در حوم اهل هنر و امانی پروژ و سکا کستر . اولغین پور که مباد ابو غنچه
 نو شکفته هنوز اچلمیدن . کربانه دامن کل کچه خار نقصان الله صد چاک
 و دخی بوی دلجوی سکین دخی مشام عالی معطر اتیدین خوان زوال ایله
 مغاک اختفاده آلودن خاک اولد فر بوره رعایت ایدک که انتظام کجا جوت
 طبعه بانه . و همت پادشاه در بانوال سمند ذهنه ناز بانه دزدیده که اناطوبیا
 قاضی عسکری دلان . مرحوم کمال پش زاده . همان اول آن کیمی ایله بروسه ده
 بایزید خان سه رسه سین عرض ایدر . کسروم ایلی قاضی عسکری اولان زیرک زاده
 مزبوری بارون اوچوب پادشاه پیر زافت و غایت سکاکلی رعایت اوغنه
 فرمان تهر قدر مکرر جلوه که منصفه نهو اولمدر . بومر تبه ایله فصاحت سخن دعات

خورشید
 طوغدی اول
 قروار
 کینه
 دارد

بلکه عاقبت اولیایان عیان نشاء عتد و یوزنوره قبول مدرسه دن نوت
 و یروب بالاخره عدم قبول است، موضوع بنده سبب تکرر خاطر عیال است
 اولوب دیوزدخی ذلت ملازمتدن فراغت انجمن شدن کبر و انی من جد بکار
 ایلمک دیوبور رجعت احدها و نجاینگ اگری ردیف غزلنه نظیر منن نویستی
 دیوب، اوقد بالا و زلف اگری دیار سن پر آشوب، ماکل فتنه شه ظالم علم کشر
 سمع پادشاه و اهل اولاد حق غضبی دخی زیاده شتند اولوب ابواب لطف و احسان
 بالکلیه منند اولور احوال اخر بنده ملازمت و حوزار ذلت و فلاکت منن قاره فیه
 مدرسه بیان و بر راء اول تفریله مناسترده تا اهل ایدو حاورینک همسیر سنی
 ابوب مناسترده وفات ایشدر و و حوکم بر تالیفی دخی حس و دلدر حفا که بر
 انشادر که حس کبی وصف حسنی خارج حیطة دایره امکان او دل که مقبول و مدوح
 دل و جان و اشرف جان در منظومات و لایزنی جمال لبر ان کبی طرب افزا
 و منشورات لطف آینهی حال عاشقان کبی انکشت نما، دقیق عبارتند اعجاز
 سخن آرایه پیدا و حقایق کنایاتند اعجاز معجز نایب واضح و هویدا در کسر
 اول کتاب بلاغت نظام انام و انجام، بولیدین سپهر نازجام دیوبوری مخوجام
 حاتم ایشدر کتاب مذکور علت سواد قمر و بحث فضا و قدر کبی بابضه جعفر
 از بنا علی خیل منکله در کتاب مذکورده اولان ایاتند
 بنی اسکندری او چشمه جا، صوبه انوب صوسر کتوردی روا، جاهلک فخری جمع مالله در
 عارف غننه کماله در، عشق و شوق اهل و جد و کمال تر، نه کمال است و نه مال است
 بزی کور کم نه حال و ادر، نه کمال و نه مال و ادر، بوبر کبی اشارتک بناج کفاره و ان
 بر حصیرم بو عینک کلبه اخوانند، بور یا نقش کور یوزن من و یانند
 نه صاحب بونور در دوغم یاری، نه فراغت بیری و اروننه خار کبی

در دیوبور

بنی اسکندری

بر حصیرم

بر لوبک باشد کون طو عتدق افتاده، بر راء جمله ایکن سینه دیوباری
 اول قیامت بنی فردا به صلوب آهی بنه، بارینه قالدی ایشم و عتده در
 سک کو یک نه جنگ ایلر جو جسم تا تو انجون، نه لازم بوخه غوغا لر بر ایکی استخوانجون
 حق نهفته باشد رطره طرف کلک، ظالمک اونه او حیدر سر زلف سیهک
 طالع کبر عتق روی زردم واریم، ایشم انون ایدم کدن نه دردم واریم
 بر آلف چکدی نه سینه جانان بویم، صان مری بکابر سر و خا امار بویم
 ایکی اون دور دی کبی دون کچه کلک، قنده خا مدیس ای مدیان بویم
 سنه دون کچه رقیبه کور و مجلس، دوشدی بلک فیه شمع شستن بویم
 زاهد ایچک ار سنده برنم شرم، کون کبی ظاهر اولور دی کجا کیفیت
 دور اعلکده سنگ بولیده صاع اولکینه که شراب ایلد حوام اولدی بزم صحن
 همی بزم نچه بر عالمه دلال اولم، یوسف مصر بزم بلیمک فیتنه
اهل طیب زاده و یکلله نور در، نانی محمد زاده و دیو کرمی بنش اچ
 مدرس ایکن جانب فضا به رضا و پرو، عجبدر که نصاب فضل کماله مالک ایکن
 سمت فضیله لک کورده حفا که معارف و کلمات اهل قوایل و امثال
 زمانه نیک اهل علم و فضل علوم کبیره و فنون عزیز نیک اسلیمه صاباط اوا
 و فضل در هر فن که طبع بیند، اکا اشتغال این فی الحال اند، اهل کمال اولم
 معنوط و محود اقران و امثال اولمدر و بویا مده علم تصوف بر مقدار
 اهتمام اینکله اول فنده سهره ایام، او کو پونه بجای ده قال اولش اهل حال
 بانند کنگ لال اولمدر و بوفن بزرگوار ده، دخی مدار و پر استهوار
 اولوب بوا ایکن سینه بحر نظامی و قاعه شیرین کلامی ایل غنلی شهرت
 سحر اولمدر و امثال اوزان و اکفا و اخوانه، میان فضا این بیمار

و معارف بسیار آید استعاره بولند هر حقیقی محمود فضایل و کمالات استوار در ابد
 من بعد در فی معارف و لطایفی ترقیده و اسباب فضایل نام بمقیده اوله خوش آید
 استعاره و نازکانه گفتار و از در بوی بر خ استعاره انک گفتار نند
 صلوب دل فلکنی عتاه قدم و ارمی بر باد مخالف روزگار اولورسه و سون چوچه باد
 باره صور سکرینی اولی و با چشمنش سکه عاقلدر دیشلیمز آنه دیش
 خویشنه قدم به سه او قدی هر دایع اوزده قیام قاتل کورسه جهان قاتل و این اوز
 خطی از ایله ای دل او بری جانک ایدی جوری انضا فایده هله جانک ایدی
 موخنی باقدی دل نازخت دوشد نوره ایلمرسم جان حورث دوشدی
 سیر قدم من سیمنی حمام اجکره عرض حال ایدم اول دلبره خلوت بکره
 لمز تر میانی خیالات اهل اجمر از این کشف کرامات اهل
 بونده ایلمرزی کور فریب افلاک نظر کندی اولی کم ایلمدی خاکه نظر
 جانیه بردشما که دیر دم سنگی بوی کل زبان کور فرسن اندن آنه الله
 سر کو یکدن ایلمر فلک بر یکد مالزمه بولکن اوله در قصدم اگر حق جانم لکر
 حرف الباء باقی جمع علما و انام و منبع فضلاء و اعلام اولوب قبه الاسلام
 و مفرد مقام و مغرب خیام سلاطین خاتم اولان سلطنته حجه و نذر نام بود
 محمود و ذاکا بر هوا و فاضل لغا و دماغ علم و دیباجه دیوان کلان
 عنوان حسن مقال مجلس اوزر کینه سخن شاعری لطیفه آموز غزل هر یک
 سلطان شاعران مالک روم بلکه خسرو خاقان ناظران هر مرز و بوم دلبره
 علم و فهم خسرو عالمگیر فلیم نظم مشکلمان قافیه گذار و فصیح زبان سحران
 اراستنه سر غزل دیوان فصاحت و شاه بیت مجوخته بلاغته از استعاره و بدیع
 و گفتاری بنظر اغترت همان و رنگ نلیر در حفا که حق ادا بود که قطره اوداخ

سول کا

بن نوع آن فیضان بگویند اصداف اشباحه باران و اصداف ابدان ریزان
 اولان لاله متلای واسطه قفاده وجود و انگ اولا بونله مانن عبا کبره ادا
 و مر نورک خوبت معادل نظم روان بر صفا مرات کابینه جلوه نما اولمده
 مانند نور دنیا معلوم و نور اهل کمال در کلمات بلاغت سما خیر و در که اقدیم ریح
 طوبی سنان نظم کند و به سر فرو قلد رنند و نسیم عین شیم رواج عود کلام
 مسعودی اغوار و انجا و عاتقه بماده طولد رنند اول مبتدای بلاغت و حکم
 زمانا موخر اوله نه غم که بلاغت و فصاحت جمله دن مقدم در و شیکاه وجود
 ممکن صفت نعال اوله نه جای ملال که فی الخیف صدر لیکدر اید و کی حق و
 ع کل تر مکره کلک رنند اول خیر و خاره استعاره در باره اب روان کیمی و جاک
 و ابی راخی رخی خشونت و رکاکتدن سالم و عاقل در چو که غزل بید کمر مجموعه
 عالمه مطوره و اینها متفاوین الانام شور در باقی نیک از ندر که غریف و
 توصیف لیه مناسب مایم اوله اول حال و چون خوش شکر و کردون دون پرو
 دن چوق نلکندر چکن در بعد هاسا سخن دان شهنشاه صاحب قران
 مرحوم سلطان سلیمان علیه الرحمة و الخوان الشفایام اور غبت الاکلام ابد و لا حال
 و عقد احوالکرا اجتماع و انتظام بولوب مناصب عالییه و مراتب سابعه و ارتقا
 و اعتلا انیمه راحی مرحوم خداوند کارک مر نوره کفی التفات و آرایده شرف
 صحنه و اهل و مصاحب زمره سنده و خلل اولی احتمالندن مرتبی و سنده
 اولان لرنگ و حسد اینکه بیلندی مرحوم سلطان سلیمان عوم کل از جهان انیک
 نهایت حورث و عایت رقت ایلمر بر شیده دیندر که نظیر و عیدنی گنند اول
 آبی پای بندد انکه قید نام و تنگ تاکه هوای سحره و هر چه در رنگ
 آن اول دمی که آفر اوله نوبهار عمر برک خزانه دوشه رک روی لاله

بندی بود

آخر سال اوله که جو کجی که دوران زندان بر سر که عامه سنگ
 انان او در که آینه و من قلیضانی، سبک نیر آدم کینه پیک
 عبرت کوزن خجیه دکن غلتا و خجی، نیر خجی سا که واقعه سیر جنگ
 بانس اکی آب تیغه کفار کروس، سیمیر کومر نی پسند ایلدی فریک
 یوزیره قودی لطفه کبر کسک، صدوقه صا که خازن کردون کهر که
 بعد سلطان خط هم، خاقان ارم عارین اسلام، مادم قواعد اضلاع تاج بخش
 سلاطین کا کار تخت نشین خواقین عالی مقدار، سلطان سلیم خان علیه الرحمه و غفران
 سر سلطنته جلوس اید که کالاول، بل بلایند والاکل منظره کیمیا اتری
 اولوق تهنیت سلطنتا چون یقین غزای اول زمانه ان ایت
 بجهت شرف بولدی نه ملک بیکم، جلوس ایدی سعادت تخت اکندر
 طوعوب کون کبی زربین باطل برچ کون، یندی شرفدن غبه صدای عدل اکت
 بجز مرکز نه آسمان کوزری آید، جهان رو سن ایدی پروانوار اید
 منع موقت کلدی رواج بر کون، زرافان لبون نکر اوراق کست
 برز او یخوزن کورون کلک دینه انجم که جسم بخت بیداری بتر دهر ک کبان
 خداوند جهان سلطان عالی شاه در باد، سرافراز و سرافراز و تاج و تخت
 پناه دین و دولت با شاه آسمان تخت، جناب سلیم بن سلیمان خان عثمانی
 اینر سیف آبی کبی سر اعدا به سمیری، حدیث تیغ بولادن بخرم این کرمان
 قفا دار اولد بر شیر و پیک آهوی جوده، ایدر کونول فریدی رخا حق چو
 سخا رسمن حدندن تجا و زلمه دریا کف جود ک طر غم کرم و قشع عانی
 پرین ایدی دورکن هر که که نکر، مکر مکر به باران صفا کبر ک خدا
 اکبر کوننه دن بیک طعن طاعت قوندر ک، نکینکه عارض کور سر رنج بیکمان

اوج سنا

در حوم سنج اسلام استادی و استاد الانام مولانا بکونود، علیه الرحمه و غفران
 خدمت زندان ملازم، اولدر در بونکر اشعار بلاغت شاعر یک دست و جوار اولد
 اولدر که سداقت و سلاست کسک خایند صفا و زره انجمن ابتدا
 سیرت عار که ایتما سندن اعلا ایدوکی روشن و جود ادر اولد بیکر
 هر قن کو کلمه عارض دلم و دوسر، کویا مانه عکس پرو خاورد و دوسر
 کرا اولور رسم حسرت قدیمه اول هر کون، بربره دفن ایلر کم سینه عود و دوسر
 انجمن وارزم بن کوی که کرمان او کو، خاک را که فورزم جانا کوزندن ترو
 کجی ج لاف و کذراف انصاف بودر که بر عار که ابتدا بدی بواشعار ایدار
 اولان دیکه تویف و توصیف کینه لایق و سواد اولان کندی حکایت
 ایدر که بو غنای دید که اول زمانه ریش خواه روم یعنی مولانا ذاتی
 مرحومه ایلد کون حدیث ستم اولعین بواشعار بی مثال زاده طبع اولد
 احتمال و بر موبکان جنانندن جواصر نصیحت نارا و هدف در و زندان در
 ایثار ایدوب دید که کینه خوانه استی و جیب کفارینه مانند جزار
 ال او زادر کسک شجره روز کاره دست وجود ک کوماه اید و کون استبه
 یوقدر و هر کک که اکارا افکار بی زور و زار ایلر سینه کجک سن مظهر عتاب و عیا
 او بجای غله شبهه و ایتاب یوقدرین دخی غایت خجالت و شرم بدون چون
 سوز بیکه رفتارم اولموب خبر خود بخود دیدم
 اکی پر صفا بخش و لطایف آثار، و کلمه طفک خا بین اید نیم افطارا آخر حوم
 کنی دیواندن بعضی بر کونروپ محل زاکت و کوشه لطافتی قنفیر دبو
 بنه استی ان بیکه و حوم مرقوم کمل اولد و خجندن هر که صفا بواشعار نه انکت
 اعتراف قونش ایلر اول نوار ک کوشه تر کشته برق ایلد ایت ایلد کرج

بو غزل بیلدر

از نوک بویاید که حالتی بکافلی خالت کلدی آید اما که کو کلون به خطا ابدیم
 که تو هم لایق قبول اوست و چنین و آذین و تپه سده وصول بشود بجانیه بویاید
 کلتن استرنگ شنه بجانیه کل خندان که کس بهانه خاک راه اولد و خشم کوب ایغین
 بر که بضر اولدی جانانه باقی طریقه بویاید که هم طریقه بانه هم لوندانه ۴
 نورد هر اچره نشانه غنیه عقیام . نجیب سبیل که جفلم در یایم .
 کوزه کوستر فراسه کلکی به هردنا . که نظردن ایدیه جک مرتبه دن ایلان
 صکر بوغونلر کوستر دکن . عالم اعتقاد ایدیه درون دلدن دعا و تبحر و شمار
 نثار جواهر خین و نثار ایدیه و نور بچایلیکی اقسام احوال بلاغت نظام مندن توبه
 و برهانه میل بجه دارد در اول طریقه اولان احوال در بار ریزند
 جنان اودر که میل ایدیه آن کو بجه جانانه اسباب خینی خوب و له اما بسطه آن
 طوری غنیه خیر و مصفا بکار . سینه بجا طوفان اول توخ سبیل کار
 عشق کل رختی جو ذجانه نشر ایدیه . دوستم حور و جفاله دانه ز سطر ایدیه
 خلق عالم کل سیدی کاسکی بیک . اول بی غنیه بجا تها که لوردی کل
 منت حذایه دوت دنیا فیا بولور . باقی قلو و صیفه عالمه آدم
 بلتی قوجه ده در اول صکر در دولا . بوخسه عاقله سیرین بی حاضر حلوا
 بوکلن استدی عشق اچده مراد . مار سیرین دکلید فرماد
 زخم سبندن اوکل پاره کچک . طورون الهمی بویاید که هر بار بویاید
 جوعدان ایدیه کوجه حزن الهم ادر . رند در ذات مراد مطلع الانوار در
 قسک دکاتنگ ارای خواجه جمال . بر ستم بستر یک ستم بن فقیر
 به تکلف بوز سوز و شوق نیکو . بویاید چون بوز و بر رسن دوستم بالیک
 دانه خالنه بی جنت خندان . بچایلیک الهمی بویاید که آدم

خزه خین دز اول سره قن صنف . کویا جک طور ریزه گذاران صنف
 سینه سیر ایلک کون ره کدر کشنده . اکی جانیه طور سر و جانا
 قدر کی سنک صفا ده ملوب ای بانه . طور و ب ال عبیدلر فرنگه باران
 بوانعار در باره . دخی انزک شجیه طبع زهار ریزند
 تماشاگاه عالم اول حال عالم آرد . سر کو بنده عالم مست و شیدا بیهوش
 صبحدم ای فاخته بود افغان ایلیم . چون کدر رسن کمر بیهوش و بالافوتیه
 نورم اولد کوز دکن خاک در جانیه . بوخسه کل آت چکر دم چشم خونی که
 بار دفر دن بینه باقی فرنگه ایش . بکلتن کلتنش عدو این قول سلطه
 شو جکسر اچره کم دایم طوق بیا دور . نکلو اولای باقی زمان شینی انک
 حکایت اولدور بلغانی رو مکت غنوده صفا . یعنی مولانا باقی جلیکی
 بو مطلع فصاحت سمانی آلب تمام غل ایش . و باقی کجی کل شون او غلق
 عیب دکلدردیم نیش اول مطلع بود نظم قدی چیک اسکی رود ایلک
 جسم آشر جانم عود ایلک . محبوب سیرین سمانی ساعکنه دان و ایلدن
 نام . برد لبر سیم اندامه عاشق صادق اولوب انک عشقه غلر دیشور روحی نور بویاید
 سده سینه کرم بجه یاد . المزدن نکلو کوجه نه داد . نولا بید نامخت و کم روحی بویاید
 باقی طبع دخی اولد لبر ملک نهاد . بو عاشق ناتادی باک ایدیه بو غنیه خاطر کل
 خندان و دل جین و کلینی سر و رشت دان اولوب غل نور نظیره کون دیشور
 سینه باک ایلک احبا اندک . اولد لبر کد بر انا حد . حنا که وجود سیم کل بیما کردن
 وفار و او علی سلیم شهریارک مرزوره النفا بسیار و غنیه بیماری و ارباب
 هر بر سینه کلر کوز و بون تنیع الیون دوقرمانک . او کورد و بچه دوقرمانک
 وانعام فراوان . اولوب خط سیر بیلک . مکتوب لطیفی کلور . بون حضرت جم جان

دیدن
 چون بود

خلافت پناهی و ارث ملک کی بقا، عاقل و عاقل عدل و داد، صاحب شد و شد و چرخ
 سلطان مراد، ابد آنکه عمره الی یوم القتل، بحرۃ کف من نطق البصائر، سیر طینۃ جلوس
 ایندکن، فی قلوبهم من فحوا سنۃ مظهر اولان ارباب غرض، و فی حید با جیل من
 کلامه ماصدق اولان ارباب، مزبور ی ادا، کما موفون، غمز ایدوب
 صدر شایمانه دن موزول و خاطر در با مفاطیرین مجزون و طول ایدر دبلر
 سبب اولیک که معذمانا می نام ما عو که است آنکه انکار و محکمت ذکر اوست
 اگر کرد و غول دیکه ای جهاک نعمتدن کند و آب دانه میگرد، ایک کاشانی سندن
 انما صدرنن که خود را آلوده سروردن، فنا بر من خواب آلود اولامسانه میگرد
 حای اوج غنای کجی غیر تسردن اسی، محبت شمع شمع بر یقین پروانه میگرد
 اقصای غرض مانند ابلین تر ویر تیس، ایدوب نای باقی، بحریف و تحریف
 ایدوب مرحوم سلطان سلیم ملک خصال، بنم طبع سلیم با ده کلکونه میگرد
 دید و که مفادین معتادین مراد پادشاه مذکور در دیو جاب خلافت پناهی اسم
 با که سندن ترجیح، و سنی غیر تسردن و ترجیح، اینم تذکر دیو بو کافیه و امر و قبح
 و بو توفیق عظیم و فتنه و فتنه اید، اینم تذکر دیو بو طلم و اقرا اید بلر جمع حقیقت
 حضور پادشاه سهر اقتداره، روشنی انکار، و دروغ و فروغ اید که ظاهر و بدیدار
 اولوب غول مزبور، قدیم محمود اید مظهر، بولغین نه سلطان عدالت عنوان اید
 سلطان سلیم خان مد رسن، ایدوب قضا ملک شرف ایدر عنوان، جمع تقلید قضا
 قسطنطنیه اید صاحب نام کن، اینم تذکر دیو، روم ابلین ارباب بیمار دوزم مرحوم
 سلطان سلیم قدیم، دوزنن جان جانب خدینم اینم تذکر کاتب قدرت، خواص ملک
 بلاغنی مزبور، حال قید، اینم اول بیمار دوزن دل بیماری خصلی حصول المستدر
 و تمام لطف الهی، عرف قبول خاص و عام موصول اولم تذکر دیو، ایدر ایدر انکار

اینم تذکر دیو
 اینم تذکر دیو

لطف الهی

نه لطف اینک بکا قهر لیغ القدر غیر، کوز لوت کجی نور دکنان لکن غیر
 با عک کلمی سنبلی سر و نقش سی، باری کلور دیو قودیلر کوز جی زرک
 اندی خبر صبا دن و دزدی کوز ایدر، یعنی کلور او کوز لری آموکک
 مشافقتن بنفشه که با یوکه بوز سون، سیکک او بختن چمن اچکن سیکک
 بار خجبه خلاص اوله قیدان غنقدن، چونکم ایدر شدی نندن اونه جان خجبه
 بر سینه وجود پر لم و بر قی سهر استنبولند لامع و بارق اولد قد صبا
 زمزمه پناه ظفر پناه لایق، اولم تذکر بر زمان خدمت کتابت احب ابلیه
 کامیاب اولم سیدی، آفتاب طبعی شارق، و سحابی غنی بارق مقبول
 طبایع خوشه ابیات و مطالع وارد، بوی ایدر انکار، انکار
 ساقی چهار ایدر کلازه غم اینم صبحم، ذوق و صفا هکک عبثین معام
 ایلر صفا ده دمدم صحت کادر دوالم، حکم نه اهی سخم چون بولدر جف
 زلفک کاسنبل تر رنگین کاکل کل تر، نالم کاسنبل تر ایمی سرفا غنچه فم
 بر دم اچکن غنچه و شرف، سیر ایدر بلدرم کجی بر ف
 بر سینه آیدین دلاستند در علوم مند اولم کجی بعضی تحصیل و حکما طیفین
 تکمیل ایدر کجی کل سکک زمزمه ملازمین داخل بدن منصب ندیه و آل ایدر
 لکن روم ابلین بعضی ایدر کست و گذارده، و اول طایفه ار اسندن جلی عبارت
 ابلین غم رنگ بر می آید اولوب جام حکیم بر وجود نه دایر اولد شور انکار
 قسمت اولی عارف رنن می و حد، سبب کجی ایدر، و لیس کجی زاهد
 بر نس و بیکر، قلبه فی فیضی در و بر حلی نک او غلبه ز نامی عبدالله در مفر د ایدر
 مبتدا و لغین، یاران اچنده طوبی افضی دیکه سهر و مذکور ایدر فانی لافان
 صاحب علم و وفا، فن خوده تمام اهلته و فایتنه و هر کجی توفیق و لغین محلیته

بکنور خورشید است بکنور خورشید است آسمانی کونینک قضا بوسه بیدار معالیه
 انعام ایدو. و زادن بر بند ویردکن نمر نوره جمله عالم منصب تو زیج انجمن سن
 بزه دخی منصب بوقی دیدکن نکر و نیز نر بور اول مان سلطان اردن بر بنی المی
 اوزر انجمن بصیری دخی وزیر سفور سیزه سلطان اوکی سنجی غن ویردم نر
 بر طبقه سی دخی اولدر که حاتم لر تو زیج انجمن مدرسه مفتی حاتم ملاز مکره
 عسکر حاتم کدیله چار طاقی حاتم دلبر لره دفا حاتم ارکندر غول حاتم غولر
 الابد حاتم حاله صرت حاتم جلا هله جو قرحامی جمله لطایفند منقولدر که بر کن
 اسکندر چلیجی مجلسند ایدو که سفر و چکد و کی آلام خطری روایت ایدو سبب
 حکایت ایدر کن اسکندر چلیجی یا مغرب کوردکن دیو اجهام انیدکن مبصری عافی
 خانی واقف ایدو اسکندر ذلقونین دکلیم که دنیا یه سیر ایدم دیو الزام ایدر مطلق
 عاشق نری آه اوسجی ادم اولدر. بو آدم اولدر که مسیح آدم اولدر
 و بی نظیر تاریخی دارد سلطان سلیمان مرچونک او علی چرا کیمر سه سب و نین
 ولادت ایدکن بونا ریخ دیلمدر مع جهان کیر و توفیق الهی رود و سفت
 که سه تن و عشرین و تن مایه ده و اقدرد بواج تاریخی بر صراحت درج ایتند
 نظم فخت مافسح انم فخت نام صاحب قران مغفور سلطان سلیمان هر و ز جاد
 انکر و سده اولان کفار کجوسک انسانی کسر و ولایت و ما کنی فتح ایدو جمله بلاد
 ضم ایدکن بونا ریخی خوب واقع اولمدره
 معین دین حق سلطان سلیمان که در کا هینه اولمدر فلک سطح
 جها دینی ایشیدوب روح قدسی بلاد انکروسی ایلدی نسخ
 بعض باران اید خانه زوانه به واروب آج قالدقزین بوقطعه دیسکدر
 رواند مکر پندی چیدک بر آرادن بر اکر س و ا بر یکانه و غنی لابذ و نون

بر نیک صوبه غنی لن نران و پندی چیدکنانی نیه ایکی اول کلودر آب رسا
 ایدو ایدی و اربعین و تنع مایه ده جابو عالم حق و اخوان کوزیو موب
 نر کس جیج روضه جنانه نکران اولمدره دارقاندن ارجال و جوار ملک مغال انجمن
 ایتدر قاجای کف دبارند بر خطیبک و علی در نامی عبدی قی الیغین بقای خلص
 ایدندی تحصیل انواع معارف ایدو کسین بر زمان خانقا شیخ ابراهیم ده خدمت
 و بر زمان روم ایلکرن حبیب ایدوب جمع والدوز و سکنان شمس کات ایمن
 قاضی ایکن کلوب بوقیر و والد معارف سیر ایدو مصابحت ایتدی شمس و نیز
 مصطفی شمس خیر نر نیک مولوی خانه لرن مشوی خون ایدو فی الواقع معارف جودیه
 به طوکار و اسرار و ایاتنک حالت و صفات وارد در
 کر چک نر جفا شرک انکتابی به قور و ب اول به شکار انک اولدر دینا
 خط کتوردی بنی اولدر یک غم کله لیک چکدی اول امرهایونه شک طغرایه
 زلف بارک خیرین کم نور با که دم کوسنرو ب اوصیایی دیدر بو کتور
 بتور سبزه قن ماعده باران ایدو بنی اخلاص با شمس عارفه بو کتور
 ای بقای پنج کوش ایمن سوزو و اعطک پندی بنم چسره او بو کتور
 بقا سبب صحن مدرسی ایکن وفات ایدن هر حوم طور سون افندیک بو یک
 او غلکدره نام نایسکر عبید الله اولمدره بقای خلص ایدر لا حفا که تحصیل
 علم و کمال مجد و ساعی و لوازم سرباط تکمیلی مراعی اولمدره تهران دلا و جند
 فضل و وفان ایدمورد و روح مال ملک صفایه باران بی کران فضایل ایدر
 علم و کمال علم مشهوره حسن اخلاق و مدح و مقبول حضور در تحصیل علم و کمال
 و تکمیل فضایل اشغال و سببیکه نفس اماره لرن پوده مجاهد ده قال ایدو
 بنه زمان اسناد الا فتنه والا عیال هر حوم ایدو کتور ایدر تحصیل مداوم اولدر

خدمت علیه لادن ملازم اولوب طریق ندره سالک و عازم اولدی بزرگ مدرس شریفه
 مدرس اولوب حاکم علی پاشا عتیق مدرسین اداره حق تحقیق اینکله میا
 و اقران ده صاحب نام شون اولمدرامید در که مناصب عالییه و مراتب سیه به
 بولار سایر فضا بلند فضا اف ام شعار ده مهار و شوق و محتر و اعلا و ذرات
 قدر مری وارده راقم حروف به بضاعت ابد غایت خلعت و زیارت اخوت اوفین
 بوندن زیاده علم فم دوشین بان اوزن موضوع و ذکر و نشر مدایح بیج بلرنج
 لوا الطباب و اسباب مرفوع اولمندی بوبر ایکی شعار نیایج طبع در بار بار نذر
 استیکک بکلین جان اگر چه بیدور طای و نام هر شب سک کو بکله نور بر بیدور و غایت
 قیس و شرفه غایت فو کویم سرور اولور ضو خاشاک و یک با شینه افسر اولور
 که و به کاه بولم دیم پامال اولار خاکدن فرق اید مرسن از جانایر اولور
 خلیاتنی زیاده بقیه فو لک رکابیده بون زاری عجب سطر اولور
 دست ز اید مرناله دلسوز ایکنام عاقل اب نه زن فوسون ای دل ایوا
 بار ابر سدی باغک غنایه کنه پر داز او فور آوازله اوراق کلدن کلشن رشت
 بقای از نغفند ز جری جیگان دیکله شور جها اولان معجزه نک اغلیدر
 با سسی صاحب حقدن اکبر کندوسی مفتضای علو حقن اید بختل علم و حقت
 غایت قلوب طریق علم سلوک تمیزد خواجه زاده فور دافندین ملازم اولوب
 معینده مدرس اولمدری بادشاه علمیه سلطان مراد خان حاکم دکن
 اندر سزاده جوان بخت و مقرر صدیاج و حقت اکبر بعضی غار بلهنا سبت
 ایدوب مرزوره نر قیلا اندر سکر اید بعضی سلطان مراد خان بادشاه روی جها
 اولدوق حقت عالیله مدت سیرده مناصب کثیره به بتوب پای شکاک
 اید سلطانیک و غلطه منسی اولمدر حاکم نرینک جندان امده اوقای اولمدر

مؤدل اولمدر اشعار و کتب بکار و منظوم کتابی دخی وارده بو مطلع خلق ارمین
 استمدار طوئدر لکن کند نک ایدو که معلوم و مجر و م دکلد
 عاشقان کوی باره جمع السعسر حاجی حاجی نه مکه ده بولسین
 نوله مردم نقابیلده بفرسه بولره زلر که بخر بوز لرینی قصه غارت اینه رخنر
 بلیمغ استنولدن قول افکلرندن بکوی طایفه سندن در بختل معافین
 سعی بلیمغ و جهد به دریغ ایلخین فن خوده مھارت و کر چکدن قدرت و استقامت
 حاصل اتیمدر مرقی صغیر نزن خوش آینه اشعار و مطالع طالع و لایع اولمدر بوبر
 قرشودن سبوه سمند بید اول آفت قوبه نوزه فوق اولدی جهان شکوفات قوبه
 سوزیمز اکلیم صوفی بزم قال اهل حق اقدیر سمی حو منصور دیل او جندن
 نه زبان سولیم واریم بهر حال اهل حق اقدیر آتش یتیم مبدی بر دایمغ
 قوه حقت دخی بو غلام داستان مشهور جهان او کو قوه فنیانه کبی الدیله و دلون
 قوه نک باده کلکون کبی بوقدر آنه اسجدر او قرا بوز نک انا مانه
 منلی مانندی دار ستری قبر در فضا اسجی بوز کور یک هر کشی استرانه
 قاطع دمدرا شکل دیکر دم اولر کاسه کاسه اکلیم نوله کر کدر قاسه
 معرو نام و حلی کزدی کلکی بوم آیین الدی تر ایک او جهان فانی
 غده مایل اولوب اور تاده کر اکلیم بلنرین قوه جیک فیه مبدرا اولمدر
 سینه دوم ایلند ز خوش طبع و درویش شرب کسه ابری بو سحر انگدر
 قاشک کللی بلند اولمدر اگال ابرمز پنجه سفا لودرم سبب زخه اکلن
 برار سبب با وجودی روم ایلن قصبه نر خاله نک کلسنا ندر ظاهر اولمدر
 مانی علیدر سببی چلی دن ملازم اولد قدر مکره ادر نه ده و غیره مدرسن
 اولوب بخت سمت فضا به رضا ویرد دلسوزاده قائم پانک اولمدر به معلوم و سبب

اینکله میا
 اینکله میا
 اینکله میا

زمره قصه مع سعادون استیاری بر عیال و عراز حیات ایلد بر ارماد
 اولان خواهد نمودند و نارنج دخی جلی قدرتی و ادره ذکر اولان قاسم
 بات دن انچه استوبه خوجلق لفظی نارنج دیدن قاسم پادشاه انچه کوندر و
 مایه کامله دیو نارنج دیکدره بواسطه انک کفایت نندند **نظم**
 آه گم تر غم دوستی قییک دلنه ، قور قمر منقش اوله اسرار نام بلند
 نه قدر بار و شکین لاله زار خشک ، عاشق سوخته تک دویمیه تاب دلنه
 ای بهاری می و محبوب اوله و سیزه و آ ، قشنگ فر اوله میل ایلد روم طینه
 دیوان کی بتی کردار من بر بنی سودن دیکدره **س**
 هر خدک کم بگا آخر نفس ایمان و لور ، ایرنه بر کون نائنه اعماله عنوان لور
 دلبر ابرق کون اولد کور بیلدن کسک ، انتظار ایلد مد اولدم قین دیوان لور
 دیکه اولمز بسیار دیلن سودمینه ، انکچون بکلم هر صبح دیوان بولن
 زلف دلبر کم کندن کوستر **و** کوزه بوزیک در لو بنیدن کوستر
 سیم انکم باره عرف ایشم نولا ، خوجدر ایلد کندن کوستر
م ای نام سیرغ عبده در این ظهور بهاء الدین زاده دیکلمه موقوف مشهور
 سلطان الطریقه و برهان کسریه و تحقیقه عین الی کلین ، و قدح الن سکره
 اسوة الابرار ات دات ، عالم ربانی شیخ بهاء الدین زاده مرحومک او غلبه
 صفا که بر ذات بزرگوار در که شهباز زرات افکاره و کند دقت انظار ایلد طائر
 علوم بشماره و چون کان فنون بسیاری صید و کلاه قلم و غوام و رنجار زخا
 معارف و عیان بیکران لطایفه غوطه انجمه بخلائی آیداره و جواهر اعصاب آریه
 ابد او اظفار ایشم در سمنه طبع صفاته ، فلاده معارف و کمال ایلد فحلی ، و بیکران
 جنان رو ، میدان فضل و غنی ، و معارف تحقیق و اذعان ده سبب و معنی ، اولان

علامه اندر

علامه اندر شیخ الاسلام استادی و استاد الانام مرحوم ابو سعید افندی
 ملازم او کو اولان آستان معارف است اختصار علمی و قریب الکلام
 ابو سعید مرحوم هر قومک اینک خجابت مرتبه و مرغی مقبول و زمام مصالح
 و معنی کف بر کفایت موقوف و موقوف ابدی بنای علی بن علی و مراد
 آسمانه ارتقا و اعتلا ایلد ذات خورشید انار تری منور ایوان صدارت
 اولشیدی اول منصب کاه ذات پرکارم و معارف کسب و معارف تحصیل
 نور و ضیاء ایلدین زمان سیرده جناب طلیح خطیر لادن جدا دوستی
 نادران حاشیه عین فغاندن جویان ایدن جویار استعار بلاغت شعراک
 معنای کون کبی نمایان و جسم حالات کبی لامع و رخشان در و عیان جنان
 معارف موفورندن ظهور و صدور ایدن در مشهور و سکن انتظام نمایان
 اولان یواقیت و مرجان ، که عقد الایمان و فلایه العیان در موصوفت
 لم یطهرتن انس و لا جان در ذات بلاغت کسره و جناب معاصیری اول
 مرتبه دن بالا و تر ، در که عنوان شاعری ایلد بو کتاب مع ذکر اولد لکن بو
 فنده دخی نهایت افتد کسره او عین اعلام و اظفار ایلد کچون ایراد و اهدا اولد
 بواسطه بلاغت شعرا رقم زده و کلک سخا زنده **نظم**
 عاشق اشکی که ایلدی زانو به ، عقد در در صفا سن ایکی دزی
 یاز کو کلکی دیوان کان کسرا لیم ، خطه جبار ایلد یازوب یا کلکی
 اشکم جهان طوئی قرار سچلکی ، انا هوای خال خطندن کچلکی
 مجلای روح اولال بر بایز رخ کار ، هیچ آینه سکره اصلا بکلکی
 تو تیا استیجک چشم بن سچلکی ، کوز قور دوب دوشن رخ کار
 تاب رخساری سر زلفیه جانک ، بر علود در دهندن جوار در جانک

زخم جگر کور دشتی یکد ترک ، ایستور را اولدخی بکاک و جندن
 پابوسنه ال بریدی ارک غل جبه ، دوستی یوز مزیره دامانک و جندن
 بر اگری یکی یوز لوسا فقدر کتند ، دور اتمه بنی خجس بر آنک او جندن
مسته قار شدر اند سیدما یک و غلی سیدما چلی دیلکه نور در سلط
 بایر ندر مانن کند و سندن بر وضع منفور بر روز و لور اید چک عم دیار نه ،
 سیاحت کدوب اف سلاجا و نوای خدمت و اهل اولغده پنجه معارف و خیا
 نابل و سیدی بوغل پر استار انک کفار نندره
 بار ب پروا در بغا غصه دن عالم خوا ، سومون عالم کس دلیر عالم
 برده انصاف ابد لم یار اولد چون کتند ، ذره ناچیز دن عار انیمونی کتاب
 شمر اوله خوابان کم بر پر و این ، ای بختی تهزه جایز دکدر انت
 و نظم یوسف زنجاسی دارد در صفت حسن زنجاده بویتی غادر
 بنجه اولم حسنی شرخند مبارزه فلم بر بر غنی هر خند عاجز **مسته**
 دینه مولود اسیلسه جور ب وطن تلیس در رانی علمی نام تکیل و فنون
 و علوم عربی تحصیل اید کرد کنز نایت حکتی ، دحوم سدی افتدین نایت
 بولدن قطب تک ارسل و مرکز دایره صلاح و سداد مرکز افتدی خدمت و ارس
 طریق مهوری اوزره نوبه و انابت و تکمیل نفس طقه و تهذیب اخلاق لایقه
 بچون جوق ریاضت اید ، بعد چور لیل خطابت و خلفه و خطا و ضیحه مشغول
 اولوب مادم انتقال و کمال اول حال اوزره بر قرار و بر کمال اولمندی اول
 ولایتک معارف و کبار انمار پند و خطی اید شرف و استماع و اذان خلق جهان
 جواهر تفسیر و زواهر نفی و فرمان اید شرف اید خبایه حاسبه سی و ارد
 علماء و فضلاء باینه میلی سخن و امانم هر ک حسن قبول و تربیتی اید معنوند

کتاب مروره اندن اعلا حاشیه تحریر و املا اوتمشد در نامه لایق و نرادر
 و تفسیره متعلق تعلیق و بعضی سایل و مستحق و ارد و فن شوده و فنی فانی
 مدح و توصیف لایق شایسته و صاحب عدیل و نظیری نادر معانی و لطیفه ابداع و اخراج
 قاور در اشعار خوبنک اسلوب مرغوب و ارد و بانهار بلاغت عاز یاد کار قلم سیان
 سنبکدن عارض کلکو که بر ایه حال ، کوکده چکان غوری آفتاب و آیه حال
 بر نه کل بو کجه ای عالم حسنکاست ، بوخس بر دن کوکده کل بخور و اتمه
 خانه اولد مکه و فکله بور کم راحت ب ، کلدی کجی کوزه لم اولدخی جالتدی
 آتیه ستر المیه می با که اول کونه ، او بنایه و زجیب اید پیامبر و بنی
 مختصر اید و لایاره بزرگست نامه ، قوجفا قصه سنی بوخس بوخس کاست
 سک کو بکده در بنم حکم ، بلزم طسکر نه فلرا پنجه قسطنطنیه و حکم ، آبدنی برین بلر استر
 و صالک کعب در روز اهل غنی زاینده کفن احوای بوت اول بکک تخت رو ایند
 و اعظم خدمت المیه مست ملاست ، کوشش اورمده که یکس صاع و حکایت
 اجباب بوبله چکد و کیده جفاو کن ، اعدای خومزاجه نه قسطن کومند
 ای بختی نه بردانه در اعلا و کک ، غیری ست عارک اشعار هب الحق زره
 بحر سر بیج جم شاه و علم اذ اولو منظوم بر کتاب بلاغت فصاحت و ارد در حکم
 آخوند مناسبتان بر غل سیمال کتور و ب غلدن مقدم بوایکی بنی کتور یکی التزم
 ای قول خون بزگاه سرور مجلس اهلین الدی خواب فتور ، سو قله تازه کتکه دل و جان
 اوقه بو سوی دکسون یاران ، دانت بستی صفای آرزوی وصال و دریافت
 سعادت جمال کمال بچون حدود سبعین جوار ملک عینه انتقال و اتمه
 اتمه حق بستی منزل کاک ، و به طفیلده عبد مقبل کاک **مسته** استنبولند
 معلم و خوشخوان و حافظ قرآن طالب عرفان کسسه در قابل سینه هم اشعار و ارد

نویسنده

و این کتاب از
 کتابخانه
 جامع
 است

ذره و نس برشته که مهر کرده ای مه کافر، برده و کوه بوزک نو قید یوق از انز
 کو تیر لریک کو یک او لور دیو بهلول، اینک طایسته ای مه نواری بر پاره بندش
بیان استنبولن بر بابا بشیک او غلبه و طایق علم سالک و من جوان قابلیت
 شان اید مودف طالب عرفان در بوسه انکدره
 چوخ فکده مه تمام شکله و با نر تام، سیر ایدانه هر طرف عشقه سوزاندره
 راه عشق شکله نره در بولاشم، قورقوب بولکته تیر و کانیله کیدر
بیان قسطنین کتاب قسندرز سلطان بیکم خان شاه زمانده و داع جهان قلعه
 ایتدیر مقبول اهل زمانه اشعار بیدج بیانیه وارد در بوسه انکدره
 دیدم بولکده جان و برسم چی آفت، کجری شسته دیدی نهشت
 کل کوی نکاره و ره لم اوی کاوا، دنیا ده سکا کوسنرین باغ جهان
بیان خبیره و سچدن اوی مصطفی دره جاراته زاده دیکله و دوزخ هر چی
 بن الاوان خیالی انشده کله سوره اولین رحوم اوجود افندیک فرزند شریک
 محمد چلی بی واروب اذن لازم اوکو، رحوم اوجود افندیک الطاف داعی فیه نظر
 و تفسیر بی نظیر نه خبر ایتکه دولت دارینده بهره و ده اولسیدی عوی نه خلی قدره
 انک طراز و سلو به اوزره دیکله نه بانه هارنه وارد در رحوم رفقه و فقیه
 عتیبه و بر سو مسیب ایدرم اولسید، سچ احکام علی الاقان افانیه
 و فیض معنی عن الاحسان اجعانه، بیک ثرات بال صفا صفا تنع صور جذبات
 رحمانه ظاهر و زمین فواد سعادت نهاده انوار علیا سبحانیه باهر اولحق
 مناسب و مراتبه امانی البکلیه ترک ایدو اکل افندیک خدمت پر عهده اینه عایت
 طالب و تائین راغب اولوب خلاصه اوقات و نفا و ده ساعت خدمت
 برار سا و مداد نه صرف ایتدیر جتن شیخ زور سه خمس و ثمانین و شصت مایه

عازم خلد برین اولدقن بر نه شیخ سجاده تین اولتدر بواتعار انکدر
 قلدی چو کیوانی جانان بولک بولک، عشق خیلن ایتدیر جوان بولک بولک
 غمگ بوسه عینده که هر ان کلور کچر، سیرل و اندر که شتابان کلور کچر
 کل کچل با ساطلس عیدن ای کل، جوی فایده خلق چو عریان کلور کچر
 عشق زخم تیغ سندرالم و برین، انکدر ریش ناوک مژگان کلور کچر
 گرچه کم کوزدن کچور دم بویدی ریابن، بولدم کندی در بخار اولد ریکنا یه بن
بیان یا بنوی دندر شیخ کلل او خلق دیکله موفو، نظم و نثرده قابلیت ایدر موفو
 املی ایام جوانیه که عشقوان هکام زندگانه دره و داع عالم فایده ایتدیر
 ماه نو ناملی بر دلبر مدحت دیرمدره
 ای بوزی خود درختن کیمجه نه سوال، کلمه دوره فک کیمی سنگ ایکی حلال
 منعکس کوکده در و ننده دل بوخته کا، صفت آینه رخ رنکاری پر خال
 پاکه نوله ایدر سه نه بجوم اسکم، ماه سیرن ایدر غایتکه استیصال
بیان بیان حسن بکله خارج حیطه مقال اولان سترادر نه دندر اماند
 فراغت ایدو، بر مقدار تیار ایدر قناعت ایتدیر کند و زنجیه ولایت بلاغک مهرش
 و اول نره نکره و سوری کچوری با این جمله لایق قبول بعض اشعار وارد در
 محبت شاه بازنگ نگارید ریم باشم، انک سر بچه سنده کورینور منفار بیدریم
 جهان در یازن بر قطره دکلوعینه کافر، کوزینه عالمی یکدردی بواک کهر باکم
 خم ابرو که زلفک کوشه سندن تر دو سریم، مدودن خیال اکلر بو تندن نم قیر چشم
 نه لازم جلک بهر فغانک شمع کافور، جواغ چشم روشند کینورس جام فغوت
بیدار ولایت عیدن بدیع کینر صبه در کزیدن در سحای در حوک بر ایدر
 اگرچه امل و فتن میر نه صفتد لکن حراف جوهر زواهر موفد با وجود که

طایفه ای که با او تکریم و ارجح فام در دوزخ است و با نفس سرخ و کلاه
 سیر و لطیف قادر در دوزخ است و آنکه گفتار نهند و
 کوز کوز او که جسم زارم با و کن لاریه جمله چشم اولدم اما طویدم دیدار
 صورت بار بار دل خانه نشی سیر الیه باری هر کوشه در بر موش ایله سیر الیه
 قدم هلاک دوزخ تنم بر خیالدر سینه اجل کلوب سنی بولوق محالدر
 نجیل الیه و ب هلاک که قصه ای اجل شاید وصال یاره ایرم احتیالدر
 چشم سیر الیه کسوار کلزار عالم نام اویندین و جسم پرخت و بلا آب حیات
 و بغایه فانیان سه نمان و سنین و تیج یاده آخونه انتقال ایله غایت
 میخوار آید اول کریم و غفار عفویش اول **سیر** ظاهر اقلندران طریقیله
 محقق و جودم اولیق آرزوی سیاحت الیه داخل بار روم اولتیدی طبیعت
 شویسی مرقوم و مرقوم اولان خواندن معلوم و مرقوم در **سیر**
 نذر اول غایت موزون نذر اول سیم بدن نذر اول طلعت زیبا نذر اول حسن
 نذر اول چاه معنی نذر اول قطره ماه نذر اول کوی ملاحات نذر اول سیرت
حرف الف سبایه ناجین و مکتوبات آفتاب کی معلوم سنج و سبایه اولان
 شهر استنبول نذر مقبول رکاب سیر حضرت امیر خجسته در ویندن بر نیک
 او غلبه و طریقی علم سلوک الیه بعض بلاد و نذر اول قدرین مرقوم سنج عبد لطیف الیه
 دولت حجه الاسلام فایز اولدوق انجلیک کویان ترک کهنه و جهان الیه
 محفل بنو نمک کعبه جهان انجند حسن خطی کی شعار خوب و گفتار خوب
 آیم که آسمان اتر هر کجبه خدنگ مقدی بود که کوکب نجیل الیه جنگ
 دل آستان بارده آهنن انجور ابر سپهر صنه سن جنگ ابر پلنگ
 سوز اندی آخونه دلا و شردیلر مجله باشد شکر او کد ناینگ

تاجی شهر آدر نه دوزخ و دوزخ طبیعت و ذکا و طفت و لطف فطرت
 سبب الیه بر مقدار تحصیل معرفت آید که هوا خوش صفت کتابت مهارت
 پیدا الیه و ب فلم مثال هر آله کور مژده و مانند دستار کار نه باشند توشه
 بعث مرحوم جناب پاشا نک توابعندن اولغله آغز عامه چقندی سبکی شهر کیزنه
 اندن هلاک بنظره دیمند و با شعار انکدره التون فلم شان و آه شرفشان
 اجیوب غزیه بصدی در استکم بحر غم دیدی مردم دوشکینی در بر سیم افاده در
سبب مرحوم جعفر طلی و سعدی طلی یک پدر بزرگ اهل کالک تراجی و سردار
 اولدوغنه دلیل بو نیز که مرحوم سلطان بایزیدک شزاده ایکن دفر داس اولمدر بودو
 و سعادت که کفایت ابد که اولک نال هر بلند بوستان وجودن نشود نال اولمدر
 و اولک غصن ارجند نخل حیاتن ظاهر و پید اولمدر بو مطلع انکدر **مطلع**
 کوز با سلوک کولف پیر نراچندن خالدم فر کویجه ده بار انراچندن
سبب تیغ منان ضرب و جوب تمن بدنگال یوز دوزخ یوب نیز تیر شتاب
 که جنگا چون هر طرفه پربان اولو سیر وار صدمات نیز دوشیکاره کوکس کروب
 یور که دم کی دمردن و مانند تیره خوانخوار و مرد افکن اولان زمره سبایه ظفر
 پناهدن معدن جوهر وجودم خوب بفرست دمشق بهشت سلوک اولان خالک کو بزره
 حکام صبا و تن برک سوسن داره جوم خاص ای سلطان ده شو و نما و سر و متال
 کلستان خاقان بر اجلال کسین بالا اولغله آینه سینه سی صقل معارف الیه بخت
 و کردن دل جانن فلانید فرایده لطایفه موش و مخی در لایق پسند قبول انعام
 و مقبول و اردر نیخ انعام آبداری اعتبار اهل نظر الیه صقل و جلا اولمدر لاجوم
 منظور اهل کرم اولسه زوادره بوجلیه کثیر اوینچون اربان اندو که مقالدند
 بیقر آغیلد عالی بلم نه حکمت دار شراب نخلد ساقین کبر ز آجی قوت واره

تاجی شهر آدر نه دوزخ و دوزخ طبیعت و ذکا و طفت و لطف فطرت

سالک و عازم، اولوب مرحوم ^{نزداد} مصطفیٰ معیناده ایکن خدمت آستان
 سعادت آستانه ندادم اولملازم اولوب جود منت قضایه سالک اولدقد حسن
 بید اول آستانه دن دوره خدمت آستانه سعادت دستگاهدن مجبور اولوب
^{نزداد} ایداما سببه به کلبیدی شهر لری حققت خبلی لاله و نایج طبع
 نایب مدح و ناده در مقصود بر سرچ تالیف ایتمد مدح و تاسنه اتملا ایندکر
 بعضی اربان و توابعی ایدر طب آستان در بواسطه ارکند
 منجم جوهر نایب لعلن بی نشان بولر نه دمک نقطه رطبه غاییدن نشان بولر
 و کل عشق اعلی کفار لکدن بر زمانجا نه ممکن باشتی کدک جانا بر زمان بولر
 سکری ایندی حلاوت کلامک لطفی بار شیرین کار ایتمس یا فو لعلک دیر درنگ
 خط خاری غمدن اولدم اول کلبک ایدر دانتون غبار جسم زردم مرد سبک
 کور نر نقطه حال لک جانا حال اولد، پریشان خاطر زلفک کبی آشفته حال اولد
 عیارن جوهر نکلک لمن طرف ماهر در، شایه معنی خاصی نه بلون دمک بر عیال
 کور و بزرگ زنا زلفک بر کون ایتم، برم اود اولد صان کفره بر ابر برکن ایتم
^{نما} **نما** و دیگر نامی محمد در بابکسر بد ز طبعی ایدر ملازم اولد قد حسن و اونی تریه
 سالک و عازم اولمیکن راه رو فضا، فضا اولوب ایضن بلا ده صفا و حاکم
 اولمدر اخلاق حسنه و کمالات سخته ایدر مودف اشارت اولد مانتن فضیل
 و وفان ایدر موصوف، مکمل بوآ، در وضعه الابر ادا اولو منظوم کتاب وارد از بونکر
 کتبر اولمچون انتخاب و اختیار ایندکلی اسعار دند
 بای دهری خدا چکدر رگ غم بزر، وصال یاری نصیب ایدر بزه بار
 آوینر شیخ اقبال کور نر اول قطلعت، بنی بوقاره کوندره قونین بنی بیا محمد
 قول اولدم باشم از ادا ایکن اول سر و زاده موکی یوز سورب یا مینه اولدم اگر افتاده

نما مرز بوند مرز حباط اولملازم بایه تخلص ایتمد اگر چه ایل جودن اتی
 و حامی کسنه در لکن خلعت کلامی فانت الی سیه یوب سوزن بلاغت و تر اکتله
 دیبای زیبای فصاحتی و لکن لیا، زمند و بوطلمع اکتدر
 القدر و رنگین کلک سبب دایم وار، محبت سبزه زارن سینه بر نازه بلاغم وار
حرف اکیم ^{حاج} علما روک کبارندن، و فضائل فضایل قومک پر استنهارندن عالم
 و و فاضل و کثر و کامل حاجی حسن زاده دیکلمودف و انواع معارف و فضایل
 ایدر مشهور و موصوف در نامی محمد در سبک با نر زمانن انا طو لقی عسکری
 اولوب مناصب عالی به اعتلاء و مراتب سیه یا ارتقاء ایتمد رسد اهدی عز و شایه
 جام سعادت ز جام جمانه صد مات سنگ مات ایدر نکسر و منزع و روم ایل جانیست
 صد عالیه ایکن سعادت عالم وجودن منور و تخلص اولوب استنبولک بنا ایند
 مدرسه و مسجدده مانند کین فزون و مودف و زو که احوال فضل و کمال کین ببقایق
 مسطور و کتاب بر نور هر و محبت کبی پین اچکوز مذکور و مشهور در مقصود اصلی
 و مرام کلی که اسعار اربان اسعار در بناء علی عان کینت قلم اول جانیه منوط
 قلوب تحت تطو لیدن منفرد قلند، حقا که بر ذات فضایل آیات ایدر آیات
 فضل و وفان جوامع جهان و مجامع زمین و زمان دن ملو و جام سرور انجام
 سحر، رصق بلاغت و تحول ترکت ایدر ملو، ایدر حکایت اولور که در قوم
 بوبیت بلاغت موی دیدک، ^{کشته} دل بوخسه دریای جهرن خلاص
 اول تاده خلطه بو عازن، بر کشتی باشت ایتمن انی جعفری کون بوک اور غالر
 بنظر ایتمن سوادن بری بوبیتی دیکدر تولین بر جایه طاقین بوغن
 لطف طبعدن انتم کاکل لیر دیش و حرم و بوردنی معالده بوبیت ایدر
 دل کشتی سینه بار چه دین نور که نه دیرن، اور فانه واقوب انده حاکم ایتمد

حاکم ایلم جانیه اسعار
 حاکم ایلم جانیه اسعار

اور غالر
 جواب دیر سوره

بواسطه بلاغت شعار و حرمک تاج افکار نذر
 راه قسم آنچه اولی کو کلمه و کج . قطع ایندی بن علاقه سی کنی جانک
 مسم که اولدی عالم روشن کونش . بر دره کلرای ماهر بان سکا
جانی رو بدر دیا چهره شیدا . مولانا جامی فکر کنی زیارت . ایندی خلقدن غزل
 ادوب اکثر جدیده افتاد ایدر . نون خلاوت و جندان لطافت یوقدر
 بنجه نغمه ادوب بر سکه کبالت ایلم . برید رفوف ملک سلطنت ایدم
جانی بیک نفس تنبولند دادم با محله سنه قول و فکر نذر مرقوم
 سلیم بن سلیمان خانداده اکر آستانه انساب ایدو مجلس انشراح بر صفایان
 جام صبا کبی مدام دایره و اکثر بهجت خاص شهنشاهی به حاضر و کورده بحث
 اول شهنشاه سعادت مانوس سر سلطنت جلوس ایدکده بعضی غلغله متصرف
 اولوب انچه جی باقی ایکن سنجایه جتوب کامروده سنی فی کبیر و رهنما طبع
 بعضی معانی و سکاره ادوب و غواص بال بر اعت اختصای در بای بلاغندن
 بنه لاله و ابدار در کناره ایندی بر مطلع اندر

جعفر حلی بن الانام . و هلم خواص عوام . ایندی تاجی زاده دیکه
 و توفیق شهنشاهی محبته فلک دواره و طومار روزگار دمه مطهر در بابی حساب
 سیف ایکن کندوسی طریق اهل علم عارم . و مرقوم حاجی حسن زاده ملازم
 ادوب مدارس تربیده افاده علوم مدام . اولندر محمود سید سی ایکن طومار
 آمان و منور احوال طوای غزای التفات باک تاجی ایدم موفع . و تاج پرتیله
 حاله یواقیت غایت سلطانه ایدم وضع . ادوب صاحب قرآن زمین و زمان
 خدمت سلطان سلیم خاندان بنی اولغله پرخوان . و اشار اقرانه میانست
 طومار مال صاحب نامون . اولندر بیک بیغ غنچه باله نایم التفات بیکر ان

تاجی زاده

خندان

خندان . و چمنزار احوال باران نواز تر و احسان . سلطان دریانوال ایدم سیر
 و ریان مهال مال اشعار تربیت سلطان منور ایدم تاج و لکزه ایوان دو
 و اصل فرق خندان اولوب نشا بخلفدن قاضی عسکر اولندر روایت اولور که
 مرقوم سلطان منور و ابام حمزه و هکام سفا . ده شرف صحنی ایدم کامران . خنی سقا
 اردیل و غنیمت جنگناه اسماعیل . ده خدمت مولانا مرقوم و مولانا ادریس
 و مولانا جلیلی و اول خاقان مالک سیستان ایدم فتح و نصرت کبی خندان . اولوب
 نشر انواع معارف . و بذل جوامع حکایا و لطائف ایدرک روان اولورده . آقا الامر
 بر خواجه و آتی نعیم لایکدن ایدم روزگار پر شدت و قهر . مذاق حضورن
 ایدوب با ماسینه ده بکوی طایفه سنگ نخکی تمنی ایدم صدر صدران صفایان
 فدا کنه . و سریر ریاستدن میدان سیاست کوردی حکایت اولور که مرقوم
 و قونم قتل و لینی غن معلوم ایدوب سیف و نطع . کور و ب تیغ تامل حیاتن ایدم
 قطع . ایدکده مانند خاتم و دربان خلیل چالی لکان . اولوب و افروغ عطا و زوای
 و حکایا و نظایر سولیوب مارون الرشید جعفر مکی به قتل اندکنه نالام . و قتل
 نفس ابدنره نه زنده کنه هکای و آثم . اولد و غن عیار و بیان اتمین کهن با نعت
 اعدای بد کال . آتش غضب ایدم حلی . اولد کلو استغفار و بر شد بکه خورات
 نصایح و مواعظ ایدم سکین اولمقی امر حال و محض خای ایدم نزل اولور که
 بعد قتل ایدم تاج غضب و سکنه هیبت فروری قتل ایدم که حکم نداشت ایدم
 متو بان حضرت . چون کجا حبس القایند یکورد بو علامت . انجمن اول ایدم تاج
 و اطراف اولان خانه و دکان درون عاتق لال . کبی سوزان خلق خان
 مانند اهل عصیان . بقیع جیم و نران . اولوب شهر استنول ایدم ادر بقوب
 حکم دهر دن اولسان . بر و کج کایت و زبان تشبیه ایدم سوز درون حکایت

سنان

ایدر

ایله خورده خلعت ایتدی بوشو انکدر **ایینه** نه یوزدن اوله جانانه بکله
اولسون کورده لم یوز یوزده اوله جانانه برابر کله کون شرک خطبیه یازده
کله یی طوشوب ایکسی میانه برابر چکدم اینی توزیله جوهر اشکی
کله یی ایکسی دیده نیرانه برابر **جفای** سلطان یزید زمانده سرکی
سعادت مقرو و جلالت ملکات خوابه سی اید نظم شعریه سیاح ملک
اولمده حق معارفه مالک اولمشید اما شریزه جلالت یوقه ز صفت
تجنیس اوزر بوشو انکدر **ایم** نی بوشو ندر یاقه یقین در
کیم شه یوزینه دخی قول باقه یقین در بوشو یقین کورده یی خلد
سین اندن اراق سن کا اولمده یقین در **ایم** کله خلق ناظم و نه
اولان منبع هنروران و ملایع فضل و نازن قصه مناسرت و نرمانی
حیدر ابتدا حانده ارباب بیاردن ایکن استنبول کلوب بر مقدر
نکتن و قرار اید کدن مکر ترک جای منصف و نرمانی ایدوب قلندر ان
طریقت ایله دیار عرب و شام و حلب سیاحتن اید کدن حاکمی اولان
جعفر پاشا ایله مصاحبت اندکته دفریری نرمانی و برده فر کورده
داماد اندیشیدی مذکور کس معارف و کماله ندر فیض مدخلی علی کفر
خوش نویسی کده قلم کیمی ای اولمده نرمانی فر بوره محبت و تربیتند
بذل سی و صفت ایدوب مرحوم سلطان سلیم خانه لاله اولد قده بیع
اوپ کسیدر پاشا اول سنانه عالی پرورد بند و یار ایدر بیار کس
وزیرس ایدر کس ناصیه ش ندر انار حای و طلال رنر کس
لامع و غره جبینده انوار مجد و معیا نیایشه صحر کس کی نفع و ناطع
اولمده نرمانی جوایت و نایسته تیج و کس خورده نرمانی

مصطفی نایل و شرف نهادن سرب و آل ایدر ایله و لایتنک نیر
دفر داری اولوب آخر خدمت حضرت نرمانه ملک خلعت و ملک فخری سرپا
دولت و عزت بلوب آخر خاست ایله دولت دارر کاسکات کردارندن
بر آن معارف ایتدی بعث سلطان سلیم باکانه هفت اقلیم اولد قده ابر علم
اولوب علم مثال اقران و امثال اراستند سرفراز و مانده لوی برای
سلطان جلدن بالاد نماز اوستید لکن بعضی ب دولت و انجاف
ایله زندگانی سی اولما یغن ضروری خدمت ایدر دوری لازم کلوب
نفا عدا ایله نرمانی ستره عودت و مرجعت ایتدی اولمده ناطع و یوب
پاشا کورده نرمانی بوشو فریادم اشک دیکل ادا این بن سکه داد اینک
هما صاحب سلطان جهان وجودینه روح روان اوستید که در د معارف ناطع
طافنی و محنت بی غایت لام حیرانه تحمل و قدرته اولوب هزار کربت و محنت ایله
یوغار غور دن سراسر پرورده رحلت ایدر الحق استعاری مقبول و مرتبه
نخبین و قبول و صول بولدر اگرچه تصوفانه دیدو کس استعاره چند ان
لطافت و بلاحت یوقه نکل استعاره خوب و کفار غریبه دخی جو قدر بوشو
بلاغت استعاره انک کفار نرمانی عید و سلوک تک بر کله امکان اولسون
استخوان تنی ایدر کس و صفت این بن ایشک ایدر نرمانی رحت دندان اولسون
خلاق جهان عالمه فلقن سخله هر سنی بر حاله فلقن سخله
ویرمه کسوی و لایتنه دایه بانک کوز کور و انوشه ایدر نرمانی
جسم و غنا دین انک خاک دریدر نیم و ایدر نیم ایشک بریدر
کوز باشی دکل خرج ایدر نیم سیم سیم در دیکسب ایدر نیم دین دریدر
نه چینگ چین ایدر نیم چون شور بولور و بی بوقی بر خطبه دور اوق حاکم کلال

بن کیم فریاد این بن

برایم و اوردی بولمده ان کون

جلیلی بود بر طاق مینا ده نمونه سخن میوه و بویختن برای دنیا ده
 مجمع کلر خان سپهر و ماه رویان سبیل و اولان شهر بخت فراخور و سهر و
 دیزد لطیفی از تنوع دید و کنع خطا ایستد ز کندوسی و عیس **در دست**
 حامدی زاده جلیلی بر دسوی نظم ایدوب شیرین و خرو و نامت سن
 آوایز حالت کسب علم و کمال استعان ایدوب دانشمند و ولد قدس کن
 عقله اختلال کلوب ترک تنای جاه و جلال ایدوب بروند ده ساکن
 اولستد خلفدن خوش و انوال او زده اولغین کسسه ایله قتل و قال
 اینجوب فصل فخر و یقینان اولان نطق و بیانی بالکلیه ابطال اینجوب
 بخون موثر نرد و بو خطا بایه نه یمنم وار در جواب ویرد و توتاید کل صبر
 و مشو تاید خرد و شیرین الی لیلی و مجنون و اردر سنها به بی ترجمه ایستد
 در لرکن اندن بر منی کور مک و ایستک واقع اوکد بواسطه کاراک گفتار
 جقون اول کوز که شب جگرده خونبار دکل مددای خون جگر اشک بکار دکل
 نکل داغ غمیل و احی بو قدر با تور سه بستر کل و زده راجی بود
 کور زحمت بر منی خوردی کلک نمونه کم با دوس کوز بانی سازن شوز بخر ایستد
 جید لیلی که بر زخم در مهاب اکا رسته جان و دل مجنون در اطنان اکا
 عشق جاس خرد و مود ای کلک ترا دقو کم نیز خون جگر کلون تیراب اکا
 اوکد بر سر و کشند غمیل و شوش و لشکره نلسون نظاره بر کل کل سیراب اکا
 بغلشردی جلیلی به در میانه یی عاقبت بر معاندن اوکد فتح باب اکا
 بر کون که وارت نموزی یعنی کم نسیم نیم روزی غلشدی کتاب مرغ آبی
 خوب او دینج آفتاب هر برک درخت بایه پرور اولش مننه سن بر معند
 درد یله مکر که بر سر صبح آلوب غم مهران انتر صبح کسب ایلمه سحر و اسن

کلک

صبح آجری قبا شک فایس **جلیلی** دیگر بروند در سطران بارید و زنگ کلندر
 بو مطلع کلندر به درزی کوزلن سودی کوکل بایه سی چون رسته زلفه با لولر آواره
جلیلی دیگر خطا پاک در دن ظهور و بر و زانیمند و ارباب ضایع دن پند دوز
 شوی عاشقانه و پر سوز حفاف و نعال کلام و معالای زنبه بلا فتنه حکم دوست
 اولغین کرد و رایتام و مرور احوام الیه قاج حق و التیام دکلدر مرحوم سلطان
 سیدم خان دورن انتقال نمیدد بو سوزا کلدر خرا که غمیتد قالدیم بر بخار کلری
 جو قدن یلردم سوز اول شو که کارا کلری ایستد یلردم اول کتد فویدن دیر بکا
 بو بجه یلدر دو ستم اول اعتبار کلری **جلیلی** نامی عبد جلیلی و لایق تعظیم
 و تجلیل ذات شریف و جلیل عبد کفنی اخذ نیک برادر که زبیر قصه شمسو کلک
 سخی و مروت و شایسته و درویشی و سکنت ایله شهر دار و دیار و بو فتنه
 دخی که چکن صاحب اعتبار و اقتدار در بورقاج مطالع و اشعار ابد از اول غایت
 شاعران باد کار قلم مجرذ نازیدر او یکینور سه صالوب فامکد سر و چین
 بلر اول سبوه رفارک اخذی یوری سن اوکد کلک بولد و بجه با که ای کلک
 استن بن اولدم مدد بر کلین خاطر اولم تک و ارب میدان عشق بر دلاور سرور
 استن میدان استن ارمدم دین کلون بر خط مسکنده جاناکت مسکین اخیال
 اندن هر بر تاز لفلک بر بستان خیال **جها** سلطان محمد دورن کلندر سطران
 بایرید نامه ها و مایون نام بر کتاب بر انتظام نظم انبند لطیفه حققت
 خلی اطرا ایدوب بو مقوله اشعار الیه استن باز بولد و غننه تعجب انبند لکن
 یزدوغی اشعار نیک ادا سنه چندان ملاحات و صفایو قدر
 کلک هر کچه تمهید و غن پر دانه قوم اولمز براراده او دیکه دیوانه
 لیک ایتمه دی دو آینه کوز خسته بی بایه ای غنسی غنسون و سون

چون

بوطی که دکلر اقدی کوکم صوبی بر دلبرک دیدار نه طور موی آن نبرندم کلانی
 جانیه **سنانی** دفتر دار زاده دیکله شود معانی غریبه و لطایف عجیبه
 نامحسوس در وادی خول و مطایبه اشعار خوب و غایت اسلوب مرغوب
 اوزره واقع اولدر طرزین و حید و فید و لذت معیبه دکلر مثل کولک سمنه
 ساکن اولغله اوله کلو مطالع شریفه و معانی لطیفه مالک اولند که کبر و تقیر
 خارج حبسه بقیر در اول جلدن مطالع و افر اولو غولیا نه قبل فیکل فیکل در وقت
 انظار و افکار ایلد صنایع و بدایع غریبه ابداد اولان ایتمکله هر روز کار اولند
 بوبر ایکی اشعار ایلد گفتار نند و خرم کربانم کور و بیک باش حقلدر کید
 خاکپاک باک طبرق صفتی حکم ایلد عاقبت چونم طولر طبرق کوزیه فاشنه
 خرابن شایک مرقع باجله کاشنه خواب غفلت اولان منزل صله ابرمز
 یعدنن یارک ایکن بریزدوش کوزره آه کم بر سپاسی دلدار
 بنه ایندی صوفک سحراری بوبردن قوبه در دره دکلره دلا اولغله دوشه
 صدر رسید ماحی چون اکثر بنک طاشنه اولغله غلغللر روم المیه کنکن بشیر
 علوفه سی کسه و کنه دیشدر پنج ده افر اید روم المیه ره دوشه
 بنه کدی فلک طالعده دوشه مطالعی مهتور والسنه ناسد مذکور لغت
 بومقدار ایلد کتفا اولند جمیلی نر کسان ناه اولند ز اکثر اشعار نوای طرزین در
 بوسون اول انجن کم افصها بویه اولسون صها دخی کر بردار بولیه
 جانیه **افند** خدمت علی جانیه ساقی لوح خوان او نقدیر بیدار بطی
 اولان فخر کاشنه و خلاصه جمله کونا حبیب حق شفیع مطلق مغرور یک سلال رینه
 منتب و شمع و سلسله وجودی اولکان مرده وجود نهته اولغله روی حال
 و ماله خندان و بهی اولان زمره ساداکیر البرکات دن قضا اوزره دن متقاعد

ایکن حنیف ضاکن اوج افلاک متصاعد اولان مرحوم مغفور له ابرین کاشنه
 خضر لریک فرزند بلند سالامندی نامی مصطفی در تحصیل جلال و تجمل فاضل
 جوان ایلد ایلدن مجد و قائم اولغله سلطان ایلماز و برهان فضلاره اسوه محققین
 قدق انقشیرن شیخ الاسلام و مسلمان مرحوم ابو سعید افندی ن ملازم اولند
 مدرس عالی به مدرس اولوب نرجه لری کتیر و نظیر اولند قدیم مرحوم و مغفور سلطان
 سلیمان خان علی الرحمة و الغفران مدرس عالی کندن برین افاده اصی استفاده
 ایلد نایه سرای فضل کالدرن نوس اولو صیت اطوار و انعام و محاسن
 و محافل ارباب جاه و جلالت و قیل و قال اوجا کله حق اولوب موصوف
 لاتا خد لوند لایتم اولغله ساعی و عازم در باین جمله نه اکابر و اعیان ایلد
 اختلاط و وزیر اعظم و امرا و خانم ایلد ارتباط اوزره در اقام علوم کید
 طبع کاملدی علم عربیت و محاضرات و تواریکه مایل اولغله عربیه فصاید و تمیث
 دیوب هر بری مظهر کلام نه در قائل اولند و ابتداء افیشن جهانن ایلد
 حوادث ایام و قایع بهر نافر جامع یاروب علم تواریکه شامل لطیف الیف
 ایتمدر که تاریخ روزگار و کتابة قصر سپهر دواز اولندر بوند که به کتیر اولغله
 ایال بوبر دقلری کلا بیلال لیدر که نظیر اولند
 شمع و شمع اری نوکل کونینون بوسون باشد اتین افسر لاورینون
 بلدی قدر نه حیف او در نایابک دست اوج ایلد در یا قود کونون بوبر
 نه حالت وار جاکلد سنک ای نورپردا رنک یاندی بادیتم دل اهل مهر رنک
 زلفک غنبد قامت عاشق دوامه ایلد خط غدارده نه بلای سپاه ایلد
 سبزه دیشکلک داغ بیمار ایتیم کرک سمن کم موز دروغ اشعار ایتیم کرک
 کجوب سردن صفای عشقی بردار اولین لیر محبت اهلک خط سبکبار اولین لیر

ناله

خوار زاد و دیکه استار بولدر بابای طرافی عجمی سلطان سلیم که کلوب
 اور زده آرام ایدوب نده مقام دوشدر نامی ابریم در علو تخت و توتی
 ایدوبن بر عالت علم لوک ایدوبن زمان بوستان افندی مرحوم کلب
 فضل و عرفاند خوشه چین اجنایمار و فضل و یقین ایتدی احوال امر
 ابواب رجا و آمال استاد بولدر اول عیدین بر مراد اولی حق مجوز نام باد
 عبد الکرم زاده مرحومک شیخ فلک زاده استناد ایدوب اندن ملازم اولدو
 طریقی قضایه عازم اولدر حال دوم اعلی قضاتندن و اول طایفه تک اهل کمال است
 آلام به انجام منصب قضایه مبتلا ایدوبن به دایما تحصیل فضل و عرفان ایدوبن و مدام
 اداره کوس کمال یقین ایتدی کیفیت فوت مباحنه و حالت مطالعه سینه
 نقصان کلوب بکمال سال حق عتیق روز بروز غلبان و استاد اوزون اولدو
 کیفیت از دیار ایدوبن در معارف و لطایف فن فضل لطیف بایه و مؤثر
 بوزنک کلمات و ارز مرید کوبکه و زرش و طبعی اول سینه از باش و ایتدی
 خوب مرتبه دیکد زنده واک دای ایدوبن ایتدی و کتیر ایتدی
 دای اتوب کیدر اولدو کمال ایتدی چا بری برندن ابریم افندی بر این
 عزم ایتدی نه جانیه اول عیبه ایتدی قبله ناکبی بور کم دتر اوستنه
 کلک متیر دکل اول هر و کناره سند به تخیل کورم صبر و قراره
 قادر دکلین بوزین ترک دایم اداره کوکل طبعین س که نه چاره
 بر مرتبه ده فتنه زار و تزارم قادر دکل اول صفت کوبنه و ارم
 طوفنر ایدوبن نمدی نیم ایتدی چارم ویرانه کوکل نیکهین س که نه چاره
جواب اصلی تر خاله دند ز قاضی زاده در عشقوان جوانین طریقی علم بایه
 ایدوبن شهاب طبعه استانه حضرت کمال پاد زاده آسبانه او تو خدمت

شرفین ملازم اولدو قاضی بای منصبت قضایه مبتلا ایتدی و بیره ده
 ایدوبن این اجل متقاضی اولدو قاضی قضایه قاضی مرجع و حکم و فرمان مطلق
 دل و جان ایدو راغنی اولدر بوبیت ایدو
 سگ یارم دغش چشون شیدا ایشیدوب دیدی لیلی سگ بصحر
 کلی ده قاضی این بو وادین مهر خال بوب اردنجه اول قضایه نظره دیکدر
 عتیقه بر اول علل در سوتی نجه تشبیه ایدوبن غنی ایتدی بر دهه کرم ایدوبن
 عاشق اولان شمعون کورمک کرکدر غنی بوره که بانر باشی ایتدی و ایتدی
 بعد قاضی اولان غلام که عن قریب تر جمعی خبر اوسور دیکدر
 بن نجه تشبیه ایدوبن قدینه یارک مروی کم بوستان بر ایدوبن باشند در کاپون
 بعد قاضی اولان با سنی دیکدر
 هر کیمک فویند بوق بر دلبر جانک جسم به جاندر ایدوبن کوده سینه جایو
 فقیر کتیر التفصیر کتیر بوردیفند دید و کتیر غلامدر
 مرغ جهرت با تده ایتدی نه چاره سلیم دوزم اول چشونه کم اوز باشند در کاپو
جواب اهل و ف طایفه سندن در صنعت کلاه دوزی ایدوبن تحصیل معاش
 و کسب روزی و قلور دی بعضی اصحاب معارف و کمالات خدمت اولوب
 اولوب اگر چه صنعت خمره هوس ایدوبن بوفنی تحصیل و تکمیل دسترس بو
 لکن کلاه وار کانه باش ایدوبن محمد و اشعاره بلغاسر فرد ایدوب
 قدر و اعتبار بولدر بوطلع مزبور مشهور **مطلع**
 و قاضی دای دلبرده نو لیدی استوار ایتدی باین چاره و افتاده دهر و ایدوب
جوهر کوهر کان طرف در در بای این طرف قطب فلک کرامت مرکز
 دایره ولایت جوهری دکان معارف میر خه بازار شریف لقا بایطی در که

عاقبت شراب جذبات سبحانی اید سرخوش و کیفیت باده عشق الهی اید مست و در هوش
اولیای معلوم صفار و بکار اولعین سرخوش بالی و بیکله اشتها بر بوسند
قوت منانت علم بین اید بر خواسی، اولم بتفکر و احوال خلق استموا و الکافح حنیض
نزدان اوج فلک دوار و انجبه افلاک حضرت پروردگار بکافقوی و انظار عقل
و افکار معروف و ناخفته قراج سنیقه و از ته طبایع سلیمین او حضرت ملک قیبرک
صنع صنیع و اول ملک خبر کار بر بیان بیک جانینه معطوف ایدن طایفه شریفه
سبب نیدن بر ذات کاکوش خج در مقدما طبق علم سالک اولوب قطع مراحل طی سالک
ایند که هکس مرحوم سیدنا که خواجه سندن ملازم او کو، او نوزانچ ایلد کینکیم مدبرین
تخصیص خانه مداوم ایکن عشق الهی، و جذبات ناشی دلی و جانینه جای کبر
و مصعب و جاه دیناده محض اندلت و جاه عنا و بو عالم به بقا کین عاقبتی فنا اولد
فهمر منیر خورشید نور نبی اثر ایدوب ترک عرف و اضافت و اختیار کوسه
غزل و فغان قلوب شیخ رمضان افندی مرحوم ک فغراسی سکنه دخیل اولوب
مرحوم لیل قدری کبی، اول ذات عاقد ک خد سندن زایل و المخله ختم کامل
و عنایت سامعی اید اقصای مقامات ارباب ریاضات و اهل و شمس، بعد کند و ک
دخی ز اویشین و بر طریق سلف صالحین اولد قدر کین سه و غنائین
و تنوع باده تارک دیار فنا و عارزم عالم بقا، اولوب جام وصال ملک متعال
ایلم مست تمایل و آرزوی بآل اولان فغان و هدیه و هلال و نایل کو کند روح اید
تقلد روحه و زاده فی عالم القدس فتوحه مرحوم مرحوم طریقت سنیقه
و عاتق رفیق سنی اولید کیم اموات سینه عبدالقدس طریقت المخله اجاب قلوب
احباب و مؤمنین قلوب بعض ثقات تلقین اولان اموات ک صداسین
استماع ایدک دیو حکایت ایدر کرد، میان صغیر و کبیره بو حاله حکم نهرت بنزیر اولد

عالم زمان تر بفرزند و بر مکی سبب زندگانی و باعث جفا و دانی
بمشدی خبر مذکور فی الواقع صائق و واقف تغیر و تعبیر اید کیری و زده
موافق و مطابق اید اولو کرامت و عظم و لا یتدر لکن قید کلام مذکور
هر چند که ناکیدات نامحسوس اید انا زده اولف انکار مکی رفع و دفع ایله چاره
بو قدر علما و خواجگ سر سید، غنی افندی خوب و سید
جهان خلقی بود کلو سکر اولمشدر کرامت و نذر بفعل سکر و بر اگر موتایه سبک
پروزه علی بالی و بیکله موقوف اولان دلیبر عینا ک عاشق سنیقه کاف و غین
جوهری تخلص نمشد مرحوم مرحوم قیصری و محمد و هشتینی اولان ذلکون زاده
و مولانا سلیفی حکایت ایدر اید کیم مرحوم مرحوم و ایل صالده پروزه علی بالی و بیکله
شهور بر جوان سر و قد و بر دلیبر لاله صحن علق و عذار غنای و لیلی زلف
عن ساسی هوا سبیله مجنون و واقع اولوب عشق و محبتی اید عالمه و سنان
و اجار لیلی و مجنون کیم شهور جهان اولمشید، اولان زینک پیری سینه عاشق کین
ایکن معافی زیر زمین اولوب اول کین ناکم منزله صد و عتق رنجوار کین زیر
لحد و مدفون و سئورد اولد قلم بو کاج زجاجی و قصر فیروزه رنگا و فن در دشت
ایلم باشند تک اولوب فراق لعل لب میگونه ایدانگ حتمی اند عشق بمن پر خون
اولد قلم هر صبح باران حکایت ایدوب بورد بیکر که بو کچ اول بوسف مهر جالبی
واقعه کوردم و زلیخا مثال دامن وصال کین ال اوروب خاک پاینه بوز برده
بوز سوردیم بو کچ زماند ز روی رزد و اشک سر خله طالب کبر اکبر و راعب
کبریت احرم خاک کین و کرد و غنیر یکدن بر اوج طبراق احسان اید که
چشم جانم تو تیار و دیدنه غمیدین مد جلا و بر دلب کل و شنایدم و دیدن بر کاند
اچنه بر مقدار طبراق قویوب کجا احسان ایدک بو کچ هنوز حکایت اید و اخوان

و بار آمد مصاحبت ایدر کن اطوار جهان و احوال ضروران کبی پرن اولان
 دستار نه صریح لازم کلوب بوز و قریح کاغذ اچکنه پیچید بر مقدار طریق
 طریق بولورل بو حال حاضر اولر نجیب و افزاید و بیخ و نورک اهل است
 اولی غنچه حکم ایدرلر و در حوم مرقوم طریق تدبیر رسیده و فراغت اید و اختیار
 گوشه غلظت اینم سینه سبب بولمندر بورا یکی سفار اول مرقی اولرکی
 مخزن اسرار نامت علی قره عین اولیا غره روی صفا سوخته شمع جلال
 آموخته تجلیات جمال سرور اهل ولایت سلطان هریر هدایت خضر کریم کفایت رنند
 علم آخرا و کرد در غلظت اولرمان ، اچکوزیون اولور سنی کوزدن بختان
 غیر آب مقصود اگر ای نور مصباح الی منطفک حکمتدن ایتا تمه عوامیکه کلام
 ایت دوران رنکد عارف کویک آب ، س بوزدن مایه رولر اچره اولکلر اقب
 خطک اولفت دور کرم اقب و شش ، زلفک الشنن عذرا کدر سحاب الشنن در
حوسب قره ذره و یکله کسور اولان نوردن ظهور ایتد و تحصیل صلا بل
 فخر و کمال ایتد کد حکم طریق بر توفیق علم که موصل سعادت و اقبال ذرسلک
 اولدق و بر دیر افیندن کاستان ملک شالین خاکم اولمخله خدمت پر جلالندن
 مددیم اولر کین راه انلی اچیلر مدارسه علوم مداوم اچکن سن قضا عازم
 اولر سید و مبتوده قاضی حاکم اچکن حد و شعبین ده غم ریا فخر برین
 ایدوب اولر کوهر ناک بار اردر کار ده قدر و قیمتی بلندی و اهل وجود
 رغبت اولمخله صالوب المذی دیو جوهری ایام صندوق زمینه المید با یکر محتاج
 روزگار کشته خباتی در بای خانه صالوب خفا کوهر کمال باخت مصوفه که کان
 فصاحتدن مجلوب جوهریان بازار عرفان میان معقول مرعوب اولوب
 تپشه اندیشه ایدر کان دل جانندن استخراج ایتد و کمال ایدر و با قوس حال

الکلی

الکلی نایح اصحاب معارف و قلا ده کردون ارباب کمال اولرست خلی خوش صحبت
 مطروح الکلف در و بس ترب و خوش سیرت کسند ایدی والدزدون کمان قاضی
 نام مرقع عنوان ایلکن فروردی فاندج منبسی اولر فاندج طلدی نزل شام
 نازل اولدق ار ایزد فرمود کمال کمال و خلعت حال اولرست نوبه یکی استعار
 و نورک آما طبع پراقتد از نور طاهر و بدیدار اولرست **معدن**
 بکون ایلک که فنی ابره دلدارینه کسدر ، نه نور قراول بلادن کیمی کم مایه فاندج
 کلمه هر خلاف اکلنر ایدی باردن ، دوستدار کمال غلبون اغیار دن
 خار خار کدن مه دیوانه می باشد ، در غنچه فاندج فوق ایشینه فاندج
 طفل در دیو نیم اشک غلظت غلظت ، فتنه چوق باشد در ایلک با فکوز از باشد
 آدنه نقش کسند خواب و خیال ، لیلادن اولرک لکه بوردستمال
 مجدی سینه بو فاندج اکلدر

آیدر کن عارفک دوینی سیران ، پای زلفنی کورد دم پرستان
حرف ایام کماله حافظ نجم دیار بختن فندانی فو قه شمس ایلک کشت
 نامی محمد در خاک علوم و کمالک جمله سنی تحصیل و فنون غریبه و عجیبه تکمیل
 اینس محفوظ و معلومی حد دن افزون کن دقت و تفرق فتنه مرتبه ادراک نبردین
 بیرون ایدر ابیات و اشعار و خی بوم سوال اولر اکثر اشعار کمال معانی خوابت
 و ادای رگالت اولر و کمال غلبه کبی اربوط و نامعقول نه بوجله ایلک بعض کلام
 بلاغت ساقی وارد که غایت معقول و حیرت خای صی عقول در جلدن مطالع
 فلک النون نکدر کم زمینی آساندر ، مشه مواجلا بقدر او خلعت خسر و اندر
 خوش که نیکد کجند بر باغم اولر ، الم باغم اولر کاسه دن فراغم اولر
 آد چلندن عجایب صلیه بولدم کوش ایدر ، مست اولرک تکلیف فطرت اولر نون ایدر

و اینجور

و اشعار غیبی هستند که بر ادبی فوق العاده و **مستند** و **مطلع** بود
 جنانکه از جازایه قطارن کور کزنی و جنانکه از جاد ایندی آدم معاذ الله
 مرحوم مرزبونی مدتس ایکن مرحوم سلطان سلیم خان اما سیه دقت و قد
 مرزبونی کتار کتار مولانا می مرحوم استقبال ایدوب بوغول و دیگر
 سلطان سلیم خان اول سبیل مزبوره استنبول علی باب مدرسه حسن احسان
 اینست و تالیفات و کتبی که برکت نامی بوده معارف الکتاب، فخر العلوم، ارجاع العلم
 این نقطه واضح، بو کتاری جلد فرزندنی ابو کمال به افتخار در و احوال سفده
 بر کتاب دیوب آدنی نقشه قصد و زقوت و بواسانی غریبه دن نه مقوله مضایف
 عجیبه اید و که معلوم باب علوم و مرحوم ارباب فن و رسوم در **حافظه** و **سیر**
 طریق علم ایکن، ذراخت ایدوب گاه خانگاه و گاه جامع و کجنگا پاده او کور
 بو حاله ایکن عمری نجابه و صبح حیاتی شاه اید و خوش آیدن مطالع و ابیات و اید و کور
 عاشق زلبازده اید و تالار عالمه مجتبه فالیش کد الرز
 که به باش ایوب کتکاید بینو، لاجرم بول و کور و انک او سته فرهادش
 و تده صفای عشق و به غمکه بریم، به او دیش و شادیر او ده یاس و ماتم
حافظه نوی مشنوی خوان و فارسی ان کسبه ایدی مطلع اید و
 زلف سکین کم صبادن چین و قلع و قوبر، هر طرف جان ایلان دختنه و قلع و قوبر
حالی روم اید و کوسند بل الحیدر و کجنگا سوار اولان شهر دند رادی
 عبادت و زبانه صنوبر فای دیر کجی حاکم مرحوم زمرة قضایک سر سجد
 و اول طایفه کتک شهنودی خلقی ظرافت او زره مجبول و مغرور و خیس
 کم و سخاوت بلند کور و معارف و کمال و سایر اوصاف و جالاته پهن چاه
 سو ف و سوار اید و این علم لوک ایدی قادری افندیک خدمت

ایرشد که مزبوره کلی محبت ایندی نه حسی ملازمتن پادشاه و فضل ایندن
 و افر تبه اینست در طریق تدبیر لوک ایند که صحتن در و مایلر نه قضی و حاکم
 اولشد و اشعار علی عاقلانه و به تاثیر و جذبه غلبه عشق قدن ظهور و صد و استیلا
 دل اصحاب کمال و بال ارباب مقالده جالبه اولشد و بواسعار و ابیات
 مرحوم مرحوم کلمات بلاغت سما تیدر **ح**
 قو باشند آنجه جسم نزارم نعل و داغ و سون، سکا ای نور دیدم هر طرفن نور فلاح
 بولندک ای کفن او ستمو باک اید و کور کتک خاکن بر کتاری بوزک
 بشده هر طرف داغ فیلندن دختن کتیز، ملی عسل باشند انک اول و هر طوطا
 کیدر دقیل و قال لوح و دلدن بترانیم، ول باشند جوای کحل غم فشان کتیز
 کوز صالوب علقه بر غم ستر جانان آرز، دشت و حیران و مجنون بی سن عیان
 هر حق دورا و قس محض جانانم نیم، است اول و کتک سلس بولند و غم نیم
 سحر کون کبی طو غم دیو اول کسک فردا به درنج اخامدن فرق ایدم اول و اولی غم
 دیدم ای سکا کسک ملک بیل لاجن نیم، بو کون اول افایه کور کتک ایکن بوزک آغدن
حیث دیار عجبین سلطان بایر بزماندن روم کتیش بر کار و انقطه جانان
 باغی آتیه المش علی سیاحت ایش، اهل علم و معرفت کسبه اید و اگر چه ادای عبا
 کن شوی عاقلانه و کتک و کتک طرز مخصوصی و ایدر که انده کانه اید سلطان سلیم خان
 دورنده و داغ جهان ایندی بو ستم و بودا کا اسناد اولور
 و ون کور دم اول کتاری طرباک و اچند، کافور البله دسته مش غمین کسند
 با قدم سنج طر ستم زار و ستمند، بر شخص خوان او تور کردن بند
 کتیز بو شخص اول نه رسد دیدم، زلف کندی طو تقون جاکد سینگ
 کرسنگون انیم جاک ای کل از کتک، فیرم اولون بو قبا کتک برهن کفن

اولون
 کتیز

جیب ناس آید بن ایلمند باوره نام قصبه و نذر نازده جاعند
 خلیب ایمن عقله اختلال کلین خطابتی ترک ایدوب بنه وطن اصلی سندن نمکن
 ایتدیر بوشو اندر **حس** ای شهنشاه دولتم میر صاحب جیب نام
 سا که قول و نقد جان و کولدن دولتم، مذحبه و ملت صورت زاید کمالی کم
 لا ابا عا شقم یوانه نکر متقم **حس** کر میان که و سن نام قصبه و نذر
 کشینک کوجک برادر برادر بعض جرایم نیکوخت و لوب ابراهیم پانک اوایل وزارت
 و مبادی سیاست کلوب مزبوره اشکجه ایتدیر دی اخوانه ایتدیر کلری
 جوایم ظاهر و عیان الیحقی آصف زمان حسنه خان ایدوب اوایل میل مقدس
 مجوس و لوب مجس نک واره ایدوبه روزگار بار بار اولغله کند و به اکانت
 ایدوب جیبی منصف ایدوب ای هر نوره نجه قصبه کرد و ایدوب بر مقدار ملائمت کلین
 اصی ب نفاق کم سعایت و شیطنتی ایدوبه آتش غضبی دخی حدت و دوزخ بولید
 اخوانه اسم پاشا اولند و غی کون عفا چیدن اطلاق و لوب زندان دخی
 انصافه کلوب، بونجه زمان خدمت ایدوبه اول عبد مغلول الاعناق اعناق
 ایتدیر غایت پرکوی ایدوب اول جندن ترنات و مملکت چوقدر بومر بنی جنی عا شقا
 به بر آه ایدوبین درد بیدور ان غل، نالتم افلا که چقسون جوخ کردن اغسون
 کوز لرم با نین کورب بحر لیه عمان غل، حاله کافر لر آجسون سلمان اغسون
 هر قوم سلطان هر طایفه قتلست بونا ریخری خوب واقع اولست
 چه تیر ایدوبینی دم حضرت حق که امرن انیش اول، روح سلطان مصطفایی خدا
 شد از مره سینه قتلش اول، روضه فاخته اوقی حبه، اکامایخ طغوز یوز التمش اول
 یکی الام حق یکی مدراع بود عایه پانه ایتدیر اول، **حس** آدی عایشه در
 بنج بچی و حوک نیزه جلیله سی و مره هم سلطان سلیم خان بن سلیمان خانک

ب

نمرا ده ایمن خواج سی اولان **حس** جلیلی جلیله سی ایدوب اول تقریبه سلطی
 سلیم خان ایدوب صاحب و مناکم و سعادت دارسرای جلالت مدار لینه ملازم
 ایدوب حتی سلطان سلیم خان پادشاه جهان اول وقت باب غنت قبایه مرجع
 و ماب بنج و ماب اولستیدی و شفیع عیان کبی کلامی مردود اولغله خلیب جلالت
 شان اکتاب قلمسیدی طایفه زماندن شودن دم زمان اولنکر اول و ارجی
 و اول زمره نیک فیهیقه اسود افصحی در کلماته دخی قیر نقشی و کل خلیب مردانه فحل
 بنی نوعی را سندن بجان در غولیات و قضایه و مشوایه و ارد و جمله دن خوشید
 و حسید اولو کبابی و ارد و که اوج یک بیدن زیاده انده خلیب نقایس و لطایف
 آمده در رغبت و جفا اولان ایتدیر **حس**
 و عا تمشلی یوسف کبی دم، کم اکامستر بن خلق عالم، و بر کبی مقدمه کوه هر
 اکامستر بیدن اولان، سن اولدک سدی هم اولن مشایه، قیر عا کلر یوسف
 کوروب نجه رسته انده هر، خیدار اولدک اولن جان دلن بچو ناه صبح ایدوب و قوزی جان
 قورلدی چیز زین آسمانه **حس** ادره حوالی سندن فیه جک نام قصبه و نذر
 بابای احکرا اولغله حدیدی خلیب نذر طریق علم سلوک ایدوب ملازم و مدتر
 اولستیدی لکن رؤسای زمانه اولان اصحاب دولتمن استحقاق و لیاقت
 ایدوب مضیبت الحق صوفی و مورد و کلک ایدوب کن پلوب رجاء منصبدن فراغت
 ایدوب کدیمین و عوق جیبی ایدوبه قناعت ایتدیر استعاره دخی چندان
 ملاحت و لطافت یوقدر **حس** فاسک کردن کوردی هم غوغا لغفه
 یوزک ایدوب المشرخر صو، اکچون او یمر شام و صو
 کب شیرین اکچون فرما و کب، قیاردن روزون پرتاب ایدوب
 کوزی باشی کول کل سن ایدوباش، حدیدی کند و اد جاعینه قور صو

ایک کور و ایدوب

جواب بروست و اندن و احمد بیست معام از دنیا در پنج جوب اول و پنج
جلدن تخلص منویری اختیار نمیدرد اگر چه کرم بیده افلا مندن جاری اولان
لعا بایله جوب معانی بیست ابرو اولار نمیدرد لکن باقدان معارف و ناساجان
لطایف مانند به قدر و اعتبار اولمدرائعا زنگ اگر چه لطافتدن خطی و افز
و کله یکن بوبنی مثل سایر اولمدر ای مرادم کسمه دو یلین کج و فلک
نمدی بنیرسن که کوکلم نامر ادا اولق در بقدر طریق بصری تغییر اید و مطلع نمیدرد
نمدی کوکلم نامر ادا اولق در لکنشک کرک **جوب** لطیفی قوی اوزر قه طونه دوز
غل کو یقین حمارستی و چندان مهتر بود قدره و بوقح اند که هکسانت سنی
و هشتم مشکله و تقاسمی نایتم مدح ایدوب ناسن ضعیفی اطا ایتندرد
اکامه مقامان کلاما ندرج سمانک خلق اچدن نهتر و اولور کلو توصیفه قطعا لیاقت
غمزه کله شند لری شنه کچر جانمزه ایسی فان ایلد در کسه نولاقا غمزه
جوب بروست دن اساطینم سندر سلطان بلم خان دوزن ترک جرم جهان
انتمیدی باده استعجاب کیفیت لطافتدن و ناسد کفاری انواع حسن ملاحتدن
ایتم النون ایتم سانی کشر جانر کیمیا در وار بخت خاک درینج اندر
کرم اولوب اوکیند و کچون عارض کلنا که شعله حکم طوستدی بو کچر پروانه لر
سبب بودیند ابر الامراء یکن ترک رسوم ملک فنا و آهنگ بخر عالم
ایرن کوزلجه رستم شایک و کلید را طبع کاملی نفا و نه عالم وجود امکان اولان
بنی نوع انسانک سائر انواع عدن فضیلت و مرتبتی علم و معرفت اید اولور غنسه
عالم و میزان نظام البیان الی سموی الیزین یعلون و الیزین لایعلون ایلم
سجده اولدن مرتبت در جنان اهل عرفان و افصح البرهان اولور غنسه
لم و لایکجه جازم و کونازه نال جبراق بلرینه ریخت فیض علویه نسو و نما

نسخه

و خنند شمع ایوان اجلالدرین آفتاب نوار عارفه نور و ضیا و سیر و باری
صی بطبع علم و ارباب خدم و خشمین ایکن کزوری مثال قلم و کجیل علم و حکم
سردن قدم ایدوب کلاد و اشتغال مجبذانه آمدند لری اولور با حیوة تعارف
و کمالات و اصل و پیش نهاد قلب پیداد لری اولان عنو حقیری کسمه کجیت
طبع قابلدرین وادی کسب فضایل جولان و میرکله سرفراز کجیل فنون جلایله نایل
اولمدر هر وجاسته اک جمله معارفی تحصیل و تخصیص فن شریف معایه کجیل ایدوب
بوقدر قلب شریفی کسب امتزاجی اولور صاحب نام و نشان اولمدر و معارف وجود
معود ارباب فن مسما یکه تذیل و میرکله مثال و قرانی بیانج خن عنوان بودرد
هر جتی معجز حسن خلق موقوف و نهاده طبع عظیم و علمیند ایدوب کجور اولمدر
طریق علم کلام و عازم اولور قدس کین حضرت استاد جرم ایدوب کجور خن
ملازم اولمدر حالا زال پاشا سلطان مدرسیله پایه فغری معالی اولمدر ایدوب
عاج معارج خود علا اولار بو نو و وسر معالی باغ حسن جمال اولور چون اسرار
ایند کجری عقد لکادن اهل کمال نمونه و مثال اچون معارف و اشعار ازندن بر قاسم
سکا دنیا کسی آل ابر اول هر جایه لبرسن و فایده ایداری ساده دل دنیا یه لبرسن
کوکل چون عاشق اولور ک عقل و دل کجاز درین سکون و صبر اومان شکر و دیوانه درین
قدیرن چنار قاسم کجور یورر طلاس باغ جنبشکه اوکینور یورر
اشک فراغ غیر ظواهر است و جوق به صورت اوله چهره فانی به بقسقی
کلمن مثال کجی ملاحت جسم جان سوزان اولور عشق قدیرن نوار اولور
انر کله بنی کو یکدن عد و طاشنه طوبی ایدوب کینه ایر را بر مادی و کینه طاشش اثر
غائب اولور نیر سنک ملاحتدن اعان عمارت قلهر که قاشش هم بوقر یزق
خن کو عرش اولدی درونم جانا نه صنوبر سن دل تو ریخته در یادریا

نسخه

لایق دکل اول من با که اوله واصل - کونه کرک القف - کیم دست اراذل
 زنده ایلرک اولور بدم ایلر یوکی - سن سن احیا اید - جک قاعن عیب
 از ناله شبگیرم آرزو دیکش دیم - رود کف پی وی مالیدم و نالیدم
 عمل شبید و علی ارقم زید سیف و سید اسمنه بوز دقزی معافه طبع شوق
 ساع پند فی ایل قبول ای ناصح - نصیحتک در من ایلر عبت میر - مرف
 خلوص قلبه ایلر جدا ناکدن - نفس مفید اوله در یک نام خوف
 و ناهین اسمنه بو معاد فی الزکر - کو بخش روی اولدی کو کل کما بل
 شامی نکه قالدی عاشق بیل - حرم جانی و فانی یون جهان او شاه
 بجه طوغ کوره ناکم سپهر بدن **حسن** ذات مدوح و مقبول شهر کلید نذر
 ایشی زاده حسن علی دیککه مووف و موور و سرای و جودی فضایل و عرف
 نامعد و دایله محصور و محور در - اگر چه کر رسیدن ملازم اولسید - لکن مرحوم
 کمال پش زاده به اختصار نام و خصوصیت مالا کلامی و آرایه حتی مضمون
 کالایه مدردیو بیلرک کتب کتب تفصیلی و محوم کمال پش زاده ترجمه کتب
 مکرر و ترقیم اولمشدر حفا که مرحوم مرقوم علامه اراسنه طرافت طبع و لطف
 شان ایلر مووف و انواع محاسن اخلاق ایلر مووف و لطف طبع خوش مذاق
 کریم الاحواق و حسن الاخلاق عالم و فاضل و عارف و کامل کسسه اید
 شوهر در دایله کلرک نیکدره بعد مناسره بعد اوج شرف و بیه اندن
 صحنه مدترع اولدقدن کیم بر و سه یقینی اولمشید - بعد بونی بوز ایلر
 متقاعد اولوب طغوز قرق اکی سینه سن بو غار غور و درن - سرای
 سرور و انتقال و بو عالم فاییدن ملکوت باقی به ارتحال ایدوب تکی اید شراک
 و فائده تاریخ اولمشدر عالم بخرد ایلر کچو ب هرگز زن طایفه سنک

عقار

عقاب عقد و قیده شکار - و اولطیفه یک نجه اسکیچر سینه کرفار - اولمشدی بو شکار
 بلاغت شکار - مزبورک نتایج طبع پر نقد اندر - **س**
 کله کچتری سینه یه دل مرغی شاد اولور - شاد اولمونی هر برسی قواق اولور
 بعضی صحرای جرت و شعور بو مطلع مشهور و مزبور کدی آلب غل تمندر در
 یولو که ویر زبسم باش جان کوسو کتری - بنده قورقود افندی جهان کوسو کتری
 وجودم در هر باغدن و گلشن غم نخلیدر - خم اولشن باغچدن صنا سن در دایله
 حکایت اولور که نصایر و مخر و مخر و دن غل اولدوغی اناده احواف و مقام
 او جاعه مبتلا بنقص و رض تقویس ایلر در لیس کسبه - اولدوغی غایت رنجور
 و دلفکار اولوب بو کاره باعث دباری اولان نامه - و زرا عا لیمقدار ایلر
 علی الخصوص عا لیمقدار و زکار اولان قدری افندی ایلر جنگ و پیکار ایلر آهنگ
 ایدوب علی لیمقدار - هر عا به سوار اولوب وادی عدم کبی بر عا به پایانه طوب
 کیدر کن بولر عا پیکت اولدق - نه پای غیبتی رکاب موکته قومه اقتدار و نه
 اول مغا و زحاکدن بارای نکلن و قرار ای اولوب بولر ناچار و پراستار
 اولدق بور باغی دیکدر - نوسن دحول اید و کنی بجا - هرگز ایتیمی قانوسنه
 جو کرد و نه صبر این کوره لم - به اوه کوز اوله و باق کلر صنه - خوریت شاه اسمعبله
 بو تاریخ جلیبی خوب واقع اولمشدر لفظا و معنا تاریخ **س**
 از تمشه تیغ تو جهان پر نورست - ای که پرور زرم چون مرخشست
 اینه تده که عدو شد مشهور - در نه صد و بیست جنگ وی تاریخست
 به شاه سر جغت افیم - یعنی طاهر بن علی بن محمد آل این - پایال ایدی سرخ خورشید
 سه کون اولد که طرد ب دین - بوزی اوندی و جانن قیدی - ادبی تاریخ
 بولدی منصور عسکر اسلام - منزه بود که مرند و ب دین **س** **معید**

اکار و جین

سیر و زدن قاضی زاده. و انصاف کمال مالک. و طریق سعادت رفیق علم مالک.
 اولوب لطیفی زیاده. اخذ نیک صحن مجیدی. و مجلس پر افاده سنگ مستفیدی
 اولمیدی. استنبوله مدرسه اولدوقدین. طریق تدریک فخر و فناء محنت
 و عنایت تخیل ایدوب. راه طریق قضا اوکده. حفا که درج کلماتی لایق بلاغت
 پرور. و صدوق دروغه جوهر زوهر معارف ایدور. خوش بین اشعار
 و نازکانه کفاری و ارد. نامی کبی توحی حسن حسن خلقی کبی کلمات پر نکات قبول
 و سخن در. و اشعار بلاغت اشعار و نور کفزار نذر
 و نذی ضعف روزه دن مویه نابلز. کلمه اول عید مبارک قلج قالد جانر
 کلور کیدر. و یورنجیده. ایتیمین لک. و عا سن البکور آیدن و رونن لک
 بوز اول غنچه پیل کبی دن از اولدوغین ناز. سنگد رنبه کم در کوکلدن کوکل بولار
 شکوفه قالدی گلشن بوق چندین اثر. خوان ابر سدی بشارک رین تلز اسیر
 کم کشته ایدی دل در جهانن بونک. کیمک بوزی و ار خدمت سلطان بونک
 بذات نولایغنی اول غزنی جلال. حاکمین اوکدر دنج قانع بونک
 غمک کبی اولدر کشته سید اوکس اول. بونک عینید ناز خان بونک
 نوک ایدر آهم عیم شغنی نولایب. دل زور فک حال که عثمان بونک
 بر کچه اوک کلش ایدی طالع کور کم. بچار حسن اول کچه یابان بونک
 سیر **چله** فدق ارباب لافاده. مرحوم و مغفور لافانی زاده. افند نیک
 نال جوهر جلالتن بر غصن بنظر و مثال مسیح انواع فضل و کمال جامع
 لوازم استحقاق و استیصال خوب طبع و ملک خصال استایسته دولت اقبال
 بر محذوم سوجب الاجلال در مال وجود ایدر جلالت. مطلع ظهور در رفیع طالع
 اولدوقدین بدینا. عالم و فانی اولدوغی ظاهر لامع اولدور. و راوی اخبار معانی

اولان ذات شایخ و عالمی سند ثنین ملک وجود اولدوقدین. حدیث صحیح
 فضل صریحی مستفیض و تابع المحدث را بوسن و سالن بود کلومعارف و کمال احبار
 اولوب آرزمان بود قدر فضایل عرفانی فایز اولدوغی موجب عجب بیخ و نایب
 طریق سعادت رفیق علم مالک اولدوقدین سلطان العلماء و میران کفایت
 سر دفتر خود و عطا. سر حسن لطف و وفا. سر خلقه اهل صفا. طو العلی کشف الاعم
 ان منبع حکم و جبار. ان معدن بذل و سخا. خمس الفتحی بدر القحی سر خیل اصحابی
 خواجه افند خج غزلدن ملازمت سعادت نایب و سهل اولدوقدین مالک مالک
 دارنه علوم و فضایل اولدور. سبب فضایلندن فضل و بوقته دخی نر اولد. ایلک
 طبع سوخ نایب رسوخ پیدایتمدر. و بر اعلی اشعار اول محمد و م نادر ک کفزار نذر
 نیر مره که سینه دادم پیر اولون. تک عاشق پیار که کاشی نظر اولون
 اولدم صله بن و اهل الحار معانی. بر بخیلین و اریه اولدانی ار اولون
 اخبار بیکه سیرانه چقر شاه جهانم. بوداد و بلایله چقره نولایجانم
 و عده اتمش غریبار اولم دیو اول کاسه باز. و خوش اول افاردن اخباره اولون
 کوریکک ملک رفیق اول کل تر. دبدی لاغ ایلوب اکاچه خبر
 زلفه راضی اولدی دلمکه یار. نقد عمر و بر رسم اکه دکر
 سینه ده قالدی ایه پیکانه. غم بیدای حسن اولدانی کچر
 اتر بر دمن تیرن غیره طور مر اول کوزی. دلا قطع رجاقیل سا که المر اول کان ابر
حسین چله کفایت حیل و یکله شهره. و علم و دانش ایدر قبول
 جمهور در مرحوم و مغفور اولدور زاده افندین ملازم. اولوب تحصیل کمال اتمتعال
 طبع با کماله امر لازم. اولغین طریق تدریس ملک و عازم. اولدور تدرجاری
 تحریر و احوال و اورد اقد تسلیم اولدوقدین استنبول الی ایدر مدرس و بنای

سیر و زدن قاضی زاده. و انصاف کمال مالک. و طریق سعادت رفیق علم مالک.

هر ای کمال کمال استغفار ایستد و نوش بر دایت حضرت کریم خالق
 طبع نکته دان و دقایق ده سمت تجسس فضایل و حقایق ساینه و کمال
 فائق و هر وجهی غریب و توصیف اولمغه لا یقدر اصحاب علم و کمال و
 ارباب معارف و افضال و بجزه سروشال مستثنی و ممتاز و تدر و ان
 عالم معارف و کماله نه چنانکه مجاهد و استغفار ایستد و کماله نه
 بلند بر و از در هر فن بر سر مدعی نمودار اوله البته نه سینه چکوب
 در کنار ایستد محقق و مغرور و هر دیارده بر صاحب فضل و اعتبار ایستد
 انک سنه پر اجلالنه و یال ایستد مضور و کلام اول جلان اکثر علما
 کبریات و تغیراته فائز و بوسبیدن طبع فایز و جوق حقایق و دقایق
 حائز اوله زحق حقایق ایستد غایت عظیمی ایستد خلق حسنه جدا و لطف
 ادا صیحه اولوب اول فن دخی انار بر اعتبار و استناری و اهل هوش
 صفار و کبار و اوله راقم ارقام بر عجز و تنور اولان بوفیق کثیر النقص
 ایستد اخوتی تا کیدات صداقله نموده و بنای هر ای خلقت و مجتبی و سناری
 معمار و مودعانه سنه اوله بن مکتب افلام مکتب ارقام میدان اطباء
 خواص اینمبوب مقام اختصار ده آرام ایستد اوله و لوی کور لب
 بوالعاریت طبع کوه بارند **رحم** مذاق اهل لبیک با دایره طوطی فندی
 بن سولر عجب در حال عالم یمن سولر و بشر لب بر کاجان ویرن اولور و کرم
 اسبیدن کرچک کلر نچه اولسون آدم غم دلدار کلوب ملک دله حکم ایستون
 جان و دلدن سوره لم ذوق و ذوق اوله کلام سمنده و صله سوار
 شرحه لاله ایده جم جسمی بر ایا جوج و غرض حال المیم یاره مفصل شروح
 اهل شفق فنی جوق طغنی قو و ابریم یوری ای زاهد خود بین بزی تو کند و

حلوایان

حلوایان شهر ادرنه و دذرا میر حسین حلوای و یکله مذکور و زمانه صلاح
 و صلاحیت ایستد و اهل مذاق اولان اصحاب عرفان و عارفان و اولان
 لب شیرین و قند مذاق لب لعل کنیک جمله عالم حیرانی ایدی سوده چندان
 قدرتی و تطلعه اول قدر استطاعتی و اولمغه زمانه سنه اولان
 سوانک اشعارنی غضب ایدر و بولنه جان ویرنه جان ویرن عت اقدن
 اولان سوا به خود تکلف یوق دیوب تکلف سولر نه بخرد دیو او قور دس
 سخته لطیفی بو معنایه واقف و بوقضیه عارف اوله و غندن فغانیک
 بو غزل مشهور نه اکا اسناد ایستد و زکات بنده غی خالک و کلامی
 ستاره در که اولو و کلامه هم بهلو و بغای رو مک تاعالی قدری ساعده
 و حوم امری و زبور حسینی حقین و کیدر و سوا ای رو مک امیری حلوای
 که هر آمو به داستان سولر و حسن شو اکند و دیوبن و هر نه کم سولر بلان سولر
 مرحوم عارفی چک دخی تذکره سنه بو سوا ایستد اکا اسناد ایستد
 کردم محبط عشق که صندم بن آن صیغ با شدن سدی موج بلاناکان دخی
 غل هر قوم دخی ذاتی مرحومک دیوانن سطور در **حسن** کلیبوله جانشین
 فقو و فایده متوکل و جفای دهر بر فخره تخیل عالم فائز صفا و حسن
 الم و محنه و غنا و سروری عنا و کربته و کتب کونه قانع و غلت اختیار
 ایستد محنه الله ایله بار غار اولوب خلق کند و یار عیار بمسیدی سلطان بیغم
 دورن بو چهر دور بر فخره جور دن کجسیدی بو سوا کیدر
 بزکم بو جهان کلر سنه خار و کسک و ایرینی بو غه بارنه اغیاره کسک
 بو سوا کرباره ایکن دو کله **حسن** و بد فخره خزن اسراره کسک
 حقیقه ادرنه دن صاری می و یکله انهارا بولر حافظ کلام معجز نظام کریم

غفار

اولمغله بوجلف پرتباری اختیار، ایتندی طریق علمک ملازم اولوب آچی هر کوملا
 صکره قاره فریه بدترس اوکوا، انخ فوت اولمندی استار اسلاف بزرگوار
 تنبع، ایدوب کلمات بلاغت مامت بلعادن خیللی یادداشت حفظلی اولمغله
 انجاری مرتبه قبوله وصول بولمندی بوسه اکتد
 ای خط رخسار بار اول سن چرکینک ایدری رکنین و قزل او سینه پیر
 عانتی چلی تندرکه سندن بومطلع یارمندر
 سینکده کمر زرای دلبهر سمندر، ای اید و کین فر شو طاک یلدرینه کز
 لکن بعض عدل نغادن استماع اید و کمر اذنت حفظلیک بیی بودرس
 برکمه بر هندن اولمش یقین ظاهر، ای صبا حه فر شو طاک یلدرینه کز
 فقیر ایدورین اصحاب عقل و نهی، و اولم الفهم و حجابیه زبورک بیی مطلع مذکور
 بحسب معنی ارج و اولم اید و کمر روشن و کجود ادر کند و سی ذرات و حوک
 بوبینه نظره دید و کینه خیللی افتخار ایدرس
 بن کوزدن کور دکم بن ناله دن ایشید کم، نه کورب کوزی نه ایشید قولای کینک
 تن توحده بل کثیف و ناله نول کلو ضعیف، نه کورر کوزی نه ایشید قولای کینک
 عانتی چلی دخی بولم تنبع ایتد
 نه کس کل شوقنه لیل هزار آه ایلر، نه کورر کوزی نه ایشید قولای کینک
 حفظ دار السطنه العلیاده، نشو و نما ایل صوت نما اولمندر قول ایلدند
 حافظ کلام سحر نظام ملک عظام و ساکک طریق بر توفیق علما انام اولاشوادند
 خوشاینده کلماتی وارد بومطلع اکتد
 عالمک مرتبه کوزن قدر بر ندر، بایستدن بزم صفای اینج آلتی بر در
 عالمی فردی کچوردی مددانی غیلا، ندر اول چشم حاجی ندر اول روی جلال

له خبر
 سینه پیر

حک کلیو لیدند زانی محمد در بونیم فصل عرفان و مانند حسن یوسف
 سره جمله جهان اولان سنان افندیدن ملازم اولوب بخت قنایه دنیا
 و محنت حکومت مبتلا اولمدر طبیعت سوتیه سی جودت و فهم و اذعان عرت
 ایل معلوم اصحاب فضل و رفوم اولوب انجاری دخی شخار و ذنار لطافت
 موسوم در بوندر که ده مرسوم اولمغچون ارسال ایتد و کج کل منظم بود
 غم غصه الم فرقت فغان و ماتم و حیرت، برودی بوزج جانکبا بایتدی بدی
 برنده حکمی ساج ایا غلبه کچوب صیدی، اسیر خاکیا بیکین رقیبه و اردیان بید
 نعل کدم قولمده چچو قوس، طابق الثعلب بالثعلب دیر
 حکیم بلدان غشیم اچره سره سره و سرور دهر اولان قصبیات
 قزویندن قصبه ایدر دندرخه الواقع سر زوین، بهشت آیین و حوالی
 بلدان بنظر دوزین، معادلن ساکل سپهرین اولد و غنذر غری انا و مولی
 و اصاغ و اعالی، سی اهل سنت و تابع اصحابی بایتمه دین اولمغله سرور جمله عالمین
 و ستم عات عالمین، ایدر لکن، اعمال لعین، اولن یاری فیضه اقدارینه
 کتوروب اول حاکمک فحاک روزگار اولمغله اهل سنت و اجماعک اجتماع
 اقراق و شوب ماه آسمان دین و ایمان اول برج عالی مکانن رحیم مجاز
 و قرین اخراق اولمیدی بایطلیسه مولانا و زبور دخی بختل فضایل موفور
 و تکمیل فنون نامحدود و نامحدود کچون سافر فقی الا سفاخرس فوا اید
 قولی اید عالم اولوب سیاحت و مسافت ایدرک مالک سر یقه عثمانیه و سائر
 علی الخصوص قاعن دیار بکرده اولان قره آمده داخل اولدق مولای
 اعظم جامع الفنون و حکم پیوای و ستم علی عالم مولانا معصی الدین انجاری
 علیه رحم الکمل کبار خدمته و اهل اولمغله فضایل و بکلمه معارف جلاله بایط

سینه پیر

و قایتی المعقول و المقبول زینت ارباب الافاده مولانا العلامة اخي زاده
 افنديک ولد از چند سعادتمندی در نام واجب عظیمی عبدالحکیم اولمقله
 مخلص زبور اید و سیم اولمقله در علوم کلیه و جریته ده اسناد الکلی اولان بولا
 و اسنادنا ابو حقود الهادی الهی لم یسجد لک و البوارخ و الفوادى حضرت
 خدمت مدارس لرینه مداوم و ملازم او کو خدمت طلبه لرندن ملازم اولمقله
 سعادته توسل قصد اید کزین اولمقله دلتی دخی جائز و سایر فضایل علمیه کبی
 اولمقله خلیفه نابغ فائز اولمقله در مدارس عالییه بدین مدارس علوم علمیه و نقلیه
 اید بنا ساری فضل سجد و انتها لرین مؤسس او کو تدریجی بوا و راقی توفیر
 تحریر و نظیر و ذکر مناقب و مناقب سجد و ارقا ملی بو متعالی اجزایه باغش نام
 و سبب احترام اولمقله پایک اید فاضل سلطان مدرسین خدمت تدریس
 فضایل و کماله بردوام اید بزرگامول مسنولدر عن قریب الايام صحن جهان
 مدارس عالییه و مراتب عالییه اعتلا و ارتقا اید فضایل مع فوره لر کی مشهور جمله نام
 اولمقله احسانه اواررند و رشاد و انوار فضل و سداد جبین بیستیدن کالشمس و صبحها
 ظاهرو و هویدا و محافل نهم و تفوق و اطوار عقلی و شوق بروی دلجو سندن
 مثل القمر اذا تمیها روشن و پیدا اولوب زمان صبی و غنموان سنباندن
 برورای پیرانه و اطوار شجانه اید نطق جهان مثل و اقوانی میانش فرزان
 و صدق امکان اچک نمایان اولان لو لو دشت هوار و در دانه در سایر بنا زمان
 که هر کعب و لهو و شغول و شغوف و محبوب حیثه اوقات فرخنده سعادت
 مختص فضایل و کماله سبذول معروف در ذکر تمام فضایل و کماله و اید مناقب
 و مناقب سجد و غایانه باغش کثیر مقال و نظیر کلام اولمقله غایه میدان
 ابدارده خوام انک اولمقله کورلوب معصود اصلي النیف اولان اسرار غایت

لرین توصیف الحق و احوای کورکده بو مخلص لم یایک اوراق غر سر مایه سینه
 زینت و پیرایه و معارف سجد و غایانه لرینه علامت و آیه اولمقله ان اید کزین
 تشک طوایش با پیشال اولمقله کتبه عذار با ناکل طور مدال اولمقله کتبه
 یوزک شوقینه میل آه و افغان اید ای کل رزک ایدینه کلر با یال اولمقله کتبه
 زواله بقلشورای نو خورشید وارچه سنگ حسن و جمال با کمال اولمقله کتبه
 کیدم کبی عدم اقلیمه بهر میان کله تن فرسوده زیر بار خیال اولمقله کتبه
 اویار بے وفا طور مگر کیدر سیرانه غیر بے بو غیر تله طیمی بے مجال اولمقله کتبه
 قصدم جهانده بر کوزی آهوی صید در نکند کاکل زلفی نه قفس در
 باده نوشش اید و تکلیف ایدم باز کورده بین دیدی کولب از لیل اولمقله کتبه
 حشر و بجه پیشه سه ذوق و مفایله هر کم المیده او حاجی لب در یاده کنار
 قنوه بے باد و نابا وزره ایدر سکنر هیچ کلورای دل کوریک خاطر سانی بے غبار
 واروب آباغنه و تنگ کرک دل زوب او مادین عشقیله حال طبعی دشوار
 عارض اولمقله عذار که حمرت واریسه باده ویردی بر حالت
 بر یک سولیدی بار نیاز ایدم جوق حقی سکنین دل ایش حق بودر اصلا موزون
 اولمقله کارک رودینه بر کز نظر عاشقی با بندن دنیا لر و کز علی است
 خطوبه نیندز کسب علم و حشر دن قضاء و طر اید کز سکن بروسه و سنج
 علیه زینه دن حاجی طلیفه دن توبه و انابت اید و اشارت پرش ز تللمبه
 دیار غم سباحه کتمشیدی تاسع افلاک باکت و مهر جهان کرد سلطنت و
 جلالت افتخار ال عثمان سلطان سلیم بن بایزید خان طرازین تهراده
 جوان بخت و مشرقه و مرقباج و تخت اکین آستان سعادت اسبابه
 مرکز دوا یر لطف و احسان و مدارا با فضل و عرفان اولمقله موزور کت

میل سیرجان و دیار اول کعبه قوافل حسن شایع و در کن حطیم جلالت
 جانانه نایل اولوب طرازه داخل و وصل اولدق مقربان حضرتن اجتنک
 لطف کاملی ایلد شرف محبت شهنشاده یی نایل اولشدر و زبور ذی صدف وار
 درج صیغرن اولان لاله معارف و جوامع لطایفی مجلس شهید نثار و نیاز
 ایند که اولج هر زواهر نین و لعل آبدار و رکن حسن قبول شهنشاده یی فرین
 اولوب ناز خاتم الماس کنین و زبوری لاله اوزده طوشر آید اول شاده
 خدمت بغیم شهنشاده یی مودنی محلول اولجی و زبوری اول خدمت ایلد شرف و کوش
 دل و جان لاله الطاف بیکران ایلد مشفق اینشدر و زبور و زحق
 تربیت خاقان ظاهر و بروز اید و هلال قدری یون فیض ابد و بر صفت خال
 ایکر صاحب صدر اولوب دولت تقوی بر مرتبه وصال اولشدر که اقدام مشکین
 از قام ایلد خیرری و کلام مباحث نظام ایلد تعبیری ممکن و قابل و کلام و روایت
 اولنور که شهنشاده سعادت بانوس سر سلطنت غمانه یی جلوس ایندن و زبور
 باغچه قبول سندن برای سعادت دعوت اید و حالنی استغفار ایند که مکرر و بکو نه
 کو هر نثار اولشدر که اگرچه دولت سلطنت نایل اولدق لکن حال را ندن غفل و ذاهل
 اولدق بومفوق سلطنت ننه ذوق اولنور که اوج کوندر که کس دبد به ظاهر
 حال کمال احباب ناظر و کلستان جنان شبنم و صناد و ستان ایلد سیر ناظر
 اولشدر سلطان سلیم خان عربستان فخره شام شرقی انجام و فاشلاق چون
 مضرب خیم سعادت خیم اولدقن مزبورک روز عمری نه و کسیر فرجانی انجام
 ابرندی سلطان و قویمک خاطر عاطر در با مفاطی و حوکم و فاشدن تمام و کسیر
 و متاثر اولشیدی حتی حکایت اولنور که اول سلطان غالب و قاهر و قویمک جنازه
 بالذات حاضر اولمغلا حکام و دادلر حکامی اچا و رسوم و اجلا محنت نامی اچا نمید

و توفیق کمال و فرزند بویر که سلطان سلیم خرد کبی ایش حکامی و اول
 مقوله شهنشاهک که فلک معارفک جریسی در مصاحب و کسیر استوای
 سول ایلد که نام شریفی سلیم اولد که لایق بود در مصاحبی انک جلیم اولد
 اگرچه معارف و کمالان به شمار دز لکن مودت ایلد چندان استناری یوقدر
 ایلد کسیر شیدی لطفله اول لاف دوتا و منکر دستمه ایدی ملک چین خطا
 اول مهر رخ که خلقی یقین جسی تا بیدر کرم اولسونی بر بوزنگ آفتابیدر
 محمد اول مهر سپهر دین کرین سلطان شایع و معارفین صبح فلک کرامت
 مرکز دایره ولایت اقی شمس کدین حضرت نیک فرزند سکود و در صدف وجود
 کلستان کرامت و در سعادت پردر و مید آن تفرق و ولایتک مرد بندر
 سلطان العارفین شیخ نهابالدین کسیر و در سلطنت طریق علم سلوک ایند که
 انبار کوشه فراغت و اختیار مقام فضاغت ایدوب کوشه نشین کیه انزو اولد
 اولشدر و نولیاتک چندان لطافتی و اولد کلوملاحتی اولماغین خلقی ایلد شهنشاه
 طوتمشدر لکن مشوایاتک تمام اعتبار و اوصی کمال مباحث استناری و اردر
 علی الخصوص نظم یوسف و زلیخا سی بر صده در که شان جمال یوسف و عشق بر کمال
 توفیق اصحاب رقوم و رومدن غنی و توصیف فصاحت و سوسدن مستغنیدر
 ویلی و مجنون و مودلر جسمانی و مودر جایی و اردر جلالت خوشایند و خوش
 اداسی کاتب یوسف زلیخا در اگرچه مولانا جامنک کتانی ترجمه در لکن
 جوق ننه الحاق اتمکله مقبول جمله فاق اولشدر ننه کم دیمیدر
 کسی ترجمه کیمی نظیر حکایت اولنور که در حوم کمال ایش زاده باندن یوسف و زلیخا
 حمدی مدح اولمغله قدح ایلد اول کتابک سلامتی و اول خطک لطافتی حقا
 بحر نیک ملاحتیدر خوشه هدیه ملاححت شیوه در عاری و در لای خلقی حقا

زماندن بری بویتی خوب

بواسعار فرور کفتار بندر

صاحبی صاحبی

زلیخا

اولان ملاحت و اندن بر نذر ویر لریش لکن کلام فرور انصافدن دور اید
 جمهور اهل کماله مخفی دستور و کلدرد و حوک قیامت سی وار در بواستار
 رنگ هر دلیل خون شتاب رنگ سمر دلیل فکر صواب کو چک اوله کدی بکی کوشه
 او خلقده او نذر رسوخ اولور احوال معاند حیا بری بر در دیک اید انکار
 بولیا سن ایلر ارک اگر اغوی اگر اولنده طوفانی بر ریش مردم طویل اولور اگر
 بیکه اولدر سر طویل خا ابری اولوبقال چون اوله کور صحبت بکجه فضل اولور ان سوز
 شید بکی مده کندی خبره شان سر بولینور جهان اچنده حاکمیت اولور که در حوم
 مرقوم نظم یوسف و زلیخا به نام اندکن اول خطاب بلاغت مضابک خطبه سنن
 نام هابون سلطان او قنق رواد کلدرد و اول حیم فصاحت پرورده اولان
 انکار خطبه سنی ذات ستوده صفات خا فایدن غیری با اولق هر اولور
 دیونظم و قومک سبیکه اعتباری بوته ملاحت مسکول اندکده حکم شاه دور
 سلطان بایزید خا کلام بر عنوانیکه مسکول اندکده التفات سلطان وفق ابالی
 اوزر قرین حال اولوب مقتضای ضمیر و مبتغای خا خطیری اوزر الطاف
 سلطان مذکور بر دوزخ ظهور اینجیک القاب شاهی کتاب سفوزدن چو سطر
 اید والد فردوس کان پدری میری افندیدن نقل ای بو بقوله کوه خا
 اولور اید بیکه حمدی صلی به زمانن حوکرز عایت و رغبت اولوب بیت مالک
 وظیفه دازه و صلات مغیره سی اولجی یوسف و زلیخا به کندوی باروب
 صتردی خلق دخی فرور خطبه لغین رغبت اید و زیاده به ایا کور کرد
نقد شوا قدما دوز دار السلطنة السنية فطنیة فحیه ده ایا صوفیه
 جامعین توفیق خلق الیه یوسف و زلیخا اولو عالم حقایق و عرفانک
 شهباز بلند پروازی اولان شیخ سعدی شیرازی حضرت به دعوی شتاب ایدرد

بوسرا کندر

فرسده هر یک و اول فنده جلی قدرتی و اید بجه فصاید مشکله حفظ ایتندی
 طبیب نبینه طو لشم زاید ای رند اولان قن حذر کز دم صفندر زحوی قوم غنچه
حیات قلمو بندر لطیف شک جدی اوله نکره کنوا سنن مدح و تشان
 جهد و جدی در یخ ایتند اسغاری کسب خطیب مزوک و غناب لطف
 و ملاحتدن به نفیب و منلوک اولان شوا سنن بوسرا کندر
 سینه فی تیغ غنچه شرحه شرحه باره یین یاره لاله یاره خالم شرح اید یین
حیات سلطان سلیم جامی امامی اولان فارسی مصلح الدین خلیفه نک
 اولعبید زامانی محمد در طرفی کو چک قرنائی علی صلی به مانه دیر کرا اید و بار حو
 نام و طبیب بعض خدمات جلیله به متوفی اوله جلی در جم و دنیا و مباح نیاز
 و اصل اولو ایا ابوب رضارین منزل المسیدی و اول مقام شریفن مکن قصد
 اید لکر اقامت مملشدی بعد بر نوجوان سر و قد و همی بالانک محبت عشقنه
 مبتلا اولوب اندلیل اول غنچه کلین نازک بیل سیدی و مجنون شال لب زلف
 رعنا سنگ آشفته سی اولوب مانده درخت پر بهار اول هر دکلغدارک یولنه
 مالکتنی ناز ایدوب حذان دیده چنار بکی برک و بار اولوب اول سر و سیرین
 لبیک محبتی اید فرماد مثال الذری طاش التند قلمشیدی و دنان دلبران مویان
 سیمبران بکی تنک معاش اولمشیدی او کند و ده اول بلایه تمل آجما ل و اول
 جوان ابر و کلانک یابینی چکجه حال اولمچی هر صبر و دکندی لازم اولدر بکاسفر
 دیوب که مشرفه ده بر اداری مانه جن امینی اوله نکره ایاکی اچیه حواله اید زید
 اولان شاده کمال حیات صر صر مات اید به برک و بار و صدمات عواصف قیامه
 بریشان روز کار اولوب عالم عقاب به ارتحال انتقال تمشدر زمانه سنن
 خوش صحبت و خوب سیرت و ضعیف معارف اید نهرت بولردندر بوسرا کندر

یا اگر عرض غدار میگذارد کله . چاک این یاقه سنی غنچه ده کلزاره کله .
 استبولدن جمال خلیفه محله سندن در سپاه طغیان زور سندن
 و اول طایفه نک موقوفه بر بهره سندن . **بوشهر** انکدر
 طغنی کله دی با که جانندن لبک . جان جعفر جعفر دماندن لبک .
سید سوری چهار دندر سلطان چک دفتر داری . و زمان شداید و مجتهد
 اینس و عکری ای . فرستادن سلطان چک بایض هیچ . بر طوطی فصیح زبان
 و شکر کفاری . و مانند بر فغید بر مرغ سخن گذار . و خوش اطواری و آرایه
 که خدمت نژاده جم اقتدار کانیس و عکری و زمان شد و گرتن نوش
 و غمخواری ای . سلطان جم انک تکللی ایله دفع غم و الم ایله و بر زمان آنسر او کمرید
 و نژاده به روح روان مشابه سندن اولشیدی که بران جانسز در کمر ایله
 و نور دفتر دار سر نشاء مذکور کتف و یاد کارین کنور دکن طوطی و نور
 سیاهه بویا بویا تنوع به تعلیم انجمنیدی طوطی فی لفظ و جوج و بیان فصیح
 ایله حکم تدا پانیده باد عمر پادشاه دیو کو با اولور . پادشاه به تعلیم خوش کلوب
 رنوری که میان فله سندن جبر استیکن اوکل سلطان اقبلم لطف و احسانک
 الطاف فراوانی حقن نمایان اولوب با اعلا زعامت احسان انجمن
 اشعاری معارفه کوره دکلدن **بوشهر** انکدر
 حیدر عارفک توبه جام نیمه صفین . سوال شے اشک که مکر پشیمان اوکل
 استبولدن ارباب وفدن شدن خوف زمان و نذر
 تقی حیدر فن بلا غنچه کاری با شے ایله کورد و کله معلوم دکلدن **بوشهر** انکدر
 حقایق پر واز اول کلای جان دخی تن کج
 علا بقدن مجر د اول یوری قید بدندن کج

و نذر
 انکدر

چهره کان بلاغت و اشعار و معدن شوای عالمقد از مشایخ جنات بحر
 من تخرات الا بخار اولان کجبه و آردارد دند زانی . چاکه خواهر و دم انجمن
 کمال بلا غنچه معلوم و موسوم صاحب دیوان فایق الاقران ناکر المهوران
 شاعر پر خوان در شونین سیاست و اداسندن ملاحات نهانین در ساد
 اولان اشعار دخی چاشنی داره یک دست و هموار . اولوب نور عقدن خالی
 و عاری اولد و دخی نظار باب کمال و بصیرت اصی ب مفا لدن مستر
 و متوالی دکلدن اولیل حالین وزیر در بیانوال ابراهیم شایه و بر دو کج قضیت
 بین کجور سرور در روایت اولور که بر کون شایه و بر دو جبر نه به
 لطف و کرم و احسان و تربیتا قصدن ایدوبت خیال به جبر نه به
 بلور سین دیدکن عاکثه ابنا و زمان اولور که مباحثت و مباحثت
 اخوان برادران بوسفدن استدر و بر نر نر بر کج منظور کج کارم موفوی
 اولوق احتمالندن حد و باب لطف وزیر کامیاب سدر اید و بلور عالم استغنا
 قید نیادن سرور نژاده نه امید منصب و نه سودای خدمت پادشاه
 شهباز طبع به سر و سامان ایله اولور که هواده در پادشاه به علی خواجه
 علی قصود خاتین لطیف و خوشتر در دخی و دخی نظیره دیکه بستر امدی بوب بو
 سلیمان ایدر زینبیک قولیوز . کسه بلر بزی برت . که یک قولیوز
 پادشاه دخی زبور به خفته تیار اولد اول خدی لپار نه به مقوله ایله تیار اولور
 قبول انجمن اوانامدارک بکرنه کاه بجایه بکرنه خدمت و انزلیه موافقت
 و الفت ایدوب اول میان بیعت و کرم به فتنه حضرت لری و بر دو کج قوت
 لایمور قناعت انجمنیدی بو حاله ایکن دین قلبه دیدار شایه معنایه ناظر
 و بصیرت نه امرات جهان حقیقه قاصر و انجمن نقوش و صور دیر جهان کوز

مطلقه و نور

بویا

محبوب مرغوبنی مقارن اغیار کور که اختیاریه یوب اعمی و لمندی چشم جبین
 بوسیدن نابینا و لمندی هانا مردم چشمی و زکار دیده و لعل پر اولوب
 اغوسیدی و شاد و احد حقیقی به یکیک نظر اندک چون دیدنی کوزدن
 چو سیدی بعد سه اهدی و انجین و شمع مایه ده ترک عالم فنا و سیر ملک بقا
 ایدوب و صفت موی اولدر بواشعار اول و نامدار کفتار نند زحر
 قلم اغیاره حواله غمزه غماز که اولورا اولمزافه صلم دو ستم شهباز کنی
 اولدی سیم کیسی ازم برده سی ج زردی اسی ملک بو پرده دن سولیمه لطیف ایت
 حیرت در ملک که منور ک اولادیدار و بوم نقش اسوادن چشم شاد بانه کنی
 می ناکبجه اولما بل و ملوس سی نیر . برایکی کون بو فنا اوده انک دیر سیوز
 بو دن ارتق دخی و صلت بخواورد . هر کوک التین بوز اول اهل دایم یکیمز
 باسه ایلندی این دشمن می روشن کی . قالدیم آیلرد بن در دله در ددن کی
 آق عبا کی صبح صادق کی کن روشن دل . تب کی نیر در دن اوله کیوب زین کین
 بگز نش اوزن قامت دنجوسنه پاک . باشندن قواق سیل صحرای چنار کت
 ذوق و صفادیکری در دولاکی . مهر و وفادیکری در دولاکی .
 و صلت دید که عاشقنه دیر کنج . سول کوز او جیلد ایلد و که حجاب کی .
 حعدن نظر اولوب بجایین و قایل . دار فاده یوز به بر کز بقا کی .
 ای حیرت بوددی چکر داری هر . خوشه جوانن یا لکرا نخی بکاکی .
 عاشق بوزده طغرد و کلوا نخی و امیش . کز و بر کم قطره در باره بانخی و امیش
 یونی سنور دم بالشی احت بو تحت خانه . سمدی بلدم دیکر کیشکی طایخی و امیش
 بیستون کوردی کم تبخیر طایخی و امیش . کلدی نین اگدی فریاد ک نرشی و امیش
 جانم جانان از سنه حجاب و کدو بو . حیرت نک کندی کنده صوانی و امیش

قائم اولمشدر جهان یوک التده نون نقطه دراوستنده همان مانده کی
 او کینور شریخ جابانه قمر . بلیموب حدنی بر کون لکه لر
 اشک چشم سیمه صواتش سوزانم . هب یا یوب بریان او کور ک کلنر
صف اغیار خاتمی . علامه و ملک عظمی . و کین فضل و کمال خاتمی . سماء
 فضیله هلاک شان مشهور و مشهور خلق جهان . و خلق عالم اکره مانند خاتم النبیین
 بابن . اولوب جواهر زده اهر الفاضلی کونواره کونش اصحاب علوم حکم و طفا
 کهر و لطافت خلقه مثل العجل آیدار مقبول مرعوب جمله عالم مذ و حب الطاهر
 و انیب البهره فید دهره . و وحید عصره . فی الافاده خدمت مرحوم مؤید زاد
 در که نام بر عنوانی عبد الرحمن در املا ادیس تواریخ آل عثمانه تخیق و بیان
 ایتد و ک ادزده نبی نهو رفاق . بقول حضرت علق . شیخ ابو اسحق
 کاز روی به متقی و منتهی اولور اصل اسبه دندر روایا و نور که سلطان
 بایزید خان . اما سبه ده نمراد . اینج حاجی محمود نام خلکسی و مرحوم مؤید زاد
 حضرت نمراده . ایلد جیف باده . اولوب کلستان جهان کس عبا کی الترن دن
 ساغ صربا کتمزیدی و باغ عالمه کل کی مستباده حمر اولمینی میل شال کویا .
 اولمزیدی . و ناله مثال س غصه باده آل . اورتایه اولوب بچمر جان کی جام
 ارغوانی الترن دن دو شیر خرایدی . اصحاب جیل و ارباب و علقن . رقیب
 حیلد باز کی مفید و غماز . بعضی کسده رفاقان بلند مکان مبدی سلطان محمد خان
 خدمت نانه اعلام ایدر که ایلر ده خبث طینت ایلد مشهور . خلق جهان دلن
 بدنامی ایلد مذکور اولان برایکی بد بخت سخت . نمراده جوان بخت خدمت خاتم مثال
 طافق ایلد التون آدن با و ایدوب جمال کمال محاسن خصالن حجب و استاز
 اغوا و اخلاص سائر اولدیر . و برقج ایلد اول هر و کلر اصفا به هوادار

داع جنون

رسمه خفیه

اولمعه طره طراز و دار کبی سمنه اده عاقله قدر خضر لرنه باشند چهار دیر با طریقه
 ره آتش غضب سلطان فرزان اولوب سلطان قهر خان حرنور رک با ده حمر کبی
 قاشنی خاکه روان ایملکه فرمان ایدوب خدمت شهنشاده حرنور لری البته قتل ایدوب
 دیو حکم عالیشان سمنه ظهور و صدور بوشید یکن سلطان بایزید حکم و مولد
 مقدم خبر دار اولو خدمت مولانا یه این کلامه یا برون یک لیکتو ک فوجانی
 انصار و فضا یل کالاتین صاحب بدینضا اولی غنمه تصدیق و ایناری اولی غنمین
 فوجانی لک من آنجهین خطابی تر از اندکیزه و حوم و قومک دخی خانم کبی
 فاشنی فازدوب اشق صورتیله ساز و اشقوا و اشقوا فو کسی اوزره پنج شوی
 راحت اقامدن اولی و طوبی لغز با و متفصلا بجه رفاهت خانه دن مشقت
 شهر بیکانه یا حسن و ای کور سیدی کوکب تیار کبی بریده قرار طوبوب
 سیاحت ایدوب و بایر عید به شهر حلیه دار دفع کلام بحر نظام و متن یجا جو و ای الیه
 فی الارض و انما کثیرا و سعة ما صدق حال فرخنده ناله اولوب صاحب ثروت و افزه
 و اسباب و اموال مستکانه در هم و دیناری انک عاشق به صبر و قرار کبی جد و کار
 بر فوجا مالداره ایدوب بار غار و انیسر غلوار اولی سیدی ذکر اولان خواجه مولانا
 حرنور ک تحصیل علم قابلیت و خدمت ذکا و فطنتین ساهن ایدوب یک مروره بر مقدار
 و ایدوب شیرازده سلا جلال خدمت ساهن ایدوب سیدی حوم دخی پنجه ماسان
 خدمت حضرت سلا ده تحصیل علم و کمال اشتغال و جمع دلم جانانه روغن سخی اوان
 ایدوب اشتغال و ایدوب بهل نمانده غلامه سلا باینت فایق الاوان مثالیه بالین
 اولور بعد سلطان بایزید تخت عظمه جلوس و سر سلطنت جناب فلک فوجنه با بوس
 ایدوب اول مرزوبونی ترک ایدوب آهنگ ولایت روم نمیزد سلا جلال اول حال
 حوم و قوم کون اجازت نامه و ایدوب عشریه نام سلا بایزید و حومک مع و سمن

خیلی ادا نمیشد بعد و حوم و قوم داخل حیطه روم اولوب بود بایر حلیه غبار
 شریف قدومی ایدوب اصل بروم اولوق سلطان بایزید خان قش ایچ ایل
 قندرخانه در سمن بعد قش ایچ ایل ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب
 ایدوب ایدوب سنی الی اندک کچک ادر نه یه قش ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب
 حقا که خدمت مولانا یه و نبوغ و قدر و وسعت صدر و وفور شوکت و کمال
 سطوت و رفعت و حق و حسن نوازش و تربیت کرم وجود و خلق محمود
 ایدوب سمنه دار و دیار و یکانه علمای شهر و وارور اصحاب معارف و ارباب طایفه
 میل نام و احسان و انعام و انجذاب لاکلامی الغین و حوم بخانه یک
 دیوانی و نور کمانه جمع ایدوب سلطان بایزید ک و ایدوب سلطان تمام قدرت
 اولوب کچو یل خط خوبان کبی باش قالدروب ارکان دولتک اولان امانده
 دل عاشق مالان الا آن و مالان ایدوب نفوذ به شمارن صبر و قرار ایدوب
 کس تاراج ایدوب و حومک دخی ایدوب بصوب اما سیده موجود اولان امکانی
 یجا ایدوب کلن منصبین فراغت و غلله کوشه غلث اختیارات سیدی
 بعد سلطان سلیم دارای هفت اقلیم اولوق و حومی به قش سکر ایدوب
 پنجه دفع خلوت سمرقند دعوت و خاصه حرنور ایدوب تنهاجه مصاحبت ایدوب
 و حرنور زمان پر لکنه ایدوب دکنیه تا سفا ایدوب کلری تاج زاد جعفر جلین کتر حرنور
 کتر ایدوب حوم و قوم سکره قش سکر اولد و غنم بعض اهل سلا سلطان
 احمد لیدر دیو مرزوبه خلاف واقع بعض امور اسناد ایدوب اولد و حوم پادشاهی
 مکتوب تشکر سیدی سلطان سلیم خان دخی مکتوب و حرنور کوندر و بکاره غنم
 و باد و اولان کچو یل کچو کچو حومک حدس و فراسن و سخنان ایدوب
 حوم دخی علی الفور بوکا عذی صاری کر مرزا ملرین قلاب سیاه و کتله سیاه

و بیکله معروف یکی رو سیاه وارد در انرا نمیدارد و بوی بیتی باز میسر
 سن بوکتوبیک کریمک لرسنگاتین . غافل اولم خسر و قلم کذا بدین
 فی الواقع اول یکی کسینه نکاوری بملدق . و قوم اولان مکتوب . قباحت
 اسلوب و فضاحت مکتوب موده لری بولسوبا سبنا یکی بوزی قاره لری
 ظاهر و بدیدار اولسیدی زبوران دخی صدر زمان اولان صاری کرزک
 خوشکی ابله هوا به ابدق و دیوار را بید کلرین . اول صافان قریح غضب بهرام
 انتقامک نظر خشم و کین و محل عقاب مرکب انجانی اولوب اول یکی رو سیاه
 منفذ ناپاکل روی سپاهی آلوده خون و خاک ایدوب کلاف و مکان
 میدان سیاسته فانه ظلمت انتمیدی صید لفا لکری دخی غرله تویر
 ایدوب زوری صداردن رفع و و حوم مرقومی مقامه نصب و قصد بر ابله
 او اواف دایرن حال فتنه و فدی تحید بایلدن بعد و قومک خواسته
 ضعف و عقله اختلال و خواجه فتور و دماغه کلال کلکین فاضی کر لکدن معزل
 اولوب سینه اتنی و سینه بر منج مایه سبناک بیلد بر اتن بزم جهانده کل مکتوب
 باده سندن مست و سر کران اوکو . رفرف خضر و عبقری حسان . اوزده سبهم تخم
 شرابا طوره ساق سندن . لا یصد خون غنا و لا یترقون . شرابی چنان
 او بختون . بزمگاه بقایه روان اولسدر سستی نه شراه و جعل جینه مشواه خدمت
 مولانا تک علما و شرا بید اولان لطافت و مطایبه و بوزنر حقتن اولان
 محارم و صلافة . بیرون تحمل الفاظ و عبارات در جمله دن بری روایت اولوکه
 اول زمانه اشق قلم دیر لبر و د عالم و اربیس که گاهی مرتبه عقلمن دور
 و دادی صلاح و سداد دن بکهور اولوب کوه مثال محبت اناسدن کشیده دلمان
 و مانند مجنون سیر صحرایا بیا بیا . ایدو خانقاه ترک و بزرگ دده سی و عالم شوق

و و جدک معکف میکرده سی و کاه به موجب عرف و اضافه اعما کوه مثال مصرع
 اتردی طعنه طاشن کوه قاف . مرقوم مضرب چون نخچیل ملازمت ایدوب جین
 مطلبی محلول اولوب طلب حقت ایدکن اشق طایفه سنده مدرسه ویر لمر و بیلد لایا
 اولسدر قلم تکلیف حکم مدرسه کسینه نک مطالعه سی زمین و شغلی حکم و بزرگی سلم
 و تقوی مقبول جمله عالم اولق کرک دیدکن زبور دخی اول مقوله کسینه نادر و بوزنر
 افعاله کیم قادر اولو بکر سلطنت کیم مؤید مرعنه سنده اولدوب جواب ویر دکه
 کلام زبور طبع فضایل و فورینه خوش کلوب نامولدن زیاده رعایت و منصب
 و مطلبی استند کردن ارتقله عنایت ایدر سر لطفه بوننه بانه استریمش
 سمدی عوض المیه کسی هنرن اولور آکا عه و کبار و صفار
 قاضی سکر دخی اولوب دشمن . اکا جور اینکه بهمانه ارار
 نیه بو جمله اید و حوکم کبر با سندن . و کمال سنفنا سندن روایت ایدر که
 مولای عصر دن علقه موصوف سوپر که شجاع و بیکله موقوف نمکینه زبوره و ایدوب
 جار و مثال روی ابراهیم سور دکن چندان التفات ایدو که مهور و خلق
 ارا سندن مذکور اولدقن طافون بری مؤید زاده نک کوک بغفدن الی دکر ویر
 هرگز نظر انیم که سپور که بکوره و میسر دمر و حوکم عوی و فایسی تضاید لطیفه سی
 اولد و غندن غیری نه که اسعار بلاغت شعرا و حی عید و بیسمار در بوی یکی اسعار اول
 فضل و مدارک رنحات ملک سحاری و نتیجه طبع بر تقداری در ایتنا و نیر کا کتب اولسدر
 چاک اولان دست جفا بیلد کر یا بیدر . ایلین خارج غم حخته و اماند
 نینج زکاتنه جان دیر کسی سلبیدی که اول جفا پیشه بر اغو دیسه فرما بیدر
 اچکم اچکم شراب اچکم . نچ بر مونی صافی آب اچکم . آخنده اولور شراب اچما نیرانه بوزنر جفا
 مرحوم خیال بوننه تغیر ایدوب غضب ایلد سرت بهار اند که ان بشد که بی دلدار شینی

اول نامه اولان صدر کبار

دست باری کنی از شمع کمال

اچکم

نغمه اسلوبه اور زه بعض عیانک و فائده تواریخی خوب واقع اولم شد
 یکی مخلص برین شد که سال پانزدهم شد و عیان جوهر آید یکی ز خلد برین
 و سلطان احمد کوندر دو که جواب نامه ده دید و که ابیات مذکور
 گوید که اولدی منور اول سواد نامه دن ما تو زیر بند توینا صاحبش مکر جانان کجا
 حالی بلوب نب هم کرفتار اولد غم ما رحم ایدوب بار ایش بخویند ایلد در مان کجا
 هر کسی در کشت باغی بدم جانان خویش ما ما و کج جرد هم در دبی در مان خویش
خاتمه قصه بر عونسد جامع اولان محمد بیگ نام سباق بکنیک اولادندن
 ز عجم دیوانه محمود چلیکیا و غلبه علاء اعلام دین اسلام با چون علی القاب
 والد و ام تیغ خون شام یکی کوفه لبام ایلد جدال قتال اشک مدام بیست سی
 و مانند سنان خونبار کله خیزد نا بکار ده مکان و زار ایلد هر بار اندیشه سی اولان
 زمره سپاه ظفر ناپاکیکن در ویشی و کشت اختیار ایدوب ممالک و دیار شایع و یار
 کشت و گذار ایدر که حرم سلطان بیگم نامی تهنه اذکارا ایکن طور ای چلیکیا
 کلسان آسانده داخل و دولت تقوت و مناد منته تا بر واصل اولوب بظهور لطف کامل
 و انعام شایع اولم شدی مخلصنی نامی ایکن زبورک است رتبه خانی تهنه اگر چه
 اشعار سی کبر که در لکن کنین خانم بلاغت اولغه لایق و ارا اشعار لطافت شعار و اراد
 زمانه زک مسطور خواستندن و منور استنار بولان بلغاسندن در حاله سینه
 درگاه عالیه سپاهلرندند و بوزکره به کتیرا و بختون بوقیر ازل اندیکه اشعار و نذر
 سیوه سندن طور فرزد دم ایغ اوکسته یار تازه شاخک بنه کند و به اولور سیوه سی بار
 اوکرک اول اگر چه به بد لر سینه دلدار بنم آما که خرابه حسن اعتقاد و ار
 نوله بر پنه دم کلمه فراغت دیده عیسینه او نور چشم ای دل موصوفه مرشدی عیسینه
 بار اگر چه در لطافت به نظر و دید نیست مشکل نیست در عالم کسی اید نیست

فارسی اشعار دخی وارد را امید در که بوز حمت ارکانه این اجتناب این وانه
خاکه مخلص وجودی لطیف فواید از منقش فطرت بدین سرشته اولوب اسماعیل
 بیک دورنده نه عالم خالایم سحر اشعار قطعا لطافتن خبر اولوب گفتاری
 هر که ملاحظه خالی اولم شد در قیقه شناس و سخنور کینوب بر وزیر معانی کسری
 ز عجم مدح ایدوب و قصص دید که او بد و غنی اوزرن جائزه عایشه اولم شد بوز
 کرم اهل مقامیدر بوسه بو اولو لوق بالی سی پنه اولور کل کم سن وزارت بکا ویر
 بنی مدح ایلد کور عطا پنه اولور **خاکه** سکوب سلطان با بزرید خان زمانه ترک برای حجاب
 ایدن شواد مذکور کلام منظومی نه مقوله اید و که بوز سرزدن معلوم در
 سلامت چکرم هر که که هجران بر کمال ایلد بهر سینه بر کمال و سینه فلک آن زوال ایلد
خاکه دایر نامی مصطفی در کلیبوله امناسندن بولانا صنی نیک جفا سندن رسوخ
 اشعار لطف و صفادن خالی و عاری دست و کلام و مقال پرده انکار ایدیکه سوز
 و منواری دلدار بومطلع اندر فاسد او سندن دیر خاکه کورن ای چین
خاکه و کور حرم عاشق چلیکی کوچک فرزند اسبدر نامی محمد در حرم محلی الزین افندی
 غمی سکر ایکن دانشمندی و التفات به غایتیک محفوظ و بهر مندی ایدی و حرم و حرم
 موزون اولد و غنی آگاه و زبورک دخی کوکب حیایه افول بولد بهر اداری عاشق چلیکی کرین
 کوز فرزدوب کرم چشم چشمتی **خاکه** چشم خونبارم کور و بیک بنی صاحب
خاتمه نامی عید کج در حرم سلطان بیگم نامیک خواجه سی اولان عطا و الله
 افندی که فرزند خیر الخلی و در که نایه صدف در عنوان جوانی و در بیا شایع باب فرزند کجا
 زمانه افغان تحصیل کماله مصروف غفلت مثال اقرانه میانند قابلیت شان ایلد موقوف
 جواد ز محیفه عذار تبادری نقوش خط سیم کار و کلاه و نمانت سرور غنای روضه
 دنیا ده هنوز نو نهاده ایکن فن اشعاره هوس و نظم آبداره دست رس اورد

ایده بی فوج تهنه

بال حوت و انا در صراط سدره در حلالین

بوی فایه تهنه

پنجه کوی فصاحتی، چو کان تراکت ایلر بوده ایستد که میان انبای زمانه
 آزموده درامقدما باسی طایفه افتد ایستد لکن طریق ملک سداید و متعین
 تا تلای وب آلام بی انجا منگدوده و تخیل اتمالی اولمده و خدن بغیری طریقی کس
 سلوک غایت مراد و نهایت آرزوی نوادی اولوب خدمت شاهن شمس عالم کبر
 کبی میان جان نطق عبودیتی بنیاد و نیز مثال جنگ و جدال اچون هر طرفه پرتاب
 اولوب مانند سپهر ضرب اعدا به کوس کرک غایت مطلب و مسئلای دوم رسید
 آخر نیز مایه فبولک است مصلی او کو علفه سی بدی بهار منفرد لغی ایلر بهشت
 کردون بنا یک عید خالصی اولمستبدی حال طمئین و در قدر دار او کو تحصیل اموال
 بهشت جنت خجسته و دوازم و دام خدمت مرزوره به حسب الاستطاعه مراعی در
 بودند که به خیر او و نفعشون اختیار ایند کفری ابیات و اشعار و نتیجه طبع اقدار
 لیدر که ثبت اولمستبدی مجلس عدد و دون کچه جانانه کجی **ما**
 هیچ طمغه چاره می دار جانانه کجی **ما** دیردم که بهر بهانه ایلر سیر ایدم بوزین
 هیچ بولدم باز او نجه دمانه بن **خاوری** نامی علیه آفتاب وجود پرمانی خسته
 مناستردن طالع و ظاهر او کسند تحصیل علم فایده دلدن فتن کن و حرم زیرک زاده دن
 ملازم اولوب بعد طریقی قضایه عازم اولمشیدی مری هر دوران زمان و دستگیر
 فساد کان اصی فیض و عرفان دولان کند و نکاستادی، رحوم مغفوره و معصوم
 و مبرور چون زاده افندیک حقنی او اولان این قدر دار اولان برام علی بن نرینی
 ایلر کجی قدر و درزی عید او کو، اسکو به و لا بنکه حقنی و لطفه بختی سعید او کس است
 باب قضا و فضل قضایاده نهایتا تمام و دقت، و غایت حدس و فراستی با هر مرتبه
 ایدیک عائن و متوفی مجلس سنه هکله کلین اعاشی بچاره اولدر سو کو کلین الان
 و نقد صبر و ذابین الان و مالان، ایدوب ناراج و نفا ایدین و لبران سیم سیم

ایدوکن بر یافته پیکور و مجلس فکرمند کل عیار روی لبران حواله فایده دعوی
 محاکات و مبارات ایدو کچون اولشاد بار باره تنویر اچون روینه نفا اوروب
 میان اسواق و تسهیر قلور و فاضل استنبه الاوان عین رای الخلیص بی اله و اللین
 اول منصبی قره فریه تدریسی آفر منصبی نیا اول شهرک قضای اولمدر آخر قضایان
 واقضا حکم میدانه ایلر اندر منصب حیادن مؤول او کو جو ارملک غفار و مصلح بود
 حقا که عالم بلاغت و عرفانک شمس خاور و آسمان فصاحت و املاء و افلاک براعت و اشاک
 مهر انوری در مری غیر منیردن طالع و سارق اولان معانی آفتاب عالمکتاب کبی
 زین دوران طومعه و ذکاء و کما و حدت طبع خورشید ضیای نجه ضیای و بفعای
 نمودن شمسند آفتاب اشعار و غلبه طایق کبی سوزناک و اداسی و غمی شایع بار
 غایت لطیف و پاکد که سهرقه شمس خاوردن روشن و سحر طومار سوری شمع
 انجذر بودند زیاده کثیر مقال باغت سامت و موجب ملال در مرزورک اشعار بر صفا
 و کفایت جانفراستدن مانند هر دلفروز غایت پروردولان کلماتدن بر قلم ابیات
 بوجین عجز سانه کثر اولمستبدی **ما** کوز اردو چشم خونف نام نجه دلمله **ما**
 اکله چشم پشیم فغان ایدو کف شدند، بیلونر زدن اولان فیکه بولدا شدند
 ایکنان دوردی کبی برمه ویر کوکلی، خاوری سو کوزله ایکی ییدی باشند
 نجه تقریر ایدین دردی غایت چوقدر، خاوه ده چاق او قدر قوت بازو بود
 سر زلفینی بجا کو ستره میخت سیاه، اولان آغیدرانے کوزلر بیک اولور
 سوزن اشک فلک نغمه کور **ما** سکا ای پیرزن چوخ بویر اوزنک اولور
 بر بوزینی ایلدم صائم احاطه دینده، خاوه طریقی ایدر افوشش در بار سکه
 به هوا و به بوس بوس سکونتم **ما** روز کار ایلدردم جوشش در بار سکه
 روز کارینه کوره قوتلن جهان خاوه **ما** گاه هر جوشش اول کبی خاموش در بار سکه

این شعر در کتابت و تالیف
 در کتابت و تالیف

سینه پر دراز روی زلف عنبر بلبل طوطو در ویرانه هر یک با شلو از دریا
 خنجر جو لبند ز کفیل علمت اید و بر حرم حلال زاده صالح طبعی افند بنک
 عاده سندن ملازمت میسر اولد قدس کن مدرست او کو جمع طریق قضا به غنیمت
 استعار بنک چندان شهنشاهی بود قدر حرم عاشق صلی تنگ را سندن مطلق
 کدم کوزم با شید و نبرد کرمم با جوخ فلک کسبه نوبت در کرمم
 اولکوز ز بیلی عاشق بوبانده بنم با بلد کم فوسد را و چون بکا اول لغات
 خنجر و کمر و حرم سلطان بلم خان نایبک لایح اولان جوف با شاک او غی صطفی
 بکدر بابای کر چکن معارف و کمال ایدار است و کردون وجودی علی طایف
 نامعدود اید پر است ایدی او غلی دخی بابا سنگ بر خوی الولد سربا به دم هدی و
 خفا ده هدی اید و حرم سلطان بکیم خد متذنبک ربیب لطف و نفی و پرورده دست
 مکارم و شفقتی لغین التفات و تربیتی اید لو آ قدری سر علم هلال و متحقق است
 خورشید میثال در عالم لغله پنجه سنجافه حاکم و دایه اول سندن حالت اشعاری کا
 ر حقی مخوم اولوب خوانه زمانه ده کیسه بلاغت نام مسی اید مخوم اول مغله
 شمول کلام صفات شوال لطف و ملاحت شمول ز و اهر کلامی ز به قبول جو هر یان
 عفا نه وصول بولندر بو سحر انکدر
 مهر حسنکدن سنگ نواله کرافت عالمی بشدن شبه اینمزدی انوار افشا
 جهانه نابکک نایند ای سیمین بدن کو که ایر سه باشی و کمر فلک اهر افشا
 مهر عالمتاب رو بک کور که ای مهلقا ایشکک طاشینه هر کون قورمدی اهر افشا
 جنت کوبین یارک جلوه لرقما غش چون ختمیا طادسوش طاقدی شهر افشا
 بیاسم شمع اولو یغک سمندی نه سر کشد رطونری بابی سندی
 خدایه استنبولندرا اوچی اده و بکله سورا به خد متذنبک سندن نشان

زوایا
 سندن
 مطلق

بر مثال جو جانبه بر تاب در وان اولان زمره بند کاند اول مغله بابا باشی او کو
 بعن بود بنده کاتب زمره بکویان اولمیدی شهباز طبعی اول معائن الامم انجیک
 ین استنبول کلوب خدمت در کا چایک پیشخول اولمیدی خفا که ملاحت اشعاری
 حسن خدایه کی کلکونه تکلف و تصلفدن عار اشاعت کلمات و لغات بابا صفات
 عالم معانی و سخنان ضو و ساری در اشعار بنک اداسی روی دلبران کی خوب و مثال
 وصال وستان مطلوب و مرغوب و حو کات و کتاف سندن یی بر دلبر خوب طرز خوب
 بدیع الاسلوب در کلستان بلاغت اشعار زیبای مانند سرور غنا مستثنی و نماز و نماز
 مثال بیستان فصاحت کسین بالا اولان کلماتی معانی بدیده آشیان ساز
 اولمیدی خنجر کلام زبوره دلیل و بر ماز که اشعار بلاغت عنوانی و در زبان همز و ز
 رما زرا و کلمات بلاغت سات صفای کلوب و محایف خواطر خلق جهان معانی و غایب
 اوش غنا مدار و نامر خوش گفتار کن مطالع و عاشقانه سی بوجرین عفا نه ثبت
 اغیار کینه خواله سیرا کینه هیچ کل کورنه اولدی بوسه بابا کینه هیچ
 می تلخ اچمدی چار صیوبه فغ غم بار ستر اولد و غش چون اچمی چندی پیم
 خط سبز له ای خوب کرک شرباز رخک اولال له به کز کریم اولا هر وار است
 خاک تنوی یله و یروب کوی با دهن بر نور فو بر پیخته قوم روز کار ده
 بن رحم او ورن جان و دله ال بوزی اول خود بکا انجمنش امین جان و کو کلون
 و کدک اولان لف عنبر افشا نه اده عمر ایس سن ای نه
 خط سبز کلوب رخسار که بار سندی غایت کوز لندی بنم سر و سر فرازم کف بنده
 اغیار یله طور روشن فرسوده بو کین بن خسته حاله خوشه اولد و رایغی دیرین
 خواجه صوفیه دذره علم طریقی اید صاعدا اولوب اول طریق بر خطر ده کمر اه اول مغله
 قله ملازمه حقیق چوق مناعب و سیه اید کچمیدی آخرا امام زاده وجودن ملازم او کو

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

از پس او شد در هر حرم قره چلی سنبول کسبی لکن باز غریب خوانی ایراد است
تک کلبان فانی ایش در باو اشارت کرد که بوجهی به تحریر اول شد
گویند مست او خادم کچ کلاب کوی است با نه او شدی بر ز پند ابدی یاران بکا
ایلمز تک کلبه مر بر دم مشرق سره ک آهت هم جاغره جانادر و دیوار مرزا
بوسا فرخان دن کویجک کرال کچنوز خدر آبانمر بعد ساعت بکلز
مولانا سرور اول سرور و اقدم فضل عرفان خورشید عالم تحقیق و ابقان
مالک مالک حدود و رسوم بنی ممالک کک غوامض علوم امام الایمه سراج الایمه
مکمل علوم الاولین والاخرین منتم مقاصد الفخرین و المستفیدین ناظم مقاعد الفروع
والاصول حاوی حدود و رسوم و مقتضیات مناسبت و حضرت زید که در بدو غسر
تصانیف فایده سی در نه هتاج سربان مالک علوم و حکم و جواهر زو اهرتالیفات
رایف سی صرافان فضل و عرفان باند مقبول و کلام در مولفات فایده سی ابداع
واختراع ابدی و حقایق و دقایق طایر خاطر فضلالی ضی و غایر قوت فکر دقیق
و جنابین تصور و تصدیق ابدی کنگره کاخ حصول و اصل اولی مخضین و بیک سرخ الاف
افهام معونت در اکات خواص و منونت مقدمین قیاس اید سرحد ملک و جود
داخل اولی امر حال در نامی محمد در سلطان محمد خان زمانن منصب جلیل مقام
و غلط و مدرسه ایاموفه تولی اید جناب حیدرینه تفویض تقلید اولی سیدی
بنه بوجلا ابر خاقان مسفور و لوازم و مهات رعایت تصور ابدی دیو بجهنور
اولوب بر کون بی اذن و دستور بر و کیدوب انده تفاعذ اختیار ایش در
اند مسجد و کور بنا ایدوب بود از قان آهنگ عالم عقبا اید بخ اول مقاد او کوی
سه و ناما ده و غم جناب النعیم ایش در والد فردوس مکان مجلس
و قانرن کوهرفان اولوب بورد لرا بدی که و حوم و حوم در و غوری لایف

اینگون

ایند که بوی سرکه جلد علوم سید شریف جو جانده و سعد الدین نقاشان است
ایلمز تک و مسم اولوب علم فقه اندر غالب اولد و غم معلوم هر عا و علم
سایل عهده دن بختری مصنفات و مؤلفان بوز در حاشیه تفسیر الفاضلی
حاشیه التلویح حاشیه المطلق مرقات الاصول الذر و کوزا جو کوزا و حاشیه
علم و کمال و مدایج و مناقب ذات بر جلال مؤلفان فایده و مصنفات رایف سی
کبی بن الایم مشهور و الایم خواص عوام و جماع قلوب و صدور علمانا ده
منو و مذکور در پس الفاظ غیر عنوانه اول سرور و عالم فضل و عرفان و خاقان
ملکت تحقیق و اذغانه توفیق الملک و افلام شوی ارفا ملا اول قدس علیا سلام
و برنق فضلاء اناج توصیف فکرم تحصیل حاصل و تطویل بلا طایل در لاجرم مقصود
اصلی که بوفتن اقتدار برین اظهار در و کاه سی تسخیر خاطر و تسلط سامع حاضر
ایکون بکار بلا خدن لای ابدار و کان فصاحتن کواهر بر اعتبار ابداء اید کون
اخبار در و مقدار اید اختصار او کند بومطلع اول صدر کسر سیه و الاسلام
بدر الایم و الایم امام الایم سراج الایم هدایت به نهایت ربانی و غایت به غایت
صحنه اید خارج معارج درایت و صاعد مصاعد کفایت دریای محیط
علم و عرفان و جمع شایع تحقیق و ابقان خلاصه اصحاب علوم و مختار ارباب حدود
بوششم حجه ساریک خیز خوارا قیاشی مکر و اریه اول غنیک بلاد اغده دریا
خردی و حوم و قومک اخفا دندند نامی مصطفی در شیخ الاسلام فی زمانه
و سلطان العلماء فی اوانه اسر حجه اصحاب علوم و حکم استاد سرحیات عالم مطهر
افوز و یار جبر ظلم مسئله آموز جامه میر حم الدارج الی رحه تک الهادی مولانا
و استاد ابو فکرو الدی خدر ملزندن نایل سعادت ملازمت اولد قدس شکر
روی بخنی بر و ده مناسرت بر سه سی الیه ناصر و دین دل جان جانب مدرکس

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

تماشایه ناظر ایدی کریم الاسواق سربقا اخلاق ذهن بنا که صفای دلپذیر
 ارادت و انعام پاک ادا بی نظیر پیراسته در بوجوین عفا نه تویر و تیر
 اولتی چون سرقی خیزدن لامع اولان بعضی طالعی بوفیق ارباب تیسر در
 بانک آتوب قیسی ابدی سیر چین بانک فالوری ای سر دس سیر چین
 کاکل بار اولدم دیر سن چوبو ای بنفشه نه در ایل قلعی اردو که قو
 کدی خنده مک خنجر در سن اول جان بیز و کیده ای قانی کمان آتمه بیانه
 صحت بولوب اولور سندن جمال فقیر دردم سک نگاره دیم نقیر و قطیر
 اولدره حسته حالکی جور و جفا که بویله دیرله سود حکم مستلا کله
 خسرو استبداد نذر بیا سنده کوزنیک دیکلمه و فای برین قیاسیک اولید
 بچو بی بکونده در انار و جد و حال جین احوالنده فقر و عیان و حوارت
 دوزخ شوق دل و جانندن همچنان ایتمک ترک مال مضبوط دولت اختیار
 عالم تجرید و غلت ایدوب و سرخوش بالی چلی بارادت ایتمک جناب
 ارباب دنیا بایله نایتن الفت ایتمیدی مرحوم مرحوم بوعالم کمرندن غم
 خندان و حدت اندکه سر عشق کفان زل و باد و تحت ایلست لایعقل
 ایزن کندین ایزن بر مقدار زایل اولوب حاجی کتاش جانی نه باشد
 کچو مشق و سبقت بر مقدار ایزن ارباب باشد او سر شد خوش بین اسباب
 و نازکانه گفتار منال همسوار با طافت تذکار بیت و بیخون اختیار ایزد
 بود هر دست آبادل بوند کرط لطافت دم یوز می آینه عالم غاسنون
 مالک سیم و رزم و بوفیق بودم بورد در طالع ای خواجه کوه خندنگ
 بر عاقل که سود که اولور سنده بار و طالع کاسه زهر اچر سه اکا کونین از اول
 زدن اولور سه طلعی نیم باشم جهان بازار چندی بکون اول یوسف زمان

خزنی مرحوم مفتی احمد بابا کمالی و غلبه نامی خزنی و غلبه کلمه کلمه نور
 اختیار ایزد بر دسه و قیلوجه مدرسی این جناب عزت قیام ملک توت
 و با دخیلیان وادی صدق و صوابدن انار عشق رحمان و جذبات غلبه
 سبحان ظاهر و باهر اولوب شایخ کبارک افتخاری مقبول حضرت باری
 حضرت زینارادت کتوب خدمت پر برکت سرایه و ذکرات بلیدی خزنال
 و اصل و کتب و توحید و عرفان و اخلا نایل حالات جاودانه و هابیز ذلین و کمال
 اولمیدی تحقیق کلمات و فارسی و ترکیه بیات و وارد بوسه زبور کدر
 کر حجاب اولور سه طلق صابانه تنم بر اوج خاک نذر یکم قله کوز من بنم
 نیجه صبر ایزم ای دوست جفا تیغه کیم طاس و کلدور بورکم برج و کلدور بدیم
 دل بنیر شمع کبی سینه طلوع شمس کبار حسنه فانوس خیال و تیسر بر هم
 طولدی قانیله حکمرانه صفت دونه تو یوزنه هر کله بقای ای او غنچه دهنم
 خنده نیک چلی علما و مک سر داران دن و بو طایفه شریفه مک صاحب شتران زدن
 سر دقه علماء افاق صدر زین محافل استیفاء استحقاق خورید خیرات
 عالم و عرفان عیان بیکان جهان تحقیق و ابقان زورن صو مصباح نایل
 نگارن اوراق دفتر جلایل فضایل حضرت کلمات سکلات و خواص می رسوم
 سن و ذرایق حدت ذکابل نور ذکابل سنده دنیا و علوم عقلیه ده عقل
 اول و مانع ابن سینا در حقا که اول سلطان سرب طوم همگال بنای سرای
 فضیلتی بناء اهرام کبی رصین و محکم اولور در بای محیط علومنه جلای اکیان
 غواص مثال استجلاب لای عرفان اچون سرف و ایدوب ایات بنای معارف
 و کلمات مکتب عالم امکان و عجایب و محافل خلق جهان مذکور و تلو اولمیدی
 یو کاکو مک و معاضد و بود عایه اثبات کون ایکی عدل هر در که مولانا خیر

و کستلی مقتدر انوار علوم و رسد اولوب اول کی چشم و چو غوغا خاک
استادی اولمیدی و اول کی مردم دین اعیان و اول کی فاضل و رانی
و بدین نیرین عالم مکان و دین نور افشانی کبی تر به اید و اول کی بنظر و اول
نور کوزی و طوثر الی اولمیدی و مزبور در غیری تلامذہ سندن
چند اهل تبار فوایل و زکاز ظاهر و بیدار اولدوغی معلوم صفار و کبار در
تفصیل حال و ختن مال کتاب سفایق مطور و کتاب مذکور مولانا نورک
او صاف کانی کبی بن اجمور غایتکه مشهور اولدوغی چندین اسرار کانی
منته که مقصود نقل و مرام اصل در سمت اولوب اول فخر و نبینه تشیخه حدود
عزیمت قلندی حضرت مولانا تک فام سیرین کلامی بطور سطور اچره کلیم اولوب
فن انشا و املا ده صاحب بدیضا اولدوغی مشهور و مشهور و جمله دنیا اولو
اول موسی عمران فضل و غوغا کمال فضل و علمه ایمانی اولین مکر کردن فرعون
لعین فانت بآیه ان کنت من القادین دید کلین مثال میان
اولان قلم ترا زینتی القاد ایدوب اصحاب فطنت و ذکا میانشه اظهار اید بدیضا
ابتد کده حربه کبی قوم مکرین ما صدق کلام فغلبوا هتاک و انقلبوا صاعین
او کور اید و حرم و قومک عارف و کماله تجدد و قوم و درنا رخاه کومر بار
و نایح طبع پرافتداری لطایف اخلاق و اطواری کبی معلوم و مرصوم اصحاب
فنون و علوم در استنبول منشی لیکن اکثر یا امضانی منظم اید و اولوب
مرغوب و زره مطور و مرصوم اید و در ذکر اولو نور
حق امضاء بقول عدول همد و انم فو بکوا بقول خیر صلال امضاء فاضل و دیکر
خاری شیخ و فاضل حاجی زینت بنیاتی مرصوم بیدوغی مقام در بوخود و مکر
قلال و جسته که چاغدن دروغی و اول کل ما وینه که باغدن دروغی

کلان کبری خبر کبری لالون ایست کیم کدی کدی توی اباغدن دروغی
ویر مشربا بنفشه پیغام زلفبار اول غمگ هوای دماغدن دروغی
عشق را بیدون زهقتاد و دود و دلت کانی در میان حج و کثرت عاشقانه اخلو نیست
ساعتی در بحر زلفت چون شب سالها سالهای وصل فتنش همچو عمر مس عینت
خبری استنبول قریب نه ده دار و دیار اولان کبی حصار و دند
ناج خورده و انشمنه طایفه سنگ زنده و فانی و بوز مرهنگ لوند و ادبائی
ایدی کوشه میخانه دنیایه و ذلت خانه خاری سلطنت نکند و دارا به
ویر ترید و حرم طائی کبری زاده ده و انشمنه ایکن کاه صوف و کاه شام
یکجوبی اولوب و حرم مرصوم استنبول منشی لیکن ین دانشمندی اولو
زوجه خدام خاقان پرکار بدن اولمق تقوی الی ملازم اولمیدی
بو حاله لیکن دست اجل کریبان و قاضی ارواح جانن اکبر و بیت اکبر
ز بخدا ننده دل کم اولمیدی خط دلدار کدی خسر ایدر سدی
خبری اما سید دندرا ارباب قلم زره سندن در مرصوم سلطان سید
خان بغداد سونیه توجه ایتوکن ترک جهان ایتدیر تملی غایتده ساده در
استکم اچره روی زردم ای کل خوشتر صوبه دوست بر خوان بر اغنه کور
خبری ادرنه دندرا ارباب و فذن حفاف اولدوغی توبیل حقی تخلص
ایتدیر اگرچه انی و حامی صحیفه ادراک نقوش و وفذن پاک الی سردن
دلبران کبی راست و کافه رقیب کج دل کبی اگری اولدوغی فذن مکرور
لکن محالست ارباب کمال و فحوائی خدا العلم من افواه الرقال الیه بانه فح
و کلامه بلین و فیض ایت سلطان محمد زماننده اولان قدامه شود اندر اکثر
منصفه منشی بایکد بوبر قاج ایضا خور و کلامه ندر

سخن بجان اولدم نیک صاحب بدیم. ساق ملاح و قنار زورق اولد بادیم
 آیرم اغیار حوی باری قورسه یار. فرصت ال ویره یتیم ایتیم دشوم یار.
 قننه دن کرچی انکال دخی خانه کل. یکجان و دل لآن کوزریدر خل کل.
خلیل لطافت آب و هوایله هرزه و هوا و مقبول جود و زید و عمر اولاد یار کردن
 سلطان محمد خان زمانه از بنقه کلوب تحصیل علم اشتغال و قنیل نجیل علوم
 روغن اجتهاد و قنیل سحر جمیل ال اشتغال اذره یکن بر محبوب ملک خصاله
 سید اولوب مجنون مثال بلی زلف عنبر سالیله رسوا و بکیر عشق و هوا
 مبتلا اولدق حب طالع و الام و ملائک بر داستان ایدوب کند و
 عالم داستان ایتیدی بن جهور زرقه **خلیل** و یکله سوره در ساده
 و ک ده بر نظره صفت خطاب ده بو پنج بیت اول کجا بندر
 دیدم اشی زخنده اختر جو سخن برهای عین بر هر و یک مظهر انوار اسواق
 در دنگ خون اسرار حق عجب خلق مضحک از زبان سر سوز و کج عرض ایدین جهان
 غناینده چندان لطافت نمایان و کله رادل جلدن بحر بر اولندی
خلیل در میان جعفر و جلیل صاری خلیل و یکله سوره در بر دنده
 جهره عاشق کی زرد قام و جسم ضعیف کی خف اندام و لبر انجمن بر
 هوا سید ملا آل سارین و دوتن موی میان عقیده رسته کبی
 باریکن غیب هیئت و عجب صورت سوانک طرفا سدن و ارباب
 معارف و کمالک نداسدن و وجه معاش و سبب انتقای باب کریم
 و نایب منظر و بحسب الظاهر جوایز و انعام اکابر ایدر کوشه انزاده اخبار
 قلت و بیت اند کرین مجاور ایدر قنیت ایتیدی اشعار لطافت و
 ملاحتن خانه و کله ربوبیت اندر عاشق در بامی الکک اولور

اهل درده بلامی الکک اولور بن اولورم بلای دل یاره مبتلای الکک اولور
 نه صورتین خلیلی غله و غنم یارله ما جوامی الکک اولور کلشن جسته اوخه لیک
 بیل خوش نواحی الکک اولور نوله یار اولوریه اویوز کل بلکه بر هلقای الکک اولور
 مرحوم لامعینک بر توی مخلص ابرهسم نام بر دله رسم اندام اول وار اید
 که فلک خوج و ملاحنک خورشید طالع و عالم حسن جالک بدر لامی بر د کبر
 ایدی که کوکله آفتاب ایینه جلاله عالمانه کند و به مقابل طوند و غجون
 رواله ابروب باقی زواتی اولد و بد رینه خورشید روی عالم گیردن
 نور او غله غجون عفت ذین دست خوشک ذکلی و پامال اولد
 اول بر حسن به مثل و نظار صلاح بر حبک مهر میری و بنو خلیل فیلی مانند
 ایما عیل زبان غمزه سر تیزی فکست و انش عقیل برینی نار خلیل ایتکله
 رض محبت پر خفت و آلامی اید جسم زرد قامی غایت علیل اولد سید
 بر کون بر توی عین بجان سی و یکله سوره در کاش نه به بر تواند از اولوب
 شاعر زور دخی اول محل و مقامده مقابل آفتاب و یار اولد بر سوز و کداز
 اولدق برینه بوینی دیکدر **خلیل** بر تومهر زک بر غمزه ویردی ضیا
 شمس بجان سنگینه کون طوغدی **خلیل** غمزه چلی افندی منازل
 جلایل خضایک حد خودی و جهان خللات و فضایک آفتاب و الا خود
 دریای محیط علوم و فنونک بحر زخاری و عالم بیط معارف و الحائیک
 خورشید نوازی حقایق میدانک مرد دلیری و قایق آسانک مهر میری
 سابل هر غمزه نیک نمان زمانه و فصل فضا بای هر غمزه سرخ نمانه البواغیر
 و البدر کینر کتاف الشکلا ملائک المظلات الفی الفضل الفضل یقولون یحیی
 و ایلل مغتر التزیل معزاتنا و ایل صاحب الایات و الفضل الفضل

در سوره
 در سوره

سباق لغایات فی حلیه الکمال رافع ابنیه الفضل بعد الاندلس ناصب قواعد العلوم وادب
 اثر الاندلس والاندلس عن الکفرین قدق المتقین وانشاء فی سلا الان
 مفتی الانام شیخ الاسلام سپهر فضل و کمال آقا علیک سلامه و جلال علم و کمال
 میر سربندی حضرت خواجہ چلی فندی در که اول وجود هر دو ک نام معودی ابو نعیم
 نیکم کت و دیگر ابو سعید فانی ابو سعید اولکم فضایل و کمال اولید که خیال
 مرحوم شیخ با وی حضرت نیک فرزند سعید و ذکر انامیه صدف وجود و نقد عمر
 و زندگانی و معارف حق جهانیه سن مبداء عنفوان شباب به تنور بدین مرجع سبب
 و نوری بطلحه تربیت و دو حد ریاض معرفت و تسلیم کلام معارف و فضیلت چنانچه
 و طبع آزمایی ایتمک انوار فضل و کمال جبهه و بود و انار علم و افضال
 انور روی بکوسندن ظاهر و ساطع اولوب جمله کماله شریه حاوی جامع معارف
 جلیه و سنی خلق جهان میانین مشهور و شایع بعد روی وجودی مرحوم مؤخره
 لطف معودی ابله باسم اولوب ذات واجب شریفی خدمت شریفین مقام اولوب
 سلطان بایزید خان زمانند او نوز اقمه ابله کول مدرسه مدرسه اولوب
 فرق انچه ابله قلندر خانه مدرسه اولوب قدسین مرحوم مصطفی پنا گلبره ده بنا ابله
 مدرسه بومی التالی فی ابله ابداء اول مبتدا اخبار معالی و محتم الاله و الی مصدر انجیل
 مسند البروت و جهان خزانة تقلید اتمیدی بعد پایة فقهی مدرسه طایفه
 بر کوبه معنی اولوب معنی مدرسه ثانیة اول قبله قبیله صلاح و تقوی خدمت فخر و شوی
 اولوب قدسین محمودیه بر دسه و فقه طائیفه محیه در خادم سرع مطهر معنی روم الیه فی
 اولوب منصب صدارت پنجه مدت اول ذات خورشید انارت ابله فوج و جلال بود
 و اول منصب طبلین جناب بر تجمیل روم و مال ایتمک روی مال کبی شریف و جلیل بود
 بعد چندی فتوی در شحات قلام سکین ارقامی ابله مرتجع و قلایه و قلیع انام

فرایه الفنا براعت الحجامی ابله منظم و مرتجع او کوا اول قدس علماد هر صلیح و حواد
 زید و عمر اولوب سید او خالدن حواری ملک متعاله انتقال و بو عالم قادیان سبز زار
 بقایه ارتحال اید بجه منصب فتواده دایم او خدمت فقر و مضاعفه قائم اولوب سید
 حقا که مرحوم سید و اول عمر طویل و جبهه عظیم و طبلین بر کسبه با و لرح کلدن امثال
 و اولوب منقوی اولوب اکثر با صد و رعظام او را با منصب شرفی بجایه تمامه فی
 اولوب مغلله مهابت و جلالتی سوا فیض مترا اید و بنای هر ای غلظت و جلالتی مترا اید
 اولوب سیدی علی الحنفی او او سلطنت صاحب قران سلطان بایزید و تقسیم
 حکم ملک علانی انام اید کده و وظیفه ابله شرفی ابله انعام مالا کلامی ظاهر اید و ب
 تخی عسکر اکی با زنی و قسلی یقین اولوب سیدی و بو تقریب ابله توابع و لواحق
 الطاف و احفاف پادشاه داد کسبه قرین اولوب سید مرحوم هر قومک لقی خواج
 چلی اولوب و غلظت ثانی در که بو ملک و طبلین اولان قوا ابله امانت زمان خوشه
 چین و من تعلیمی و نواله جوی مو اید جلیل و عظیم اولوب جمله شی شکیف ذهن و قد
 اقتباس او نوار رسته و رشاد و میامن فیض انعام مدن اقتضا ضرر واردم ام
 ایدر کرایه نو که میزان طبع عالیکرینه سنجید اولوب بازار روز کار و ده قدر
 و اعتبار بولمر اید و اول سبیکه که محک اختیارینه اولوب صرافان فضل و هنر
 میانین کامل الحیار او سید بجه آه تعاظم نواله و توالی را اقم ارقام عجز انجم
 دخی اول عالمک مدرسه فضل و افاده لرینه خادم اولوب قدسین خدمت شریفین
 ملازم اولوب اول ولتة نایل و سلک تمامه لرند و منظم اولوب سعادت
 و اصل اولوب در انصافی بود که مرحومک فضل و کمال و معارف افضالنه
 نهایت و اخلاق حمیده و محامد و مناقب غیر عدیده کسبه خدمت و غایت بود
 صانع عیبی اول بدی اهل برورد کلیدی بیکه خانی الاقران اولان اقلی

مدن

مدن

قدح است ستمه باطنی و مروجی که در فارسی و عربی استعاره دارد و در حدیث
 خود مشهور عالم و سواد و بغایه و باین مقبول و کم در بوی اشیاء
 بلاغت معانی اولی ضل نام دارد و استعاره روزگار که نتیجه طبع در بار و رستگاری
 اقلام غیر نثار تدر که نیش و نبرگ ابراد اولی است
 به سود از ده زلف سیاه کار و لم به بر او بچین در ده گرفت را اولی
 ای جلالت امان و بر کجا قلم غلبه موی نفس طوطی او کجا بد کوزم اولی
 بولنه خوج ابدین نقد حیات الدنیا که کجی فرصت عمر گذران گیر مرالم
 قلب میال الله ن بجم یارب کیم کور یک آب روان کپی از صحر کوزله
 مرحوم سلطان خانه خرم از تهری نامه ده بوبیتی دمی است
 حقا که نظر است جهان حق است رایش سبز سر و عمارت دین است
 نزد عقلا این مثل درین است هر کار که خسر و بکند شیرین است
خیال جلی موسی قلد از اید محلی شرح العقاید اولان عالم و قیل و کمر کامل
 مقصد مال طلاب الفضائل و زقیات السبق فی مضار الاقل اخلاق اولیای
 کرام و اصفیای عظام ابد متخلق و امثال و افرادن فضل و صلاح الیه متوق اولان
 مولانا خیالیدر سهر از بقدرند مرحوم خضر یک جلی کس که در بندند تحصیل
 جلال فضائل اسمی و طلبی و از و کامل و کفین شیخ سمس الدین اللقابی خدند
 که عمو علم و کماله یکانه دورانی به تحصیل علم کوک سبب و زمانه ایدی نزل
 فضایل بیکرانی ابون و جناب فضایل مضایق مغنی التلیب کتابی او فاجون مصر
 قاهره یکتمیدی حکایت اولور که مرحوم مرحوم حاکم سبب شرح العقاید می خود
 پاستا نامه اید کن به بیت طما و تقویت فضلاد سلطنت قاهره سی کبی آیت با حره
 اولان خاقان زمان فاتح قسطنطنیه سلطان محمد خان خرمی کتاب مرحوم است

این کتاب از کتب معتبره است
 که در این کتاب از کتب معتبره است

سبک وجودی و از ضرب خلافت معود دارند سکوک و مغروب اولی
 کند و از نیک القاب همایونی اند مرحوم و کتب و کتب اولی بک اعتبار
 استادی جناب لیدر نیک اند اولد و غزن و اولد جامع محسن و فضائل
 منبر لطافت مخزن خطبه کند و از نیک نام واجب خیر المربیه او قند و غزن و بچین خط
 اولی است بنا علیه نفقه احوال ارباب فضل و کمال که خاقان سفورک شمس سینه
 و سیوه مرضیه و انعام حسان اصحاب علم و عرفان که سلطان مرزورک وضع
 مالوف و دایب محمودی ایدی مرحوم مرحوم حقیق ظهور و وجود بولستی
 و اولی نامه مصر قاهره که کمال ستم کزن انجمن ارباب خیر و دخی زیاده اولی
 فی الواقع کتاب مرحوم جله علماء عالم باین مقبول است اید و کت ابرادات و دقایق
 سوسا و خیال کبی دقیق و محقق و جازنا الفاظ و لطافت کثر بیدین الطلاب
 ضرب مثل اولی حقا که دست صنع جلد زین آیات شمس محلی تر خیر اید و اجازت
 اکنون در ستمه جمع و تملیق اید سیر از او ره بویله هر جلد به استال الله ن قلمند
نوفه بویه خواه الله مولانا الحیا و کان من الحیا لایزال لقا بدی کتاب فی العقاید
 بحاکم لفظه عقد الدل بالفاظ کالی ظالملاح و معنی کالی کمال الحلال بر خاقان مرزور
 هر نه دکلور کجور اولی محل بدو محل کلام و کلدز چونکه اولیات کامیا یک توفی
 و القابی کتاب بلاغت نصاب سقا بقدر حره و کتاب مرزورک اعتبار و استهاری
 مانند خوب سید انور در پس هر نه دکلور اطباء و اسباب اولی در بای غلادن بقطر
 و اقاب کزن ذره دکلور لاجرم انصار کزن انصار و بوقند دخی بیدری اولی
 اظهار که مقصود تالیف داعی ضعیف اولد و اولی و اوجی بوا انصار اولی خلیل اندر
 طو ندی جهان چونکه کور سدن چکر که لر بذای اوده او تر و ب النون کلد و زم
 دور رخن ستمه زلفی دیر کورن جمع اولد کور سدن اولد و در جمله

این کتاب از کتب معتبره است
 که در این کتاب از کتب معتبره است

این کتاب از کتب معتبره است
 که در این کتاب از کتب معتبره است

تاج مرحوم و مغفور **فضل و دان** مستور جهان او کو بی غایت احوال سطور
اولان مولانا عبد الکرمیک او غلبه نامی عبدالوهابی او ابن حاله و طایق تدریس لک
اولمیدی بغیر غایت اثنای حکایات دیر ابدی که مرزور فرق آنچه مدبر قبول نیز
دیوایان بکین، اور نه ده جامع اردی مدرکین فرق برانی ابرو دیر به جمع
سمت قضا و رضا و ربوب بلا دکنه به معنی و سلا نیک تیره به فحی اولوب
سطن سلیم نامدارک و ابن حاله و دفر داری اولمیدی مرزور و طلاقتان
و عذوبت بیان اولوب نه تیره سخن آفرین، کلمات لطیف و اداسی بکین مطایب
خوب و مصاحبتی شیرین، المعین افغانی سلاطین و دی رهن سلطان سلیم جلالت
نکین ایله صاحب و فرین ابدی زبان زک و به لعل مجنون و خوش بین اسرار
سحر مونی و وار در بر اکی اسرار مرزور کفنا زنده غلط اید و خیال مهر و دوش
خوابا و لید اول آباد کور دگل کو کلم، غمکه طبله و درسا کور دگل کو کلم
جهانده باشند سلطان بکین به مردم، قول و کد سن سه ازاد کور دگل کو کلم
حیرت الوری عظمی قسم کوزینه فاشنه، صد هزاران آفرین اول صورتیک نقاشنه
سندی طایبشنی مجنونک علامت کون، سنگ مخمدر که بغردی زمانه باشند
خیال **سهر** ولایت روک کک کتواسی و بومر زبومک مرد سخن آراس
سوی اوج استغنائک فرزند هکای قاف عالم اطلاق غنائی گلستان
بلاغت سروشا کسیده بالایی حسن نظم ابد سهره ایام اولان سوا بانک
مناز و مستثنای حلاطت آب و هوا اید نمودار خلد برین و نرا هت عرصه
و ملاحضه سادی رنگ فرای باین روی زمین اولوب سنج ارم رنگ
ریاضتدن ستواری پرده اختفا و کلمات سباحتی پر صفا سحر باین
خجالتدن بیر کجوب و هن دبران کبی بود و ناپیدا اولان سهر ستوده طوار

جمع شوا و منبع ظرف اولان وار دار کجی سند ز نامی محمد در مقلد سر خلقه
قلندریان و منبع خلقه کجی حیدریان اولان بابا علی مست بدم زم و هجرت
اولوب مجلس معارف و کلماتی صراحی کبی مدام بکلیوب پیانه مناصفای قلند
خدمت و دنگله جو کس و انس و موفی اولوب جنبی کیفیت حاصل قلند
هنوز خف ریکوب نه عکس ابرو کجی دین، و کرد روی رکنه مور خط سباه
او تمیزین استار یله ستهار و ربوب کر چکدن نامدار اولمیدی به جمع سق سق
احسان و انعامی اصحاب معارف و ارباب لطایفه ستره حوادث ایام اولان
معین و ظهیر ارباب کمال و هنر منبع آب حیات سحر حرم کنند جللی مرقوم معلوم
اید بنوب نجه ایام و درخت بختن رحمت عاب لطف به انجانی اید نر به اید کولان
آصف سلیمان زمان و دستگیر هنروران جهان آصف سلیمان عالم خلیب
خوان الطافی و نعم بانی بهانه بهانه لطف و کرم و وزیر عظم شیر خرم ایام
مدح و اطرا ایدوب و نیز مرقومک صور لطف و کرم ایام بلایت عنوانند
فخر و عیان اولوب اول سلیمان زمان، القات بیکر ایدول اول و خندان و غله
صلال مثال یوگ فیوگ بدر و قدم قدم مدارج و معارج رفعة ارتقا و اعتلا
اید حال قدر اولوب حقایق نه تیره بلند پروان اولمیدن مرحوم صاحب قران
سلطان سلیمانک ساعد سعادتن قرار ایدن سهر بازردن اولوب مجموعه دیوان
اول سلطان عالی شانک پاتدن کتمز او صاف لب دلبان کبی اکثر زمانه دندن
دو سهر ایدی کندوسی دخی حرم قدس لادن بزم اند و دلدن محبت
صحت عشرت نرینه تا بل و غلامه سر سعادت مدارج و دج فلک دواره و سهر اولمیدی
والد فردوس مکان بوکونه کوه افان اولمیدی که مرزور خیال اول مجلس
رعایت ادب ایدوب غنی مثال اوله صالان اچیلاد و غنیدن اعتدال ایدوب

بوزل آید و یوب و غرضند آم سرای سعادت مدار کرد ایتمندی اولی این بر این
 قالدی نمونه در هر جهان خرابدن ، کج خوان خراین افراسیابدن
 بر بزم خاصه محرم اولدیر خیا کیم ، اجمل اند غنچه جنت مجابدن
 بعث اسکندر چلیک سده بد و جودر سیدنه قنایه یوب طلما اجلدن با بود
 و ناپیدا اولوب ابرهیم با نیک کلستان استانه نمودار باغ ارم ایکن مقام
 سیون و سرای نام اولدیر صحنه صاحب قران سفورک خیال منوره قمت
 و نظر و انار التفات کیمیا اثری کما کان محقق و مقربا بلکه اولدیکدن صد بار افزون
 اولوب زعائنه تر قیلر و غول قصید لرو بر دکن جوایز سنیه و عوالم طیف
 منظر دوسردی و عود و مله موت حق معالی مولا لریله مرآت حصول جلوه کرد
 او کوردنیه بود کلو علوتان و قربت سلطان زمان اولدور و یکک در شستن
 و نفوذ و قنار و سنن اولوب ملک و مال و اهل عیال و یراعمال شغالند
 جود طبع عالمی و زخافات دنیای دنی اولدیر قطع مقید و کلیدی خود دنیای
 بی امان و خوار حبله و دستان اولدیر انی شیفته و در جاده نرفه جاده و جلال و
 طلب از دباد منصب و مقام مروری حور کز فنیقه ایتمیوب یانتن دیبای مریض
 اولد قبا ی مریض سیراب و تاج و تخت ایلد کلاه مذلت همسر اید یاران و اخوان عالم صحت
 و دم عزت بعضی نمونگا ایلد مناصب عالی و مراتب سایه به نرغیب ایدوب نتیجه
 مائولک مقلات حصول پنجه اسکال مریض نرغیب نرغیب حقیقت او از طبل صداع
 بی حال و عسکر کس و سردار الحق الم بی طایلن بلکه ام باطلد اصلاح عالم و تربیت
 مملکت ایکن افلا نظام عالم طبیعت ایکن محض یوانه لک و بیگانه مصلحت
 ایکن انشادون جدا اولق عالم عقلدن عجب بیگانه لکدر دیو جواب دیررد
 آخوالام کو یک باران باد و باعل اولوب ملک سیدان سنجاق رجا ایدوب تقیض

دیندر طریقت اهلیه صاحب لایق غنچه کیم و این بولین کو ستر که کوندی حقانی
 و یا خود بر نگار سر و قامت از پرور ، کو کلر جمعده باعث سزای پربانی
 و خانه لال در صحرای غونازده بخش کو تر سن سیمی و بلندن هر کون آسمان
 های اوج غنچه صرصره کو ستم یار ، جلم بهلو سنجی آدوب سر و خرامانی
 عساکر و حرم رقوم و دفتر سخنان و جویین سو کویان سبوا به مقدم و سبوا
 مرغوب و خوشی اصحابی بخرمیا نند مقبول ستم اسرار بلاغت سحر مطلع بوان
 فصاحت و سبب بیت مجموع بلاغت در سنان بلند و طبع ارجنده ایلد شک فزیدی
 و زمانه سنگ یکانه و وحیدی در اسرار آیدار نیک صفا و الفاظ و سلاست
 و عذوبت ادب آب روان کبی صانع و جبار و آینه روی مهر و انکاس کرد
 رکاکت و وقبار عقیدن منزه و عاک اسرار بلندترین نمایان اولان حسن تعبیر
 و کفایت و نظیرین طاهر و عیان اولان لطف تقویر زد کمر و کل تونن اولدور
 ضیای محرمیندن اظهار و لطفان ، انبات مدعی محرم و سطر و کلام بعض
 اسرار نامدار و اردور که اندن مر حوک عالم قدس و دیار انوار ایلد آستان
 و دین عیان البقیه کل غبار عالم غیبیه و روشنا و بینا اولد و غن اظهار و ابدار
 ایدوب سبب از خیال نزهتگاه عالم لاهوت مر غا ندن غیری کماره قفا صلیم
 و خواص باله دریای توحید و تجرید در لادن غیری لایله و اجواهری عینه الم ایدوب
 اندن ظاهر و روشن با هر اولدور و کز یوان نامدار و اسرار بلاغت سحر
 بین ظهور و سحر و ایدوب و کز یوان نامدار و اسرار بلاغت سحر
 زیاده الطاب و ارباب طبع سلیم سبب استماع ایدوب که نوافذ عالم کتاب
 کبی ظاهر و سطر و اسرار و سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 بقایه انحال و عالم اسبابدن ملک ارواح انتقال ایتمد و فانیته شواحق و بیخ

دیدم بگردن عیسی نام سواد و توفیق دیدم . سوزی دلخ خیال کوزده قلدی
 و کاخی دیدم . عالم حسن خیال کندی . و سیری علی چلی دیدم .
 الف چو کان اوروب طویله . کلک ای اهل دلترایده لم آه .
 بقا ملکنه غم اندی خیالیه . روانی اولدی قد سیرله همراه .
 وفاتیه دیدی ریخ سیری . خیال اولدی حیف حکمته .
 بواسطه بلاغت شعرا اول عوامدارک . شمه کلک سحارید و تپه طبع اقداری
 کوردی مخصوص اولد و غن میدان شفا کا . سپهر کوندری موج فافدن غنقا
 و بیت بر اعتباریله تمام افتخار اید و که فاعل منقولدر
 شادی نیر غنقه و طلت قرین نور . بزآپمال عالم و بکرک بکشد شور
 فقره خور این در کا سلطان شمر . دوداچی ساین طاق ابوان شمر
 ای خیال به کلک خون انوش این . منبذ خفر اندن آب حیوان شمر
 روز در سندن نولانوار او کور شمر . مهر عالمان بدن یاز چواغی جامر
 خاندن ربیع جویم دیمه بدول و لمر . صفا ای کج جفا فورتیه سن اول اولمر
 تنه روح مغرور عشق با کلد سنک . دولت بیدار چشم خوانا کلد سنک
 کوتر تو بنک بر سنک سجن کوکک . و ادنی عشق اچره کعبه سینه جا کلد سنک
 فوبرن ماهه جمال با کلد سنک . مهره خنجر طعن ایکی هلاکد سنک
 غیر لمره بار در شادی خیالیه دیر . حاشه تپه خوشا هم اول خیال کلد سنک
 عارضه کمدن عرق بزرگ ای چیل . صانورم جنتن طغیان ایلد سیریل
 آفتابه بنه تشبیه این خیار که . سن حالات نوری سن اول خاکه دوشن ذیل
 بر قدم جعفر سر کو یک توبه غایت فکر . طاق عوتمه نردبان او کور بر جبریل
 رنگ اعدان خیالیه کج و صابر . ایلدی حق آتش نوردی کلزار خلیس

رخ کرد و نوح هر صبح ای شوق کیم جلوه گر سن . با کافان غلغلی خیال کلک خون جگر سن
 عجب محبوب سن ای شمع کیم فحم اولدی کلک . و بر رکن جان پروانک هم غلغم کوک سن
 تجلی ایلدی سنن جمال صنع بزدان . و له آینه کیمی اول صفندن بجز سن
 سوزم سرایتا بته مجنون نام اده . فوسلر کبابا و بید با سنن که یو اده
 آینه هر کون فوبر دلدار تنها تو بنه . نازله یوسف کیر کو یازینی تو بنه
 راه کلزار فناده جسمنی اید غبار . روز کار یله کیر بر ور در فنا تو بنه
 عشق بر شمع الهی بنم پروانه سیمی . سوق بر زنجیر در کو کلام انک یوانی سی
 عینکدران خوش طوط افندی شه سیم . کوکل در سر کو یک بر دیوانه مر فاند
 راه غنم بن غباری خاکدن فالدین . روز کارا کلکدر روز کارا کلک
 اشعار بلاغت شعرا به حد و غایت یوقدر . بومقدار له اختصار اولد **وف الدال**
داعی لطیفی تو داندن فسطو نیدنر جواسحن معوف اولد و توبه خلص
 مرنور بدم موف اولد ز سلی محمد خان فلدنن داعی اجله اجابت اید و اول اید
 عالم عفا به رحلت نمیدر . ضرب آهم سو قدر سده رای ماه کوک . حشره دکن دوزر سیه
داعی دگر ایا زیبات او غلغلندن احمد بکک ایه سی او غلی او کور داعی دوام دست
 و قیام جسمنی اولد و غن اختصار خلص مرنوره داعی اولد سید خصل عارف مجد و
 داعی و لوازم دوات تکمیل کا کاکار اولد فیه داعی . اولوب حسن خلقی قلم مثال
 کتور ش بر درویش لریدر مرنور احمد بیک دنیا دن رحلت اید و کنه بنواری اید
 درین اول نوجوانی بوجهاندن . اجل سیکه ابر ثوب قلدی دعوت
 توکل ایلوب اولم خدا به . فنادن چون بقایه ایلدی رحلت
 دعالر ایدوب که جان و دل . دیدم نایخ اولد رو حینه رحلت
داعی سلیمان ز آردا بری چلی دیکله موف دانتر کمال ایلد موصوف

کتیه بوزنن کوک

این دانش و ادراک بجای می آید و ارباب ذهن پاک فرزانه می خوانند
 خواب خلایق هر نفس ماهر و معارفند صاحب حظ وافر و عدل و نظری نادیده کنند
 ابدی روی وجودی مرحوم حسن بک لطف امدادی اید بام اولوب استنبول
 خاصه که مدرسه سن مدرسین خدمت عاده سندن ملازم اولاد صحرای رانی
 تدبیر مالک و عازم اولوب ادرنه ده جامع اردی مدرسه سندن عزول اولاد
 مصر او افند سکن انچه ابد منوقه جنسی اولمسیه اول تابان مصری سی اولاد
 مرحوم عوب زاده افند یزدت شتا و حق سراده که صلاح زمانه امکان فرودن
 دراعه زمینه پیشه بر خیز طو مریوب اتردی و بار صبا نفس هر د اعدا کی غایت باز
 اسردی معاننا در ایام عظیم اولد و غنه سبب اولیدی که حرات تمیزی دفع چون
 استعمال کا فز بر خیز اکتا اتمیدی و جسم زمانه بولد بایا اولد و غنه علت
 بواجدی که یعقوب واز بوسف پری دیدارندن جدا و شب سرنگ باران
 دیده می گیر لوبان اولمخله کوزینه بیاض بر فنا نمیدی بومقوله زمانه که
 جمله عالم مرده صفت جو کنن قلمیدی و هر کس سفینه وجودینه نکر قامت
 صلیدی کستی بیوار اولوب کیدر کن با مخالف کستی حیاته بیرقدن کلوب
 روزگار زور کار فلک وجودینی کرد ابا جمله گرفتار اتمیدی و حوم و قوم ابدی
 استنا اولغین بلبه غریق دریا اولد مناسطال بوغل غیال اولاد ناده و حیه
 دل او ز دره بایم دریا کنارده اتم جوق اویند رانی بوز کارده
 بوا آه تشنه در بای غنچ دل بر کستی در که کبره صالدریناره
 تک دولت وصاله اله کیرسون اولمک منصب اولورسه دانستی اولسونده
 اساری خوب و کفاری غایت و عویند از که خلق اکتد حشر اولاد اسرار
 آزد لیکن هر برسی مقبول حق زرد اصی بعارف ارسلند استار بولای بعضی است

استعاره خیر و بطور اولمک اولیده سولیده مرسته سخنداکه همان غلغله غنچه کشتناکت
 کور دیکم لبر کاک اولدی میان شکر چقدی از کلکله آره لرندن سخنداک
 عرض ایدوب نیرسن ای لاله دنگللم کچر اول سمیرک بایند فلس اهره
 هر قین خاک نمندن بار بیکانن الور فویر برن خسته سینک وور کن جانن الور
 نشان اولمچی تبر بلای باره جانن کفر ووار به خیر است عشق جهانن بزنان کفر
 قاضی خلقه تنی زرد اولنی اوتمه قولعه کوبه اولسون سنگ ای کل بوزمر
 درونی از نینقدند و ابل حالنن ارباب و فدن حرف بلر حیات ابلکن خرد سوزن
 ابل تحصیل قوت لیل و نهار ابلکه ایلد قویه فارمقدن صعب و دشوار اولغین تحصیل علم
 کوشش بسیار ایدوب نهایت طریقن قضا مصر دن متاع اولان لیس زاده به
 ارتبا و اتمیدی برن و افنون قاضی کانی کبی اکتی قات و طوب طوب افنون قلع
 بدنی خواب و بیاب اینکله و اصل حالت مات اولمسیه فوق و فاددن حال زلف
 دلبران کبی شویش و کان تنک سنی ایلد جالبه رقیبه کار عاق صافی مثالی مدام
 کن کس اید باین جمله استعاره چخته و جاستنی دارا و کلان یکدست و هموار در اثبات
 مدعای سابق چون دعوا به مطابق بعضی استعاره اید اولمک
 نوله کچینه عشقه کله پنجه بایس ایکی تسبیح طلسم اولمک اول کبی قاش
 نوله بر کوه الن اولسم اولمک بویجه دمد بر صبر با غنه خاتم کبی طاش
 کل کوزمه فوق و تختی عارف اولمک چون اولورسن منزله کتبت ایشین باخته بند
 و اصل اولم خسته آب حیات لعلکله یا نمیند آتش هر کن مانند پسند
 کاسد اولم طکیدر نمون کیر و بازارق مبتلا لر مفلس اولمدر کوزلر زلف بند
 هر قین عکس فلک آینه جامه دوشه متراب اهل صفا باده کلفه دوشه
 عاقبت اولم اول عاشقه کیم بر صغی کچه پهلویه چکه ایتسی خاتم دوشه

مرحوم فدری اخذی برقصید و بمسیدی اول زمانه اولاً شواتیج اتمیدی
 صافی دل و لب بسبک و اولی روشن کجی نیره طبع او کو کراچان اوله دردکن کبی
 ساع و فوک فی کیت طبعی بو غول فانی اوله اوله کبی نین اولسید بویا اندر
 فوت ایزد برزی مو اطل ایدن کبی . کیم طسریز زمینه دانه خمن کبی
 روشن استرک جود کفایس و میراقل . کیم اچسون رخنه کرم جانیه روزن کبی
 ای بومرات فلکن کند و به عاکورن . کوسر انکالی اولی بین آهمن کبی
 کل اربان کبی صوفه صدر کاکوزله . عونت استرک بوز اور طرغ و اردام کبی
 کوسر سه نولا خلقه بنایله بنی بار . اسفنه سیم بویجه زمانه کبی بن انک
 درون دیگر ابد کونر . هوایی غنیر باد گلستان جنت اناری خود از جانی کبری
 من تکتها الانهار اولان کبی دار دند زکتا به لازم اولان معارف و کمال ضعیف
 دست اکن فن می سبه ده و احمال حرام اچون مخادعه و مغالبه ده چالاک
 و جنت ابد . عجایب امور دند که بر بیت فارسی پنج یاردم ابد چقوب فارسی یور دند
 بلور کن لغت فارسی تالیفنه جوات . و مرحوم کمال ابد زاده نک حقایق و دقایق رده
 حیات . انکله هر کون صورت حارته ابد او اظهار ایدرد بویام ده کفر فایم
 لشکر صالسن و غواص و جودی کبر عده طالش در بوشهر انکدر
 شام زلفن اخی بغداد نه حایل کو چک . کوزمک برسی جله برسی او کد و ان
 درون دیار خاکه غنیر . هوایی مشکلس . ساحه هر طرف و بنا ابد نمونه
 و جنت و عرها اولان تهر صیف . دندر درون بیرونه موافق و افعالی و احوال
 مانع البالنه مطابق . درویش صوفی . و فنا هیئت کسند در علم ادا و اوده بی نظیر
 روز کار و نهایتن صاحب شهادت اوله و غی کبی طنبور نوالقن و فی هر امد و
 نماز در پوچ ششاد طنبور شال استاد دن کوشمال کو بکله آوازی و دوز

و چون و مانده دف کف فوالدن طبعه بکله علم اصولن به عبدل و قرین اولسید
 تصنیف ایزد که مرتقله و صورته طبعی جهان اولو عامه مفاسد و جمل کایانه
 اصولیکه روان اولسیدی و به رحمت پا کایانه جله سیران قلوب اول
 نغمه پرداز آواز زیر و بم سباح اطراف و اکاف جله عالم ساز کار خوشخوانان
 عواق و اصفهان اولسید . مرحوم سلطان سلیم ناینگ شهادت اکن مجلس و بزم خانه
 داخل اولوب سر منزل الطاف سلنه و اصل اولسیدی لکن اذانت اکرمت اکریم ملکنه
 وان انت اکرمت اللکم ثم ذآ . فوای ظهور ابد و خبت طبیعت و دانات جلیلی
 اوزده اول شهادت غالب نک صایف نعم و حسنه رقم عقوف و کفران چکوب
 بوختس اول زمانه بغله و غی و اهل دریکه کوش سعادت اقرانری اولدن قریب
 اولدیکه آتش غضب ایشا مانه فروزان اولوب اول کوه صمدن سببتم روان
 اوله اما که حکیمان زبوری کونده بیک کره اولدیکه قصد بله آستان سعادت
 آسپانمزدن مردود . ایدوب شیطان مثال نعیم جانندن مطرود . ایزد بلر
 اولدیکه فنا بولدی شهر دل آبادم . هیچ نشانه میل انز بوجاه انا شادم
 سدی غضم بویکم اکلیم هیچ آدم . ای بوالهوس دولت مخوری غفلت
 ستم کرد دنیا بیهال که بغلادم . و قیقت اکی به برابر ده بوقصین سی
 قبله دن دو کدی سویا دیم قدر . سدی ایدی متوج به دریای چین
 جابجا بلکن آجوب جعدی ایلدی از بار . حاکم دریای سفید اولد قضا کلشن
 سر و بر خوب ترک دکی طوب ایزد . با ستم انک طرافه بغلادی رسن
 کستی طالوع کل صدمه لکسینه . به دیه نوله کرک تنه نوره سوک بلکن
 بزی صالندی چکندی هوای قو . قاریه اندی غم زلفکله کشته تن
 درویش محیه قسطه طینه نک آب و هوایی لطیف . ساحه واسعه سی هر یفت اول

اولین

اولین

محلات فایض البرکات تن مجع اهل صفا، محله عاشق بیت، اندر ترف اوقات
 و ایمن ساعای، تحصیل معارف و کالانه مصروف و املاط افغانی تانند تکمیل فضایل
 و عوفان ایلد سوره و موقوف حلم و کرم، و حسن بهم ایلد اکف و افغاندن قابون
 و اسمی سنان مطابق و موافق کسند در او نور افجه مدتس ایکن وزیر آصف بدیر
 سیر مشرقی نظیر مرحوم علی پاشا که اصحاب خود است به میل نانی و ارباب معارف
 و کماله انجذاب لاکلامی، و لغت بن مزوری رئیس کتاب دیوانی، و طو انویس احکام
 خافان، انکچون دیوان کاتبی نمیدی بعین علی پاشا که تها روح بلند پرور
 ریاض عالم قدسه طیران، و بلبل در جانیه شاد صدا حق جانتن استبان
 اید بیک پیغوله امان هوس غیب و بکس قلوب جالایه پهلوانی سلطان جسم و عوین
 خدمت علیه لرنت قلم شال عبد مکاتب او کماکان خدمت کتابت و در ویش عالم شفا
 و کوسه قناعت در طبیعت شوی قوی و فاعله اسرار صین البیان در و ذهن دراک
 شکل اولد غنچون وادی شکلا طبعی حساب او کوما و وس قوتی اولد نین
 خلی جولان اوزره در و طبع شوخت معن و اینج دخی رسوخ و اردر سالک مفا
 معنوی ناظم کتاب ترفی سنوی مولانا جلال الدین کریمی موتی قدر اند ستره کوز خور
 کعبه العاق و مخاف اهل اوقا، اولوب مقام راست روان مجاز و عواف و مزدحم
 جباه جمله آفاق، اولان نرینه ترفی لرن زیارت، و اول ترفی سرایه دولت و سعادت
 بلد کن بوغول نه بدین بسیدی بوابیات اول غولد نذر
 قوری فسانه صنور صوفی صدای ای، نبلد سالک ایدی کور سنده مولانا بی
 طوندی آفاق صدای نبله نوق جماع، سوبله کیم قصه کتوردی فلک مینایه
 قطب افق جهان اول بوی برکار، دایرک کوزله که در ویش اول سن بولایه
 بزم جهان ایتیز کن نور حاج جسم، سوغو نردی دستمه بر ستم دم

امواج بحر قلزم اسکن ایدی خوف، یوزره سوردی ایدی چوق التیم بم
 سن غیر لردم صفا و و امیدر، در ویشک آف بوبله کوزندن مدایم
 یار کس سینه پر آتش کوکل سودا پرست، بخت نامور طالع سر کنون خاطر کسک
 در ویش قبضه اولیای کرام، و مضر خیم، اصفیای غلام حاجیان بادیه عواف
 قبضه مراد و کعبه مرام، اولان توفیه دره سوزانده خلی قدرتی و حضرت سنوی
 نهایند مناسبی و ارباب پنجه زمان، استن سعادت آستیان منلا به رویال و نقل
 و درس کتاب سنوی ایلد تحصیل حال و کمال ایلد کوسکن وزیر قاسم پاشا که کاتبی و اول صاحب
 صاحب کمالک مصاحبی، اول سید وزیر مزور جناب پهلوان لایزاله و صل اولد قن
 فاتح خیره قبرس اولان مصطفی پاشا که دولت مثال خدمت پر اجلانه بیل غلبه
 سعادت و ارملازم رکاب جلالت کف به اولغله آغوز حاشیه نایل اولمشید، لکن نه کونه
 در ویشانه و اطوار و افعالی در دمنده بوی فتور و اینج فنا، اوضاع و اطوار
 مقام جانه ظهور پیدا، اولوب صورتها و معنی در ویش لربش اید و کج روش هویدا
 والد فردوس مقام فانی مدینه شام، ایکن مصطفی پاشا خدمت شری شاه جلای اولدن
 مزور دخی بیلد کلمیدی، اول توفیه مزور ایلد الفت، اوزده اولد و یازده
 و وحشت اسحکام مبانیه سوانت و صحبت فلتن سیدی، و یوسنده قنیل جان، و رغن
 صداقت ناره، و ما بینم ده، مدام ریح عیش خلقت، پیمان بکامی و وحدت ایلاداره
 اولمشیدی انده پرفانی ایکن بر دلبر نوجوان، سوب عشق عالم داستان حسنی کبی
 مشهور جلوه جان اولد قن والد ماجد مناسب حال بو مطلع نواله دیوب مزوره
 باذه عشق و جنونه ایلوب پیمان سر، بر جوان عشقینه اولدم بسلایرانه سر
 اولد فی مولانا جایشک بو مقطع به سوزانده یازوب کوندر سید
 ملوک پیر شدی ترک عشق کن جامی، که من بعشق تو پیرانه سر جوان شده ام

نام حرف انجاده کوک میدان دیکله بنام اولان مقام سدر اخر من یاران درو
 ذوق سماع بجان اولسون دیو مولوی خانه بنایتمیدی و سینه تاین منجاده
 ع نه کی ناله و فغان ایدرک اولان نازن بر و احباب و اصحاب جمع مجتهد و اندک کل
 مو دنت پیا به کی مدام دو مکلفن حاج و کله و سلطیم ایلد بایزید جیکلی ان ایلد یازوب
 طو ندی جهان خیمه کردون طایر ، صحرایه زین ایلدی چادر چچک
 کلبوب غم خانه کون یوز لو جانان کچر ، زلف کبی کوکلی قتلور پربت ن هر کج
 بر کچر طو تنس لمزی ای خورشید رو ، صبحک کو یک طولانر ماه تابان هر کج
 کرم اولوب کو کس کریمه طالع کلک کچر ، کم تیر مهر طبعه قوتند عیان هر کج
 خایه وارمون دیو بکلر کس یار کج ، صبحک بو نم کوزن شمع شبنان هر کج
 دیمسیدک بو کچه قوتیو که عیان کیردن ، ایدر رم اول سو قله چاک کریبان هر کج
 کچر دایم غمک پوسینه ویران ، اکس اولر خانه درو نه همان هر کج
 درو بس ادر نه دندر کستلی مصطفی سی بیکله معرف اولان فضی که اولیدر
 طوق علی سالک اولیدر صاحب طبع بلم ، و ذهن ستقیم ایدی یو کس اولیدر
 قد دلجو یک خیال دین خواندن ، کویا بر سر و رخا در کنار آیدر
 و وندی کو کلم بنه بر رخی برگنه ، راستی سیوه ایدر فانی سر و چینه
 درو بس خورشید و جو دنواری ، بوسنه دیار نه موت سار نام قصبه نامدن
 طالع و تابدار اولوب هلال ذات بر قباله ، افق بلش مذکور دن ظاهر و بدیدار
 اولیدر اول بر منیر هلال اکین ، و اول ذات طیل و خطیر نوس و نوسان اکین
 تحفه کرانیه اولغین پیش پیشگاه سلطان اولدقن آت میدان سر اینه و اصل
 و لؤلؤ لالی وجود کمالی سلک خدام سلطان سعادت نه داخل اولیدر
 سزای سعادت اولان سزای بر جلالت تحصیل معارف و کماله مداوم و تکمیل

انواع لطافت سعادت موانع و ملازم اولوب کتاب مکات مکتبه اچون پونه چان
 زر کمال عبارت طبعی قال ایدوب جامع اصناف موفت و کمال اولیدر ذاک سوده
 صفات مودع و مکنون اولان قوتی فعله و صدوق درون معارف منجوتن
 مخزون اولان لاله اسعد ایداده کتور مکلف داخل جم سزای سلطان اولوب
 اهل جهان کبی بری بخت جادوان اولسیدی **منشی**
 چونکه جشدر سزای حضرت شاه جهان حور و غلمان اندن او زکمه برده ایلر می کلک
 حفا که خلک معارف خورشید پر انوار در منزل کون کبی فلک دوار اولسه سزادر
 و خوی نیو ایلد حور فرسته رودر مقام و متواسی بخت علیا اولسه رودر ستمبار
 طبع عالیسی جلالت سندن ممتاز و هواد فضا نضایتن هم کبی بلند پرواز در
 پس مناسب و ملازم اولدر که کنگره حرم خلک فرساده آشنای ساز اوله و سزای
 مخالفات مکلف خضای باغ جهان ازان و امثالندن سر بلند و سرفراز در لاجرم نام
 و متمم اولدر که داخل سنان سزای پر خواره اوله پنج زمان خدمت سلطان جهان
 طو غامخی انفسه باز شان امانه و امانه الکلیدی و ستمبار نوادی تزدوان
 مرام و مراد شکار قله سیدی بعل مرتبه اصحاب معارف و کماله و مستفیض انوار رسد و در
 اولان ارباب اسفاده مفیض انواع فیوضات اولان پیر سلطان ملاطین جهان
 فرمان فرمای شرم جان باغی بیانی لطف کرم و جابر شاه بود و هم سلطان سکندر
 شهنشاهی که چون سیروان به درانت زمین عدل جهان خوابش معمور
 بجز کرم نبود مقتضای جنت او ، بر اختیار کرم هست کویا مجبور
 سید ایوان عدل داد خورشید جهان سلطان مراد ابد اند قالی ایام
 و قرن بلند و ام و تخلید عوامه مزبور کفایت و اسفاده افکار لری انجین
 مولانا بنای نک سخا نامه کن بلاغت نضایتی که وجود اسخی کبی کباب و مهر بنی

حشم و اقتدار و خاقان درو

در دود بوار نه بر نفس و بخار و تندرست

بخامد و ج و مقبول پنج و ش ب در نه جمه اینکه امر بیشتر در حفا که بنا طبع بر آفتاب
هر یک بناسن و احفظ ایتمکه بنا و نظم حکم و استوار و نقاش هنر کاری هر یک
در دود بوار نه بر نفس و بخار و تندرست **ککرا** ایوان و کاخ کردن کشید و نابانی است
اگر چه **نظم** بنا **نظم** در کن نه بخت بیست بنایه اگاست بنایه ای
زهی نامه و گلشن دلیکی که **سده** جان عطار از و عطر سایی
ز بس که از زار در روی **همی** شایه ش گلشن راز گفت
بود پایه آن سخن بس بلند که **انجا** کند وصف ما را کند
حرف پشته ملک بخار و زبور که **ز** حضرت نام بیاقت و استعداد نه معلوم ای
خام و دود بوار نه بر نفس و بخار و تندرست **ایتمکه** بین الاقوان معنون او کو کردن
وجود نامدار فلاد اغبایه مطوق و مزین **اوست** ز طاسعات و حضرت کی هر کون
ملازم حرفه و مجمع مثال هر کس **ایم** اوزره و اوم خدمتی در متوقدر که **هلال** بود
مسئله از دود بوار نه بر نفس و بخار و تندرست **ایتمکه** بین الاقوان معنون او کو کردن
اولد قبه کون کی ضیا **بخش** صغیر و کبیر **اولد**
نیو اینون حسن اوله دهرک **کاهی** وصفی از هزار و اعلان
و نه طوئدی خام کسی قالدی **بر** ادنه بنی سی مدحتن جبران
طبع بر اعتبار نیک بوفتن خبلی قنداری **اولوب** عود قماری کبی استعار ملاحظت
مقام خلق جهان **سطر** و عین ساری **کلمه** بلاغت **مکان** و مانع اهل خوفا نه معبر و تندرست
بوبرایکی استعاره زبور که **رشته** قلم **تاری** و انتر طبع بر آفتاب **تندرست**
عاضه سیمک و سندن سیه کا **کبیر** **س** به طمش **کون** نرین **اوزره** یا سنبلیله
کل عذار که نمی **دو** شش **عکس** **عزل** **کبه** **نوشه** ای ساقی لبکا و سندن زک **تندرست**
روی **رکبتن** خال **عین** **قلم** **کلی** **اول** **نار** **سوزان** **اوزره** **خوشه** **دانه** **فلفله**

نه چون **بیلوا** و **لور** **یارب** و **خفا** **تندرست** **کبیر** **نوشه** **ای** **ساقی** **لبکا** **و سندن** **زک** **تندرست**
قرار آید و سواد خلی روی نابا **کنده** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
مقابل **لاله** **یسوسن** **چمن** **صحنه** **رومی** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
اولد **مفتا** **لو** **بندن** **طلب** **کامی** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
رونی **بزم** **چمن** **باقی** **دکل** **نوش** **ایرم** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
بدنه **نازک** **و ترقا** **متی** **موزون** **لطیف** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
کللی **ایتمکه** **اولد** **جه** **سندر** **عیش** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
رویک **زربکی** **زرد** **ادلمنه** **عالم** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
حسرت **قد** **کله** **طکم** **فغان** **ایلی** **جان** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
شمس **و قرد** **ب** **رطلعه** **کله** **نوله** **کیم** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
بن **نجه** **تنبیه** **ایدم** **کون** **بوز** **کیمی** **کیم** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
دکتر **نم** **سر** **کو** **یکله** **کلزار** **جنانی** **بن** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
عجبی **هر دم** **ای** **در** **ویش** **بن** **یوانه** **کلی** **کیم** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
چشم **خواب** **الودی** **لم** **که** **نه** **افزون** **ایتمکه** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
جانه **جو** **بجیا** **بایندک** **ترحم** **قدک** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
بکر **دی** **سرو** **د** **قامت** **بالای** **را** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
چشم **افندی** **بایرنی** **سینه** **دخنه** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
پای **غش** **جو** **انکم** **ادن** **کندم** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**
و **بایات** **کن** **ب** **فرورد** **اولان** **کلمه** **بلاغت** **تندرست** **در** **وصف** **خانه**
نوه **دخامد** **رخامی** **انک** **مهر** **مهر** **ایکی** **جامی** **انک**
پیشکاهی **نظیر** **باغ** **بخت** **قوت** **کرد** **سپاه** **روم** **طوئدی** **کبیر** **تندرست**

خضر الجسدی بر ابر کس اندن	النه یوردی آب حیواندن
کوریکت آدمی الود حسیکت	ارسم دینه ده بو در حسیکت
در مع شاه جهان الی نزدانی روان الدن	به روان قالدی گویا بر تن
قلدی فرزانه اولد غن	نطح عالم الیدی شمس مات
در مع شاه زمان دست کوهرش کنی شورا	نجه سی ابره بکزد در ایا
نجه جیشلری و لوکیان	شاه خندان و ابر خود کریان
باز دولت المده قلدر قرار	اولدی کارم طوغچیلیم هر بار
حمد که زخم ناکاه	سایه صالیدی همای خمت شاه
هر صند طوغان کلک کمر	رفعتم بازی اجدی زین پر
بکاعفا مغر اولد شکار	و میسون هیچ اوچوره درغبار
عاقبت پناه قدر شاس	ایلیوب لطف بی حساب قاس
خانه خاضی قلدی زین	ابتدی در وینه بیجه احسان
اولدی در ویش پناه	زره صن آقا به اولد قرین
اولدی جمیعت نه و درویش	اولدی عالم بر مناسب شین
شاه و در ویند چاکر	سویلمان دلی هر زمان بکمر

دری در وجودی عان جهان صدق شهر سکودین ظاهر اولوب مرحوم
 اسحق جللی البصاحب و معاصر اولد که دنیا کنگ کثریه قادر ایری نفوذ قضا غالب
 الیغین طبیعت سونیهی اول منته سالک و ذاهب اولورد بو تو صدف
 کلامک دری و سما بلاغت ظاهر اولان سوری در
 ای خواجه نفوذ فائده مال غنایه دیر مرز - بو کندی لغو فقه بی اطلال قیام دیر مرز
 نه بلون لذت نفوذ فائده مال جاه اعلی - بود و نه کل قناعت کوششین مرد حقان

دری بدان جهان کج در صدف ملاحه و دری نال لطف و لطافت اولان شهر
 بروسا دندار باجهت و اصحاب بیوفت قسمند در سلطان محمد بن فتح طش
 و جم سدی سنگ نونه قصب سنه نظره و میسر در مطلق بود
 عارف صکده بادله او نیز بوزلف عزیزین ، سائمه ابر جلوه لرطا و سوس فرخ و سوس بر
 و عای بر و سادند در جوامع موقوف و بابای کبی بنای توفیق مرصف المعین
 کفص نوری اختیار نمیشد خوب عوی وارد در بو شعر انکدر
 عارفک عرض ایت کله کلشن زینا تو - سرده کوسر قد و کله نازیکه رعنا نمون
 قل موشش شکر طرف کلا هکن کفان - غه ای مه شکل ابر و سینه غا نمون
و فی الدان از استوای رومک عرسوده صفایه استاد شرا و پشه بلغا
 اولان مولانا دایندر که حقیقت صفت بلاغت غیره عارضی و مرزوره ذایتدر باله
 کسیر ندره بعض اصحاب درایت مرزوردن نقل روایت ایدردی کسیت
 و سبعین و نمانایده طوغدم آدم عوض در و هم ناریج ولادندر دیر اید مقن
 اصحاب جوفت و اربا صیغندن موزه دوز اولوب بنیال ماه الکاسب
 حبیب الله فواحی اوزره الدن کلدر کجه صنعت مرزوره ایدر تحفیل کفافی و معیشت
 ایدر کلک سلیقه نظیره و طبیعت سوری قلوب و ذهن هر نزاکت و طبع با استفا
 نظمه بایل و راقبت اولوب موزه دوز لغد و سوب چال سور کن الی دگر کجه
 اشعار دخی کوشش و وزرش اوزره ایدر آخر موزه مثال پایمال اولد
 وار ذال اولوق ذناش طبع و اذالت سانه دال در مقتضای علوهت اولد کجه
 انار طبع بر اقدام کبی باش اوزره مکان ایدر و جوامر زو اهر بلاغت کان اولم
 و صیر فیان بازار فصاحت ابره دکان اچم دیوب دار السلطنة الشیه قسطنطنیه
 حمیده و وطن و اقامت ایدردی و دمام اصحاب عرفان و هنر و ران جهان اعلی

الفت و محبت نامت گنور سیدی لاجرم ذات سوده صفای مال شایع بقول
ترقی و تکرار استعد و اسباب فصاحت و بلاغی تلقی اید و سوله شریعت معارض صاحب
استهزاء و اعتبار است و نامدرا اولد. اصحاب فضل و عوفان اولان اخوان و اهل
دانش و ادراک اولان باران. ظاهر و باهر. و صاحب اصحاب آفتاب معارضی خبر سار. در که
سوی که زمان لب و لسان کنی غایت تکرار. و صاحب حسن هوشان نهایت لطافت
وصال و ستاندن نفیس معمار. و آب رواندن سلسل دار. علی الخصوص مزین مجن
اسعار بلاغت نظام اولان صنعت توریه و ایامی رعایت اینک سواد زبان کامل
سبیران کنی سویی است. البته در. لکن انصاف بود که هر قوم ذاتی و فنی کلمت
اوزر است. و به نظر و ذوق. کلماتی حکم در صحن. و بنای برای بلاغی غایت قوی
و متین. معانی غریبه و خیالات عجیبه به قدار. عدیل و نظیری اگر است و سوار در
لکن بعضی بار و نرکانه اولان مانده مخصوص الدار. و مرد به هنر کنی لطافت و تکرار کردن
بیگانه معارفه. مایل و غلامه خول اولوب بوجهندن بعضی کلماتی نامقبول در
اگر چه بعضی سوری به ادا در. ولیکن بعضی غایت صفا در کنی قوی اوزر. بیک
الیه بوزدن زیاده نوله. و درت بوزدن زیاده قصیدی و بحر و خنوع و پر و آ
آلو بر تکلیف برکتی. و بحر ملحق احد و محمود نام کنی بیک بیت برکتی و پنجه
منظوم لطایف جمالی. و ادر که انتخاب اولسه اعلاسی و فنی غیر از کسوزن زیاده
اولد و فنی کثر ارقام و تکرار قلام اید محتاج افاده و اعلام و کلام صاحب
ذهن قضا اولان بعضی امی انتظار و اقلیم فهم و ذکاوه مانند دکا شریعت
اولان بعضی ادب الالبصار زبور کسوزی هوار اولد و غنچه و جمله اقدار
بیان ایدر اولاد اولد که در قوم و قومک در پنجه کوشی کلنج ضم اید حکم
بسته. اولوب هدف کوشی لای اصفاد ن خالی و قار و کوش بی هوشی

بنفشه کنی کوشوار استماعدن بالکلیه بری اولوب اسعاریه افتراف افسر
هرگز و کلمه و کلام اهل دخل و ملامی قطعاً و لغته قویوب سلم. ایدنی فی الواقع
مصاحبت باران و مکالمه و مباحثه هنر و ادب احاد و ایجا و سوده چوق
دخلی دار اید و کلام و دیدار و دخل و معارفه نیک ترقیق خیلی مدخلی
اولد و غنی مانند خورشید نوار. و روشن و اشکار در لکن بعضی باران و اسطه
ضم اید صحبت و الفتدن منقطع اولسی سوه تخفنه سیدر دیم. و کلمه و جمله
هو مولیهما. ثانیاً اولد که زبور ک غایتن فویدع و ضرورت ثانی دار ایدنی
صحرای عاصف اید اوراق و بهاری ریزان اولان خوان دین اشجار
کنی به برک و بار اولوب درهم و دینار. سر شک دین و دافع و لغاری اید
وجه معاشن کنی و سی تربیت و ابجای کفاف و انتعاشن بنفشه جم و کرب
اینگه محتاج اید. و الوان و انواع مال و سالدن روزه دار اولد غایتن اجیدی
لکن بوحال اکثر انام بلکه عاقله شرای یایم اید سترک لازم اید و کینه محتاج
اعلان و اعلام و کلام اید و چچی اولد که زبور ک نمو منصبی و علو رتبی و
کند و به اصحاب و دلگ همت و تربیتی. اولد و غنذن ناماد و مخزون
و حال بواند و ابنوه اید و بسته و دیگر کون اید
که سوزن اکینر خاطر که خون باشد. والد و دوسگلان و زبور ک اسعاریه
سبب بیان. ایدوب بکونه کوهر افشان. اولد و ایدنی که و حوکت
و خانه مجمع شوا و منبع ظرافت اید هر کس اید و کینه اسعاری مزبور ک سوزن
استعد و اسباب معارف و جواهر زواهر لطایف بار وجوده کلام اول
خواجده باخته و ض امتیجی که الوب صخر ایدنی زبور دخی مقبول اولان
معاینک لیکن عینی اید. و بعضی فنی تغییر اید و تغییر اید و الورد. بوسیدن

چون معایه و غسل و اکابر خدایان و دین حاصل اولسیدی مرحوم علی بایزید
 جامع حلیه دکان چوب رمالق ایدر ده اولیده سبب معایه انعام و جوایز
 اکابر ایدر ده منقطع الیچین ایچون رمالق قلدی والد فردوس آستان مرحوم دا
 کنه دانه مناصب و مراندن سبب حمان و فو و فاقه ایلر خوار و زار اولو صنعت
 تحصیل فوت ایلر کفار انکه باعث نه اولد دیو تفصیل حالندن سوال ایندن بو کونه بسط
 مقال ایندر اولو استنبول دخول و صحبت سوا و طرفای زمانه متول ایندن
 مرحوم سلطان بایزید خان زمانه ابدی مرحوم علی و فقرا و مشایخ و سوا به جایزه
 و سالیانی امواج عثمان کبی و اوان و انک وین عاتق مناله بجز و به بابان
 ابدی مرحوم عبیده و باریه و شتایه فیسین رو و بر در دم و صورت نامولی آینه
 لطف بر نمولن زانی العین کور دم و هم اول مانع وزیر جهان اولان علی پاشا
 مرد کنه دان و صاحب انعام و احسان نه این کائنات کامران ایدر اولو کابو صفت و بر دم
 شنا وجود نایه ایلدی عدم و نه وجوده کوردی به عارضی دم
 ایدر نه کردی رمال مل کافله سادات غیوب ایچره هیچ سر بهم
 فیسین نام ایندن اول وزیر نام بوقصید ده اوج فکس برج اینسین
 بری رمال بری دانه بری اصم و بولطف ایدر و نفوذ نامعد و ایلر حیان
 جنان و اسباب به حساب ایلر خفته دل و جانمی ملو ایدر و مجلس خاصه کبر و خست
 و اجازت و بیرو به حکم اولد و غدن سکا تولیدن خبری مناصب مناسب دکلدر
 ایتا و آتک سکا بر تولیت و بر یک شرط واقف کبی ذمه لازم و لازم اولسون
 دیو و علی لرا ایدر کنینه بن منصب حواسین و مرکز تولیت بر داسین
 اولیوب فکر ایدم که بهوت جهانک سالیانی و اول سلطان عمیر احسانک
 عطا و نسی و وزیر علی پاشا کنین بر لطف به نایه و انعام به پاشا

و فعی سکر متید زاده و نایه ای زاده نک جوایز به کرانه سی هزار بار تولیدن اعلای
 و بودام شاه بازنق و ده اول جانن نرس و هر صبح و هم علیه سزا اولان قدری فیس
 ایلد فح به دایق ده اولو بلیل لک و کلام بلاغت کجا مله متر نم و کونین جان بوظلم
 فصاحت عنوانه مفتیم ایدی به فقیه مدرسه دی مست بود و فتوی دادا که می حوام
 بوا ناده پیری پاشا دفتر دار اولو اول فی احسان و عطایه و بخش و سنی و انمره افتدا
 ایدر بند فی عیبه جز داننی آج دفتر از ماری جفر اولدی پیری جلی دو سکر دفتر دار
 و بورایه بر فیسین و بر دم اولدن استماع دخی و لغین بنی انعام فراوان ایلر
 در بای احسان ایلد اول ناده سلطان بایزید سوادن غلدر استنبول به زخمی
 نازد دید کمر غلدری و بر و بر بیز احسان فراوانه بلکه پنجه کنج ناکانی ظاهر اولد
 علی مخصوص بنم فایه فکس بویستی کور دکن باسد کورک عالین معنی خاص و کمنه
 دیر حاشا حاشا اصداف سباح لاله متلاله بدایع ایلر بر در و کبره الحان جواهر
 معانی خاص ایلر ملو و بر در همزانه غواصلی ایدر بای دلدن جفر مقدر صنعت
 اول جواهر زو اهری کاندن قزوب الکتور مکرده دیوب دانه به تولیت کور و کور
 دیو قاپو اغاسی حسین اغایه فرمان نمشدر اول بیت و در
 کلدی اول هد بایسینی قبا ایدر بیجا زاده اوقه به چک بیکه مانند کشف
 اول ناده بر کورده بکری بس ایچ ایلر تولیت و سخت و بر کبری کور دم که سالیانه
 سلطان فیض نظام و جوایز و عطایای اکابر اندن صد بار زاید و افر در
 داغت ایدر قبول تولیت و سخت ایندم بعین سلطان بایزیدک و افر سلطان
 فتنه و فقرت خط روی دلبران کبی ظاهر و حیان اولو خلق جهان مانند طر بهگون
 در هم و پیران اولسید بوا ناده عتبه علیه سنده استناد من و مشکای فراوان
 اعتماد فر اولان وزیر صدیق سی مرحوم علی پاشا آخو رحلت ایدر و در بوزنه نوال

در بوزنه نوال

و عطا اید ز مهره مواید لطف و سخا به آماده اولان مرحوم مؤید زاده و سر تاج صاحب
افاده مرحوم تاجی زاده غول و لنگه بند خا خیار کوشه غولت اید و صنعت
ر مله قناعت ایتدیم بعد سلطان سلیم دارای هفت قلم اولوب تخت یکاوسن
و سه بر سعادت مانوسه جلوس ایتدکن نوبه قصید ویردکن قصید فی علی الهوس
سرور اید بنی به فید در قلمه عدل طو تر مدی انی زنجیره چکوب نوشین
بنه کماکان سالیانه مقرر اولوب جوایز و انعامه مظهر اولدق کس مورار زوی
جنانی مرایای عطا بای فراوانت تصور دن زیاده شاعت ایتدک طالع ساعت
ایتموب ایام سلطنت و اعوام ایلان فنسج قلع و تسخیر بفاع ایل کچور و ب
آفتاب سباز کبی بریده قرار ایتدوب فلک دوار کبی حوکندن شکار اولدق کبی که انعام
و عطا با سینه مظهر اولام زمان پری و هیکانم ادبار شهاب ایلغین فسج و نهرت
کبی هم کباب او کاغذ مجال و کد و بخت و فیر دزی ایل منکن سرای پرجلان سواکن
فخر سعادت و اقبال اولدق مرحوم کچوب آفتاب کمانت ب عمره زوال
کلوب سرای سلطنتن ربان حفته انتقال ایل کمال ایتدیدی چون بهای عمر
سلطان سلیمان زمانه و طلوع خورشید سلطنتی ایل ملک عثمانی نورانی اید و ب
ظفر ظلیل ذات جلیلی اوستمه سایه بزدان اولدق قصید لر دیر و حصو موفور
مرضی و مقبول و سهام نامولز ایداق حصول ایتدیدی چون بانه کعبه
مدون و سخا قبله قبله نکرست و عطا آصف دهر مرحوم ایتدیم با طو ایتدکن
اولا کشفیک فنداشی حبسی و قعه عطا و دایه ده باد و بولغا غله تبریر تاثیر
غضبت نا اولدق در دمنی اولکن کندن خلاص ایتدک بهایه سیر ایتدک
ایرا ایل قندی و بصری و سایر شواج اوکو وارد و غمزدن دیکر و مشکدر
اولوب نایب ضایه قندی که کانلین طاشه طو توبت سینه ان و جینلرن

خا و مهره نوان و دل مخزون عاشقان کبی صد باره و کسرت ایتدکن کرا جمع
اوکو وارد و غمزدن سینه خاطر و زجاج مزاج نراکت مظهری رنگ پذیر و متغیر
و کسیدی کنن بنه در بای مهره غوا صلق ایتد و مدحتن بک لاله آبدار و جوهر ایتد
ایرا و اظهار ایدوب آستان کردون مدار بنه ناز و انار ایتدک مظهر جوایز سیماس
و کسیدم اما خیالی هر زمان بنی تربیه ایتد و کرا کچون سر برده عادات مقبول
و ناسزا کلمات ایدر دیونفاق ایتدک دل دریا مثالی خاشاک کذب و نیمت ایل
متغیر ایل ایتدیدی اولن مکه بر خدای تانکوا و تانکوا کتیر بنی نوع ایتد
و اعداد و ربان سلسله آدمیان اچون اول جوهر فرد اصطفاء زوج ایتدکن
ایوب و بنی نه غو بتدن خانه سیرجه کیر سیدی اسوا عادات مهوده و قاعش
مالو قری اوزره قصید لر دیر و ب بن دخی سوره دید و کم قصید ا و قاعه
دار و قن خیالی مک نوبه قصید سندن بویتی ایتدوب حوی بویکه دیکر دیر
خیال نه تو ز لر کم فو پر سدر سمن طبع موزونم کوزینه تو تیا ایل صفا مانده کمال سندن
بویت بویکه دیکر دیر کین با پنجه در سوال ایدیک بویتوال اوزره دیدم در
نه تو ز لر کم فو پر سدر سمن طبع ذاتیک کوزینه تو تیا ایل صفا مانع کمال سندن
بویتو صفت نام آرزو خا و اوکو شوانک بوراسی اولسه ارا رنح اولان غرض
و حاسد دایما ترا اید اوزره او غنچ هیچ بر وجهله زبان طعنی در از اید و نکر
باری توارد و عوا سن ایتدک کید کچه اول مقام معارضه و جدال اهل
بلاغت و کمال با تین خلاف متضای حال ایدی لکن صبره مجال و تحله احتمال
قلموب دیدم که بهای کردون نعت جلوس هر سلطنت ایتدکن بقیص ویرد
اچکن اسفند زاننه نقلین تاریخ ایدوب اول درج بلاغت درج ایتدیم ایتد
حاصو نه حرم سلطان و سرای خاقانه ده موجود در سین و توار مقول سندن

معدود و دکلده دیکله است غرضی شغال از دیار بولغله را مرده برودت
 و سدی شند از دامداد بولسیدی و ضمیران خیر خشک اندک و سوره یمن منج
 باران غنیز پر مرده اولوب مولسیدی بعین قدری افندی که رفعت قدری کنگره
 کاخ سپهر و سر علم دولت و غنی و قدیه ماه و مهر محاذی اولوب منصب صدارت
 ذات خورشید ناریت ایلر قدرن ایروب اناطولی قاضی عسکری ولد قنصی بقایه رعایا
 ایلر نوجیه تولیت ایتمسیدی بن دخی اول منصب قیامت ایدوب بانه سبب کفایت و محبت
 معیشت قلمبسم کیدرک پر یکبار شد و دهقان برینه حفاقت و برقان کیر سبب
 قوای ضعیف و ضعیف قوت جوارحه رعایا و اعضاء حرکت و کلوب الف قانم در دهر
 سباب ایلر دال و بیر قدم وقت جوان ایلر کان مثال اولوب درخت وجود نامدار
 خوان دین جبار کبی به برک و بار اولسیدی و آلام و محن پیری اقبال ایدوب
 دولت و سعادت سباب ایلر ایتمسیدی الدن دو شرب یر دو کم کوهر سباب
 و حیانت خاک فیا بکن بولس چون اکلسم و هر بار ملک الموت سلامن المغفور
 ایلر فایات اولسیدم سفره اقدار بر طرف و حیا را و فایات ازل عمار و تحسینات
 بشر خلف اولد ابراهیم شاپور اولوب ایاس شاپور زارتی و محمود جلای دفر دار لغی
 اولوب ایلر دال خوان سلطانن ایلر زواند خوارک ز غلجه زواند زکار در دیو
 رفیع ایلر کلریم برزم دخی جانیزه و سالیانه لر دفر قطع اولوب نهال ایلر نویسان
 لطف دنوال سلطان ملک خصالن قطع وقع اولسید حاکم نانوس و دولندن
 مایوس نفوذ فایات زاده آخت و عین کسیر مغفوت بلوب بوجال ایلر کنوز
 ویدی سیدت فوسین وضع مایه ده اول تخی زمره شوا داخل جماعت خانه دنیا
 اولوب اجتماع احباب ایلر بیت فضا اتصال اوزره ایکن صورت حالن شکوس و ترتیب
 اسکان معکوس و دیکله را معروض قیام اولوب بولکر کا عالمین انفصال ایلر

مرحومک وفاته چوق تاریخ دیشدر ظهوری جسم دیشدر استقاری قلدی کل
 دیوب عیدی سخنور کیدی دیشدر بر تاریخ دخی بودر عیدی دیشدر
 سوا یاری دیندن کچ چیدی چونکه اشعاری اکثر جامع مذکور و متلو و آواز کفایله
 قبه دوار سپهر زکار ملودر عاشق جلای کندون اعلیٰ شکر کوز قنقید ز دیدن بولس
 دوستم نشان پای یک ایلر اوستن
 رقیب زاع الدن برتر و شیوه کار الدن
 رخ باره نظر سز نظر زخمینی اوستدر
 کور رسم بر کون بوزک ای مینی غم ایلر
 کور یکجک حسنک عنان خیار الدن کیدر
 بابک چون نقش ایدو ایا فدا صا که
 غوغه اوله بولجی مرغ دل شکار ایتدیم بو
 دانه نوره الدن کلدنجه ایلر لطف
 جسم لطیفه دل سنگینی کورینور
 حاتم کبی با سبه جفدی کجای عشق
 هرگاه به شگفت ایلر دیکلای عشق
 بر پا بر هفت باش حق ایلر نور انک
 نوک ک کلر سن فکر هر جای صبا کلم دار
 آیه التند اوله کسند خاتم کبی ای
 ایشکله کاه سکبان که دربان اولر
 مرغ سید کانیان بوغنی غایتن خود زانست و شکار سبب مغفوت در
 قاشک ای بوستان لامکان پر ایلر نور دن بر سر در دوشم ز منیه سبب

اوردی در وصف این ایلر

یوسفی که چه کوزل از تری کسیر ، کون بوزک کوردی سنگین او کد ایک است
 آخوت بازاری نه وارد فن البر فایان ، نقد عشق کدر انگ کم سرور آسیر است
 باغ جنت امیدم بود در کم دانه ، جلد مؤملری اول هر واید نه هست
 ذهنی بر وسادون موئی زاده بالی جلی ویکله شهوز اصی به عارف و کمال
 اچره صاحب خیرت و عوژ در دانت سمند ایمن مزاج دماغه اعتدال کلکله احوالنه
 بر مقدار اختلال کلوب طریق عوف اضاقه ترک انبک خوینی اید اوان واکناف
 سیاحت انجندی ، بعث مقتضای تون اوزره به طریق معناد که خدمت ارباب
 افاده در عودت ایندک امیر حسن خدمت ملازم اولوب طریق قضایه عازم
 اولمیدی اسکدار به عن غلط به فنی اولدق داین اجل مزبور متقاضی او کوز
 سدانی و نمان و نسخ مانه آخوت رحلت آپد مالک مردن و افوه و صاحب شمت
 سنگاتره ذهنی کتاده تلف و تفسیدن ازاده سنی مبدول سر به مقبول کسند
 ایدی استعاری ساده ایدی اثبات مدعای مزبور چون بعضی ابیات مختصر بر اولد
 جام غنیمت بره چالدرک خاکه کبان ایدک ، نذک ای ساقه دوران کوز کوره فان ایدک
 لعلکه او یکند و کچون بر عیال ایدم ، سیه اچره باذه جسر لمیوب آل ایدم
 کرم اولوب به خوشی امیر کزن سیکله یایا ، مایه چقدک طور مدک چمانه بوزدک معنی
 سوی مقدار کچه یکین سوزد ذهنی سن غم ، سا که بر اکلن در بولر نه باری رغبتی
ذهنی استنبولند بوزک فنی نامی بالی در ادر ایل حال و مبادی سن و سالن
 نه زاده ملک خصال سلطان سلیم نانه خرنیک آستان ملک قسار لریه استناد و ترس
 ایدوب شهنا مزبور دولت سلطنت اید کایا ، اولدقن اید ایشی اولوب بعث
 دیار بکره و قبر سه جین حله دفتر دارا و سید ، حاله مدراج جابه و طلاله متعاضد
 اولمقدن متعاضد اولوب به مقدار تیار یل کوشه غلت اختیار انجند شهنا در بکار

نظم و انش و سوز و مقایله آشنا دیش جان کحل فخر کمال هر ایدر و شناده بویت
 یار چاه ذقم عین و فادر دیر ، اکای عانی سوزین انم چکه در
 غمک خدکی اگر چه که بوم در کچر ، مجرد قلبی خنجرک اما دیر کچر
 اغیار کینه خواه کچر سنی سکا ، اینانم سوزد کم سنی زبر اسوز کچر
ذهنی مانی عبدالسل در برج نیرات ولایت و درج لاله زاهدات کشت
 معزایات خلفا پین اولان سدر ارم آیین معطیات مداین و بلاد و کرم
 بغداد دن نجف زاده دیکله شهوز در اسکندر پانک و علی احمد پانک
 استنبول کلمیدی جوانیت ماهر حسن خطه قلاز ترکی و فارسی شکار و میث
 بیجه و ماری اولد و غنچه عجزی فن موسیق کچر چکن صاحب اعتبار و است
 ایدی ابوبرقاج سقا و اسعار مزبور ک گفتار نذر مدعایه دلیل انچون ایدر
 اولد احمد خنار نام دیر سیم اندام حقیقت بو خول دیوب بو انقرا نام کوز
 کیدی الدن اخبارم جذبه دید ایدم ، دوستلریم نولور حال احمد خنار ایدم
 کلک آچلک رقیبه نولر اغی غلب ، سیدی اولدی کل رعنا اچلر خایله
 نامه ی صغر حدیث فوق ای ذهنی مکر ، گاه حالک یاره اسعار ایدر سغایم
 سلطان بایزیدکی اولادندن سلطان محمد ده سنجاقه متصرف
 ایکن دفتر داری ایدر سوزی نظم ساده مقوله سیدر بو مطلع انکدر
 کر چیکه کارک رخ آله کله کوز ، عاشق کزیک تالش ده لبیلر کوز
 سلطان علم ، بایتن دیوان کتاتن ایدر دی بو سحر انکدر
 نیدم شول بزنی کالک ساغ و مهر وی بو ، مایه مجلدن نولور کم مطرب خوشکوی
حق الزاد رانی اتی و عاچی کسند در لطیف مزبور فی سیر کلانه
 قادر در بودر ایلمد زکری خلق انجن استناری بو قدر لطیف مطلعین ایدر ایدر

یکی مهره دنیا و لشکر و شورش رکنین و روی زمین خط سبزه پادشاه
 و سرور و غنا و قنات بلاسی باغ لطافت و گلشن بلبلان سر و آزاره ایکن چرخه کوش
 و بوقه خلی و رزق ایدوب و آزاره نام و نانی و انضمام حسن به نظر ملک عالم کبر
 اولسیدی مرتبه اصی جگر و آتش سوده سبز مر حوام سکنه چلی مر نورکی آصف
 به صفا خدمت به عجم پاشا به تربیه و نال عارف آملین آب جود و نوال به غنیه
 اینکله سبقت آصف مر نور و داخل جوایز مر نور و الطاف حضوره سنده وصال و باطن
 اولسیدی حتی کت و عیانت و ریزه کورایله صاحب فران جهان مر حوام سکنه
 خازنه اوغلی سلطان مصطفی ناک سستی مورق مقصد و بوب اول باورده خوابان
 و سلطان مر و بان بحسب سوره جهانه قضیه بلغت عنوان از او غنله امثال
 و از آن میان خلی نام و تن بولد و غنله غیری درج و ندانگی کبی بیدر بکران
 و عتفا و ابد و که جفا و ن افزون جوایز و احسان به پایانه مظهر او کو و دوس
 مانول منفه حصول جلوه کرد اولسیدی اول دهر غنا مطلوب و محبوبی در اغوش
 ایدوب دست ساف انعامدن پنجه دوستگانی نوتن ایتسیدی بواقبا ریکه کوش
 بسیار و سلی بسیار ایدوب صاحب استاره شاعراندار اولسیدی و صیت و صدا
 و اصل اطراف و افکار اولو غنله انداز فلک دوان اولسیدی بعد روزگار
 روزگار مرتب دیک هر بر یک کل دلداری کبی آروماره و حال عاشق و لقا کبی پیران
 روزگار ایدوب جلوسنگ البینی نین و پسری خاز اولدق خوار و زار اولوب
 سبهر به مهر کشته خانی خان آلام و ملاله ملک سیده و مانند تاج پرتاج باطن اوزره
 بیر ایتسیدن شان رخسار ایفتن ملک سیدی آخو هزار کربت و شدت و انشد کدن
 نهایت حاکمی جلال زاده صاحب چلی ده منتهی اولدق روی و جودی و دولت
 ملازمتی ایدو خندان و بهی اولوب آلام به انجام و بهی رحمتی سبزه ناز جام ایکه سینه

اربع و سبعین و تسع مایه ده کی شهر ده کمرانی به مدرس آملین مر صفا ایدو کستان عرب
 خوان ایدوب اولدق بجزه پرتق و جودی برک رزان کبی ریزان اولدق چلی
 سوار و ملک نام با مندن و بوز مره عطا کتک شایسته فی مندن بلاغت کتوریک
 شیر غنیه و فصاحت مبدانک مرد کزینی سوار بلاغت معارک شاعر و آفرینی
 و سلاست او و لطافت معانی جمع بتکله و فرد کتک به عیدق فرینی در چونکه حب حال
 عتاق اولان شاعری سهر و افاق و رواج طبعه شاعری فواج عود و فحاری
 کبی اطراف و اکثافه شتر و لغله ش خلق جهان معطر قلم سدر و افتاب کفایت
 غنایه میان شیخ و شایسته شتر و لغله زوایا و ارکان زمین و زمانه منور ایتسید
 لاجرم به غای سحر نمونه نمونه اولسون دیوار اول لیل کلستن سخن و طول کلر کلکن
 بعضی شاعر بلاغت شاعری قلم غنیه باریم موجودین به نقش و نگار اولسید

شاه دهره نولا باسیر کمریم دنیا ده	سمدی دیوانه کوکل عالم استفاده
بهار اولدی چلدی به لعلی کلزاره	کله بر بوق مکر با پندرم بنیده دیوار
تمنای وصال ایتدیکه خوب سوکلن	غرض جرقار و خانه در محبوب سوکلن
وصالک ذوقی دایم دلدن ای و جان	بدن نه کم شاعر اولد و غنله کرجا
کوزی کوزی کرجا چشمه خورشید افلاک	بوزی صوبینی دو کدی برره روی خرقا
ضعفدن کچ غناده کیم کل سیدایتور	کراجل ملک سیدی کور مر سوله ناپیدا یاتور
جوسه کله کیم جابیدر رسوم کابشا	عشقدرای قفسای دلد به در یاتور
وارفنا دشتن ناشایسته چوب غن کون	پنجه اسکندر تراب اولش چنه دلا یاتور
شاه عالم کله کلر پانی دامانته	کچ استفاده رحمتی سوله سبه پردایتور
خط نور سینه صمک اول سیه قوک غنله	خضر در خواب و ابر مر سینه حیوان کتارن
بن کلر و کلر خاک ری دره فریاد	آجل کلر جانب شیرینه روز مرزار نین

سرای سینه سوز غمگین عشق ماریدر صایین برک کل در داهلک جسم نگاریدر
 وجودم عشق جانانید سوزید تا توان اولد **ما** بنی سایلر فرق اینم کوز لرر هکذا رنده
 در و نم غنچه و شش پر خون او لوریه بیدر کم کل مقصودم آچلمز مرادم ساخا رند
 سنا ر قلم مختص کو با سناخ مر جاندز کورین ر جینک ترکانه جسم اسکیا رند
 و کل ای لاله خدای سنده که سرور و ایر **چمن** قدر کوب آه ایلیوب چقدی دغان
 مسکین چیک که قدر کوب اوزره حواله در **ما** محرابه اوزره مقطع جلالم در
 و منظوم **ما** و کداسی وارد از اگر چه **ما** و در و نس هلالیدر کمن بحر بلا خدن اخراج
 و نوس لاله متلایدر **رحیمی** نامی عبد الرحیم در اول سیدین مکنس مر بوز اختیاریدر
 باباسی ماسینه دن محمد طلی در بر و غیر فنیات علوم مکار کنی وار داندن ایهام
 جلالی رفیع ایملکه هر موفقه اولس اصل حال و صاحب غیر کسینه ایدی برو سه ده
 اقامت قلوب عیار سدا طینح اخبار خدمت شجرت ایتمیدی مر بوز رحیمی درجه شهادت
 و اسرار و لدق سالت و نونق فر بوره ایند و رفیق اولوب عبد الهومن افندیون
 توبه و زانیت و سلسله توبه به تمام اداوت ایملکه توبه طریق اینست در حسن خط
 تعلیفه مالک انوسین که یمن و غرق چین ایملکه تحصیل کفایت سینه سالک سید حدود
 سبعین ده امرت العالمین ایملکه کزوده و دبع اولن حاجت سلیم دست
 ملک کونه ندیم ایملکه دیده دن مکنوز خان اوکد عازم ملک جنان اوکد
 اگر چه لاله اسعار خیار استرهای چندان متلا **ما** و کد لیک بعضی اناری خالد خانی در
 صفا کنده کو کل ایند سندن رنگ غم قلدی **آچلمز سینه ده خاتم قلد**
 طبایه حسن به نیاد و کراخی لب کوردم **نه مرآت مکنوز زینت جام جم قلد**
 صید مرآت قلم ناکه قلم نظر غیسر **که صورت بر کوز نرنگه اوله امک ازین**
 اورندی شمع شب غم زبانه بخلین **که دیه سوزدن یانه یانه نجبین**

یولکن راست رو اولاسه ای جان برو **ایلمزیدی** او کده یانه نجبین
رحیمی نامی بوسفدر استبولدن قول و غلزدن بچوبی طایفه شک معرفت و کماله
 سغولردن در بعضی معنی و انام ایملکه اناری رو لدق علفه سی قطع اولوب
 نال نام و نث نه کلستان دفتر مدطایندن قلع اولندق محمود پیا چاروسن عطار
 و کانه **اچونجیل** معنی و زندگانه **ایدر** بو حاله کینوب سینه نث غنیمت یانه
 و دایع عالم فانه ایملکه جنوب کنده بود کانه جهان **ساغاساری** لک و دغمت
 رجیفی ایملکه اول زمانه اداره کاس عرفان ایدن یاران سنان بعضی کانه
 متلو ایدی طاسعار و ابایانه به نام سون اولوب جدران بنی محل عنایک سنان
 اولندز لکن نه دکانه کاکان کثاده و کیفیت تر اکب و عافیری حاضر و اماده
 کو کلم هوای یار یار پرواز اورب اوج **بوز کبریه طوطی طبعسم** کبر صحر
 که دعوی نبسم اول بر پی ادبی بو **بقر یوزده دایره** او فرختر فجر
 کنده طیب عالم ایکن کور رحیق **هریل بر ایکی افنگ اول نرین** کبر
 کو هکنلکه که فرنگ ایندی چکدی غمی **عشقن معنی دکل** ایجن بنی
 لوح دلغش ایملکه خیال لفظی **طره به یار منی** تو امید را و سیر صحر
 بی قرار ایدن بنی آواره کو کلد بو کون **بانه نرین** سرده یارین بود آواره دن
 آچلمز بر محبت روز نیدر هرگاه **یاره** ر صمک کورین سینه صد باره دن
 که نیک کورد و کنه راضی کل کو کلم **ایلی کوز و مک** بری اولوریه چاقون آره دن
رسوئی نامی بیادز صوفیه دینر مقدا طریق علم یولک ایملکه و استند اولد و ک
 طایفه علییه صوفیه یافدا ایملکه بونج کورین سفندی الصالحین عالم توحیدک
 مرد خوش حال **مقدا** ای صوفیه صوفیه یانه **افندی** کس عل امتزله سالک رده اوکد
 سالک اهل عرفانه اتقا و عون نظر کد کوشه فرغتن **توبه** و قتل کشف

در این کتاب
 در این کتاب
 در این کتاب

قلمشیدی قسطنطنیه محیه به کلوب مجامع و محافل نظر حدیث و غیره و خدمت و عظ
 و تذکره مشغول و لغله عوام التشریفات و مقبول و استیضاح بعض اصحاب دوله انما
 و انتاب اینجکه مرزوره ارباب حاشا. ذهاب و آریه بشیوب بابی خیلی مرجع و ناب
 اولسیده کند و دخی مقام ارشاده کجوب بعض خانقاه دره سبجاه نین اولسیده
 کاروان کباب اولسیده لکن مرزوره سندالیه و مقول علیه اولان واجبه الخلفه
 ذکر می صبحه فتنه علی اولسیده مذکورک دخی ظهوری مانند سربایسین شی اولسیده
 و اولسیده کند و دن ظاهر شرع شریفه مخالف کو صریح بعض توفیق و قول و قیج
 محاکم و ظاهر اولسیده خوف اخذ دن قبل الاخذ فرار اید و بیا خواهر ترک بار اید
 اولسیده دید و کی تریات و دید و کی مهملات بودر **دیر عشق بن چلیا پاشا**
 نه دیر بسم حقانی ابره کان. سوله بکزر بن انک انکیم. بواسعار دخی مرزورک گفتار
 باغ جان بکزه دیکلدن قامت بالا کی بن. نور دن بر سر و اولور هر فن صاکن باین
 مهر سنک دزدیدر انا طوما شچون. اند. دکتور ماه ای و جوی حسن
 قلبه دندر نامی محمود دز بابا چلیی بیکله سهره دنیا اولسیده اولان حاله
 طالب علم و کمال اولوب مانع امانیه و افاضل مولای خدمتد باین و آخر کتن قدری
 افندی خضر نیک خدمت والا قدر رینه و سهل اولدن وزیر عظم و سیر فخر رستم پاشا
 اولسیده ابراهیم اولی ابد جتوب مرزوره تعلیم ایمان و ارکان اسلام و تحقیق اوامر
 او نواهی ملک عظام و تخریب خلاق و تمیل عواقب ایدر استا پر دلازم اولدن
 قدری افندی مرزوری سوتی لیکدر منلاد دخی بر موجب فرمان خدمتد حیل الشبان
 اولسیده کن ترک خدمت و زرا و ملوک و طریقت طایفه علیه نقشبنیه سیلوک
 اید و بکیم افندی لیک ادویه قلبیه و ترکیبات پیرنیه سی ابد و داغ بر هواسدن
 سودای دنیا ایوان. اینجکه نفع فراج. ایدوب دست مبارک دندن سبب نجات

در این کتاب
 در این کتاب

قلوب و باعث شفاء صدور پر کرب اولان شربت توحید و عرفان قانون
 معهود او زره نوش تمیزی و ملکات جهانده خارق علفاندن سر و سکی
 کشیده و امان اولسیده و امن عاقلین دست توبه و انابت ابد حکم طومبیدی
 بعد زمان رستم پاشا وزیر عظم و مدبر امور عالم اولسیده مرزوری جوی و منته
 محرم و امور دین و دولت و احوال دنیا و اخرت کندی و بیار و اهدم استیضاح
 اول جتوب صغیر و کبیر و دخی فقیر بابی جبابه رجوع و تاب او کو لطایف
 اسباب و نقایس کبابه خانی طومش و بسیار دریم و دنیا و املاک
 و عماره نایل اولسیده عتایار دن تمام دایره سن المیدی سته شان و ثمانین
 و تسع مایده رتبه اطاعتی رتبه عبودیه تسعید و کلیم و کردن رضایه
 طوق قضایه تعلیم و علم اید و بخت ملک متعالی جله امانه تقدیم تمیز
 بابا یانه اسعار و محققان گفتار و اردر بواسعار مرزور کدر
 قشدر کله ناه جنگ عجب عنوانه وار. سلطنت منوریدر طغای غایت و وار
 بنی جبر او دن بقدر جهان شور او کده آمه بنم و دسیاهن سیر روز او کده مام
 بره او یقوبی و ام استیضاح و بقیه در. که کورنک دین عالم رو باد و دخی
 امین ملک دله کرد اید حیرتد خلاص. روز کار اسکندر روز کار اسکندر
رضایه نسیم عنبر نسیمی الطیف من الوصال و سال الخار و جویبار الذ
 من الزلال اولوب بر بلات جبال شامه و تلاش مخمسی کی مرفوع و علی
 و آینه ساحه غمزداسی مصقل لطف و صفایه مصقل و خلی اولان خروشه
 بروسه دندر نامی عبد الکریم در سول طریق عله و کتی قدح اصحاب العلوم
 و الافاده مقتدی الامام شیخ الکلام مرحوم جوی زاده. دهنه اولدن
 جناب بر مغاوغ و ملاطرتدن ملازم اولسیده ملکات دن جانیه باران طایفه

در این کتاب که در این باب است
در این باب که در این کتاب است

و بجا رستان جان. سبب مکارم و اوانی. اید ناخرو بهی اولیدی مکارم
عالیه اعتلا و مراتب سبب بهارتها ایدوب باجی خنکله قدس شریفی اولوب
اول را فنی قدسه به نقل و سوانا سنخ ایکن عالم قدسه روان سوا باز روح
به فتوحی شخار سدره ده آشیان ایکن و کان ذلک فی اولی سبب خمس
و تاین و تنع مایه مرحوم مرحوم باقی عکلی الم کسیدی و ساف غوم غوم
به انجا که محتسب حیدری عجزت فراموش نمیشد بر این و سبقت اشال اید و کس
و بهر طلال سبب و بخاری اید بهار کبی کرمان ایکن اکثر منصف غنله نوی خون
و فتوحه فاعله ذلیل و معنون اولوب خلی مخلوق مدیون اولوب سیدی
انما عقلی کند و به تمام بار اولما غله کا کل دیران و خاوه هنر دیران کبی حال
نهایت برین ایکن با این جمله مر جتی مهور معارف و کالات اید و سبب
اشان اثران ایکن کمال علم و نهایت فضل مذکور می یاف بام و صفای امان
رسم ثنا و تقوی مدح و اطرای محرز و سطور در غایت کمال طبیعت
لطیف طحیت کینه الحاق و لذت همزه حلو المکافی لطیف انما که
اول غله امر اولما به بار غار و مقبول جمله صفار و کبار اولوب مرحوم
مرحوم به فضیلت اید سرفراز و کستان جهان بهر حضرت اید و سبب کبی ممتاز
ایدی که اول نهر سایل هرگز نهر سایل انجوب راست کله و کج خواره
مکارم دایده سن صرف ایدوب فاعل مکارم اصل صر فرد و به سبب
منع و صر و کله الشفا اینم زیدی و یانن و بهر جلد و هم و دیناری اولوب
یا نده اولان یاران و اخواندن قرض الوب و بهر مکر فرض عین عین فرض
بهر اید چونکه فقر و فقر احوال احوال معلوم صغیر و کبیر در بوندن باده
اطنات و ارباب مرضی و مقبول و به الا کب و کله بنا علیه است تطولدن

جانب تقبیلی بخوبی و کس بهر قاج انوار مر نور کتایج طبع بر افکار بهر سبب
نوم یک داعی بر داغ اوزر سبب بهر عجب بر در تفاوت لیر اول کل یوزیک با نده عجب
چند کوشنی صبح آید ی بسبب
نخار ک نقش اید ک نقش کور صنع نفاک
در عشق با کیم اولمدر در مان کا
او یور سه صحت بکر نازله اولی نفاک
سوق خسار کله ای کل غنله ای خراسان
نه آرزو ناب با خط مشکبار بکر
رفیق اما سید دندز اول فیم و خوش فوس خلی کبی معارف و کالات و فنی تقیس
اولمدر کتای دیوان اولوب سلطان سلیم ماضی زمانن مقبول رکات اولوب فنی فون
عنه مخصوص و فایق کثر بر و املا و لطایف شهودات ده مقبول مرضی اولمدر اول اید
خیلی مرعی و رضی اولوب بعد بسبب سبب دن بنیاد سراجی شمه خلل اید
حوادث و نوازل سواد بهر خواب و حتم و چشمین عین مراب انجا که کتایدن
فراغت ایدوب قبول منصب تولیت ایدوبی مرحوم و مقبول کمال پادشاه اید
و ار کله بسلطان بایزیده مدریس ایکن هر نور دخی متولی اولی تقوی ایدوب
وادی ماعه و مصاحبت منلانک هم طابق و هم رفیق اولوب اول کشف انام
و قدوه ایماکن بار غار و صدوق صدیقی و خاتین حبیب و تقی ایدوبی مر فوک
بهر مجنون و ار در که کیفیت بیو ایراد اولان ابیاتن فخر و بیدار در
بلکه ایدان جلا دجل الخی چکر هر کیک طایفه بسته زهر لوبیکان بر شین
ایسته دعوی بر کمال طوب اولمدر روی زرد و بهر خجسته و مران بر شین

آدمی ولد یک در کوریکه فاکر در در راسته نافه در زن مکنه فرمان برین
 و بعضی ترجیح مذکری دارد که غایتش سوره اولوب منور یک جمله معافیدن
 معدود و مذکور در سایر اسعاری ساد و کشاده در نوا سعار اکر در
 ناسیره تحفه ی غیر سرور و انور
 ال ایدوب اولال رخ کلک طغش
 در دمی ای یار در دم کس بوی بدن
 باغ دهر اچین ای سر و خوا نام نیم
 اولون سنزنگ و نه با جویم ناتوان
 و بین ناس که بر جیبی دارد در بندی بیت در بوجان غیب جهان اولد
 یخسکلر قوجان اولد **رفع لنک** استنبول قریب اولاق قیبت چوریدن
 تحصیل کماله عازم اولد قدسین پرویز افندین لازم اولوب کت قضا طالب
 و راعب اولد مکن و اصل تقی المطالب اولوب کیری داووز اچنه قی
 اچن سنه نشت و تابین و منع مایه ده جوار رب غوغه انتقال و طلت ابد مرحوم کشتی
 بیکر شیری و مصیبت و مرحوم مرقوم نهایتین الفت اوزره اکلین سو و غوغه
 کرچکدن دست او شیدی کشک لکان افتان خیران و اصل میدان و فغان اولد
 کوی معارفی بو عرصه ده ر بوده ایتمک بانی جوجان اتیمدی نجه زمان والد
 علی شان خدمتین جمع صفت برپا و دیندار قیاس علی فضایل و اکتب
 جلدن فضایل اتیمدی علم فکرم سکین رفی و حسن بیان سرعت نشان اوز
 رفیع ایتمک نصب نفس انکله و قایم و احوال بوم و امسی ضبط ابد و لای جوادق ایا
 رسته از فاعله ربط و برکله علم احوال احوالنه تحصیل ابد و احوال بیه فن توایخ و
 محاضراته دخی تکمیل اتیمدی بوی برکی مطالع آبدار و اسعار بلاغت سوار منور یک غوغه

بجمله همدانی بری برینه چقر لیس
 چو قدن اولور دم یولکک شهورام خار
 ابرخه بقعه دبدار دلسره بر دم
 یار خطبونی تراشیلر انچون طومر
 دیم به جانم ال به دل رحم ایستای
 عفو قتل ایلمک دینب اگر
 اسکم دوسره ایتمک طغش هر سر
 زلفک اسیری اولد دن منهای کور
 بو خلق کچی نعله کچی منجه قورلر
 نور قورم کیم چوق کور ران کور منور کور
 چوق انچه باشنه مو قوبی مردم دیم
 فتح زنده اچکر اوستنه قورلر
 اول و ح مانه دیدی بجاکا طار کرک
 سن ملکین افندی قول سر
 ای ماه پاره سن کچی بیدرم سور
 بخندی فلدی برقه سکین کد ای
 نانی مصطفی در بروده در جم و دیشک عاشق اکر کیم خوشبخت
 و داغ سینه افکار کچی بید و بیماز اولان لایق ب تروت و یاز و کبار بکار
 نامه اردن بر خواجه بزرگوار ک او علی در سن تحصیل علمه سالک و بازار علم
 و معرفت بضاغت و برعت و سرایه بلاغت و جواهر و اهرام و عرف و نقود و
 اجناس لطایفه مالک او کوشش سرفه الام اولان مرحوم سیدی علی زاده دن
 ملازم اولد قدسین مرفیق قضا به راضی اولوب غلظه و سایر مرقوم قضا به راضی اولد
 قضا به راضی اولد بکن سیواس سنه اربع خمین و منع مایه ده بو عالم تنفصع لکان
 و مومون لاس بدن جوار رب لکجه توان سن و نه هکله قدس و طهارت
 استیانه انتقال انحال ایلمک در مرحوم مرقوم اکر خضایل و علومه سار کچی
 و فن شریف عربین تمام مهارت و ارایه اوقات فرخنده ساعات تحصیل
 معارفه معروف و منظم تصایف و پذیر و اسعار به نظیر تمام معروف اولد
 زمانه سنه اسعاری استهار و میان معارف و کبار ده اعتبار بوسه
 استی اسعار بلاغت مرقوم رتبات نکات مرئع و مقصور و افضان افتان

کلماتی در زمین فصاحت و کلماتی در بیان شکوفه تراکت نامشور و نامدر
 بوی املی شکار و مرقوم رقم زده کلماتی در بیان شکوفه تراکت نامشور و نامدر
 شکرتان در مجلس الطوطی در شرب استیادرا که ساعه بقیه در کوی

اولوز را و بقیه مردم می	و من اما به کل سستی می
کنج غنم بنی تو دکن کندک	بوری می یار به وفا بوری
دیدلر صقن سنی طوز جغای طانه	کندی حب و دیکلری بن سلاک باشد
طوز صالین یار یارای سر و کل اندام نیم	سایه کلین بخلیون یانجه اندام نیم
هیچ اولوز می بکم و دیکلری غنم می	رند اولم نازک کچم ریزی اولوز اندام نیم
صفای صا طریله بیبیم ای سگدل کولم	موز پادار اولم کولم سزایم سزایم

مرکز خلاصه در زاده آفاق صاحب میرالوراده بالاسهقان
 و اولان نسب عالی حساب سر دفتر وزیرای لطایفان اولان مرحوم میر
 در کسلسله استایه عالم و فضل کزیر کامل حایر انواع الحاکم و العاقر جامع
 علمی الباطن و الظاهر فصایل آسمانک مهر توری صاحب القضا بنف الفایقه
 داو و قبری حضرت میر اندک دخی سلسله انتسابی
 یار غار محمد خاثر تانی اشین از هانی الفار افضل القضا علی التتمیق ابوبکر
 القدرین حضرت میر منتهی اولوز طایفه شریفه علماء و زمره فصحاء عدالت
 اخوان دن یوزاللی قیله حلی کیم مرحوم سلطان محمد خان علیه الرحمه
 و القوانک ارفاقی اداره القضا نه متولی او کوسلر من و دفتر دار
 اولدقد کلن توفیق وجود ریحی طوای منیع و رانایله ریچوان و نایج
 ابتهاج اعتبار و کلاه بوقا پناه افتخاری و اصل فرق رفد ان اولد
 مرحوم مرقوم علوتن و مومکان کمال نفقت و عدالت و رای پذیره

اصابت اید و به امور دین دولت و نظام ملک و ملت صاحب آیت
 اولد و غنه دلیل و بیان بویتر که کاسر کاسره ایران و توران و مادوم نصر
 قیامت جهان اولان فتی زال عثمان سلطان سلیم خان کبی سحر و سحر
 و ستمت عدالت کسیر و زیر و میسر ایدی و الواقع بیجا مرقوم عدالت میر
 و ستمت کسیر اول ایدی که چمنزار روزگار ده مانند جبار حق بخره دست
 متطاولی دراز ایدن وزیر ایک برک باره وجودیم از ان قطع و بوستان
 عدالت و سداد و حق و ضامنک جسم مغرت نه از ان قطع و قطع اید و
 هر بن انواع قهر و شدت اید طبع منیع زهر آلود اید و حتی اولانان دیکلر در
 رقیبک اولد کسیر چاره یو قدر و زیر اولد کل سلطان سلیم
 و جمله اید مرقوم وزارتین پایدار و هدارت و فحش برقرار و بوستان
 و سعادت سر و مشاکیبت و استوار اولوب بهار غنچه حوران و خاندان
 مصون و شکوفه ایاالتی صرصر ذل غل مجتهدن محوس و نامون اولد
 سلطان کسیر حشمت و خاقان ذید و سطوت سریر ایاالت و تحت سلطنت
 دایم اولد قیام مرقوم دخی خدمت وزارتین قائم ایدی ضاکه بر وزیر و کل
 ایدیک نظام الملک زمانه اولدی نظام ملکی اندن تعلم ایتیمده رب و مکان
 معدوم و جلال الدوله صلاح عالی رای صائبندن او کوز اید و کج حشمت
 و معلوم ایدی عمال الدوله معتمد رای صائبی و دخی فضل تمکیز ذهن
 او کوز اول وزیر عزیزان قبک حسن هما میلر ارکانی میان ملت بقیه
 مانند ابوان سپهر حصار ارتعاج و استیقام بویوب جد و اجتهاد کلام قواعد
 بنیان ظلم و جفا سأل دور بسط خبر ضعیف الحفاص و انهدام بو تمسید
 اما بو بقال وزیر مرقوم در حین حساب کمال و فطرتش دست وزارتین کوز اید

کوزات راست ایدین

بانی

روتق ملک ملک و نظام ملک رفت ، کو ملک کوبیا اکنون نظام ملک بین
 و فن ملائحت و خنق قدری ، و موطافیک اینج خبلی اعتباری و ارایدی
 بوغول بر استنار و نور ک گفتار نذر **عزل**
 زاهدی حیرت می نویسد ضعیف الیکم ، اده شیخ و عصای معلو ایلد بورر
 سب زلفند قنکر طلائد بورر ، ابرین لبریه آب حیایله بورر
 رنر با قدره کز بنجر و اولر اولر ، صالنور سیوه لرایلر کاتیلد بورر
 روانی کز آنهار و وخت جویبار ایل کتاب مذہب و مجددول و قامت
 وجود لطافت مظاہری ، تاج بارواج مناقب و مناقب ایل متوج و سکل اولر
 سدر ادره و نذر زانی می عذر سلطان جهان طاع و شہنشاہ خورشید
 ارتفاع سلطان سلیم صفت کن شہر طراز نذر زاده ایکن آسمان سدر
 رویال ایدوب اول سلطان ملک خصالک نوازش و نوال و انعام و افضال
 ایل خلی غبت و کمال بولسیدی مقتضای برتبت ادره کتودون بر نام ادره
 صالار و لعل زبور می صالار و ایدوب املاک و اسباب و جید و دوا و
 دیات و اراق و ات و اوراق جلدی صالوب شیخ خون افان و صحرای جان
 کزن چمن سرکردان کی عریان قلدقن اولر ، جهانک است سحالت
 استبانذن روکردان ، اولوب دیار مصر روان اولدقن شہنشاہ
 ملک رفعتک و زبور طبعی میل و محبتی اولد و خذدن ینہ آدم کوندروب
 بیدای پیداکران جهان کمراده دولت کن مرزوری خواہ و انا خواہ بولدن
 و نذر رز اول نادره خدمت شہنشاہ دبلرده ، تقصیرندن عذر دلیوب
 نجیب کردش عالم نجیب دوز فلک ، برایکی دمده بیلد و اردی و نور سلطان ملک
 بنی اهرمنه قلدی ملک شہری سیر ، شفق اولد مکیم خدمتم المردی ملک

بنجر

پنجه آت چسبیک نوید پاد و عالم ، بنجک اولسیدی سایه سی نیردی کیش
 پامال ولدی پاد و توکل ای شہسوار ، است بشین چکرک ای لکای دلک
 سلطان سلیم خان فی خیر لری عامه و باره بی ضمیمه نمک عثماني ایلد کلرند
 صرہ امینی اولوب جی کتدک ، بعض ظرفا نتمت ایدوب و بشدر
 ایلک مفاسر الماسون روانی ، اکا خیر المیز اول کعبه حقی
 دولت چمنه اکسلا فائز و سعادت زیارت روضه سبت الانامی جانر اولد کدن
 محو شد بر دسده قبوله متوسلیم و استا بنولده ایا صوفیه متولسینی اولدر
 حالاکند و باضا قلد شہرت بولان مسجد شریف و ملازمین ساکنین مسکن
 و حرات بنا ایلشد و حق حکایتا و نور کتدکرا و کتان عمارت بنا و نور کین سلطان
 سلیم اول را دن مرد و عیور ایدو بونا کیکدر دیو سوال ایدیکر روانی
 بند کوز کدر دیو جواب ویر دکلرین بناء کلام بود جملہ طالع ایدو اسباب
 مقالہ و بوزدن استیقام و شکر کتدک الواقع جامع ایا صوفیه اعظم جوامع بود
 روشن و لامع دز بس بو مقوله ساجدی جامع اولو بیلدن نیجه سن بیدای
 جید و کلدر و قوم اکثر وقتن باده نوش و شہر پست و دمام صربای عشق جانا
 ایلد و خوش مست ایدی کن آخر عمر نذر نوبه و انابت ایلدی ساخو عیش و نوش
 شکست ایلدکن روح روانی عالم فایذن ملکیت جادو دانی بر روان اولوب
 ستمت و شہنشاہ ده ج بجوار کرم و رحمت بزوان ہو پست ، بنا ایلد و کی
 مسجد اولکند و مدفوندر بهاری بو یارخی دیوب فرار بنه یازمشدر
 عفا که نارنج فرور ایلد سکند و مرده فازمشدر **بودر**
 جهان سرب طومشندی نامی ، امیر نظم جینی کم روانی ، ایل جانینی جو کم نوش
 شو دکلر کم و خوشبخت ایلدی ، شہیدوب روح قلدی و بدنی ریخ ، جناذن پاک

جان نیردی روانی

اشعاری ساده و گفتاری عیش و نوشه متعلق اولدوغند که در خلق
 راسته انهناری المومنین بوقدر ابله اختصار اولد
 باره عرض ایدی ششم سیدنی چشم انگباره با که کوز باغی که کمر دیدی ^{لطفند} کجا
 بولدا و سنده دوستوب بنزدی هرگز افتاد جام عشقندن سنگ کراوله شد
 بنفشه نچه آج کو کلامی جفا پیشه . اختر لکه اچلم کلید اندیشه
 و کربالرا چون غول دیدلر . سنجی چون ایکن کوزک دیدلر
 شیوه او کرمش قمر اول هر و بالادن . باشنده بر دست کل صوفش یادونینه
 شاه عشق بر قرح میدر بنم باشد تاج . کوردی فی دیدی هم کلکل و کوزک آج
 اعلدر سن خطکی که روانه کند که . نم قهر زیبا بولندش غنازل مزاج
 کته شرفه به صره ایلدو تمام تقسیم ایدی دیونمعت اولندوغی ایا مده رطوبت
 جلدیه سینه خلل ایلد کوز لرینه عقلت رمد و زحمت سبب عارض اولد قیده
 شودن برسی دیشدر مسلمان قید روکم روانه اوندک کجه به وار الی حق
 نه غم کردینو که نقصان کلور سر بله دنیا که ایتدر دکن فرقه اچو که قان اولد کوردی
 سینه آخو او کز کعبه حقی . روانه بوقطعه ایلد جواب و بر مشق
 به روانه کوره کوردلر . بال طون بر مغن بلر دیر لوب کعبه بویجه زیارت ابدن
 دین و دنیا سنی بر دیر لوب عزت نامه اولو بر کتابی دارد ز طراز مخصوص اوزره
 خفا که بر حقه در که بر دز مکنون و بر ساط در که اطعمه کوان معارف ایلد مکنون
 کاس وجودی شربه به بود در و لطف ایلد بالی حال انواع لذایذ و ذوقدن
 غیر خایه در . و ابیات وصف طعامه اول کتاب بلاغت نظامه ندر .
 ایدر سه ایلد کس غله اگرام . که بخنی بخت در غایت دکل خام
 کرامت اهلیدر ایلک ناستا . صلح سجاده سن صوا و زره سما

هر سه لطفی غالب یاره دوستس . تکلفنیز دلداده دوستس
 کور و مجلبده شاد اولدی سر اچ . صوبوب نفس ایدر نایق کبابی
 نند مجلبه جاق بویله اقدام . پنخون بالوده به کوز دکی با دام
 روتق غلبه دندر با پسند رونق در لر شهر خورده نه با لکین پاشا
 جامعک خطیبی ایدی نامی محمد و خلصی رونق و منانت بنا و ابیات عالم معاد
 قصر خورق ایدر علوم رحمتی کجیل و طریق معنای کجیل ایدر سیاه سون
 زاده دن ملازم اولد قد صکان مالک رحمت و دنیا را و پیچون صحنه
 اختیار ایتدی حد و سبعین و فایز ایتدی ز اشعاری فایز بخش کند و دخی
 لا ابایه و عاتق نقش کج بوخسرا ندر
 فنا پیشینه سن صال الیکه کیم دهر فایندر . دیا فقره سلطان اولد خوش کنج نایندر
 مواظط و نصایح متعلق برکت نظم ایتدی بوبیت اول کباب ندر ۵۵
 دیر جهان زمره و ارغنون . طوبطلودر فانی بر اهل درون
 در مدینه علم و کمال و چاکم وار دلدل معارف و افضال تنج اولم
 غیر الحلال عن الحرام . و حوم و مغفوفتی علی صلیک فرزند ملک خضای
 و نهال و حشمت فضل و کمالی ایدی آقا عاتق کمال حال بر سیر و هر جا کیمیر کج
 کمال بو شکیک گرفتار الام لحاف و زوال و کوه عاتق دلفکار کجانی ایکن روح
 روانی عالم قدس روان اولو عاشق دهنه لر نه بی جان خودی بوخسرا ندر
 کوز کو کل سینه نهی جان طولو تصویر کمنک کون کبی در دخی فنا کوکده در بر کمنک
 رحوم شیخ الکلام مفتی الانام اچو خود افضل کمنک کتخای حسن غایک
 او غلبه ایدی قامت رعنا سی باض ملاخده کشیده بالا اولان دلربادون
 مناسب ایلد روح مجسم و لطف معنور اولان دلبرستان لر ندر حفا که بر دیر

و محبوب مرغوب و بر جوان نثر انشوت بلح الشکل لطیف الکتوب ابدا که عالم نظر
و منال کلک امحال و بود بر جهان نقش و منال بازلق موی میانه کبی محض خیال اید
بر سر و کل انعام و غنچه نازک گفتار و سیر کلام ابدا که بیلان کلستان خراولان
شواهد خون کل غنای و قربان بستان نظم اولان بلغا سنج کوی قامت بلند بالا
ایدی عشاق جنت و جلاله عشقنده بی باک و کوی روحی فداک صد اسبیل
جانان اول روح پاکه روان ایدر کن و اول عیسی عالم حسن و ملاحک کلام جان پر
و ادا به لطافت کسری نجه دلمرده عاشق بر ملا منی بر دلمده بر سوزیده احیا قلوب
تالاب فرسوده لرزیده جان و بر کن **لشینه** جان و بر دلباشته و روح روان
جان و بر کن بولنده عاشق زار جانی و بر دی هر که حیفه مرگ ابدی جسمی افکار
اول دلمه بماند به مثل آسمند ایکس حدود دشمنان ده مرغ روحی عالم قدس طیران
ایدوب شریک زبند بر و از جان علوی ریاض بقا و بر و از کنان ابدی حالت شکار
صباح در بیدار و ملاحت روی نماید کبی لطافتن خالی و عار کلدور پوچر اکدر
بند کس که کرم ایتمه یار المزدن نه کلور کوسه نه داد
نوله بد نام محبت اوسم روحیا باقی قلوب چون ابو آد
ریاض ریاض جو و بر صفای دل کریمان کبی واسع و برینا و صفای حدیث
غیر دای رنگ سپهرینا اولان شهادت بنولدن قول و غلظت نذر نامی علی در قره با
زاده نک و غلظتی و مر بانی و اسکند جلی تک پر در ده لطف و عطای اید عفا که حاوی
معارف و کمالا و بهی جامع علوم فطری و کتب ریاضی قلب معارف آیات شجاعت
کمالا اید نازه و تر و دوحه دل جانیه ثمار معارف و انوار لطایف ایلد محض و منظر
قرن حکمت و علم هیئت چشمت بد زمان و ارسطوی جهان و علم انباده دخی ماهر
و باجمله علوم عقلیه و ریاضیه ده عدل نظیری در اید خدمت و الد رحمت احتوا

فرزوری نجاته مدح و اطرا اوزره او کو سوزید و ایدر یکد اگر معارف تربیت
و ملاح تقویت سلطان جهان ایدر اول خنده اعیان زماندن اولجا غنم رب
و کمان ایدر بند بر دفعه طریق علم سلوک ایدو فراغت ایدر کس کبی نه طریقت
فرزوره به عودت ایدو قدح اصحاب علوم سلطان علم و کوب و کعبه و کرم
جامع فضایل معدود اولان مرحوم بخود ایدر نیک خدمت نرفته برینه ایدر شکیب
رحمت تدیس محض ملا و منصب فیض عین اخلا و غنا اولد غنم عار و عاقبت دنیا
فنا و سپهر به هر که به بقا ایدر کنه واقف او کو طریقتن فراغت ایدو تحصیل و تکمیل
کماله صرف محنت ایتندی آخر عمرن طنواره کیده اندن زعانه متصرف اولدن
ریاض حبت و حیاض آخونه انفا و حلت ایدر کلامدن منظم بر لایسی و غنم
مقاله سی و اردز جوق الیف و تصنیف شروع ایتندی عمر دایام و سپهر از جام
مهلت و بر ملکین تمام بولش در اشعار نده چند حالت و اول کلام حجت ایدر قدر
اکابر دن بر سینه بقطع به و بر شدر
سوال ایتدی بکون بن ذره سینه معارف آسمانیک تو باش
که لطف الله ایددی اولی مجسم معاده غنم ایدوب خودی بجای
باشیدی کم قلوب در باب شهده رصد مدخوم قصه کجای
دیدم این عسکره بند کوز در ایکی فالق جهانده کوی
ریاضی نراحت و صفاده جان خود مندن کبی ختم و طراوت و لطافت و عزت نای
فرخوارم حدایم و ریاضی قلوب ایل عرفان کبی و غنم اولان قبضه اسکو بندر
نامی محمد در فارسی دان لک ایلد شهره زمان اولان ریاضی بودر زبان
فارسیک فایقنه واقف خروب مثال و مواقع استعماله عار و لغله مثال
واقراندن فایح اولد و غنی نور آفا علیا کبی لامع و بارق اکثر اشعار

در حال و حال و حال و حال

بخشید و ابرام طرز زنده اوغبین مصاحبت و کلامی دخی اول طرز اوز را نشانم بود
 بو مقوله به نهانند نو فعل اوز را کو هر سوزنده کند و ظرافت قصه انیمکه کتاب تکلف
 و تخیل ایدردی بو حال اوله اشغاری دخی ترقی به تخیل ایدردی کل تزد و نام کل
 و دس نو دزدانی فلک زاکل کن کن پنجه داماده کنین رام فلش پیره زن کن کن
 در دنگ ای خم می صاف مرکب دخی کنین عجب طبع مندر طبعیت پاک کن کن کن
 و به یه خال غدا کن فتنه فتنه کنز قویدی بن عاشق دخی دخی کنز
 که صوره بن خال اول ایدردی نال فوری سودا بیده باشه بکر عاقد ر دکر
 بکشوی آب لطف غرق ایدردی کنز دریم موفت صابا ریاضی بنده کوز
 رهنه جلد کنی کلکونه دخی کنز رند لاجره ریاضی باشه حق فاش کن
 یوزنه اغیاره دکل اول ایدردی کنز اول کوفه کافره ای ایدردی کنز
 کوسم هر کون رقیب بدلقاب کنز صورتی کنز اللهم بکا کوسم کنز
حرف زاری اسکوید سلطان بایزید خان زانند فوت اولان شرادندر
 و حوم جانیک دونه دونه غلنه نظره دمی کنز
 کمری نو چغنه اول کیمبری دونه دونه در میان ایدردی پنجه سیم وزری دونه دونه
ای وای تو قاتدر غایت خوش نویس و ریاضی ایدردی دانشمندی زمانه جلیس
 و انیس سید و حوم بیدونه زاده ده دانشمندی کنز خیل شهید و حوم سلطان طایفه
 کاتب دیوان اولوب اول و نمن خلی کاوان چنوان بکن فرقه شهزاده کل فرقه زمانه
 به نام کن اولوب جان کنی نظرون بایزید و نهان اسکوید و شرادندر
 بکون حاله شوق باندن بند پر پر کنز
نام و نام استنبول ندر زاری سوزنی دیکله شهزاده و سوا میانه سوزن
 اینجه خیال بو غلنه ندر کوردر غایت می پیر و جامش و نون ایدردی مدام است

ایردی هنگام بارده که انام کل مل و زمان غفل صوت میل در شاول اح راحت
 رسنه شاعانه ابرام کل کل کی بجانه بیزدو کل سیرایه الدن قوز ایدی
 دکر اوله و کل اچله اچین کنش صبر بیده بیل می طونه لم شاع اوله و ابرام صیفه
 زمان حواریت هوا و اوان کر میت کرام در جانه آتش بر غور نشنه دل آب صونر
 زنگ آتشد عجب آب دکل می حباب و بو کانون در و نمن اولان آتش مکنونی
 شکین اچون ساغ زرتینی کو یک ایدردی و فصل خوانده که خراج عالم تبلا و عرض
 عارض و غلنه روی رغوان زغوان او کو استیجا زرفانی دوسدر اوراق
 کل غنا پرنیان اولدیه جام کلفام مدام الله اچلون و برک زان ریزان
 اولور سه جوئه می رغوان بیر صاچلون دیر بید و دشمنانه قلبه آتش بر غو
 حواریت کیفیت حق ایدردی دفع برودت دخی ایدردی عجایب حالاندر در که حواریت
 انده طور سیوب جام شراب رغوان دتررا بکن به استاد سوزنکر ایدردی
 آفتاب اشغاری شرق مداحدن طلوع و بروزا اینکن معنوی مطبوع اولد و غنن
 غیر بر ملاحت و بر سوزدر سه سینه دخی مایه ده نقاشی و نور کن نقش
 جاسون دیو خاک لحد و سوزن فنا ایدردی خاک برین ایدردی سوزن اجل ایدردی جان
 کوز قاره سن شکله بو بارین اغرنجه تا کیم نظری پاک اوله و بداره و ارنجه
 کوز دکن خط اعلنی جان ایدردی شهزاده یوز سوزد و کینه مهر سلیمان و ارنجه
 بار بله کوز طردیه لر زاری هر کون بویله ادکار و کربسی الله او کایه
 فی کیفیات جهان سردری در در بر جامنه هزار زاری دری در در
 کنج میخانه جای کفجه قید دنیا دلا بر کنجه بهواند الینه ساغ الا شیر نر بله طو تر پنجه
 بر کوزل صفت ایدردی قاری نباده او غرنجه ابلهانه دکل فکر طویل غم کونه برودش پنجه
 نند غنجه حکیم و زار بر ای جامله او کورنجه نمان خاک زمینی غیرت قزای مک و غنیر

ب
در کیمی و کیمی و کیمی

سوی جانتو آسی وصال زمانه کی صفا کسره اولان شهر در نه دندر سلطان سکیم
 زمانه که داخنده اتقان ایدوب عمر نیک زمانه اخرا کوشه ز احمد پادشاه آتش غولنه
 دیدم نار غدا که دند زلف سیه جانم دیدی اول کوز لرم نوری بخون و لمر فغان آتش
 زانکه بود فی ادر نه دن وجود بولان شود نذر نامی خود در اول مخلصی سماعی ایدوب
 آرزوی جاه و جلال و هوا و مناصب معان هر نوری دانشمند کندن فراخته داعی
 اولم خدمت شهادت سلطان معطفی یساعی او شید آخرت قتل نهاده ده اکلان بوی
 کاکل دبران کبی تار و مار و شیران اولد فن و نور دخی نقطه دمان جوانان منال نابدا
 و زمان او شیدی طبعی شوره ملائم الموعده نظم و اشعار آبداره مدد ایدوب شوا کله
 نگار کفایتی خطی و جسدن غبار کجین بنه آینه عالم نماده زنگبار را انجوع
 بلمر که قصدی زنده اخباری کز درو کورن مسوز زبانی سکبان اولوب
 زین سعت زمینی سبط زماندن واسع ایدوب که نور آفتاب عالم کبی طبع و طبع
 اولوب بلدان جهان اصل الاصول اولان شهر استنبول نامی خود در زمانه نقش
 ملاحت زمان زمینی و سپهرین و صبا خنک خورشید چار منی اوجین رحوم حتی حلت
 رفو یک شنبه تی و باشر اچوق فریفته سی ایدی استی حلی آخره حلت ایدوب کسین
 طبعی علی ترک ایدوب رغامت سمته رغبت انجیدی هم سن و هم یای اولان دلیربینال
 کشفی زاده و بکلمه و فبر سر و آزاده ایلد مایلند و عشق و ارتباط و شیر و کبکی
 ارالنده الفت و اختلاط ایدوب بری ایلد مطایبه کوی دار ایدوب که فرور و خوش طبع
 زمینی دید و کله مجلسو که بریم دیک مبد یعنی مرادک زمینی فی غلبه و طرح ایلد و شید
 عجب ایل سخا منیل کشفی عطا کیده جهان خلقن طوبیرک اشاری جز کلام موزون موزون
 دنیا چنگه نازه نوب نوب را اوله قانوب شمله بریوزی هم لاله زار اوله
 زمینی هوا چان فراسی رز و زول دبران کبی فیروز اولان شهر سیر و زدن

کردن خوانی وجودان نیک نیک و زینتی اولان قلداده علم و حفت بلا حیا و دل
 و جان و زین و محلی و آینه سینه سی مصقل عیان و دانش بله مصقل و محلی ایکن
 جفا و صد جفا که نهال خودی صرصر حواش ایلد به برک بار اولوب کندن جهانه
 و بر خور دار اولد اگر بو عالم فایده غمزه عمر و عمره بر عالی همک حسن تربیتنه مظهر اولد
 کبار خوان اولی محقق و مغرور ایدوب صحنه دانشمند ایکن سینه ملت و سنین و سنین کاید
 بوس نام عمر نیک نیک و زینتی و رونق و ملاحتی کوی بهار حیاتنه خان مجادل
 اولوب فرد وجود نه سر منزل عدم محل اولد فو تنه فوت زمینی تاریخ و خوش
 سیه فو تنه فوت نوب کیر سه حمام ایدوب کیر خلدن طالع طریقی طو کدی طالع و بربر
 اینوب بار سید ایلر احاطه ماه تابانی سوزند کجه و ایدوب خلوتنه صابون اولد
 مدد اولدردی بی ایسم شهر آشوب اولوندا زینت و زینت و خدا یی اسلوب
 دامن آلوده و دستار پرن یقه چا قیو که کلدی سینه زمینی رسولی
 یوزک فراسی کند که قانور جلاله ایله قرشوه کل اول آفت بله
 زمینی زینل پاد افقار آل عثمان سلطان سلیم خان ماضی یک وزیر اعظمانند
 بعضی ثقات ایدوب استماع او نمیشد که سلطان فرور مذکور کتختان دن بخور
 اولوب بخار و دنا طایفه زان نر کبی کور و بار ددی طایفه کز دوت میان
 صغیر و کبیر و تشیر ایلش فرور کجی ناله ماستی و علما و شوالیه خلی میا سینی و ایدوب
 دور کلد و دوشموب الدن باغی لاله نک بزم کلدشده و بار بر جواغی لاله نک
 زمینی قون لطیفی قشمو نایه سندن فطون دند برورد و فروردی و خرنود
 اختری در دیکسدر لکن عاشق طبعی اما سینه به بر قشکی کزیندر دیکسدر
 و العلم عند الملک العلام بر قوای مقال و اما الثانیف لاسم الشمس عیب
 و لا التذکیر فی الملال همان عیبی اولد یکیم کسب طایفه زماندن مودو

برقرار

نذر

بوی اولد

و ناخمس فرجانی جوینار جالده موجود و کلیدی انکه حلیه رجال اولای معارف کمال
 ایله محلی حریفین زوره ناصات العقلین کین کماله ساینده جنبی مکتوب معنون عروس
 معارف و کمالا تنق اخفا و نقاب حجابله مخفی و مستور اویوب کلکونه ملاحمت
 و خط و خال طافله مرغوب و منظوم جهور المصنفین مطلع انظار مردوزن اولی و سدر
 مری ایله مصاحب و معاصر وار الرنق ساغ مطایبه شاعره دایره اوکوبیا لمرین
 حمانه نامه طایفه المخلع جوق لطایح کلام اولی و سدر سلطان محمد خان نامه ترتیب دیوان
 ایلمد برغول مردانه سی بوجورین عوفانه کسر اولی و سدر
 کشفیات نقابکی بری کوکی منورایت بو عالم غامری فردوس انواریت
 و برت لبو که جوشه کتور حوض کوثری غیر صیحو که جوز بوجوانه معطرایت
 خطک برات یزدی صبا به دید که تیز وار ملک خطایله جنبی سخرایت
 آب حیات اویچی قسمت ای کوکل یک بیل کرک خضره سیرکدایت
 زینب قوسیلی زینت دنیا به زینب و دانا و آرساده دل اول ترک یوریت
 زینب قید تکلف و تفسدن سرو مشال آزاده اوکوبیا جوده حال غنیمت عقل و سدر
 بر باد داده اولان شهرو آفاق کاتبه آره درامی زیر کعبه بدین المخلع خلص و سدر
 کندوبه جنبین ایتمیدی انکه کم مضالرنج و سدر در دغاد و تلک بوبنده دینی
 محبت و خلصک افتاده زینب و یون حیات رفیق علم سلوک ایندکده اکثر اکابر و اعظم
 اوکده دیزر حکوب بعض مانع نامه هم زانو المخلع بد معارف و کمالا تنق بهلوانیمد
 و زرکامل اعیارین بونه و جی بدع و اشتغالین قال ایتمکده تحصیل نام شکوفتمد
 بابای و زینب عظم خدیجه کاتب تری المخلع مشال و قراندن تفوق ایدوب
 شواهد و اثبات و مناقبه علمی تسلی ایتمیدی جلد و زیر و سدر از عا کر
 حضرت شاعر دلیبر که و شیرین کبر و دار اولان لالا مصطفی پادشاه بایسانک

موقوف سابقه ایلمد بخت محمود پادشاه این جهان ایندکده بر طلاب
 اول و زینب کا میابه علو ابد و جنبی گفت و گو ایتمد جلد و زیر و سدر
 سجاغت مبدانک و در کینتی و هیبت و سلالت پیشه زینب کینت و زینب
 ابوبکر صلابت و عمر مهابت عثمان جبار و حیدر سجاغت عثمان شاه خورلی مبدوز
 عثمانیان اولدقن نثر ایلحقون سابقه طاهر و حیان ایدوب بایک ایله
 قلندر خانه مدرسه این ایتمد حفا که دیوانه شرب و لانا بالی کردن دل و جان
 قلا دشت قید تکلفدن خلی عجا کینتاری و خواب اشعاری و نوح و بیانه کلن
 و تیر و توتیر صغیر و وضع و احوال و ار در جلد و فکر اولدوغی و دست
 جلب و اخذی تیر که کسکه لک مو اول اسباب و عید و اب قلیل و کثیر یکن
 اولان در اهرم و دایم نرین غضب غارت طری ایله الوب بر آتای ایل عطا ایلم
 کندوبه نهامت سخاوت و برادر لیتکلم ترنه و لم تصدع مضمونین غافل
 کج عطا بیهاکم از اس کنیت خوا سندن ایل المخلع عجب معامه ابر سدر
 کاتب زاده لک نهمنی ایله کبر و اسکانه حل کفوفل شاعر دکن سنه جنبی اعتقاد
 وار در حفا که اشعاری جنبی شیرین و مرز داز نقل الحسین و کبار المخلع
 ندرت شاعر اولمدر تخصیص کند و نک یقین نام بر قزی طوغدقن تواریخی
 دیوب صحایف اکوان کلام غایت سما و ابیات برجه الصفا فی ایله طوطی سدر
 که پدر فوتیله یا نوب یا قلوب که کوکل غنیمت صر صرندن بیقلوب
 ناکه اولاده دشو رب کوکل اکلیم در دم پریشان عقلی
 اکلیم دیوانه کوکل برز طفیل خانه اولان لالا زینب
 چون طغوز یوز کسک الی سکه عسری کجه لک رده کوک طوغدی بر قزم زینب
 حقه جوق حمد ایلدم با صدیق وزیر عظم عثمان پادشاه خورلی و لالت شروانی

فتح و تسخیری بله علاوه مالک عثمانی اند که تهنیت فتح چون دید که ایشان به وجهی
اولی و فخر نادره کویان اولان دیوانه انجنس میسر او را و الیای بود در
بو کون میدان رزم اچک من ایندک فتح شروا و اماران ایدک من بعد زمین اربان و

بعضا کابر کار و سه دن بصدق ایالتی کن بکنیموب بوبیتی کوندر
افندم با که کوندرش نقش عجب بصدق مانه بصدق نه قولندق نه طولندق خود
انته قولیموب ایلاتماش اچلیخون خلقه و او او نه سینه بر ایدقنی حکم حکوب
بوسفام بردستی در نور دن عاریتیرات استدکده دیکسدر
ای سخی حسن بفران با نجات جان بیلک بولکه در دکلک برابر کج ات
وقایع نالی عبدلکریدر مردی چلیکی کویک فزید سید
باباسی علی چلیکی زان غلطه امینی الحمله امین زاده دیکسدر و در زور
علی صلی دخی سپاه طغویه زمره سندن اهل موفت و اعان و ایا ایلک مصحبت
ایدی بو دنده دفتر دارال اولد قسکی تمش یکا نیمه رعامت ایلک قانع و قانع ایلک
اولد قسکی و ادغلی و بولک عی کیمیل صفانده داعی و الموحین و حوم و اچود افندیک
منظر آفتاب التفات مطرح انوار ذات خورشید صفایه و او کو خدمت بر برگندن
ملازمت بستر اولد قسکی تحصیل صفایه طای قراصل و قطع منازل ایدو
دولت تدبیر و اصل و نایل و سیکس با احوادث اقصایک سر و تمام وجودی
ستم فضایه نایل اید نرجسی کونرا اولد قس قضا و قضا طوه دن منفصل اید
خط نسخ و خلیف کبی اشعار دخی خوب و نازک و مرغوب و بواشعار بی نظری
بوند کربیه کوزا و مینجون بوفیه ایالتی اندر عمره سوسن بر یکدق و قضا
کعبه کوبن طواف ایت سابعه و منور قدی جان بزمین لا بویه جانانک

خدا اسککلین کو سترسون اولان با ناک اولوز دی او که دل نقطه دیکه طاب
افندی جانرا اولیدی قضای غایب آید بر قارشدن اکردی دمان ماه نو
مهر ابروی عجب کولکنده و کاسه اگر زلفک التذه و قریز اولدی صنفه عاصیک
دو ستم ناز کلکندن در بولندن نیم پر استنولدن با می مصطفی در

نفا شکله مانه مانه و مانه مانه از رنگ نقش و تصویر بدن رنگ آوب
صوران چین نقشه جبران اولوب هزار کین ایلک صد آفرین اید و انار قلم
کور دکنه ج قاندر و بخام صفت بر مغن بیان کتور دست هزار دستان
رسم صورت کون ایلک جمله عالم صورت پرست اولوز و کلس بنفنده تزیین ترین
ایندو کی ساغوزین و قدح سیمین سیر ایلک مد هوش و مست اولوز طلب کمال
موقت و تحصیل لوازم بلا غنه ساعی و رعایت صنایع تام داعی نقش صور جان
ماهر و داد ایدو که فحوائی و خواهی او زره رسم و تصویر ایلک قاردر و بوزمان
در و دیوار بلختی بر نقش و نگار ایدن شواء فصاحت شعار در نذر شوار زمان
بعضه هزار مطایبه بوزنده رنخل ایدو بکچشد ابرادی موجب الطباب
و اکثر در هنوز تشنه ایدو در ابد در که سی تمام و جهد و اقدام ایلک کمال
اشتهاری دخی زیاده و اسباب قبول اعتباری صنفه حصول موضوع و آگاه
اوله بکنایه املا و تغیی چون ارسال ایدو کی اشعار دندر

اکسای صوندک بزه مجلس طولو جام الکک پایله بیینه بزدن بکانام
زیبا پرشدی خور زین او دسرت خوبان شهر شکله دوشدی خیره
سینه چکدم اونا زک بدنک سینه سنی داغ عشقک بویجه ناز لدم بینه سنی
نوز اولک سیم کافوری و هم جسم نگار حقیق سینه بی کینه سی خود حدی
راستی منزلند و ارمیچون نیرک بکچدی کششکله فانی کانی بکیر

اساطفی ساغ صفا ظهور وجودی نامی محمد در انا طوی و لا یسند ندر کثیر الراس
 و کبیر العمامه مکرر چشم و مرتفع جانه لاکل الاجل تخیر کل بدن اهل با یک مجلسی و بر جوب
حافظ واعطای کین جلوه در حجاب منبر میکنند چون بخلوت میروند کج روی میگردانند
 تنها و عیش نوشدن دم ورن مردان پر صفایک انبسی ایدی طلا قیاسان و غنای
 بیانی اوله و غنای بازار و عظمی هر بار گرم و پنج پولاد دلقی تشنید و بخت
 ابد نرم ابد و بخت ردم و زنا طوی چه شهر شهر سیاحت و هر و لا بتک امر او غنای
 محبت ابدی و با جی و هنر لیانه تصنیف اندو که سال و مقاله بحد و قدر در تعداد
 موجب غنای بلکه مورث بخت در حیف اول جوامر زو اهر عماره که بمقوله مملکت
 صرف و اینار اوله و مدام اوقات و عانی بو کونه نرماند که از اینیه بالکرمه افراخته
 خشن ایکی یک بدین زیاده مملکت و در در بخا و زلزله عین سیایه و محی با ساله حرمه
 برنم جانده کاکلک بجا بجزر سنبل صتر و در خراسان طراوت مجلسند کل صتر
 بر کجا بارک غنای ردم و ابرنم بر کجا و یوسفیله بزم دارنم
 بر کجا ایل جوریل آه مردم دارنم قنق برین دبیرین بیک درلود مردم و ابرنم
 پنجه میل حکیم محبت عالیه حسی بر نظیر کوستر مدبر جان روی راجع
 کرچه درلود که اغله طیبیه عانی قنق برین غلین بیک درلود مردم و ابرنم
سای ساغ صفا ظهور وجودی خاک پاک در نه دندر سرشته و صلصال جان
 اول هنر سوده صفایک آب و ترایه ایل غشته اوله جانده وجودی خفا نه عالم
 احکانه دایره اولوب اول بدینه یی قرینه تکالیبی میاندخ فراز علی و یکله ستره
 مرادی و عافیه و کسر مطایبات و نوادرده خیل هر نظیری از اهل ساز
 بر بخت نوازه می و محبوبک آشفته سنی و صحبت انکالفته می ایدی جنگ شان قانی
 هر لکه وال او شیکین نماند یکی مرد قدر بواسی باشد کتمندی و شان

کیفیت

کیفیت شبانه کچش مست و خواب یکین هرگز شرب شراب کچش ایدی موزی و
 محمود بدن فارغ البآل اوله و غنای بوییتی شاد حاله
 چنک خمیه فانه دوندی قدی موز نه سزی قودی ساغی الدن سیاه
 پیر اولدی ساغی قوخر الدن پالیه و دوشدی عصایه زکس زین قدح کچی
 طریق هرزده و وف نهی اوزره دیوانه و زمانه بجا و بیاده خیل نام و شان
 المومنه غالب شاع اقرانه ایدی بیانه وجودی خفا نه جهانده سنک حوا و نه شکسته
 و سنکسر اولمغله برنم جیانه پنجه زمان دایره اولوب غایتی عمر اولمشیدی فایح فسطاطینه
 اولان سلطان محمد خان دورنه تیشوب و حرم سلطان سلیمان خانک و ایل سلطنت
 و فرمان روانه سندن و دایع عالم فانی ایدوب ساغ صفا کستر جانی شول شمول
 مات هر او کوخوز سر کر **چنک** ترک بزم جهان بشد در او کفر عمر نه صحت صلاحه راجع
 و ایندو که قباچ و معاصیه عانی بزم هزار تفریح و زاری ایله جناب کرم توبه راجع و ایدوب
 او کو قمرینی حاضر لبوب قازدرش و خزانیک حواله بین نال ایدام و شفا لواله
 زین ایدوب و ایلانی سنک فرارینه باز در مشدرا انکچون فرارم اوستندن
 بن بواشجاری بویه وضع اندم که کورن صویدین بلیه عالم بوجان کچر بیلدم ندم
 بر بوی سر و ششی ادا مک شفقوسینه طویدم کتدم یا رمه عرض ایلمکیم دارم بن بوانه
 کور یک بدن بزم مجنون اولور جانانه آشنایک اولوب بنی یاد ایلله دیوسکا
 دوستم قان غلام کورد که هر یکانه **ق** قلبه دن قصه زخه سندن
 بالمدزاده و یکله نمره دار و دیار المومنین مخلص زبوری اخبار ایتددر
 لطیف مدحند اوا ایدوب و روح و شانسند اطباء ایل خلی ایلوب
 ایل دقت بلکه مودیدلر انک کلدی بوقدر و دیدلر غنای کجاری غنای کجاری بوقدر و دیدلر
 کوز ناله بیلکورد و ایل و ایل بوا بودیدلر کور و بیلر ایلکچون قند اولوی

بودیدلر
 بوقدر و دیدلر

عاشق جلوی خنجر تنه گرسنه ناله زور می آید اگر چه در جبهه اندی
 مرحوم نعل ایله مدعا سینه سینه گویند و لکن بانی بک بو قول منور و دخی کا اسناد
 اینمکه دعوا سینه سینه اثر و ایراد اینمکه اولی در
 باغک کلی سینه سینه بنفشه سی باری کلور دیو قو دیو کوزجی زکس
 غل زبور بانی بک یزد و کشتو تر دمنور در **سالی** ادر نه لیدر کا غلطه ده غب
 و کا سیاح دیار غب اولوب طریق سباحک مرد سالی و بو بولنه قار اولد قبه
 نصاب موفک سالی هر شهرک ساکن بخانه سی **ع** شاد شمع شرایک سوخته پروانه سی
 ایدی بو سواد در یازم عجمی سینه سینه ناهارانه جنگ راز در دخی دیگه اولور بجهانه جنگ
سالی نامی محمد در روم ایلند کبیر دند زفن تصوفه مایل اوکو مجاهد و حال سوز
 قال به مطالعه کتب و سائل علم توحید مشغول و متوغل ایدر زمانه دیگه سواد اولان
 ملکی شوال و سلطان بد فعال تقیض اولندن بفرقه کلی خوف و هراس غالب
 اولغین مرحوم ابو سواد اندیک مجلس فضائل سینه سینه وار و کند و خفاص اینمکه
 لکن بو حالت قلمند بر ایدوب در دمنج جای کبر اولان احوال رده دماغه با نثر اینمکه
 قوای عاقله سینه انکار باطله عارض اوکو دار افتاده در زنجیر ایلدیر بار اندن بر
 منوره اول انکاره دیوانه دیو خطاب ایدکن عاقلانه بویل جواب ویر سدر
 دیوانه محوان و انجاری دیوانه توی که عقل آری اول حال کنان افاق بویوب
 قطره سینه اوزره اشک صندای سیر آتش جوانه سینه قبری سر سز
سپاس استنبولدن صوبه یی ناوی اولان حسن بیگ و غلیدر منظر زعامت
 جوان بیک خسلندر طریق بلاغت و فصاحت مرد آگاهی دمن فرست کبی فرسده
 دخی کر چکدن سپاهی در اکثر اشعار شرایک کناری نوسه کله خداری وصف و مدح
 اینمکه کیفیت بر حندن خالی و عاقل در کله در بوسه انکار کفار نذر

دل بر کوکی کلزار جهان اولد و چون میل ایدر بیکه سینه سینه جان اولد و چون
 خوابدن خانه لری چشمک اینمکه خایه هر کجبه خیل خایه که مکان اولد و چون
 با که شوبله جیب با کجبه شرایک سابق دفع ایدم ناکیم غم و در جیب باقی
 آب تنوی بوسه اید و کوی قار و روز خنده صفایک صفا من صوفی
 ایچسی شری دکل اسکدی بوغی باب شمدی خلوتد صفر ناز شرایک مونی
سیری سینه زار جهان غایبه ممد و قبول اولوب بلدان عالم شریحات
 اچمه مدایح و می سنی خارج حبیطه ظنون و عقول اولان قبه اللام سینه سینه
 و محلات بر بر کاتدن محله اجله اولان داود شایه سینه سینه حافظ کلام ملک
 علام و بخوید قرآن مقبول نام اولغین نام اولد و اشعار و ابیات بید
 و ارتفاع در بر مقدار اینمکه و یروب ترتیب یوان اینمکه اکثر حکایه روی
 هوشان کبی ساره و طالع ناخود میدان کبی کشاده در بویات دیورک کلماتند
 بر قدی کلشن اچینه اوحدی کل کلر مدد ایدر شرایک شراب کلنار
 کیمکه عشقکه یانوب کند و زنی خاک ایدر مزج اهل فنا اچره یولن پاک ایدر مز
 دل دین ولدی فدا یولکه جانده سینه ال اچقو غن ایدن سکره و سیک ایدر مز
 بنده عشقک اولان اکر پادشاهی استمر سایه زلفک تر ظلال حایه نلسون
سجودی قلغان داند زنجیر زمان سهام آلام و احوانه سینه سن قلغان
 ایدوب بر پناهی حوادث ایام نشان اولمشکین شایه جف جلیک نوازش
 و احسانه و وزیر امان پرور و معالی کتر رحوم پیری شایک لطف بکران
 ایدر کاتب دیوان اولد قد صلیک بولکاتی اولمشدی بو بیت ایدر مز موندن
 بو کدیرن قبه یی اکی جی حقایق و رخ کوند راق کبی شایه ک قلغان دلنه
 روانه رحوم سلطان سیم خان برف رویف قصیده سی ایدر مدح ایدکن برف

صفحه اول و آخر

برابر دشنه در آنکه دلش از دم اولی او کور دیو بخودی دیشد
 صوق سوز لرزه طول در دل روانی . باشو که طول و غیور و روانی جوانی
 یوزن طوقندقی بر یوق بخود . انجمن دیدار که بخودی اول
 آئیده که فانی بر کله لایم اولوب ملک الموت سلمان المعجون رکوع و ادوب
 تمام احترام آئینشیدی عاقبت روی بخودی وجهه نیاز نامعدودی خاک درگاه
 چاره زبر جوده سور و ب یوزنی اول خنده دن قلدر شد اقصی فصاحت و بلاغ
 نقش خیال در سینه اولان شوازه سندنر بواشعار انکدر .
 صحنه میل نخوسی کلزار اکلربی . کلشن غشکده بوفریادوزار اکلربی
 فرنگده دبدم مرد ملک بادی پر . باشی جوق اولون جو شیم انگبار اکلربی
 سلطان بدین خان . شجر ملک ابرار و توران هندن بند کج تو بارنجی دیشد
 نه طور رسن طواری نه عادل . بوله کیر زادله زاده ایلم
 غریبه کچری دیو شورب . حد دن اندازه دن زیاده ایلم
 تا که عالمده اوله بر تارنج . شاهی است ایلم کل پاده ایلم سیاهی
 دیر عجبه غایت حسن و ملاحظه بدان جهان دن متاز و کلستان مالک ابرار
 و توران اچره سرد غنایکی جمله دن سر فراز اولوب اکثر خلقی دقیقه شناس
 و نکته دان اولان نصیبه همداندر منظره چار طاق غایت عناصر بجزه
 رواق ادراک عقل عاشر شهنشاه زبان و حوم سلطان سلیمان خان آفتاب
 زشتان . و شمس نور افشان سیر مشرقین آینه و کجی غم سفر و اقیان
 ایدوب تیرزه وار دفرنگ حرفی علما . دستیک فضل اولان کسدر عالی قدر
 قدری افندی مندا و توکل اهلینت و معارف و کماله قابلیت کور و لطف
 بحسبک سیاهی ایلم کلشن وجودی سیراب و سبز زار طبعی باران جود

پیکرانی ایلم سر سبز و شاد و ادوب انواع رعایت و غایت هر قومی دبار و
 کور مشیدی و حوم هر قومک تربیت بخود و قومی ایلم فاقان مغفور و وفوک فنی و
 اولو جنباب فلک نصیبان نور اولدوغی ترجمه کیمیا سعادت . انی غنیه نیک
 و مانند مورجل چادری ابرار جنباب سلیمان . آیدکن سلطان ملک خضنگ کیمیا
 سالت واکشیر نایب در گلت اولان لطف و زرافتنه مظهر و دین جاکل
 جلاء احاطه ایلم شوز اولوب کشت زار رجا و کلستان امیدی سیاهی
 و ابر دریا بار غطا سبز و دریا و قبول قبول سلطان باغ در احوالنه
 اولغنه مهلب باران لطف و احاطه اولسیدی سه چین و نس مایه دانه اکرده
 عنایه سرنگانه دن مجتهد اولان سیاب و جودی نسیم پروردگار ایلم پریشان
 و تار و مار او شدر . دیدی سلمان و فائده تاریخ . روح پاک سیاهی رحمت
 فارسی و ترکی اشعار قبول هر خوب کفاری و وار در بو شمر انکدر
 غمک خضنگک منما سینه جاکیم . فور قتمه خنوخ کله که انک سلاکیم
 دلراغب رذوق و صلتی عشاقی بوجا . مک حجاب ار بردانه استرنا سوزا
 جنون مستدای زلف طایبان اولسان ملز . پریش خاواک حالن پریشان اولسان ملز
 برنم عشقک بر عجب فلو شرای وارش . کیم سرمت قدن انک جابج وارش
 جو عه و صل اچکن بهانه عمر آکدیری . سی دریا جلدیم غمک شتابی وارش
 کوزنده سیم اشک سبیم اوزده داغ وار . کدای کوی عشق سیمه زدن فراغ وار
 اگر چه صبح غنیم شام غمک آینه در لیکن . خیال شمع رخسار کله بر روشن جو غم وار
 سیاهی در غم . هر دو دق منصب بدین بابوس اولوب شهادت عالم بقایه
 مانوس آکد بوجا انکدر غنیم المن بنون دنیا یه بارم اوسه . شیری چوقدن ترک ایدیم
 سیاهی اوزده سیر زانمی خدو ز کلا با شازله و حومک دانه قالی کیم

وزان

سیاهی در غم
 سیاهی در غم

کلمه سنان کاتب اول بعد اولان قصه زمانه کاتب سنان تریقه و حیرت کو
 ووفیه اوغله کاتب اولور. عاشق چلی نکره سنان خلی مریح و نایاب و
 حقیقه کلی او انمدر اشعار سنان خلی ادا شتی و اریزی که محاسب هم و خیال
 عهد هر دغدغه دین بیرون اونی کمال اید و دست خطی اید اول کونوا در اخبار
 و لایق بن اشعار و حکایات امار بارشیدی که دیر چرخ ایشر کو اکتبات و سیار
 اید نقطه دو که حباب و نماز اینه مجال و غنیدی و خزانة حافظه سنان اول دلو
 جواهر زو اهر و اید کی الام محبت عاشق بی صبر و جور و جغای دلبری بهر دن
 از تو غنیدی عاشق چلی زو بری اسلام بیگل اینه دعوت ایدوب و نقطه بی
 ای کلام بیغی و حلال و یک که نظره ادر حال کلک اسلام بیگل اود اید
 اولم عالم صفا سنان و وقت کله زمان خوش تر لب دریا در رشت مناب
 اچلم جامی زو تی کلیم بکر اوده و غنیدن کلیم و نور و فی مست شراب و سنان
 ابرسی بو کونه جواب باروب کوندر سنان ایشر سن بازوب بکم نام
 کا و عشق دعوت اسلام سنانی بلکه دینم و غنیش برنم خاصه باقیم و غنیش
 و سنان کدر اقام دولت اینه سوار اول بر کون اش خلق بشیر سوکه اولم و غنیش
 استبدادن قریق و یکله سوار اید ارباقیم و ایشر قم ایشر اکا کاش
 ایدر و عباسش و غنیش و نوا و باش خم می کبی بران شراب و اولم و
 و سنان مثال اید با سنان و دم و کت قمر دی بافت رمان و روح نایب و دیوعل
 فاعله و کت و اید و کس و لاله کبی جام و بیاله الدن قون عجب مدر دیر اید
 و زور حسن چلی حله و قدر دار اولم و بیکه و بانه آت بازار ای ایشر و غنیش
 میدان و همانده خوش و راه سوار اولم و نطق فلک و بایر و تسکین و ادا تنی
 سور مکه فی کمال رخ فروزی ظاهر و بدیدار اولم و سنان اتق بیکه اود و سنان

کلمه سنان کاتب اول بعد اولان قصه زمانه کاتب سنان تریقه و حیرت کو

بر جوان کونور و بجمع سنان اول دیر ملائی قوتیه قوتیه و بجمع و کلام
 اوزره بانی دوق و حال اولم و ابرسی جوانک قاری هر سنی اقی و غنیش
 کبی و زوره اوغوب اوغوب کن دریم و دامن اوده ابرالا و احلیت تهاب
 اولان او سنان به ایدوب باش و قومک کلف اندر دفر دار و بعضی و
 اوغله نقد اشتقام ایشیدی و اشکینه کوجی بیجک بالایی و دکل معانی ایشار
 قلمسیدی عافیت اول منتقل در در و سنان عضو مو بودنی قطع و نال و جوبین
 باغ خلقیدن قطع ایدی عجب حال و غنیش ایشار فاندن که قیز می و یکله سوار
 نام رجولیتی بر مقدار نقصان ایدر ایشر عضو مو بودنی قطع او منتقل اول حال
 بالکینه و مان اوزره اوکده سنانی حاکم سنانی استبدادن استماع اولم و غنیش
 و ایلی قیز می اولم و ایدر اشعار و حلال اولان سنان ایشر و غنیش
 علی لحن و سنانی و هار و و بوز و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش
 آه و حیف قندی رحلت ایدر و سنان باشک کزار و زارنده و سنان
 اصف سلطان سنان کلدی کلدی برینه و زور و قومک برادری و غنیش
 سنان باشک و فانه و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش
 و بر ایشر ملک تنی و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش
 قوه و کله اکا غنیش و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش
 و سنان غنیش و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش
 طلیدی حجت و کینه و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش
 اندکینه و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش
 بتودان و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش
 بری اودن انگ بری و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش و غنیش

بوتاریخی دیدر

ایندکین دیر

اوغله

غزل و نسبه نولایا بین بنا - یا پوطاشی قنور می هیچ یا بودن
 آگهی سترم جسم ستر تازه داغ الوتو - برار با تور دیو تر قهرم ادا فی جانی و لوتو
 جهانده سینه سی و سنده کمر تازه جان - دمی و قنور صفای کمر جان اوزره جان بر
 شوخ شنگل زنده لرزمده دلبر در شراب - باشی و سنده انگه عجبی جباب
 برنده ساقی سوا سبله حرات کسب و - سحر با صم جباب و لا عوق و دگر می شراب
 آبت حنک و قنما سون دیو جانا علط - یازدی قدرت کاتبی برو که مذحاک لفظ
سرور ولایت محمد ز سلطان سلیم ماضی زمانه فوت اولو - بودنیانک سروری لطف
 عین سرور در دبود با عقیده سرور اولو - نقد بله سرور بیشتر بو عالم فکانه اود
 اولخله واد حقیقی یا ابرشدر اگر چه اشعاری بشمار در لکن بی قول بعضی طالب و ادر
 دین پرنده خالک کسی ای را حرم - مسکه بزرگم قزل و الادده اولشدر زان
 نامی مصطفی در کلبه لیدرز بابای الدار - بر خواجه بزرگوار ایدی کیم کیم
 دو کنگه امکان اولسه جواهر دایره نصیر و خیر بو لرایدی و بر صاحب ثروت
 وز بار مالک دنیا بسیار ایدی که کاسه عثمان بولوق قابل و مال فدا و لای نقصان
 پذیر او کیم افندی شگافتی صلاحدن افزون دینار - داغ سینه و لکاران کیم
 حد عددن بیرون اید خواجه ز نور صرف وجودنده بر دانه اولان در دانه
 که دینه عمر دینه سنگ نور و سینه پر سینه سنگ سرور ایدی تربیت و تقویتنده
 جان ایدو خفیه علم و کمال ایدر مکره بذل خود و این مال معدود و ایشید
 مولانا و قنوم نیکل فضایل علوم ایدر مکره عقد حال و فدا ده احوالی رسته
 انتظام علم قلوب اشتات سباب علمی کما یبغی منتظر اولدقن مکره جمی الدین
 اندین ملازم اولوب دین ندر سبله کد و عازم اولشید بعین سرور فقر اکبر و
 اعظم فخرست مجموعه اشفاق و مراحم وزیر بر معالی و حکام و حوتم شایر نور

میل می افشین طایر بر قوت لب لبه مو و شنج و شتاب اولاد در سینه
 بنایت کن افاده علوم اولین و آخرین - چون مولانا و زبور نعمین استبداد
 مولانا و زبور بر سر قوت و تعلیم علم و کمال ملازم - مولانا و زبور اصناف فنون و
 مواظب ملازم ایکن عیبی کردار - بخود اولشید قطع علق و عوایق آسان اولدو
 جمله مالکین بازار جهان خرا دایم کماله سباب و اموال ناری را بدوب مودا
 قبل ان مودا معارف کار و عیان نمیشدی آن اولاد شام چنده بخود تقبیل
 فایز شدن رواج روحانیت و زان اولوب منصب اعتباریه دن قطع حیا و امید
 ایشیدی و خانقا حضرت میرنجاریک شیخ بزرگوار - عبدلطیف افندی به
 مرید اولشید فاسم پاشاده اود می نیده سجد بنا ایدو اوقات خسته
 عبادت و ایام در سه عبادت معناده اوزره ارباب استغاده به مداومت
 اوزره اولوب سرور صفای محرم و شب روز اصی صلح و فلاح ایلدانیس
 و همدم کند و پاشنده سلطان عالم بلکه کیم استغاده بی پروا
 شاه عالم کلمه حکیم پاشینی امانده معانی و شرف هویدا اولوب بی جا به
 و جلال فکری کیمایشان رویال ایلدانه ااعظام و اجلال اوزره ایکن
 اخلاص با خرج من القدر یقین حاکم - فوایع اوزره کندی حجت ریاسته
 و جاهه القایده یوسف مثال مجوس چاه اولشیدی و هوای تقدیس و فضی
 نرفته شهباز بلند بر دار اولوب عالم روحانیت طران اوزره منازل و
 سیران ایدر کن لاشه لاشی دنیا به میل و محابله خفیه طبیعت و محابله
 رفیعتی را مگاه قلمشیدی حیف و صد حیف که جان علویسی متعلق مایه بر عقل
 ایکن ساکن منازل قریش اولوب رفعته ایکن منزل عوده ایکن منزل ایشید
 گلستان جهانده بر و مثال کشیده دامان ایکن این باعدن و تیزو

صوای کون و مکان در میدان مغسله فارغ البال ایکن دانه و دام ارزوی
 و مناسب الیه دوزاغده و کد غباری که مشرفه در مجاور ایکن فرور طعن کونه
 بواشعار ایلدند و دوسانه سن شعار قلم شدی
 ای سدره ثن بن غش پرواز و طایر قدس عالم راز ای طوطی باغ و ریح غنات
 وی میبوی سنان رفعت بایسته دکل نذر بحالک قطع اولدی مکر که پروبالک
 طیرانه مجال قدر تک یون سیرانه خیال جنگ یون ترک ایلوب شنای قدی
 دلون چو قوسب جمال انسی نه دانه دوشردی سنی بودا دوشمک زن اولدی بوغنا
 بکم اندی سنی بوجله صید نه بندله اولدی کاکه قند بخت سنی اندلرمی کور
 بایکراید و بایزلمی کور بکزر سنی خواب غفلت کد صبا دامل بودام مساکد
 سی کوزک لاج بوغوبدن نور سنی بوجا بسن غم ایلدردان طوایشانه
 سی ایلد و درشن خشن کانه بخت اوزدک خزانیک سب جوهر و کج تر ایلدک
 الفقه نه زاده سلطان طغی به خواجه لغه دعوت اولد فزع دعوت اجابت ایلدکده
 خدمت تعلیمی قبول ایلد عالم سلطان ایکن کند و سق لکیده بخت نه زاده یک
 حکم جودی غفاب گرداب فنا کشتی هر ملمات ایلد غریق عثمان غنا اولوب خافان
 صاحب فران و حرم سلطان سلیمان خان اولغی نه زاده زبوری سر خیل کده
 شهیدان اندکده زبور کنخی اذغایع و اطوار ندن رنجور و نور اوغسین
 سروری غم و بتدل وصف و حضوری الام موفور و تحول اولوب فوف و فاقه ایل
 ندتل و سیدی طغی زبیل و طغی کجنوب و هماغانه و دیاده مال مثال بیه
 سفه سی کشاده و مهر و لکبی فرض نانه آینه و درنده به شب و روز آماره
 اولوب بیه در محکدن خنجه مثال رنم اوشمکین بکرسنه به مانع کفیرن اظهار انجیب
 راز و رندن ایا ایا زدی و برکن چارکی الی بونقه ایکن به ظلم جودنه

انبی ایلد لری به انداز ایدی چو که بو خاکدان حیرت و تگنی مختن مانتن اضطرار
 اوزر و اولوب شجره نمزه حیایه صرصر پیری الیه لک راوشیدی و مانتنه هر بار
 انتظار اوزره ایدی آخ سینه سنج و سنین و سنج مانه ده عالم فسادن ترک
 دیار ایتمکله علی علین ده قرار ایدی و بی و نرکی مصفا نه جوقدر مشوی
 و بوستانه و دبو ایا فضا و کلتانه علی شری وار در کرچه و خومک موفغانه
 عوام بایتنه مقبول و غنوبر لکن فارسی ان و ایلخ فای اولان بارانه
 حاله محقی و محبوب دکلده زبان فارسیک و فایق و نجات و ضرورت مثال استعا
 بحرانی طاهر اولد و خنذن خبری شرح لغانه عاب و فاضل ایلد و کج روشن باهر
 زبان ترکیده اشغاری دخی و افره بیرون و نه حصر حاضر در اوج دیوانه وار
 بوسکه جان و شیرین و مردی بوسکه که جان معینه ای غنیل و بدم بوی کج رایگان
 دل کچون دودا هندن جهانیه مار ایلد یارنی اغیارله کور دکلر زن عار ایلد
 دوشده داخی کورسون کسه بنم مشد بیه غصه بجا کله فلقی او به بیدار ایلد
 دیر بیلر تا شیر ایلد راسمی ستماده و الیه ای سروری کور مردم عالمده خندان
سروی ولایت حمیده بور دور نام مقبیه و نذر سروری غنای کجی فانی بالا
 اولغین مخلص زبوری اختیار ایلد در بو مطلع انکدر
 شول عوق کم اول کل اندا کج کاغذن جعفر سلسبیلک غنی در فردون باغذن
سری هوای جانتوا غی غیبی وار و ده دلقی حیا ایلد و سب کله لطافت
 ساحه ی مجلای و اردات سرور و صف اولان شهر ستوده طواریک
 وار دار دند زبانی عیبی روحوم شاه افندیک قلس فاده سینه مداوم و ملازم
 اولغنه خدمت بر فضیلتندن ملازم اولد و طایق علم مالک و نهضت مالک
 معارف و فن یل ایلد محلی و آینه سینه سی مستعل علم و کمال ایلد محلی و دردم

لاتن

بواشعار زبور ک کفانه

اولد و غم

مذکور که نقشی جو مغلده نشد و فلکده را یکی تحس کرده و دوشدیلر و برالای
 غماز فون سازنگ شکاری کبی برنده طوقوب مکر و حبله ایله اینندن جعفر دیلر
 الفقه عاشق مالان کبی رازخانه اشکار و عیان اولوب **نیت**
 عاقبت طشت ادر بام افتاد . آن که پیش خاص و عام افتاد
 کلاب خوانی بار جانیه دیو اول بار جانیه مقید و مغلول جناب سلطانیه به موصول
 اندک کرده در بای غضب طافان جوشم و عثمان مهر سلطانیه باد نیت اعدایله خود
 ایدوب اول صدف در شرفه در بایه صرلر و اول شناور کمال و هنری در بایه
 اولد و عینون دکنه اندیلر و صفی شرایده اولان اشاری زکین حالت انگیز
 سایر کفاری دخی می ناب کبی صفا امیر در بواشکار انگدر
 تماش کاه عاقده جمال کبی باغ اولر . بوروشندر که عالمه کوزه هر کز باغ اولر
 و از کلام ای هنرم سا که هوادار اولد . کل یوزگون هر سر بلبل کبی زار اولد دن
 بن الم حکیم غم سودای زلفکدن . چونکه سن ال حکیم ک غبار یله بار اولد دن
 بوساقی مانه دخی انگ حرایتند . کنور ساقی ثوباقوت روانه
 نه باقوت روان قوت روانه . صفاری ملتینگ نده جانیه
صدی در حوم تاج زاده جعفر جلینک برادر دیز معارف و کمال نده برادرینه
 شاکر و سام بلکه علم و عینده زیاده ایدو کج صحیح و سلم در اگر چه جعفر جلینک
 انش من عوام پسند اوغلا شترهار طومند زکین در نورک انش من شبانه و
 اسنادانه ایدو کج اهل عرفان اولان بارانه روش و اشکار در حکایله نکر
 برادر جعفر جلین قتل اولد و غنم دیوان سلطان بدن متین الد و غنم نایم
 آتش مصیبت برادر یله بر آذر اولد قن پناه جم اختاره دشنام ایدو و دعا کو
 بعض کلام اندو کج مع شانه نامه و اصل اولد قن . بایر غضب سلطانیه مکرار شتعل

در بایه جعفر جلینک
 در بایه جعفر جلینک

وایا قمر قرمانه کذب و منتقل اولم خوفیکه مخوم و سکوب بستای مای اوزان
 و کروب برک درختان کبی برنده لزان و تیج سیاست خاقانیه کذب و نک عار به
 قانن روان ایدو دیو جسم زده دغای بستای مرض یرقان اولو حای یقینش
 محوم کبی مترقب و منتظر و اعلی یقینش مدیون کبی دوق بایدن متیالم و مشکدر
 طور کین سلطان مهره ایال نامه لازم کلوب سلطان ملک نهاده و حوم جعفر جلین بای
 ایدوب اگر در حوم صایع اولایدی و احرک کفایتی انگ دست بر اخت اینده وابسته
 در بایه جین بلاغت رشحات کتاب قلامی ایله نورسته اولم موزایدی و یوبورد
 متوقین حضرت و حومان خلوتدن بعضی حال از اندانی صحن مدرسی اولد و سدی صلی
 دخی میدان ملا غمکچ چاکسوارای و توسن فصاحت و بر اختله اشال و ازانک
 سابق صفاری اولد و غی ارباب جبریت و اهی فضیلتک صغیرینه مستر و متواری
 و کلدزدید کلرین فنی کال عینده فلک شانه صرلر اولون دیو فغان قضا جویان
 صرلر اولو فر بوره دعوت اچن جایش وار دقن اول سلطان غضنفر
 هیبتکده بای قمر و سطویه جوش اندی دیو خوفدن بکدیده و نه و ناکند و نیت
 و سایر لوازم انتقال در صلی برینه کتور و ب غایت افطر ایله طبع دل و اکثر
 آتش الام عیایله تجرولا بعقل و مشال درون دلون افغان کنان غنه
 تحمل غلیوب آستان دولت آشیای سلطانیه و اوار و منتظر و غنم ایکن جناب
 خاقان سکندر عنواندن تسوید مکتوبله مامور اولد قن سرور موز و جهورا ظهور
 ایله ایدو کلوب اول کبی اشکار چه شمار ایله مانند محوم صبا چه دل بیدار اولغله
 بیشتره اندیشه ایله کان افکارای قزوب پنج جواهر اعتباری ایدو و اطرک
 قلمبندی و در بای بلاغت و فصاحت و اولد قن قلم فکده نیلایه شاد و اوار
 ال کتور مدی علی الصبیح که کاتب بد نده بر سواد شبتاری سیاض نهاده

قمر قرمان

چو بوسه شود نه طلای بر نور فلشمیدی و شاه انجم خشم سپهر دوار اوطاف و کفایت
 بر بر صفای نوید انوار بل ارشال منشور انجمنیدی استان سلطان ملک فضل الله انت
 ابتدو کج مکتوب بدیع الکلوب بلاغت مصحوبه و دیال انجمنیدی جنبه شش هین
 مقبول و مرغی و دوشوب مدرک سینه او تو ز آنچه تر قی و او تو ز یک آنچه و بر سحر
 کور کلی صوف جابزه و بر شدر و مرحوم علی پشایه بر دوش و قفیه غایتی و نظیر
 و آفتاب فلک شیر کبی عالم کبر در سلیقه عوب او زره اشعار عربیه و قصاید
 بلعنه سی دار در ترکی اشعار سحر و کلدر و مطلع انکدر **مطلع**
 یارب نبولیدی عالم الجنده دل و لبه باری اولور سه هر کوز له یابل و لبه
 عاشق جلی بویکی بیتی غلط ایدوب مرزوره اسناد انجمنیدی اولان سعدی جلی
 عالم طوله می شرت لبک بن داوادم آه کم بن بنده بر دم غدن زار اولدم
 بن بنجه اکم و دوس نخت دولدن مراد ایکی قفیه عسکرک برجه دامار اولدم
سعد صاحب نهان نفایقه و مؤلف حواشی رایقه مفاد خوات سوده ضحاک
 انواع معارف و احادیث کالاتن ترشح و اطوار بزرگوار می حسن جمیل و حکام
 جوبله ایلد متوشخ منقش لایانم شیخ الاسلام کشتی مشکلا حلال الخطا ابله علماء
 اعلام و اعاده فضلا کراک یکانه سی و نظم معارفک و نهانیل و میدان کالات و
 فوافلک فرزان سی اولان مرحوم سعدی افندی که ملک جواله بر دخی نظیر ملک
 ارمحال و آینه خیال ابله عدیل زمانی نابان اولم محض خیالدر
 مثل و در جهان ندید کسی و در تو کوی که هست مان بنمای اشعار
 افلام مشکین ارقام آب خورده جوبار نوبنی الهی المخلکه ثمره فضایل کوره
 علم و کمال ابله بار و اولمشد و کباب طبع تراکت نصایح احدا ب کرد و بکار
 عنایت نامتاضی اوخله گلستان ملک و ملت انخله مفر اولمشد اولم مکر متلاطم
 فضایل و حکام مرحوم محشی و مؤلف متلاسا میسون زاده دن ملازم اولمشد

لکن کمال پناز آرد و حوکم فی تمیز خاص شاگرد بر اختصاص ابدی و حوم دقوم
 جانب دار کلامه خواهم اندکده برینه مفتی امام اولمشد مولانای مرزورده منقول که
 مرحوم کمال پناز زاده تحت رهنه روز ناده اولوب مادی سعادت مبادی ارجی
 فیات قدسی زبانه خطایرانه دعوت ایدوب فرمان واجب الاذعان فاد علی
 ابله جانب دار کلامه رحلت اندکده منصب فتوی طول اولوب برینه مفتی عسکر لکن
 معقول اولان عبدالواسع جلی اولم خلق انجمن شایع ابدی بر منصب فتوادن
 مایوس و عوم هموم غلله مایوس ایدم کج واقعه کوردم که بر پیر روشن ضمیر
 بوبیت بر نائیری او قیوب بکا خطاب ایدم شیخ بالملک المستبلا سبایا
 الرزق اذ اناک دق البایا علی القبح که سلطان چهار بالمش دوران یعنی
 آفتاب نور افشان صدر دیوان عکس خانه و آسمان تحت عایشانده
 او تو ردی بر جادوش برف کردار و برید نوید صبار فزار خرده فتوانی
 کنوردی صحن مدرسی ایکن استنبول قلیس اولوب اون بر میل شهر
 مرزورده مفتی اولوب کافه انام احکام بر احکام و افعال مجسمه و قضا مندن
 راضی ابدی حفا که مرحوم دقیم میر اولان لطافت بغیر و دجارت نظیر
 قابل تقویر و لکن تفسیر دکل ایدو کج نور آفتاب کبی شهر معلوم و رسوم بغیر
 و کبیر در تفسیر فاضی و شرح هدایه اهل الدینه اولان حاشیه و فاتی عایشه
 سندن خبری مالک اولدوغی کتاب بید و حاکم حواشی دست حفظ ابله محشی
 و معنی نو کردن و کونن بایم قلایند و زاید افلام مشکین ارقامبله محلی و موشخ
 بعد سنده اربعین و نسخ مایه ده مفتی انام و مجیز حلال خواهم اولوب سنده خمس
 و اربعین و نسخ مایه شوالک انجمن کونی کوکب سعید حیاتی غارب و آفرین کاربان
 اجل ایلد سر منزل بقایه و اهل اولدی و حوم عاشق قلبی نقدات شهر اید

سید
 ...
 ...

اولدی حبیب کیمی کوکل مستلای
کوکلن عشقن ترک ایلدی شیرینک
جسمک بنیاقی اور دقن خلاق چاک
ای بنده کورین صدمه هلال شوال
اتمون یوزکه تشبیه اوزین اتون عیار
اوروب بیکان تیرک غمزه اولدوکل بون
نی ترک ایلدی کوجا جفا طوره مدکل اندک
قاله صدمه سنگ آشفنگ اولوب ماه مینر
کوریخ روی یاری دوشدکی سندن یوز
کل خدک قوبوب ای غنچه باغ عالم
یوزم اوزره بعددوغی دم کوسه پای کبر
مبدان روی زمین اچره برترین اولان قهقهه پرزین دندز
نارنگ برادر کتر بر سلطان محمد خان زمانه تکمیل علوم و تکمیل طایق
حدود در سوم کوشش ایدوب اماره جدو سعوی مورت و عمر اولیجی کوشه
فراغتی موثر اولوب کوه مثال پانی دامانه و غنچه و شش باغی پیراهنه
چکوب پرزین صحت مردان جهان دن دامن چین اولوب دردم جنم کیسه
کوشه نینج ایکن سلطان بایزید خان بوغراچ لسان کوربستان عزت
در جلاله دعت اندکد کلک اول خواجه دکتب کمال و موفقی معلم خادان
حرم برای سلطان بنلردی میان خلعت شایع و ذایع اولان تویات که
موتلجی فلج مجاهد کویار اولور در نورک امان و ان سیدر و اسار و زور کدر
موزیک فشتی بازیک کوکل نایسنه خانرا غلندی کوزم کریمک خان سینه

شعبه کیم

شعبه کیم تشبیه ایدر بارب بوخده مو
شمع بوقول سرباکل بشقد آتش
ابغن تیغ اوزن بصیرت کجاکل ایدو
ناوک نرکار غی اوستنن کار کیش
سجده طائش فخر فتنه یه اتمش اوق
اول کارک غمزه عاشق کشتی دخی کیش
عاشق افاده و شش نوله شعار جنگ
اچلور کوکل کلک نیکو آره جنگ
صفت کشتی در فارسی نصیب بلعیده سی دار
استی صلی سیم نام سندن یازنده غایب خوش
چلیت آن طیار کز غمت جوباد صرصر
عنبرین نبال مرغین بال مسکین شهرت
سجده موقعا نصیب کیره دفا
بلش ارم سیره اولان شهرتیر دندوغی مضان
کمل زاده دیکله عید سال مهره زمان ایدو
دحوم دجا افندیکن انشمنه و مصاحبی
حسن خطن خطی و غنچه منقبت فضا کندن نایب
و کجانی او کور ایدو دایما کمال
دلبران کی توریع و مثال قلب میان
هر زمان شوق پیشه و سرکار دن هر کز خبر دار
اولیوب حال مال روزگار دن بی فکر و اندیشه ایدی
آخا اسکندر زده او توش
انچه ایلد فنی لیکن خد مسکار لادن
بیکد بخت و بر فاج نک حوام عتیدو
عیند زوری قتل ایتکله سید بلبلند
حقا که اقدام اقدام وسیله ایدارج
و معارج باغنه ارتقا و کند جود طبعی ایلد قه
و قلعه فصاحت اعتقاد ایدو
شهره جهان و مقبول صحاب عرفان اولان
شعرا بلخعت عنواندندو باشار ایدو
بولکه شوندر که عزم خان و ایلر دو کدیر
غم متاعن ایلر نقد و ایلر دو کدیر
ایندرک میل لیون دیونن فرودیه
کله یلر کوکلن بریر استخوار دو کدیر
نوش جان املاره کیم عشقک میندست او
دید جامدن شراب ایلر دو کدیر
فنا کلزار ایدر عالم یارندن خوان طیش
نه نوصنه اوجیش غنچه لبی آشیان طیش
ناله نه کوز باغی می اولدی جگر برانم
خانه تنه خیالک اولدی مهاغم
شرم سارم بقیه سعوی سک دلبردن
استخوان تنی نار دل سوزانم

دیندر مطلعی و در

خار و خسر که کوز دیانی سیلاب شکر صحنه کوز چشم ترن کورین مژگانم
 صفای یحیی با او غل محمد با ملک و علی ارسلان شاد در کوه شیرینیه مرابن
 و دلیر میدان شجاعت کف ز با کار ایلد کاری جگنه بیکار اولوب تیغ در تیغ ایل
 اول کفره خورده مکیر نه قوجیم ایدر دما و هر فنح سماک ارج کی بر تیره دار ظاهر
 و بدیدار اوله میدان فلکده تمکیر حور ایلد چرسه فی دو نیم ایدر دی قوال بغال
 ضرب تیغ قتالندن سمناک و مضطرب اول فرقه اشراک دل جانید معات
 شمیری ایلد آتش دوزخ مضطرب و ملتهب اوکو هر کون کاربان حیث اول طایفه
 و عادیانک سر منزل جو دندن کوجره و هر زمان رخ نشان و بلارک حاکمان ایل
 اول عبده افسام و او مانع قبر کور دی سبکتر علی الاعداء فی حومه الوغی
 و بر سر غیر الکر و سبک حال بنا علیه حضرت صاحب قران و حرم سلطان سلیمان
 خان زبوری بودینه بیکر کی اید و ضبط نفوس ایون و زوری سید سید
 و حسن حصین انیسیدی لکن افعال شیعیه و قبیله احوال کریمه و دینه ایلد دخی
 شته ناک خوشن ارشاک خدای ذی جلالن بی و هم و بی باک ایدی باین جمله
 جو دو سحای نهایت و بخشش عطای غایت ایدی ابرهار فیض مدارندن
 غن غن حیات انکار و بکار زخار بخشش بنما رندن مضطرب و شر سار
 عجایب تاثرات انعکاس دور ایا مدندر که زبور شجاعه رستم زمان ایلد زین عظم
 محمد شاد قومی خشت و جان در دود حرم سلطان سلیمان خانه نمیت ایلد مشاعر
 خاطرات این غماز ناک اید و آقا اولاد تیغ سبک و قومی هلاک ایدر دسویله
 این سر یار اول مغله نظم اشعاره اقتداری دار ایدی و شعر ایلد
 کوردی آیم کاکل سکینه دل غلده باش اچوب میدان کیردی خد متبل غلده
 ولایت ایدریندند در حرم کمال براده دن ملازم اوکو سمیت قضا یسوک

انمشیدی ابر که و نه فانی یکن این اجل کا متقاضی ولیدی و شعر ایلد
 نوله سینه جان کچی کونترسم داغ جگانه کو ترک ستمی هر کشی هر کشی
 سلطان جامع می سن لایعذ و لایحی اولوب بلدان جهان بکره عو سحاه عظیم
 قلیان لطف و ملاحه ایلد خلی و قضای دکتی لطافت بر اسی جاره و حسن حیات
 ایلد پاک و جلی اولان شهر بر دوزخ جگانه سن و هم یانه نو بلده و قورده نک مرد حیات
 کمال ایدی و قبیله مو جلی خطک نوا عذبه ایلد وار هر قلم قار و علم ادوارده ما هر اید
 طریق علم خلی الم جلوب کرد باد آس بودست خشت و عباد دونه رک و اهل اهل
 اولوب آخر حکنه آقا اولاد استغفار فانی یکن و فانی ایدن حسن چلیک آستان
 محارم منزل ماوی و محلی و ولوب خدمت جناب معانی قبا نندن ملازم او سید
 هزار روز و زار ایلد روم المیند فانی یکن منتول و ولوب روح پر فو حی جانا غن
 مقبول و لان شهدا خطره سنده موصول اوکد و بر یکی شاعر بزرگ کفازندند
 نه شیوه و قشید سانی بر آیدر روزه داریزر بودم پیر خا بانک اوکده هر ساز بر
 سلطان بلده نامداره و شدارم اطوار محط رحال جال معاد و کماله و اشعار
 اولان یکجه و اوزار دندر حقا که کردن ذات ستود و صفایه ملائیکه معارف و کماله
 ایلد مزین و محلی و ما هیجه رأیت درایتی امثال و توانندن هر وجهه رفیع و معنی و غن
 عجزی فن بلین انشادن صاحب ید طوبیه و معاکری و معاکر لکده شرفه دنیا و سید
 حیف که اول صاحب کمالک نوی کماله ایلر لکن دست افشا اصحاب هم معاری لطف
 و کرم ایلد خانه اید و رجبانی آباد قلمشیدی و اولان زمان زمانه بر حد معاین و ظمیر
 اوکده و نوع کمراد سرور و دلت او و قلمشیدی بی جمله مرحوم حسن بیک افندیک
 معارف حسن تربیتی او غلده السلطان منی و من ایلد بی سقا مند و اهل اولوب
 شاد بر حرامنه بر مقدار ایلد و سید و بر یکی معیت او شاعر و غن و شاعر کفازندند

گو کلن الد کاشق خسته نکای جوری چو . انجمن غیری دلبوس که هیچ کوی
 تنگد جان دلبوسن یاره یاره و سوز . هر یاره اول غداره جای نظاره و
 اول پاشا حسن آید به با که اعتبار . من بر کدای میکنم اول به با صد
 غم لشکری لوردی برین قلعه سن اگر . بیکانر کدن اول جسم و مور حصار
 سرغ فاش ابیدی اول نقطه نقطه خال . قوتده اون سن کم شدن کبر و مال
 ایتم ترجیح بار کعل هر پاشا . فتنی خاش قایتب نظام که اون
 آوندی سکی با سنی بودن لالان . یکبله اول به نابانی ایلیو سیران
سلوک اما سید دین نامی حمد در بعضی منا و احواله مصفا و روم ایلمن کل
 باند کاتب آید حفا که شاه راه باخته سلوک بوندن اول غله شوی هر منزل فتول
 بوسید . دکان فلبن جی کمان خلاص بولان مرهم کلام مصیب عرض فتول
 خدمت جسم کورین اعلی بر یار بنی . جند قلدی بر حوقه و صد باره سینه
 بجه بر او بویس سن کدای دید بخت . سن اوین بر یارین خوابه فونر بکریه
 زلفی بوزن که اورنه کلور کو کل غبار . اسرار خطی بر شیکت کور سن توری
 دل نموده خسته اولدی کلدن بوزنه بوزنه بچاره کیم دن سیمه اولدی کوندزی
 عمر ک خدنگی دلدی دلی ای فاشی کان . برنا و کبله شیشه در صنگه بهلوان
 فانوسه کبردی صند که پروانه سی ابله . بر بره هنده عالم ایدرای نکار شمع
 دیر شد انگری دارد از اضافی بود که غایتی خوب نمیدر بابات اندند
 بر بسی طالب ملک عمر در مطول صند مدحتی خیر در . بر من مقصود فرغ و صلی و بطلب
 انک بولنده عمر بن امین صر . کلام شندن بزار و بر صر . خنده در برسی شیخ زاده و خدا و بر شکر
 تفرغ ایدرم حق عزتیه . ان کو کبرم تا خلوتیه . قتی پنجه زوایر جوا هر غافانه
 و سیمار صی باری و کمال محل و مکان . اولان قصه سپاره در خط هر و عبا او شد

در این کتاب از زوایر انگریز

در این کتاب

حسن

قصه

نامی مشان در لیده البراة کبی اصبی کلا ایچن بر عنواندر و حوم کلین زاده که قصه
 ایکن مدینه منوره به تهنی و حاکم اوسیدی موالیدن دانشمند الدن خور
 مندا جلییدن الوب ملازم و پرشیدی عاقبت هزار خشت و کربدن فنی انگوب
 اولد قنح منسوب اولوب قضا زبور دن قضا و طرا ایدوب کلور کمن اهل قبال
 و خدم و اطفال و جمال و منای ایل ناپیدا و نابید اولوب و امیر الدن
 یوکلن جان ویرم کبی در و منغ عکادار ششید تیغ عشق او ناغده کوکلده شهاد
 حفا که سلیقه نظمتی غایتن خوب و اشعار و گفتاری حسن و لیران کبی نایم و غوی
 و محبوبدر لطف تغیر و حسن ادایله شهره دنیا اولان شورا دن خلق جوان کجند
 حسن خلق کرمان کبی مشهور اولغله مقبول دهنی حمور اولان نظادندر مرتب
 و شکل بوانی و اصحاب عرفان کجند خیل نام و نشانی و توقیع قبول اصحاب بدشت
 ایل نام مرید و عنواخ و دار در بوبر ایل اسرار اول جدم سیم بلاخت و حرم جرم قضا
 کل بنی اولدر هی آفت خنجر برانکه . قور تلماس کونده بیک کز اوله دن حورالم
 قان دخی انیدیه جانایخ خشمیکه . قانم غوق اتم کم مانی بوغر قانبله
 تنده کربیک جانم اولسه که ایلردم رواه . بنده اولایه دکلمید رسکا یک حائل
 انجمن مرغ مجنون باشی و سندن ککایله که کوی لیلی خاش کندن انده شیان ایل
 اغونه ویردی نمانجه لهن جانام . طویه اخبار دیوا غنه کلدی جسام
 هر قنچن کم خوابه وار در دین جانان ایلور . قور کلور دلقر بلادن فتنه دوران ایلور
 سوز عشق کدن نیز دویمر تنن پهرن . باقده سر قور در و مندا آخر سنه اول بمان
 غم بمر اخبار دن خاواشان کرسی . از خم خوری عیننه آفرندی کل دکن
 باقده می شو فکله جاک انیدم کور کور دیدیر . از دو ستم سن سن بی عالم کوکلنر فونن
 اولان فضاحت دنار ک اسرار بلاغت شکار میان خلق جوان شیخ و ذابح

در این کتاب از زوایر انگریز

ت وار

و آفتاب کتابیات و مطالعی الفوق اشتراک در سطح و لامع الوغین بمقدار
 اختصار اولی **است** اگر چه سمندر باید لکن اکثر ایام بلکه عادت احوال اعان
 آمده مقروض تمام اینک اوان یاردن الفیضه شتار باشد و تحصیل معارف طالب
 و بعضی ارباب مناویم و صاحب یک حقا که کلاما بد استعاره لایق و الحار و در دکلر
 اکثر ابیات را با عید در بر با عیادت اندک کلام نذر
 بن کم اوز فرا کلدق ناد اوز . اسرار وجودی بیک کجرا نوز
 ابخی بود در اکیلی بیک کج جو کوی . چو کیان قضا الله سر کزد اوز
 سن جگر سن کار تیر و کمان . چکر بن خمیده قد ام
 سن بنم جکد و کم نه بیلور سن . هر کشی جکد و کن بیلور سن ام
شاه دبار و مع بیت علم و کمال و خاندان معارف و آفتاب لادن
 نمایان و آفتاب وجود سودی مشرق فضایل نامعدود در طلوع و درخشان
 اولان عجم اصحاب الطایفه قدوة ارباب الکمال و المعارف و طالع و درخشان
 مدلهای تده تحصیل علوم و کماله اشتغال و هر کجی صبا در دکن چراغ دل و جان
 روغن سوز و اجزها ایلدا اشتغال و هر کجی صبا در دکن چراغ دل و جان
 اولان خضر بیک چلیکت فرزند هو شمندی و برود مفتی ایام او تخلصه شهره ایام
 اولان منیع احمد پاشا که برادریدر بین الناس خواجه پادشاه معروف و مذکور
 و بین هموز لقب مسفور ایلد مشهور در دکان دکانی قدیده و فهم و ذکا
 نهایت ابدی حکایت او مشهور که هنوز بالغ اولد قد منزه جفوت خلعت معروف
 و نهی منکر ایدردی سلطان محمد وزیر اولد قد بیکم ریاستی سیاست سکوت
 و اعاض دینادان اعاض و نفوس ابد و شیخ و فاضل که بر ارادت کنور سید
 تفرغ نامه نام کتاب و آرد در میان شیخ و بن مشهور در ایوان کتب فرور

ممدوح و مقبول حکمای بی هر وجه مدح انوسه شایسته و لا یقدر صاحب
 مضایب توحید مالک و مالک المخلد نایف مسور طرز و حید و فرید
 اولو بقیل تعلید دکلر بعضی شواهد زمانه خود قوت طبع ایلد اول مجموع توحید
 و عرفانه نظیره دیوب لو کدن خایه شکوک ایلد مایه بعضی حکما بلکه کوز صریح
 مشتمل بر ابیات دیدی لکن فاین التریا من بد المناول سیف قاضی
 ایلد محراق لاجب برابر اولی احوال ایدو یکجای خنادر صیدان دکلر
 و تذکره الاولیاء دخی وارد در بر قاج ابیات تفرغ نامه سمندر
 مسکنت کیم بولیمیه اول . سندن اولم قبول هیچ عمل هر که خلق اندن اولیه
 در که حقندن اولور در دود . قلب مومن کیش رحمن در اینه تقی زیاده طفیاندر
سنان افندی سخودا نوز ان عظماء روم مقتدای صحاب فنون و رسوم
 عزیز مصر فضل عرفان . هر سپهر علم و ایمان خورشید آسمان دقایق و کفین
 و جسد جوان جهات تدقیق . مفت کتاب سما و محشی تفسیر بیضاوی
 مع رفضا بیک طوطی شکر خندی العالم الربانی حضرت سنان افندی هو الادی
 تخلص معنی القلوب عن عمادة الجمل بر وایح یوسف فضله و هو الادی تخلص
 کن الفضل العرفان و استخف خطاب التوفیق و الایقان بیایه فصله
 ذات فضایل شریف اول مرتبه دن بیرون در که بو محله شواهد مذکور و نام صاحب
 عنوان شاعری ایلد جویش نظامه سطور اوله لکن نینا و تبرکات که بیکر و صفا
 بو صمیمه بحر اولدی اما سیه طریق اولان قبه صوف و ندر بابا باری
 صلاح و شواهد یکانه مقتدای زمانه و زمانه مشایخ عظامه شیخ حاتم دکلر
 سوره ایام و مقبول خواص عوامی بر فوای فلما بلغ اشد ابتناجه حکما
 نص فضله بالنا مانع مالک و طریق سعادت رفیع علم مالک و بوموالی غصا

خوشنود

وایان تمام خدمتده قطع منازل سالک قلوب آخر سلطان سیدانک خواجه سی اولان
 خیر الدین آفتابیدین ملازم اولدقد هکک بوی کبری بنی ایلد مدرسه صار بچه پادده
 افادده علوم مداوم بعد او تو ز ایلد مدرسه طاشقده فتح مضاج مفضل کشف
 رموز مشکلا به جوهر فایم اولوب اندن قرق ایلد مدرسه داد دپادده موافق غول
 اولان اراده بچه دقایق ابداه مقاصد و مراد مشکلا به اظهار ید بقیه ایتمشده
 بعد گلگیره اندن ادرده مدرسه دار کدین ده تلویح الراج اشاعه فنون و تلویح
 ایضاح واجب و مسنون ایتمکد فکک مدرسه غایبه دن برسی اول کعبه جلاییل
 خصایک مقام شرفضایل اولوب صحن مدرسه شان قدوم ذات بر عوانی ایلد معادل
 و حامل هفت جهت جنان اولمشده بعد ادرده ده سلطان با برید خان مدرسی
 ایکن قضا و طلبه را به مبتلا اولوب اندن غول و لوب و لده کلور کج فاضی شام
 اندن بر دسه به اندن سعادت و مینه ایلد مدرسه ادرده به اندن بیس الی کون
 استنول قاضی اولدقد هکک اناطو به فاضی عسکری اولمشده آخر دعدغه دغه
 صاحب و خاطره راتب دفع و زوال مال دنیا به کلستان خاطر بر صفا سند قطع تکرار
 کتیر و نصیفه نوح ایلدی انصاف بود که بوندرده اولان لطافت تعبیر و درجانت
 کتیر و ملاحت تقویه حسن ادا و لطف صوبه خارج طوق بر اید و کج حق و مقور
 اقامت سکین ارقا منقذ حالت واردر که هر قطره سی قدنیات و هر رشی سی
 آب جیاترده تالیفات لطیفه سی آفاقه منشره و آفا بکتاب کجی اوان و کافانده
 منشره و لایق بیکوز ایلد مدرسه دار کدین سیدان اولمشده
 علما فضایل هات مصر استانده جینا الیک بیضا عه فرجاة و دیوب جمله سی
 استاده علوم و تحصیل فنون و رسوم ایدوب هر برسی مجلس شریفه کلوب
 عنفس خواطر و سواخ و القاء سکون و لواح ایدر را ایدی منتی نام اولاد و حرم کتیر

افندی عنم دار البقاء و مخلود و الله که ایمان و اشراق دنیا و یوسف ترا القیدی
 دیوب رجاقبول منصب فتوی ایتمکد بر قوای اید که علی الفتوی اید که علی التار
 اولمشده ایلد و امن عفتی منصب دنیا به آوده اینمزد دیوب اختیار سید آفرین
 اولین مدرسه بدیه و طیفه تعیین اولوب حارث ملک عدل داد و سید شاهر
 سلطان داد سید عالم و قرمان ده بنی آدم اولدقد بیس یوز فلوری کوندر
 اول پیر بر صفا نک خیرد کان الدی سیدت و نماین و تسع مایه صفو ده جوار
 رحمة رب العوالم انتقال و ارجال ایتمده احمد تکی اولان شریفک شرف جوار یک شرف
 و کوش دل جان استماع لای کما کوهرا فاش بیکد مشفق اولوب دولت پابوس
 سعادت مانوی سیر و کد اولمشدند برسی فاش ایتمکد بویینی دیمشدر
 خون جگر له بیلد و کم کوز یاشینی بار صله ای بقر القسبه اندن نه و جهی از
 سن آفا بکون و جالی حسن یوسف کجی ظاهر اولافقبه مناسبت دند
 معلوم زاده روحمدن ملازم اولمشد رقصیات روم که فانی ایدی حاکم اولد
 بلا دکل بنده و آزادی حکومت ذات برسد اندن شاکر و راضی ایدی غانت ملک
 و اعانت مظلوم ده غایت غیرت و نجات حیثندن اکثر اعوانه و اشرا و ظلم
 و جور کمال حرار و ورزه اولان ظلمه با کار ایلد بچه دفعه اعوان و انصار ایلد
 جنگ و پیکار ایتمشدر یوسف شعور لطافتی میزان ملاحت و تکرار کد وزن اولوب
 مصر بلا غنم مالک اولان شوار ووشنه سالک اولین یوسف وزیر لای قهقه سن نظم
 ایتمشدر بوابیات بر صفا سی کتاب زور دن زاده طبع خورشید ضیائی
 کورسم یوسفی اگر بر آن کورینور کیم کوز و مسمان بینه قوینده باره شو بوقوزی
 عوفی سیدی میان ایدی و اولمشده کم برانه ایدی و بوشهر اکندر
 ویدیکه اولامید لازم اولان ندر بر پیر اشتدی دیدیکه اول برار اولد

باغ جهاند و عیش اید کور بر دم اوله کیم کلک بر تن یلزار سه روز کار و لا
 سوزی خورشید جهان سوز و آفتاب عالم افزو بهی به عیدیل و قرین اولان
 شدر بر زبیر نند و طایق علم سلوک تید که هکک فراغت اید و منی ال و غلری علی یک
 و محمد یک خدمتند عمر کچو مرش و بکر ریلک و نورک غروان کنایه نظم آیداره کتورش
 ایدی حقا که شرفا یفتک اداسی آه عاشق کبی سوزناک و الفاظ بلاغت عنوانه مانند
 آب روان سلس و پاک آفتاب انوار یک سوزی کون کبی ظاهر و سحر سوز
 اید و کج میان نزدیک دوز محض و مستور و کلک زینت کم بو قول مهر و کبی صدق
 مدعایه بر مان ناطقه **سهر و قدک** دمسیدر شاخ کل کلزار دده
 با کو کل سینه مهر که مقلدی اغیار **نایا و رچک** برده چکدی احمد اوزره غار دده
 چین و باجینه کیدر کلک بل صاغ و اسن **بو نیم** دیوانه کو کلک قلدی زلف باز دده
 و صل دهر در همین دنیا متاعدن **بوخ** عشق اهل نه آلدی صدی بو باز دده
 سوزیک معین روشنر کونندن **هر کور** کر چه کم در صورتا کم ذره دن مقدار دده
 لیک صونکم خطم کلدی دیک طایا جوالد **لر** که خیره آب جوان اچکه ظلمت حجاب لیر
 بر بیت دلپسند کس آب خور دده محوسه ایند و کج بند دندر
 جو کل رحم ایلمز اشفته سینه **انچون** عمری و آرزو هفته سینه
 علی یک جفتد وید و کج ابایند ددر
 محبت شمعنی جان دلیل است **دل** و طغی اول شمعنی است **بو نیم** شمدی صبر درون
 مکر آینه کم انده نظر وار **سرای** حسن و بهاده آب و هوایی جان فرا و دل
 افزو اولان شهر سیر و زدن زمره سپاه خاقان دشمن سوز دندر و حوم
 سلطان سلیمان خان غازی و اقیه نهفت جایون یورد قلدی ایلمد دیار
 نقیبه حوام ایتمدر **نه** عجب ایددی غروب سلاه و ابیات مزبور کدر

سوزی خورشید جهان سوز و آفتاب عالم افزو بهی به عیدیل و قرین اولان

قه فریا کبی در هر بار چککدن **الم** **سینه** خرمند و قه سی اولونش نبروخ
 طایق سوزینه عوسد هر کلدن **الم** **عیش** فریادی صفین صولای شیرین تری
سری کمتر نال باغ رشک هر دهمی و عدایق و ریاض جنت منافی لطف
 و نفع رت مالاکلام **ایله** خندان و بهی اولان شهر ادرنه دندر شواریک
 قدوه کمال الصفا **نه** **شاع** و حوم نجایه بکک کلستان آستانند هر دهمی
 کبی لاکشیده بالا **ایله** خن محض و نور ایدل شیره دنیا اولسیدی و حوم و
 نیمه خافش و شکر دهر خنفا **هی** اولمندر حوم یک قهر نه بیدمدر و تفصیل حال
 ان شادانه الکک کمال **نر** حبه و نجایتی رفم زده کلک خوش مقال اولور
 سلطان بایرید خانک فرزند سعودی شتر اده سلطان محمود ریله سنجاقه کیدر
 مزبور شتر اده **عالم** دار کلود **ایندک** نه آستان خاقان رفور معاود
 ایدوب کانت دیوان فلک نعمت اولد قلدی کلک قبول منصب تولیت
 اعتدرا ادرنه ده دار کدنش نویسی لیکن تذکره کسرا و جمع ایدوب
 و نه سوزن زیاده منصب رجاییه بویایه دیوب و حوم سلطان سلیمان دیردر
 نه ایدم بلرم بس در لکده **که** قاپودن سور لدم پیر لکده
 نوله اح **سلطان** اولسه **بند** **قوجه** قول فایو **سینه** اولسه مقبول
 سه خص و خنیش قسطنطنیه **ده** **مرد** کلکشن جناندن کسیده دامان اولور
 صرمدیند با قفا **خوان** **خوان** ایلمر **و بار** وجودن آلوده خاک مذلت
 و هوای **یک** ابیات فراوانه **و استعار** چید و کرا نه **و محمل** و مرتب یوانی
 و اردنه **استعار** و بوانشک آب روجی **و استعار** یک سوزی صوچی در
 کون کبی یوکسکدن اوچو دار سه کوی باره **باردن** اوچو کور سه **بر کون** ال
 دا غلر خلفه سنی کیدر دی زهر لنتی **جبه** صنمق نیم اولور کوسری دشمنی

نچ

بیاره صو

حق او غنای بی حدی که بجا انگشتم طفل ایکن دخی بر نشدی کوزم دمنه
 سبدن ایکل اصر بویته گویا به نو طوله دخی قولنی یار بنم کردنم
 سینه ده در دوغک اغنی بیکون کمره دخی سیم قهره سی برهنه
 سیاهی روم بلند بدو سینه دیکله شهوراید اگر چه طایق علم سلوک
 فلسفیدی لکن روی بخت سیاهی سفید محبوب حصول مرادین نا امید نمیدی
 به معانی حبصای اولشیدی * کلمه ی زلفکده کوکلم کلستر افغان ایلمز
 کسبه بخت سجد عالمده خندان ایلمز **سیدی** قاره سیدی دیکله شهور در
 آفتاب وجود بر جودی شرق ولایت حمید دن بروز و ظهور ایتمه در
 هکذا مدتی ایکن سلطان بایزید خان و حرمک اوقاف دآره و روایت مبارک
 خیر اینک خدمتی جناب فضایل ثو لریه منوض و موکول المخله منصفه استنبول
 وصول بولشیدی کا هر اکثیف اللجه ضخیم البنیه که به نظر قبیح کجگر کشته ایدی
 آل فاریدن قیر الدقد نهایی جعفر حلبی دیمه در **۴**
 عجب در کر که کر دکه کسید * او مردم زاده بی قور قتمه سید
 عجم و فارسی و ترک نظم اقتداری وار در سلطان بایزید متون فخرده
 عجم بر قضیه و بر شکره عفا که مقبول برار و مرضی صفار دیکار در نیه فنون
 اغوزج و سیاهل بر شکره اصی کجالات و فضایل میانده شهور در حکایت
 اولنور که و حرم و قوم بروسه ده قیلوجه مدزی ایکن زبک زاده که نامی
 رکن الدین در بلده مدزی ایکن شقاق فضا و قار خلاق ابله برین
 جهان سوز و عالم افروز دن ظهور و بروز ابدی حقه و آتشبار مدینه
 عاشق جگر سوز و دل کباب کجی خواب و بیابان کجی مثل خور و عید
فارسی ای فلک آهسته روکاری نه آسان کرده
 بلدهم خانیه را از رکن و بران کرده

هج به تقصیتی خوب واقع اولم در مطلقیت ایدر **۴**
 خدک اوزره زلفک صدک کور و سیدی دیدن ان بدر البیل قدر قدر ریح فیه
 سیدی قول غنایدن بک خلعند زلفک زاده سیدی حلبی دیکله
 متعارف در قایلان طالب عرفان خوب سیرت محبوب صوت کشته سید
 سلطان سلیمان واسطه مطمنه دنیای حلیت ابدی ترطل ساره در بوشا اکلدر
 سر بری کلخن اولنر سر ایدر * بلا سیر عشق کینز قباچه بیلر
 عاکبه صوفیه بلا دفع ایدر دیکلسین * بلا تر شو و ارا نلد عاکبه بیلر
 مونسیم محنت و غم اولی خندان اولم * بنده عشق اولی عاکه سلطان اولم
 اصل سینه سید در خصل کلاسی و معارف و لطایفی کتب بدین مکره
 طایق علم سلوک ابله کامیاب اولشیدی و حرم سلطان بایزید خان اما سیده
 شهزاده ایکن آستان فلک قبا بلریه انتساب اید و مانند سفی و شاهین
 ذات معارفی تر منیع سعادت مساعده شهزاده ده مکار و قار قلمیدی
 و مثال سیف زرنگانه خدمت ندر بار سپهر اقتداره بیل غلیوب میان جانده
 نطق عبودیت محکم و استوار ایدوب قطعا خدمت علیه لندن کسینه
 و خدام بارگاه سپهر اقدار طاقوت حلقه و شرباب سعادت نبدن آیر کمر ایدر
 بناء علیه شهنشاه مرقوم فرغان فرغان طایقیت روم و ولد قهر روم بلند
 بلا کبیره و کبیره فنی و حاکم اولشیدی بچه اعوام صوفیه ده خدمت شریع
 سید الانام ایدوب اول حکام شریک ز روح روانی عالم بقایه طیران ایدر
 صوفیه ده بنا ایدوب و مسیحی خطره سنده مد فوخر و حرم عاشق حلبی بوغل
 کر چک کوزلدر رینگای مهلفا فتن کزین اگر کر چکر سه رواقشک
 دکه کسینه جگر انک باچه بر کرد * قانع بولید رینگای بی وفا فتنک

سید اکلدر زلفک

بدی بولدند طوقیلم چون که فامک طعن او قریب چون آنرا که بافتک
 اندی او قریب بیدی باین دلرالدی خکانر کله سنگی دلم بافتک
 سیفی کی بو کلدی بی ایلی قات او اولدی مکر که بر کوزله مبتلافتک
سیفی استبولدندردیو اسطغان ده باش معاطع جی اولدند کج
 شام شریف خرافا بنامده دفتر دارا مو اسطغان ده و حافظ و ضابط و حوفا قانی
 اولمندر مجلس مو اسطغان ده سیم و اقدام بالا کلامی معلوم خدام ستر سدره خرام
 اولدق حلت دفتر دارنندن اناطو به دفتر دارنن احسان و انعام اولمندر خدمت
 علیه لری اکرام و اعظام اولمندی بر خ آئی خدمت مر بوزه ده استغایله
 کج فراغده کلیم قناعه کشیده پا او کشیده لکن اول منصب جلیل ذات بگو
 و جیلده مفتقر و بوا مو جیلده نکا مته کلیم سی اند آفتاب جناب معالی نصایبه
 معتمد دیوینه اول منصب پرا جلال رویا ل سدره انصایله ایله دست
 و اقبال بولدر خانه عمرن مخزن و مکنون اولان نفود اتمام و محمولات
 اعوامن مو اجماع علم و کمال صرف و جمله اوقات و عاثة ساعتین جمله معارف
 بی انجاء عطف اینقدر آفتان ده هارنی و نظم اساره قدرتی داردر بواغای
 تذکره به کجتر او اینچون کوندرد و کج کفرا آیدارندندر
 خلوتده جقدی کون کی اول نقابده حقا بودر که کوکده کوزل آفتابان
 دوندی جسم ضعیف بر ناله مو به دن مو به ناله دن ناله
 بوی لشکره خبر ویدی کی کج کل قولن طومش صبا به خونین چشم غم پر
 لطفیله خنده اول لبی شکر کشنده در کشتند کلک کولشی زوخنده در
 کل یوزل کوردی جلدی بنه باغ کجی کله دن غم کارک کوشنه و اردی دین
 دو ستم از یک جعه می فیت از دل صانع کلش اینچون کشتیم که از میخانه بودندم بدوش

اولد و حرم بو معاده دیمندر اینچون کشتیم که از میخانه بودندم بدوش
 اینچون پرشدم از باده بدور لب او که شب از میکه به بردوش کشیدم حو
فانی میان صفار و کبار ده شاملی و غلی مصطفی بکت و بکتله
 شربت شغار ایدی شام شریف بنامده ظاهر و نامی او غله محضنی نامی اینمندر
 مرحوم سلطان بایرنیدخان زمانده سنجاق بکی ایدی سوازه قدما دن مذکور
 و خلق اینجده بوا یکی مطلع غایتده سهروردر
 تیمر می نامش ی شکارالد ه صو نرسن ای عاشق محنت زده بولدیم به نرسن
 بنده ای جام مصفا سنی کورد کلمه مجلسک رونقی بین دینه ده ارت کلم
شامی بود خدی شام شریف بنامدن ظاهر و مطلع اولان کوکب خشان و لامع در
 نامی مصطفی در و حرم جوی زاده دفتر دار حو و جلی وزیر سلطان سلیم نانی
 حضرتند اقدام اینکده خرد خدام سپهر حشام سکینه انتظام علیه بر خرام او کو
 سرای سعادت پیرای سلطان دن جانشنیکر با شیلغی ایله جفتندی بعده اما بنه
 میر لواله کشیدی حالا دخی خدمت سلطان ده دامن در میان میان اتراده
 علم مثال مشارالیه بالیندرد بوا مطلع انک کفرا نندیزر **مطلع**
 اولیم شام بدو میسر بر آن نیتیم حوق هله جفتون مضان **شامی**
 دار السلطه جلالت مداردن زمره سپاه شجاعت شغاردن به تصرف دیوان
 اشعارنده خلاوت ظاهر و بدیدار و کلدره و ناست شانی او غله جو آینه و شوش
 بو متولد مملکات و تر نانی اکثار ایله مذموم و مغفور صفار و کبار اولمندر
 کوکب دو شوب منجانه اچره قائم ایقین معلوم بر کوزی سنانه کوردیم با ذره
 عقل و صبر و اختیار دل مناعی قالمیدی شادی بازار فواره کوکلم افشا
شامی نامی صاحب دروسنه سراج دیکله شیشه دنیا اولان سحر طوطی بستان

و بلیست نراسی در اول شهر چنتا ساکه طاق زاده و یککله شتار
 بولغین فخلص زبوری اختیار ایتم و بر ایدی لازم و لایه اولان فضایل و عرفان
 تحصیل و صفای جانیه عنوان معارف بیکران ایله تکمیل ایدوب طریق ترقی علم
 و کمال سالک و کجته کمالات و معارف احوام لطایف و ناسک اولوب طاعت کیم
 حضرت نیک خواجه سی اولان عطاء الله اندین ملازم اولدوقدن طاق نوری عیازم
 اولمدر طاق نوری مکرر دن موزلدر وصول خمین چون ریام غل پیر الاهی
 استداد بولوب یوین کیمی زهر بریت غل خیل شتداد بولوب امید در
 عن قریب الایام جمله مراد و دانی حاصل اولوب آخر شتاد الاهی نور و فیروزیه
 متفصل اولمخله بار سرور و صفایه و اصل اوله جامع انواع فضایل و حاوی
 جلائل فضایل طبع عالیه فی تحصیل تکمیل معارف و لطایفه حسابدر پنج زماندر
 سرای جهاندر جاریزدوم کرم و سرده و هنگام سرور و درده یار غار در بر باغ کدر
 سر چکسون سمایه قدیمی فکسون عرض فرخ بویکله سروک بین کسمایه و الایرض
 او یکسون رخو که زیر که ماننا یوز فرزدردوب اولدر نوری کشدن اول
 شایه و صف رخ و لیری بویکله حسن خطیله یازنون صفیات جنگه
 بر ملک یوزلو کوزلدرینه کوکدن بید موده ارجسمنی عیسی کی احسان کلد
 اق دکر در یکمنی زلف طوینا سیدر ملک جان و ددی غارت و شتاد کلد
 طرف چمن کشته و سوزیله سازه کل نای عراجه الاله مطرب حمازه کل
 شایه و یازماندن ظاهر و نمایان اولمدر تحصیل فضایل و عرفانده
 و خدمت و الایامت افصل و روانده دامن در میان و تکمیل معارف و کمال
 تسمیه ایله شتاد آفاق و بولغین خواجه افندی خور نیکه مت عکله رینه
 و مدارسه فضایل جلیله برینه مداوم اولمخله اول حضرت لک فغدن ملازم اولمدر

ترجمه سی کجتر اولمخله قرق آتی مدرسه دن موزل سن و روز تحصیل معارف ایله
 ظاهر و بروز ایلمک مو اطلب و شغل بر بوند و فصل اقتدار و منظوم و منثور بعض اناری
 وار در خطاکه هر جبهی معور و مت عالیه فی کمال کمال مدح و توصیفه لایق ایدوب کج
 مودف و مسود در بویکله یوز کجتر اولمخله کج اولمید کج کلمات نذر
 تیر غم که ن بنی صند ایدم جانا کور بر اوق آتم بیرا کافو جوق جان عزیز
 دزد چالا کدرای سر و سهای بدتر تونیا در قدیم کمال صفت اچ او بر
 راقم کج کج بویکله بویکله بویکله بویکله بویکله بویکله بویکله بویکله بویکله
 وار زلف دلبر کمنصور کوشش دیر یوز حمدت اهل عشق کج کج کج کج کج کج کج کج کج
 بوسالک باک ای شایه جهان بتمیزی کم آستانک ایستلله بر قیو قوتلار یوز
 در رسم و دنیا به مالک اولمخله غم کل عالم فقو و فک مالک دینار یوز
 ایل کور و بوسو الغ طعن ایله جانا غم بیز جوق دق جاء و ناموسی اذن عایوز
 بویکله عشا فی پریشان ایلمزدی احسن بویکله اول پر نیک طرطاری یوز
 باغ حسن دلبر کج بویکله یوز کج کج کج کج کج کج کج کج کج کج کج کج کج کج کج
 نوله جاری دل سالک دینه خونا یوز اول ای آب چانک عاشق دیر یوز
 باشم الدق الهمیدان عشق یازده جمله سر بازان عشا فک کون سردار یوز
 کند و یوز بیدرین بیره اوسر برید قیاس دینه سورمش کار کال کج کج یوز
 کار بان راه اقلیم فنانک شایه باش و جان نکرین ادر بر فکله سالار یوز
 شایه لطیف قوی دوزر قیو نیدر کمال باش زلف حرم ملازم نذر و حرم
 سلطان سلیمان معایه نزا دمنو نیدر ایدر کج عالم فلان کدر و ملک تقایه
 ایتمدر بویکله کدره چون خراج تشید کلسان کج کج کج کج کج کج کج کج کج کج کج کج
 بعض حد و زمان ارباب منصفدن بیز بین انشیان ایدر کج بینه منصفی حایل و نادان
 اوله احسان ایدوب اهل علم و عرفان اولان ادر دولت و جوان و یاش حرم

اوله قد به قطع شراعت عنوانه دیوب مقبول جهان اوله در قطع
 ای فلک بیک اگر جایل فنا دانه ایسه . بنه خنی تا او قدر کمال دانا و کلن
 بکا بوجود ندر صاحب عرفان صیون . اهل فضل اکل کسب بنی حاشا کلن
 اجهل و دون و دینیم بکاره نظر این . بگردن جهل و حاققه ده دانا کلن
شا شاطط قدرت پروردگار اولان یکی **ش**ا شاطط قدرت پروردگار
 و جهان نقشه بخار و بیکله بلدان جهان لیس بکاره روزگار اولان یکی و دارد در
 نام بیقود بره غیبی یک مشهور زاده سید به بستان معارف و کمالانک . سرو
 آزاده سی در حفا که بوفنده سزاوارده و ناطع عالیه و قابل تحسین لایق
 قبول کلمات بلاغت عنوانه و در طریق عکده دانشمند به یانند ایکن یوسف حیاتی
 کرک اجل المشرف و اول زماندن بر و بت الاخوان فداه قلندر بستان زود کرده
 کل عمری پدیده اوله کر کلدن بدارش و پشته یار او و در **ش**ا شاطط قدرت پروردگار
 فروغ عارضه الیوم و هر کاشانه لایق . او بر شمع صفا در مجلس شایسته لایق
 عد و رادده لعل صفا بخشیدن چگون . چون اولز جام نرم آرای چم بیکانه لایق
 کینه کاکل عنبرش کله طعمه اغیاره . بکم زنجیر فلک کورم هر دیوانه لایق
 دوشرمی که بر قلب خیزه فکر خیاک . اولرمی کج سر و شبنم هر دیوانه لایق
 جگر افغانی نوشن اینی کاشه سر . صفا بر منشا شایه اولدی بهمانه لایق
 بادی نظره عاشقه ای شوخ شیوه . جادو کوزک کرشمه را بیکر که سحر ایدر
 نیخ تبرکله تراشش ایدر رخ زینک . فر به سن کو مبسم سوی خط شکیبک
شا شاطط قدرت پروردگار اولان یکی **ش**ا شاطط قدرت پروردگار
 و فضل کمال ایدر دوز اولان رحوم و بختود . افندیدن ملازم اولو بالی خور
 میان غمی دادی فضا که رگود . ایدر حفا که غایب زمان و عجایب جهانند
 عجیبه المضمون . و تصانیف بر بینه مشوین . که خارج حیطه ادعای شخصی و نوعی

و بیرون خطه دلالات عقلی و وضعی در بیخ و شمار در جهل دن بزیالی و اردو
 پنجه نامی وار در دیباچه سنده و یکدره و تمیبه باسطون الاساطین ۱۰ و
 اقتصار التواضع دیوب عجایب سطر قوسدره ابو علی سینا . قال بوعلم دیوب
 ر در ایدر جمله غرایب غنیدن بری بود که کتاب فرود یک دیباچه سنده بوعالی
 تصنیفات و تالیفات ایدر طو لدر و بخلقه نقل کنن و فرا و قلیجی عالم آخه کندان
 ایدر یک انده دخی و اردقین بود باری دخی با تیره نکند یار . ایدر سبب بود باری
 و زار ایدر و آب سماندن ملائیک بر کرم ایدر بود باری بولره تود یوشفا عت ایدر
 و یکدر زینه بولره ایکن بو حالندن و قود و فلاکت ایدر در دو ملائکدن شکایت
 ایدر دیوب بوعالی دیکدر **ش**ا شاطط قدرت پروردگار **ش**ا شاطط قدرت پروردگار
 اول زمانده وزیر اعظم و شیر افخم . علی پاشا به ایدر اندکده دیکدر مولا ثانی
 ایدر عالمی طو لدر مقدر استه استنبول ایدر غلطه بو غازی طو لدر مع دخی شایه
 در که خلفه کوپری و خلفه سفاین و و اکب الامندن خلاص اولره و بوضف هر کاسی
 حکایت ایدر که بر کزه محبوب سوب عاشق . و عذرا به عذار و بلی زلفی غیلخون
 و دامن . اوله قد به بر کون عظیم ضیافت ایدر بکلاب کوپنی جوج ایتدی و انری
 خانه سنده کنور و ب صحن چینی و سقوه منقله اوکلنه طعمه کونا کون قویوب انرا بلی
 ایشرفارش اولمدر اشارنده دخی ترکی و فارسی . الفاطمی جوج عوبه ایدر
 و عوبه لیه فارسیه ایدر جوج ایدر یاد کار کلر اظهار ایتدی که اصفی که صفار کوردر
 سناسی رحوم ابو سعید افندی مدح ایدر برفیقده دیکدر مطلق بودر
 سبوح دمانی به چه قدر دوسر دمانی . صیت خنشم و دش صفا خنشی
 و زورک نهر یک بینی بود جهل دیکدر نقش نگارنده نقاش چین . ابن علی احمد قاضی کشین
 و کاسی عالم وجودن بکلت عکله راجع اولوب بو متوله کلماتی واقع اولور

تن به دعا می خواندیم نه نام و نه نشان **قلم** همان کوبک کلابینه نواله استخوان **قلم**
 ایزی توزنی قیامی صبا لطف به جانک **قلم** بنده جندی جانم اره بی برن قلمون
 چو بجانم صلا ایزدم غم ایزد عجل **قلم** بنده کوی جانم کلن کلمون قلمون
 رهکن با سنی ایزی دوشمک بول کل **قلم** همان بول قلمون قلمون قلمون
شادی ادره دندر جم سلطانک قدر داری به اشخاری نظم قد با کی طافت
 چشمه خضر دین جام سکنه لیکه **قلم** بره شوز آیین دن طوب و غنچه
 شادی سوغه دندر طوب علم غنیمت **قلم** و خیر کماله بدل همت **قلم** ایدوب تکمیل طوب مرسوم
 و تنیم علوم و فوهم **قلم** ایدوب حکمره قوسه ده سلا حد او نه کاره ارادت ایدوب و جود
 حالت **قلم** ایتدی جود پای سباحتی و امن غلته جکوب بقیه عمر و مهنی صرف
 ر. طاعت عبادت ایتدی اقلیم علم دین و مالک معارفه شاه ایدی کر لغت شادی
 کبی اثبات مدعا به شادی و اردر **قلم** اشخارنده خلاوت تو قدر **قلم** بوشو ایدوب
 بر قی ابر سیه در بوزی مهابه چون **قلم** شب بد اچنی نشان کوزینک خوابی چون
 حق بویتی غایت خوب و بد **قلم** کاه او کور بسم طوب پرورد و نر باز ایدوب
 کاه او لور خالی بکا بازاری پرورد و نر **قلم** قسطه نیدن فضا طایفه
 نظم اشعار و علم او ادره زمانه با شرمه **قلم** ایش لکن بوزمانه وفای خوابی
 و صداقت خوان کبی نام و نذ انتر ظاهر و میان **قلم** و کلمه بو مطلع و طوب
 طوب کل بوزی و لیر لیر کلمه و نذی کلمه **قلم** کلمه بوقی کرایه ایدوب بید و بوار
 کلمه و بی عجز او بوضاق طعن و تعبیر ایدوب کلمه **قلم** عذر لک ایدوب بید جواب صوابی
 طعن ایدوب بید **قلم** که ایدوب بید و بوار **قلم** نوله ایدوب بید هر فنده الم وار
 شاه **قلم** قزوینی دره علوم عقلیه و نقلیه **قلم** و سب ایدوب کلمه و معارف جوئی ده
 هر صاحب خرد و دانش علم طبی قانو فی روز و مغدرات و کربت و سب و علما

این شعرها را در کتابخانه
 سلطنتیه
 قزوین
 در روز
 پنجشنبه
 ۱۲۸۵
 قمری
 در شهر
 قزوین
 در کتابخانه
 سلطنتیه
 ثبت گردید

به تحصیل تجمل ایدوب کلیات و جزئیات جامع و خاص **قلم** شهادت اسقام و دوا ایدوب
 و آلام حکماء سالفه و اطباء سابقه به معادل و مساوی **قلم** بقا و نعلین و جالبینوس
 دوران **قلم** شاد بن سینا **قلم** ایدوب شریک دنیا **قلم** اولمسی قلم غنچه راج متعقبن
 حاصل اولان حقایق **قلم** و برک رزائن بقیر مو ایدوب ایدوب اولان مرض بر قافیه و عاشق
 سیداده شکتی در من اولان عشق و هوا **قلم** باذن الله تعالی ازاله ایدوب عجل
 و نظری ایدوب کسند ایدی دیار بدن اسفا طافض حجه الاسلام و زیارت روضه با طهار
 خوانام علیه الصلوٰه والسلام **قلم** ایدوب سغاییدوب اول دولت سیر اولدق مدینه منوره
 دن سلطان بایزید مرحوم علم طبعین بر کتابت ایدوب **قلم** کالدری فی الماصدا
 ایدوب ایدوب **قلم** ایدوب مقبول طبع و سکا **قلم** ایدوب مرحوم مرتجم مستلای عرض نویسن
 اولونین **قلم** مصر سلطان قنصو غوری به طبیب مذکور **قلم** کوندر هر دیو جود خوش خرام
 قلم **قلم** ایدوب نام و بلاغت علم و فصاحت توأم **قلم** و منتقل بر آدم کوندر و ب مدینه
 منوره دن کوندر **قلم** سلطان و قومک نهایت مقبول و مقرب اولدق **قلم** باب
 سعادت مای سلطان ده حکما کن بعضی بعضی اولدق جمله سی مولایای و نورک
 بعض و عداوت نه بعض **قلم** ایدوب سلطان سلیم ایدوب اتفاق ایدوب و بونفاق ایدوب کلین
 اولکی حالدن بر خورای من بسیم جلم دور **قلم** و بر مقدار نظر فلک مدار دن جاکور
 اولمسی **قلم** اول انک سلطان سلیم **قلم** پناه و مفت ایدوب **قلم** اولدق شهنشاه
 اهل برورد و قدر شناس **قلم** اولمسی خدمت مولانا ایدوب تمام سنیاس **قلم** ایدوب
 سلطان سلیم نامه محال کتفایس **قلم** نواز فارسی به ترجمه ایدوب اندر حکم
 اولان سوابی **قلم** دخی ایدوب **قلم** بنا **قلم** تألیف زبوری عالم رواق ایدوب
 بر فقیر طبعین و بیان مغدراتن **قلم** و شوه اثنی **قلم** مستحق لطیف مصفا تافین
 اولوب حسب الاستطاعه معارف و کمال اتنی حاوی و جانزه اولدم و حرم سلطان

تبه که مرض موند عارضه قرصه بر المی جان عالم اولان جسمدن نابل و سر درون
 شایه نایم شفا آلهی اید جانب صحت باین خلق ایدوب آرزوی جلالت مصحوبدن
 استنبوله بولوب مرغوبه کوند مشدر احمد نه الی اذهب عما کن ان ربنا
 لغفور شکور قال نه بارک و تعالی کما به اکرم ان عیسکم قرخ فقد من القوم قرخ
 منه و تکالی یام نذا و لهما الناس قال النبی علیه الصلوة و السلام الخیر یغیب
 ولا یصیب الم ولا وجع الا و یكون کفارة لذنوبه حتی القوه البسرة و قال غدا طون الله
 القوه اولها جاحه و آخرها راحه و یقول العبد یغفر و کمال القوه راحه فی البدن
 خرج غنا العفوات فلهذا یکتب علی صوت القوه اللهم اجعلها راحه یستنج القوه
 و جاحه یستغفب الراحه و اجعلها کفارة للذنوب و کفارة للکروب یا جابر الکسور
 و طیب القلوب تاریخ صحت بافتن بولوب بنده نواز از قرصه جان کد از وجاحت پراز
 بر آید بکی قرصه جان کد از جسم شریف نه صفت کن رسد از شفا خانه و رحمت حق
 هم این زخم امر هم از زجرن مجده اند زمان تسل شد آسوده از جستن جان و تن
 فقیری حکیمانه تاریخ گفت عفویت بود منفع از بدنه بر زمان کرچه بجنور اولدی
 ضعف من برله عالمک جانف لیک دفع عفویت ایتمکه بولدی قوت قوای روحانی
 نن پاکنده جقدی بر قرصه بر کن کون چکدی ضعف جسمانی دیدی بویذ شاد اولوب تاریخ
 جان جانانه صحت از زان سلایمای دنور که اید سلطان ندکور کانی کار جانف و نقصان
 روحانی از انفسین اول سلطان علیقدر سر سرای جهان کند و یتکون از اولوب
 اول صاحب قران قدیم الافانک ارکان انتقاله کون چوق زمان کجیدی وفات آید
 ای مالک الکشا طغریا بدن حوزه تغلبه کبک سپانه قرین اولان مکلدن
 اول طایفه طاغیه محبت و اردن کنورن فرقه یا اولیکک لانعام مل هم اصل انفسین
 مخلص زبور ای خیار بنمده سلطان سلیم ماضی زماندن رو کلشد اگرچه لطیفی جند

ای سلطان سلیم
 ای سلطان سلیم

اطاه تمسدر اما دید و کج او صافدن بالکلیه مواد بوفارسی مطلع انکدر
 قیج بکرنگی که صاحب دولته بر سر است این همه کلای سرخ باغ ال حیدر است
 ای معرذ مقام خلافت بنایی و مضرب خیم جلالت دستکائی اولان شهر
 استنبولند ز پنجه زمان رئیس الکتاب دیوان طائفه و صاحب طوع جامع اموال طایفه
 اولد قدس کن هر بار نیز بر تائیر کی میدان دار و کیری اولوب بیاند کانت کلمینه
 و ششمانه کوزیوب خدمت شایسته بر باب و سینه کینه سی تفس شی غله تبار
 اولوب حالا طلب شهباده ایدر الامراء اولمکه مفتخر و مبارکی و اولواحد کلای امر
 و تاهی معارف و کمال اید معروف و اخلاق ضیه و اوصای مرغینه اید موصوف اولان
 او فخری زاده محمد پاشا کک فرزند هوتندی در مقدماتی علم سالك دانستند و خدمت
 طبع و شدت ذکا اید بیا نند اولوب مرحوم معلول زاده مسند بن افتخار افاده
 ایکن خدمت عاده سندن ملازم اولمکه رفعت و علای زیاده اولمیدی حالا
 بار بلای طایع علم مختل ایلحق خوندن تحول اولوب اسباب ریاست و زعامتله
 منزل اولدی مخلص زینی ایکن بعضی کسینه اید شکر کندن مجلس بولمچون تبارک انکدر
 کان بالکدن خلاص بولان سران کلامی بدق قبول ارباب کماله وصول بولمدر حاصل
 سن شایسته اید در کیم بولمچون معارف و کمالی جاب کتب ایدوب وجبات
 نقیصت و در ذلالت دن احتراز واجبات ادره اولوب تکریم به کثر انفسین بولمچون
 بر کل عارضه لداره دیم اولدی نظیر نرد و شوب چونکه رخ آله اولور رنگ بزم
 کوز دعای قدحی نجبه جبر کرم نه قدرم دایره دلباره ایلر تاثیر
 بدن اراغ اولور سه عجبی اویم جین شک آید قوی اولد و غم کلمدی یقین
 دیشنای رقیبی بنیاید جو ابرام دل بوانه قطعا اعتماد ایتمز او پابند
 سرخ و ولایت حمیده و صغیر و کبیر میبندد اگر دیز و یکله سرور اولان شهر نظیر

ای سلطان
 ای سلطان

اغنقدن کوز لرم با شینی پر خون آید . بر نه عین راس بر نی چو ن آید
 شمس شفق چو دستان با نیزه زمانه دفر دار او شد در جندره جی زاده
 و بیکله مودن ، و زمانه انواع مفاخر و مانر ایلد موصوف . در سلطان چو ن آید زمانه
 الفت . و میان نین غایتن خلعت . اوغب بن کاغذ خانه بایند حاکم جندره جی زاده
 چغشکی و بیکله شهرو اولان غار و چار لاری نیک نیک شهرو سلطان بایند زمانه
 آفتاب عمر نه زوال پرده . و وجود پر جو کماله عین الکمال شهرو بوبیت اکدر
 و آریکن کلزار سنک کلسانه بغرن ، مهر رخسار ک طور کن آفتاب بغرن
 شمس خورشید وجودی مطلع شهر پر کردن طالع و رخسار اولان فضا زمانه
 سلطان سکیم زمانه . و غم دیار عرب اینو که اشاره کفده : غنی ایدی کلمات
 بدیع گمانک شمس مطلع لطف و قبولدن طالع . او بیکله مقبول طالع بعض ابیات
 و مطالعی طالع اولد بر بزم سنک کلکه یو قدر بورک . با یک ای دست مکر و آید
 در دیش بند پوش کبی بسل ارفدن . کل خلک و صفین او تور آل در قدن
 قلمونیدن فرقه فضا نند و لطیفی علم اواره مهارت . و فن نظم ایداره
 قدرخ . و اردو مدح بیما ایتد ز حال استعانه اماندن بر ذره ظم و بیداره
 او طوب ثنوس امانده عارض اولان کوف سیانن منجلی و آشکار اولد ز بویچ
 او یکنور بوق صحر که مسک خطا دن غیری . ایتدی اولده ایش سهو و خطا دن غیری
 شمس بودنی قلموندن سوا سندن جامع شهر زبوره و خوف ایدی بر شو اکدر
 و بر سون خطا رک تبیه قلبه کدر . اول غباری قومه مرآت عذار کدر
 شمس و لایق عجن رده کلدر کتاب ده مرعک نخلی در نظم زبوری سلطان
 سکیم با ویر و کده منظور نظر کار می او شد زبوا بیات کتاب جزو ده بیفوتک
 قور صغور کوز داندن طولد رکزه ، خانه کوز کوسکله قلد رکزه . قو لم هر قصه و افان

مورک غنندن قیر سز دانه . و یقینور ایتد زبوا . نیزه سز در لودر لوانیا
 شمس پنا اول شمس رخسار طالع امارت ، و بر تابان عالم صد انکوشام احمد
 اولد و غنی جهنم مخلص زبور ایلد میان افاسندن سر علی کبی سر آمد اولد سلسله
 انتساب و انتمای قدح اصحاب کرامدن سیف السلام خالبدن و لید خد نکر سینه
 ششم ششمی اولد مفتوح و مینوی اولور کرب و بر منقشدری میان صغیر و کبیر ده
 خلی شهرت پذیر اولسیدی کلن والد فردوس مکان . بو کونه کو هر فشان اولور
 کتب نوار کجده و اسماء ر جالد مظهر و رسوم در ک اول صحابی پرا جلال ک اولاد
 اولم یون اولد و حه و علیادن اعضان و افغان نابت و خیران اولم سدره
 و اول مطلع مفاخر و مناقبدن کو اکب ثواب طالع و رخسار اولد و بیکله
 مظهر حال جان اولد ز حفا که میر فرور اخلاق جمین . و محامد غیر عیدین . ایلد
 موصوف و امثال و اخراج میاند کالات و عرفان ایلد مودن و کلشن اولد
 از بار مناقب بجه و کرامت محفوف ، و انما اوقات رخصت صفایه . قار اولد خسته
 تحصیل و تکمیل کالات معروف . طایفه شوا و بلغا بل صحت و الغنی او بیکله بلبلان
 مضاحتک فخر جاند . کوبا اولد سندن جمله باغ و بادی آید . همان عینی اول
 اید بیکه بود کلو موتب طایر کج کار و رعایت و عنایت ارباب کج صاحب مکنن
 واقفانه ایتن مرتبت و نواز سندن . اهان ایدوب جزو قبل و قال ایلد جوب زبان
 اید اکشف قلوب بلکه بو رتبه عایت لطف و حرقت اولم کوسر اید صاحبان
 زمان . و حرم سلطان سلیمان خان . جزو رک نال وجود بر جلالی هنوز
 و نوسال ایتن بوستان هر ای سعادت و اقبال لایزال کوب جو بار القاب بیسماری ایلد
 کسب با آلا و ممتاز و سهیل مانده بین القرآن سرد ساری کبی سر بلند و سر فرار اید
 هم برای سلطی بدن چقدن بعض اغالقه متصرف اولد قدر کن زیر سایه لواء

لری ی کر

سلطانید موزق اولوب شام شریف شرف انجام بکار کیسی اولمغه احترام بولمیشد
 بعد اناطولی و روم ایلی بکار کیسی اولمیشد خدمت صاحب قران عظم کراجهان ایرک
 تحت نشین بهشت جاودان اولمقد مناصب بنویسنگ سرتیظا هر سندن اعزاز
 و زخارف حاضر سندن اغراض ایرک ترک عوهای امارت ایلد نوزدی کوشه
 افتاعت و فراغت اولمیدی لکن ذان حالت نهالارند مندرج اولان دولت آنه
 مقتضی ابدی هر زمان سلاطین العثمان ایلد مصاحب و مناکم عیض جلالت نژادند
 منیع اولان اقبال اول حال مستوجب و لایزال ابدی رکاب واره خدمت خواجه
 کاسکار ملازم اولد القصد مرحوم سلطان سلیم خان خدمت بله مرحوم مرقد عالم طفولیت
 حقوق سابقه سیالین و وارث ملک بیکه و سریر آرای تحت خاقانه اولمقد ملازم
 خدام بارگاه ملک سکا اولمقد خاقانه اولمیدی بنای علیه العود احمد دیو حجاب و اطمینان
 العلیه عودت و مراجعت ابدی کنع مغرب حضرت سلطان اولوب پیمان سال مجلس نژاد
 معارف اولمقد و صید و شکار و سرباز و اوقول نژاد ایرکزه ابدی خدمت سربازی
 حکایت ایرکزه که هر کون اول کس خشان عالم احسان ایلد شکاره توجه
 اولوب لیدر کن اغرق ارا سنده سر و قد و لاله خدمت پری بکر ملک منظر برج ملک
 هر منبری و درج حسن و لطافتک کو هر چه نظیری **مستقیمه**
 متان کورمش هرگز نامه نظیری گلشن قطعه جهان اولیدی ای جوان جهانک
 قول اولوردی کورشته هلاک نم بر دلبر سیرین شایل کوردکن اول هر ملک
 خضایل صوبکی سر و قدینه مایل اولوب اول غنچه نورسته فتح باغدن فویشن
 و اول عالم حسنک ای نبردن طوغش کیمک قولنده در اول چشمی شهباز
 دیو استغفار ایند کورنده بنم اولدوغن اشعار ایرکزه اتفاق اول کیمجه حجت سکا
 اولوب اداره باقوت رتانه اولمقد خدمت سلطان پناهی اول هر ملک اداره

هو اوار اولوب طالب وصال و نایل حال اولدوغن اشعار چون کلک بر
 بکون بن بر جوان کوردیم عجیب و غریب رخسار بن دخی بمصرای دیدم دیوب
 بهلیدامه اولمقد و غنایه هوس قلن انک بر قوری بودا در بخت پناهی
 سلطان مراد خان خضر نیک دخی کماکان مغرب خدمت علیله لری و فتح و فتح
 کبی ملازم خدام عقبه سینه لری اولمیدی آخر سیمج و نمایان متع بانه ده
 خورسید دولت و اقبالی کماله ایرد کده آفتاب عمری زواله ایرمندی لایق قبول
 اساری و در نه کتبه و حول بولش کفاری و ادر بر بوشا هر نور کفاز نژاد
 خلقه خلقه کاکل طلق بو نیمه زنجیر و ش فند کفک عاشقک یا کیم کتسون شروش
 بیل نغانه بشدی ازل بهار در **مستقیمه** **مستقیمه**
 قرمزی کلدر در سیمده داغ **مستقیمه** **مستقیمه**
 بلبله اچدین دمان غنچه **مستقیمه** **مستقیمه**
 به دلا و صفت قنوب چمنه **مستقیمه** **مستقیمه**
 نر کس غمزه کاره و آرد چمنه **مستقیمه** **مستقیمه**
 کر ز آتورد دستنه نر بیان وار **مستقیمه** **مستقیمه**
مستقیمه اسکوب یانم اولان قصه پر زربین در داغ ازوز زم خوا
 روشنی بخش انجن بقاء خوب زبان روشن بیان خیر و بلا غت عنواندر
 شعله اشعار آتشباری خمن سوز صغار و کجاره و کلمات شوق سمانک
 سوز و کداری شعله شمع پر پوره کبی نزدیک و دوره یاننده روشن و آشکاره
 اشعار سوزناک عاشقانه مهر بیتی کویا آتش عشقندن بر زبان در جمع داد زرد
 نزاره اولوب انجن پر و جوانده دمغ آتش نغنه جان ایرکبه ظاهره خندا
 حقیقده سوزان و کربان اولن مناسبتی ایلد کند دخی نمونست ایتیدی آستان

مصرای دیدم دیوب و قور

کفک برادر خفت خداوند کاره و وبال و اول مقام بر خرامه ذوق بماعله
 دونه دونه تحصیل جد و حال ایدوب خادام خود استنبولده خانقاه شیخ
 وفاده گوشه نشین و غولت کرنش اولمشیدی حالت حلی بوهیت اوزره اندر
 بر کیم که درون فلک سینه ظالم و سفاک و دل پر غل نجیل و اساک کبی تیره
 و تار و عیار حجاب ظلام سازدیده انجم سیار اولمشیدی
 شش زلفین جانان امانت در از و تیره و د لکیر و مایل
 نمی دخی بر دست شمع آتوب بوی شمع یک بستن و اردیو خانقاه وفاده اولان
 مجاوران و اخوان و یاران و دعوت ایل سر زده مغول اولک بن بر باره استرا
 ایدوب بن دیر از دخی بر مقدار ذکر خالی پروردگار ایدوب مرغوری خواب را خدن
 بیدار ایستاد سر زده که چشم جبین خواب اصل کش بیدار اوی فردای قیامت فاش
 واقعات با ده محبت الهی و بیانه کش خجانه عشق نامتاهی اولان
 ذوق و توفیق و بر جان و سری دونه دونه اول ملک غفور شیخ لطفیله غار قرن
 و لایحه دیگوره ده مونس بار خه ملائک و حور ایدوب بر ایکی اشار اول خول غلث
 و شمع بزم عالم فضا حکم رقم زده کلک ستار بیدر
 عار ایدرش بنی اولدر ملک اولسم تنم تار بین یلوار بین بونیه طاقوب کفتم
 خلج جنت اولور سه جگه بین چال ایدوب دم وصلنده کجا جابل اولور هرستم
 تعیم گوشه بیخانه و برم فلک کلشن باغ جنان بکه بکدر و ظلم
 آه که گندی اولکلز بوزه که باره کرد دوستم عاشق اولان خنده و کمر تنم
 قوچم در دم سخاری پیر بین سر جور تدم دار می قالدیم کفتم
 هم روح روانم سینه به کل بوسن چونکه جان اولور بیدر
 اولورسم با که کیمه اینم تبار نه در لک پنجه هم با که سنسر
 اارتک جانکی سر نه شفی صادر دک زر کبی برسم تنسر

کیمه

مطلع خلاصه اولوق نه مکندر کوکل کم مبتلا او النمر عشق المذن کیم بر کجا او
 باشند آنوردی آتش چو ان ستملن بانه باقله شمع نه وار سدن ای کلار
 کیمه کم عشق اینی اولای شمشه او قومق یازمق اولمز اندیشه
شمع دیگر فضا طایفه سندنر انا طویلیدندو اگر چه نظم و اشاره افتد
 وار در لکن شمع اشعار یک اول کلو فیا سی و مرآت کفای یک چندان صفای
 بوکطافت که خدا کاکل دلبرده قودی نه کل نروده نه سنبیل نه هنر ده قودی
 نه عجب حالت اولور بوز جالیه بار کشت کنش ال رقه سنی کوردی دم
شعر دیگر انطالیه طریقه ندره حلوائی اولوق منا سنبیل مخلص فروری اختیار بقدر
 اگر چه لطیفی حلوات و لذت سرمد کفای بی تعریف بیتا مار ایدو حلوائی اشعار
 او کوب صامتند لکن بر فحای من کم بذق لم یوق هرگز حلوات سرور دن
 بکسند ذوق ایدوب طامتمند سلطان بهم ماضی دورنده آخریه انتقال نمیکند
 قصر دیوانیله ای عالی مقام اولگرم کند و کیم بوسکده کورمه منر لک تحت تر
 استخوان کله سین جنرهای بون تین کور اچکند مور خیل حیمه جگه می طبع
شعر دیگر سلطان محمد خان زمانند رعیت بیتا مار بولوب اول و زکار ده
 شاعرانه ایدی سلطان محمد درت بیک شهانه دیوب نظم مرقوم دخی نام اولان
 مست جام حمام اولدر بوابات کناب و قومه نذر
 بنام خداوند ادا ریا که برارنده آتش بار و خاک خداوند جان خداوند هوش
 خداوند روز در است پیش نه بخشش اوند اسنوه کله های چرخ و سکر های رکوه
شعر دیگر معنی دندیا لک طریق بصوف اولوب بکل تکلف و تصلف و تمسیر
 معارف و کمال آلاء ششاهن اولدیج جاسک صور لطایف مرقودی اولدر غنم
 عدول نفادن شهودی وار در خوش بزم و لطیف صحبت کمنه در بستر انکدر

نور بوسه

نور بوسه

مجلس سیده لبیک شوقه پیمان دوزخ کور شمع ننه کم شوقه پروانه دوزخ
 مولوی از سماع ایلیم مجلس اویار دور کرد و دین بره نایمانه دوزخ
 رشته نظم سواد دوزخ الفاطی دره دوزخ یک هر بری لعل خندان دوزخ
سیدی نوز دین رسول چشم و چراغ بتول ایکن نرید لعلنگ سیدی
 آسمان جلالت و ولایت نجم سعیدی حضرت جین سلدن آلی شمدن در
 نامی فاسد سلطان سکیم طرا برنده شند آده ایکن آسنه سندانف بایر
 سلطان رفوع تحت تشریف سلطنت روم اولوق التقات بیکرانی ایلر کریدنه اوق
 اولوب خلی جلالت شان آتسای سیدی بوسور قویک کھار نریدنه
 شراب تلخ زهریه بکاشرب کلور حوچ لبندن صونسه باریکه کر اول کر زبان
سیدی دبار کر میاندند اکثر علوی و شاکری علی الخصوص قرن طبعه خلی خذت
 و مهارتی و ارادیدی و کمال فقه دخی نامداره مقبول و بی الا بصار منظر و ذوی الانظار
 ایکن من عجب الحوال اعترک کمال خواسی و زره مرض رنده دایما مبتلا و عیال
 خستند ضعیف بصر ظاهر و پیدای ایدی جمله خذاقت و مهارتندن حکایت انور که
 آل عثمان سلطان محمد بن بلیم خان بر مرض بایله مبتلا اولوب جمله اطباء علاج
 و دوا سنده عاجز و قاصر و موقوف مقام اعظم و اکابر اولان در دولتمند حاضر
 بولان حکما بایم و جائزه اولوب مروره مراجعت اولدوق تشخیص مرض ایدر
 علایجی بر فرج موقوف در یو کلام فی و خطاب وافی ایل جواب ویر بر کراول
 انشاء بپشت سپهر احتشاک مقصود و حرامی در بار کوکل کبی سنگین بر قلعه
 متین و حصینک خبر فقی ایتم اول خبر سرت اثر و سمیع طمانه ایرتیک مرض خیر
 منفع نوعی الم بالکلیه منقطع اولور بپشت دخی جائزه طهور لو نام بر قریه ویر
 قریه مذکور نیک منقطع کیدرکن اسکی ضابطی بولس باصوب اموال و اسباب غارت

ایندکن ع آجین خوشند آینه کچر مضمون اوندی فریورک و کاره قیامت
 آناری جان شیرینه کار ایدوب اول سرورانه پورانه ایلد حالنی حکایت
 ایچون خوانه رسالین نظم ایدوب اول غارنگر لدن شکایت ایتیمده اول نامیده
 سلطان محمد دیار غلبه خرام ایندکن برینه خسرو روی زمین اول سلطان مرادک
 اشارت ایلد نظم خسرو و شیرینه شروع ایتیمده لکن کتاب بلاغت سماک مطلع ایلان
 خورشید نام ظاهر اولدین و اول خطای سیرین مقابلک آفتاب وجودی کالین بولین
 نظم نری مفضل قاله آقا اولوب غلام طاهر ایلال مرانی حاجب و تر اولدوق عیال
 زاده سی جمال کتاب فروری انام ایتیمده و احو زمانه سندن اولان شو انک شیخی
 و سرداری و اول دزکار ده بولان بلغانک نامدار و پراشتناری مشنوی
 نهانده قدرتی و اردز غلایه ایلد مناسبتی بوقدر اگر چه کتاب فروری در فی
 اتا حکم و استوار و بکدست و عوار و چونکه کتاب فروری خلق ارانده مشهور
 و مداح و مفاخری صحیفه قلوب جمهور ده مسطور در غلایه کثیرا و کثرت
 کل بوزک مجموع سندن نیجه کم دفتر دوزر ویر اوراقن بیلد چون کسین اتر دوز
 بویجه نوز فرزند بوزک کوفینه بکرمز نیجه کم بد فلک بوزن هر ای بوزر دوز
سیدی بروسه دن چاشتر چی نیخی دیکله سر دفتر اهل حوضدن طالب مفت
 مرصع احمد پایدیجت ایتیمده چندان غلایه شایخ و کلدنه لکن محلقده بکو کونه
 لطیفایات و واقع اولمده جمله دن بری اولدر که پنا جلی نام مدرتدن برداشتم
 خوزه شیخ دیکله سر دفتر منلایه و اردق بوبیتی دیمشدر
 پاشانک شتهاسی قل قیرکن بنم جانم خوز بایه ندرین و حواجه الکیس
 الیاس جلی نیک خستند بوبیتی دیمشدر الیاس جلی صحت ایچون بر جکر انش
 کلون بری میدان کیمیک کیم جگری وار سلطان با نرید خان بر سوده کی خایه

بنا ابتدا که بویاری دیند بیکدیگر باین سلفا چای با سن بکرم مار بخی خوشی
 و در و نه یک سیر فابوسی دیکله موقوف فابوسی تو بفایدوب دیمت در
 حصارک سیر فابوسی صور رسک . اغاج باز ایند وارد دوز ویز
 و حنیاتند . بومطلع غوا اکی استار او سور . بهوگ دو تنک او زلفندن و شک
 نر کسلر گل فراقیده . کر بکلی کوزم بوملر اولد . مصوم سنان افندیک
 فرزند از جندی حبین افندیک او غلیبد و نامی محمد در . رفم بجایت جهته خلقند
 کموت . بر جوان معدود و محبوب ایدک هر بار مرات مشقت طلب عرفان مذاق
 دل و جانینه آب حیوة کبی لذت و مطلوب . و بیاض سواد کتات نظر بصیرتند
 خط زنگار . و رخسار برانوار . دلبران ملک دیدار کبی محبوب و مرغوب است کن
 عواصف صوارف زمانه . و صدمات تند باد خوانی . دن کل وجود سعودی هنوز
 نام جلین پزوده . کلشن بقا و چمن حیات بر صفای اخضر و کمالین بولین
 افسرده اولد . مصوم ابو کفوه افندیکن دانمند اکی مقام . ارجعی الی ربک
 راضیه و راضیه . روح بر فتنه دبار اندن عالم قدس مشرف و فخران واجب الادب
 فادخلی فی عبادی و ادخل جنتی . عنان جان پرا حرامین صور صواب الی الله
 منطف ایلدی . نغمه سوسوی رشاق قد . و صباحت خذ و تناسب اعضا
 اید مزین و فلی در . اگر بر مقدار متردی رد ابقا او یکد ستره دنیا اولسند
 بقسندن کجوب فوجد چون سیم تنک . روز محشر د کربانین الم سیر هسک
 زال سپهر . حلقه کوشواره در . انده ستاره در و شوق لعل بار در
 سنک غنک و کوشش ازل اینه سن . کینمز افندی دخی بوزنی قار بار در
 ربا جان محبت دیکلون باغبان عشق . سفال سینه فونش بر اوج خاکد کولم
 نین نامی محمد در طیب زاده دیکله متعارف در . ایلینک براد کتیرید . مصوم

معتم زاده دن ملازم اولمش در حال فرق آنچه مدرسه دن معزول و تحسین و تکمیل
 معارف و کماله مشغوف و مشغول در حفا که حجب و موانع تحصیل علم و کمال عتبات
 بی غایت کریم متعال اید حرم بان و قبله قلب پراجلا اندن بالکلیه منقطع و کل
 و شاد اید وصال جوانی معارف و ارکان و روابط استیجاب فون لطافت
 وجود سعود دن بامر ایتمخ اولد و غنن غیری خلعت دنیای زیبای بلا غنن
 و طراز لطافت ایتزاز فصاحت قامت اشعار بلندینه راست و زیبا و انار انوار
 و صفا . کفتر فرخ فرا سنده کالشمس و صیحه . ظاهر و پید . و روشن و پدید . در افرم
 بی بضای تربیت و نواز شریند حسب الاستطاعه قیامم اوزر و اولوب ذات جمیل
 القفا لربید . انجذاب لاکلامی . المخبین هر چند که میدان مدح و ثناء نده کت فایده
 منزل بر لبوت مطلق العنان قلنس من بعد سر کشید و آرمیدن المخله مکان بوقدر
 بنا علیه بوندن زیاده جل شاق و مفاخری الف متوکل قلم . و نون مشدد و ات
 اید نوکته و بنا و اطراری بوندن ارتق مرفع و مشید قلندی بوندن کر بکیر بوندن
 چون امر اولندی یار ایشکند قیامم . عشق ایچند بزدخی بدک مقامم
 ایدر آب زلال تنک بر قطره دریا . نه کم تاب قهرک ایلدی بر قطره دریا
 کلام روح بخشک نمدی سولتمز سیمانی . اولان روح کلام واقف اکثر بپوختن
 اولدم جهانه بر بوزی کل یار اوی . بیار عشقی جوق پنج بیک و اراولسی
 بنه ساقی می کلکونه یصاق اربکی . باده نک قطره سی یوق لعل لب بار کبی
 راقم و وف بوغله یارانه طرح ایدوب هر برسی شمع اینبندی اول غل بودر
 اولدن یار دست دشمن بد کوهرشتن . قلوبه بالدم فریاد کچی شکر التنت
 خدا و برسون کاعمر درازی سیم بکشم . بولکه جان و برن عشاق سید قچه شیر
 کرک سنک سباه المون کر اخل و خارا . غرض بر بالشرحت بونقدر سر التنت

بوبیت فیه مندر
 و فیه مندر
 و فیه مندر

اولوب گلشن زمکده گویا کرس عیار . سر انگشت بسیمک دوزین ساغالتند
 حسن صند میا ندر کورین زبیر خجانه . مثال کجدر با نور دما دم از در التند
 شاعر نور دخی غنچ ایدوب بونکره یه سید اولوغچون آسالتند ۹
 خم اولشرا فک کپی زین افسر التند . صان اول ادر که بیز شکات قدر ز التند
 کلور دی قهه خاکم کرد باد شوق دایم . غبار اوله تنم پای سمند دالتند
 شیم صبح کلر ز اولمون گلشنده دلورده . اولور نازک تنی آرد ده کلرک تر التند
 کشتدر عارفک جانا که عکس تاب دکلر . اولور غلین کف سیمین ساغالتند
 صقیقین الدنم لبت باز دهرک کریندنجی . غریب ایدر اول بوکودی چاکر التند
شوری بروسه یانند اولان کی سهر دند ز جبرینک برادری اولاسینه جا
 و باسی ایدی اگر چه اوایل حالده مولوی اولوب فی مثال ایل هوا . و مامل شور
 و شعب و ذوق و صفا ایدی قلن فرغین توبه و انابت . و طریق حقه مراجعت
 ایله حق تبارک قبول الیه بواسطه فریور ک گفتار ننددر . غنچه سزوباری نلر
 یار سزوغاری نلر . نوش ایدر می صفا بخش با دهر خاری نلر . بند زلفه کلک غیر
 شوری بی قرار ی نلر **شوق** سهر ادرنده بر پیره زنگ قولیدر سلطان
 بایر نه معنی ده شزاده ایکن نجای و طالعی و صنعتی در دولت تا نره قیج و حاضر
 اولغین بزرگ جمع جالنه پروانه اولق شوق ایلده شرف بوره واروب شوار
 مایق الکر ایلده منادم و حسیا اولوب شزاده نک دیوانده کاتب و جعبه
 خدمت شهنشاه مسخوره مانند تیر مسایب التدبیر دایم و دایب اولمیدی
 اگر چه اشعار می کور زدن ادا در لکن و اصل مرتبه علیا در اشعار
 هر صفایک مینا و شوق و کلمات شیرینک مذاق ایلح فائده ذوق نور شمع
 آفتاب پرچم کبی و شن و آشکار اولوب حلاوت عمل مصفا کبی قابل کار

یازن بملال شکلی طاق زبر جی . اول فک مثالی انیمت مسوده
 میخواره نک عاسی نوله اوکسجی . هر دم قدح د عاسن و قور سیر میده
 کیمه ردم سک ای بوزی کون شوقی غنچه . هر کوزی شیلو بیدری دشگون فک ده
 کر چیکه وجودن عدم انیمت کشف جودر . حال ایلح اسند میا نک کبی بوقدر
 دریغ خسر تم قلدی نیم سن سروق . بوکون دنیا ده بولمزم بولم یارن
شوق هر دسه دندز افتخار آل عثمان سلطان بلم بی بزیده خان . طر ارنج
 شزاده ایکن لالاسی اولان شمسی یک فزاری یه خدمت ایکن خورشید شزاده نک
 سلمی و منظور نظر اطاق بید و ر قومی اولمیدی بدن و طند مراجعت ایدر
 بعضی ال عثمان روفه سنده مزید دار و دلوبت شل چون بعضی جهات اختیار میشد
 بو شوار کدر

سید آب و هوای فرخ فرا و ترج زوا . اولوب بلدان جهان لچر شزاده
 اولفک سدرت نما و مغرور مقام خلافت غلنی و جلالت کبری اولان شهر قسطنطنیه
 دندز حرم عاشق جللی کتاک کرد و خای اولوب فریور ایلده زمان منصف غل و دم کرم
 و سروده همشین و مدد ایدر . طریق علم سلوک ایدوب بو طریق خلی خشت دیر
 و فلکات کسید . سی بی شیخی افندی دن بیک بلایه ملازم اولور قدح صحن
 سنده ثمان و غنایین متوجیه ده کلکشت فردوس برین انیکه عازم ادرک اعراف
 فرمنده و مملکه به مثلاً اولوب هر چند که معالجه و مداوا . ایدر د فایده ویر سوب
 بلکه اول عاشق و شیدایه بوشی دا . اولدی خانقاه و هر ک عاشق شید آس و عالم
 ذوق و صفایک رنجه بیرو باسی اولوب طریقه فرین . و ارباب صفا یله همشین
 ایدی اشعار و افز پر کوشی غنچه در بوا شوار انک گفتار ننددر
 زلفک بدن جو زوبای مکنک اصال کون بوز کدن کلک فرغ ایت جهان صفا

قبایده

تو بر سر حسن ایچره خوشک اوله مزم . شهسوارم سن سمنه نازله آل جمال
 اولدورم شیدا بایبارین دیو عهدتک کون بو کندر اولدورب بایبارین بنی فردیام
 سن کیدلن کوسروردورن بکارخت . کل کلیم سرت اولدق کوریکه صحت بوزن
شیری نامی علیدر . ریاض جو دیزر کوی ازمارت قب بجد و شمارله بریجا اولغله
 کجور کوز انامدنه العلم و علی بارها . اولوب زوج فاطمه تنول اولغله فرد . و شیران
 بشته شجاعت اولان دلیزان ایچره مرد . اولان سدا نه کفالت علی بن ابی طالب خیر طریقه
 هنام اولغین فلفس مروری کندوبه باغت اقرارم . بمسیدی هر شک اوغلی وزیر احمد شایک
 اولغله رسلان سکیم کیم حویم خاصنه الوب ذره وجودی مهر تربیتی ایله برورش
 و سبک مکت و عا طفسده ناییش بولوب باجی با شیلغی ایله جقوب آغوشی فله
 ابرو و اچ . و شقه لوا رسالت اخوانی قیقه افلاکدن بالاد و عالی اولغندی
 آخر مرض نقیبه نیلا . و میدان صحنه یی سر دیا . فلقده مهرده نفاعد الیه شجافی کو
 اختیاریخت . و مهرده حوایت . بواسی ایله برپاره استراحت ایلیوب اندر بر قیج
 ییل صحنه اولدق صحره آخونه حلت . ایلی یخوف استعاره فلک بل غنه همسر
 و پیشه زار بر اعشک نزه سیری . و عالم نزالنگ بر مینری اولان شوادندر بویت
 تحیف جسمی دوزدی آه و زارینه . کورک بنی نیه دوزدی روزگارینیا
 ایلکن ایله باشک مرغ آشیایین . مجنون کبی بلاده کوکل حوشنانه سین
 مردم دکلیم سن کوکل الدنمه کی صقیان . صبا و عالمک کوروبن دام و دانه بیان
 بر بوسه نین بکانه جانیه برادر . کوردکی شیرایینه بارک برانه سین
 وکی بزه عشقنی صفا سون کن مجنون . کیم اوله کلنی تعلیم ایده افلاطونه
 کورده بن اولکنته مهر فلک بگزنی . جقه بن ناله کندیکه بکون کردونه
شیری بوک و فانی علیدر سسرده دوزر زمره سبک طغریا به نذر طرزا

بستان خیال و مت تراکت و وقت مغالده منفرد . و خیل طبع ارجندی اول
 اول شاخا رینده . و ایام منفرد اولور دی بوغال خراج خاصدر
 کوریک اولور غمزه دلیری . قیج قاب قراخوی صابری . جمن بکار خضری بنم
 صورا وجه دلیر کبی آپاری . سحر دن طو رخا وکل شیرا . اوپا وین کوریکه کاد کور
 او بکنور مشر خط سر سبز که ای شوخ شک . صفین بوللی در با غده نر نر چنگ
 ای بنفشه صحنه او بکنه لجه قندی دلک . یوه نه اغنخ ای غنجه اجدی بنک
 شیر با داغ اور بوی نازه بر جل جلک . باشد له طونه نور قاعده دوزدی بر
 دمانک آرزو سیده کورن چشمه کج باشی . دیدی بوق بر طو شرن در قانوج صوبا
 باشد اود دینار مهر جلک کور در تلک . اوشوب پروانه لبر بر کلر ارغنه بیان
 خیال خاصدر دیو بویت ایله بیات ایدر . قیرم اوزره اولیک دم اولک بکر کلن
 کیم بیلین یوکی بولغنه طریف دو که سن . و جرنه عجمک بویتنه جواب و بر سدر
 جنگ شاهی باؤنک باش از سر نداد نیست . هر کجادی هم بک شاهی به عثمان نیست
 جرنه گفتن بک شاهی به عثمان نیست . من هم بنم که ده شاهی بیک سلطان نیست
 واقع حال و در که بیت زبور نفوس بیکدر حتی خدمت والد ماجد جوابنده دیشدر
 نرجه رافضی که محنت چولو لوبیت . برستی حبه نداد از فضولیت
و القاد صابری طلب فریبه نذر صبا و حابر نفس آزاره سینه غایب فاهر
 که تبین و عوق جبین ایله کجوب طاقیه دوزی کلک تحصیل کفافی روزی ایدر
 کلان و فنی شایخانه در نیکه بو شود لیلدر . ابر فرقا کلزارینه بوکلتان کجین
 جانان و اصل ولید جان و جهان دن کجین **صابری** استنبول ندر فذونه اولغین
 اسوه الناصحین . موالما و یک قبری او علیدر نامی مصطفی در مضر ضعیفی لیکن غفای
 برفنا و عازم ساصلقا . اولان خالی جواب زاده افندین ملازم او بوشه نفاض

حال ديار عرب بوز آللی آنچه ايله متصرف رفته قضاة و ولاة اراستند
 سخی و عطایه پزشتها به رفته اولور سه غراب و قوا و طراف و شوال ايله بار غار تحویل
 فضل و کمالات علی الخصوص علم تواریخ و محاضرات صرف قوی و انتظار ایدوب
 بوقت جلیل المقداره علی الخصوص تاریخ این کثیره خیالی روزگار خراج بقدر و طاق
 هر زمانه تحویل علم و عرفان و تکمیل معارف بکوان اید و هر حال بقدر کمالاتی تا بید
 و بنا اساس فضیلتی بدام نشیند اوزره در کفاری معنی دار و تحویل و بقیه اشکار
 حکم و بلا غنچه سبیل در بواستار انکدر
 دکل بوقوس رخ آه اید بجه چشیده بشل ذل توتم و خه اولدی بویه
 سحر طاس اوب فور شید دن گردون کیده دار اشغالی کو بکه آهسته آهسته
 چکینه بر در یکده ان سینه به بیان بولش هر نسی و اریه جلقی غان
 احراق ظرافت ادر نه دند ز خلی حوب و انار اقدام مشکین ارقای مرغوبت اوین
 اشاری مجموع ادره کنده خطی اید بکتوبر خوانه اشغالی و عین عین کفاری
 تول جد کده در کبریا بخت سندی جاری اولغله زبانت بولم و مسافه اشاریه خدو
 غایت اولم امحال و محض خیالدر بر هر حال بومعان انکدر
 بر بت نرسد اولی از ک بدن کوردم شبنی کوک التده بن
 ساقه سکا کوز قند و غنی کوردی جبابک اندو غنی سب اویدی مجلده شرا بکا
 مجلده طوب جگر بکی شیشه صادق بیل زحمتی اولاسه ایا غنچه جبابک
 صلند من در سر و چنده سرو آزادی عجمه سیدان زمانه قوسق بادی
 او بنم غنچه تک طفلن دیو زاید بیلک ایدر شاه کله بر توب بغاس با عین
 صانع جند زنی سیم شایه و نیم کله نهزه دنیا در دیار مصر قاهره دن ولایت روم اوز
 قدم شریفی ارزانی ایدن عالم ربانی و کثره صمدانی واقف رموز دینی مالک کوز

حقایق علم حدیده بخاری و سلم جمله عالم بایده مقبول مسلم و شرفی مغایر
 مصابیح ذهن باقی اید منور غروب انبی آدم اولوب طوای غرای فضل و کمالات
 توفیق رفیع سند عالی اید معنون و حدیث صحیح فضل صریحی کابر عین کابر متفلسف
 معنی اولان مولانا جدری خد شرنیک بنده درم خنده سی و جا کرد دست
 پر دریده لری اولغله انتساب عرق طوطی معلوم و موسوم اولکدر مولانا جدرنیک
 ادغلی محمد جللی که انواع فضایل و معارف ایلد مودت و احسان جلال فضایل ایلد مودت
 سلطان محمد خان عجب در قوه و کفوان خد شرنیک الطاف بیکران ایلد مودت اولغله اول
 سلطان واقف ابرار کما زمانه نباشی اولغله طوای وجود پر عنوان اولکدر
 عزیز و قاسم پاشا سلطان محمد خان عجمه منزله تربیت ایتکله مهر وجودی آنا قانای
 رفعت اولوب دفتر دار اولد قده کون ذات خورشید انار فی منور ایوان دندار
 اولکدری تبع بقدر طریقی ایلد سلاطین یکی اولکدری ستر مزبور ده عمارت جامع
 بنا ایدوب اول شاکده دستا جل مزبور سر بر جیانه نقش خانه انداخته
 و نقوش طوایب طای حیانتدن برداخته ایلد طوای طبع شکر شکنی انزایا
 اشارت تیغ اید کویا اولور دی فوج اشاری لطیف سوزناک و ایتا بلاغت
 سماک ادا اسی ضلی صانع و پاکدر بواستار اول طبع در اکدن روشن و تابناک
 سنبک مردم کل اوزره نار و مار اولق نرک هر گوشه دست و خمار اولق نر
 که جفا سی حکم ایدر ملک دله کاهی سنج بر خواب آبا ده ایللی شهر بار اولق نر
 خط دلیبر کبی آخ جون کلور شش یازن صافیا آینه دله غبار اولق نر
 کل گرم اولوبن بولکدر جان ایست صوفی کچرا بکند اخی اجل ایست
 شاد ادیس تواریخ آل عثمانه و زرای سلطه بایر نید خان سلکندن بازوب
 سوسن ده زبان کبی به حیلد رطب لسان اولکدر صادق مزبور کمال وجود

در

شهر بنو اودن لامع و باری اولم شد و طریق علم طریقی ایبرک انصاف
 فضل رایت ایلطوار و احوالی مرفعی خلایق اولان مرحوم غنی افندی که صدایق
 جناب پر حق یقین خوشه چای اولم شد و توفیق یاق اولم شد که بعد از چای
 اسامی اقراندن یاق اولم شدی مرحوم مرحوم پیره زن دنیا یی تبارک طالع اولوب
 عالم قان قطع علایق ایندکده ملازم اولم شد فی اجملة ایدرمی معانوح اولدی
 شب درو ساطع و غاسقین کتبیل علم و کمال طالب و عاشق حسن خطی اولم شد
 جوق نوادر و لطایف و حقایق و معارف نامی اولوب کمال ایلان تصانوح
 کبی صادی درو اسرار مرید کفایت نذر
 ایدر بر خطه ده بیک گزینی معنوی و مردودک عتاب شوه اینک خطاب خنده آلودک
 جفا دن غیری بر لایسنه کلام اولم کنیدن سها بری و فاسق هر نه در لایسنه کلام
 و بر سک کر که اول غنچه نیک کو کلبه ای صافی دونه کور زاله کبی گوشه کلزاره اکندن
 غنچه عکبر فید کلزاره شیه سرام کیندی هر درخت کلتا مار غیدی بحر
 ره عشق کله نه جو قدر اگر چه عاشق اگر لطیفه نظر ایل که اوله صادی
 یار کلب زکینه تشبیه ایدلن ای دلان که جقدی بنم غنچه کلشن
سازمان دان بزرگوار ی بنده و آزاده مسانده جلال آده و یکله شهرت
 اولوب جناب فضایل کسری که ملک معارفک هر تریه مرحوم قهرت بنک
 براد کهر تریه سالک طریق علوم و رسوم اولم شد و مرفعی علایق روم اولان مرحوم
 کمال پاشا زادنیک بوستان فضل و عفتان حزان اخوان دن سرو کبی آزاده اولوب
 صنف بر قلب پر کالاته ما لکین نوازش و التفات ایلد حریه و عشقون خاطر فضل کوی
 باران کثیر الغضبان تربیت عنایت موقوف ایلد کشیده بالا ایکن صاحب قران زمان
 مرحوم سلطان سلیمان و خان فرامان اولم شد و خواجه زری خیر الدین افندی قوابل

زمانه جمع ایدوب ملازم و بر که عازم اولم شد و نور دخی شیفه زحارف دنیا
 اولوب مانند کرک اول شافضل و علایق ترک ایدوب نطق حقوق برینه کمر عوفه
 میان دل جانده برک ایددی بو حاله غافل و بو امر دخی ایل اولم شد و فتنه ایکن
 تنزل اید و غنچه ایکن تنزل اید ادرنه حمیه ده سراجیه مدرسی ایکن سلطان کج پدین
 خاقان چشید کلین و در بدون آیین سهرنشا خورشید کونین و سلیمان نکیه
 مرحوم سلطان سلیمان خان کفایت مخوم ایلد نوادر و دوس و دین انکروسته ایدکری
 غازی انشا و غا و انشا طرافت خوا تغییر دلپذیر و توفیق نظیر ایلد کهر تریه
 وزیر خود مستبیر آینه غور حسن تدبیر مرحوم ابراهیم پاشا کلام جلیل و خطیر ایلد نظیر
 ایدوب انرا جناب معارف بحیری ایدکدن مانند سهریل مانده اولم کافضل و عفتان
 تربیه و مثال خورشید نوادر و باران براره اول بوستان معارف بشمار ی تینه ایلد
 مقتیایدی پاشای خرمور صهره متوجه اولوب قزاقشی تذکره جیبی اولوب کتدکه بوزرخ
 زیبایی و بوب و ادب پاشا مدرستی جائزه المندی **ناج**
 حضرت پاشای عالی منزلت عالی جناب حق شاکو تیلد دایما شاد ایلد
 عکرمصورتش هیلد کجوب دربارک نه سلیمان زمان دورنده بر آد ایلد
 ظلمه ویران اولان اقلیمی محو ایلد واروب سلام اهلن هر غدن آزاد ایلد
 عاتف قدسی دیدی رخسار الهام ایلوب آصف دوران عادل مصری آباد ایلد
 جمع طریق ایلد نادر مدرسه علی پاشا و عیتق اولوب اول معامده معونت ساخت
 توفیق ایلد ادارت و حقیق تحقیق ایدکده کج مدرسه صحن نمایند اولم کلام اعتبار
 شوای یابنده ایرشیدی مدرسه زبوره ده ایکن خاقان منفرد سلطان سلیمان منصور
 فیدوزن فتنه سن نرج ایلد ایدوب کتب مروره جلد هم ایلد نام کز قلم ایددی
 سهل مدته انا بیلد موقوف و مؤید اولوب کاتی جناب سلیمان و ایدر ایدر خاقان

ایند که بخون رفعتی قضا طلبش با ایله عا اولوب بعد نام بر خشم و قاهره
 ظاهره و حاکم دوائی اولمیدی اندن متقاعد اولدوقده جوار ایی ایوب انصاریه
 فرزندانی بنی بک بنیامانده و کج صاحب زیبا، مانده خانه و باغچه ترتیب ایدوب
 مردم دیده کی گوشه نشین و خلوت کرین اولوب هر و مثال چتر از جهان فایندن
 دامن کشیده اولمیدی اول شاده اکن شتر از دهر سید سلطان بایزید جلالی
 اولو کتایه ترجمه بر او ایدوب بر فوای المانور معذوره ترجمه کتاب بر نوره شروع ایدوب
 جوئی ایامده انخ دخی انام ایدوب شتر از دهر احترامه عرض ایدوب حاد و مرامی
 ندایه انانوا اعلام، ایستون دیو اشارت علیه ظهور و صدور خلیفدی مولانا
 مرقوم مانده چاره دامن دنیا و غداره دن ان خلیفدی و حوز قلم مقفایه
 تخم قناعت و انزوایه اکتبیدی لکن دانشمند زینک حوائی منتظم اولوب هر
 کواکب ستاره کبی رول ره اولوب شتر ایامال مجتبی و ملتیم، اولسون دیو ایی
 ایوب انصاری و هر سبب طلب ایدوب بومی یوز ایی ایل مدرسه و نوره ده افاده علم
 و ادب ایتمیدی بعد میل زحارف فایندن دن بالکلیه قطع نظر ایدوب و عیبه چشمی
 چشم بهر کبی بی یوز و نوره اولو کتایه شتر از کسری رجا جی سی سبیل
 خواب و خنک ایتد که مدرسه حرقه درخ فرغ، اولوب بعد مطلب حرام دل کاک
 اولان مرتبه فایقه القمه و اصل بالخ، اولوق جسم وجوده و خواب اصل
 الوب عالم حیاضن کوزن بولمیدی و کان ذلک شتر و کتایه و کتایه
 اگر چه اداسی روشن و واضح، سوزیف و توصیفه لایح و صانع اسرار و در
 کمن اناسی اشارت کن سندن رایج ایدوب کتایه فوای خود و مناجی اهل خود و ظاهر
 و لایح در بو فوای بدع اول صاحب علم و عکد که دامن منصبین ال حکم که بکشد
 آخ اولدی عمر چون کجی هوا سندن **که** بدین ال بر دو کج دنیا بکشدن کرد

بیرک

بیرک نامیه رایشندی ایام سکون، صوبی لطفی اقمهر بکشدن کرد
 طایفه سیدی دل کجی شتر عالین، جیفه دنیا غمی و شتر کاکشدن کرد
 بن جهان سودا رندن جکدم ال **که**، سر سبز غوغای دهری ال کاکشدن کرد
 هر کون اکاه اولد کجی و شتر کجی کجی، صالحا جالک نولور باری کاکشدن کرد
 مرقوم مرقوم کمال پنازدن و حوکم اصلاح و ایضا حنه حاشیه سی واد
 بشره عقل حادی غمره عالم ربانیه و احد بلانیه و معلم علما اناضی وادانیه
 حضرت سینه شریف جوجانیه نکترح کفنا حنه دخی حاشیه سی اردو حاشیه
 بوندن اصلح و ارجح ایدوب اهل علم و کماله انظر و افصح دره فوای کتایه
 مناسب حاشیه اولق مقدور بشره اولق رنده سندن عالیتر دره و کتایه
 کتایه ادن حوائی بهر بصیرتدن از ال شکوک و غوائی اینجوب اولک منظر
 کوره حاشیه کتایه و شتر **صافی** ادره لیدر عکار زاده و بیکه شتر ادره
 کتایه معارف و کماله صرف قوی و انظار ایدوب ضبط قانون علم طب کجی
 اعتبار بولمیدی خدمت سلاطین، و طلبه خواقین، قبول انجوب بر فوای
 الکاتب حبیب الله، دکان شتریه وادویه طبیه ایل کسب معیشت بومیه ایدوب
 سینه ملت و تعین و تعیله ده خواص ادویه واقف اولی علم کبی به دخی عارف
 اولق قصد ایتد که بعضی تدبیر اندر خابط اولوقم باشند قیامت بولمیدی
 واذ الکو اکب انشتر، فوای و ذره اجزاء و خایه کبریه بقصا غذا و لبق
 کواکب سنان، و فوای دن فایه بالکلیه منقطع اولمیدی بوحال کتایه
 دخی عفو نسی نایره ایدوب سرای بدن بر و جمل خلل پذیر و لایح سلاطین
 اندام کان، اینکامکان، اولوب عالم مجرور و روان اولمیدی عفا کتایه
 و افراصل سندن جمع و ترکیب ایتد کجی چون استعارین کیفیت و حاله خیالی و عمار

عالمی خود بین و خود نما کند و بی حکمته بوعلی سبب بلویش کرده و بر دنیا سبب
 بلاشک بر بلا می و تهر فلک قدر رضا شک با بی و صانع کجودی بر حال بوقال کند
 نه وارسن بزمک باشن کوزنک صوفی بپایم کشینک دست باشینه بود شمع آینه
 زین برک سمنه خطار کجاکسینک بر جو فو رسنا یزد چاه ز کجاکسینک
 اوستنه دتره میغنه نورسته لک سسکوب اتردی صبا برک کل طزاری
 صانع ولایت حمیده نصیحه غوسه دتره نامی محمود در بونی محمد علی دیکلک شهرور
 واعظک برادر کهنه دیر جناب بر فضائل و محارم فضل عالم سنان افندی مرحوم
 ملازم اولو استنبولن بکرمی ابله شایع مدرسه سدن موزول اکین موت طبعی انصب
 حیاندن متولن و عالم فادان ملکیت بقایه متقل اولوب و صاحب حضرت خالق و صانع
 جله امانه سینه انبار ایدوب اول شوق و ذوق عالم بالا به گذار ابدی لایق قبول
 اول انظار بعض اشاری دارد بوشوا کند ایچک لعل صفا بخشکی دل ختم اولوب
 بیستون بکرو دلایا داید یک فرمادی ناله ابرار اودم ماتم ایدوب هر داد
 غم بوجک جانم جف جسم ناتواندن تمنای و صالک کتمه روح رواندن
 صاع زبورک برادر کهنه و آریه علم و موفدن عکار و بری اکین تاریخ و ابنا
 ایدوب اکابر و ثقاته و بیروب کند ذک قیامت و جملنی خواه و نا خواه اثبات ایدوب
 عجائب کلمات و غایب تر باغ دارد در عجبالا و غایب فاعیل هر دنی و جیاست
 اید بکنه بوقوله کسینه مراتب سامیه و مدار علیا به مدرنس اولوب طر بلوسه پای شک
 اید فانی و حاکم اولسیدی نه کشفه بوقوله ج خادام شرح ایدن بیا و شرعی مادم
 اولسیدی سلطان سلیم ثانی خد متلکیک خواجده سی عطا الله افندی دختر سعادت
 مجری بعض محاکم کرانه کالج ایدر رعایت شست بنی طریه کلام ابته کده و تاریخ دیر
 از برای ساله انوب جمع کردند و تمندان مکرمت لوب اگر از دفاع وقوع شوال

تاریخ اوبگو چشمه خوب اول باغ خضر و شخص زبور کانی انوب دیکلک شهرور
 و مذکور اولسیدی والد ماجد ولایت ناطویه صدر الکفدر اولدوق باقم سعادت
 دیوب تاریخ دیکلک غایب و عجایب نهایت و غایت بوقدر تطویل کلام مقتضی کلام
 دیکلک حساب ادر نه لیدر تاثیر مخلص ناصیه حاله فکار و هویدا او کومانند بار
 صبا بر برده آرام و صبح بر کوشه ده مقام ایتمزیری سلطان بیزید خان
 مرحوم زمانه کلدش در شاع کمال و اشاری دخی و جمدن خارج دکل و اخلد
 حروفی ایا اورده مرتب دیو وار در بر یکی اشاز مذکور کفما زندند
 اشتراک بالک قلی خوان و صالک ابر مرال سولینه بن اجله اغیاره ابر ریه جل
 جان و نیم دلام کیم چشم و دمان و لیدر دل خواص عشقه بواج و فکله ابر عل
 لعل شکر باشی کیم اوج خالی وارد شک اول تکرر نقطه لوله قنده و خوش المثل
 تاب بدن رزه طوطی جن جانی ناز عینت کل ایدر احوالی با و جانی
 تبسمی قضاة مابیند حکم زاده دیکلک مودند نامی مصطفی در ورحم مؤید زاده
 دن ملازم اولدوق کمر فله ده مدرنس اکین قضا سمنه سلوک ایدو اناطولی
 در دم ابله نصبات کیم و کیمه به قاضی اولسیدی آخوص فیه ده فخر اکین صبح
 حیانه شب عات بدل و وجود صحنه کوشه صریح مقام و محل ایدو قدری افندی
 رحیم ایدو صبا و معارف اولدوق مزبور نه ابته مطا هر و معاون ایدو صبح صحن
 کبی شوقین آفاقه منتشر و بعض مطالع و ابیات مستند اولسید بر یکی کلمات
 زخم سیم شرح ایدر در دم دمان اولسید اول دانه قلو بیکاک زبان اولسید در
 سیم لک که عمر که تعلیم خانه در کم طه لوله طبله داغ شانه در
 ویر صبا به کاکلی و مشک کبی با بدن جفزه زلفکی بر اهنک کبی
 اقدی بر مرده کول صوب کبی کدن بکفر جویبار اولدی شیم کمنه بدن بکفر

بسم الله الرحمن الرحیم

کوزلرم باشی بکلر دلکس خطک . ستره انش و شجک کس لوندن بکفر
 هر قدمه نجه بیک عاشق با بال بمر . چکوب اول طفل بری ناز سمندن بکفر
 صبحی خسته چو کدن طنبوب یوزه . کاه و بیکاه چکوب ناله کنند بکفر
 بن سسید تیغ مهرم بن غبارم بر بنم . برده سبام صورخ رسم فراموشم
 روضم اوزره او هم روح روانم شاد . کوزلرم باشی ایکی کوز چشمه سارم بر بنم
 صبحی انرا ز حیض واسی ز او کناثر عیاض انهار . واحصاف وانواع از نهار
 ایلد آینه جمال انار جنات بکتری من کجما الانهار . اولان شهر بروک دن صبح وجود
 ظاهر و بیدار . اولشدر بکینه صبحی دیر . امام و خطیب خدمت مشایخ کبار
 دن بهره دار . بر پر خوش روش و پسندیده اطواره . در بهمانا پیر و نایوان اولان
 ناز خان . ابر مکه بیل بالی خاموش و لال . اولشیدی ندمک والد ماجد دیشدر
 پیر لک بردی علی شو و خلدن فارغ اول . کلدی یام خان کیمدی زیان بملک
 مخلص منور می فرزند هوشمند تملک ایدوب رقبه وجود خه ز بقعه انقذدن تفلیک
 دیشدره خاققا حلب شهباده حاکم و دایه اولان کمال بک زاده نیک عبیر
 زاده سید و هانا عجبی اولدر که اغازاده نیک عاده سندن ملازم اولشیدی
 اول زاده مطالب و امانه . دنیا فی فانی نکل زائل و اجبا دغوالی و امانی قلا ده
 خلود و دامن عاقل اولد و خسته عالم و عارف اولد قح میل مویان
 وزه هارندن بارب . و آرزوی مطالب و مناصبتن تائب و ایت دینه باطن
 و چشم ظاهر من مناصرات آت آب و کلدر چشم دوشته مهورای نضای عالم دیکرده
 طایفه و بصیرت و نظر بریرت . مشاهد صور فایدن کوز بوموت بکل جمال
 با کانه کمران و ناز اولون هوا سینه بر مقدار حوالی ایلد . ترک آرزوی معالیه
 ایدوب . سلب تعینات جهان . و طلب توحید و عرفان . اولشدر و بوبرای ایلد

بعضی شایخ زانده . خدمتده دامن دربان اولشدر اول خدمات جلیله نیک
 آثار نعلی هر و عیان . اولد بیکه شایخ غولیات سلطان جهان . اولدی علم نقوشده
 یکانه . اولشدر اکثر اشاری مصوف کونه و محققانه در زمانه زده اولاجل المستبان
 خلعت و خالصت حکم و متین . و بنا برای دوستی و صداقت . استوار و صمیم
 اولشدر بوندن زیاده مجلای مدایح اولان خانه بهشت آباده ترین . و برک
 بوبر ایکی شعار بو مجله به کثر بر و شطیر و لطف و چون اختیار اید و کلمه و اشعار نند
 بو غولده فایده اعتباری و بولکلانه تکرار . اینه دن عجب فاسی واز در
 حاجیان ره عشق و مفهم عرفات . عرفانی کشتن میده از ذات و صفات
 زائر کعبه دل کرده خداجان برش . بر در دست نباشد بوساط حاجات
 و من و زلف و رخ و خاک من بگویم . اصطلاح است که خواننده باین موزان
 تیغ عشق باریله جسم او نیجه بر شکاف . آفتاب عشق کلمه در و نه انگشت
 هوس لکله ظاهر اولور دلد مدام . راز سر بسته مضمون علیکم بالتمام
 باسم شوی دیکه نیجه او کبوز هر بار . هنری یوق جوهر کای دلد ار
 رساله برک روکم رقم انشدر و صفای کشته بوباشا . ایلد مایه ایددی
 شاه جم قدر و فربه و شجاعت . حامی خونه دین ملت . ظل حق حامل نور خوات
 آفتاب بحر امنیت . صنوف نانی دیمه ظله حکیم . نقطه وحدتیه کرد و دینم
 صبری استنبول سلطان محمد خان . علی الرحمة و الغفران خاتمه حافظ
 کتب اولان ملا عیوب اولشدر نانی عبد الرحمن در . فرست نام فارست انواع
 واقعات شکر کفیله صرف عفت . انشیدی خونه کابلدن لکین انشاده کی به
 اولوب یکر می بل مقداری انده اولو . صبح در دهنه کلوب نیجه بر کد از خیل در هم
 و دیار خوج انشیدی آخو ملازمتک شهر و زهری ایلد استنبولده طومونه

جی

قراری صبری فلیحی بنه بخدا که بوب اول از کلمات تو طبع مقام پیدا بوشمار
 صون نوشن اید لم شرابای سستی طوره کرم ایت اید شتاب ای سستی
 تا کم حقون باشه شراب ای سستی رفع اوله ارادن بوحجاب ای سستی
 در طریق عشق بازی این خاک نهاده **آخو از عشق تو ای شوخ از بافتاد**
 و طبع معا چسبان اولمذناج بالمشکل سندن پنج معال ظاهر و عیان اولمذ
بسم سید مست احوال از مشکل سسته زلف یار باداد **بسم عیسی**
 خاکراه شری که آوردی از پی تو تباری شش ای صبا کای مکن بر خیز مجوسه
ایلال زخم تیغ آن نگار کینه از پی هم نموده کینه و مولانا هلالی نک بوظیفه
 عارف اسمعی استخاج اینمذ **آخو ای خونریز من یکدم نخو خنواری ببین**
 چشم رحمت باز کن سوی گرفتاری بین **صبری** نامی احمد در غلطه دند ز افضل
 افندیک بوسان فضلندن تفکده و تکه ذره ایدوب خدمت بر کندن نغمه و تکه اینمذ
 کلستان رو بنده سبزه خطا دلجو طاهر اولمذین فکرم مثالی حسن خط قارز اولمذین
 بوند خیل کوشش و نظم اشعار آبدارده تمام در زش اوزر قابلیت شایع و ارجاندر
 خزن حق تحصیل کالاه من بعد دخی موفوع ایلیم بواشمار انگذر
 پیشه اندی تیشه سن باشه جودی کو مکن اکلمز بوسر کدشتی باشنه طوفان
 کلک بغداد بن نیمه جاک کریان اینیم **صاریو** اولمذ لبری فوبینه آلو پیرین
 عارفک بینه عالم نادر دو ستم سده رولر جو قدر اما سده عالم دارد
 جهر می جوک غمی زرد اینمذی بقدک سندی بدم دند بالر مایل دیار در
 عاشق بنگار باو زبوز کوسر بر بالک بوز لودر اما قانع سر
 خاک راه بار ده جسم بنم بکذر اول راه اله اور ما به کرد
صبر صبری عبدی طریف و بیکله کور دند توانمذ نام عبدانه در بابای باغین

احوال اینمذ روحوم بقرنی قاره جلی اید قرانی وارد در طافله شهره دنیا اولان
 قدیمی طافه دند روحوم سلطان سلیمان خانک خواجه سی اولان خبر لکین خواجه
 ملازم اولمذرانا طوبی ده کناره مدرس اولمذ صبح قاضی اولوب بعلیکده قاضی
 ایکن اچسواد اعیانه دعوت اجات و حوران حشاید لنده لک شاربین
 باده سندن صبری انگذت اینمذی مقضای طافندریوشوه دخی صرف نمت
 و بدل اوقات وساعت اینمذ **بسم سید مست**
 کوزلر که رینه اکلجی سی بن محزونک نونس و همدی هویر شور مجنونک
 بن آه حلقه دل ارک السندن اغلا و دخی دین خوشبارک لکدن
 عیار خاک رهک تونیای دید مدر خدنک غزه حنک هندو سبندر
 کوسه عمر عزیزم فغان و ناله ایلیم صبر می غم به بوده بر اوز که عالمدر
 روح شایع کسور ای ساف بزو که کوکل مشکلی حل ایده لم
 اکسیر دل جان نمندن بدل بختل اید لم
صبری نامی پریدر توفلی زاده و بیکله شهرور دز ککوزر انک خلیر خاضنه
 محرم و هر بر ایلیم هم کچوبک بعلما و اعظم احوال و زرا اید صحت و لغت
 اید و سلطان بایزید خان زمانندن بر و اولان افاضل انشور انک کتای کبی
 بطور معا نصایبندن دورا و شش و نیزشال ککوزر انک خدمتده تراب اولوب
 نمیشدش باندندن قطعا اینمذ کجودی اول جلدن هر بر نیک احوالی ضبط اید
 ابقی تاریخ و حاضر نسخه تواریخ اولمذی کندوسی حکایت ایدر دیکه پلان مصطفی
 یونس پاشا باغچه بین الوب وزیر اعظم اولان اباس پاشا اولمذ و شیه نداشت
 صفته دعوت و فیات ایدر کج مناسبتله بیستی بدم دیو بیات ایدر
 صونه رقیبه غیفکی ای مسیح دم کافر الینه و شمسون اولمذ سبیل

اول با نکت قند که بر او نان بقطع **دخی** انگرد
 و گوشت که کلوب بونده بر نایبک . قویوب کیدنم سابقه برد عاید
 و فسی بوغید غن بو جهانک گلشن . غرض همان بوندن بوخه رجا
 که بز قویوب کید یک برین جمع اولایان . دعا عطا ایدیه اگر چه بز خطا اندک
 صنعت رمله مهارت خول کلو ایدیکه نقطه وفا قلب پری پیران حوسما اولو
 جماعت عتاف بر طایفه داخل عتبه وصال و بیت زنده اجتماع و انقال اینک
 محال و هیران بود ملال اید حایه منکوسن و اشکاک معکوس عقده احوالده دایم
 اید و کن بلور . حین تبصرتان مروی در که بز کون کرسه رمل اید و ب
 اول حین رمل چیزوب . اشکال بر لوریند دیر زکده خنده زمان و سرچ
 اولوب عمریده بو مقولیت ایشتم دیو جیران اولدق شخص زبور که کل
 خندان و سرخ روه و کاهی بنفشه کبی جبریدن سرفرو اولوب بکین فانی کفیرین
 شبیه بلورین کبی اطراف ابدی شخص زبور کند که کل زمان مسفور دن سوال
 اید کلر زده عورتی مبدی بونیت ایشتم دیدی فی الواقع خیل صغیر داخل در
 دل کورسه بوزیکی . اکلنور . بوان شبنم فکر و صا کلا کلتور
 عت قد جور ایل حال کدر ای صم . افاده را اولنج بو حال کلا کلتور
 مریله مای نیر اولان بتلای عشق . بقدرت کس که حسن جاکلا کلتور
صدری ایشتمی در . روم علی صدری اولوب موزول اولان شبنم افندیدن
 ملازم اولنده استنبول قرق اچی مدسه دن موزول ایلک سنه نشت متعین
 رباب رضوانه دخول اید دست اما جد و افاضل اید مکتوب اولان لکرتی و بیکون
 جوق نواید جمع ایشکله سوره فضل کمالی بر موایده اولمیدی حیاض یوانی ایشا و اوان
 ایلک گاه اید و کج ایلک بعضی لادن شاکه دکلدی بواسطه زبور ک گفته رند در شمر

کوی

کرک در ویش دریش کرک ش جها اولو . کفا عاشق اولان اول نبله معنی اولو
 کل نیر دستم دیولاف ادره ای مریوش . هر نه دکلوا اولوب یک ست بر بالای
صدقی استنبول مذکر یکو بلورن اولوب آیین مریوش دند بایمانی اولدق
 در کاه سلطان چاکلندن اولنیکم غایم و دعوت جسته مشغول اولمک ایدی غایت
 اولوب انسانی منج و منوره بلکه اول طایفه دن معدوده اولن و نینه قبت
 اولمیدی اول طایفه دن افایعل عتبه و افایعل عتبه . نقل در وایات اید و س
 اگر کلمات صدقی و ارسه عجایب لاندند و آخو جاشلقدن فراغت ایدوب بر مقدار
 تیار اید نقاد اختیار اید . اید دعوت اید مالوف اولمقن مقدم شو جاشل مشغول
 زلف نگاری اید صبا مار و مار اید . بخت نکایت ایشتم بن روزگار دن
 سودای زلفی اید وار ایشتم . کیدی شیم فافله مشکبار دن
صفاح منور معقول و دعوت اولان قشبه سینوبدن در طریق علم سالک اولو
 صدق تحصیل و کتابده ایلک روحوم اسکندر پیا انتساب ایشتمی طبع هوای فوق
 و صفایه قویوب سلوک طریق علمی که شخص منقش و عین غمازه اختیار ایدوب حبلی
 مکتب احوال و برین اطوار اولمیدی آخو کار روحوم اکلنر شاکه دوزخه در
 ارتباط اولمقن غلط سمته ایشتمی لاندن بر زاویه بنا اید . مشتی صفایه
 ایشتم ایشتمکله او مقام سفا مهترده خدمت شبنم اید مقبده و قلاده خدمت
 آینه در و نده ایلک کردن دل جان مقبده ایدی اول نامه کابر و ایشتم و شوا
 دج و صیری و توفیق کاه و صیری بو مقول کیه را ایشتم زبور جوق توفیق و زور
 حال و مریوش اولور اگر چه اشارت صفا مینوبد لکن صفای با کماله مریوش
 سس شاهر اسیر ایدی چونم بنی اید . سر و ک کبی آزادده ایم ایشتم
 بن قنوسم ایلک جوق صبا ندن روا ایشتم طوتر سوز در و نده وجودم هر زمان

ای فاک

صنع لطیف فوج او زر قلمونیدن بدیدار و کوشن بجایه صنعتی و بیکله بشماره
 بومند سلطان بایزید خان و غلزن سلطان محمود معین و هزاره اکبر بجایه یک
 نایجه و طالع و قدره صنعتی دیوان کاتبی ایدی حتی صنعتی و زبور اول زمانه بعض
 آماندن خائب و خاسر اولدقه بویب و نظیر مشرق صغیردن طالع و ظاهر اولدقه
 صنعتی قولینی نیز او کار در دی بجایه یک - الانیدم که طالع انز معا و نیت
 و حرم بجایه یک و فائده کتدک بجایه یایی و بونا ریخ دیکدر بجایه یک و چون
 زمان کچرین صنعتی و فنی عقبه با توت اید عقیقه عالم عقبا به روان اولدقه اشعار یک
 چندان اشعار ری و خلق اچن اعتباری به قدر کین بجایه یک شرف صحتی اید بعضی آری
 و ابیات بیشت اطواری دارد در بو اشعار انکدره یا نیلی کوزده زلف سیرکار کوزری
 ای مردم کشتی سونک فاره کورندی . سکون ایت در بکا کو کلم هو ای غنای اید و یک
 بری اولاد و غم استر برسی خبر خواهد . بن جهانن آیکم سلکوب ایت قدر دم
 بوری ای غم چک لک سندی دالمان . جانکی بر لب جان کشتی دیر کندی یار
 اوی ویردی بند اول دفع روا جانک . دل غنیم هجری کچور متغیر لک کچور
 کچور اریکل عالمک . کچور عشق کچور کچور . نقد شکید در آو صنعتی خلی و مذر و کچور
صنعی مبدان مردم اچک اسلام قدیم و عتیقه او غلزن مشاء و مصدر اصحاب افاده و خشن
 اولان شهر ازینقدند و بدخی اول عصره گلزن و الی بر ملان حالن کچور بمیوب
 اختفا ده گلشن در بو حشر مثل آید انکدره . قدره کوره سرد و باز مشن سن
 انکدره فاسون ای نقاش . نازک دکلر کورای مایه فادخی مجلده کورتر سکا
صنعی اسکندر شپا و غلی مطلق بیک دیکله موقوف ایدی سلطان بیلم خان فاضل انند
 سنجاق کچی ایدی حنی حوای چلدران ده عا کر قزلباش به فعال . ایدله طالع صفیان
 اولوب انز قتل و شعله جنگ و جدال انفرام و اشتعال بولدقه عا کر هلاک و یا

که شمعان بوم التقی الحکان در رسول هائی اول طایفه بدنام اندازد و بیغام
 اچون اول ایدر کرد قطرات بیکان و قوس قزح کاندن اول طایفه طایفه
 به کاکل دستنه باران اولدقه حیون خون مجاری درون و بیرون و نرند
 نام کوه نامونه روان اولمشیدی بیت نزدیک کمان کرده جانبا سئوه
 فاش کن نیر بر هر کرده . قوت و سطوت جنود منصور منظور نظر شاه مغلوب و مقهور
 اولوب اکثر سران لشکر و مقتدیان مقتدیان عسکری مقتول و اسیر اولدقه بقیه التیف
 ایدناه به ظلم و جیفت قراری قراره تبدیل کاتهم هر مستغفرت من توره
 فوای مصدقه مالتی اولدقه میرز بورک شیخ بت و مردانه لکی و نطق مبدانه
 نهایت فرزانگی ظهور ایمکین ع سحر بار مظهر و منصوره باشند دست مبارک
 ایدله مظهر صوفی سنجاق عالی احسان نمیشیدی بو حشر انکدره
 کل رطل که لاله اگر او حسرت . بخونده انک نیریدی داغ محبت
 با که رغبت ماکه نفوت ویش ای بجای . سنده حسن بی نهایت بنده غنی کمال
صنعی نامی محمد و خضر وار لب در باره قرار . ایتکل لایه حسن و صفای
 در کنار ایدوب بر و بگردن کذار ایدین فرو و تجاره امداد و اسعادی
 ارشاده ایدین شهر ستوده اطواره کلیسولیدند و فضا و فاضل بعضی انابه
 کاتب و ناظر اولمفلد سبزه زار معاشی خرم و ناضر اولدورده حقا که اشعار
 بلاغت شاعرینک انوار معانیسی اند آفتاب نورانی روشن و سواد کمال
 جعد الفاظ و فنی خط حال لبران بری مثال کچی و تحسین عقود
 سطور نظم بلاغت فصاحت محسود عقود درخشا به و عصاره عباغ معبوط
 آب حیات و مسکر روان اولی الالباب در بیت کفصیده کتاب و حال
 کجیده خطاب اولدکه اگر بر حقی عالی جابه به بر مقدار انتابت ایدوب

قنق عاقل که غبار ره جانان امش
 صحرای زنجان بجز تو لکن اول بوسف
 و نمش بود که نایک بنایت بوفه در بحر
 که چه بوسف کوزلم حسنه سلطان اولد
 ای صوفی بیزه پیر معاذن نظر اولو
 و اعظ بن اگر تو زبسم نه کنایه
 ابرو درو که گورده بدید ای پیر
 غنچه نک شکر لب که کدغی اندی ناله
 بر جامه قدی بنده ساجه بنی خون
 ای خسرو خوبان سخی آرایه
 ختم ایلین ای خواجه منصف عشق
 سیر انکه سیرا هیچ کلر کج کوندر
 خوبان کلام ابرو بو کون اهل
 قسمت اید یک عقل دل و جان کور
 قسمت اید یک عقل دل و جان خوبان
 ذات موصوم بر در نه درخا عاقل
 اوزلف مشک چین باشند نگار کاینه دشمن
 حاشی
 خشتی بیل کو تو ر کند سیلیمان امش
 قیامت نور فوسن اگر نه خود او تندی
 یکیم یکیم بقسمه در دیله ایدر فریاد و آتش
 دملر اولدی بوجهان پشته زنجان اولد
 تنک عشتی شیخ سیزه ایسون اولون
 کافر قیوسنده بولین جام شرابی
 دنیا ی قیاج بو جاعد و غن غیب از لری
 فان بودر اولد در دله بیر دغی حقدی
 بکزر که دلا ایدی شرابی او کل خون
 فان در یو بن جقدی ایقن کل کل
 والکیلیه دکل او نمش انجی انجی خون
 روز نلر آچ آیلر کوندن نیک کوردون
 ای صنوع قنی بوسف نظم کبی موزون
 کو کلم سکا دوستی بنم ای دج مصور
 دل پاکیه دوستی سنگ ای مرد خا
 ایندک جمله خوبان خطا دن ارمش
 اوزلف مشک چین باشند نگار کاینه دشمن
 حاشی

اجتناب از شدت جلدن بونی دیندر . حافظ لشکرگانه اندیشه قوی بود . پاپی اوله در سجده . اقصای نام .
 . حافظ لشکرگانه متن هرگاه . خلق تطویل بود و در دیوار .

برای کمی فواید و ایدم . کوردم او تو را و سوخته فقر .
 این صحبت بیکدیگر بجا . عارفانه دیدار حافظ انکه یکی و بیتر

صنع باده حسن و ملاحتی بحال عالمی و مخ ایلد استوار و راجع و لک آت و هوا
حکم کلشن سباج نانج اولان شهر بروسه دندو نامی صنعاته درو بابنه مولدنی

حام دیرا، بر مشهور و نامدار کسبه ایدی معارف و خفته ایلد اتقاخ صافی

آواز خون و خطر خون جمال رابع حسن فاج، ایله درد لاموش و زخم مغشای غصه و غم

صان وصاله ای که در حقیقت از او جدا شد و در دنیا باقی ماند

کتابخانه ملی ایران

این عاقل چلی اولی ماند سپهر ایزدیوت کند و چه جمله دن مقدم یارند و چی

طبع خوشه ملایم و موافق، ایوبیج واقع عا و قطعه ایله ناطق. اول

بوردہ دہلوی جون عثم . المشرعہ ہر کتابت . نوید کور دار و سہر المکرمہ .

اول قدم اول كتابه حمد تمام . لیس نقض از سوی الهی . با قلم او و حمد و شکر

لیکن مضطرب و متزلزل رہا اور دوسرے جوانوں کے ساتھ ساتھ

بن سید محمد بن سید علی بن سید احمد بن سید ابوبکر بن سید عمر بن سید عثمان بن سید

و محبوب بی نظیر و مثال ای که حال خبر ده پایمان اولوب اول بیلیم نوسا زینج کمال

بیچر است که بیاید و بگذرد نفس خود را بکند و مال او کند. اگر چه استغریبی است.

وَنَتَدَوِّدُ لَكِنَّ طَبْعُهُنَّ حَوْبَ تَارِكِلْ سَرَزْدَه اُولَمَنْدَرَا دَرَنَدَه مِیَال

کوبیرین و حرم سلطان (سلطان) بنو اشدر که در کماله او کو حرم مدینه

و این درم - کسان بیمان نیز بدیده در کمال
 و بکنار فاده های مشهور و ضعیف و نامدار و کمال و رفیع و قصور

اوشه چهار ساله را با یکدیگر می‌بندیدند و در کوهی که گفته اند از طرف

و در تمام این احوال که مذکور شد و در هر یک از این احوالات که در بالا ذکر شد

دیدنی از بعضی اولوس در . پنج و از بدوین اولوس ، جسدی از ابدی نمود

در مصری ناز بجز در حرم سلطان سلیم نافع نثر آمده ایکن زمانه چقد دغنه دمسدر

لوی عدل نثر آمده و بیروب نور ، فرمان ایلدینی قسری آیدین **صنعی**

روی بلدان دمالک خال نیک اولان سرسلانک دن ارباب نیار دند زنیار نیک

اول مقدار سنه حال اولیوت خوانه نمیزد در انبار اولان حصول فی مرتبه

قبول و اسل و کسدر بوطع الکریم فیوکه خلقه زرا و خدای ماه لقا ، مد نو ایلدی

صنعی بر دسه دند سلطان محمد خان زمانه اولان قریا به شوا دند و تانی صنعت

ایدی کن نقش شازنده صورت لقا نایان اولوب رسم و کتیرا بیدر کج کلامه کات

ملاحت ظاهر و عیان الکریم ، سنبلکن هر سه با ده نشان اصرار

بلورم آخر بوسودالرده جان اصرار **صنعی** نامی صنع انه در خال نفوذ فایله

آغشته اولمش بر در دمند پای امیدی دامن قاعنه چکنش بر دوشن ستمند

نیمه زمان آسان جلالت اشیا مولویه تکمیل آداب طریقت و کفیل اصناف

موفت ایدوب طادخی صاحب عرفان و ایل دل الیه تهذیب نفس کسب معارف

اتکه مشغول در بوی ایلک اشعار بی بختیه کتیرا و نمکون اخبار ایتد

بیر آهم کر فلک بولا اول ایلر کدرا ، اول جفا کار کا دل سنگینه انمز انز

مردم چشم سنگ موی میانک کورسک ، بویکسک انک کی بر مردم صاحب نظر

آفا بزم نیمه تشکبه ایدوبین باهی کا ، کم اوجسی ای بوری کون غیر دین الکریم

نقد جان بولم خرج ایلر صنعی دیم ، اسسته عزم حاصلی بویوکه اولون جان کر

تمثال ضیاء بخش چو درون و باغش مرد و زن و قلب خودی اولان علی نام

جوانه وفات ایدکده نمک کی خیل با بوب باقلوب و اول یارک بار جوانه فامتن

باقلوب فوتد بونار بخی دیمشدر **صنعی** اوله علی نک روحه رحمت **خوف الفضا**

صنعی و حرم سلطان سلیم خالک اوایل مطمنه ظاهر اولان سوادند

بوابه کم دلابی رد و دزم دکلدر ، شخت دقد دلبی بوسنا نده بنمز

زیر انحال طوبی باغ جنانده بنمز ، دیم پنچون نئی سن یار و فادان ایدر

کلدی بیدیکه میوه سرور و اند بنمز ، جان دیردکم بویکده ای نازده کل نهایی

ایکده از کوره جان بوسنا نده بنمز **صنعی** لطیفی قوی اودزه فطون بنی نامی کدرا

علماک صلی ستمند و دیوب مد حنده خیام اطباء کسیده اطباء اولوب تصفیه

نابنده اسباب رنشد و نکس فرورک وجود ضعیف اول دکلونا بود و کثیف اولد

نام و نشاندن اثر ظاهر و عیان دکلدر بود کلو مدح و ثنائس ایتیکن بنه امارنده

سکات قولنه حقدن عطا دره اکا زویرل س ایتیک خطا در ، نه عیبله اولور و حاک

نه تقصیر ایل فقر و فلاکت ، کئی عیبله کرد و کت بویکده ، کد الرقیه سلطان اولد

صنعی بونک دخی نامی محمد در روم ایلین قه طوره نام قصبه دند و این علم

سلوک ایدوب حرم مفتی علی جللی دن ملازم اولوب کت تدریسه نایل اولد و کت

از بنفقه الیه اتجه ایلد مسقط تدریسه نایل اولد و کت بویکده ، کد الرقیه سلطان اولد

قلبی صفا پینه سی سنک غلله شکره دل و بر خال به سبب بر تعب و فصدن

منکر منفعیل فکسیدن نیمه زمان فلاکت و ذلت غلله سرگردان اولون باچار

اللی اتجه ایلد نقاعه اختیار ایدوب اوقات کسب کماله معروف و اعنه عمره جان

عباده معطوف ایتیدوب بر فواص خلق الان ضعیفا کند و عجز و ضعف

نسب ایدو کندن غیر ضعیف خلقه دخی و آید ، اگرچه کشتن نرج ایتد

کمن حقیقت شاد علم و موفتی جوج ایتد و خوشی ده قید تکلف و تصفدن آزاد

کو کلک آشناسی دلبر چک کوزارم روشناسی دلبر چک بر ایلکی اوج اولو جفا بنمز

حایه سی دورت اولد دلبر چک آه بر کون ضعیف چو سینه ، کلوب ایلر قنای دلبر چک

نمیزد انا طولیدن کا تقویدن ضعیف داند ضعیف و کد معقول ایلر سلطان سلیم خان

بویکده از کوره جان بوسنا نده بنمز

بویکده از کوره جان بوسنا نده بنمز

شیخ ایستاده و بگوید فردا قاضی مرا بمن خواب کرد این اولاد حرم
 عجب زاده دن ملازم او شد در بدن اشیت با بانی مدرسه مدینه اولاد حرم
 ساکن منت قضا او شدی و بقیع عازم عالم بقا اولدی ، باباسی کا بر و اعیان
 قضا زمانند و طبع کور پر کوشی عو . کوی شونج چنانی صفا ظاهر در بواستحار
 ایک منزق طبعندن طالع و باهر اولدر . ساغده حباب میبل بلر و ادر
 فر شوند . هم طور مدین اختیاره سوکریان ما . بکیم غرضک با دشمنم که جفا در
 عاز شک شوایند بکیم سیم اوزره بازه داغ . سینه دهنه خالک قور دی بکیم اوتوغ
 کا کلکله خیلیدن ادم کجای لاله خد . نافه میکنه دیرن سبب بوزور و کجه داغ
شیخ باباسی بعضی عاقل سلفی نه به قولیه اولمندی کند و سی دانستند اولوب
 بیشتر زار عله اسد قیام . و اعداد و بد طبع شید . و وجود هدی صفا
 اولان استادم قدوه اعیان کلام . علق اربابا لمانز و کلام الفاضل کمال عالم
 بوکتود افندیک بدر شه فضلده خاکم اولمده خدمت شریفندن ملازم اولمده
 طبعی شیخ ازما شاعر سلف ایل ازما شاعر کیم . با و نهوش کلک عقله اختلال
 و خواجه نهاده اعتدال کلک عالم است بندن شیخ . و قدم وجودی خاک مذکوره خرج
 قید دن عاری کد او ش فارخ و آزاده بوزه کسبه قول اولمده زانما اسیر باده بوز
طبع عیان جهان بیره . بیز و جوانک مقبوله اولان شهر بشت ن کلبه اولمده
 نام بلیانده ایکنی قدر روم ایلده صدر عاقدده اولمده بر عنوان اولان مرحوم کیم
 افندیک ملازم اولوب نیچ روز کیم منصب ایلده بیره داره اولمده شکر و السلام
 بخداوه دفر داره اولمده حالا دفعی اول منصب نابت واستوار در بوفنده طبعک
 خیل افندیک دلائق قبول بابت واستحار وار در بواستحار انکله زنده
 کوی ایله یه نوبه سیر ایه چون سجاده . نیجه مجنون دیسون قسبه کنی دنیا ده

مدعی عصبانی است
 و او سینه و بوی عاقله
 مدعی عصبانی است
 و او سینه و بوی عاقله

باد هوای

باد هوای آمله کسبه کیندر . فلقندی غندی خنبدی جال ویر در کوز
 فکر خطکله بستر خنشن خون دلیر . بیا عشق اولانه بنفشه شراب در
 خیل رونق و بر دی دیدم بار خطکله . نازک کلدی و بدی طبعی لازم رنجیده
طریق روم المینه . و دیندند و طریق اوزره طریق تحصیل علم و فضلده صد کیم
 فرج واصلده . آکین سلطان بیزید پر عداک آخو سلطنتن آخونه نقل انمشد
 صفا رخلو که کیزه صافور کیدرک . که طوتر مهر و می یکی کوزی یکی فلک
 شیخ مجلس کارنگ ایوب ای سیم . اوزرینو شیکله زر کوب التولی
طلوع کوبک وجودیک طلوعی اسکوب خرنده . فلقن دین نام قصیده دندز نامی
 ابراهیم بقی خنک . اسپابی ملوث و ناپاک . و امن آلوده و کریان چاک مدام
 کیفیت شراب ایل بی عقل و ادراک . ایدی جیاض عیان حبشه خوشید نواشت نام
 حابه شویان جهان . هر کون صابون صیقلیک کز یوسه لر . بکه ترکیب و کنی ازاله
 اینمک استیاله سی مانند نور خاله ایدی و قبه جهان نافه مسک از فرایطان
 اولوب هر کون کافور و شیر . و هر کیم عود و عنبر بی نظیر ایلد نیجه اولمده مانند سیر
 بوی بدی نقصان پذیر . اولمک کشتا مکانده جای کبر . دکلدی هزار زور و زار ایل
 مرحوم حسن جلیک . مونا سندن ملازم اولوب اوج جلکندن اوز غورا و غلنگ
 خدمتند مداوم . اولمده کیم می خنجه ایلد مازارق قاصبافنده حاکم ایکن
 آخرت ملکنه اولدی عازم . کردن جانه دغا سبب صر غایر لر
 قدیمه بازار ایدوب وارده انجان کوز در و جارسوی خنک بزا و کدق و تالبوز
 ای طلوعی که چه کیم صاف و لزدیایی . ایک عشق پاکدن عالمده صنفه خالیوز
فقاظه طریق کونیک نام قصیده دندز زمانده اولاشوا و طافانک عدم و جوی
 محض اولمده انک مرد طریق ایدی سلطان بیزید خان دوزنده ایلمشدر و داغ کیم
 باغ ارا سنده کوروب و کدار . فولکم دیدم ایا سرور وانی

مدعی عصبانی است
 و او سینه و بوی عاقله
 مدعی عصبانی است
 و او سینه و بوی عاقله

سیم صلح آید و بن بوار بجای **قودی سرکشکی** و باندی همان
طوری روم ابله عودت و لطافت هوای کون کنی ظاهر و حدایط
 و ریاض زینبای صفای بسایین ترهت آینهی نصارت سایه کاسر اولان
 قصبه ساستره دندرد لبند زاده لر دندرد موصوم کمال با نازاده دن ملازم
 اولوب فرق آنجه فانی لیکن ساستره عمری آخر او کس مر بورا کر چه شوخ طبع کنده
 صفای می و محبوبه طالب و مایل ای لیکن ذنات خستد دخی مرتبه زانده و اصل
 سور کو کلم شود لاری جفای اولوگان **قول** ایدم جفای سی فاسی اولوگان
 طوری حیره که تنها کلور سه اول ملک **سما** اوب غیبی طودا غنم رضا اولو
طوری ولایت شام طالع اولش برناه نایاب و شرق و مشرق و شارق و لامع
 اولش بر خیزد و بیری زاده و یکم مودف به پیری و اول ولایتی انوار خدایا
 سوزان بخش اول خطه نک خورشید ماه پیکری در باباسی شام شریفه می سبب می
 حال کنده و سی منصرف زحما و لایق نوازش در امید در که آفتاب عالمنا وجودی
 زواله ابرینین معارف و کمال کمال ابرو آیه کون طوغندن بانی و یکری در
 ملاخا شاعر و نراکت گفتاری مروی باری کبی طهر و بدیدار و در روشن و شکار
 و خسته لر و ک طوسه نوله تیر و کسینه **ایلترا** و یکک ایل قبوره بلیه سینه
 مسکنک ابر و کاکل پر چینه از کش **صفله** و غی سکل بواستن فیه چینه
 نه نوزده قدم بصد غنه خاکه طرش **برقش** کچر موزه زمانیکه زمینه
خوبه جان **حاش** کثرت ریاض حیات و رفعت جبال شواهی و ایل
 سابر بلدان جهان و فانی و کثرت فواکه شمار و دوزخ غبار فاشی و ایل
 و توصیف شبنم و لایق اولان کبر و خوسه و طبع و بارق اولنده زانی محمد
 و نفس عاشق و دینه که نه کنه کنه اسند قد سیده نظامک نر جویند و یکد که
 بر نفیر که نام بر خندد و لادنه مارچ و یکد و ذکر اولان که کنه کنه و یکد

و یکد **از** لدن اسکی و صفت موافق **سکوز** لکریست لاسی یعنی عاشق
 بابا سینه سید علی نظامی و یکد معروف سادان کثیر البرکات اعجابدن معارف
 و کمال و انجاء موصوف در اقدام اقدام ایل بوا دی کفیل ع فاند و بیان و خیزار
 علم و ایفانیه ماته جو بار سوسو جو بان اولوب پنجه امانی فام و موالی عظامک
 فلستان اسانده بیل خوش ایچ اولد قده کنه عمل الذین افند نیک دریای لطف
 انجانی منداطم و افواج اوج کجا کر کم عالمی مترکم اولوب خدمت نریندن
 ملازم اولمشد رعد داننده طبعی بایل ذوق و صفا املین ساک منصب قضا
 اولد قضاة اچنج علم معرفت ایلک شهروز ولایت ذات فضایل موفور نیک
 هر جبهتی سوز ایدی تذکره کنه ایدم سوز اصفاف بودر که کچن شوا و اسلامک
 احوال اوصافن حکم تنج ایدم لکن کوثر دان سنخ قطعی لطافت و رحمت
 بوقدره سوزی هزار بار اناش سندن اعلاء ایدی و کج طایر و پنداه ایکن عجب که سینه
 انشاید مشهور و نامی دفتر نشاند مسطور در کتاب غنوری دارا خرب جهانده
 مسبوک اینه کدن کمره سدن سلیم خان بانی حضرت یکد نام بر خوانده ایل مسکو
 ایدوب ایدوا خان کعبه معالی مطافری قلده قبول طبع مکارم موفوری اولد
 کشف جود و ظل حایتلر نه انتظار الطاف و رافت نیک موقوف و منظور لری اولمشد
 بنو مدت قضا اسکوبایل و نه اخوان و کرب ایدو منتضای طبع و نغای بانی
 اوزره جمال نظام حال و چهره حصول امانی و آمالی یوز کوسر مشدی لکن کندن
 دولت بنا رو کردان اولوب سعادت حیات یوز دوزد و نر مشدی دست اجلدن
 خلاصه جمال حال اولوب اول عالمک سه ست و سبیل و شمع مایه ده جوار سناکه
 انشای ارنجان ایدی همانا تا نر مجلس اصبه احوالده نایاب و مانند خورشید
 رخشان مطلع حالده طالع و نایاب اولوب اولنج عشتدن خالجه اولوب

از این کتاب

محنت عشق و کداز اید خسته و بیمار اولین هر بار حال ایدی استغاری مانند مع
عاشق و دین فاسق ضیق و حریق کما بنول بل و فانه لایق و حریق در بوشمار
لباس تنگ کوزا و کله عذار چشم بلبدر
هزاران چشم بلبدرن تجلی بندی بکدر
زاله در دیش در دندانک ای غنچه و این
غنچه به جنته اولدر انک اغنچه و دوشن
عاز اید برین ذره کشته دن اول افت
مهرم افزون اولدر غنچه بندن ابرجیا
قدم با صوب کله چون قبر نیمه نافه ایلا
مزاری او سینه او تروده تبا بر کجا
دماغ جان مشک آب بر ایلر یوی سراسر
کشد کوبکی فایله زلفک بکزد
جگر ذره آتش غنچه بکشد بکشد نازه دماغ وار
ار او جانگی کبی ایم سو بنم برچ اغم وار
زرا ستریک جان منست یوزم اوزره
لعل در درم جان آب اکی کوزم اوزره
احسن قناع و احسن قناع برج و بدنگ ارتعاعی ملاصق ثریا و معانی قزاق
کلبه خاک زوم ایل اولان شهر طیبو لیدن
محتاج وجود یلی سفینه تحفید سواد
اولوب لایه متلاح عفافه عیان بکر افضل ایقاندن کنان
ایکده نقد ابد کده قرات
مختفراخه انام و تحفیل علوم آتیه اقدام و اهتمام ایدوب طریق عکده دانشمند
اولوب نچه نامداد افضل و زکارک جفته شمع اولوب علی رضا بندن اقتباس
اناره معارف بشمار و نینه افضل عالمیفاک مجلس شد اید و متعب طریق علم
ایده مبوب نعل و ذوق و صفایه متعل ایتمک زجایه کت علدن تحول ایتیشیدی
اگر چه بخت بدت با ماکل ایتینی المیزد که بختی از باج بالا نشینای سنن فحواسی اوزره
اول طریقه دخی براد و خوانده و اهل الیوب سرهام مانوی پیکان حصول الیه متصل
اولمندی کنن حاکم غایت حضرت خلیل ایل متورق ارض رومده و قزدارق
متورق در سده اصدی و سبب و غنچه و ده والد فرد و مقام و صلی ولایت شام
اولوب قناع قبرس اولان مصطفی شامه انین ده ایدر الا واه شهر زبور اولوق

کما دخی خدمت عالیکنده سعادت دار و دولت کرداره بر دوام و برقرار اید
مها که قطب سپهر و دار کبی تحفیل معارف بشمار ده دایم و راسخ و فخر عالیقه طبع پاک
مانند قنیه افلاک عجا و مشاج در استغاری دخی بجه و شمار برود حیرت قلام مشکب
بوند کوه به بحر رطوبت بحر ازل تبه و کج و زده و دیندر که منظم نوله افزون کن
مهر و مهر و درخت رسولین بویات اندر ۹۰ یکی برود که کم دیر ازل
ایده صفتی جینکه جل بری رای نبوت اولدی انک بری رای رسالت اولدی
و مطلع الانوار بقا بدین تحفه العشق نام کتاب دخی و از در صفت قصده بویات
یا کبی عیدنی قلش خم متقل نیرکی آردم کور دیکم لعل برین الموشن کویا دانه
شویله جود و پشیمان اولد صند سن کم اراده فای اولد و مهر و فای نام کتاب
که بدی بیک مبتدر بویات مهری نه کورن عاشق دلندن اول کتاب زده در
نه عالم مهر سین ای نور مطلع که ذیلک الموشن فرانه ملحق بری دیر دم و بران کلین
مکان بر دم که نهان کلین و روضه اللطایف نام اوج بیک بیت برکت بزدخی و از
تصفیه مستفقد رتبه شاهده به متعلق بویات اندر
اچ کوز و کج ایلر هدا و زن چوک ربان و بوشکله بوزک دیده بزرگله ان اولان
قل کوز بیکد کوز و کج النجا غننی بیک کشیه فض عین قلبه با جان و دین بین
بوغردن ماعدات به متعلق اولان نوله افزون بوند در که ذکر اولوز انیس الکلی
صدقه صدقه هابون نام مقابل سفع در خنجر عذر راحه النفوس یا به مستفقد
مترجمه ز ناکار ب قوتی ده که شزاده ل جنگید و ک سلطان سلیم جلوسه دکی بکدر
بیک بیت مقداری صفت جنگین نه نامه بونده و بیکدر بهفت مجلس سوار فتح در
مترجمه تحفه القلی امام محمد غزالی انک ایها الولد نام سالی ترجمه سید و بعضی شنه
دخی مستفقد منق و الاث و بین فصل از زینه صور مکاتبر و زینه التوارخ از قی

الموشن

جو در

زالد فردوس ملک ملک مجلس فضل و غنا فائده و غرض متاع ایند کده کور ملک افتخ اولدی
 فی الواقع اعجاب خیر عاقلندند بویا ت دوزک کما تندر **عقل**
 پیش لیش ملک سخن لعل سفته را بنود لطافتی سخنان سفته را
 خواب که کیر از لب تو جام جام اهل دل دیگر سار پیش لب آن خون گرفته را
 مفکن چو سار در قدم ان موی شگویی در زیر پای دم ما رخت را
 عارف که گفت غنای تازه دهن ترا لطف دیگر بود سخن تازه گفته را

محیط جلای شهر اجموع جمیل العطاء جلیل انیم به موج حللی و غوغا
 به چشمه علم و ذیل جسم بوغل ترک دخی اندر بر مقدار یکی قاشک
 که چو نیدن ای قاشک شری صوفی رخ باره بکرای لعل یکدیر باشک
 ای افندم بلال کدر کم کوزک دستنده و از یکدیر سینه جوق بنوا کلام ای کوز
 مردم اکنج مقبل باشک مقن الم اغو که حاجی که دکل زاید اشک
 نور خورشید چو ابروی زاده دیده کی کوز به قاشک کوز لذن طمانی مجنون
 عارف کلدی ابتدا شک **عقل** نامی خیر در ردی دجوی جهان به ربه و بین
 خال بر لب و زین اولوب صباب حاجانه محل وصول سوال نامول اولای شهر
 استبولدن بنده زادگان درگاه متا نکلدن در حلقه اتام ایند کد صکن
 خط و اندیک کوشن و نودان به نام در زین ایدوب خط و ده قلم مثال شایه
 باین و نوده مدوح و قبول مثال ازان بهرد دانش غلام طلیدن لامع
 اولند خورشید معارف طاق دل رواق حارینه طالع اولوب اسباب کمالک
 جامع نال و طارخ و میدان شروانش تک مرد عارف اولمیدنی قابو نکلدن
 ایکن مرحوم ابراهیم شایه مصدر نکلدن لامیه بر قصیده ویر کده انا طوبیه
 احکام نکره کی لکن ویر سیدی بنده دفتر دارنی بله نزاع و جدال اوزره اوج

در این کلام
 و این کلام

غل و لندقه جلا سباب و املاکن محسوب اول مانده معصوده شیخ ابراهیم
 خیالی شهرای و شراره اشرف جد و سوزنک طاف و اکثاف حکم انت رن و ارد
 وار و طافین فیه و زبات و اول طیفه سلوک غایت ایدوب و اخافت انیم
 اول مانده تقوای اسرار دیوب بر ترجیع دارد که بنی بود

کوزک آج عالم کبری سکن مظهر اشرفی ساسکن و بر ترجیع دیندر که شد
 عین عارفه وجود اشیا کوز نور جلا کشف فی الما به به استنبول کلوب
 تنها و آزاده بی زاد و زاده اکنز باغبان زانک حسیم جهان بینی اولان
 مرحوم بنی زاده ایلانیر و جلیس ایدی بعث دارای جهان خیران فرای زمین
 و زمان مرحوم سلطان سلیمان علی از حرم و لغزوان ذره پرور لک و عطف
 کستر لک ایدوب مزبوری دینیم اون شرافت ایدوب سلیح و ایدوب یکسینک
 دخی نهال میدان بارور انیمیدی جیح مرحوم مرقوم کلستان جناب شریفینه
 کل دیف و روح مردوب اول نهال کلن کمال اولان سلطان ابراهیم کلستان
 طبع لطیفی اولوبین بشرفی ترقی احسان اینک غنچه خاوان کل کی خندان اینک کلن
 بیت الحان و شایه کلن کاتبی اولوب نیمی سنکلدن خوان دین غنچه جبار کندی برک
 و باره و در ملکدن اسبب تند باده او غوش بهار با دام کبی بر روزگار
 ایکن بر مقدار کتب و درم و دیار انیمیدی سنه جنین و نوح باده اوزر حلت
 ایدوب اگر چه مغلوب کیفیت ایدی لکن لطیف شرب و خوش صحبت ایدی مرحوم شیخ
 ابراهیم و فائده بو تارخی خوددن کرد حلت کلستان فای کلن اعنی شیخ ابراهیم
 ز قدیم بر شین لاهوت شد بخلوت سرائی نسیم گفت ماتف برای او شیخ
 مات قطب الزمان ابراهیم و کمال با ناله و صوم شیخ ابراهیم مفتی الانام ایکن
 امام دین ملک اعنی مفتی که بود در اکابر اهل ازم شود کلن اختصار ابراهیم

بود

اولاد و ملازمت و انعام **ساز** ایلمی جمله معارف و کمالات ایلد قلی و فخرین
 اولاد شتر طایفه نامی محمد معروف اخلاق حمیده و اوصاف پسندیده بله موصوف
 و فضایل و محارم ایلد ایسیر مالون در رحم شاه افندی بن ملازم اولد قد حیکم
 طبعیه در سه عازم اولد در صدق وجود و بر احترامی اربعین پایه از بعضی انعام
 ایلیوبه بر دوت خرمین مایه خیمه بهولت ایلد کرب بهار مراد و عواربتغای فزاده
 و اصل فایله اولوب وجود کاملی میدان جهانده اسناد و افرانه غالب و مناسبت
 اتالیقی ایلد مدرسه ابراهیم پاده مدرسه علوم و فنونه اختصا اوزره اولوب
 جنت مدرسه طایفه خاصکی جناب معاققتا صلیت خاص قید اولد قد حیکم ایلمش
 آنچه ایلد مراد بر کرده مدرسه اولد قد مولوت ایلد قلی ازین مدرسه طایفه اولد
 خطیده جایگزین در حفا که مشکلا علومک علی الخصوص علم تصوفک مشکلا و کاشفی
 و میدان معارف و کمالاتک مرد عارفی ظاهر اگرچه در زیر شتری تدبیر ذات بی نظیری
 و المذرات اگرچه آینه تفسیر اولان نشان پاشا خدیو نیک خواجده سی آید لکن
 عالم معینه در ویشی و فاکتیک دیباچه سی کد تدبیر امور دولت و اصلاح کار ملک و ملت
 وزیر و زورکی معین و ظهیری و جمیع امور دره سیر مسوولک تدبیر و مشیری اولوب
 هر کون نظام عالم و صلاح و سداد بی آدم ایلد مقید لکن به بار علی بر دوش
 و بیسته غفلت در کوش اولوب به هر کجی فخر و علما و اهل عرفان و صلی ایلد موافقت
 و معاجنه هر چه کتاب رشیا و دوام و ثبات اوزره آید اگرچه ظاهر زامی هر چه در
 لکن کوکب و ثقب زیادات جمیع ایلد قلی و موصوف و چمن از وجود نامدار تحقیقا عید و شمار
 ایلد محض و مودت فضا بلند فضل و خوب شاری و فن و سخا که حبیبی نام و اعتباری و ازار
 بوزر یکی سازه ایلد کار فخری و بزرگ انارید که خسر بر او نیت
 آینه خدنگ غمزه که هر چه یوزاره . . . جسکدره با یحیی بو قندی یاره

بجای از حبیبی مکر کنار دن . کرداب بحر عشق صورک نشان .
 کوسه ریش بد اولد که یاوز نظر دکه . رات روکی کوزم خود ناره
 بلا برنده به پروا جگر خونین کچر عاشق . فراغت عشرت اباد نه نیر جام غفوری
 خراش و دکلوب صابله بهر مکرده ای مهر . یایوب یا فکده شو فکده هر دم شمع کافوری
عبد اول کثرت عایز و قیامت سلاطین لک رقابت ایلد فلک قیامت و اطلال
 هوا و عذوبت آب ایلد مقبول و مدوح شیخ و ثبات اولان محرومه برود دوز
 اسلحی عیدی و یکلک سرور در قید تخلصین ازاده و شربلا غت شاری نقش
 تخلصین ساکه اولان شواد ندره و رحم قادری افندی بن ملازم اولوب برود
 کرمی آنچه ایلد هر یک مودتی اولمبیدی قادری افندی نیک و بزره زیاده بهر عشق
 و منظور عین کمال عنایت و راضی اولمبیین و رحم شیخ الکلام منتهی الانام ایلد خود
 افندی بن استنبول حبیبی لکن شایسته ایلد و به خدمت نیابتی ایوب برود اول خدنه
 شخص محذومیت و عین سعادت زبایب اولوب اول مقول عالم و فاضلک نایبی
 اولی دولت و اصل اولمبیدی عین فقر و فاقه ایلد به صبر و طاقه اولمبیین
 جناب قضایه رضا و برسدی تمیز ایلد ایلمی اولوب برود ده اوقاف
 سلاطین می سببه یل کور و بختش ایلد کور و قمری و در یلوب و در نامه ایلان
 بیاض و قیچ و محاسبه موداتنی نام تفتیح اندین جناب کریم و نایب حساب ایلان
 شتاب اندی و کان ذلک سه نکت و اربعین منوع ایلد بهر صوم حبیبی بلند شان
 سخا و کرم ایلد شهره زبان ماملکی سبذل و اوضاع و اطواری مقبول مدبران حیات
 آیین ایلد جلیس و قرین ایلدی هر قنده بر سر دکلخاره کورس البند اکا هو اواز
 اولوب فاخته مثال هر کجی بر سر دکلخاره جالک قوبنده کریمه اولمکر و زکر کی
 هر کون بر سیمیری در کنار ایلد و صلیب سی کی در انوش انیمه جان کلز ایلدی خکار

تانار اجل و سکر فای ملک حیاتی نراج و بنما. ایدوب مرحوم خرقومک سبب و جان. نام
 و بیکل سهر کنه نیک بر دلبشیرین جو کانه. اولشده تفصیل حال بونوال اوزره
 اولشده که آسمان معارفک بدر لاسی و خورشید طلوع مشایخ علیه نقشبندیه دین
 لاسی زبور ایدوب لیدی البشیر و محاوره و لطیفه سی بارشوز ایدی اول اجل و خاوی
 اکنون تانار فی المنه بر غزال یکسر که مطلع بود. ۹
 فشی کان قره سی نیر و غمزه سی خنجر. تانار می کبی دار می جهانده بر دلبشیر
 جوان زبور غزال که کور دن دیکر و بخوز اولدق تنه خوی و نام و انوع ایدوب لاسی
 بجهو ایدوب بنه زبور ایدوب لاسی که لاسی مرحوم جوان خرقومک بونوال نظر قار در کل
 ایدوب کنه عالم اولدقه عبده جلی کس ایدوب کنه عازم اولوب عبده شی زبوری لاسی
 دخی بجهو ایدوب بر دخی شوق و عشق دلبشیر که بیت کلوب حبت جا بهت اوزره
 نزدیک تنه نفاق و دلیر عشقه مشیر. اینس بوسه با طین جلیس خیر دوز
 عقور نفس و شغل خشت و حنک بیکر. دراز دست و قصیر سنین و کینه بر
 انگ مذاقته ارب هزار لغت اوله. عجب نه و بیکر اول کلعه داری بجهو ایدوب
 جو دانه اولدی مظهر فروغ موفته. که نامی بول اولد که جهانده لمعه و فر
 ضروری ایدوبی تعلیم اولد اندیشه. که آوایکون صیف غوباب زخم کبر و صبر
 بن اول سوزی دیدم کم کون ایدوب. بن اول لای دزدیم که دیر کورن جو هر
 بجهو دن فخر اولدی نقشبندی به جمع اولوب کما قهریه بونوال اولوب اول سفی صام
 ایدوب زبوری مقبول ایدوب لکن بعض نقاشدن استماع ایدوب که عبده جلی کس
 اقرار بندن حصار بر تو اجره امام جلال و عابد و شفی زاهد و ایدوب اول خدی مقابل
 اکنون مشغول اولدقه دعای مقبول اولوب مقصد مالا لاسی وفات ایدوب چون
 اکنون عبده شی فی قطع عالم حیات نموده و افعال لاسی سه اربعین ده وفات نموده

اگر چه انشای لیدی کنه فایک فون و همانده اول لیدی کنه نیک و بیکل سبب و جان
 بیدرم اورش صنوبر شکله. دود آهله بونیش فاسم
 قدیمی زین ایدوبی دود سیاه. اولدیکید اولوب بر شهر غم
 دخی عشقی کور شفا بیرنه. الی کور در دخی دوا بیرنه
 بکاسودای زلفک آخر کار. فره جول کیدر رعب بیرنه
 مفت کج صوره جهانیه کشته. نقد عمرین و برر کر ابرینه
 باقمه بن یوز و کجوب کتمه. سوک کیم باری و حبس بیرنه
 کونه بیک کز اولورم زفت دلداریه بن. ای فلک اولمکل فو رقه و زین بیک
 نه اتم وار سنک میا کنده. نه دلم واریا خود دیکنده. عاشق اولدیکید با دشمن
 خنجر ایدوبی بایکیده. دور سنکده جمله ایل کر بیان. کم کورن کولم زانکده
 برق بیره جان بر دیا کفر. دن اسکنده نه زیانکده. عبادت بر غم دندر قرین
 حیرت بن اولدی دیکل و قدره والد فردوسی مکان. بر دوسه خدام شرح کار
 اکنون زبور دخی مدرسه عیسی بیکده خدمت تدبیر نایت و سیر ایدی اول
 توفیق بر مقدار محبت و الفت اولوب ترک بیگانه و کلفت اولمیدی مانند نوشته
 صلاح حال ایدوب سرشته. اولوب انش حذیه و عشق کانون در دنده مشغول. اوجین
 چشم جان سرته مداد تصانیف مستوفیه ایدوب مکمل ایدی اما دیده ذوقه داود و کلام
 و مداد کل فام ایدوب نوبستی حاصل اولم و فو امع عباراته جمع اصطلاحات هرند کلو
 اناره اولونه انوار تجلی بر تو صلی الله علیه و آله قرآنی عن جریطه القوافل و ما القبل
 بناء علیه حاجی التلی فیه خدمت مداریه علوم ظاهره و باطن بعض شیخ زمان
 خدمتده سالک طریق توحید و عرفانده حال اولطایفه ایدوب اختلاط و ارتباط اوزره
 اولوب التوحید اسقاط الافشا. خواصی اوزره تکلف و تصفای رسوم ظاهره بی

لغاق و القال لاف

مصرع کون کج نه حال الاضافه اعدام و انتفاظ شد و قی الامت هر جنبی محمود الیین
 معارف و فضایل بکسور و بویستی السنه خلقه و مذکور در **سلسله**
 می و محبوب الیست فذقه بهشکده بها . خبر الدق او طقدن بزه آدم کلای
عبد الوهاب القباوی بلدان ابران اچره سهره دوران اولوب امانی کالات
 و عفا نه بجهین و هم دان اولان قضا نه ان دندر طهارت خاص پرو سواس
 ضلالت و استنای زمانه دین و ایمان قبرا اهل تبره روز و شب بعب و سب
 ایتمکله اهل سینه و جعته افراق و دوشوب سینه پر کینه سنه داغ جوان و اتش
 محن و اخوان ابله احراق اولوزه اولوق و حرم و فنی عارم دیار روم اولوب
 ببع نام شرف الحام و مصر فاره ده توطن و مقام انجیدی و الدوا جده فایر سلا
 جده الاسلام و در و بال سنه حضرت سید الانام ابله بر اخرام اولوق قاهره ظاهر
 مولانا زبور ابله که قران السعدین و اخ اولمسیدی زبور کمدج و شاهی ابله عذبت
 و طبقات ان اولور کیده و اطوار معارف و اخلاق دن ناز جواهر کلام اعتبار
 فکری کیده فن معاده تمام ناجی و استخارج و استبط قدرت مالاکامی دار در
 معنات بر حسینی شرح ابوب هر قاسم نه سالی استخراج ابله در معنات نریفه
 لیدن نریفه و لطیف شرح ناکیف و خفیفه اولمدر و معنات اسماء حسنی و شید
 اگر چه معنات شیرین و دلکین و کلدر لکن غایبه متین و حسنه و مناقب حضرت
 سلا فدا و کاز و نوای حور و حرا و استقیم اولو کتا بلری اردو سنه ارج نه بوی
 و نوبه ده شام شرف ای نده بو عالم اشباح حدیث ملک ارواح و خوام انجیدی
 بو فارسی سار زبور ک کفایر نند زبانی آب حیوان لبت بر سر جاده فقت
 عاده نیست مگر بجزه آن دهنست بوی حرا و استقیم نند در
 چشمیم ده که چو صادق صد بر دیکر دهنه یکی بینید **سلسله** **خیز**

ام الولاد زاده دیکله معلوم بنده و زاده دره بابای ستم و جدی سلا حاکم
 که بعدی جامع انواع مناقب و حماد در اوایل عالمه سیرور جن داود شایسته
 اولوب اولان شاکه قاضی عسکر اولان زیر کزاده مرتبه قضا منصب جهان و مطلع
 نظر ادانه وار ذال اولمدر تحت خراج عالمه اعتدال کلوب از زبور ک کفایر نند زبانی
 قوا ایل ماندن صاحب فضل و عفا بعض کینه ر قاضی حاکم اولون ادرین دولت لایق
 نهایت کار هر بر سبی قدر دارلق منصبی ایلکی کار اولسون و بوجله کار کلایک
 کزوبه بعد زمان محاصم و مطلوب نفس حویس و فامی اولان منصبه شاکر و ساهم
 اولون خوقدن بو تریون و نوبقه ایل لبت زاده به مدرسه اسکودین قاضی
 و یکان زاده به ازین مدرسه نین امانیه قضای و حرم مرفوعه عین
 قضای توجیه ایتد زبیت زاده و معلوم دیو قبول یتوب حق تعلق ایتد و نند
 نازی او تور کن قور دی حکایت اولور که بر جمعه کوه جامعه صلوات سنونه
 او تور کن قلوب مؤذن اقامت ایلکن تعلق خاطر دن کیدوب نازی نیم ایله کام
 ایتد که ارکان دولت اسلام ایشیدوب جبر الاماسیه به کوندر یک قیام انجیدی
 اول قی خواه و نا خواه قبول یتوب نیچ ایتام و حصول خدمت قضای شمول اولمیدی
 مرحوم معیناده و تبره و انوریه ده نیمه زمان قاضی او کوا اول بادل مالیه
 عدل رشاددن راضی اولمدر و معنی زیر کزاده نکه سر مرفوعه جاه و دوج
 خاک نواف قد که موضوع و سابل مانه و آمانی و اس قنوط و بابل ایله منطوق او کوا
 خدمت صد ارتون مرفوع اولمدر نه حایه مالی او زره ندریه لک اولوب ببع
 جله قاضی اولمیدی حلیدن و فنی موزال ولوب اذن اما سیه مقیسی اولمدر و کلک
 بوی نمیش ایله متاعه اولمیشکین حنیض قنادن اوج بقایه متاعه اولور و کلک
 نه سنه انین تمسین سولانه و حرم نجاتیک قیزن اولوب دامادی اولمدر

بوختن و خجاستای او مشید بود و فارسی کلماتش در مصیبت قیاسی بمن
 یزد و علی مصداق صورت بدید. هفت حجت مابینها است بالوختن است
 صا عبدلخیز کاتنا قاضیا فی دیار عینا. فاکری افندی بر کوندر دو
 درج مضاحقه جولان شاهوار و جوامهر بر اعتباری درج است
 کی بود یارب که کوی یار را نیز اکیم. جان و در اکعبت مقصود حاصل
 میکنم مردم دعا به داریم امید قبول. زانکه با اخلاص خواهی از صمیم دل کنم
 قبله حاجات من بود از ازل رکاه. که بود از قبای خود روی لایل کنم
 عیندی ای قضاة فلک خدای غوم و اخوانی قلوب کماندن از اجه
 قلوب هوای جانتی روی روح در احوه اولان مبدی بر عینه شهر ادره قدر
 نام بر عنوانی عبد الرحمن در غنی خلیفه در عابد و صالح. و او اخلاص می بر تو ترک
 او غمید و بادی طلب علم و کمال سالک اولمده اقیام خاوند و مراک. و جلیل
 فنون معارف اشغال اجمام صا ریح و معارف ابرو فیض لای نام و علم اعظم
 قد نایزه مدادم. اید و شافی زاده افندی ن ملازم. اولد و در کون دولت
 قضا باینده در دیو منصب قضا به رضا ویری احقا که شرا به با غت عنوان میاتین
 متوفی اترام معاین و کسوت تحریر و ازنی طراز بر خیزان. امتیاز ایل خلی و ازین
 میدان بیانه کیران لسان و نوسن زبان منزل به کلام او احلیه ده جانتر
 قصبات سبق اولان نامدار درون. و مصنف با غت و بیانده به شمس
 عالم کبر کلام بر عنوانی ایه شجر ملک عوفانه. بدن بر دارون اکثر استادی
 آه عاشق در دینال کبی موزنک و الفاظ در بر باری آسار و این معانی غلغله
 لطیف و پاک در سخن معاده و فی نام نامی و شهرت بالاکلامی و از در اهری
 مستوری و بصحبت و بر خجاستی الابر و اوج جنود مجتهد. از این عالم قنتری

او غنیز فن فایده کعبه و کجیل. اید و بتمای معارفه عمل تزیین. اولمده
 والد خود و در مکان ادره ده خاگم هر خ شرف ن. اولمده در حوم خود
 مصاحبت و اختلاط. اید و بتمای ایا م جوامهر کلامی النقاط. ادره اید و
 در حوم غایده حکیم و حکیم. این بجانب موزن و بوب. و ابان بیت ظاهر و اطنی
 اعیان و اعیان اخلاق حیده. و اطلو بر سپندیده. ایل و تم و موباید مجلس
 بایانیدن بری بر کلام لطیفه آینه و نویسه مانده حیا نرم و حیا و ن عرفی ریزه
 او کورده بر کسند خلقتن رنجیده. و مرغ خدا و آرمیان دست و زبان
 رسیده. و یکیدی و درنده فن ادره ده و فی و فاره و جی و عید و غی و نظر و زکی
 اید و مفسیف اید و کی و جلی و جویخ سنده. و منور آفاق و آهنگ خوش
 حجاز و عاف. اولمده ای علی کفوض در و شوق نمانه عالمه عیان و نهان
 نام دلبریم اینه انکاش قفیده رموای جهان. اولوب رابضت جنتی ایل و اسکی
 بیک عالمی سیران اینه که. و زورک نامه ادره کفر نچ و بوب قبه جویخ کرد و اف
 بر ناله و نغان اید و دانشمند کن بو غلغله بایندی در حوم سلطان سلیمان و کبر
 علوه خاقان اید بهر مند اولوب خاقد دعا کوی جناب رشید و سعید
 و داخل سلک خدام و عبیدی او مشیدی. **خجیل عیندی**
 بوطاق لاجوردی زربفت او باغک الو. هر لیه مد او کجه ایل و لاغک الو
 اعدای بد نهاده شزم سفر قلیچ. تیغ ظفر با کجه بالک بر اغک الو
 جویخ بر نه شمس اولوب لویای عدک. سر منزل سعادت دایم توانمک
 سلطان بحر و بر سر دولت سیر می ادره. مردم ششم منت چایک اولاغک
 لطف ایت عبید نک کل او بر حادی سخن. بو کتیه جهانده با نر و اغک الو
 آفر زغره ده بوز لای اچ قیاسی بمن. باینها انفس الطیبه ارجی و زمانه

مان

جمع جانها از غایت این که بتیک کویان فادخلی فی عبادی خطاب است
 مبادرت چون طواف کعبه بجایه ذوق و صفایه بویان و او کعبه نه ثانی
 و منع مایه ده غنایه جانیه کلبستان چنانچه اشیان ابدی بویانکی شعاع
 تیاج طبع در باره و جواهر کبر زخارید که ثبت اولندی ۹
 طالع طشر ریدی ابد و کم فریاد و طالع طاش برده و فخر بنم فریاد و
 صلند کسیره ایلرله بنده و عده تنگین بکافکنند کس قنن ای روح روان
 مادن دیمه که وجه حسن آسند نه نزد او کشدن کوزلم روشندر
 نه اجله قضا کشته کل هرگز نه حاله ق داد او زره بویه هرگز
 فقیر اولدقه ستفا صبر لر بلز یارب نه وار برزم احوال مرسی بن بد لوله
 صنفه بنی ایلرله جهان کنه کدر ایتدم کوزدم سنی ای غافل او برسن خبر ایتدم
 تنگله با بال دلا در ای بران کمر سن اله احسان ایدرسن کج و صلک از کمر سن
 عد و برز جفر مقله وار رسن باینه ارم نیجه فریاد ایدر بوعاق الاغ کمر سن
 ایک جابینی برز آمدیم اگر سن ایاکم غم بجز که فایز بیده و غم دوران کمر سن
 و نمند کفرم غم انک تو یکج بر بویه بهی ظالم ایتد که هیچ حق کافیه کمر سن
 نیجه صفت بوزن کور سن عید بی در دندیم طیسیم بل کج اول سنه بجزان کمر سن
 بنی زنجیر غنقه صنفه کم بخلندم کسدم سنگ دیوانک اولدم ای بری و صلندم
 بومغار دخی انکدر **بسم** بجزه ای غوا صا کرد که احسان بکوز
 دیده عاشق کبی سنده هدف در دکره **بسم**
 کرا و کینور سه سیر ایدو اوقد بند ک شوین **بسم** درختی قوبر ک الزم ک بر بویه
 بنده به ایزک نوزندن صون بری ایلر ای شه مالدن ملین بری
بسم حارس دیوان عدا فارس میدان شیخا و بسم عده دیوان شرف و کمال

شمس پیش طاق دیوان اقبال جامع شرایط و ضوابط وزارت با سربا حال
 و مبین مقال احقرها و اهلها سلطان محمد خان کبی سلطان علی الت عنوانه و وزیر
 و مشیر الخم اولان محمود پادشاه روز خیر بنه خصال و آصف افلاطون سال
 ایری که خراج ملک و کتبه حضرت و سوره لقمانه غالب و فن حکمه خوشن بیلند
 خوشه چین اولمسه جالبینوس و اسطوطالب ایدی علم لغات و بیاخته دخی
 نظیر عمید و صاحب و احکام وزارت و احوال خوانین امارت و این حکمان حساب
 زای صایب ایدی بنه کم خواجه جهان مدح و ثنا سنده بویکونه که هر افشان اولوب
 سوسن ده زبان کبی بویوزدن رطب اللسان اولمشدر **بسم**
 اگر نه جوهر ذات تو بودی علت صوم بهم هرگز ندای ست کبریا بویک
 ز لوح خاطرت یک حرف عقل کل اگر خواند کند طوای معلوما افلاطون بویک
 حفاکه وزیر رفوم فن نشا ده مقبول منم و انا رطب پر اقتداری پسندیده جلد هم فور
 عالم جواهر زو اهر مشورانی که کلمات الالو لوال المکنون در قلاید عیان اصحاب
 وفان و عصا را جبار ابر استعاره لذت لثا ربین در مسکر و کج جهان در
 خواجه جهان ایلرله اسلا و کجانی اولمشدر اگر چه خواجه جهان انشاسی صیبن
 و مبین در لکن به وزیر فرخ بر ک کلامی دخی جاشنی دارو بکین در حوکل شمار
 در بارندن انشاسی هزار باره راجع و غالب ایدو کج اصحاب رقی و مغارب
 باینده انوار خورشید باد و ملامت هوشان قمر دیدار کبی روشن و آشکار
 الابه حصان نام موضع ندره هنوز طفل خود سال بیک سرای بنیان باقیم
 در یازاله داخل دل دق سلطان محمد قلک است و الا نهی انک کسب علم و
 اشتغال ایدو با سع و وجود سعودی چمنار لطف اعد و دند کشیده بالا
 دیوستان احسان بکیرانده آب نوازش و تر بیلیم نشو و نما بویوب بود کلو

حرات علیا به ارتفاع و اعتدال انجمن رسکس کرده یوزیک آنچه ایله هم وزیر اسلم
 هم روم ایلی بکل یکیدی ولسیدی سیوت و سماحتی اول مرتبه ده ایکن که
 شهر قطن طینه ده مدرسه سینه بین نبایند که مکره مدرسه فرورده به هر کس
 دانشمند اول ایلی دوله در و بر صوف و بر استو لا ط جوقه و بیش یوزانی حیات
 ایدر من روایت اولور که منلا ایاس و منلا عبد الکریم و محمود پاشا سرای سلطان محمود
 کبر و منلا ایاس بویک اولور که بالکر بر تحفه ده اولوب محمود پاشا ایله عبد الکریم کوچک
 اولور که ایکسی بر تحفه ده اولور ایمن حکیم منلا ایاس لطیفه ایدیه اول زمانه
 نیجه که ایکیزه معادل ایدر که لک نه علم و فضل ایدر ایکیز کا عدیل و عامل اولور سر
 در ایله حکایت اولور که بر کون سلطان محمد خان فضل دوران مولانا قری ایله
 ایدر کن مولانا یسور دین هر قریم بد قریم اولوب نام مرتبه ده محمود علی و کمال
 سهرورد بر مقام حبیب نشان و عزت قزای بلدان ایران و توران ایکن آینه
 دل هنروران کی خواب و دیران اولور باعث نه در دیو سوال استیکده مولانا ی
 فرورده دخی جواب دیرورده و اوانع شرب نقاشی که رفعت اصحاب همت کی بلند
 هر طاق و اوانع کردن خورشید نور افشان کند مسانت و حصانت بنا که
 طاق و اوانع و طاق فلک رواق طاق ابروی خوبان کی سهرده آفاق
 ایدی لکن پادشاه کا کارک بر وزیر بر کردار و قباح اطواری و ارا ایدی
 ایکن رانی صوابیه و ظلم بید و خبی و کار ملک و منته ظاهر ایکن و قلی
 وار و بنوعظم و توقیر کی بانه و تحقیر ایله شرب نور خواب و بیاب و امید
 دید که سلطان محمد خان دخی وزیر فرورده خطایستطاب ایدوب ای خودن
 و ایا زبخت صحن کلام بر احترام خدمت مولانا یه کوشش عوش ایدر کله که
 قریم کی بر شهر عظیم عظیم انظیر بر وزیر کی شوی بیری ایله خلج نیزه و شرح کل

لطافت و تراختی صر صر قباح و عواطف و قاحتی ایدر صولش نظام بقا عالم
 و استاد سلسله نبی آدم بقا شرح شریفه منوطه و اطناب بقا شرح که علم
 عالم ایله باقی و دایندره ایدر وجود علایه ربوطه در بر جانب علایه عین تعظیم
 و غلظت کمران اولوب اول طایفه علیک خدمت مستح دامن در میا اول و مرز
 و کلو وزیر عالین ایکن ایک علوتش ایله اندر کفش کردن اولور که تحصیل ایله
 و جارب و مثال آستان بر اجلا لکن تزیلیم ایدر دانی شیکل ایله دیکل محمود پاشا
 دخی علی الفور جواب بر صواب و بر ویدر که ای شاه جم جناب دای پادشاه
 کامیاب حصص فرورده جوم و کنه فی الحقیقه پادشاه ایدر که بقوله وزیر بر
 سیرت امور دین و دولت و مصالح دنیا و آخرتده که ذریه شریک و هم ایدر
 زمام تمام جمهوری دست اختیار و قبضه اقتدایه توفیق و تسلیم تمیزه آخر
 حکم فرمان الکهای ایدر زمان وزارت در ریاستی مشامیج اولوب بحسب کلام هر منظر
 غضب شهنشاهی اولورده بر قاج کون ییدی قله ده جسار لوب بقی طعنه تیغ
 سیاست پادشاهی اولوسیدی جسده ایکن وصیت نامه یازوب پادشاه
 اشکنه بر آت و بر تلج و یک شیبوز آنچه ایله کلدیم ما عدا ما ملکم ایام پادشاه حاصل
 و سایه سالارنده دل جان هر مراد و حرامه و اصل و کسره و یوب و غلیظ یک
 زعامتنی و اوقاف داره سنگ حمایتی سپارش انکدر و حرم و قومک و قضا
 و کماله و لایف و مطایبان حد و غایت یوقد و بوندن زیاده امواج حروف
 متراکم ثجه یار معانی متکامل قلمیوب متلاح مقایه ساین اطناب و سربا ایله
 بحر تحبیط مدایج بحیسانه عازمه اولور یویر ایکی تعار و اوانع زیر کار کار کفتار
 کوزم با شینه رحم ایت سورده درون که مردم زاده در دوشمن نظر
 کور و کجه عنبرین زلفن رخ دلداره ماه مشک افشان بویده صانوم کزاده

نندره

زلفک ای مهر و زلفکده اولدوغی بر بگو . کونده باندنجه اولور قدرت زیاده
 لاله خدکن مکر کل زلفک بو اولور . کم درختنه صاروبن کز در دیار بار
 اولر و ماه چهره که کلدن یکاغی وار . جان و کوکلده لاله بن مهری انی وار
 بکزه مهر و ماهی فلکده جانسه . ناکه کسنه ایستیده بیرک قولای وار
 نفیر ایدرین اگرچه مهر خشان دماه بابانک کوشان نه شابهتی وار در لکن
 قولای اولق مناسبتی بوقدر حق ادا به خوا و بلغانک کانه آفاق ساه
 آه انه نعل سب زبانه کورب دلا . **ش** یکسنه ایستیده بیرک قولای وار
شماره اول آفرین فضل عرفان . و خورشید عالم بخشوع و ایمان ولایت کریم
 طالع درخشان . اولوب مهر آسمان کبی عالمه نور افشان اولمشدر اول مهر ذوق
 مکارم . اولان فضل عالمک نام خسته زبانی عالمدره ناظم خسرو شیرین
 اولان شیخی سوا فرینک همبیره زاده سید و منلا لطفی ایلده معاصرو معاشره
 اولوب بری بریلده مطایبه و لطیفه سی بارشده ایدی روایت اولور که خدمت مو
 لطفی مولانا و زبورک صبح اشتراری کاذب . و نامی ذان ستوده صفائنه
 غالبدر طلاق الفاظ متولد سندنز که فوی و معنادان متوا و معتبره در
 دیکدن عبارت ایدوب خدمت مولانا دن جنگ خطایه . لفظی ایلده کنایت
 ایدرک . مدارس سخن نایه دن برنده مدارش فضا بل و عرفان اوزره ایلکن
 عازم بهشت جاودان . اولوب ناشای حواله عین جنانه روان اولمشدر
 تفصیل حالیه کتاب شایقه سطور اولماین عیان و ادخوش خرام قلم مقصود
 اکره . مشرق ضمیر ذن طالع . اولان اشعار و مطالع . طرز خوب و اسلوب در خوب
 اوزره واقع . اولمشدر نه کم بواسطه نین ظاهر و بدیهه در
 مصنف آمدن ای کار مصنفین . کینه جو در روزگار مصنفین

در دیار بار
 در دیار بار
 در دیار بار

نوکه انک نازدر اهرم . بقصون دامک نزار حقیقین . نزار انیک بویم کلن پامال
 کز نو یسینم ایچره مصطفین . سرو افتاده انک قامت دجویندن .
 سدره آشفته و حیران کیده خرویندن . ولده که تیغنه که خنوبنده برایتیم
 اولدی اولادیم انک بن بر اچم صوبین . بر یکا کشتیکر عشق نکاره بر یکا انشغم
 طریم قفسیلده طوشتیم . و قنارینا غدا بآلار **غدا** ای هوای جان تو ای اایم
 وصال کی روحه راحت . و غدا رعدزا . دنیا خط و خال حسن و میلحت اولان
 شهادت دند زامی پیچیده در نقش غدا ری نفا و خیر خط مشکباردن پاکت
 اولوب طبع ذراک . و ذمن جلالک بازار جهانده الماس فکرت ایلده لایه و جواهر
 حکاک اولدن بر دوار و روکنه مدارارندن و طایفه رفو نه نک صاحب اعتبار
 و اشترار کندن . و ایسر خوانی کلامی غایم و شوح حسن انجم ایلده محلی و خزین
 و لوازم و نواقب مقال اربعی مطالع بنوا فاض و عامدن طالع و لامع اولور
 نور خورشید کبی محسوس معیت در بوفندن عین قنون عیدیه تحصیل و معارف
 و لطایف بشماره کبیل ایدوب بیخ فضا بل و کماله . علی الخصوص علم نوا بچده
 و می خزانده خیلی محفوظ و باد داشتی وار در طریق سولات رفیق علم و کمالک
 اولدقه عید انجاندیک است فضل و وفانده بارک . ایلکن و حوم رفوم
 مکره و مشرفه ده شرفه اته شرفیه . قاضی ایلکن بعض وقایع و حوادث سلیله
 خدمت مولانا تارک اولمشدی آفرین خواجی رجب بختی حیاتین و بار و برده
 عورت و رجعت ایدوب پنج زبان بولبار ایلده سرگردان . بوادی محنت و اخلاص
 و صایم و جبران ایلکن و حوم حسن بیک افندیک حسن التفاتنه منظر اولوب خدمت
 علیه لرندن ملازم اولمشده صومالی وراثت حصولده بلوه کرا و مشدر حال ادره
 یکر ایچه مدرسه دن موزون اوقات و عاتیه عشرت و تحصیل کمال و مرسته

دولاره

مصرف و مبدول و حقا که لذت اندام مرده لطیف الی و دره تکلف و تفقدن
 بری و غبار که درت و تفقدن آب صافی و جگر که عاری صحت صفای
 روح ارواح و منادمت دکناسی جزید افراج و دریل افراج در امانت
 و درایتی خاطرن دور اید و حاله شاکر قانع و صاحبزادان شاکر در
 بوبریکی شاد اولی و نامدار کفایت بلاغت نامند دره **مصلح**
 نهال که آن آبر و بختی بن کستانک و قورمه بورکنی عنایب نالانک
 دیک فلک استدی قد بلای لبره طوبایح دکرید و پرسی و ستند بره
 کله ی سانی قناعت و اراکنی خانه و برایم اوده در برابر ایاخ منیانه ده
 باینی طرفه کوردی غنچه نورینه نک بکرنیک اوده و غی اولدر بیل دکنک
 بوغل بی بدل دخی فایح هر و تب مدح او غنچه لایح در غن
 طبیب در دمی کوردی و وادن اچکدی و پندی بنضم بن مبتلادان ال
 چهار بیعت ایدوب خانقا کشته و ایرندی پر خزان و وادن اچکدی
 و فایح خانه صتر کن او خواجه حسنه نه غمز اولد بکجه و وادن اچکدی
 رخینه حایل و لوردی و قطع اید بکجه کسدی زلف برین جفادان ال
 دمندی کم برالم خیره اولون اوبکی عذاری اول شه عالم بخاک ال
عذاری فاضل عیده اسکوبایکین ترک عالم اخوان و کروت ایدن قره
 نام قاضیک کوچک اعلیه و صد و حفصل کلن ایکن اخوة انتقال ایتد در
 و انتاب عذاری کلن بولیدن و واله ایرشدر و خوش اندر
 بی یوزد و نوزده صند کجک ایتد باشم اوزده طوبین بویشک ایتد
 قول ایتد بونون قوشه با بختیم وینه کبردی بجا عکله شمه ایتد
عذری عذاری زبردک برادر بدو اگر چه غایت اعوج و لکن اهر حقین

اقدام مسیه اقدام ایله دنیا باشند تنگ ایدی آنکه وادی معارفه
 قدم را سخن و معرفت افشارد و کعب شامخی بی عار و تنگ ایدی بعضی ملاده
 قاضی و کسیدی حاکم اولد و غی اراضی و مالکی مانند تیمور و برشور و شور
 ایدوباره استقامنده ست پای و راجل نراز و مثال در هم و دیار نه جان
 ایسه اول کتبه مایل اولد و غندن محنت غول نقیشتن باشند راکل و کلد
 غنکبوت جانده و دنا له اولدی پیرن ویرده کوکده بیری یوق میکنه لختد
 دشت غم بکلی کینش نیلر مجنون و می دروغا بکرن بولدی دیه میدانی
عزنی روم ایلیده یکی بازار دیکله بازار روز کارده متاع اعتباری بروی
 اولان شتر نامدار دند نامی خود در اول خنکلی جا که ایدی جن و ششی به
 تبدیل ایدوب بوبیتی دیکدر **قاری** غلغل شومین بعش رسید زبان سبب
 حقا که تاریخ کویفده و عیدیل و یزین آوازه اعتبار و اشتهاری ناله خون
 عاشق غلغل و آه و این منطوبین کبی اصل قشبه جوخ دوار و خوش برتی
 اولوب اوزان و اسنان نو طریز مشالده بجمش و سیف سلول طبع بوبتی
 ایله بوقلردی شخی ایدوب بختی عرشد آهشدر طرز غلده دخی بر شتر
 بقبس سازه نقیسی خوش ایله قبل آن بر تانک طرکک اختصاره افتداری
 اولان شوا بانامدار دند رقدوده ارباب افاده و حوم معارزاده فطنطینه
 حجه ده اوجا و نوانین شرعیه ایتد و کده دانشمندی ایدی اولان شاده و رخ روح
 خوشی مکان و قدس شیان **ع** ایلدی باغ جان طیران بر بیت و با برادر
 بختی ناریج دیوب حروف منقوطه سی بر ناریج و غیر منقوطه سی بر ناریج او کورد
 ذل احمد لیدن سلطان سلیمان و زهر اولان مصطفی پاشا طغوز یوز افکش
 درت سنه سنه روم ایلی بکلی کبسی ایتد و ناریج رختایه ویشدر **ناریج**

کفن

نه تکلفم عزنی

قبله که جوهر دار و صفاتی در صدره . بوقار بخت است اینم عجب ملک و عجب
 همان حقا که ملک است ملک ساکت گذر . شهاب الله در ملک اولی که میران
 و حرم عاشق چلی تکراره کشا سنده دیشد که در نور غشی یک بغیر از رخ و ارد که
 اندن سکر و جلد تاج جقه جلد دن رمضان زاده محمد جلدی بی اولد و خسته
 اصحاب صفای جمع اولدی کاهی اول که هر **بونا** رخ اولدی چونم اتفاق جلدی علم
 امور شرعی و قانونی جامع حاکم کلدی . شایخ اولدی ات با کلمه بر فایق عالم
 بواشار نتیجه و طبع بر افتد از نذر .

قیام اینتر می سن بنین کما مظلوم غایت . خدا بنو ظلمی صورت فرمی قیامت بومی سلطه
 که اسکن سلطنت و صلح شد که کل دیرین . که الی بابک شاه اولدی خدمت بومی سلطه
عربی ساه زبانی کلشن سبیل بر طریق دیر و تیره اولد و اولوب دیده روی
 وجود سعید آیدین . اولان شهر تیره دند طریق علم خدمت ابتدا که کمره خشت
 ایدوب مولوی اولمشیدی موره ولایتند مقام . و اول ملکند توفیق و آرام
 اینمشیدی شهر باز طبعی صوابی با غنچه صلحش و بوی بقله تندر و خوش خرام
 کلای چکالان آکمش در بو شوا کندر . مست عشق کرد و شطرنج نو کیده باقی
 خاکین رفیع ایلک دوشد که افتاد که نولا . دبیریم کیم الگ صون سوره بن بوز و بی
 اول غنچه دهن کلدی دیدی او یکدی ویریم . بزه که جیکه دیک کلدی فرانک کوی جان
 انکا و سینه بول سوردک بنر الجهدن کلوب **انک** **عربی** نامی مصطفی در لوجی
 و نوحی نیرادر که تیز جلد سنگ وجود معارف سرشته خلق مقام اولان
 قضیه برشته دند در حرم شزاده سلطان محمد علم شاکل شیده . قد و سر آمد
 اولوب . سنجاقه جقد قد نوحی رئیس الکتابی و غنی بطیخ کاتبی اولمشیدی
 اول شهر با خسته وجود عازم دار خلود اولد و نه که ارکان دولتی کامل

سبحان کی باز و مار . و مثال اوراق خان پریشان روزی و اولمشیدی
 و نور و خدی در دولت کلوب دفتر خدام سده سدره اخرا به کشیدی . بعد
 دماغ جاننه بوی انس و غلت و دال بخت عالم قدس نوبه فراغت این
 نفا عدا فی سید فاعلت ایدوب کرن عالم امارت کلین خان وزارت مصطفی
 اسفند باری سایه سن باب آفتاب حوادث انامدن انما الح . ایلمشیدی
 و اول حالده جناب رب کریم سیدم ایلک . سبیکه اشغاری چندان خالص و صمیم
 و شایه آناری حسن و ملا حله و سیم . اولمشدز بواشار انک گفتار نذر .
 و لیکر سینه ده کی شوقله داغین بولسن . تا قیامت بنه عشق چو اغن بوشن
 ای مصور قد دلاری ایدر سک تصویر . خاک ریز ایلک سر و بد اغن بوشن
عربی فندی ارباب علم و دیوان و اصحاب مروت و احسان ارا سنده
 معروف و مشهور . و غایت دیانت و مروت . و نهایت سخاوت و مکرمت
 ایلد مقبول چهره اولان دفتر دار پیر احمد چلی یک فرزند ساد کند بزرگام
 و اسم سبیل پیر محمد در حاوی فضایل فطری و کسبی و جامع کمال و فضایل
 و هی . و نور علم و فضیلت . و صفای ذهن و طبیعت . ایلد ارا سنده و صفات
 حمیده . و سمات پسندیده . و معارف و فضایل غیر حدیده . ایلد پیر ارا سنده
 کجینه سینه سی جوامهر زو اهر معارف ایلد ملو و خزون . و نفوذ انواع فضایل
 و درر غزلطایف جلایف فضایل . خونی ذر و نند مکنون در در حرم و الدرد
 مقام تکبیر خاتمی و جمله معارف و کمالانده شاکر دیر اختصاصی اولوب
 اول اسد فاریک مجلس افاده لریدند ادم . اولمشد خدمت اعاد کردن مقام
 اولمشد و حقا که بذات تریف . و جوهر لطیفه که طور و غنچه و این معارف
 و نفس خضر و محارم و علم و تواضع و علم ایلد لطف مجسم و روح مصور . در

سحاب الفاظ در بار زدن قزواری ظاهر و دیدار اولان صورت معانی و غیر
 انتظار می با جبارده نفس و حلال و انکار کلک عاری و انار زدن جاری
 اولان جد اول و کما و خاطر زقاری اعتبار ناقدان انشاده عین آب لال
 زبان ترکی و فارسی و عوایح و نواچه و انشاری و هر برنده و خیل و دیوان
 گفتاری اولد و غنچه غیری فن منشا ده و فی خواجه جهان و حر و ابر و
 بلاغت و بیان زبان ترکی ده اولان اخلاق و مقبول استوار آفاق در
 اگر چه حجب الظاهر حین و اعطاک اخلاق ترجمه سید و لکن جوق معارف لطیف
 الحاق النکاح حسن و ملا حظه طاق اولمندی مدارش گانه دن برنده مدرس
 و هر روز نگین فغان ایلدینا و سرای علم و کمالی مشید و خوش اولد و کلک
 مدارش بیانی نگ برنده افاد و فضل و عوایح اوزره ایکن شمراده
 شاه نشان و شهنشاه فلک مکان سلطان محمد خان خدیو نیرینه خواجه اولمندی
 عقب بود و نمانت مسوره ده معانی و دوس سعادت و اقبال و جام نواد
 پرستادی و صبا و حصول مراد ایلد مالال ایکن مرآت جهانده صورت و
 نمایان اولوب دل جانج در دجوان ایلد مست و سرگردان اولد و
 مرغ روح عالم قدس روان اولوب غم ایلدی غم کلستان جهان
 بواشا بلاغت شاعر تشنید خطیر اقتدار بچون دل جانج زمین غنچه
 خلیف سوز عشق آتش عشقه و شند و صبح ابر و دن بر همد را به بختن کچند صورت
 یورک او بیامغه و غم جلال ایلد یار کلا انصاف ایت الکن کوکله تو جبار جی
 راحتم بیکان تبرک اولی خاوانان ایم و غیر راحت الان فی حفظ الک
 طوکیدین خندانسی و هر یک می کلونله و بصله نردی چنوک جانادل بر خونک
 چقرسه فلک انصاف عیار زما ایند و در نر خنده بر کون آغ اول کوزله

عجبیدر

عجبیدر زمانک لبر عانی پست اولد اناسی قوجغنده او کور نور داغی قوجلا
 اگر پایینه یارک یوز سورم دیریک کبان بولنده اختیار ایلد اصلا غی و بیک
 و مادام اشک حشر یوزین فانی غنچه شک ندر هر دم سر کوبده یوزقان و غنچه
 ازل نقاشی چهرک هم ایدر کن نکی و غنچه در زمینه جابجا اولد کلستان و لغنه غنچه
 بر بر بلوریش اول خطریان بولک بولک صف صف یازلش ایت قران بولک بولک
 سینده دسده دسده او فلک بکرا که کم اوق منزلینه جمیع اولد یاران بولک بولک
 برشته سن که ریکد زکده الای الای طور نش سلا ماک لغنه خنوبان بولک بولک
 افتاده لرا با یکد و غنچه دزن دزن دوشمشیرج زو که زلف پیر بولک بولک
 بازار دهری طویدی خنداری سنگ کوشه بکوشه ای مد کسان بولک بولک
 عناق صافه صوله نظر قل طرف طرف بوقله قولو کج ای شنه دوران بولک
 غمی دیار و صله غم اتیه جابجا بخلر یولینی عسکران بحران بولک
 و آلد و دوس مکان بعضی احبانه ازال ایتد کلر کسوب بلاغت خواننده
 فلان فغان اهل العصر طرا نیادی الفضل حمانت نادی
 قصر راس النواضح الا قاصی و غنچه جباله یوم ایتادی
 و بوابات خط ردیف قصبه سندنر
 فلک که ظاهر ایلدی ای کلغدار خط و با فوتم که مشکله یازلش غبار خط
 پرکار حسن بانی بریدر دهن کل دور زحکده که اولد بر مدار خط
 مهر رخ ابرندی زوال کور و خطن اولدی فلکده صاف خط نصف النهار خط
 و حرم سلطان سیم نیشک او و غنچه نیشک سیم نیشک عصار کن مهر و سیم نیشک
 غم ایتدیری بیک بشو بیت مقداری ترجمه ایتد کلر نه سلطان و حرم
 عازم حجاب ملک قونم و لغنه نام قالدی کتاب و قونمک مطلق بود

کتاب

عجبیدر

جانشین اولاد رسته عشق
 غنیمت هر فرغین شتریدر
 بو عشق یک بیزدوب تکلف
 جو صیت بچکا ای اولدی پیرا
 بخورن بقیه برنده اجم
 چکوب جیب جهان ایلدی چاک
 عشق استنبول ندرانی محمد در اسنانک شرف و غوث علم و کمال ایلد اولد
 جازم و عالم اولد بختیل معارف و کمالات عازم اولمشد رجا کوز سیدی
 افندیک خدمت اولوب خدمتدن ملازم اولق خدمتده در امیددیک
 عن قریب رخ فیروزی شکار اولوب بطوح جهانده پیاده قلمشکین فی الجلال
 سوار اولوب بر مضبوط ایلد اجمازون مناصب غوث و جاهدین بنفیشده
 بایر معارفدن فتنه شریخ باز لقمه هارقی معارض خصوصت مکتبی واردر
 لعب شرط کجده نطق زمانه در که حقا که فرزانه در اما غایب دندر که خصوصت
 لعب مرقومه غالب ایکن سایر شریخ باز لکبی لعب و زوره مشوق و موقبل
 اولیوب اکثر با نفور و بارب در بواشاده معارف اشتغال ایدوب اول فنده
 در ختام بفرغ اقبال اتمیه که بوجوده به کبریا و بختون اختیار استبداد
 اشعار دندر که کثره استبداد را تم کوزنک بو غولسه نظیره در
 راجب ایلمی حکم طوبی جانشینک ای بوجی سروجی رم ال بنم دامن
 کاسه باز هر یکد بوجی سر کرد اینک **نظم** دونه دونه زعفران برینک دایما دورا
 ایشمی قطع ایلمک ترک تعلق ایلم حاصل ای زلف دلبر ال بنم دامان شینک
 با که سیر کلشنی و صفای ای غیا عارض بر بنم اولسون کل خندان شینک

کربنی آزاد قیل کتمه احراست شها
 کشیکر عرصه نظم زبوند جهان
 بو مطلع معبد حسن افندیک نظیره سیدر
 رام اولور اورو که هر شب بر منایانک ذوق ایدرسن دونه دونه ای فیک
 شاعر و بزرگ معیتا ندر **بسم جا** روبرو اولمشه لایق کچر اول سروه
 ماه خود کوهرنی عرضه ایدر اول سروه **بسم** کویا بتر فندک جویده سینه ن ان اول
 ماه و شمر کراسینه بکدر و کجرت اول **بسم عثمان** نقد زلفت شمار میجویم
 عکس نکت فصیح میجویم **بسم جعفر** اس مجلس سکس و کهنکاره توه
 وار در رعایت استبداد ای مطلب اعلا ی مکی بی بر کن اقبالش عفواید
 سبب مناسبات انواع فیوضات الهی و مقود مقام حضرت خلافت پناهی دار طه
 اعلیٰ فسطاط طنبیه خیمه دن در نامی مصطفی در مسج شد ادر جهان نشانه واقایم
 سبب دن حال ابلان مال بکرانه خوانه اولوب محال هیچ ستاره اولان بکر
 و در بی فرعون اعدایه از دمای هفت سر اولان بیدی قلمشک سخط طریک
 کتخدا سیدر نظم اشعار ده کوشش و تسمیط جواهر آیداره در زش ایتمکله
 بوفنده بختیل مکتب و اقتدار اتمیه در و قلایه فرایدا شاری خیل اعتبار بشود
 طامه یابنک غیزی و بوطایفه تک صاحب جبریت و تیزی در حقا که اشاری
 رسین و بنای فقر بلاغنی حکم و متین در نه کم وجودیه به کثره اولمچون سبال
 ایدو که اشاری بظهور و شالند صدق مدعی فرجور مانده آفتاب پرور
 جلوه کر منصف بر روز و نور اولور اول اشعار بود در
 کوزک قان دو کمال دل غزه بیدار کن کش از بی خونه که در شکی جلا ددن کوش
 شب اربوب اوداع ایدو که سیر کوی دلاره اسلامه کیدر کبی بر صوفی دلاره

دوران شینک

کوزا بنین صرف ایله کجه کره ایلر دیمدم هر کسی خو جندن اغلر عجب دیمدم
 جفا سکیده جیمک کول کول انش اولدی کجه اولد شسین نه ای عاشق تخت زده کجه
 اید بخبر در یکدانه بی دلا پیدا اولمخسه وارنی بولنده جلفدی دریا
 چون شمع کشرش اولمخه چو ساقیه فاده دل نه با و ز اول اصله بواش اولد لا بصل
 چو کجه ویردک دهن دلبره دل کندک ای عاشق تخت بوق بل
 فور قرین کورک سودک کره ناکه الله مدد اول یوسف نایه فتی بابنده کز
 باقه نوش اول بوری هر خطه ایدوین ویر مدین عمر عزیز یوچ فلک باده
 عاشق دیمه شولک سیه کم سودکی خوبک بولنده فدا ایلمک جان عزیز
 خلاف مقاد شوای زمانه شهر استولده اولان طایفه زمانه شهر انگیز دیوب
 شهر دوران و مقبول خلق جهان اولدر بوا بیات اندر در
 سیه بیات بری نمونه تک صاحبی زمانه فتنه جوق شلوفشان جهان
 زمانه کیسی جوار و ستمکار صمیمک عاشقی عاشقری وار
 انور دل شورینک زلفی باجی سینه بشدن جفودی که صاحب
 برسی پنه عینی بر سیمبر سینه مانه پنه نازک و تر
 بوی جان باغک تازه ترایه دمانی چشمه آب زلالی
 دیدم کل سینه دیدی اولدوار او دیر سینه نک اوینی وار
عسکری عا کر جوارح واعضای لطیفی قوی اوزره شهر ادرنه دنو خوج ایدو
 اول خطه اسودن عالم وجوده ولوج ایتمه لکن عاشق جلی غالب بکجه
 وار دار دندر دیمدر باکناه جهانک مفت کثوری ضبط و شجیر ایدن عسکری
 عدا دنده داخل اصل رتبه رعامت اولمخه رام مرا می صل اولمخکین باکجه
 توطن واقامت ایلمک فاده خاک فقر و فلاکت اولمخدی افوا سحی با اولمخک

عورتی آلوب ننو دج حابه و خیل سلاک اسبابه و اصل و اول توید سلاک
 حجه الاسلام و زیارت روضه خیرالامان و خیل اولمخدی امانه نهفت بوختار
 و ریت رقص و الحاکدن قوتلیدی شرح حاجی اولمخدی در و ار ما غلر کعبه
 اشارنده دخی حجت یوقدر بو مطلق انکدر هر دینک و نه حکم جوج کردون کسته
 جنسی در البته دوزن دون اولان دون کسته **سفر** امانی و اعایه نهر استونک
 قل توج و صحنی و مقام عیش و عشرت اولوب نهر زبورک جوارنده خضر وار دریا
 ایدن کی حصار دندر نامی مصطفی در طوق علم سوک ایدوب خدمت موالی
 و ایلدن خایه اولوب ملازم اولدقد فکره ادرنه قنده خاص کوبده حاکم
 و وایله اولمخدی سلطان کثر قریح خاقان الحاقین صاحب قران بی ریت بین
 فتح و شیر و آقین ایچون نهفت هیا بولری اولدوق شهراده سعید
 و شهید مرحوم سلطان بایزیدک وجود رسیدی و عشرت وحدت و جدیدی
 که حرات جلال فیه بانر شدیده دریا جوج کفارک خوجنه سز سیدیه اولمخچون
 شهر ادرنه بکلمه نامور اولمخدی خدمت شهراده اول شهرت آباده کلان
 شهراده به غلر قصیده و یروب شعرات واسطه سینه و مالک حسن صد اولمخ
 نو و نوا توید اختصار تمام و قریب مالاکلام بو کوب غمناک داخل نرم نس
 و خلوت و صراخی کبی شکار مجلس عشرت اولمخدی حقی شهراده مرحوم
 به سنی غی اولان کوتاهی به عودت اشد کده مزوره اسکی هر قضاکی بویرو
 اول آفتاب سعادت و اجلالدن ذره مثال ایلر لیدی و مانند رکاب
 اول نهوار شجاعت انتابدن جدا اولمخه لکن بعض خصوم و اعاده صورت
 حقدن افاد و اعوایه باده اولوب جناب صاحب قران مرحوم سلطان سلیمان خان
 خدمت شهراده ملک خصال مزبورک اعوا و اخلاص ایلیم بیانه کبی باده بر

کنارنده قرار

و اهل عشق عزت او شد و دیگران اول فاقان دهر که نظر غیب و قهری
 ادوب موزال و کشیدی آخو سلطان دریانو الگ بر غول چه میانی شیخ ایوب
 ویرد کده جوام و آمانه رقم غنوا غنم جلوب روم المین منصفی بله
 مقفی هرام با تمسیدی اول غول بی بدل بود در **ع**
 اول لاکوز بر بزمه مکر و ال و کشیدی. غمزه رعت قلچ جنگ و جدال و کشیدی
 ایشکله کبکله غلچک نقش شریک. برج رفته در تریا در هلال کشیدی
 اشتیاری اشعار به صد بار غالبه زو اشعار حالین خاک و کدر تر
 قصه عشق اهلنی موند که ایلدیر. آنچه صبر اید به یوب ترک ایلدیر
 صورتا کور میلم دیور قییک یوزنی. بند بر غلچ تا بونه فرار ایلدیر
 ترک ایدوب تاج و قبا به هر لوب کشیدی. خلعت عارینی کیمیک عار ایلدیر
 کورتوب ایغی بو خلعت فاشیدن. وار دیر عالم با قییده قرار ایلدیر
 ارفه سی اوزره یوب ایل فو ایلدیر. غم و محنت بزی ای عشق زار ایلدیر
 بزه رخساره تو آبره بک یوزی کلون صحن کشیدن. بسون اسککن ماه تمام
 شیکلاهی مد نوکی **عشق** مرحوم سلطان محمد شوا سندن زور و کار
 اشعار نیک اعتباری داشته اری اولوب و اول مرع اطلالک قطعایوم و اشعار
 قلمند زبانه دید که ایخ و اشعار دخی **ع** چو تویم بارین نیاید بکار
 اطفی تکره سنده بوظلن یازمشد. هر کون شما بور کیم یارم الکلون
 تا کمره سن نیچ در یارم الکلون. شونده ملاحت و ملاوت و کشیدی
 ایجاد تفرقه قدرت بوخیکن نه زمانه خیل رعایت اولوب بوم یوزنی
 و طیفی دارا یش ختی اول نایمه بفض تو بیتی دیمت **ر**
 عشق طالعو که عشق اولسون. اگر چه نخلک کوچه سترک ای

عشق

عشق حدایق بر صفای دیم ژباصل دم و سبای تیرا ایدین کبیره تیره فدای
 معبد بر هنر دیگه مشهور در دار کشیده مرحوم سنان افندیکی معبدی و مجلس
 بر افاده سنگ سفیدی اولد قدحکن مرحوم جوی زاده افندی به وارو
 اذن ملازم اولمشد بعض مدارسه مدرس اولوب آخو طریق غلته عازم اولمشد
 تیره چشم آیدین انبون خلک کی حورین خاکه بر تو صالک کلزده چه خوشیدین
عشق برج باروسی چرخ بسوبه ماس و رفعت و حصانت ایلد صحن البیان
 و منین الاماس اولد و غنم غیری **ع** ماس اولمشد مریح و شاک
 محتاج شویدا وراق و اطراس اولوب بودار چه مده مر استنبول هموار اولد
 یکجهار دند نامی الباس در اولد اتش جنگ و غانک کشیدی و پشه زاروب
 طوب و تشنگی تیرنی اولان طایفه بکچریدن اولوب جده موند زاده شیخ
 حاجی افندی به محنت اراده ایلد کچ از زاده فکشدی بدع ابو الفضل افندیکی
 فضل و همتی ایلد بعض عایز کنایت اوزره اید آخو سیوح سعادت عنان
 و مکنش شاهراه سلاطه یولکدوب بوقطعه ایلد چناب سلیمان و سده خاقانی
 عرض حال و انا و باغ ابال ایلد کده اول طومار قبیل خم سینه صد جا که
 و مفتاح کلید خاطر غما که اولوب مراد مالیدن سوال اولوب تیرا یول
 هر ف قبول موصول اولد قدح کوشنه غلث اختیار اید و بصیرتیک اون انچه
 علوفه سی مخلول اولمین قبول کشیدی و کوشنه قناعت کچیل نوشته آخو شغول
 پادشاه جهان پنا بک بن. پنجه میل شکسته چاکردم خسته اولوم کسیدی در حکم
 صانع اول کورسم صولای اولکام هم بیز نیم جهان غم زبانه پادشاه یک علوفه بین یریم
 شاک ایله او کچ رخ اوزره هر غایه پادشاه یریم. قناعت چکی اولد اکبوب اولوم
 بانزاده کبر کشیدیم. یک بجا اید زدن **ع** ایلد کله فیکده همسردیم

مرکز خدای ایدین کبیره تیره فدای

عشق

توضیح

شاه عالم پناه صانع الوجود چاکریم از لایه چاکریم بوجع آب دوی جمله اشارت
 گاه عزت فلک دوی سعادت کو ستره که دو نرنگی ملائکه فداکت کو ستر
 ایومه ای دل صبر قل او ملک ملامت کو ستره کوره لم آینه دوران نه صورت کو ستر
 نیلوی دور فلک آینه اسکندری دیوه الدردی علیا خاتم انگیزی
 ساقیادور ایسون باد بیدر قیل ستر کوره لم آینه دوران نه صورت کو ستر
 سلطان محمد خان خواستند نازه جوان حسنه مشهور جهان اولی
 فیری جلیق بلینی و زانیده اهلینی اولیغیچ اچو دیه الحق استدره تهمذی فرار
 ایدوب قصیده سنده بو بیلده حالنی اظهار ایتدرد
 کوچ کورسه هر کشی در سلطانم ایدر شدی عطایه کوچی سلطان ایدرین
 اشار قدما نه منقله ایدو که معلوم و کیفیت حال ابراد اولان ان تباردن معلوم
 ایدر جهان جهان لطافت اسلوبه نثر اثوب اولان نثر اسلوبه نثر اجداد
 بلا و عجب کل نثر سلسله لری سلطان اولیا به برهان الاصفیاء صاحب المکارم
 نظر انکرامات التبت مالک اناس عبوی حضرت شیخ احمد عبوی ایشاب
 ایدر ادعا و اوقات انساب ایدر در حوم اسحق افندی صحت و الفت اوزره اولان
 خوشه چین صافی بیایه اولمقله جلالت ان کتاب ایتیمی دی روایت
 اولمقله که در حوم مولانا و اعطاء سبیلان جلالت مولودنه اخبار موضوعه
 مستلک در بود فعل ایدر کندوسی بر مولود نظم ایتدکه بزم عروقت اشار
 و صفت مولود ساریز بوقدر اگر بشریت مقتضای اوزره خط واقع اولد
 سر انگشت اصلا حله تصحیح و بعضی برنده خوش و تکرار و ارباب تنقیح ایلدیه نثر و بعضی
 نثره زبوره کو نثر در حوم دخی رکاکت و سیاق نظم فربور معلوم ایدر که
 جمله صلاح اولد و غدن کنایت ایدر که کتابی بال مومنه با نروب در حوم

ای سال ایتدکه در نورس مجلس و عظیمه کفر ایدوب عالمی بختک تار ایتندی
 بونم فراف او دیدن بختک به بکره کیفیت شوم رکنین شراب بکر
 بو قاره قاره اسکی کو بکلر کیسینم بربر او جانی قالمش نثر خوا بکر
 خور بوقدر و درویش نه بیلور سین کاشا هزاره اولد اندا کوره مثال آینه اول
 ذینی روشن ضمیری ده اولد بده اولمقله تفکد یکی جهان نه بکر حیفه نثرانی
 طایفه نقشبندی به سلوک تمکین تجنیف نکانج اسلوب اوزره بقصود نظم
 سیر له سی وار در بوبیت اول ساله دندر خدا کنل اولمقله توفیق همراه
 کسینه قریبه بولمزدی هم راه عطا آب مصفا نی نایه سلسبیل و تسنیم هوا
 و کتشی شفا بخش هر مرضی و نفیم اولان نثر ادرنه دندر حکیم نشان اولمقله
 و بیکله نثره جهان ایدی ابن کلیم مصفا کلیم قواسی اوزره قاعده و قانون
 شفا و معالجه و تدبیر مضاده بابا سنگ تسلیم اوزره طبع فیهی کامل اولوب
 کلیت علم طبه ذهنی حاوی شومل اولمقلدی اگر چه ادرنه بیمار خانه سنده طبیب
 ایدر یکن محتاج علاج اولان دل بیمار و پر حیا و کندی کبی ملد و زندقه
 دار شفا و تحقیق خانه قمار در دیو اول دار کشف دن خم می کبی طهره جعفری
 بتلای سو و خراج اولان حکیمانه علاج خر عشق و اراضی سودا ایدر مختل اولماغ
 اولمقله بر اولان صرف رجوع در دیو نرکس مال سوغه صرب فی الدن
 و و شرزدی بعضی مضایه وار من لازم اولد قده فان فل مست لا یفعل
 و ارباب نه مرضی انک کلامی اکل و نه اول خسته نک فر بارین دکلریدی
 آخر بهانه عمری با دفایله بهر اولوب خفا نه طور اخی و تکیه گاه عالم خودی اخی
 ایکن کوردی بزم کثرته نایاغی سوزات حروف و کلماتن درکت اولان
 ترکیب اشار و سخن کفاری تا نثر و حالندن حال و عمار و کلدر و بر اکی ایتد

توضیح

توضیح

زرد چهره بلبل بود که یکی عاشق بوی حق بود در طلب آن کعبه النور بود
 جام او زهره هر جاب بود و خبر دوزخ عاشق وجودی کیمی فسادن خبر دوزخ
 غمزه خندکی تیر بلبلان نشان و پرده قاشک کمانه فوس فسادن خبر دوزخ
 بیک جان ویر فساد بکا و امیدش بر جان بولند بی عطا دوزخ خبر دوزخ
 علم نامی محمد در بین الانام بر غری میزاده و یکله مشهور با نام اولان مولانا
 جامع انواع العلوم و حکم جدت طبع وجودت فهم ایلد نماز کلمات فضل و عطا
 سر و مال کشیده بالا و سر فراز تبار خوار و ذلیل فیاض زبانی عارفی
 و حقایق بر کز دایره علوم و حکم مطلع نوافل حسن شمس خد مکرر که طاهر
 اندوخته و مجتهد سلطان سلیمان مدد کسب من مشغول خدمت موارس
 علوم علییه و فنون خلیفه ده در حقا که علی کیمی معارف و کماله جوق اولان
 و طرافه حد و غایت یوقدر الله هر کلامه قصد توری و ابرام ایتمی اولان
 و اقبال هر افراج مزاجی تا اول ایتمی اقا و اول و اخبار دن تنقل قلم شهباز
 طبع تروان لطایفی عاجز حاضری نازکی نوبر محل اولی لطیفی در خبر دوزخ
 اول جلدی صحت دکت سی صفا بخش قلوب و غزل انراج و کز و شهاب در
 هانا هدا الذی آخر کالی الزیاده معنی صیاح صدق حلال اولوب میدان جهان
 مسوق اقران و افتاح اولدر قطب فلک کرامت و مرکز دایره و کمال
 اولان رحم مؤید زاده حاجی افندی یک خواهر زاده بی بابا کجوف راده
 نرحبه لری ایراده اولان قاضی رفری صلی کریم الطافین اولوب سالانه معارف
 حاصل اولدر قریب کمالی و جنات حال و جبین مثال بنی لنده ظاهر و مانند
 انوار خورشید نواره روشن و باهر در کمال دلیلیه ایلد اشعار بی نظیره فکر
 حاصلی نادر و غلیظ در توند کیم به تیر و تیغ و تیغ بر تیغ و تیغ و تیغ و تیغ

مکمل

مشکین حل ایدیه مرکب کتا عشق او اعطا شهر دم اور رسه قولان سول
 کر چه سوردن جویم بیجا کو کلر قادی اگر مکن اعلد در دشت اکلد بین
 اکر ای دل بلای جوانی ننده تیرن اولدر دل و جاده علیا جان دکی بی بیجا
 قدم بهنر با طوبه علم کچین سرن اکر ملک در یک آنی باشند کچین سرن
 بر قیام بادیه ویر عارفک جان فتن کز زبان ایلر یک آنی دلابن حکم بین
 تا لطفن کراوم دوزخ هر بد مکر ماه و شش ای بوزی خوشید فلکده لکین
 نرک ایدیه یار و صندی غلر دیو بوزید چاق بولید و او مردم بن بواکی کور فتن
 چشم حاسد دور کشت از روی همچو خان دور با دایا آلهی دیده بد اختر شش
 نیست این ابر سیه کز سوز عشق مهون سوخت جانم در تن و بر باد حاسد شش
 شک طعن آمد زهر سول علی دیوانه را از غم عشقت بین آخو چه آید بر شش
 علم نامی احمد در لطفی جلی در بر برق فینک او غلیظه جمع اسمی فضیلت
 و کمال و منبع ناظران حلال اولان ادره دندر طالب علم و کمال و ساک
 و ادبی اشتغال اولوب آخو مدینه علوم و فضایل کعبه نوافل حسن شهاب
 هدر بر پشته فضل و عوفان و رحم والد فردوس مکان و علی ایان خدمت
 و اصل اولوب ذات بر انوارندن اقتباس علی فضایل ایلکله طریق علم قطاع
 محنت و عبادن پاک و منزلت و اواسی حنیض خاک ایکن بالای افلاک اولیدی
 والد فردوس مکان و غم کلزار جهان اینه کده بعض جهال و نور ک هفت
 سنگ سیاه انور بودی محنت و عناه و صیاری جور و جفا ده فلندی جنت
 و رحم غیب الرحمن افندی دفته نمانده و صد عاکیقدر اولدنده اولفتاده خاک
 اندوه و سنگیزه و اول سلمان عالم عوفانه معین و طایره اولوب ملازم اما علم
 صورتش انویچه مرآت حصوله بروز و طایره فلیدی و دیده الم دیده و خاطر

حسن توریه و ایهام ابد لطف مقال اعتقاد ارتقا ایدن نظما دوران دندر
 بعضی بی انصاف و بد کویله و زورشی و برکوی در اشعار نیک و اسی ده در
 لکن طعن و نفوذ انصافن دور و بهور در زیر اک معنی و مجمل بی بی بدل
 قصاید مشکلی دارد که کندی اختراع تمیز جمله دن بری خوان و بهار قصیده
 که هر مصرعه ذکر خوان و بهاری التزام انتم شد و ابیات اندر ۹
 شال عانی و معشوق اولور خوان بهار خوان مردی و اولدی بهار لاله غدار
 خوان زماننی فکرایت بهار الدن بهار عالمک اولور خوانی آخر
 و سنج و ثانی و سه مایه و حق غنیم اولور بعضی ناگن نانی حجم اولوب
 بنومات صغیر و کج و شیطان بر طغیان و اسبکبار که خفتنی من نار و یوب
 خلق جهان اهی عیسیان کبی اهل نیران اولور بری و رمانی و شهر روزگار
 زور کارک شدت و قدردن دل همدوران کبی یایوب یا قلندر بری اما کنی یاد اک
 آه آشباری آسمان روان اولور قد که اکب نواقب سما مانند سما و بهار جهان
 او کورد و خوان و دغاین پنج روز کار و دن بر و صفت و غنی مکتوم و مکتونی
 ناچار آه آشباری عالم عیان قورده دارات بهار آه شهر سینه عاشقان
 کبی موزان و اسباب و اموال صبر عاشق پر ملال کبی کلان و تالان اولور قد
 مریورک دخی خانه بی یانسیدی و بود و دیه مسود ایدن و دختن آود و ایل
 جسم افلاک کو که و بانسیدی اول تقریب بر قصیده بر انتظام و یوب بهار اعده
 ذکر آتش و آبی التزام انتم شد و اشعار اول قصیده نامدار و نذر
 دل یوب تش عتق و کوردی کوزم آب امتزاج البیدین اشعار و آب و تراب
 خانه آتش بر غور شده دیله آب صومر زنگ شده عجب آب کلمی خج
 و بری قصیده چار آمد بهار در قصیده خواجه کلامه جواب و ابیات اندر

مصافح

جمع داره در باب که
 به اینجاست
 و در اوقات خواب
 مسکله

جهان باغنه خد زلف و چشم و قد کای لبر بری کلد بری سبل بری و عری شهر
 الله باد و کورده آب و دکه نار و باشد خاک کافیدی بوزلف و عاری و حد خط
 جاکله دنا خله زبا کله کلامه بدن بریان جگر سوزان و دلان جان بی فکر
 صاحبکال و اهل سخن اولان باریانه طایر و شرح و دکه دارنده طوائی آن من بین
 قد و بهار و سر دفتر طایفه شواء سبحان جهان خدمت خواجه سلمان با کز
 هر مصرعه چاد اوی ذکر انکه التزام ابد اکنتا انتم شد و اشعار و نور انکر
 و اودن غافل و انیکلری صفت و دقتن ذایل اولور اول صند اکا اکتفا
 قلم شد و شاعر و اولور ایل حاله و مبارکی کب کالنه طریق علم سلوک اید و
 مرحوم معلم زاده معین ده مننی اولور قد و دانشندی اولوب مکتب نزد و خانه
 حاضر اولور کستان مالیه باران لطف و نوازی ایلر حاضر اولور کستان ایلر
 واسطه سید نی اصحاب دولت و ارباب جلال و غنت بلکه حضرت شزاده خواجه
 سلطان سلیم خان خدمتله اظهار عبودیت ابد کسب آشنای و معرفت علم سید
 بعد کارم اخلاق ایلر شزاده آفاق اولان طاق چلی خدمت شزاده ده
 مقبول و سلک مقربین و دخول ابد کده مریورک خواب نهانده میل و رغبتی او کوب
 بیلان مقال کستان لطف و نوالدن غیری بر دین غنیم و غنایان اشعار
 ناخار کرم بشماردن اوز که محله مترنم اولور بری کل جمله دخی و مریور
 میل و رغبتی اکثر و اول طایفه دن خاقه نظر لطف زبانه منتظر اولور شزاده
 خیر مرینه تربیت و مدحتی ایلر شزاده کمالوفه شیشه و صفا و عطیه سینه مظهر
 اولور به پنج ایام آستان معانی نظا سر زده بند و چاکر اولور سیدی بعد طاق علی
 استنبول کلوب و رخ روح جنت آشنای کستان جبانده مکان اید و خیر
 شهیدان اولور قد علونیک علونیک و مظهر و آستان اولور شزاده

دبر

سواء

دل خواجه واریور سینه جان کلون شهر خانی فوسون چینه کلون
 ورحوم صاحب قران سلطان سلیمان خان بومنان بجنور اوکو جس و قتل
 علوی رخان اندکده جو فوسون در یای غیب سلطان و دخیان وهران
 وماند برک بیدلزان اولدقه طمانه فراده قلوب قاری فراره تبدیل
 و حضور خفزی شفت سوز دکتوب آفتاب واره بر بر بدن برج آفره کویل
 اینمندی باد صبا کبی دنیا بی سیر و کاخ و انار و جویا ریکی هر دایه کذا و
 دینو دهور و احوار کشت و سیاحت اختیار اینمندی بخت با کما هفت اقلیم
 حضرت سلطان سلیم تحت سلطنت جلوس اندکده مثلا جلوس ایلک کلوب و صالک ادریغ
 ایل ملازم اولمندی اول ماندن بر دس و کار و منافق و حرا و اولوب کما اهی
 بعضی ارا و وزیر ایلک ملازم و صاحب اولمندی حادخی اول مرتبه دن قلوب
 خمی کبی ساکن میانه اولوب کوشه کاشانه دن بر قدم طمشه جعفر و منا و مال
 شرابا بسز حرکت قلم اولمندی اول ایلدن ترتیب دیوان ایتوب دل آشفته
 کبی شاربلاخت شاری پربان قلوب نریاضت منتظم اولمندی امکان اولد
 ورحوم طاق جلوس ک و فاته بوماری شیره آفاقه ایلیه حق که خاتمه طاق
 بوی ایلک شاربلاخت شاربلاخت نیک اخبار ایلکار بر
 عدم کلزارینه غنچه لب جان کندی درخ اول بر دوسمین برن نریزندی
 اوبدی ایلارک ان عذر اید و آهندن سب کوز دیر عذری کنانندن
 خرج ایلر سب جیو که دل ندر روان بیک بلور افندی کیشی کدور جقارن
 اشتر بوز کم باره لری نیمز اولکلر صبر ایلیم چاره ندر بنزایش اولمز
 بولندی دبدنه خطا سکره بقدن کوز دیر قاره بولندی کتا به بقدن
 و فرغ عشق دوا سرب جانانده بوز بوری خسته کول کلک نفاذن بوز

آشبان اینمندی سینه دوشکل کوچه انمندی شهر با رحمت او و او دن و
 خطک فکر بلیه چن این چنزار چنست دراک و فلاری غیون و درون باران
 درینجا سید اسکم جویا اولمندی کدکده بنم سر و دم و خاره کنا اولمندی کدکده
 و صالک شهر نه ایرمک منیر اولدی کندی خوش کبی اینمندی فراد و زار اولمندی کدکده
 برنجی عاشقی کوردم در جانانه کیدر مورا در چکوب بخت سلیمان کیدر
 علی جلوس و جعفر کثیر التفصیر ک عالم ارواح و احدی فر اولوب ملک اشباحه
 می و رالم و واسطه و لاله وجودی فلاید ناور و اعوامده داخل ملک انتظام
 اولمندی رابطه اولوب سزاوار انواع اکرم و لطف ماصدق کلام و لاتعلی
 جناب غندن مرات منقبتری صورت عبارت ربوبیت ایل مجلی و فلاید جلایل
 فضایل فرایده رتبا حرا کما رتبان صغیر ایل موش و حلی اولان بدر مکرم
 بدر سما ساحت و کرم جناب علی الشان و سنی العنوان هر سب کما کما
 ماه جهان عالم استحقاق بحر محیط فضایل قاموس لاله حسن خصال سند روات
 احادیث فضل و کرم مطلع انوار اسرار علوم و حکم باغبان حدائق حقایق
 پر شرف و بارها کچور کوز انامدینه العلم علی بارها آینه جمال کمال
 در رفعا مکان علیا جام جهانمای مراتب ستمه و مناصب علیا متم ماهیت
 جلایل لطایف متوم نوع فضایل معارف مرات علم عقل غایب خلافت تاثیر
 و تاثیر افلاک و عناصر واسطه و عقد صدوره فاتح عقد شکلات امور عنوان
 نسخه و مکار فیهت مجموعه موالی و المالی نتیجه مقدم و مالی ایام و یالی
 چاکسوار دلدل فضایل معارف حیدر کرار عوارف و لطایف
 لبس من اند بستر ان هیچ العالم فر واحد الموالی الفضل و التزاکم مل
 العالم العلامة و العذرة النواته و السجیه الطاهرة و العقد التي دلایها ظاهره

المنعوت بالحکم الجزلی والاخلاق حسنة جمیلة امام خضعت دون فضل الامام
 و تزیینت بتلایه فرایده علم اخلاق الایام **و** بقول لسان الدهر مدح فضله
 و کلمه فوق الذی هو قایل سلطان الافاضل برهان الامان الالهی بالتمسک بالاولی
 البو النافع و البدر الساطع الطود کشف و العلم الراشح و هادی المصون و المنقول
 جامع الفروع و الاصول بدر الایام سراج الاله مولانا الوالد و الاستاذ الماحد
 الذی ارفضه العانة و الی **سده** شرف افاضه و اواه فی فقه کالقیح فیه ترفع و ضیاء
 و فضایل شریفة العز و بفضله **و** الفضل ما شهدت به الاعداء صفه مصافی
 للذین احسنوا الحسنى زیادة مولانا و والدنا علی علی ابن اواه که هر تبار زاد
 جعله جنة ماواه و کایه کجانب منقلب و منواه خدمت بزرگ سبزه وجود پر جودی
 جنت از قضا سبزه دن نو خواسته اولوب سبزه اقلیم فضل و عرفان و ضبط فکر و
 تحقیق و ابحاث اچون شرم زور دن علم افراسنه اولمده حقا که بر ذات شریف
 و بر وجود لطیف در که اخلاق معطر ای بخور بی کس فضایل و می سن عکالات جمیل
 طراز باس نماین بانه خورشید منیر شمع انجمن انشوری و آینه رای منیری
 جام جهان نمای هنر کسری صفت منیری شکل کشی عقل متفاد و برید خاطر بزرگ
 راهمای و قود صلاح و سداد صحایف اخلاق روی زمین ده اوراق کلام شریف
 کبی کسراینه و سماء نکات فضل عینی سیم بار کبی هر دیاره رسیده اولمده
 لوح خاطر عاری تحت نقوش حقایق الکوی و حقیقه منیری مبط انوار فیوضات
 ناستا هی کجینه سینه پر سینه سی جواهر زو اهر علوم ایلم شون و قود نفوذ
 انواع فضایل سندوق دروننده خردون انوار کلام معجز نظامی مشکوة انجمن اهل
 و انوار کلام شکیں ارمای مبتین حقیقت اسرار ایمان در
 از چه فایده در حلقه درست جریس چون جواب توبی خواست که حاضر است

علم تفسیر ده ذات بی نظیری بر امام در که کشف مشکلات انوار کا افتد ایل
 خوایدر و بر قاضی حکم حکم و تحقیق و انعام در که جمله انام کلام و جبر و سبطی
 و از این غیر اینی کشف انوار تنزیل بکدن متد ایدر که مشرق و مغرب
 مضایح ذمین غیبی تابان ایدر که روشن مظاهر و حدیث صحیح فضل صریح که کابر
 عن کابر تلقی ایدر که مستور و منوات در هر مومن و سلم بایند مسلم اولو و
 محل عباد و منازع و محاکم و کلام و دخول مجلس خاصینه و خشت مکن و کلام
 بخاریدن کلام و کلام حقایق طالب **و** واقف موافق علوم و حکم و مقاصد مقاصد
 فضل و کرم اولوب ادر که توحید و توحید ایل مسائل مشکله و توضیح و دقایق فضل
 تنقیح ایدر که اول صدر کسریة و الاسلام و قایة الانام و خیرة الانام بحر حیط
 علوم بلانایه جامع فضایل و معارف بی غایه عارج معراج الذرایه اولو وجود
 مسعودی هدایت رتبه و عنایه سبحانه اولو و غی مد غایه شاهد صادق در در
 کلامی کفایت ایدر ایدر که کلام و بارق در علم فیسده اول غیث المسلمین
 جسد روی زمین اولوب قاضی زاده روحی اولو و غی ایلایه ربع مکنون
 نور فضل اولی عالمه کون کبی **علی** **و** علی بایند حکمتن دم او در غی
 ضبط و فیات ایمان و حوادث و فایز زمین و زمان و اخبار ملک سالفه
 و احوال سلاطین سابقه ده محفوظ این کثیرا کاست می قبل و حقیق در
 فتانت و در غی خواجه جهان مر و ایدر صدق فضل و عرفان اولوب
 نثر اللالی و قلائد العقبان و الکلیل نجان بلاغت و بیان اولان کلمات
 پر عنوان و منشاء فصاحت نشانه عقد شریکی اجتهاد و انتظام و مکرر
 بر کتاب بلاغت لغات امشدر در که جبریت فرای بلغای کتاب اولمده اول
 کتاب بلاغت مظاهر بیان معارف و کبار و در مثل سایر اولوب محمود حالشان

معدن از

معدن از

برین لطافت خوب کسی نیاید **تجلیهای عبارت** و دوسر معنی را
 شبیه فکر چالاک جناب حقیقت و مجاز و وجه بار هم در آل قوام و خوان
 اطناب و ایجاز. اول کتاب تمنا بلاغت طراز و بحر پر دازن هوای صبح
 و شام سده پرواز. آنکه امر محال و محض خیال در دنیا و فکر که اسناد کارخانه
 قطرات در مواضع شفقین و مقایس حواس اوله اولی بدر عنایت قاض
 بالا و توفیق مناسب با این بکمال ظاهر استحالته اید و کج مانند نور خواله در عین
 قد لؤلؤ الفاظ طاهره. نوکت با تعید لاسان الوطن و من عیون معانی کل
 بخل العیون لا غنها غن کل. اول عبارت زیاده و استعارات فائده و اول
 الفاظ طبعی و کلمات فصیح که اویج بوابات دره.

یا منشأ او جد الاشیا انشاء و لا یخالف الاشیا انشاء
 یا خالق کل شیء انشاء و ان ملکها یا رازق کل شیء ان ابلأ و انشاء
 مع خدیت علی الشانه جناب فقایل نشان مصدر افعال حاشا منسب الیه
 دولت و احسان خورشید آسمان فضایل که کب سعد جلال فضایل مشرق
 آفتاب علوم و حکم آینه جمال با کمال فضل و کرم بوستان فنون و معارف که در درگاه
 و هوای کمال و لطافت که باز میگردانند ما فی علم مانع. عدیل و نظیر تعید از آن
 که طاکستان جهان طوطی شکرستان متاع گویا. ابدین و ابد ذات سوده صفات
 صراف کوهر سخن اول غل زمان شرف نازده خواهر سازنک با سعادت او که و خود وجود
 و احسان طالب متاع عرفان و تحصیل با زار علم و کمال روح بود **سینه**
 خواجده اول نزدی شاه دوران. اوله خواجده زمین و زمان
 کلز انک نظیری و نیایه. اولدی فضیله قدوه دوران
 خواجده سلطان جهان و سلطان قاضیان زمان خود نردن بر مدح جامع که

جوامع مجامعتن اید و کج روشن و لامع در گوش آید که **مصرع**
 کلهی بر حالت که در یار کبی خوش ایدم. بوی زرید که مرحوم الحون علماء
 بختن دیک مستدر که جامع انواع حقایق و وقایع و حایز اصناف
 کمالات اید و کج نور صبح کبی صادق در وقت مطالعه و مسانت جسته
 هر وجه فایق اید و کج انوار خورشید کبی لامع و باریق در علمای عیدین
 خداوند عجب و کله که تصاید و اسرار عجب جمله محفوظ و معلوم و نوار
 و امثال صحیفه ضمیر لیک مرسوم اولوب عالم فضلی احاطه ایلمن بر کج زخار
 و بهر دریای بی بین و کنار در سبزه زار جهانده نقشه نشان سر فرو اید و ب
 متجرب و صوفی اربعین کشن کبی سر بر انوار اید و ب متفکرین که اول بر دوش
 کمال و کل کلستان سعادت و اجلال. بنجه توصیف اید و ب کل کل کبی بنجه
 نغمه اولم و ما بیت تعلی و تنوکلین نه مقوله حد و جمله خوف قلوب. مانند
 هر و ماه اول حضرت ملک خصلت و ملک جایگاهی کجانی روشن و هویدا قلم
 جسم اولان هر سر موزبان سخن گذار و مدح کو. اولوب حشره دکل اوصاف
 حضرات عالیله گفت و گو. آنکه غلغلند انداز جوخ مینو. اوله وصف اخلاق
 علیه نردن بر ذره و ذکر فضایل علیه نردن بر قطره. عیان آنکه فاکر و کله
 پس جبران و زارنم که اول حضرت یک مدحی نه قلم ابد کج بر قلم و عهد و وصف
 بی انتها نردن نه حال که بیرون اولم. اوراق آسمانه ال اید و کج نویف
 شریفین اکام توید ایدم. و خانه اشجار روی زمین طاقت کتور خور که اول
 هر چه بر صفحه اندیشه کشد کلک خیال. عالم مدح تو بالاتر از ان ساخته اند
 اول خوندن و صافنه مدح و وقایع اولی نه لازم که صفت طنائی با کج
 همگان اولوب شرق و غرب زمین ده عطر اینرین. اید و ذکر حبلی

در وصف این خدایم

جنوب و شمال المیه اغوار و انجا در پیچ مگوند. مشک با یک ایله در شرح فضل و کمال
 او اوصاف کریمه و القاب پر جلالتی خاصه خورشیدی بیا نام و صفای شهر
 او اغوار تصور ایدوب و بر جوج پیر اوراق اطباق انزده بحر و بطیر
 آنکه در ششم کت خلق عظیمی لطیفیم بر دیار منتشر ایتیم در وفا فایز
 و روز و وصف پر طالع و بر روزنی اطراف و اکنا فیه شتر منتشر قلمه
 فاسکت عجزا عن امور کثیره **س** مطلق لا حصی و ان قلت قلت
 بوستان جهانده انوز نهال نورسیده اولوب نقشه خط سبز گلستان روینده
 و میده اولدین موده فضل و کمال بر کمال و شرح افکار مشکین ارقامی
 عین آب زلال اولمشدی مولانا بخاری حکایت ایدر ایدی که اوایل حال و باد
 سن و سالزه ده فیه و مرزوره ده تحصیل فضایل موفوره اکون اشتغال ده
 و ترتیب مقدمات علم و کمال ده یکن ایام باره ابروب هنگام کنت و گذار
 و موسم سیر دشت و لاله زار اولوب ماه ارد بهشت ایر مکه طبع سبز زار
 نمودار بهشت و روی زمین مثال خلد برین اولوب نهال کل هر و گی هر زار
 اولمشد بیل شیدا عشق باز که آغاز ایتمشدی باد صبا نه باشند کن کنش
 کاکل سبزه کفاره اولوب زکس شهر لاله نقشه نک زلف مطرا سی غمیل
 زرد و زار هر کج صبا ده کل کوزن بو محبوب انجم شمال بیدار اولمشدی
 بزیم گلستانه قری هزار دستان خدمت علی لنگ بر کماله ایله غزلخوان و
 سوسن ده زبان بوابات بر عنوان ایله طب اللسان ایدی **س**
 جیل شایه ایدی پریشان جوانی ب کلش هی جیدی تخت گلستانه کایا
 رخسار لاله شجره ابر لیه ایدار زلف نقشه نقشه باده و مکه کتاب
 د بواز برکی بو شوب بندن سحر زنجیرن سور و یو کلو گلستانه آب

فصل هارده بهر رکوته اومغین . قلمر صباح زکس نورسته نیم خواب
 تروردی باد صبح تو زین لالک . جی ره بیلک حکرن قلمر یک
 بر کون اتناقی بارانله سیر و صیحت گلستانه آب مثال وان اولمشدی اتناقی
 بایراندن برنده بهارستان مولانا جامی و ایدر خدمت عالی منقبت
 و علی الخیر لنگ کتاب حریر الی الا ان منظور ری اومغین آینه مثال مقابل
 جمال با کمال اولوب بر زمان اول بهار عوفانه . نفوج کنان نکران اولمشد
 خواندن بعض کتاب رتو یک بعض حکایاتی کور و کوزنی و بیکده علی حکیم
 غلام ایدوب حیره حافظه ده خزون و صندوق در و نده محفوظ و مکنون
 قدیم و دیکده اخوان و شرکا عاکتری اوزره استناده شایع زبان طبعی
 هر گوشه دن درازه آنکه آغاز ایتدیر مرسوم دخی حسیبینه اولک کتک مخطوطات
 و اشیاء و زار در حکایاتی از بردن صوکی روان و انجیل شرکا و افراجه رسته
 و حیران اولدیر و هر برسی خاصه صفت بر مقارن قدرد و فضل و وفائیه
 ایمان کسور و برین دخی اولن ماندن بر و اول فاضل زمانک ملال شایع الیه بابا
 او فی غنه عالم و دفع اقالیم عرفا که سلطان رفیع العوان اولاسنه لم و کمالی
 حازم اولمشدیم و لولا فضل و علامی و اصل فرقی فرقدین اولی غنی رای العین
 مشایخه قلمشیم جناب علی الشاذلی بو کونه کوهر افان اولور ایدر بکر طریق عکله
 ملازم اولدقده مرحوم والده فاضل فتوح اکین خدمت سعادت حجه الاسلام و روحال
 سده سدره اخرام رسول نامه خایر اولوب ولده سیه قلمیه و بوقصیده مکتوبه
 دیمشیم جا که کتباتدن برکتی مکتبه خایره اولمشدیم و اکثر کتبت عینه یک
 جل با کمال کور شرح و کلتن نواید و عواید نثار لطیف و معارف دیمشیم
 بکر علی الدواصل بایق الحال . قد احق النواد هو ی ذلک الحال

اول خنده

وقت چیل میرسد ای جان تو هم برو. بانگ نفیر بشنوم ای دل تو هم نیال
 نای نفیر کسی ایدراله ایل در د. کوس رحیل کسی و کرسینه ایل حال
 یا حادی الزکاب ترقی رفقه. حاموا علی التوام خا موا علی اریال
 نالان روم مثال حری ابریدانک. بانک درای شبنوا از مجمل وصال
 هر دم زمین چهره زده نو قدن. بولر قطار انک در افتانم انفصال
 لمعان نور و چرخه قتره الزل. بدر یلوح فی ظلمات من انقیال
 جز آب خیر تو نیکر دستطف. چون غرق شست شعله زدی در قمل
 ماهی صیغه فلک اوزره دونیم ایدر. انکشت مجرک که اولیدر الف مثال
 و معی بیاب بود کاکلنهر است ایمل. حاشا که ندر سایل خود لدی السوال
 از لطف خویش بر زمین برید از انک. تو ابر رحمتی و منم کشت خشک سال
 سل و سمال لطف کله کوزارم شین. غرق اولدین بو کیده لطف ابدی ال
 حریری که نایج تار بود حلال معانی و بیانات خ الطباق ارواق فضایل و عرفان
 اول سال به بدیع الحاله و کوریدی منامات با غنچه کنده منامین بوب نعت شام علی
 قابل او کورد. و صحت کخاف ساک طریقی تصاف او کیده. فزل دعوا دن معتزل
 معام تنزل منتقل اولوب کلم التوا بعدن ترجیح ایلدین ایل او کورد حقا که راله
 زبوره فلم مثال مثالیه با اینان اولوب بر آن ست ارباب عرفان کنیز
 و اعلام سکین ارقام وصف کمال بلاغت و انتظامه و مایه اول سال لک ایل و
 لک احمد بامین اکرم الانس بعد ما. هداه ال تنوی و علم بالقلم
 تولف بالکاف و التون امر. و تنقش لوح اللوی من ذلک ارقم
 اول بنده خورشید عالم عرفان. و درنده شیرینش کجین و اذعان عنای
 قاف معارف و حقایق. شهباز بلند پرواز هوای قیام و نفا و جلالت اکتساب

فضایل

فضایل عی به بانگ مایه مالک و میدان امتحان و اشرار و اشرار غالب و مالک
 اولوب طایفه سعادت و رفیق علم سالک اولدیده خدمت افضل انام
 و انانی فی علی مشرف و کونج دن بر اوئی جواهر زو امهر کلما بر انتظام علیه موقوف
 و مشفق اولوب حضرات عالیانک و انوزده مجلس فضایی و شمع انجمن معارف
 جلایلی اولمشلیدی جمله دن غیر مصر فضل و عرفان اولان مولانا اعظم
 سنن افندی بر و دشت بدان علم و حکما که دست پر اهلای حریه ایدن شمره انیل
 دنیا اولان مرحوم مرحبا افندی به معلول علوم و فوئنه ذات فضایل شحونی
 علت غایه ذات پر عیال و مکارم لانا غنچه فی انده لایم حما که حسن رای
 اولان مرحوم معلول میره دانستند اولوب آفتاب فضل و صلاحی مانند نور خورشید
 ظاهر و وافح و نیم حسن نمایلی بوی عود قاری کی غایج اولان مرحوم
 قره صاحب افندی که منظر لطف بر مریدی اولوب مدینه فضایل مونس
 لریکه مهدی اولمشیدی اول اناناکه مولانا ی مرحوم اجابت دعوت حق انجمله
 روح روانه فسحت مرای جنبانده ارواح صاکنه علی اولدیده موح ملا متدن
 ابا ایدوب اول زمانه شیخ الاسلام مفتی الانام عالم و فضل و خیر کامل طایفه
 علما ایچ عایت دیانت و صلوات الیه معروف و ارا و اکارن نهایت
 احسانیه موصوف اولوب امانه پرور و فضایل کثره اولان مرحوم
 جوی زاده مستدین فتوی افاده اولوب رشیدی افندی حسن آرای
 دین و دولت و ریاضت بخش بوستان ملک و ملت اولدیده اکتساب
 جلای فضایل و اقتباس انوار فاضل ایدوب خدمت علیه لریکه کمالی
 دشتا که دیر اختصای اولمشلیدی خدمت علی انان بود و لک کوه افان
 اولدیر ایدین که جمعیت نیر کایله اوایل شرح العفند دن درین اولوب

محدثه جلوس خدمت علی الشیخ ترکی اولیاد کوزی الیران در فیض البیان و
 مدرسه زبوره به طالب و پنج دم اید که وصول مرام سفوره راغبی کجی جناب
 صدایت باجه صلاح و تقوی ده بکانه اولدوغ کی شاه جلیلی دخی صفای و تقوی
 شهره زانده ایدی اول جلدت مدرسه زبوره انکار نکند تتردد اوزره آکین
 بن دخی هنوز صلوات کلوب دخی امانه و امانه موصول اولق احتمال ضمیمه
 قطعی خطو انجمن بده نوعا قبول اولدوغ جناب شریفه منتول اولدوغ
 اول آنده کاکا احسان ایشک روی امیدم ششم لطف جاوید ایلخند انجمن
 بعث سلطان حاقیق صاحب قران بی بی وین آهنگ سکن عراقیان
 اینه کده ایشا و راهده صدر رسالت پناه مرحوم سنان افندی خود و برادر
 مدرسه و بی اقرین نامزد ذات جلال تکین ایشک من بعد دست بیت
 قطع مراتب و طی مناصب ایل صدر صدر اینه صدر شست اولیاد موزل اولدوغ
 مدرسه زبوره ده مدرس اکین باغ مباح لطف و کرم اولان مانده وزیر اعظم
 و مشیر اعظم اولان مرحوم رستم پاشا پسرانه تنکاخ الاخره مایه و وفات
 فیه کوه اینه ده مدرسه عالی بن ایدو اولاد بیسی قران فیه ایل جناب علی کار
 در محله مدرسه زبوره عنوان و اول تبعه منعه به جلیلی نام و وفات و میرزا
 بعث سلطان ششم مانده خدمت نیک خواجی سی علی ران افندی برینه وزیر و قو
 استنوله بن ایدو که مدرس اولدوغ اگر چه ظاهر احباب بهر عنوان
 مدرسه مانده در ککن خوان افضل و اکمل بر کسینه مانده اول کفله فیه تحقیقه تدریس اولدوغ
 جوق موت کچدی مدرسه خاصکی ذات مباح اینه صلیبیه خاص فیو اولدوغ
 پناه غوغا جاهد تکی و مقام منیع نعمت و علایه داخل اولدوغ بیروانی ایدو
 ایدی بدو کفری اولان پیر روشن ضمیر و فانی عوالت سیمه مولانا میرزا

افندی که عیوب فقفا احوال تحریر و طبع اولدوغ مرحوم رفو مک برای مفسده تیزتر کت
 اینه کده **ب** دولت تیز رستخیز بود دولت است که و خیز بود
 مضمونی اوزره من بعد فرزند موثقم کواکب سیاره کبی برج التیر اولدوغ کاهی مستقیم
 و کاه راجع اولمندن اید کواکب ثوابت کی بطریق اولون دیورت کوه دعا
 ایشک در اول پیر ک تیر تیر ایسی هدف قبول موصول اولوب اوج بل مدرسه
 زبوره ده مدرسه اولدوغ کوه قدر مدارش تانید خواه بانه اید مدرسه و اول
 مدارسی می تشریف ذات حوری بر شنی ایل معادل حامل مشیت داشت اولمندی
 اوج بیلدن زیاده اول مدرسه ده افاده ایدوب جمع صاحب قران زلفان
 مرحوم سلطان سلیمان خان ایل مدرسه دخی بانه کده برین مرحوم رفو احسان
 ایشک بی بی بل مقداری اینه دخی کفیل معارف و فنیانل سیمه ایدوب
 بعث کوه غوغا لاری بوبیت و کشت بد کویا و بیلستان برای رفیقوی بو خطله
 شام کو خال رخ عرصه کینیت تمام خوش سواد بیت بد ذلک علی کمال
 حکومت شام طرف انجا طبر حشام اولوب نسیم عنبر نسیم لطف بی اول مدرک ایلان
 و اعلام سنگ ساحه وجود بنه وزان و غلام انعام و سیاب کرم عالی ریاض
 قلوب و فیض و شرف باران اولوب ایل مارکی ارجا و انجاسی افتاب مکرمت
 و عطای ایل کفیل بد شانی ایدوب کحل کواهر دیده اولدوغ الا بصیر اولان غبار
 کیمیا عیاری و زور دیده اقبال و سرته چشم سولات و اجمال انجمن ایدو
 قاضی اکین اخلاق علائی نام کتاب که اخلاق علی لری کبی نام و شهره ایام در
 تالیف ایشک در حق که برکت حکمت بضا بد که خلعت خلعت حسن و کمالی
 ظاهر اولان اخلاق اصری و جلیان اخلاق ثواب متوله سی اولوب بیان
 قوانین حکم علی و علی ده هر کلامی بر فضل و بر باب اولدوغ و فیاض

در کمال

آنست وجود و ظاهر اولاد اخلاق آخری متوجه و متروک و اخلاق حسنی
 سامی و عالی اولاد اخلاق محنی و جلایه و فقر حکمت و شکو و شکوک اولاد
 بودند عاید نماید ظاهر و لامع اولاد روح اولاد اخلاق علانی حسن
 الکاتاریج و انچه اولاد در اخلاق حمیده رنگ بیکه بری تحریر اولاد
 برکنان و خصایص رنگ غریبی نظیر اولاد به فصول و ابواب اولاد
 حکمت عبادت دین غیری اولاد شیخ و علیّه اولاد کلوف و اید و لطیف و فراد و عباد
 درج انیشل در که قابل تعبیر و لکن توتیر و کلدیش در نوک و علما و فضلا سیایه باشند
 و مباحثه اولاد اولاد خدمت علی الشیخ الحوییه اولاد علمای عرب و قومک
 بود و کلو تخریدن متیتر و متفکر اولاد رایدن بر و فو که علمای شادان شیخ
 ابو الفتح الکلی که مالک مضایب فضایل و فله توبه و غنی و توبه و سعادت مستغنی در
 اصل لایت مزین اولاد تزیید و لایت مزین و احوال بلدانی ذکر اولاد
 رحوم و قوم کوشه کوشه احوال اطوارین سولیک کلزده شیخ ابو الفتح که کوشه
 باب کلامی فتح ابتد که اولاد لایتنی و طبعه کورد و دانه مقدار فاضل اند که
 و قایق احوال اطلاع نام بولیشن و حوم و فنی اولاد مالک و رات کتب تواریخ عالم
 کورد و رای العین شاید اید که دیو بود و قلزده شیخ مزین و غنی و عیان جبرست
 و فکرت اولاد بر دفعه و فنی نام و قدوه علی اعلام اولاد شیخ فنی الدین
 این بر الدین که اهل شام از معادل و مائل سیوطی و این جبرست و باری
 و متفرقه کلدیه کلدیه دهر و ذریه و در دیو مدح و بیایه قلزده بری صریح
 حضرت بکی ده علیه و علی بنیت من النجیده القلوات اتم و اعلام و الدیاجد المیه
 شیخ ابو جابر صاحب الکشف اولاد اخلاصات و ایراد انچه و کلامه
 شیخ الدین ابن السیرین کلبی که جوابی مذکور اولاد قدوه فنیسی را جلد دیو

اختلاف

اختلاف واقع اولاد قدوه خدمت علی الشیخ ماصدق جبرست اولاد بر فنی
 هویت السمان ابن السیرین جابنده اولاد ابو جابر صاحب الکشف اخلاصات
 مالک طریق انصاف اولاد محبوب راه و تعصب و اعتقاد اولین ابن السیرین
 محاکم سنده کلام منصفانه و جواب جعفرانه سن دیر سنده و مرام کلامی نشان قبول
 اهل عرفانه اید در دیو بود و قلزده شیخ مزین و جانب ابو جابنده اولاد جلال
 اولاد انقطاع و انقطاع اولاد شیخ جانب علی الشیخ سعاد کلزده رنگ کلدیه
 علامه ابن حجر و سیوطی نک ثولتادن و اجاب علمای حمیده و ثواب الدین السیرین
 کلبی با جوبه عالیه جنت و دید و کنی و بیایه بیغه و کلمات فیضی و ابرار سال
 انشاید اولاد فنی حال متوجه دین ابن السیرین بر ابکی جوابی زعی اولاد
 تزیید اید و بکوند و کلدیه خدمت علی الشیخ انصاف بود که فنی و فصول
 اولاد سوزینه دلی کوردی و فنیسی متولد که بر اولاد سوزینه و دیو شیخ مزین و کورد
 ابن السیرین و در دیو جوابی تزیید و تضعیف ایملکه جانب ابن السیرین تشبیه
 و تزیید انشاید علی عوب و متولد و فانیدن از نصیب الفین میدان
 محاکم و فاضله مغلوب و کتب اولاد جمله فنیسی علی بر الفنی و قابل اولاد
 هوالاتی بالمتسطه الاولاد و دید بر حاکم اهل شام اولاد قدوه زمام و فنی
 ایامک فضل نام و احاطه مال کلامه معترف و انهار فضایل و شماردن معترف
 اولاد محاسن و محافلده اکابر و اما شایع ابات مدح و شان تلاوت اید و ب
 هر برسی از آیه من آبات الله و بوشه کات اید و بوشه فائزه ظاهر
 قاضی اولاد همای بی همتا غنیاتی اولاد لایک اکابر و اصاغی اولاد
 کسترانده و سبب افکن اولاد غیاب و احم و جبه و جانبک جناب رافقت
 و شفق سبب بیان و مفا و نواب و فنی اولاد قدوه مالک معترف و فنی

عرض و رض بومش که جوهر پاکه نه یوزدن آفرینش ابد و الم اراف و سقم اول
 ذات بر لطف و کریمه نوجوه مد اخله ایدر تارک سپهر دن رفیع اولان قدم منیع
 دست الم رفیع نه جیشید و اصل اولور و قوت و جاده مهر و مایه نهد اولان پای
 سعادتمند غبار که درت و کزنده نه حالت حال اولور و بکلوفضایل و کمالات ایل
 محفوظ اکن طرائق بوافق حصار بند برینه نه جودن یول اولور و مظهر مبرات و شافع
 اولان ذات نافع و بار غنه معرفت نه سبیل یول بولور و خلیج کزاج شربلرینه
 صفت کلکده ذات خورشید انارتری مشرق ایوان صدارت اولو منصب صدارت
 خدمت غلبه ربه اختصار منسوب اول منصب رفیعک ملا بسی فی معارض و محاسن
 قامت عالی ربه راست کشیدی اول پایه بلند و زمانه دکل بای سعادتمند رینه
 یوز سوزمکندن بای مبارک ربه و دو خوب عذر رخ در خواست انجشیدی
 انت القدره منقاد الیه تکرار ایلر ایا فکرم تک تقیل الاله ولم یکبیلح الاله
 بو وینره و بواسطه ایدر مدارج حاره رفیع معمار ملکات عصای ایل بلند پای اولور
 رانته عالی دن هر مرتبه سیه که مطامع هم ابناء و زور کار رفی غایت معانی و اقوال
 دیو تصور ایدر ایدر اول مقام رفیع و اصل منصب منیع نایل اولورده اول مرتبه
 دیده اعتبار و نظرافتی رانته کوسه محبوب بدایت کار بکوار ایدر منازل عالی
 و مناصب سیه دن هر منزله که زانیت افکاره اندن تی و زانیمک منیر و کلر و کجی ظاهر
 و بیدار در چون هم علی لای الشبه و غوارینه انتظار ایده اخ اذنی رفعت
 نه سنگ فرد و پایه بقدر رفیع او منصبی که خلق بدان استخار کرد
 و اول منصب جلیله سیرت رفیع و سجینه علیه لری و باد و ستان لطف باد و ستان
 اولوب قواعد مکانه دشمنان سبیل اعب انعام عامی ایلر منهدم و آثار عداوت
 دشمنان انظار لطف و ارفاق ایلر منبرم و منهدم ایدوب ریاض طالب و مقاصد

ایدر حال ایدر ایدر

دوستانه رشتن کف سیب منای ایلر شالاب و بوستان امان انجمنه
 غلام باطرح و دافله سیراب ایدر و جواهر و اهرام و امانه اجتماع و نظم
 و ترب در رضای احوار و ابراری که صدق روزگار دن استخراج و استحصال
 اینتدیدی فکاده کردن حسانت اعمال و ذره النج مانور و اقبال فکله بری
 و آلوده خاک مذلت اولان فزاد و منغایه خدمتی اکیر دولت و کیمی سعادت
 بلبلریدی عامه ارباب جاهل و بوفعل ارجند ایلر سر بلند و سرفراز و در حال ایلر ایا
 تیر میانه سستی و نماز ایدر یک سر بر رفعتی اوج افلاکده ایلر روی نیازی
 صوب کی فاکده منزل خورشید کی طارم چارمین ایلر نه منظور لطف خاک مذکده
 اولان فزاد کین ایدی مدارج غایت مدنی و خلق ایدر که مکنت و درویشی ایلر
 متجلی ایدی بر فقیر کلام باضراعتی هزار امیر و وزیرک شاعتمدن اولی
 ارج و حضور عالی ربه بر فقیر کلمه آثار سرور جبین پر نور لریدن کون
 ظاهر و واضح او کورید از خارق دنیای دخی ایلر قطع شیفه و خرفات
 و مزوقات فانیه ایلر هرگز فریفته و اولوب فندان حصول منصب نواله نمودم
 و سرور ایش و شراب خور و ایلر سیر صدور کی صفت و تجوز اولمکن
 حکایت سوز ایدر که بهال حال و مقامات احوالده عالم فقر و فکاده ایلر
 بر کون غار جمعه ده بر آغاید کردارک کلباس کونا کون ایلر مانند بولون
 ایش و طوس واره ظاهری خیرین و طمع اما باطن باطن بد صد اسی کبی اقیح
 و اشعفت قوت دیار مانند یازاکا بوی بد و طعم ددن خیری فایده و بر شش
 و درون قیامت شجونه خم می کبی و ایدر خیری شسته کبر شش
 و بر می نه خلاوت اکا مانند یاز، کیه زرفقیری جابل ادا و قیامت
 سجاد سی مایه راست کلکده اطوار فقیرانه و لباس درویشانه می کور دکده

(Handwritten note in red ink, partially illegible)

روی زهر آلود و جبین مذلت فرسودی، بر چین و بر خراش اولوب
 بدن غایت نفوذ و استیغاث الیدی اول جناس سناسی لباسنی دست
 نمکت استیغاث الیدی دانه جمع ایدین طیور کجی و شروب کندی و نفوذ نمکت
 سرات ایدیه دیو مثال و مضطرب و آتش بوقی درویش کج نون دروننده
 مضطرب و ملتهب ایدی بگادخی زبورک و بکار قباحه آمارنده سر چشمه خاطر
 اغزاره و آینه و صغیر نمکت و انک لکیدی بر قاج بیلین حکم اول شخص
 انحرصال و افعی اشکال اوزده کور و با اسباب بجهت تکیه ایام و االم
 ملتم و نریا مثال فرایده حلال و مجتم و منتظم ایدی اول ماندن برو خدمت قوای
 که سرای سلالت دینی و اخوی در کزده لازم و لذت و ذمت فتنه فتنه و آینه
 بلورم و در حوم و قویمک خفا بصر علی و خفا بل حلیه بسدن بر دخی بود که مجلس
 عالیلهنده دایما معارف و طیب و غیبی کن کسبه فتنه و غیبیت کند و در نزدن
 اولمز و قدح قدح مجلس پرتا و مدخلنده دایر اولمزیدی مثال کالاندن
 کلمات نفص بانه عزت و کمزیدی و محبت بر لطائف و مناقب بینه دخول مسای
 و مثالبه و خفت و کمزیدی دایما دست احسان ایدین قلوب جرات آبادان
 ایدر و ویران ایتزیدی و هر بار کاری جبر نهضان ایدر کفر بیدن مار ب
 و کزبان ایدی بر مسلک عرف و وجودی نیخ مذمت ایدر منتطع ایتزیدی و
 بر مؤمنک شیشه دلی سنگ نمکت ایدر منکسر و منقذ فکرمزیدی و همکم
 من سلم المسلمون من یدیه و لسانه کلام فرخنده بیامنه ماصدق حسن الکلام
 ترک بالاعینه فواید ایتخان مؤثر و محقق ایدر اول قرآن عظیم زمانه زمان
 کریدن سوره هوده و ارنج کثاف و تفسیر فافه طالع ایلوب خوانشی
 حقایق و دقایق ایدر موعظ و عیون صلاح کبی سقیم اولان شیخ لری خط در ایدر

استیغاث ایتزیدی و کتاب هدایه و شرح عنایه و نواصی و لواحقیه مدار
 ایدوب اطرافنی مباحثات و مطارحات و نواصی و نواصی و نواصی و نواصی
 خانه در بار لری ایدر مصیقل مجلی ایتزیدی کند لک شرح احوال و حسن
 حاشیه سنگ عذرا سمن بر خط زنگار ایدوب اول فقری فصورک در و دیوار
 بر نقش و نگار ایتزیدی و اشعار و انشائی الکرم، انشائی خنیز کبی جمع بیکه و نیم
 اوتشدر حضرت حق اول کاره دخی موفی و ایلیداته و فی التوفیق و دخی ملک
 اول فقری و شرب زنگارین صید و کتارینه صید فقری کتاب بجهت و حسابک
 اطراف و حواشی سنی انار اقلام شکر ریلد آراسته و هر برنی معارف
 و لطایف عالم پیراسته ایتزیدی و مولانا خسروک در و غزنیه حاشیه
 شایق ایتزیدی اتمام توفیق رفیق ایلوب ایام ناز جام فشت و بخل
 ایدوب اول جواهر زو اهر حقایق و در و غزنیه دقایقک بازار وجوده
 کلکینه و عیون ایدر اول حاشیه به جرات نظرین سلطان نظر بازار خدمت
 علی التک فتنه و کماله فی الحکله و افعی اولوب ایتزیدی مؤثره استدلال و فعل
 قوت و قدرت فاعله انتعال ایدر دست تطاول هر چه هر تیغ آفتاب پیر
 ایدر منقطع اولسون و احکام تصرفات و تعلقات ایام ناز جام خدایا مظهر
 و صنوع اولسون که موقوفه کتارینه و کتارینه ایام اولسون و بوموال اوزده و شیخ
 اولان دیبای زینبای بی نظیر کتارینه و کتارینه ایام اولسون و بوموال اوزده و شیخ
 فضا بیدن فضل مرتب و مختل دیوانه و مصنف و مختل اشعار بلاغت و شکر
 و در که نرات الفاظ و اصداع خود و محمود ذوات کواعب علان و نور
 و اشراق جمال معانی و التماج حسن اسالیب و مباحثی ماصدق نور علی نور
 اول جواهر زو اهر ملاغت و بیایه که نیم کور و ایتزیدی و فکله صد و خوانی

عنوانه
 ص

در

فکر و خیال در

کان الکاظم جوت کائنات الیا قوت و الرحمان الیه موصوف اولی بر صراف
 البی که منش و اویش بر حسن و الیه لم یشتن انفس قبلهم ولا جان فحای اوزره
 خدمت علی ان مذن غیر کی کسسه ملک ن پر دلالت کل حال دیر منزه ذات
 شریفی ملک متماکن بر عالی و سعاد دقت خیالک شایسته بقی اولوب بوفته دخی
 نامد از مقبول صفار و کبار اولدوغی نور خورشید کینی روشن و بدید از در دیار و
 اولایه از معادین و طبع موشکاف الیه معان اولان و حوم احریه جناب الا قری
 خدمت علی ان نوری سوز را بدید که ادر نه خفته ده اوج شرف و لو در کسینه و حجاب افته
 دانشمند یکن احری بلا آشنا اولوب بام جام معارف و کمالاته اصطلاح
 و اعتناق و نودوس شود معانی اکثر زمانه اصطلاح و اعتناق اوزره اولوب
 ار اوزره انفصال و افراق او کرب اولان باده بود و دوم یعنی دیار و عده
 فن متماکن چندان نامی و اهل عرفانک اول سخته انجذاب نامی بو عیدی لکن طبع
 صوبی سر و قدنه مایل اولمغان تجسس کتب رسائل ایدوب اولدیر عیانی
 در کنار انک اوزر وسیله هر مقامی صوبی جست و جو و مسائل که بسیار و تو اید
 آخر فاعلا اعجابدن برنده رساله میر حین نیب بوری خیرین المیدک استخ
 اکنون آلوب و نور احری او قورن باز ایدم ایکی کونده رساله انام ایدوب
 مطالعه و انجازه مشغول اولمیدک لکن بر نور احری اول فته متخلف اولمید
 نامدار اولوب خلقی انجمن ندرت ندر اولمیدی اگر چه خدمت علی انک
 بر کلامی حق انصافدن صادر و عین درویشی و مسکندن ظاهر و باهر اولد
 لکن خاطرات را نم اوزر ساع و لاغ اولان بود که حوم احری جانب
 معانی متبذره و کمین اول سیک معنی شوی سندن اغراض و مسائل الیه عجیب
 ابیات و خاطرات چون از کتاب کلمات و تعقیقات و اردز اما خدمت

علی انک متقاری معنی دار معنی اولدوغندن قطع نظر اولمید که بیابانک
 لطافت و مداحی روشن و انکار دوزنه کم و معنیات مدحای و نور
 ایات چون شاد صدیق اید و کماله و بار قدر **عشر**
 اجه اول کسینه کیم بسم کیمی صافیدر بنی اولدیر که چون زرگر کافیدر
 در و بوج کله ای در نایاب **الحمد** خون دال اولدی دامن احباب
 کند وین مرتبه عشقه نو کیم واصل ایدر **بکر** ایکی اوج مرتبه ده نام کو حال ایدر
 میان صفه عیش اوزره خود را احباب **و صف** سوزی شوی که اذن اولدی در
 اورغیده قد شریب دندی بی با و **مر قاصم** عاقبت زهر نیک ستر لر می عافره
 دل غنای غمزدن حذر ایت **و صف** و مبدع جانب دله نظر ایت
 شهر اکره بور تمیزی یک قهر **عشر** نکر ایدر لم اول کمال و خیرین
 سابق اولمک کر کل کلا اچا کینه **جانب** چون مستط اولدی کل ارافته باد
 کو کل اسب کیمی هر فته باطل اولمیدن حسن سنایت دیوار نقش فریق صنع دست
 اجوت حضرت بنو یک طغوز یوز اون الیته ولادت های بوری واقع
 و خورشید ساطع وجود نافعی اسعد ساعده طالع اولوب بر تواند
 عالم وجود اولمید وجود عالم فرور و مسعود اولمیدی جن ذات خورشید
 انار نه منور ایوان صدارت ایکن سه سه و سبعین و تسع مایه رمضان
 مبارک کنده ادر حضرت حق تبارک اید نفس مطینه ای ارجو الیه رنگ راضیه
 مرضیه خطاب سطا بنی سم قبول اذعان اید اصفا ایدوب جناب عالی
 و روح علوی رفیق اعلا ای اخبار و حقیقت عالم جبروت نفوذ فقه
 نامونه انار ایلوب بر موجب فرمان واجب الاذعان فادخلی فی عبادی
 و ادخلی جنتی حامیه بر کرام روح بر فتوح آشیانه لکن بیکرانه اولان نفس

شراب

قد زدن

و انوار

برون این قفس هر بغیت و نوبهار / هر جان صغیر زن که گوشت از حد نظر
 و بوی کسان چنان آشیان / روح اندر ده و زاد فی عالم القدس فوج
 حفا که نو کار داشت فرادن / خورشید صرست و حوام غلام غموم و الامین متوار
 و بنوع دموع جاری عبودیت / مانند نهر چون جبار اولوب قریب اولمشید که
 جان بر بدن و دایع ابد / در شسته حیات و عظم رفادت انقطاع بول موت
 موت العالم فوای اوزره آسمان / هر صبح شوم اشک خویشی و کوب لباس نام و
 بلاسن بنی سنی کیشیدی / و صبح روشن روی مصیبت غمناک و قوعدن کریانی
 دریده و نام غنیموی / بود افتد و لوزدن کسول بنی بریده انیمشیدی
 آه کم در دیده کس نم نماند / قطره از آب درین یم نماند
 دیدن هر کس چو برآمد ز خواب / کور شد از بس که بیارید آب
 واقعه غم سیه غم صابر لبوب / شب تار سیه جابه سن کوب دست جبار
 زمین با شنه خاک فشان / اولوب در بای عثمان جوشان و خروشان اولد و
 و غمناک در دل سوزان / اولوب افلاک دخی بعد شال ناله و فغان ایتد و
 بوحسب غم ای کون ابرو که / واقع و عیان درها خدق علی ان تک بویا غمناک
 اوللی بوجده عالم خانه دمانم کجا / و انما کو کلر کوب عالم طومر نام بکا
 اینکلدن دور اولدن اولد و کلر / نوحه کاه محنت و ماتم سرای غم کجا
 بر کلدن قطع نظر / بمتولد ذات قضیت کسزدن جد اولون و اول متولد ذات
 کمالک نظر لطف شامکدن / و دوم اولون بلا سینه مبتلا اولون عظیم مصیبت کجا
 غم و اندوهی کوب جانمزه جبر ایدم / ای کو کلر جابره نذر بر یکی کون کسیر ایدم
 متواتر قطرات مطر حمت و فضل / بر سر روضه جنت صفتش ابران باد
 در توازی غمسل در هم احسان / بر نود حسنت و د جهان رجحان باد

جبر اکی انکار ملاحت شعار / و بویات حفا آثار اول جنبه فایض خاک
 قلم مزار و نتایج طبع اقداری / در
 قبی لا لکونک اوزره زین خنک جان / مستفقد انکار المثل مال عید در کوبا
 نه دکلو کند و به آرایش / اول الف تی وخی موزون اولور کم زیله اولور فایضا
 غرض نقش جهان صورت کد کلک کونیه / جهان آرا ده بر صورت برای ماه جهان آرا
 علیک سینه سندن ظاهر اولن / نوک بکمال مکر نورس چند در که اولش خاک کن پیدا
 درون لاله جان بر نیاید / چون کون کون
 این بخشکی خلبه بر کز او / هرگز که
 علیدن فتنه عاقلی که کیوی / که کبرک
 شوق روی انیمشیدی / تشی مسکن بکا
 هر تیر غمزه کم قنک / آتدی کمان اولوب
 اول کرچه فتنه ده بردانه / ایدی خال
 منطلعم عشقم ابریه / نوک کو کلر و عام
 غالب اولدی شرف و قدر / ده روز خیده
 ماه نوکیبی در سک اوله / سن شهره شهر
 خاتم با قوت و زلف / شاکدن مدد
 ختم اولست که چون / فکده سحر کرور
 جسی دکل هر کجی جمع / ایددی شش درمی
 ادل کلک عاشقی / دختنه سینه لازمه
 روز شش شش / ایدم کلک کلشنده
 عاقبت بسم و ز عالمی / کوزدن با بر غم
 قفسه رکوزی / اجق ایل نظر کرور

ای علی کل کجی کشند صیغه کوزک اچ
 جاکلای کرچه کون کبی هر برده لاحد
 دما دم شل عشاق ایگه تیر کله تیرک
 علیک غیری حوز بهشتی واقع اولد در
 آهله کرچه طاق فلک بر سر راه در
 جسم ضعیفی که خس کوی بار در
 دوشمش نهر ایک سبای چشم مست
 بار ایدی اختیار علیک جو کندی بار
 سینه محنت خانه سی در دو غلای در
 صوکی طش نهند و بطریق دشمنون در
 کوی دلبرده اغوش استخوان جای
 روی بار او زره کورین خط مکنش کوز
 سگری مصری خیالت کوز غرق ایلین
 دلغم کلدن آهید بیان ایلدر
 ساغنی کیم کن رینه لیلان در
 مجلس کلدی رقیب اور توک مدد بیا
 قیمت حقدر علی اسباب رزم عشق
 نومه بکا لعلکده ن کفتار عتاب آینه
 فوق فوق اولد فی زیا اولور اولد
 2 بر نور قلور چشم من سیل عکدر
 3 لعل فرح انگیز ک بر آید آتش نک

عاقبت قبر در ب که مفرز کس وار
 طلوع اینتر نیم غنانه بر خطه طالعدر
 بر سیی حجت نافذ بر سیی تصرف طعدر
 اینده سود کم عمرم جسم غیر واقعدر
 اینتر شب فراقی منور ستاره در
 بر کون او مارم آه ایلده روزگار در
 هر جام لاله خلیفه لاله زار در
 عیب ایملک فغانی بی اختیار در
 نازه داغسم جای ایملک سرسار در
 یکمکه اول سرور و انک عاشق دیوار در
 ادرینه هر بری هر دو فاطمه کار در
 حسن و آینه عکس لاف عجز باری در
 وصف لعلده علیک آید آتشاری در
 چونکه لشکر دونه بریره دغان ایلر
 پنجه بایل اولسون عاشق آقا کیم جان کر
 آجق اول کله سه در کریم اکا سلطان در
 ایلدره ذوق وصف که غم جوان کر
 جان پرور اولور جانا جانا تراب آینه
 شیرینتر اولور اولور اولور اولور
 راه سر کوکده هر خار تراب آینه
 خرد و عرق ریزک بر آتش آب آینه

افق نه فغاندن بر کجی چون او فغان
 اغیار ستر اینتر سن شریف علی زمین
 شوبله در عشقم ایلدن دانه خالکد هوس
 یاربله دشمن امضاج بن سیر در دهر
 نازه عاشق اولیجی دافله زینت فولک
 دل لایعقله اول بت معقول شناس
 انکله یول کل یلرد یونمات ایدیک
 امر نه کور و ب میوه باغین امرانک
 خالنده موی مانع میل هوس دکل
 دروعلینی سر شکم اشکینه نیجه سیل
 او دین مورغم خطکه سر منزل اولد
 کل جلدی صفا کل کیده لم کلزاره
 برایکی کون سر کونیده اولور دم کن
 یارب او کنده علی ستر کمال او پیک
 شمع رخسار که میل آید و کما ستر می دلیل
 چون فافله وصل منه غلدی محسل
 سینه سینه باغ الف چکدی غلدن جو دکل
 ایکی نور قدر که اولدی باد آهمن کون
 جوی دل ندر او قد خوش خوا اکلور
 مردم چشم دکل عکس کور بین علی
 اگر چه خانه بر نقشه سرای جهان

بخت سبهم کبی اول نرس خواب آینه
 ای لطف عتاب الودای رحمت آینه
 کم بکا حالت ویر آواز بهر نکس
 خار بله سبای کل عسل کفتار نفس
 یکی سکه جقجی اسکی سی کجی بولک
 اهدم اولسون دیکم تو یوز منقولک
 بکا دلدار دیدی کیم بوری اکل بولک
 کیم صولرانی کوزری ناشی فقرانک
 عارف کوزک کوزنده او پرنکس دکل
 شوبله خوج ایلدی کم عاقبت اولدی
 تن زاره اولیجی خاک لحد سر منزل
 سن دخی کلکله بید برایکی کون کل ایل
 اولسه فافله عمر روان مستجیل
 کلیمک بزمه جو حه کبی دکل صا جل
 چونکه در شندر کجس لعل کجس میل
 بشلادی جوس کبی فغان ایملک دل
 جو یک اولدی بوی خوش کل خوش درو
 اشک در بارم او شنده ایکی برود کل
 کیم دیر اول شفا د خوش فکاره کم دجو
 حسن و آینه خال خطه غنیر بود کل
 دکل کتابه لری کل من علیه

دکل

دکل

زین بلا و زمان مدار غمت بود در ای جهان نشسته زین و زمان
علوی استنبول در نامی علی در باب زعامت در جده کاخ صفاخانه ظل و آفت
 ایر مکن صغر علوی دیکله سزت بوشیدی محرومیت اولی غله اغوز عاتقه خفزی
 اغوزوم ایللی بکر کلبی نیده امین دفتر اکین سه ست و غایین و نه بانه ده دفتر
 عمری دوریلوب دفتر عاتقی تقی چون دیوان نیردانه روان اولوب قش بدنده
 اولان روح علوی سیح عالم ارواده طبران ایکه سوده مرحوم خیالی بکه تعلیم ایدو
 کنه دزغنی صاحب دیوان و شاو عالی عنوان کچنوردی ططراق الفاظ میل
 و شغف ایلمکین مقصود اصلی اولان او معنی بر طوف ادکور در مقیم کوشه فنا و
 زوال اولوب عالم حیاده چنگال عقاب جلدن فرخ البال ایکن بو اشاری
 بو جلدیه نیت و کثیرا و کثرت راقم کوفه اریال آتیشیدی
 قنایز منده بوق جای صفا منانه دن غیری سوردی قلدی اکلنجه فرسپانه دن غیری
 بری خود کله باقدک مطربا آهنگ ساز ایتیم جالیز کوش جانده نوره منانه دن غیری
 انلاکه هر کیم جفر آه و نف نمر حکمی اولور سه ناله دل نردان نمر
نور شهرت جنت آسا یعنی ردوسه برو دندریکان اوغلی دیکله نمره دیا
 ایدی بابسلوک طریق علی قاری اوله قدس کیم اولاییدن فارغ و رانج اولوب
 قوت لایق کله صابرو قاری جواب عبادت و صلاده ساجد و راکع اولمشیدی
 برایکی زوانده ایچ سیلده متاعده و اوایچله طریق هوا و هو سن متاعده
 ایکن دست قدرت عنان غنیمتی جانب آخونه سائق و قائم اولوی اشاری
 نصیحت کونه و مقصودن نمونه در نقطه شکایتی خبلی شهروز و الهه خواهر و عوانه
 دار دنیا و دینک کیم جفا بینانی **نور** محنت و درد و بلا و غم چهار ایکنه در
 شوال شق کور کیم بویصیح کچنر خلق کچنر نیجی مصلح بربری کوه ستم قبلانی در

شهرک

شهرک صلاحی مدن اولون که هر فکر واره یا افندی محضر مدبر یا محاسب او غلانی در
علوی بود فی تهر بروب دن فدا و شوا دن سلطان غازی و دحلر ندره
 زبان ترکیده هفت پکری وار در اشاده غار سپین ترکجی نرجه ایلمکی کند و به
 شمار و دماغ ایدن شوا دندز بو **نور** انکدر
 ای سقر عمن ایدن بار خدایا رک اوله انت اهل نظر قافلای لارک اوله
علی جللی واسع علیسی دیکله موقوف و موالی عظام و اما ای که آمدن اولور
 معلوم و مکتوفه زبور و انج جللی دن ملازم اولوب پنجه مدارس بیده افاده علم
 عالییه مد ادم اوله قدس کوره ادرنده سلطان بایزید مدتی ایکن بر دیه قاضی حاکم
 اولوب اول حاله ایکن محکمه حکم آخونه عازم اولور و کان ذلک کنه غنیم و نه بانه
 آثار بلاغت اطوارندن خلق ایکنه اعتبار بولان بهایون نایسده صفای اولایه عیالون
 و کتاب بلاغت مودن برانند که استادان و خوابه جهان الی هذا الان
 مکتب وجود امکانده بنظر و مثال تالیف و متشبان عالم و مصنفان بنی آدم مدرسه
 وجود عده درین و همالی تصنیف **نور** کتاب کالی ظالعینون السوا
 و نظم کمال الزلال السوا کر روسای کتاب اولک به خطایک سطوریکین نغایین
 کور و کده بر فوای خوراکها و انابت سر فوایدوب استادان جهان دل جانندن
 سر برین ابدوب بر تنضای ماسعنا بهذای آباتنا اولین مدح و اطوا سنده
 زهی دقایق لفظش خفج جویم سها و لیک کشته بو خورشید در جهان مشهور
 های مدح و تاسی اول هوا و پرواز ایلر که شبکه اقام و دانه و دام خطوط
 و ارقام ایلر شکار اوله و خورشید بر افوارج اول مرتبه ده عاکیده که مدح و توفیق
 دران کتاب نظر کن بچشم معنی بین که رنگ صورت معنی و لغت چین است
 کتاب نیست غلط میکنم که دریا است که دست عقل از افان شهر چین است

نور

و اطوا و تصنیف کلام با غنای

کتاب مرئوسه اولان اشعاردن خبری نطقه کنسه و اصل و دریکچ استماعدن
 حجره بالار باب طابع داخل اولمدره کورسم بر دم سینه غم در دناک ایلر سینه
 غیره کورسم اگر غیرت ملاک ایلرینی **علی چلبی** بنامند کور اولان ام اولمدره آده بوزن
 و حوکم فرزند خیر الخلفی در پنجه موای عظام خدنده کسب علومده وقت و اتمام ایدو
 بن الاقران ملاک اسرار الیه بالیان اولمیدی افندن ملازم اولوب
 پنجه مدرسه افاده علوم الیه و فنون عالییه مداوم اولمدره کسب و حوص صاحب قرآن
 سلطان سلیمان خان مدرسه مدرسی ایلکین حلقه شریایه قاضی اولمیدی انده خادم
 شرع رسول ایلکین کوب عمری قول بولوب اول منصبه خدمت قضایه مشغول ایلکین منصب
 حیثیتن مؤول اولمدره و کان دکن سینه اهدی و نماین و تنوع مایه صلاح و تنوی ده
 بی بدل و عفت و استقامت و خیر النسل رعایا و بر ایاسیر تندن راضی و شاکر و عامه
 ایل حلقه ایات و قار و ادبنی ناله و ذاکره در حسی قول الف نماین ده مد فون و روح
 پر فتوحی فاخته صغیر و کبیره متون در عجب و ترکی شوق انشای و علم عینه و یرطوبه سی

و اگر بیهواستحار ناج طبع پر افسد دارندند

صدق شکر جوک با نکی مهرم اولور افزون شکست ایندی کجیل کاسینی فون ایلر
 انجمن حکیم تبرک دل خروجه کله کجه که در دکن قورقم ناکاه اول اول خندن بیرون
 بن ضعیفه لعل و بر خوش کور کیم و عینه کل شکر خوش کور
 بر عجب دار شفا دیکده وار سه باشی اغزین سر خوش کور
 فلک بر عاشق بر کشنده و شور جا کور شفق قنونی حسمه بر برد اعلی کوب
 شزار نار آهده که طودی روی افلا کورینلر دکلدر انده هر شب ای قور کوب
 عجب اشاری دخی مشهور بلکه بیخ فقهه مذکور اولان اکی مصور در استادی سواد الام
 حضرت شیخ الکلام ابو سعید افندی مد صده دیکدر قدرانه الرحمن جل ثناؤه

بهرج وایع و ظریف و عذرا فاق اوری کجایق و د فایق و عوارف و معارف
عمر بیک دره بیضی کمال بلغت و غزه و ضعیفی چیه فصاحت یعنی نکرستان بلاغیت
 طوطی شیرین معانی قدوه بلعای روم اولان مرحوم خیالی بیک در یک از صدق وجودی
 و کوه کرانایه ذات بهبودی در حکاکه الاحب عالم لب بیک غیر و مودت نسجه
 وجود سعودی تدنیه نذیب اخلاق ایلر نذیب انوار رشد و نجابت ناصیه عالمه
 و انار بزرگ و صلابت جبین میسندن نور خورشید خشان کبی طاهر و طبع معارف کماله
 ایلر آراسته و هواره زمین دل پر صفا سنده تخم در محبت فضل و علما کاشته بر ذات
 ستوده صفات در پنجه زمان زعامت ایلر اختیار عالت ایلر و ب طلب منصب کجوان انسان
 احواد و زاری ترده و ملازمت ایتیموب باباری طریقه رینه سالک اولمدریدی بعد
 شوکت منصب وزارت عظمی و وزیر اعظم مشیر فخر احمد پاشا خدمت کربنه خصوصیت نام و انتهای
 مالا کلامی اولمدره و اصل رتبه علی و درجه و اسنه اولوب پنجه دم هزار خون و غم
 ایلر مدغم اولان قلبی عقد بلای المدن قور کوب کلسان خیالی جوبار حکومت و فرمان
 ایلر تر و تارده اولوب در روی امان و آمانی مشیر و نورک وزیر اعظم اولمدریدی
 بهجت بر اندازده بوشیدی عفا که جانب مذهب و مودت و مری مشیر و نورده نهانده مودت
 ایدی وزیر قور کوب انش حدت و عجبی ایلر سوزان اولمدره حارینی قادر اولمدره
 باران احسان ایلر سیوند رایدی و زهر الام استامی ایلر مزوج و سونم اولمدریدی
 زهر مری ایلر علاج قور ایدی وزیر و نورک زمان و زارنده قبودان بیکر کلک
 تیار دفتر داروغه کاسکار اولمدریدی و وزیر و نورک شرفات قصر جلایه صدمه
 تند باز و ال ایلر متقط اولوب اساس برگاه اقبالی زلزله قار و زلال ایلر
 سده اعی و لد قده آفتاب دولتمه بر مقدار کسوف عارض اولمدریدی حاج احمد آقا عقد
 الامدن قور کوب تمام بخلی اولوب حلقه شهادت دخی دار اسرار طایفه اولمدریدی

سند لامح

رفت و غنچه متعلی اولدی امید در که هلال رفت و اجلای یون فیض زرق و از دیار
بولوب هر چه شرف دیر در کل کج کوبیده قضا و قدر بوبیت بکاشی نشانی ایلمیه
این مناصب که دیده خوشیت کار کلی هنوز در قدرت است و بوفته و بوفته
فاکر اوله کج کوشش و نظم اشعار بلاغت تحاره آرایش اوزره خواص طبع در بار
دریای بلاغت و اشعار دن اخراج اند و کج لای آید ارا و در بلاغت و فصاحت کوشش
اوله اوی و البقی و یکران طبع عالیه انشای توانندن میدان بلاغت و بیابنده
اسبق اوله و غنی موز و محقق با بیننده اولان اخوت و خلقت و ذات ستوده
صفای لکنه اولان فنونک متفاهی اوله بیکه مقدار العالی بیکر اکرله اوراق الطباق
جوانه بره و صدق مجموع زانجه در مدایج و مفاخری ایلد بره در قلعه لکن هرنه دکلو
الطاب و اسباب اوسه آفتاب عالم بنده بر ذره و قطرات بیابنده بیکر قطره دکلو
بنای علیک بومقدار ایلد اکثاف و اختصار اوکده بوبر ایلد ساز اولان کامکار کرد

ساق پر ایلد باده ایلد ساغنی **سورای طیب سینه جوهر حرم**
اسب سیم سیم شکر بولور که ایلون ایلر ای دوست بنم دیده غمیده ده غم دار
شول دل کیم سنگ خارا دن تبر عشق ایلر محبت تخمی خود هر برده غم حاصله ایلر
جانانه عجب نهر مجیده کم اوکده شوریده کواکل صغیر ایلکن کون و مکان
رقیب رو سیاه اوله باشی بخورالنده کرم قبل شمسوارم انی خردایت شیرالنده
دینم بالشر ز کاره ای خواجا اولوب خوردم دم اولور کم بولنر سنگ خارا بشلر التنده
نولای معدن مهر و وفا دنیا غنیمت کیم متقدر اولور خاک با یک جوهر التنده
سبحان کج کور کور دیشی عالم کبریه متلق دامن مکن قلدی قارونه بیر التنده
شراز نار آه در حق افلاک سراسر انجمن اختر بنجم تیر خاکستر التنده
ایلد کمان عزیز جبهه خند خلاص معر حسنگ یوسفی بر دلربا به مالکتر

عرووی سولانا عبد الکریم ایکی عید صغیر التوب بر یک نامنی زید بر یک عمر و قوشمندی
زید عمر دن منتخ اولوب عمر و غنمندی اولان فی تحسین علوم عالیقدر و تکمیل معارف
و لطایف بشماره صرف قوی و انظار ایدوب شول کر چکن اشتیاق و برشدر
اکثر اشعاری ننگ کبر کرده و غریب قافیه لرده واقع المخلد بتول الطبیح اولوب
میان ارباب طبع سیمیده شایع اولشدر مرحوم اسحق صلی ایلد مصفا و معارف و بری طبع
عشش و عشره بشارت ایدوی حکایت اولور که بر کون ایکسی بر جوان خنده راست
کلوب دلبری مصاحبه طوفیقون اعلی عالم حسنگاننده ماهی وای ملکک لطافت
و ملاحک پادشاهی لطیف ایلد باده ایکیز کجیا فتنه اولوق دوشنر و شکر و هیثمزه
نه چ فتن اولوق استبر و دیکلرنده جوان سیم اندام سخن فهم و شیرین کلام دخی
اوسکره علم و موفت و غمزه و قیافه متفاهی اوزره ایل علم و کوز احتمال اولمزه
دیوب ربوراری الزام و انعام ایتمده حقا که اخبار و انار اشعار ملاحک شکاری
میان احاد و افراد مشهور و نواتر و چاپشنی عشق حالت سوز مانتد آفتاب عالم
افروز کلمات پر گاننده روشن و ظاهر در بواشکار اولوق غنایه اکر کرد
قوه بیل قوه فنان ایلد عشقه عالمده داستان ایلد الحق اوچ بلند پرواز اول
عشق جق آنده آشیان ایلد جلوه کاک کفای قدس اولوق غم صیای لامکان ایلد
جانی بر دلربا به اصرله اره دن حق خدایه اصرله الکلدن کواکل ختیه سنگ
اولت دکن یا اصرله دل شیده اکی اولمده ویرتو دلبر بر جفایه اصرله
کحل اکون خاک پایشک عرووی باد صبا به اصرله سوردم یوزنی یکیک باغ ایزکن
ز معقله باشم لوج به ابردی قد مکده عیالیه الله مخفی عیالیتی در ایش آه لکل انگور
حرف قافیه نه کوز اولان باغ در چلیبیک که اسبانه زاده و بکله مشهوره در اولمده
بودای فقیر کاک خایلد حقا که کردن وجود بهبودی قنایه معارف ناسد و دایلم

خیزن و خالیدز علوم معقول و منقولی. فروع و اصولی. ابواب و فصولی. ابر و اسباب
 تحصیل آیتشیدی که چکد صاحب قدر جلیل اولی مرتب و این کیفیت بزرگ افتون منقول
 و تاجود و جانک استعد قواسی منسوب و سلوب اولی و غیره جو ابر عربی و حبشی و اشیدی
 آنده برد فو که از اسیر اولوب بغایت آن ملک کثیر اولی و طبع کبر و امر غیر
 کوجله خلاص و بشکین بنه اولی باره راغب و منصف و متنازه طالب اولوب آخر
 آنده چنانی کن فضایی و کستان بتاسک هر صراجل از فاسی کلوب آفتاب جان
 منوب زمین مانده غارب اولی و فرمان واجب الاذعان ارجح به امثال چون
 بو عالم فکان ملک بتایه انتقال اینک طالب اولی و کان ذلک سنده احدی و سینه
 شرح جانی به حاشیه سی که اید اولی دایره اسباب و اموالی تا رطل اولی قدر
 اوراق سوخته سی دخی برشان روزگار و اشیدی طبیعت شوی و سلیقه نظمیه سب
 زبانه خوب و مرغوب فارسی و ترکی اشعار معتول اصحاب کلوب آید لکن کند و سب
 خلقدن نور و بهجور اولی شوی دخی کسب فطری مزوک مهور کلوب بهر اولی
 بید و بروب خود مبر و قرار حاصل بیت که داب غم آنده ی فلک فلک
 ای غایت قول کن کفره غنیه دل کافره قول آید دوران بود الا سینه
 آنده این اناطولی و لایقند لطیفی قوی او زره طلونه نذر استنوله به جوان
 و امام ابدی کند و ز غنیه کلان بلاغنگ غنیه سی و عالم فضا حک مرد سخن فریبی
 کجودی لکن اشعاری خوش دلی کسی اکثری ترکات اولوب اهل بلخ میا سنده
 اصوات حیوانات. متولد سندن ایدی. **بوشهر انکدر**

غنیه بیل زار شهر استنوله آشیان از اولی و صیاق و رباعی مهر فروده
 شهباز و اربوز این بلا کلک تزلزل کما و عادل بوستان تربیل فانی

اولان حفاظ حضرت فرانده در غنیه سی الف الذکره نظر بیل کویا واکا نیت
 شکر خا و نه وادد بوشهر انکدر. نه صفا صفت سی واکا کوشه یعنی نه کس
 نه صاحب بولور بادیه پیمان کبی شاعر و علم مولانا ذاتی اسم المنیر غنیه سی
 پنج بیک موبه که کوکب کبر مرزبانی. دیر کورن انجمن ذلتی قولانک و که بن
 غنیه سی اگر چه چو **جواب ذلتی** سندن از نو غنیه قوشم دیزن
 منق بلدان ولایت عجم اکره سر و سر فراز کبی نه از و سر بلید. اولان خلیفه پاک شیراز
 نامی حین در دیارنده سباحت یعنی اید اجوت اید و استنوله کلشیدی سندن
 و سبعین و تنوع اید. والد فردوس ملک. صدر نشین صفه صدارت ایکن آسان عاقل
 و مجلس جنت بهجت لایه داخل و منفذ خایر سعادت اولشیدی اولی ماندن بر دحبت
 خاندان علی و کردن دل جانیه بود و دمانک طوق عبودیتی اید متخی در اشعار
 استادان عجم جوایز داشتی و خوازه قوت حافظه نیک خیل مکنونات مخوفاتی
 و ارایدی کند و زبانه نظم آبداری و سخن کجی دخی تمام مرتبه مکت و افتد اید
 و اردر ترک شونده اداسی و میان و اسنادانه در رخ روح والد ماجد عالم قدس
 و هوای نه صاعده اولی قدس مرتبه دیوب نفیر کتر اید برادر کتری نسلی کونه یوبیتی
 خوب و خیل مرغوب واقع اولی به بود

شکر خدا کن ای عاقل فغان چو آید. کر شد علی ز دهر حسین و حسن بکاست
 دیمه اغیاره لطفا نیم نهانی کم طوبیانی. اولور از خانه عاشقه الهام ربانی
 رقیب زانغ نیک کلشن کوکیده ای غنیه. حضورها اولی بر غنیه اولی مرغ خوش
 دهنندن دم او در غنیه رخساری کوک. او کینور کوز لایه ترکش شهباز کور
 ذکر لب ملک اولی در زبانم. بر در کمر معنیه درج دماغ
 بز ملک دلک طوطی کویاریز. جان کلشنک بیل شید الریز

ابتدی نری تیر غم بوزانه نشانه . بسک عجب نیکو دلان شسته کمانه
 عاشق جهان دیر زین دلرباست . دلدار ی کور که هجرت صابر است
عهدی ادرند دندرس سلطان بایرید خان عهد نه کتاب دیوان و خط ابجد
 موقوف اولان اکابر و اعیان دندرس بوطوط پر اشتها و شورش شکار اکابر
 قنده وارم سائیه سر و بلندم دارا بکن . اکبر قول اولم سنگ کبی افندم دارا بکن
عهدی ادرند لیدر نامی علی در لیدرم شیخ او غل و بیکله سرور و جلید اولم
 علی ایدی حکم عهدی لیدر طوقی علم سلوک اید . آخوالی فی اید کینچی در سندن
 موزل اولوب شیشه خاطر معارف پیشه سی سنگ غل نهادی لیدر منکر و رافند
 اکثرا و اقراندن متاخر . اولوب آینه آمانی رنگ تعدم امثال شکند اوقیان
 بوی کبری فی اید متاع اختیار اید . شوی نظم ساد و کلام موزون متولس
 بنی طمانه اطفال و شور و زلالی . وارده عهدی بنم دینه جسون درج
 دود آهم کوسینه ایتیز اوک . جسته فویریمش کیشی بی قاره علی
 دود کرم کوزا بن ایلان بیطی کیه . بار ذره ده چون ایدرم رمل سعل
عهدی بخدا ایدر نامی احمد در بابا شسته مولانا شمس در بر متعین دار الکلام
 خطه و بخدا ایدر اخرا مدن اید . کندوسی و فی بلغا و شوا اید آشتا . اولم غل
 دیر نه جان کل معارف و کمالات اید روشنا . شهادان بلاغت و بیان اید در
 عهد و بیان . ایدی اگر چه اکثر طایفه اعیان نظم ترکی ده فاصد در اصل و دقایق
 و خفایای زبان زبوره غیر و اصل در لکن زبور کی شاری رومبانه و استاد
 اولم غل سر قد قبول ایل عرفانه داخل در پنجه زمان استنبول محاکم بلنا زمانه شغ
 اولوب کاشانه تدریس و درون طالع و لامع . اولان معنای و آفرینی مثال پروین
 بیره حج ایدوب مذکره کثرت ایدر بواستعار انکدره .

جان سر

جان متاعی بولدی بازار دهر بکوره رواج . کل خندک غره کیده که لطیفایت بواج
 قن اید و بای قاشی اولدی اوکل لیدر . باره مک غزن را بواج اچون بوز
 اوق کبی فاده کیه انک بیانه کر حکم . خاکدن کلک کوزدک بینه ای بروک
 عهدی دیار روم و کلوب ایدر نظر . کوز غمز اولدی کوز و مه مک عجم بنم
عبدی نامی محمد در بابا سینه عجم حسن دیرلر روم ایلکند فاضل فنیای مردوزن
 ایکن ترک مقام محنت و شیون ایتیز ادرند ده قاضی مدرسه سی و بیکله معروف
 مدرسه کمانی و واقفیدر عیانی زبور ادرند ده بکامه رسیده مدرسه اولد کین
 انا طویله قاضی اولشیدی حکایت و نور که دیار کرده پاسبان او اسنده قاضی
 ایکن قولباش بد معاشه اسیر اولوب دیوانه کبی سلسله و زنجیر اید رئیس قوم کراه
 اولان شاه بی انتباه بکبت سپاه و ضلالت پناه . یانه دارد قده در درون عیان
 ایتیموب جوب زبانه و شیرین بیان . ایل طهاس خناسک صاحب و سر دار و تخی
 و مهر دار . اولشیدی ظاهر الزمره صورت اخلاص کوز ستر کله . نزد سلسله الزمره سلطان
 اولوب جوق دیار روم سعادت و سوه کلکده تحریف منصب ایلر موسوم اولشیدی
 هر کون موقته مدخلی و اکثر معارفدن برپاره الی و ایدر شونده عالم بوقدر بوقدر
 دینه تاثیر منصب لکه ده ذاتک زمانکدر . با طول مذکره با زمان امتحان کدر
 اگر چه کار تقدیر کدر او کار حق خدا کدر . بوری سنده دورش بریکه دانش انکدر
عبدی مناسرت دندرس نامی سیدنا ایل علم و عوایع مقبول طبع و لطیف نشان کسند
 ایدی مصافات جیاد کمالا حقه توارت بالجاب نظرندن دورا و مقلد حاله مظهر
 بد اعطای نامان من او اسکن بغیر حساب . اولشدر طریق علمه ملازم اولوب ماثول
 و سولیه اولان منصب و مصلح بولکین روضه جنان و سرای بهجت جاد و دانه دخول
 ایتیمدی . ایشارنده لطافت ظاهر و نمایان اید و کج بو غل ملاغت خوانندن روشن

و عیاند

گلشن صنفه بر خفته زیبا سکن **باغ قدرته** یا خود لاله با هم اسکن
 نورسن صورت اند ما خود روح بیا که بواستنه حسن بچره هوید اسکن
 کورینو عکس خاک آینه خاطر ده مهر و شش فرقه ناچیزه پیداسکن
 نو که گلشن کو یو که ارم دیر سه کو کل یوزی جنبه لبی کو نرو به طوبی سکن
 ای عیان دل بزم مرده می احیا آیدی **نوله** کرباره دیم وار سه عیسی سکن
 نامی مظهر در بابی طلب مقیسی بکن عالم عقابیه سخراتیند راقی علم سالک
 اولوب ملازم اولد قد حکیم خدمت مدارسه علومه قائم اولمش در قلم و زبان
 وصف حال ثانی بوجویش عرفانه بیان عین آینه کده استنبولده فرق افجه مدرسه
 مؤول آید امید در که نیروی سحر و بازوی قوت اجتهاد ریله خانق عروس وارد
 دو اصل آردوی فواد اوله اکابر و اعیان زبان ایلد صحبت و الفت قلشن اول از نیک
 احوال و اطوار نه بلمش در راقم کوف بوغله طرح ایدوب یار صفا و اخوان
 شیخ ابد کلکند بوغله دیم **غزل راقم کوف**
 بولقی استر سکه بکر برمه تابان **بنده** بدم جوق دوزخ بوجوخ سرگردان
 و آرمی خوج ایلد سه راه عقده وار **بولو** کوا ولون فدا روح روانم جان د
 بیره کیدی کند و بکرتد کچون لعلمه **اول** حجاب آتند قلدی چشم جوان د
 در عشق کله جگر خونین دایرداغ بکن **باغ** دهره کلندر لاله و نعلان د
 ای حسن او دجه نامه که دن مهر و فدا **اول** پری و شش عهد نه طور مرد دوزخ
 کچمین دلرخ انا و کز کان د **اول** بخت بر سودایه صلدی زلف مشک افشاج
 کور میلدن یوسف کلچره می تیو د **خونک** قان اغلقده دیده کربان د
 روشن بکن جام چشمه درونم خانه **سینه** ده بر روزن آیدی چرخ جانان د
 بزم غده باده اسکله پر در جام عشق **هنگام** کوز جیون کیدلور خلیه در میدان د

خا محمد عیان فی کمال کفران غله **احالی** بلز هنوز اول غلبه خندان
 عیان بر دسه دندر نامی **در علم** و کمال صده و تخصیصده و لوازم و مرهم معارف
 و کمالانی نمیکده در امید در که معارفی ترانید ده و مدارج ترقی به نصاب عده اوله
 دلمی قلدی ای پری آشفته حالک اولیه **باغ** زلف کله هر دم با پاکت اولیه
 گاه لعلمک عرض ایدرسک گاه خمار کلد **دلمی** و ابر و جلد عتقه الک اولیه
 سنده ختم اولدی کوز نکلت در اید **مصطفی** روینی عرض ایدیه حافظه زاده
عیشی دار السلام قبه اولیا کرام اسکن بقاع و بلاد اولان خطه پاک بغداد
 نامی حین در اشعاری داده و کثرت و وفرت ده مرتبه عده و حد و ن زیاده
 سه اربع و نه این و نه بایده رومه کلکده خدمت راقم کوفه کلوب بوتد کره
 شام عید ابر و بمن نکلان صاحب جمال نیست فرو عید چون پیدانشد اشب طلال
 عید اولدی او پیکل سترن اول لقاالن او پیش کل کرچه کدا بادش السن
عونه نامی مصطفی در مقدما سبق ایدوب زاده افندینک همیره زاده سید
 حضرت غوثک لطف و عونه ایلد طوبی بر توفیق علم سالک و نصاب کماله بالغ عالم
 مالک اولو عطا افندین ملازم اولد قد حکیم طوبی قضایه عازم اولمش در
 حالاروم ایلنده یوز اتلی افجه ایلد قاضی حاکم در حقا که قضایه کمال ایلد آراسته
 و کردن دل جانیه قلاید فراید معارف ایلد پیراسته قضایه بچره علم و حلم ایلد
 ارجاتی مورد در بخترا نکدر
خوف الفین غباری نامی عید الرحمن در سواد دیده فرمان اولان شهر دندرا
 اوایل کتبیلنده حضرت والد جلیله انت ابیکله یخ فنون و قضایا کتب انقیادی
 درجه و استنداده قریب اولد قد شاعر نظم و شعر ایدوب طریقن اکا حصر
 ایتکل اول فنده بکانه دهر اولمشیدی اولاننده اجوات وفاده سائن ایلر یینی

دندر در

سرکوی و خاک خاکری - ایقدر طهر غی - بعضی غباری
 آینه ضمیر بنا که غبار تعلقات و بغضات و پاک - اینک معادل جان و ذات افلاک
 اولوب الواح درون پر فلانده صور و نقوش اما به ملکوک و سبیکه قلب پر غبارینی
 پوته و مجاهد ده مسوک اینک چون طریقه علیته و نقش بندیه به سواک اینمندی بوزجی
 اول زمانه دیو بشه و جهان و مقبول هنروران و اولمندی ترجیع و نور کندی در
 عاقل اوله کوزک آج عالم کبر اسکن - سدره ولوح و قلم و نش معنی سن سن
 بعضی منه اربع و اربعین و تنه باده به بلبل طبع نوسر اسی که قبه روحی نوای عاشقانه سی که
 بر صدا اینک غلفه انداز چرخ مینا - اولمندی مقام دکتوب آهنگ حجاز ایدوب
 اول مقام بزرگه دو مال ایدوب فرار اولمندی نیمه ایام حی و ربیت الله کوام اولوب
 خدمت طاعت حضرت ملک علام و طواف بیت پر احترامه قیام تام - اوزره اولوب
 بختی مناسرو روی عالم و حد تکشای و آسمان غولنگ باده ماهی اولوب دباشنه
 سلطان عالم و سلطان و در ویشی مسلم - ایکن نه زاده سلطان معطفایه خواجه
 اولوب اختیار یله کند و چه چاه جامه الفا اینک فروقات و فرخوات زیبای
 دخی به شیفته و باز بلند پروازی باز بچه مکر و خریبه فریفته اولوب قد غباری بو
 بلاغت شعرا اولوب بار سعادت مداردن ارسال انیمه در طهر -
 ای سدره نشین عرش پروانه - وی طایر قدس عالم راز
 ای طوطی باغ و راغ رفعت - وی بلبل جستان غوث
 باشد و کل ندر بو حالک - قطع اولدی مکر که پرو بالک
 طیرانه جمال و قدر تک یوق - سیرانه خیال همک یوق
 ترک ایوب آشیان قدس - دلدن چو قوب جمال است
 بالک ایکن منابر و شش - منورک ایکن منازل فرش

رفعت ایکن منزل نیک - عتده ایکن نعل نیک - نه دانه دو شرب بس بودامه
 دو شنگ ناولدی بوقام - بکم ایندی سنی بود چکیده - نه بندیل اولدی سکه بوقیه
 بوخسه سی ایندی سحر - مایکرایدوب ایندی سحر - بویکن سگ بوداغ نیر
 بایکن سگ دوزاخ نیر - بکزر سنی خواب غفلت است - صبا دامل بودامه صالیدی
 بی کوزکاج بوجو اسکن - قوزر سنی بوجو اسکن - عوم ایل روان طور شیان
 سی ایلد دوشین تشنگان - بوخسه اوزکده خواب نیک - لب جوهر کج تراب اینک
 سر مالک اولوب چاشنور - اولدک ایندی بکر ای تهور - صند که بو نظم دلبیزی
 پردوز و کمر بو بند پیر - غباری خاک رسویر - بلغ نف حق کذا رسویر
 حکمت الکک غباری سروری و نبوری بقیب و بختیر و بودامه دوشد و کن مکر آتشی
 ایلد تعبیر ایدر کن کند و باشنه کلوب اول مالکن شرفه و مواضع مکرته قوب و سلیط
 بایزیدک و غلنه خواجه اولمندی سروری به بوقطعه کوندیک باعث اول و شد که
 حه تاسنه اهدی و اربعین و تنه باده ده سلطان البرین و الجین خادم اربعین خضر فانی
 سلطان سبایان سوز عافین - ده ایکن غباری بو غلنه دیش در
 نه بیلوشی هر مجنون سن اول حوالی بندج - نه لبین قهقه شیرین هر دو کوهکنده صور
 غباری متدم شاهین سترک خبر الق - غبار اول بولر اوشنه کلند و کوند
 کوه لم ای صبا بو شحر و آمیزه عالمه - نظیر اولورنی هر بزر شیرین سخند صور
 سروری دخی غول فزونه نظیره دیوب آخونده بو سنی دیشده
 برایکی ترکه بیدیه عذرا اینک رو ایدر - سن ادراک ایلز سگ باری ایلر خندان
 غباریک بو منالان خرات صغیرند غبار قلوب بالا خوه شیشه بلبورین کبی قطعه زبوره
 ایدر مایه ابالغ افکار اینمندی قطعه و زبوره به سرورینک فی جواب طواع درازی
 واردر مکر حاجت سوال قوی اینین ذکر جواب ایلر اطاب اولمندی بعضی دفعه

سلطان بایرنیده که بجهارده مجوس اولد قدس کیم باجهانه خط بخشن و عطای بخش
والکاظمین الغبط والعافین عن الناس ولبینه اقدایدوب ذات ملک سی می کن
صفایه رصیح البیان و مکارم اخلاق ایلد شریک العنان اولمغین موافق حرم و عصبانی
لطایف جود و احسان ایلد محور و مرسوم و صیاف بنی و طغیان بنی رقم غفور و نسبان
ایلد مرسوم ایدوب تشریفات پایت نامه ایلد مخطوطه و انظار الطاف
خسروانه ایلد منظور و مخطوطه قلمشیدی و مکتبه مشرفه ده یونی فرق پاره و نیچا اردب
خدا دی احسان نمیشیدی اولان ایلد سلطان خربورک بوغولنه تنج اندکده رفقه
بکر بلدن کوزلرم باشی شریک عینینه . باندی خشنده جکر دوندی کبابک عینینه
باقعه پیرمغان بر دم شریک عینینه . عینک ایلر جامدن کوردن جبابک عینینه
اشکیده آسبای دین دور ایلر جام . دوندی باشم ایکی بوزی آسبایک عینینه
دوشده کورسم کبریک در در و ماکم . کورینوب اول حضرت عزت ناک عینینه
اول افغان بزرگوار . اقلام مشک باریکه نوله چشم چنزار سخاوت و نای فقیر میدان
شیعت در و الفاظ در باریکه بر لفظ بیز ایلر نیچ قلدوی صبط و شیز ایلر بالایی
رفعه مثال طغرا بومعراج غواجه زیر شلری . بدم انیم کیم انیش حله قاضی اولون
دور و دخی بالیده بومعراج بوب جناب سعادت دسکاهه انزه انیشیدی
شوبله خدمتایده بیم قافله راضی اولون . رحوم اگرچه برکوشی عی ابدی الاستیول
و مرغون دخی و افز و کوزه طوقوب ترارونی نظر دن اینر اشعار . دخی
انگ چشم عاشق کیمی مکنانز در منظوم کنایه دخی و اردز چندان عالمی اولمغله ایلار
بولنده بو اشعار بخت شاعر اکل غنایه ارک منقول اولان اشعار بیز
نقش این حق طایه طاق مینا اوسته . کوردم ابروین اول ابروی خوا اوسته
ای غباری سنگ اشعار که هیچ . که بر ذره جبهه تونز و نوره مر

ای غباری سنگ اشعار که هیچ

مکر اول کاتب مستعجل کیم . ناز و نبه مرکب طوره مر
ای غباری الیکر مرمره شراب انشته غبار . صوبولنمره ضرورته قیتم جائز
خط اولد غنینه کاه غمبدازل . شاد بودوی زرد مکنده هر قلم
دل صوقدی بیکر اغنینه ای قشری کمان . بیکار کله انجکون و لشکر دلم
بوکده هر ویروب بوکده سرور لک ایلد . ایلد ان عشق ایلد دلاور لک ایلد
یکمک بوجوخ بیزینه مایل اولدی . مردانه لرا ایلد بوکون ایلد لک ایلد
زمار زلفن ایلدی بی دین قیسه عرض . کور دکی اول صغنی نیچ کافر لک ایلد
غباری کرجی زاده کن کوجک اول علی محمود چلی در . طوق علم سلوک ایلد
رحوم مننه علی حلی کن و غل منلا چلی دن ملازم اولد قدس کیم غوغا و نودا نشانه
و فردوسی به نظره دیرین دیو عجب بودایه دو غنینه کی مادید و کج ابیات
و سولید و کج و ملاک قطعاً انضباطی و شهنشاه دیرین دیو دید و کج ابیات
بری بریلد هر کزار تباطی بوغیدی حاله برش و ایفون دن دیگر کون اولوب
هیش و صورتی مسوخ اولد و غنن غیری حکم انسانیتی الکلیه مسوخ اولدی
بر مجلده رحوم احمد پانکی برده ده مد فون اولان حضرت امیر حقنه اولان
فقه سینه نظره دیرین دیو بو ابیات دیم سیدی .
بانق قهر کرامت حضرت سلطان امیر . اختر برج حقیقت حضرت سلطان
کو هر درج طایقت حضرت سلطان امیر . میرایوان سعادت خوت سلطان
کیفیت حاله رحوم اولان ابیات دن معلوم اولمغین غیری سوری رحوم
غواجه رحوم ایلد قره قزیه نام شهر بنامدن در ز نامی محمد در طوق علم
سلوک ایلد بوب اخو مصرفا هر قاضی اولان رحوم لیت زاده دن ملازم
اولوب صبح روم ایلد قره قاضی و حاکم اولمغیدی صاحب اواز طنبور

اهل باز گشته ابدی حتی کند و سی برز اختر اجماع و علم رملده و جی
 است و ما هر و نیز دانسته عدیل و نظیری در عقده فرائد قفیه سنده اولاً اهل
 التیامک و لبر نخل الخط و بیاض روی اید اجتماع نه طریق حال و لور و عاشق
 بر ملاک خوشی و زجه بدل اولوب عینه وصاله ن خارج ایکن نه طالع سعد
 اید داخل اولور دغن بلوب دل برده مهر و وفادان اثر اولد و غنه عار
 و ضمه عاشق بی صبر و آرام ده آرزوی وصاله ن غیرنی مطلب و حرام بوق
 اید و کنه واقف ایدی و حرم عاشق چلی نذکره سنده حکایت اید که و حرم
 انتمش بایسته دکل دعوی بیاد است انتمشکین صلح غنجه کلزار بکمی بایسته بیز سار
 صادر نده بر مجلسه راست کلوب صورت بیاد نکر قایم بخره ده تابسته
 و از نار شر افکزد بوستان با غنجه ده نایبه اولور دغن غالی قوت رملده لور
 و دیگره بیاض اوینه حیره فی عارض اولوب نیجا ایده لم دیوب سوج السیف الغزل
 سنانی اظهاراتینده اشاری ساده در و شکر را کند
 قاپوچی دیوار ایدوب ارغاشینه نازد کند و بین برکوشه اید کو ستر اچازد
 و بین مناد و دار هز و ران علیقده و حج و منیع شوا و بلاغت شاعر اول
 شمر نامدار بکجه و وار دار و نذر نامی قله در عهد و تحویل کماله ایکن غوغای
 قبل قایم ترک ایدوب مولوی اولمشیدیل آرزوی کشت دشت مالک
 اید اطراف ریح بکونجه سیاحت ایدوب بر مرد لکر قامت و استراحت
 بر تشیدی باد صبا بکمی هر دیاری سیران اید و مثال جویبار
 هر وادی به روان او کورده آخو سنده ارج و فینح و تنه بایده دستنوله
 کلده که دل غریبی غم و طبع ایدوب بر مقام نام و شیون و دارا شیون
 و خردن آهنگ جناب صفت ذوالکفن اید و حقا که طبعی متعرف

و اشار بلاغت شاعری سبیه برکت و نرا کنده متوقف اولان شوا و نذر
 اجدن بر مقدار امان بول شمره جهان اولسند و رب و کان بو غنجه و اشار
 اول شاعر نامدار کا لوح بیانه اظهار اید و کس کفزار نذر
 دیدم که در و بجز دلک چاره سی در ایدی طیب و صلت کا چاره سینه در
 دولت دل خواب و بیابان خزینه کم مال و منال غنجه بایره خزینه در
 غنجه کلک کینه ایش شفتک شها رحم اید بو قولکده بر ادنی کینه در
 دل روضه و خیال فک و کرامت شهر بدن قیاس اید و اولک موبده
 با شینی قطره قطره غریبی روان ایدو اینا قسده ی پای سنده شمرینه در
 کرد در قرص مبه طبله اچنده مال مشتری در جسم اچنده در کم ال
 قلدی بر ایلده خورشید شمع غایب کینه غنجه ده بر بینه ایدی هر ذال
 غنجه اوزده در ایلده حرسین اچیت لب و لدار ده بریر کورین نیاله
 اولور کم جان و دل نذر حرسیم کما انش وار نیایه نقدی خانه بفسه در کان
 زحکله عارضک کون کیمی بریر و طبع کون نه حکمه ربو کیم آیدله اولمش نوایان انش
 سپهر و مهری شکت طونه شکت طامن با مهر سبیه جیه اچنده کماله ایلر زمان انش
 کلوب کو کلم آوب لجره آرام ایدی کیدی غریبی کلدی صانم المعذ اولکت انش
 سیر و سیدانده چال اولوق و بیکله معروف چشمیه تاریخ دیشدر نهالک عیان تجریان
 خالیه نامی محمد در حسن و صلاحته مانند خواله اولور دغن نور خواله بکمی خیز خفادن
 عالیه و آیات مدایح صفای جامع جهانده سان بنی نوع انسان ذکر و ماله اول
 معدن اکابر و اعالی شهر بر و سه نک شاعر شیرین مقالیه اهل معارف کلک کلک سیران
 نوریده حاله رن و او با شمره لایله در طبع غایبه کنده قبه تکلف و تصلفن آید
 صاحب امراء و معاشر شوا و طراف مشهور نام و مقبول خواص عوام اید کند و صنفده دیشدر

و بر بعض امور ظاهر اوله و غرض غیر معاش و مصالحی بلکه مظهر مبادی و هوای
 اوله و غرض محرم است که چنانکه آفتاب و جلالت زوال و سعادت و اقباله چشم
 پر خشم زمانه دن زخم عین الکمال ایروب اول ذات عالمه داره منظور و ارادیه
 و بر داره اولیچ بالاجزه برادر کی مرغ خاطر آشیانه زو مدین زمین اولوب
 هوای حجازده پرواز ایتمیدی سینه ثمان و تینج و تیغ مایه ده علوفه سبیل
 صره بر تبدیل اندر دوت اولجه مکه مشرفه ده اقامت ایتمیدی انده دخی بر سجد
 و بر باغی بنا ایروب بو تارخ زیباچ دیلمه ریح بنو قیق التی این بنارا
 بنا کردم درین بالای مکه بام حضرت سلطان سلیمان زدم مانند زبر سنج که
 بگفتم بهر او تارخ آباد تفرخ گاه می مانند مکه و اولدیا جلیل الاعباد
 لغای اعدادن خلاص و عالم و هدیره الم و مخندن مناصح بود و غنه و مدح و دو
 و ذم و ثمان ایل بور باغی و قصیده گویند مشرر و صمکو زکم دیار غربت
 کیشی سرور اولوب صفا سوریزه دور اولور که حکم اجاب ایل اعدادن دخی کوثر
 قصیدت صاغ استی بین ای شیم حال نه در احوال و زکارا شویله بکر که رودن کلک
 بنجه بانه اول یارایمی و بکتوب بین کجوز مشهور اولمین بو مقدار ایل اختصار
 است که آخر باغی سنن بر کون افاضل مشایخ و باب و افاضل اصی فیض و ادب
 بعضی کابری ضیافت ایروب ایل معاشرت و معاشرت ایلن مزاجه نوعا قدرت
 کلدی بر باره استراحت ایروب دیو یا تور کن همان ای بار صفا و خلاق و فاع
 انجمن دنیا پرمن ده سر کله محضه آخر و کیش زندگان نمرده پیان ایل دایر اولد
 و یکل انرا دخی بود وضع داشت خزان باقیم و جائز کیمی یقین و کیمی کره مباشر
 اولوب اول انده دخی روح بر فوجی کلستان جانه طایر اولمندر و ایل مکه
 صغیر و کبیر تعظیم و توقیر ایل محرم خرمده نازن غلقدن مکن مسجدی اولمده

اولان خطیره سنده و فن ایلدیر و کان ذلک سه احدى و اربعین و تلخ
 غلاینگ قبی دیبای وجودی طراز لطف و ملاحات ایل طرز و غم اولمین
 میان بغداد پسندیده و ستم و کله رکن هجوت و طلعه و تارخیلری مقبول و هب
 قبول قبول اصحاب عقول در روانی یک ایل حقوق مباحات و معارضه کجند
 جلدن دخانه یک سپاهی اولغانه ایلن مسانه به ابدانه بر وضع ایل مکه اغاسی
 رنوری آویب ایتمیدی عبد القصد که امین مطبخ سلطان ایدی کانی اولار و ایلک
 ایل مجلس نرایده ارالیه شکراب اولدقه عبد القصد فالوب روانی یکی حکم لنن جگر
 روانی دخی اولدی اولاجق مجلس تلخ اولسون دیو عبد القصدک الن اوپرز و
 بوقصیه یکسه واقف اولسون دیو تفرخ ایلرین بر فوای کل تر جا و زالا نین شاع
 ای اولادی خلیج یاران اغه سی دوکدی دخانه یکی نورتن یکم قاقی کله بر کون
 دو که عبد القصد روانی یکی باشنه قاقی بن دو کله و کتی اغراض ایلوب دخانه یکی
 دکنق قصه سین اکلکیم طوقوز بر اوچی روانی یکی و روانی یکا تب مطبخ اولد و غنه
 بر روانی کانر در لر بال طون بر مغن لر در لر و خیالیه یک قصه بوقصیه و غنه
 شو او قصه خیالیه یک یک یک دیدم انک قولاغنه بیب بو غلر شکرید دیدی کیم
 ایسی چخازی بهر هب وزیر مصطفی پاشا ادرنه باشده مرج اوزنده بنا
 ایلدو کج کوپری دخی انام ایتمیدن بور باط قنادن دیار عقیبه خاتم ایروب
 بوچسر رخسردن کذر ایروب ملکیت نعیم باقی یغیر ایلدو کج مقبول انام ایلد
 ایلدی و محض طغی پاشا کوپری دخی لکینه بودنیا یادی بر کوپری خرج ایلد و این
 ایلد تا کیم بو معنی پاشا دخی کوپری نام اولادین اکا ایلدی انجوم سبیل قنا
 کجی مرحوم دیدلر ایل کوپری دخی کوپری دخی کوپری دخی کوپری دخی کوپری دخی کوپری
 بو تارخیلری نیکر و مثال در اگر چه تارخیلری حوق حال و قدر لکن ایاتیه سحر حلالدر

میرا بکنده اخباری کورس. ای کو کل عبرت الی حاله. حاصلی نوله ی غایت کوریم
 بود غزنت و سعادت. وادین زهر قهری اغزن. غمده می سچ انحر صلا وندن
 اولین بجم طالع راجع. جنت وادی کمال فزندن. فونده ی نوز چهره امانه
 صر صر نمت خیانت. رفعت و ارد اوله امر شریف. ناکهان در که عدالت
 چکد بر سوی آسمان امان. کوزوب انی خاک ذلت. کیتدی دونه دونه سماع ایدر
 دارانسه دیار خوشدن. بومنی بخلو قول اوله درگاه. اولدی آزاد فیه خوشدن
 بصدی بر ایاغ نادیدن. بشی فونده ی چون نزلدن. ایتدی مزاج خوشتر لطف
 فونزوب عالم کشفدن. اولوسی دیرسی انک اصلا. خانی اولادی هیچ فوندن
 دیری اهل سما کا تاریخ. ایتدی عزم ستمو لطفدن. امانا بوشیا بلاغت سمانه
 سادل دیو صانع انیقه رشقه. مثال شواء عودن ابوجسن علی بن محمد الانانیک
 وزیر نظر الدوله محمد بن نعیمه دید و یک مرثیه در که عصفه الدوله زبور صلب ایدر.
 اجابیه حبی الماسن دیو صاحب دن غروب آفتاب شارقه. ویکور قنادل
 وک علی ابد صبح صادق. وارنج بکشد در ابدی روایت اولنور که عصفه الدوله
 دار دنیا دن گذاره ابدی وزیر مزبور بر دار کبریه. اتفاق اولنور ده عصفه الدوله
 دفعی کشت جبر وندن کشته و نابوتو مشرل اولوب سرای وجود پیرهای صر صر زوال
 وفت. ایدر مشرزل اولنور. علقه ی خیمه و نه کما. بجای انت احدی التجار کانی النیس
 حوکل جین قانوا. و فوندا کایام الفلک. کاکلایم فیه خطیب. و کله فیه بلفصلت
 مدوت بدیک فوهم اختفا. کده ای الهم بالربیه. و ما فاق بطن الارض کمن ان
 یضم علال من بد کما. اعمار و جو قیرک و استنبوا عن الاکفاق ثواب الایات
 تعظم فی التوریه نایب نری. تحفاظ و قو اس لقا. و شغل عندک الیبران لیل.
 کنه لک کنت انام حیوانه. رکن مطیة من قبل زید. علامه السیاح المافیات

و کله فضیله فیها آتین تا بعد عنک غیر العدا. و لم اقبل صدق قط جده
 نکت من عنق الکبریا. اسات الی النواب فانت. فانت قیل نارا انانیات
 و کنت یحرمی صروف الکما. مفاد مطلب لک بالبر آ. و صیر و هرک الاحسانیه
 الی من عظیم الشیاء. و کنت لمعسر سعد افلی. مضیت توفوا بالمنی
 غلبیل لک فی فوادی. تخفف باله قوع یاریا. و لو انی قدرت علی قیام
 لوفدک الحقوق الواجبا. ملائک الارض من نظم القوا. و کنت بها خلاق النائی
 و لکنی اصبر عنک قی. محافه ان اعد من الجاه. و مالک نریه فاقول تسف
 لانک نصیب مظل الی طلال. علیک تحذیر کون نری. برحمات خواد رایجات
 روایت اولنور که بواجب عصفه الدوله استماع ایتد که نولیدی بن اولوب و لیا
 و دافج بکا دیشلش اولیدی و میسر **غلامی** قول اولنور بعض کابر ک غلامی اولنور
 مخلص زبور ای خیار ایتد در طاق علم سلوک ایدر ب ملازم اولد قد کلم دوم
 ایلنورده مشرق منصب فضا اولنور بوشیا کریده اشخاری و شتی کنتاریدر.
 سایه دیوار دلبرده بنی فوک مشطر. تا کلنیا و ستوده خورشید خشانم بنم
 ای صباط کسر لطف کلزار اکن. دامن کلمی صنور سن اچسن بار اکن
 آشنای بوی ای کعبه بیکانه نواز. ایل اوچه صانع الک برذر دیوار اکن
 غمی مولانا علی بن یوسف الفزاری در. تحصیل علم مجده و طالب اولنور اختیار
 مشاق و متاعب. ایدر و شغل اچون دیار غمی سیاحت. و پنجه تنه هران و کمر قند
 و بی راده اقامت ایتد. جمع بر فوای حب الوطن من الایمان سلطان
 بایزید خان. زمانده نیر و مودودت ایتد که مناسرتی جمع و ایدر
 اندون بروسه قاضی اولوب جمع قلمی شکر اولیدی اون بل مقدار
 صدر صد ارنج بر قراره اولنور بر جمع غزال و لوب نه سکرین فافع عکر اولوب

به موزال و بلند در باره و مدد آلفاری مکارم اخلاق و محاسن احوال
 علوت و کورتبت عظم شان و رفیع مکان و کمال حسب و جمال نسب
 و شیم رصیه و سیر سینه و ابد شریه جهان و مبتول نامذریه مخصوصه حوم
 مرقوم انواع کمال و فضایل ایدیه موصوف و زمان دولت و هنگام مبداء
 تریه قوایل امانه مشعوف و ابد و محمدم و مود قدر چون احوال فضل و کمالی
 کتاب شایسته مطور در لاجرم اول این کلام و متعال بر مقدار مقصود
 قلوب عیان جواد خوش خوام قلم میدان اعلان معارف و اشاریه معطوف
 و بذلت بیان منظوماته معروف و اوست کند و از من روایت او نور که
 ولایت عجم آهنک دم و اینه لوله بولیده محفوظ اولن غنیایه خدا بدم
 اودن بکین زیاده غل خوانده حافظه مدد حقون و مطالع و ابیات نیمی
 لای آبدار صندوق در و نعل مسطور و کتون و بونک و یوسو و مشر
 و آتنگا اعلم کند و بونک و خیمه ام اشارت بلاغت نظامی صراحت بال و
 انبویه اقلامدن جام سترت خراسی عبارات مصیبت اولی و باغ خوش نظر
 اشارت خوب و کنایه در غنچه مسکودان اعیان قلوب و اگر چه ذات انواری
 عنوان شاعرین برتر در لکن تین و تبرک اولی و ضایع اندر کن رشحات
 کلک استخواندن بعضی خطرات مطالع و ابیات نیت اوست
 بن اومر و مکه جهان کیمه بکار اودکن و بارحق اینی نام اولدی بکم و اودکن
 سینه آزاده بکن عشقه گرفتار ایدک و کورین سنن بکم بکسی گرفتار اودکن
 به دعا اینهم تا که خداون درم و بر سنگ کسی جفا کاره و اودکن
 ای غم ناله دوز اید اولور یک پرور و سکا بکم دیدی که هرگز کوزله باز اودکن
 سوز دل و تر مدام اول وی آتش بید و آتش سوزان اگر چه ساکن اولور ابدن

تیر باران است غم زک خوش کلو و ملک بکام خسته کوه خط اید و بخور لوله خواندن
 آتش محو کله ای مه داغ سوزانم نیم روشن و بلند جهانده مهر عالم نابدن
 بسته جیران دلو با غزن ایدی قلدی کشی سن حکایت ابریکین اول فم نایابدن
 باری کورد که سرور دن دکلد کلد که انفعالن کلکیده دفع ایدر بی باره کل
 ای ز باد لعل شیرت دنام سکرین و ی ز وصف زلف سکینت زبانم غنیزن
 تا که کفیه سر بند بر خاک بزم ای سغی آبخان شادم که هرگز پای نهم بر زمین
 غم آسوده کان جناب مولوی تاظم کن بشنوی اولان شهر فوبه دند زانای خوش
 باز بی یکی او غلی دیگله مود قدر و طاع غزعا مندی شام نرفا کایا مد متصرف خدمت
 تولیت در سنده ارج و ثمانین و تسع بایده محفل غنای اید جناب شهنشاه ساسانی
 کلوب سحر ترقیات و جواز و صلائے مظهر اولشیدی شوریده مشرب کن و طبع کینه
 نظم اشاره دخی اقتساری دارد و توجیه مشهور اولو خلق اچده مذکور اید
 نه د الهی سورسک مدد ای بر دیم و عده و صله خلاف بله زلف ر دیم
 و راج ارواح مکارم اخلاق سارا نوار مراحم اشفاق عده علایق آفاق
 نرات جمال کمال اشفاق مظهر انوار صف علوم حکم مصدر افعال انوار فضل و کرم
 مهر سپهر عالم فضایل کوب نیر ساسان شایع خلعت خلقت ذات ستوده صفای
 طراز معارف بی غایات اید معطره و نامده وجود پر کرامه سی عمامه بنا بهت و
 نهامت اید مشرف و مؤثر و دلوب باین قلوب اساطین دایم غلام علم شامل
 دعای اید کجیات بکری و مصایج فضایل بی قیاسی مشکوه علوم عکبه دن اقتباس
 اتمکده کائنات کوب قری اولان مولانا علامه الهدیه الزمانه خیر کمال
 [انکه نامش غنیت از القاب طلعتش نزهت دل احباب
 و صف ذات شریف و توصیف غنی و مستغنی اولان مولانا عبد الغنی]

عالم و عال

آفتاب که اول طایفه فصاحت و فضل ادب و فضل تمام کرده نام قصیده در باب ارسته
امیر شاه دیر - متعین قضاة اسلام در بر قاضی برجیس اخرام - ابدی خدمت
فلک ز بتلک طبع فضايل موفوری ان شاء بحسب معانی الامور فوای اوزره مطارح
هم عالی لری معارج معانی به محصوره و معاصد نعت شریفی مطالب و مراتب سامیه به
منصوره اولوب همه نعت و جمله نعتی که فضايل فضايله معروفه و عثمان
بکران سی و اجتهاد لری وادی تکمیل فضل و رشاد معطوفه اولمغنی اصحاب علم
و وفای ساینده فایق الاثران و مادر الدوران طلال شال شار الیه البیان
اولمشرودی بناء علیه سر و چمن از فتوح خورشید عالم زهد و تنوی - مسئله آموز
جامع خیرام - مشعل افروز دیا جبر ظلم و حوم چو ی زاده افندی که باران فیض و احسان
بوستان وجود دار باب عرفان - تحفه و آفتاب عالم کارم و عوارض حیره و غیر
اصحاب معارفی منور - تربیت فوایل زمانه ده قدوه زمانه اولمخلد زنده دیکانه
اولوب هر فنده می سن فضايل ابدی است - بر سر و شیرین ثنائیل ایشسته
البته انچه در کن رایتک کاری و هر نه محله که بر نهال علم و کمال کوره - بر هر حال
اکابران فیض ناسی ابدی شوند و بر یک ششم و ششوه ذات بزرگواری ابدی
خدمت پر منتبتل و دانشمند اید یوب منظور نظر مرام و معارج اولوب و حوم و قوم
عازم بهشت جادوان اولاد قدوه ملازمی اولمشرود - الی فی ابدی مدینه و معطوفی بانی
خدمت افاده ده ارشاده اولوزره اولاد لری و زراعت عظم شرافت جلال الدوله
صلاح العالم - محمد شایسته استماع انچه کده اولو لوی لایفی خاک انداختن رافع ایتمکله
دوره انجاک کابر و اعظم ابدی ذات بر فضائل و کار مانی صدره کور مشید
اول ذات به شلم به ابدی مراتب سامیه و مناصب عالیله محل ایتمکله و وضع شریفی محله
معانی بر نه کور مشیدی مدرسه بهمان خانه ده مدارش علوم عالیله دیکن شام

شام شرف انجام - جده فایده ظاهره بر اخرامه قاضی اولد لری سعادت خجرات
فائز و دولت دیال سده خزانای حائز اولد لری کجک موزال کو جده
ایکی دفعه سطنقه نجمیه به قاضی اولوب ذات خورشید انارت و شتری انارتی و جده
استفهام کبی مستدعی صدارت اولمغنی شرف صفا صدارت اولمشیدی - حفا که
بر ذات شریف و بر خضر لطیف و در که حسن سیرت و لطف سریرنده دست پرور
سبحان صفای طینت و نفا جیلنده محمود و معنوطا مثالی و افراخ اولوب و غیر
جام جهان نای مبارک و طبع فضايل کبری - مراتب صور انواع لطایف ذات کامل الصفا
انوار رفوت و اوصاف ایل محلی و موشح - چمن زار روزگار - نایم معارف و بنیاد
محلی و مروج - رواج فضل و کمال - ان قد تعالی فی ایام و هر کم نغیث فوای اوزره
شام جان جهان باده فایح - آفتاب عالمی معارف و لطایفی - اطراف و اکناف
ربیع سکونه روشن و لایح - اولمشدر انواع علوم و اضافی فوئده ماهر و علوم عظیمه
و تنبیه ده عدیل نظیری نادر اولد و غنیه ضوی و کبری السکال و ترتیب نغیث
نظر اید استلال ایتمکله حاجت که جمله علوم - بتفصیل علم کلام اولقدوه انامک
تنوخته دلیل مدد که کلامی محض کمال دانشدر و کثر بر و تیز اید کلری بحث و نظر که
مناطع آراء و فکر در دعوی و رایتی اوزره دال اولمشرود
عقل کل پیش او بود لینه حکمتش چیست طبع را شنجید - مستفاد از علوم و تعلیم
عقل البعل در فنون حکیم - علم دین و حقایق اسلام - مزج کرده همه بعلم کلام
فائزیه کبریه شریفیه - بر حاشیه شریف تمیق و تسبیح ایتمکله در که اول کتاب
استطابک هر قولی و دهن دلیان و خیالات سخنوران کبی نازک و دقیق در طوب
و توکل افکار اول آهین حصار کن در و دیوار بدن بر طلائع قوی بر حق امر حال
و نقب نظارینه اول حصن حصین مداره - بول بولن نفس خیال در الحق قامت وجود

سودی آب خورده جو یا بر فضل شیار در ثمار فضایل کمال ابدی بار و در
 روادری و پرچم پر خم رایات افلاک شان زده دست معارف بی انجام در ضبط
 و تسخیر ولایات فضایلده حافق و خنرا و سه سزا در هر نعم در با که بلبل بر آید بر آید
 اول کلمات قدرت و استطاعت که مدح و ترغیم و سروده آید که آغاز این هزار و یک
 و بسیار در اندک اید و کنده دیب و شک بلا شبهه منفک در و هر ذکر جمیل که اول
 جمال با کمال فضل و کمال اجماله سان پس بیا فضاحت متعال اصداد و ابراز ابره
 چهره بر چهره جمال کن بر نقطه خالک و وصف حاکم اید و کنده کلام و مقال و قدرت
 زبان خامه ام ارشد بوصف او مقصور **هر که بار بود مقوف بجز و مقصور**
 چون که شهاب زریح و شایقی قضاکن و مکانه هر آن طایفه و ساغ و وصف و اظراف
 بحال و محافل عالی و اما نده مدام دایره اولوب سان هر بادی و حاضر و مقیم
 و سفر آیت مدایح بی غایتی بجای و حاضر اعظم و اکابر ده تالی و ذکر در پس
 اول شهاب بلند پروازی دانه و دمام حروف و اقلام اید سکار اینک خیال خام
 و بدایع معانی مدایح و معانی ربی طریقه انیقه حقیقه و مجاز و اسلوب مرغوب
 اطناب و ایجاز اید بیان و عیان قلن استیلاات او نام مقول سندن اید و کمال کلام
 خیال حوصله نگر می بزم بهاست **چراست در سر این قطره خیال اندیش**
 لاجرم بودن زبانه رکضات کیت اقلام مناسب حال و ملائم تمام و کلام بود و کلام
 فضایل و فضل لطیف شاعری و بی مثل و مانند اشعار لطافت شاعری و اورد
 مبراز خار سندن ماری شایع جاری و التماس شاعری بر اعذن حکما رکاکت
 محبت و متواری در جوهر یکی اشعار بلاغت شعرا اول فاضل و زکار رک رک
 اقلام در باری و نتیجی طبع بر قدری در که تنها و تنگ گشت اوست
 بر هلقه دوشدی دل زار و مستند **عاشقش غزال مهره معنیز صبحی گشت**

بر غزله اید ابدی کو کل مرغنی شکار **ش بهین نقش و بر کوزی سنان نهلو**
 خالک سیاه بوز سوره کلام کیه دار **لطف اید چکر و انگ ای سرو سربلند**
 دوشدی عصاره شیشه جگر اچره در دله **لعلم کن اید و باره یوب کند و زنی قند**
 خالک اول بولن دم کله شاید که ای غنیه **بر کز قدم با صوب اید سن زاری بهر**
 حباب سازفت از سر هوای جام جم بیرو **از ان از بزم می هرگز نخواهم زد قدم بیرون**
 تعالی الله چه قدر ازین دلپسند است این **مکر سرور و انست آمد از این ارم بیرون**
 پینداری جو پیران بر سرم موی عقیده است **ز بهر نو جوانی آتش دل ز علم بیرون**
 طالع و با کون کو ستر مین دور چکره **آسمانی بر بلا در عا شقه دود سیاه**
 دنیا به ویر زبسم نوله شراب نیایی **کم رشک آسمان در هر نیلگون حبابی**
غنائی لطایف با تین و هدایه حقوق و نماز و لطافت هوا و نظافت فضا
 اید سر بلند و سر فراز اولان شهر استنبول و نذر نامی علی در ایام جوانیده
 تخلص معرفت و سلوک کل بی کتابت اید و ب و زبانه ایکن و دایع عالم فانی
 ایدن پیل با شایسته اید کتاب را سنج جلالت شان و رفعت مکان کتابت
 ایتمه در اخور غامض دیوان سلطانیده کاتب اولوب قادر اولد و تخلص کماله
 و طالب و حج نمود معارف مجده و راغب ایدری بود ایدمه و دایع جهان فانی و غنم
 سرای جاد و دانی قلعه رتائیر مخلص اید شروت و غنایه و کف و هدایا و اصل
 و اموال عزیزه و نمود کثیره نایل اولمشدی بوز کره به کثیره اید و چون بوفیق کمال
 ای لاله رخ کله بنیچ تشبیه ایدم **سن پادشاه عالم او در وین کلشنی**
 اول نهال ال ایشتر بوری اقدام ایت **ایاد اید و ب میوه و صلی طبع خام ایتمه**
نیمه ز نامی محمد در دیار عجب خیر چشم اید و کلوب جناب سلیمانیه مقبول کس
 اولان اولان پاشا نکل اولان در دزد اسکندر یگلا و علی در متصرف زعامت

این کتاب در
 کتابخانه
 سلطانی
 است

باز به خاطر او را

تجارت و غیره. و فوت و حروقه. و دانش و معرفتی. ریزه طالب عرفان جو
شود که دعایم گوشه نشینی. زمین و زنده استوار. اول که چکدن اشتها و بر سر
و کله خط که اطراف لب جانانه بگذرد. جباب خرد در کم چشمه حیوانه بگذرد
بزی تو رفته لطافت و اعطای ناز بخت. کوکل پروانه و شش زرافه بگذرد
بنا حسنه سن سرور وانه کی محل در. افندم بهشت هم هر نه یکیک کی محل در
حرف الفاء قاف قلبه دندر عیسی خواهد دیر آید. لطیفینک خواهد
او عالمه عجب صبح و اطرا اینم در. ایراد آید و کج شونخ فلما عالم بود اول بو
مطربا وقت طرب در آل دفع دین. با قیامی کنور جلک او کون شری
کن بوغی جباب مثال منظور نظر ارباب مثال در.

دور لعلکین سنگ نیاره برین جباب. باش آتجی باقی آواره برین جباب
صاف دل صاف در و نزار آینه دار. پاک چشمید نظر دیداره برین جباب
کایانیه چی صفتش هری المزمینه. وار میرد دیر رسه فاخته زاده برین جباب
قاف نافی عبد الکرمه شاهر قضا تن قلبه قاضی الکن وفات ابون محمد
چلک نیکاد غل در زریک زاده دن ملازم ادوب و بسانده متفرق نصیب قضا
اولد قضا اما فی دانی دنیا دن دخی قضا و طرا. ایندین قضا آتقی ایلد عالم عقبا به
و بو جهان فایندن کدر اینم در. بواسطه انکی گفتار نند در
نور حسن کم تراشده او لوش کوستر. همان قرا کو کیم ده موسای آتش کوستر
بیل تیدی رختن دل کیوی پرشانه. روم البینی ترکا ادوب و وندهی عجز
بر دس قاضی الکن وفات ایدن اجه زاده نکی و کلد با بای محمد چلک
رحوم سلطان سلیم طرا بزنه الکن اول شترده حاکم الکن خونی بر نور اول
ننده ولادت اینم در اول جهن سلطان ملک نعت سلطان سلیمان ایل

رها

رها عا خوت اولنده بیا علیسه زینت و نواز شنده نفه مقید او کور بر
صحن ندی الکن نهال آباله آسبب زواله شکست و منزلی کون کبی لای افلاک
ایکن کند اجل ایلد قورفا که اینوب بست اولدی لطیفی نکره سن مزبور کی بر اجم
باش و لیمه سنده وفات اینم در و اینم در لکن خط والد ماجد ایلد مسطور در که بو سوز خط
ابر اسیم پادشاهی که سنده نین و نوح مایه ده آید. اول کون موالدن کج سنده
قوت اولدی. اما پادشاه هم کون و علی سلطان صطفی ولیمه سنده که سنده سنج و نین
و نوح مایه ده آید. روملو سلیمان دیکله کسور. بر مژدن مجلس کجده حضور خذ اولدگار
اما خونی جللی سر فرس اربابین و نوح مایه حد و دنده خا و بای مرصندن فوت اولد
سیکه و کلمات. بوته لطافنده ناصح. و شوی نما ملا حنده طالع در بر و شاعر انکدر
چون سیه پوش اولد اولد لبر شیرین چراغ. قبله صنورم آب جیانی ظلمات
جماکت مصحف اطلال شک چشم ای دلبر. او قورار مکتب عشق کده دایم صوی نیر
هر دم اول سیمتک طره غنیر شکسته. قلدی بسته و سودازد و شکسته
خفاف دست حوادث ایام ارتجاع قلعه سپهر تنقلا مندن کوتاه و ناخ حصن ملک
مینو اولد و غنر رفعت لنگره برج و بار و سی کواه. اولان نصیب کونایه دن شایخ
طریقه شنیه دن برینک و غل. طریق علم لوک ایلد بو طریق انامه شوق اوزره الکن
قاید قنبر آراسی طریقه شوق اینم در نجه تیغ بای هو سی اسن و حدنه چکمش
و تخم فراغت و انزولیه. زمین فراغت و فی عتة الکندی. هرگاه عباد الله خدمت
و عطا رفیعت اینم اشتغال و جواج در دن صغیر و کبری فسیله بند و رخن تذکر
ایله اشتغال اوزره ادلوب جواب لفظ و زواج و غل ایلد نجه فسق و ایلد ضرور
فسق و فجور لرندن نایب و نجه کمر اهل حسن ارشاد ایلد طریق صلاح و سداد ایلد و
اولمده شوی بر اسلوب و بر غلط. اوزره نظم و سطر متولدی. مجلس و عظنده

اوید و بقد کیدرسن بر سوری غنفلر کسمکه اتوب انصاریدین فربانگی دار
 به وفات کو کلم آدی کیدی یار اولونگا باینه دو شدم صبا کبی قرار اولونگا
 کافرا و سوغی اچوب عالمه دیر یون مسلمانر بو بولده اختیار اولونگا
 روایت اولونر که مرثوری بیت مذکور چون کنه را بنید کلرند کافرا و سوغی بدیم دیو
 نوجیه ایدوب التریدن خلاص اولمشدر **فروغی** قسطوبدن کوشه نشین و غزلت
 کرین کسمه در خلق اچنده شایع بمنول طایع بعضی مقطعات و مطلع مشرق مشرق
 لاح و طالع اولمشدر بواسطه انک کشتارند ندره

اول اوجشبهه اچینوب رقیبا دیارین ترک ایدر سک بهجرا
 عالمک چون گذاران اوزره در پیش می نی سرور و ملول نیمه ذوق و اسطی
 کنده اسینه دیم بر اولونک پنجه ایچی ارنه صبا ال دیدی رمزیلکا چاره بودر
 طولش اول بر قیودن اودن کل **فروغی** نامی احمد در طریق صفایق علمه سالک
 و متاع معارف و کمال مالک اولد قسطنطنیه فراغت اتمشدر حالا بروسه ده
 کوشه فراغت و انزاده در بوفنده ظاهر و بدیدار اولان اشعار سوزناک
 فروغی روشن و اشکار در بوبر ایکی اشعار مرثور کشتارند ندره

برو که سینه می طوتر دی اگر بود که اولسه در حدن اگر
 سینه مک زخمه در مان دیر یونک طوفور می بکا ارمغانی کمان احسانک
 سیمین نام بر جوان سیم اندام اچون کیدر

آمی دل خوب اچو اودن کل کل اولدی جلوه بندی بنی فال ایلدی عشق انشیکه سیمین
 وزن تسلر اتونله جانیده اچندر جهان حق بودر موزوندر اول بونف کلر
فروغی نامی هجته الله در سادات کثیر البرکات من مظهر کلام لینه عظم اکبر
 اهل البیت اولان خاندان سادات عظیم السعادتند ز منته نام شرف انجام

ایکین عازم دالسلام اولوب فروغ شعله شتاری کشکوة فیها صباح اولان
 عبد الفتاح اخذ نیک خواهر زاده سید سلطان سلیم فی خدمت نیک خواجی
 اولان مولانا طاهر الله اخذی خدمت من ملازم اولد قسطنطنیه طریق قضایا کل
 و عازم اولمشدر حال سک قضا کثیر لافا فاخته داخل مالک مالک معارف و فضائل
 مرفیه السحاب محمودة لفضائل کلمات کلیده و جوده شامل بر ذات کامله مخصوص
 فن جلیل معارف تحصیل و تکمیل اینک معارف صالح صاحب جمیل اولوب فن معارف
 معارفه عمل تزیین اولمشدر عفا که طبع علی منشور بوفنگ بهج و منشوری کجوب
 نامدار و بر اشتهار اولون اچون خیل کوشش و ورزش اوزره دیو بر ایکی تریخ

نهال فندلجو یک سنگ شاخ کل تر در دایمک از غنچه رطلر کل کلر در
 کورنجه خالکی رو کیده قالدی مردمیده فراری کو کلک زلفکده ای مهر و فرور در
 غبار خطی ظاهر اوللی روینده جانانک دلا آینه اهل صفا خیل مک در در
 ریاض جنتک زاهد سکا اما سی بوک که سبب غنچه سیمینی یارک با که بهتر در
 عجمی مور راجع اوله علی اوزره دلدارک لب شیرین جانشینی فروغی شمشیر در
 قلمده داغ و شعله شتار بر باد کازم کدایم باغ عالمده المده هر کدایم وار
فروغی ولایت صا رو فاخته در طریق علمه سلوک ایدوب بهره دار و مالک معارف
 و کلمات بشمار اولمشدر ابیات سحر فتونی و اشعار بلاغت فتونی معنی دار

منبول صحاب منول و منظور ارباب انظار در **غزل**
 دلا بولنده اقوب هر یکا به آب کیه بوزینه اورمه صفین کسنگ شراب کیه
 جنق جنق صوبکی اچک فاکلی کرس جهان فانیه کوزد که کل حساب کیه
 قلم کی نکه در رس لوح خاطره یاز کسمه به دیمه قلبیکه کن کتاب کیه
 بولمغ جان و دلک ره برق بر لینی کله دی بنفک جگر چالیدی تن بر لری

شیخ و پیر و زاهد و فاضل و مجتهد و عالم و عارف و متصوف و سنی و شیعه و صوفی و
 دل و صوفی و جام شراب و آجلور و مثال غنچه کل آفتاب آجلور
 بوفتو کوزلرم ایزک نوزله روشن آجلور و زجاج ساغر باده ترابله آجلور
فصل کستان قضا حاکم و سر بلند و نثره جهان ابو الفضل افندی که
 مرحوم مثلاً در یک فرزند سعادتمندی در اوایل حال و زمان اشتغال
 بسادی علوم عالی و کمال و کمال و سایر معارف و رسوم علی و مکر سوم کمال
 ایدوب بر و ساده مؤید زاده و دانشمند ایدوب اندن لازم اول و در
 اول نامه روم ایل قاضی عسکری ملا خلیل ایل مرحوم مرفوک بیری مثلاً در یک
 عداوت سابقه سی و لغین و زبوره نقد اذیت و جفا و ایدوب منت قضا
 سابق اول و نقد متقاضی اول و قد زور و خیال باخه قضا و رضا و ایدوب روم
 انکر زده قاضی اول و کسر رجب مؤید زاده و کرار روم ایدوب صد عالم و اول و قد
 انواع محارم و احسان ایدوب خاطر و بران آبادان و شبنم لطف و گرم ایدوب
 غنچه درون فضایل و کون کل کسب خندان ایتشیدی جلی اناطولی و قد در
 ایدوب اندن غل و نقد کل روم ایدوب دفتر داری و ششیدی تکرار اول
 سر دفتر اصی فضیل منصب و قد دار لادن عزال اول و قد نواحی شهر استبول
 طوبیانه نام بر مقام بلند و قتل منیع و بر جای شریزه که قدر کا ملان کی عالی
 در فیج ایدوب برانج برترین که نمونه فردوس برین در آراسته ایدوب
 ذات باقی و انبیا و ما نقد موالا نفکم من خیر کذب عند الله بشارت
 و نخواهند خیر و انگاه اول و لغین من بنی مسجد ابی انی الله بیافیه لجنه
 مصنون بگونه افتاد و بیا به اطوار و انار متقدمان بزرگوار و افتاد ایدوب
 پنجم تن باغی و زبده رجای و کتب بنا ایتشیدی و فاضلی انواع عبادات

مرد

و خرو و صنوف طاعت صرف ایدوب ننود و کرانای سنی همیشه علی و شوا و شیخ و صلی
 صحبت حسن و وقف ایتشیدی مثال جو دمانداری سبزه زار و زکار و پنجه ایدوب
 ثابت و استوار و رانج و برقرار اول و قد حیات و زندگانی جهان فایده و شمع و بهر
 اولوب حال و خنده مایه و صدق طوبی لیل طالع عمر و حسن علم اولشیدی ایام عمره پیر
 ایکن طالب ثواب و دران و جالب بنای و دو جهان اولوب طواف بیت الله و ایدوب
 سده سوره احرام خیر الامام ایکن محفل عزیزی سینه ایدوب سینه سینه اول طوبی و توفیق
 سده انین و نماین و تسع مایه و بسیک کویان احوام اکنان ایدوب علم کعبه جهان
 ایدوب حقا که فضایل خلق و خلق ایدوب مستم صغیر و کبیر و نور کایت و ظهور و فراسیده
 بی عبد و نظیر مد اخل متاع فضل علی ذات جلیله مخصوص و آیت ذکا و در این عبادت
 جناب عزت و محض و منصوص لذت ایدوب مره لطیف ایدی و دره معلومی کثیر و خوش طبع عزیز
 خاطر زده اول و قد رفقای و عواید و لطایف ادبیه و اشعار لطافت شاعر و انار و اجاب
 و نوادر و اسرار و آرایه که اقسام سکین ارقامه شمار اول و قد و خانه مشکب و کونش
 ایدوب ایدوب و اطوار اول و قد بیرون مرتبه اقدار در صغیر سندن ملازمت سلاطین و کاکا
 و محاسن و زرا و اساطین ذوی الاجار ایدوب تادب و اخلاق اسلاف کرام
 و فضایل امانی عظام ایدوب متخلق و متهدت ایدوب شیدی سن بوغه و اصل و مانع اول و قد
 انار معارف و لطایف سبزه زار و صغیر سندن ظاهر و مانع اولشیدی سلاطین و بزرگان
 نکس ردیفه بر قصید و بیخ و شریف ایدوب بالذات حضور خاقانین و خود و قد
 خیر و عاقل و حد و عددن افزون جوایز و عطایا سن آتوب اول و قد کرم
 نکس و ارجیب و دمان بزرگ و سیم ایتشیدی سلطان سلیمان باغی و قد و قد
 بابا و مثلاً در پس خدمت از بناط نام و علاقه و مالاکلا جی اول مرتبه دن افزون
 ایدوب اقسام ایدوب اعلام و ارقامه افهام اول و قد حکایت و نور که سلطان مرقوم مثلاً

و ایکن

ایدری و حرم

سینه سبیل و تنه مایه رمضانده جو مقصودات فی الختام ایله بیرام غم عید
 دار کلام ایله حقا که شوی زک و خوشترین قرصیم و سبک زدی زکاجوهر
 و صفا پیکردن رنگ نغمه قر و فواج عود قاری ایات و اشعار ایله شام
 دل جان اهل عرفان بخت و معطر بوفه فضلی بهر نظیر در صاحب الحاف و نثر
 شاعران در مولات عدیه و تخیل و صنعت قصیده سی و ارد بجز جوده های و مایه
 نام کتابی و ارد و تحفه بکرده دخی بر نظم مستطاب و کلستان طرندین خلکسان آدلو
 انشاسی و ارد در جلد دین سوز اولوب خلق کند منوال مذکوره اولان کل کلبی در
 حاکم بر نظم و کتب مرعوبند که کل کیسه آمد و مقبول اعیان اولد و غن
 کل کلبی ظاهر و عیان اولد و بیدان خوش طبعان کلستان عرفان اول نظم و نثر
 عنوان عالم دستان ایتمدر بوبر ایکی ایات و اشعار اولان نظم ستوده و صفا کلام
 بسینک مجنون شیرینک لافزادی و اشعار کا غشقی که صور هر صنعتک استادی
 سکا کوز عاشق و دل عاشق و جانبدار عشق تنه هر فم جان اولد و جمله عاشق
 چون ایردی نیر عشق جان ایزق یونجی شرمید عشق او یونجی استمر غم کرم عاشق
 او یونجی غم که ایر کور رس و سکه جان نه درس غم دن اولون غمی سنی جان دن چون عاشق
 سر اسر سوز و حال اولن کرک افشانی خاک که با یون با بکر هر گاه انکه او عاشق
 سن بو کمال سله مهر فلک می شن سن نوع بشوده کور مدک بوخه ملک می شن
 کوز نرم اکره اوین سن سن ایکی کوزم بزم بسم ایکی کوزنده سن چوبه بیک می شن
 قطب مرادم اوزره سن دونه مدک تن تنل ای بسم اوزره دور ایدن فرخ فلک می
 دینه غم علف کبی بیه عشرت ایت دیدیم هیچ فونق قبر تدک صوفی انکی سن دن
 نغمه کلام کل بل افق اولن بیلور یوخه به فضلی سوزده سن کلان کلکی شن سن
 وصف بیلده بوابی کل بیلدن دید

ایردی بیلر بواره ده بوکله که فغانده ویردی جانده غنا بیک کسناخ اولو کلبی در
 حومه فید کیمیل صدا بیک کسرو بچی با کتدر اونه طور دسک اکا حقد
 و نه طور مزعجب نه خوشد بو بلزم کم بچه او شدر بو بچه باش اغزیر او مرعک مت
 او تمه دکل اگر انجور سه فوشست وصف شاده بوابی ت دخی اول کتا بدیزر
 طنره ال اوزسه کر زار و و شردی الی چودست حیا خلفه ایدوب بدو ظاهر
 شدت و ظلم ای یکد و افز کور و ب اول شدر تنی خلق کوی اوده ایدینیر او جانده دو
 او جوق خلق الیوب جواب اولدی آتش پرت شید شتاب یانه یانه او جوقه دون و کون
 او دها سینه چمیدنی اودو حاصل شدر تله طوبی جهان اولدی شرمه خانه سنی زندان
 بوقه رفد اکرده شینتا کیر و کور ستردی خصلی چودو غلا اولدی ست سخی ایسم
 سیم غرق اینه ای عالمی کتا سرده کیدر دخی خلوت سیم قلدی کلاری سیمه نرین
 ویردی ایدوب هزار دادوش جوی دجو یه کلکی کوشن **صوفی** فضا لطافت
 اقتفا سی دل کریمان دشمنان کبی برنا و واسع و ساحه لطافت مساحتی خاطر
 عاظر عارفان فیض مظهر کبی کشاده و لامع اولوب تنکاه خلفا و ملوک پیشین
 اولان شهر ارم آرا و زردوس نرین دار السلام مباد حجه علیه بغداد دند
 او ایل حیانت دم وفاته کلنچ شروانشایه کوشش و نظم کلک به و زرش اوز
 شاعر علی منش در فواج طرزه قریب بر اسلوب بدیع و کت غریبی ارجز حفا که
 طرزه نغمه فرید و مکتبه و حیدر رش غریباعت شاعر و برناظم فصاحت و نیاز
 در کمال حسام راعت انتظام خطیب مدارج منابر متعال اوزبان فم راعت
 علم اید کاشف استار عرائس سحر حلال صنوت زلال صفای متالی رنگ
 سبیل جهان و چشمه خوشید تابان و حضرت ریاض پر غوانج محمود
 و منبوا کلستان جهان و سبزه زار آسمان کردان در ساحه وصف کلام بر انتظامی

اول مرتبه دن بیرون در که کسبت نیکام افلام میدان علان و اعلامن جولان
 اینک فاکر اول و سعت و سخت مدح و اطرا سی اول صد دن افزون در که طایران
 و هم و خیال اول هواده طایر و پیران اولغه احکان اوله اشاری حکم و پیران
 و نازک و رنگین هر و ادین اقتداری از شاعران مداز در زبان ترکیه چندی
 و اردر لکن جلدن لیلی و مجنون اشتیاق به کسدر مولانا حسن و اعظمی و فتنه
 روضه الشهدا بین ترجمه ایدوب حدیقه السعدا نام ویرشتر از فضا بود که
 ترجمه دیگر کلدن فی الحقیقه اول حدیقه دانیه و رشیده به نول کلوز مال
 بلاغت و کسدر که چین و اعظمی و بارن کور کسدر و اول قدر ریاضین
 فصاحت کسدر که بوی و جوی شام منشیان جهان ایرشتر سلطان مغربین فغان
 سلطان بیمان فتح و ایتن اکنون خطه و دارالکلامی عظام طغرخا مله نیرین
 ایدوب اول بین نصارت قرین توغ سلطان و رایات کثورتی ایله غنث
 بهشت برین اولدقه اتفاق اول مانع موسم اردلانست ایدوب است اولدی
 و بو عالم نژاده و دفع خرم و ملال ساغر زکریا لاله دن غیری در زمانه
 و بو بیل هزار دستان ارباب عیش و مصایه صلا ده ایدوب عروس بهار شکین باز
 حلل کب نولوباز ایدوب شجر در رخسار کل طری و کاکل نفث طبری شبنم
 عیسی دم سحری دن مرشح اولوب بیل پیاره شادمان غنچه خاره
 اجل ای غنچه باغ لطافت کل زمانیدر دیو هزار در دله گفت و کوده و یاد صبا
 صورت کل غنچه خاره خالیدی نینه دامن اول غنچه کل دیو بریده آرائی
 اولوب کلستان جهان فک و بوده ایدوب شجر مزبور وزیر اعظم و خلیل جلیل
 سلطان عالم اولان ابراهیم پاشا و صد کرم مولانا اعظم قدر علی اندینک
 جناب والا قدر بنه فقیه غرا ویرد انکر حسن تربیت و وسالت غنچه کل

فغان مسفوره و فغان فقیه ویرد که پنج جوان و عقیانه مظهر و جعفر اول جان
 ذوات صلات و احسان ایدوب محضر اولشیدی کل دیف و فقیه لطیف و شریف
 اول فغان واجب کسریفه ویرد که کل کیس با شاد و زره بر ایدوب بوی جوی
 عالم کبر اولشدر بوی ایل شیا اول فقیه بلاغت سمندره
 چقدی و شجر برده دن عرض ایدی بیدار کل سلسلی نرات نمیر یکدن زکار کل
 بندی اول موسم که اجماعه کوکلر سکنه اولر کلسنده ریاضین خلیفه کسدر کل
 یو فغان عادت طوشش کچور بوسم عردن اولر جان باغنه جورد کل
 قشیل فغان طوشش بلرم کیم شغل که اسیر خارا اولر که سنلای مار کل
 حدود سبعین و تسع مایه ده کل من علی فغان باده سندن کیران و صها
 کل شیشه مالک الا وجه ایدوب سر کران اولدقه ترک عالم وجود مستعار
 و هیوت ملک هستی بنایار ایدوب دنیای ذوات مدار دن آهنگ دیار
 و ان الاخرة لهی دار القوار اینشدر مرتب و مکمل منظم و متجمل دیوان عزیزان
 و اردر بوی ایلکی کلام و مقال و اول فغان سحر صلا کلدن
 هر کورن عیسی ایدی آب دین کرانی ایدوب تحقیق کور شکر بوق جان
 قشیل بند بلرم ایامی غارت قل سنده ایمان بوق که سن الدن کیم با
 بلرم کل اغزل سرنی و شوار میش اغز که بوق دیدر دید کلر بخه و ایش
 خوشم کیم دیمدم کران کوزم اول فغان زبان اولر اول کوزیا شک کیم تو بیا دند
 فارغ ایدی عشق اوز که ملقا کردن حوز جانده صافدی عشق کل بار دن
 کرم کل کیم ساق التفات کیم نوالر اکلدن کلد و کی خبری ایدوب ایدوب اردن
 صبا کوبنده دلدلک نذر افاده کسک بلرم برون کلور سن رخبر ویر آشار دن
 متوس فشر کیم دیمدم کلدن کسک کلدر که قازد و کچکل زنگ طوشدر

جسمی پذیرم رحمت ایت با نیکوای بخوشی نش. احتیاط ایت با نیکوای کیم قور و یانده نش
اولور خسار که کون لعلک کلبک تر عشاق. سکا اک ک کل کون کون این بر دین تر عشاق
سپهر ک فارغ و صکده ماه و آفتاب. غرض عید و صالکد بر بوی و کون کون بند
دوست بی پروا فلک بزم و دوران کون. در دجوق هم در دیوق دشمن قوی طالع کون
سایه امیز ایل آفتاب شوق کرم. رتبه ادبار عالی پایه تدبیر دین
عقل و دینت صدای طعنه بر بدن کون. بلای عشق کون کون کون کون کون
بیله برک لاله نک نکین انشعاب نیت. صود عکس هر دو کون کون کون کون
کر بلاده بنادولان چشمه بویاری غایده خوبرو.

گویا بوشش بر شاد در **ششم** راه حقه تشنه ایلر جست و جو.
اولی انگ دهنر صود لے. دل دو کر هر کیم که اولر و بر و
صوکبی از بر لیش او قروا. باجای دهری هر دم سو سو.
او کینه کم کلمه دیر تاریخ بکون. با حین ایلر حسن خفیه صو.
و سلطان سلیمان اسنه بومعا انکدر.
شرح است کنی فیض عاشق زانال طلسم کشته بهر حفظ آن سلطان یاد
فغان کتاب کشته در سلطان بایزید خان اولادند سلطان عبده
سجاده کن. اول شریفه بر اخرا از ک حضور نین علم مثال هفت از ده و شهاب از
هوا و صبح و ناسن بر واز. ده ایدی غرایب کلا. و عجیب اتنا فاندن. در که
بوفغان کن دخی نال جو دی تصور واره برداد اولمشیدی شهاب کبره اسکندر
نام نظم انمشد. اشاری رغبت و اشتیاق بولاجی. و اول عروسان بی حسن
و قبولک بر و جهل کوزه کور بیک حالیه بوقدر. بوشش بر انکدر **مطلع**
ششم مرد ملر چشم طوتردی بو کینه غزل. و کله سایل و اندر بودر شمدی من لکله

افغان در عدن ارباب ذکا و فطن منیع شوا و معدن ایلر نین زمین نزلت رهینی
نظم و نصی بی عدل و ذریه نمتد و وطن. اولای شهر طراز دند نامی رمضان کون
بسته القدر کیمی بر خواند و مبادی حاله علوم آیه دن کون و صرغه اشتغال صحن کون
تحصیل بلاغت و بیان و تکمیل بدایع و عواید حضرت اتمکله قرین شوا و عصر اولوب نوام
و خوانه نظم خوانه. ایلر سارا بلاغت. و هوا و فضا صحن. و با پرواز از اندرون فی الب
اقدام براعت ارتسام. و دام و دانه نقطه وار قلم. ایلر تیز و سلاست و نسیانی
شکار ایدن شهاب زلزله دن اولر در حفا که اسرار بلاغت عار و فصاحت و تارک
عظمت الصراخ و دخی خود و ذواب حور جهان و عصاره عبارت ایلر
مکر و ان. نمتد انان زبان. الفاظی سلیس معانی نفیس اشعار بلاغت شکار
آه عاشق در دناک کیمی سوزناک. و کلام بلاغت ساقیه آب روان و درون هجره
کیمی سلسه پاک قضای مصنع و مجمل نیجان کلام بر خوانه. بواقیت بدایع صنایع کمال
مختل هر جیتی کمال شاعری بدن در. اگر داین اجل اکاتفاضا آیموب بر مقدار اجل
ویره کیده. و حجت حیاتی حکم حکم. در ازین سبیل او کیده چون شاعری کلماتند
بلکه پنجه حسن جانتند او صندر روی بلی ح فانت الزاریا بالنفاس مولغ
مرحوم نغانه قاره باجی. زاده واسطه سید مرحوم اسکندر چلبی به دخول تید که
بعض اصحاب عرفی که مظهر فی قلوبهم مرض در مزبور می شاید خدمت ابراهیم باب
دخی متول اید و اول آید. دخی مرغی و مقبول اوله دیود ایلر و بر رفوف و
ایدر کرد. و هرگاه مثال و سادینی ذکر اتمکله باز از بعض شفا و شاق و بر کرد
اشاق اول شاکه ارباب سنج و جودن بری طلسم ایدرم دیو نو جودن مانند
عوج. بر شکل دوزوب کون و کن و زیر مزبور شکل مسوری و مسوری فی کفیه
طلسم فتن اید و آت مبدات باجوسی قرنوسنده دکر میشیدی و زیر مزبور کاعدا

ابراهیم با دخی مسلمان و لیسوبت پرست کردن فراغت آیمین دیوساوی غیبت
 ایند کزنده ناکرانی اعدای فغانی فرصت زیانده دیوسنی بوسیدله بجا آید دیو
 غم آید لر اولبت بودرت دوا بر ابراهیم آمد بدیر چاک یکی بت برست و یکی بت نشان
 وزیر سانی آنرا صاحب خفاک مگاید و فغانی صبح و واقع ظن آید و حرفی
 اولان تیغ سیاه سله اثبات وجود جیانی سلب آید بی کناه اول در مندی منور
 بردار آید و بی سبب سلب آید **شرح بدیهه**
 جندی که چه ظاهر جسم فغانی کوکله دونه دونه جندی جانی که و فغانی کوکله
 آئینده آسمانی کیدی کوکله با مکر بودی انک دغانی آسمانی کوکله
 بوبر قاج اشعار اول غلامدار کدر
 فغانی غنی خفاک دکلای مهر ستاره در که اولیدر هلال ام یلو
 شیم کاکلک آتش نیم گلشن دیشک سنبله سندن امانت بو
 عرقن آید ی چون آینه زلفکتر طور رفته ناز عسدار که فر شو
 دیار دلدن اگر کم کجوسه چاک دی جانده او غرسون آینه ای کمان بر
 فغانی باشکی دوک روزه زلفنده آق آینه فاره کون اکتد مشکدر بو
 اوایل حالده حسینی تخلص آید لطیف غزل بر بوری حسینی نام شاعر است
 آغلر نه که بر دم آجیوب دیدم **دایره** بن طور سون ایکی کوزنده خون حکرم
 بردن او سون اوله کردون **دایره** که جهان اکره نیم او ستم اولدر دوزنم
 بنی اگری جعفر سون با مکره خنجر سرنیزه بوزینه سور سون لوب بر اوج فغانی خنجر
 دو کله فغانی خفاک که مژک الابر بزه کله که طوفنر کچر امال ابر
 در نمی یو بر زن خفاکین عجب شیر کای قاشی کمان سببی غزال ابر
 مردم دیده کنار آینه اول سرورک تمش ایکی دره دن صو کورر آل ابر

بو خاست عاکده اچلمر نه کل مقصود غم ای لیل جان چونکه کل اعدم موجود
 اور بدربانم جلد و غنرک نیم فرس سیخ کوزیدن و طری جندی کل مرغان الود
 و بر دم دمان لبره دل غایبانه مقدار ذره کوریدن اندن نه بن
 لعلک حدیثه اچه مرز زجه دمان اسرار غیبیه واقفا دلان طبع خوده دان
 تیغ جوهر دار و صفقه بوغالی الزام معاند و سازنده بران طبع و حق نافذ و تقری طعنه
 حدت او دینه تیغی کمارک زبانه در جوهری بوزنده شردن نشانه در
 برنجه در کله که کج کسیر آیدار بر اچکده جوهری در یکانه در
 نینک سپهر و جوهری بر کواکبی خون دلم بوزنده شفق نشانه در
 تیغ نگاره نوله دیم نخل رغوان جوهری شکوفه کبی دانه دانه در
 شند آده سلطان مصطفی سنت اولدنده بوقیده پرفا حتی مشهور و مقبول ظهور در
 صبحدم آتوب عطار ددسته زرین قلم خنجر سیما کون طارده جلوی قم
 اطللس کردون قنق آتوب بیدی نعل خاک پای فرس شاه اینک فرس قدم
 دکدی بر زرین قنق میدان کردون شیر آتوب بر زنه با آید کمان چرخ خم
 شاه خاور خورن فاجدی حصار چارم آسمانلر بروج چرخه چون دکدی علم
 دوا بر ابراهیم شایه دیدم که بفضیلت سی دخی غزا و بچشلم بیتا
 بردون که خدش مله جنگ آینه ای آسمان اولدی بروج قلعه کوزنده خون
 الدی آینه تیغی بهرام دار و کبر باروی چرخه جندی نبرد آینه کمان
 اطراف کابانه خبر صلیفه کنش اودیا قندی فتنه قلعه کردون ناکرمان
 کر نجه جامه خوابه جهان بولون او بودی فتنه عالم کواکب آیدی عبون
 و سایر قصاید دخی مقبول مستند جمله سی مشهور عالم اولمین تطویل اولدند فخری
 مردم آینه اسکوب جوارنده ناوله دیکله حرف اولان مقصد دند زرقه و فقرا

وزمره شوا. دن کشاده دل شاه باز تو غل مشتغل طلب جان و هلاکت
درونده اولان جوهر عشق جوانان. و اشک چشم که هر شایه. ایله کوکلی و کوزی غنچه
کسته ایدی طوایف مختلفه. یه تویف ایدوب کبر جوده بر کتاب دیش
بوکلمات وصف شوا. اولان اساتذند.

مذرا عوارک بلد کی حاله. ادکوب هر دیر کی لغی و خالنه. کیمین ام المیوب کیمینی داننه.
طولا شوب که دمان که یاش. ایدر لوقی بره در لوقا. نتیجه جعفر الا که خیالات
نمازه پنجاه کون که برسن اول کون. برالد ساعد سانی برالد ساعد غزاده
فکری نامی در دیشدر. مانشی زاده. دیملکه معلوم بیکانه و خوشدز مرزور دخی
علی الوجه المتعار. طریق علم بر سدا. سلوک ایدوب سافه چو کتی ادر نه جنسی یکین
وفات ایدن پیری پاش زاده دن ملازمت ایدلته. بولد قدیم کیم سالک منصب
قصه. اوکه حقا که فکری و فیض. شوی رفیع. سیر نی جیل منتر لقی ایل هر زنده
مدح اولسه لایق و حقیق. قصه اکینم نعم فراوانی بزدول معاشرت و مصاحبه
له بند و قبول کسته ایدی عجب در که عیبی و اعیشی بکرت. ایل اولو طایفه نایه
قطعا متقی و عقیده ایتوب بلکه فرقه و زمانه. مدام لعنت زمان ایکن آخر عمر زده
مکاره دنیا کی هزار دن فالش. و طوق مهر بر فکرت نیجی مردود کی بوشینه
مالش بر جوش شمل. و خدا غه شو. ایلوب اول تحت و بلا ایل در شش
وزار و سینه پر کینه سی اول نه ت و غایله خروج و انکار. ایکن و عالم وجود
نرک دیار ایدوب آهنگ حلت دار القواز ایلنه. ایلکار انکار از اولو بر کتایه
و بحر هزجه بهرام وزهره سی و نیجه شهر نکینه و قصاید بلاغت بهره سی وار در
ایکار انکار بی مثالندن و مجله جلیله نکست عروس و جودینه طوق و خلایق الی چون
ای کوکل اتم تله ذنخت دنیا یله. نیلیدی فرماده نول سیر زن حلوا یله

کوب

خودی کوکل هر قسم سیمت. سبب مدد کافره قول ایتدی
کچو کربنده سن یاره منافق مدد. یا ندیم اولاره منافق و عیال شکر مدد.
بختم اوینیز کوز اچدر مرالم و کوزی. بر نظر لکست بکاهی کوزی آچقر مدد.
فکر یا طوغر کونه کوسرمد و لدارک. کور دکی دم اولمه بد مهری عیال شکر مدد.
کف پای سکا یاره شو و کوز کوزم. قبر مش کوز کوز اولمش اول کف پا کرم دم
فکری اوله. بر دسه دن ایل حقیق. خوب طبع و خوش صحبت کسته ایدوب
نکن طلب معرفت. و آرزوی سیاحلو ملکسی اولان صنعتدن فراغت ایدوب
مرو مثال باغ جاده فایغ و آزارده. اطاف عالمی هر بار کشت و تماشا ده
ایکن کشته خنجر تیز رستینمات اولمش در معارفدن فرج معالیه آشنا. و دیده دل
و جانیه کل عیال و رشتا. اولمش کسته ایدی بو شونیتی فکر مدد.
باده در هنمک کورین عارض دلداره. بر الفذر کویا ظاهر اولور حصار ده
یا فریق ایلدی انکشت فخر کایات. و یکدی بر تیدی به خود بر سر و در کار ده
مرحوم عمیدی ز غره قاضی اولدقه بویتی دیکدی.

موقفه نینه بر معنی لایزالش سن. اقلجکه ز غره قاضی غنچ عالمش سن
بکر شاه اولو بر دیر مهر و بنفشه عذار و شمل. ایل پهلوه اولدقن مهر و غنچ دوشدر
بکر شاه ایل پهلوه اولدی فکری **فوری** اقله. اگر چه قول اصلندن و لکیم ایکن
معالی سند ندر و بو طایفه عالیک علم و کمال ایلد متعالی. سند ندر نامی احمد
کندی میان شوا. مرو مثال نماز و سر آمد دز هنوز سن بلوغه شمدین
شیخ الشیوخ نقیص بنده مضموع حکم. مادی ضلیلا دن ذات نمی نی مطلقه
شیخ اکبر فی الدین عربی و فخر بنی و انقده کور و بشارت و دلالت و اشارت
بر و اینتری ایلد کشتی اول جان عیال ضلالت عصبانده ایکن ساحل مانه.

بدرنگ برین ام سیرنی و صفایت یارک . خوری زنده یک کر طلو به طلو سوبه
استخوان سر طوله خال کچر و مار و مورده . کتمیه فکر خط و زلفک دل مهاجور دن
فلنل نمیش بکلر اکو که او چاسون بو . اول برنگ جسمنی خلق المین کا فور دن
بچه شیر بلادن جسمی ایرسون . تیغ حسرت اندک طرافق آره سینه کرسون
کجوب ملک وجودی عالم غشفه قدم صدم . بو کوندن چکر اولمز سم عدم اقلیمه قصدم
دونا و دشمن ن بر آه اید و جان بر دلو کورده . غمکله ای کان ابر و او قم اندم بایم صدم
ایکی بگرم بری برینه کچی صدمه ضعیفدن . برن بول کله یی جان سوزن بجز الله قطم
جسم نزار میده کور و ب بایم اهل دل . دیدی تن ضعیف و خفیفه خیال طفل
ایتن قومه رکاب و نش اوله جو تیغ تیز . نه یافه اول اصل نه بواش اول فصل
موی میاننی تن زار مده موشکان . وزن ابتد کله یی ایکی سیی است قل نقل
ز بعدی دخی ریح سکونده به نظر مدلی مفت کنور و بوطاق نشدرده
مستول صغیر و کبیر معشر لری نه ایده استادانه . مختلری خود بو چوخ بیجانده
بکانه در اکثر انار و اشخاری معلوم جوان و پیر اولعین ایرادی ایلد تطویل
و تکثیر اولندی **فهمی فندی** خدمت والد علی الشانک دوحه وجود عزیز الله
نایان اولان . نال نقل عرفان . و شجره فضایل نثره لر دن سر زده اولان
اعضان و افغان علم و ایمان دن . بری در که بر احو را قم کوفه اولان عجب جعفر
برادر کنیزی در نامی محمد . محمد و منجیل محمد . در خدمت والد با جد قاضی شام شرف
ایکن سه اشقین و سبعین و نوح با زده ذات بر جودی عالم وجودی شریف
ایدوب کوکب جودی اتق بروز و ظهور دن لامع . و خورشید ذات رشیدی
شرق سرت و نو بدین طالع . اولد و غنیمه محمد خرنه مار خج واقع اولمشدر
چوقه شرف سپهر افروز در دوی زیادت . چو ذاتش در جهان آمد جهان آمد

و نفس عالم طلبی بجهان نازد نور تو ب ملک نور اینت ایما نه کلن بر دو حکایت و
روایت ابد رسد. اقدسی اولان نقاش علی یک بزوزه سبیل خصلت شد اولان
امورده فتور و لوازم و مرام بناد قهر تربیت قطعاً تصور اینیوب مذکور ک
دخی دکان فطنی موفور اولغین علوم البی فی فوری تحصیل بدوب بدو در ج
استفاده و مرتبه عقل متفاده. دار دنده جد وافر. و عهد نکاتر اید زمان فیل
علوم خبه و فنون مانه. به تکمیل انجمنی آخر بوستان اقدی مرحومک با فضیلت
بر افضالنده سروشال دامن در میان و ثابت قدم. اولغله شرف ملازمت اولغشرف
و مکرم اولمشیدی جمع مدارش علیکیده خدمت مدارش علم و کمال. کمالی با بقدر
والاحوال. اشتغال اوزره اوکو. آخوشام شرفا با مده شیخ الاسلام اولمشیدی
اول ایا مده تقدیر ملک عظام اید صبح فردز حیاتی. شام دلوز همانه مبتدل اولوب
ریاض جانده. لذت لثا رین سزایی نوش اید کلزنده. کاتهم لولو مکنون
علمانندن. وفا کیده مایه خیر و وحلم طبر قایستهون. اید مستقل اوسید
حقا که شواء روک کبر او مافردن. و بوز مره بلاغت بهره نک اعظم و اکابر
نیسان فضل عرفان. و باران بلاغت و بیانندن. صدف کون و مکانه ابو بل
بر در شاهوار آزد و شمشدر. و خواص دز کار. اکاشا بهر لولو بر اعتباری
واحد بعد و اجد کتورشدر. فواره در و نده نمایان. اولان این سوزناک
و حکایت شرفناک بعضی یو جین عرفان. و مجله بلعای زمانه کمر بر دوش اولوب
فانک برود کلمی طغ و سوبله
دینو که در گرانایه یکیز در بر
سجده ده قامت اغلاشی کرابت بار
کرتم قل مجلسی یارم اول اغیارده ک

خدمت والد پیر افعال عار و دردن سرای سرورده انتحال از حال اینک طرزه
 طفل خود سال فکشدی داعی بی بضاعت تربیت پدران لرینه حساب استطاعت
 قیام ایدوب بحمد اله الملک العلام تحصیل معارف و فضایل کماله بجهت بخت
 کبی سحر وافر و کوشش علم و در زش فتنه صد و اقدانی فضل عیاری کی
 شکار اولوب بر خوای الشبل فی الحی مثل الکسد و کاه و فنی نواز دیکا کبی حلی
 و ظاهر و مانند تبا شیر صیاح و روشن و باهر و اولفله تحصیل جلایل فضایل
 آباد کرا طریقه مقتفی و مقصدی اولد فده اوایل شغلانده مقاصد متاخرین
 حتمی اولوب ذات اوحدی که اول بی نیای و نالند معارف و فضایل پرده
 وارث اولش در دوا و از قبضه فضل و عافنده امثال و از انده مغبوط و محسود
 اولوب ذات بر خودی آیت بود مصحف وجود اولش در
 لا عوفانه شبل ذاک الاله القهار و صوء ذلک القهر الارب
 حاله دخی غنچه و پرا دبی حبای دکنای حق و طلب اید کفنه و سادّه خاطر
 جلیسندن عبار مولع تحصیل و تکمیل فقه در ماموله که عن قریب افراد در دکان دین
 اولوب اوزده اعتبار و اشتیاری غلغلانده از فلک دوا و اولد قدح ارباب
 فضل و کمال عمده اضی جاب و جلال ناظم مقاعد الفروع و الاصول ضابط
 قواعد العقول و العقول مسند ثبوت بنصب فتوی خلوت کرن سرای فضل و شوق
 حاله شیخ الاسلام سقّی الامام اولان چوی زاده افندی که طوطی جان
 نهشت فتوالریده بو طرزه کوا اولش در
 ذات بکوی تو در فضل و صلاح دستو بر زست از همه عالم و علی القلوب
 خدمت فلک و تبتلزن ملازم اولد فده کیه بای سرای معابرین نشید و نامین
 اکنون ساد طریقی سعادت رفیق تدبیرن اولش در بومی قریب انچه اید مدرسه

اولد فده

مردمیده مدرسه علم و کمال مشغول اولد فده کیه وصول به خیرین انچون
 مدرسه منوره دن موزول اولش در اولد فده کیه خواستی و زده ذات جلیل و نبیه
 لرینه میرا شاولان معارف و بشماردن نظم اشعار اوزده اول مرتبه ده انتقاد
 و آثار قلام شکار بنک اولد وجه ده اعتباری و اشتیاری و اردر کونو یکد دست
 ساقی عمر بقیدن دوستگانی حیات و بقای خوش اید فقه عالم وجود و اشکار خوش
 ایدوب اجناس مبدع و لایف و انواع فقرات با فروزینی اید بقیه ملک جهان
 خلق جهان روضه ارا یک جنبان اولد با غنچ رب و کمان بودر تحصیل و تکمیل
 فن معارف کوشش ایدوب سهر نمانده ضوابط و قواعد انتقاد اید بقیه ترکیندن
 استاد اولوب بوقن شریفی دخی نامدار و پراشته اولش در بوبرایکی سعادت
 و اشعار اول محمدوم بزرگوارک آثار قلام در ریاض اندر
 کیه دلدار بیدار اولدی بر شمع بانجه کف پایینه بوز سوردم مراد اوزده اویا
 او بورکن نازیده بیدار اولوب کرا اولش در او باندردم صفای منن بر شمع ضیا کستر
 شکستایندی لب لعلک صفای جام جمیدی زکلیاتن صورت بولدی ثرات اکندرا
 سینه اولد رملای دل و خونی سر عیانده بوزک سور پایینه عمر کرانما بشتاب ایلر
 زکلیاتن میل جان میل کلاز ایلر جان طوالم که لعلن آشیاندر هر کل امر
 لیک و صفده جان بیلدی چو می کین نونا نظم خیال بکیر فیه اولسه جان بکیر
 فراموش ایمون دیو و فای عهد و پیمان سرانمشته مردم او مالک رسته جان
 غبار رکندارک و اریکن ای مردم دین کوزده کوسر مزار باب نظر کحل صفایان
 حیاتم نحو اولور نازیده کفای ایلر سوزده کله کجه جان بخشیم دیر اولد فده
 الکه نامک ای فیه کلستان معانی در بختیم کسه طاعتن خادم کانه جولای
 نراش آیت که خطن شعله اولد بر عشا کورن دیر نظر اولش در بختی نازده موسی

ناز بکفاره بهار مجلس اغیارده . آجور اول غلبه فم حیف میان خارده
 تازه جان بولون مکن مرده کفاره کل . بجزیبانی اجاق بسل دم کفاره ده
 جور کله صنوبر آینه خاطر عاشق . بچاره اولور بزمکه کله کج افغان
 قدم ناز جانے میانک هوا سنده . ویردم متاع صبری سینه بوق بهاسنه
 عهد اسم طور و صورت احوالکی صورت . هر جا بیدر اول هر روان عهدیه طور من
 بار عید ابردی دیو ایلدی نوشناده . ساغر منی ال ادوب کله دی مبارک داده
 زخم شیرین از منی افشایدی . منی بر اول کجایه جن عالمه رسوا آید
 عاشق سوز درونی اوله کونک **حسن** بی پاینده کور منزه خال خندان
 نقاب روینک اول لاله خسار **خور** نوار آینه کنارین رفع مکرار
 جو خیر بر میان آن راه بسته **خور** بهال حبس در رونق شکسته
فیض رام کوف اعلان عید صحر . و ذره کمتر کن برادر کهنری مظهر کلام آینه
 من شبنم ذاک لاسده اولان محرم معظم و مجید . در نامی حین در روم ایلسم
 یکی دفعه صدر اولان ذوالقو و القدر . مرحوم عبد الرحمن افندی عروه و شاد
 لطف بی اینها سنده عاصم . اولوب قدر نیدن ملازم . اولش در اول غنق شوق
 ایلد تفتن فی الطریق . ایلده لم دیو داعی اخلاص ملازم . مدارس افاده به خادکم
 اولوب انظر طریق صفار فنی نقایه عازم . اولدیر حفا که حسن صفت و حین سیر
 در دریای فوت و مروت . قدرست کتاب اسافر . عنوان صحیفه ناز خاطر
 دریا مناظر . و فیض نظامی از نام عارف و لطایف بیسمار ایلد منزه و خراب
 جهان کارم شاف . قیدیل به عدیل فضل و وفان ایلد متور . قری لایه قفس دانه
 نغمات بلاغت و براعتی سر او از جیستی ایلد مستم . و غنچه جان بهار دل و عار جان
 بنام و بیج و بیان ایلد بنسبم در ذات معانی نر جانک عارف بید و انجانی توسط

کلام و توشل مقام مسکین راقا مله . اظهار و اعلام . اولون خیال خام و تیز و فانی
 مشکفانه . اولاد دی دور و درازده خواص . انگار مظهر و جوانم در منی اخوت
 آرا ده حجاب سوسه مدراج دنا بی بلربن . بچه فصول ابوابی شملر کتت بالیف
 او کورد . منی خود فرو نشیدن خضر از واجبات ایدوب نشر مدراج و شاپلر
 اطباب و اسرار اولمندی شمشاه طبع پر عنوانیه . اقلیم فضل و عرفانی ضابطه و حاکم
 و بر فوای الولد ستر آینه معارفی و کمالا پیره وار ندر بو اشعار بلاغت شاره اول
 مستح فضا یل علوم ملک رقاب مالک منشور و منظوم کفاره در بار ندر **خور**
 اسم اربک طایفه بچه دل بیه پنهان . شمشیر نقایده و جامده حیران
 پایک التند صحنه کبکیر . بوز سوز آبنو که کو کبیر . دیدی غبار یله کورن ادمی
 منزل شمس ج غرور **فیض** ارباب زعامت ندر برج سوز کفاره باز ایلد بیج
 بکار غمزه ایکن قولاری قتل انشد . بوبیت حسب حال اولمش
 قبرم او شینه سمندن بنوب اولمده . ظلمه اولمش دی نورانی و کبریا سنده
فیض حرف با که مذکور اولان طور سون زاده بقایه نک برادر کهنری نامی
 عبده الله در طریق فایض البرکات علوم و کمالاته . فیضی شریف و نسب عربی و
 صاحب نقیب الاشراف و مفتی ولان معلول اده محمده جلی دن الوب خدمت شریف ندر
 ملازم . اولوب مظهر انواع الطاف و مکارم اولمش در حفا که انواع معارف و لطایفی
 جامع . و مشرق ضمیر منیر . ایلد علوم و فنون خطیر باری و لامع . طایفه کالات ایلد
 انتقانی روشن و ساطعه . آذان اهل ذعان صیبت فضا یل عرفانی ایلد ملو
 و مطمئن . فضا یل حلیه . و معارف کلیه . و جزئیة سی مشخضم معین . اشعار افراینه
 میبازده تماکش . و ذریه بر دانی ایلد معنون در کمال مقصدی قطع مراتب و
 مناصب اولوب بومی ذوق انچه ایلد خدمت مدارس علوم و فنون مداوم و مواظبت

بوبر اکی شاعر اولان ات فضایل شاعر ک آنا فیض طبع پر اقتدار بدر **س**
 شوبه کجی سینه دن تیرک باغانی کما سیر دندی سیر کجی بولدم اندن نش
 کجی رکنزندن و شاه خوانم . درینجه لیمه کلدی سیر اچون جانم
 نیمه برالدی سر خطه ساغر طونه لم . آق کل کیسه عرق نوش ایدم لم ز طونه لم
 کل کله اوده اوغچی حرطونه . عیش نوش ایسه غن قدر غنطونه
 کوکل فلکی سلامت ساحلنده اویرین لکر . یه تیرکافر ک اولدم اسیری یه یسار لکر
 بغری دلدی نیر خون افشان . ظالمک اوده او جیدر پیکان
 بی جان بخش عاشقان اوده **عزادای بلاکشان اوسد**
 راه عشقده سنکاشی اقلیم جفا **پاش** قلدی صدر و قلب پاکه بودلجه سرفدا
حرف القاف قلدی نانی عجب کفادر بو عهد قاهر ک دالده طرفندن
 جیدر فاعده ولایت جیدر و قدر لطافت و تراستی جانب استاد از لدن
 انواع سراج و منقبت اید بر ناسیر تشید اولان فیضه اسپاره دندز امیر جمید
 حقبه مزوره ذکر اولان فادر نیک اجداد عطا مند شیخ قطب الزین الکوائف
 حضرت زینعلیک ایملکه اولاد قلمی الیه ایلانیم اسپاره زاده دیکله شهره حال
 و عام در ذکر اولان قلدی امواج محفوظ و معلوم مشترک و متلاطم اولان
 مرحوم فره سیدین ملازم اولوب علی قنق کجاده بعضی مدارین خدمت
 افاده به مداوم اولد قلدی روی بکوی جودی در اهرم دستود نامود
 اید بهی باسم اوچون طریق صفایق قضا به سالک و عازم اویشدر درج دما
 والد قدس شیان اشاء ابناء احوال علم زانده بو کونه کوهراشان اوکورد
 اول زانده صدر جهان و شیخ علم دوران اولان مرحوم ناج مزبور ک قضا
 رضا و ربوب سنک کبی صاحب قدر رفیع فاضل ایملک عین تفسیر نسیج غنی

قادر دکلسم بو غزل اندک عشقیه بر حقیقت عینه کمر بر ایدوب جناب کردون سرتیبه
 عرض اندکده انصاف قبول اید قلمی اولوب طلب علمای اولان فضایه رجاسندن
 زیاده اید احسان بخشدر بلا و خطبه به فاضل اولوب آخر الامر بفرضات سلطان عالی
 اید اسکدره اید کدار اولد قن اسکندر ظلمات اید ملکیت حیات باشته
 تنگ تار اولوب حدود اربعین عالم بنای کشت و کدار اید حفا که مولانا یوسف
 رفیع القدر سیدم القدر کثیر اللطف عزیز الشیخ فاضل البیاض تصنیفه قادر **عزادای**
 علوم عربیه و فنون ادبیه ده خیلی اسخ و ما هر ایدی خدمت حضرت والد روایت
 ایدر ایدر یکجه بر دفعه بر دسه یه واروب اولان زانده عالم معارفک خورشید خسته
 طالع خدمت مولانا لامع مزبوری بر کجی ضیافت ایدوب با طمعارفت
 و ساطط الطایف و دشنوب اشاء مکالمه و معاجنه لامع جللی شاعر فارسی
 اولان معانی غریبه و نکات عجیه نظم عربیه بو قدر پس بوچهندن سرفارسی
 ارج ایدر کجی ظاهر و واضحدر دبود عوی اندکده مولانا ی مزبور انکار ایدوب
 شوخچه ارج و افسی در ایدوب عوی ایدوب حفا مجلس انکار ایدوب بحث و غوغا
 انزها بولمچین اثبات مدعا چون سیر بلدیگز معانی و نکات فارسیه به ادنک
 بن دخی شاعر عربیه ده نظیرن بولمزم ملزم اولان دایوب با مجلس انکار فارسیه
 بله و کلدی معانی و ابیات او فود قلدی مولانا ی مسور علی النور نظیرن ایدوب
 دعوا سن شود عدول اید اثبات ایدر کجی حقه لامع انصاف ایدوب
 بو علم و حفظه حال منتهی عظم اولان قدوده دهر کمال بنای زاده قادر دکل ایدوب
 ربوب و کمان بو قدر دیو مزبوری سخن ایدر در مزبور ک انشای دخی فانی
 و خیلی رفیق فی ششیه و رایش ایدی روایت و نور که قلعه ردون کفار خوش
 الله ایکن مولانا ی مزبور ک قریب موضع فاضل اوکو قلعه مزبوره نک

الذکره

دن

فتح و ضبطی زمت تحت سلطان عالمه فرض و احمد دیو صاحب زمان
 و خان ده جهان باطل و کوض سلطان سیم خد متربیه عنی ابده کده
 اول شاه بنور خلی بجنور اولوب اول موله فله ندر که انک فتحی کا عرض اوله
 و انک ده تهن اولان بیان کوزه نک قلی اچون راج پیمان کوندر
 اگر قهر بوزک عرضنک لطافت انشا و ملاحه اداسی اوله عرضنی با پال
 ایدوب گرفتار بلاد نکال اتمده اشتباه یوغیدی دیویشلر بود کلو فها کندن
 فصد تلم اشعار آیداره قار بلکه بوقنغ عدیل نظیری ادر در بوقل معروف و مشهور
 اول ذات فضایل موفورک زاده طبع پر شعور بدره
 بلی کی چینه قونوب کل او غله مجنون پوره کی کی با نر لاله داخل
 هکانه کبر اولور سه صراحی غیب کل کیم نیجه پهلوانی به سر بر ایا غله
 دل طفلی کوزار مله دو شوب کبر کل او کرندی صوده یوزمکی ایکی قبا غله
 پروانه زار نه کیوب انوار حسنک درویش در که طولانر چرا غله
 گو کبر قادی ری قیسید دیر کون بیلن چمنه منفس اولور می غله
 نیجه بر صبر ایدین تبر بلا زخمه بن بر جبهه دانی بقما لوا اولو بدر بد نم
 هن حبه معویه معناه و معتبره فحواله عن ذکر ما شری صاحب الحنه و البسلام
 عشق بن الهوی عن ذوی الابرته و الیه خلق بن القفا لکد بقة المستره
 باغ الحمال الحوطه بکطان الغنج و الذلال المشتمله علی مزرعه العین بنور قنا
 زابغه مستطبله سرق البصر فصل الی قاع صفصف من نور بکمال التمه و کور
 بنهری الی حانط من مکلفه حاجب عن مس النظر و فی وسطه باب من کافور
 هذا را بغه اکثر و یفتح علی سنان الرجب و الورود الی بحین و انواع الطایب
 و نفا یسره الکفراد بس تله الایین و الذوا یق و المعاطیس و فی کجوحته

عین کیم ت سار بها خضر لم یصل الی انطما ینصب علی حوض من نور جمال
 فی روی السعطنون فی قیظ الجلیل بانفس ذرة بحر البصائر الیه فی قاعه
 مسرة الشاعره فی صندوق البدن و هی فی حجره الزمن فوق الاخذ و الاطباء
 بحسن الرضا فکلم ای کم الوقع بالا علی بعتی البیع بالتعاطی فی نایس الاشیاء
 علی ما هو علیه الفتوی جوی ذلک و حوز فی غرة شهر محال من سنه ازل الال ال
 عن تاریخ هجرة بنی الکمال الی مدینه النعل و الانفال نهودی الی بصری الکمال
 سمع بن الاذان ذوق بن اللسان شمن من مأخ الکتمان لمس بن الابدان
قابلی دار السلطنة آل عثمان اولان حینه قسطنطنیه نک کورانی محله سندن و طایفه
 متصوفه سالک اولوب حاله ذات کامل و طبع قابلی طی معا و زو و مالک
 اتمشیدی آخ الامر کوشنه صمم عارض اولد قد صکن آهنگ ملک قدم و ترک عالم
 حدوث و عدم اتمشدر بوشهر انکدر
 دو ستم ناز فرا تکل نیجه بر بانم شمع دلسوز کی اده کوز مدن فانم
 قوس سندن قوی اولق دلم اول کل قابلی کور سب عجب سلطانم
 دون کی حال خلک شوقینه کرم او کو چرخ باقدی ای مده پاره باشینه ایشقر کی داغ
 قانی قسطنطنیه علمای طایفه سندن در زعمی تکیه کاه جهانک مرد قاشی و نما معاش
 و کمالانک بدر لامع کچر دی لکن جلدی خلاف واقع اولد و غنه بران ساطع در که
 اشاری اشهار بولیوب میان خلعه شایع اولم در
 جام می اولور بر لجانانه برابر دنیا ده برایش در بو که چاق فانه برابر
 یک یوزی و مور یوزی آینه کورم کا ولدی یوزه یوز سن مده تابانه برابر
 باشه کو که ایر رسه اگر سر و سکنی اولایه بو کون قامت جانانه برابر
قبولی سیر و زدن در طریق علم سلوک اتمشدر ارباب اذعانک قبول قبولی

متصوفه سالک اولوب حاله ذات کامل و طبع قابلی طی معا و زو و مالک

کلبان اشعار و زبان اولادش را در زمانه در بویات و اشعار نگردد
 واری بر عاشق در و نده غنچه داغی بود . دو ستم را با عشق کلرین صاعی بود
 صندقم آبره بیکانگی دلن ترک . که حایل اولترا یکی کو کل براد بخت
 ساق و برزم صفادر دایکته غرضور . پامیز و بر مرز به کلمه قدح آب طوار
قبول کونا هیه دند نامی احمد در طریق علم سالک اول . مرحوم ناظر زاده افندیک
 کلشن نظارت سمات فضل کمالانک خادجی اولغدر مرحوم مرقومک ملازم اولغدر
 سمت قضا کلازمی اولغدر قن بلاغتن طبعک قبولی و دقایق در فایق
 و ان یه شوی و اردر بور ایکی شعار بر اشتراک انک کفازند ندر
 بو قدر کنه او غزه سی خونین بن در . شام صوج اولدر نین دکدر اولند
 کلوب آجل بد کجه کلنک . وقتی وار دین . اجل ای غنچه باغ لطافت کل زبانیدر
قدری نام فرخنده مائری عبه کفادر . اولغدر مخلص مرزوری اختیار
 اول ذات رشیدک اصل ولایت حمید دن فیه اسپارته در . مرحوم بزرگ زاده به
 معبد اولوب سولک طریق تدریس الیه معبد اولغدر مدرسه ثمانیه دن بر وقایسی
 بدع اناطول قاضی سکی اولو . اون ییل مقداری صدر صادرده دایم . و طایفه
 علمایه داد و ده شده قایم اولوب موزال اولدر قدیمکن اول هر کلشن تنوی
 منصب شریف فتوی ایدر اجمال اولغدری چون انتظام عقل فعاله بر مزار اخلال
 کلدر که غیری ریاست منصب و ریاست صدارت رفیده . حسن و صورت دولت دنیا به
 شیفته . اولغدرین سارقت جاه و جلاله تخیل جمال اولوب خد داننده مشکفل
 امرفتوی اولغدر قدرت و جمال اولیحق . بالاخره منصب فتوادن استغفار
 و امان نبویه دن صورت استغفار کوسر و بروسه ده اختیار کوشه انزو و
 انتمبیدی اندر مسجد و مدرسه بنا . ابد که ممکن سنه تیغ و خمین و تیغ بایده

مخت و کربت ملکت قنادن را . بولوب آهنگ عالم بقا . انتمبیدی حفا که اقوان اشعار
 میانج جیل هناف جوئل الواسب صدری متبع . قدری مرزغ عقد فضلی نظم
 و خلق لطفی لطف من النسم بر ذات شریف و کریم ایدی افادت پناه شیخی
 و استلای ابو بقود کمالی خدمتوری بو کونه کو هر افشان اولوردی که اول
 سر و جویبار فضل منصب صدارتدن عزل اولوب اول نشانده روم ایل قاضی سکی
 اولدر و غنن مرحوم مرقومک لطف و تربیتربینه مظهر اولوب خدمتدن بهره
 مأمول که رجا اینک منقشه حصول جلوه کر اولدر و غنن غیری میانزده اولن
 حقوق حد و عددن ازید و او فر ایدی بناء علیه باکانه هفت کشور دارای
 فریدون فر سلطان سلیمان خان تریتر ایدوب یوزالای اقیه وظیفه اینک باعث
 اولدم . و بو فرقه و وظیفه تقاعد بو مقدار اولغدر بود ای خاک رسیب اولدم
 دیو ابراهیم و افتخار ایدر کرد سایر فضایلدن فضل بو فنده و فی اعتباری
 و خلق اینک خلی شتاری و ارایه فی الحقیقه نیرات کلمات سما بلاغده متکالیه
 و الفاظ و اشعاری درر معانی دقیقه ایل حالیه در . بویات و اشعار اول ذرات
 صافی دل اولوب سبک فوج اولی روشن کجه سیر طبع اولو کراچان اولدر در دین
 حلقه کیمی که نکا بوسنه اورده قولاغ . بقعه همایک سر ایندن بکار و زن کجه
 کوشه کیر اول پرده اردنن چها سیر قل . و در بین اول کورده کندی دیده روشن کجه
 آسیا و شریخ تمیز اولدر او کده بولغیک . خود بهین او کده دقیقه کوزله پیر و زن کجه
 و قاضی سکر لکن عزل اولند قن دیندر
 نه دو دهرت آتش زرشک و دیل داغ وار فراغت ملکنه شام تو غم و داغ وار
 سلق یغینی قطع الیوب کدم اکل اخن . بو عالم کشت زارنده بهستانم نه باغ وار
 نه غم کده یسه قدری غایت اقبال غرض و جاه . مجذباته کفای مخت و امرن فراغ وار

از کورای طایفه نند

قدی دیگر نامی عبد کفاده، بو عیدق مرک قار بندن شمار و کمال طالبند
 جوان با فم واذ عاندر، بوفنده دخی بعض کلمات ظاهرا ولوب ایلا معنی فار
 شاعر در، بو برایکی مطالع وایاست، انکی کلماتند در **سیر**
 عرض اید و عاشق بی دلره جابان کل، انده ای شفته لری بی سروان کل
 صر مشر رشته جان صبر و قرارم طاهر، کورسم اول یار پریشان بی برین کل
 فتنه در کرچه سرا با قد دلجو یکت، قننه تک بشید رای هر ذوقا کل کل
 بنده جمیت خاطر نیچ اولسون قدر، باشند عقلی انیدی پریشان کل کل
 بنجه بر آتش عشق کله با یوب یا فلین، بنجه بر ای کله فاسنه یا فلین
 عکس انکشتک جام اچره کورن انیدی خیال، مه نودر که شوق اچره عیان اولندر
 الف چک بسنه که در در ویکاره عرض ایل، دلا احوالکی مکتوبه خنکاره عرض ایل

حرم های شاهی و حرم و حیطه سعادت پناهی ده نونما، ولوب ندر ایست
 بدو نشسته زاده سلطان معظمتی تک و قدر داری ایکن متعرف منصب نوا، اولان
 لطفی بیگانه و غلبه نامی محمد در مقدما طریق علم سلوک ایدوب قدوق دهر بختی عمر
 خواجه جلی اندی به ارتباط، ایل عقد آمانه بر بار انتظام و انضباط، کلنیکن
 مرغ دل منار امل ایل حبت حبت جا بهی التفاط، ایچون ینه بابا سی خننه اسلاک
 و انخراط، غلبه ای اول نفاک متعرف لوا، اولد قد صکره محنت و کربت عالمی را
 بولوب دوش پر هوشنه اعلام اکیان اچوب نخت روان با بوت ایل زمینه
 زوان اولمشه ای بولطع اکلدر، بنچون کسه غم بزوق دل غنوار دن غیری
 دوز بوق اوسته بوچرخ کج رفتار دن غیری **فد** قدس مکان جنت شبان
 غرق دریای رحمت رحمان، خواص عثمان معنوت سبحانی، بحر محیط کمال در دریا
 انشال مرحوم عرب زاده افندبر، نام ارجندی محمد در مرحوم واعظ اسلاک

خرد ند علم واد بیدر، سلطان سیماسک خواجه سی اولان خبر آیدین افندبر
 ملازم اولوب مدارس علییه، و مراتب جلیه با نایل و طریق بر بوق علمه طی
 فیاض و قطع منازل ایدرک مدرسه علییه ثانییه واصل اولد قد آفتاب ولع
 زواله، و ذرات بر کمالک سعادت کماله، ایدوب فلک طالعین نمایان اولان
 کواکب سعادت غارب و نهان، و شب دیجور خننه بخوم کخوست طاهر
 اولوب ثوابت مثال بری فلک من ایکن خاک لنت، و آدم کنی بهشت
 ثانییه ده، ایکن زمین خننه، دو شوب بی جوم و بی عصیان، محض ظلم وعدوان
 اول صاحب فضل عزیز ضرب و تیر **و** ایل غزال ایل کله نده موسی وار دست
 فراعنه جوار دن، خایفا یترب قرار، ایدوب مدین الطاف حضرت دیان
 جویان، اولد قه نیچ زمان شهر روسته ده قرار و مکان، اتمندی هانا بود کلو
 محنت و غنایه مبتلا، اولد و غننه باعث اول ایدیکه مرحوم مرتوکدن ات متجکری
 امر معروف و منکرده مساحه و ساهله به قایل اولوب، ان لم یستطع قبلان
 کلامیله عامل اولمغین زماندن بعض **و** در و ایمان و امرا و دهر
 و وزیران زبانه بچینور بخور، اولشکریه، اتفاق مرحوم مرتوکدن مدرک
 اولد قد کلک حق شیخ الاسلام، منفع الانام، قدوه علما دهر الفاضلین
 وقایع زید و عمر و در دریای وجود، مرحوم و منصوره ابو کتود افند
 دانشمند الی دیوبان ایدوب اول برانه دبله پرده عرضی شکست
 و شیشه ناموسی شکست، و قدر در فیعلین بولطع عظیم ایل بیت انکدر
 بعن صاحب قران روم سلطان سیماسک **و** کسوم مرحوم مرتوک
 بی کناه و ظلم، ایدوب معلوم ایدوب آه صفا کای، ایدوب سلیح نری
 زیار اتمند و شیشه، بوقدر دیوب اول فتنه تک اشتغالنه یادی اولان

رستم پانی. انک آه سحر کا ہی ایلمہ باشند چھا به جفته آگاه او کو آب حنه
 باز آید بجو. فحوا سی او زرنه صحن مدرسه مدرسه اولد قد مکره سلطان
 سلیمان خان. کند و مدرسه بن احسان. ایدوب بعل قاهره طاهره سبله
 غنچه حیاتی کل کی خندان اینتشدی بعد اول ربعنده که زمان شدت
 شتا و هنگام سورت سرما. اولوب کثرت برف و باران فلک انیر کره
 زهریره. اولوب عتاب زمانه. آشیانه فلکده بقیه مهر و ماهی طوکرش
 و صلاح زمانه بنه برف دکان زمین. طعوب طوکر رشیدی عا کر غم صاعقه بار
 مانند تاراج کران شکر تاراج ملک کستانه مدام بخاده. و زمین استند باز
 روین تن ایکن بهمن دی الحکله جنگ ووغاده ایدی
 زنج بندی کشید جور بهمن. جوان زال را در قید اهن
 خلاقی راز سهم سیدی دی. فسرده خون جور و سن در کردی
 صناع جن زر بسوکل برینه نقره خام المیدی و میان حوض وجودی گاشم
 اولوب صحن باغ دروغ معدن رخام اولمشیدی بر مقوله زمانه که مهر عالمنا
 باشد سنجاب سیاب و کور غامدن جعفر من. و حصن حصین ابرده پنهان
 اولوب کشف شال. باش کوستر مزیدی. کشته به سوار اولوب دریای
 غامدن لیمان اسکندریه به روان. اولد قد. برآمد از میان بحر یک موج
 که کشتی را چو تیر انداخت در اوج. صرصرند باد خوان سفینه بر سینه برد
 الماکی الله او بندوب کشینک شامی کا بهی بالای فلک اولوب کاسی
 آرا کا بهی متوفاک او کورد. و کا بهی شدت روزگار له بجای زخار و پیل
 دمان کبی جوشان و خروشان. اولغله سفینه چوخ شال آب او زره چوخ زمان
 شدی آن فلک هر ساعت فلک و ار. بضر باد کرد آب دوار.

میرش گاه با بط گاه صاعد. مدار شکر گاه ناقص گاه زاید
 شدی که سقیم و گاه راجع. کس مکنت غارب گاه طالع
 اول ناله ملاح زور کار باد بان اکمان. سنون کشتی ابدانه صاروب
 کند و اجل اولان فلک وجودی عیان فضا به صلیشدی بر موج عظیم. زورق
 سفینه دو نیم. ایدوب مرحوم مرقوم کشته وجودی اشته المیدی خد
 مولانا هر چند زورق سفینه جبال جیا. و امان نجا بلوب اهل کشته به سادی
 ای جیل بعضی من الخوفین. دیر ایکن خال بینما الموج فلکان من الخوفین
 روایت اولور که اهل سفینه داشت و جبرتن مرقوم غریب فضا. اولد و غنی
 نجه کوند صیکن بدیلر عجب در که جناب مولوی. عالم فضلک ای ایکن قوت ماهی
 اولوب تمام رفیع سلطان و حوت ایکن طوطی سحر قوت اوست و معارف
 و فضایل بشماره ایدو ربای بی بی و کنار ایکن بر موج ایله غریب بحر مالک و بواز
 اوست. حقا که مرحوم مرقوم علما روک تمام با مندن و فضلک زمانه کجای مندن
 نیا فضل و عرفان. کشف کون و مکانه بویلر بر ذرا هوا. آزد و شمشیر
 و خواص و زکار. که عالمی شال کل نو تو پراختاری و اجد بعد و اجد الک نور
 روزگار با سرعت. اکا بهر مند ارادت و همت. و بر ملکین نکر بر آد مسود است
 بیاض ایکنه مکان. اولوب انار اقلای شهره اعیان اولمشدر بر قطعه انکدر
 هنوز داخی نار حین ایکن. ز قنلر و تیر و ردی با که دور. طوغلدن ایم غلغله
 دفعی کولدر مدی بطه بر آن. قری از بنفندرن نامی میرش. کند و دفعی علم
 موفدن آگاه بهر ذات بر آینه. اید قد و فضلک روم کمال پزاده مرحوم
 مونا سندن ملازم اولد قد ملک بعضی با عه متفرق ایکن آخر عمر رحمت
 مبتلا اولوب اولخت و عیال کونر صدای ارجعی و اصل اولد قد رحمت

شانه روان اولمشیدی اگر چه بوز اینها و اشعاری و آرایه کن بر سبک
 یوزه کلک افتداری بوغیدی اگر چه کند و غنچه هر بری بر درخت هوا آید اما
 نس الامر کوش بر هوش بلغایه کوشواره اولمخلد لایق و سزاوار و کلک حال و حال
 یازده بی خطی و فاقشینی کرد چینه مهر ایدر اولدی او صهاره جفا حسن چینه
 خط لعلک بر یک مجسمه سلیمان بل مستلم ایدر در بر ایکی اهر سنه
 صانوب کرد که بوز لاف بر فوج بیند غنبرینه در که کیرش صانکه جانان فوج بیند
 مکر لعلک فوجینه کرسه رقیب نوکیم کبردی سنگ خاره نک لعل خن فوج بیند
 قندی برو سه لیدر قناد و سکر ریز اولمخلد مخلص مزبوری کند وید باعث کینز
 اینمشدر پنجه زان معصره مکر و دمانش سکر بلاغت و بیاض مکر و فایده فصاحت
 کناری قالب نظم اشعاره افراغ ایدن بلغا فصاحت کستر دند و ناریکری اشعاره
 پراشتناره اولوب کتری کتبه نوارخ روز کار در جلدن مرحوم فوج نشانی
 نشانی اولدفن دید و کج بونار کجدر که هم بیت مهری لشد و معطفی جلال تو فوج
 و مرحوم سعدی فوج نیک انتال و آری که بونارخ و دیشدر بغایه کجی سوزدین بانه
 مرحوم عاشق جلیه قور و نام برد بر سیم اندامه عاشق اولو اول ماه انور منزل
 بمنزل و کت و سفر ایدوب اول عاشق زاری پنجه کرک مجاز کفاز ایند که بونارخ
 دیشدر قور و آه عاشق آلوب کهدی آه بونارخ رانک کتار ننددر نظم
 قانه قاندم دبر اجلاب لعلک فوجینه کیم کج فوجی دیو بهمان ایدرسن هر زمان
 بلوک بلوک بورین شوق کجی کور دکی طاف طاف چکلن آه و زاری کور دکی
 چلوب چلوب کور ریزد جو غشانی که که طوشن زلف یاری کور دکی
 چون طولاشد کز لفته یار کجی کور طاف بختک و آیش غن کجی لان اول کور
 پادشاه عالم اولور کجی فیا غم دکل دامن دلداری قور و امیر سلطان اول

سده آشتین و سنین و شمع یازده او افون بود ارجهان باشنه تنک اولوب
 ار تال از البقابه آهنگ اینمشدر ای تو بونارخ فوج نشانی بنا اید و کج کج
 ویند که شواظ فایه مد فدر مد فون اولمشدر و فانه کجی آه و جفا فوجی جلدن
 دیو ناریخ دیشدر قیاسی فسطونیدند ز خلاف قیاس اوزره مامی قیاسی در اسم
 مرسوم سماعی اولمخلد ال الان بر کسنه نک اخلاص کجی سماعی اولمشدر طریق سعادت
 رفیق علم سلوک ایدوب بو طریق متاعب و شدا ایدین چکلک بر حال اوزره نابت و فرار
 و کلدی کاهی خیال یک طرزنده سپاهی اولوب کاهی سپاهی و غلغلی علوفه سینه طالب
 اولمشیدی کاه سلطان بایزید خان شفاعت نامه ریله ملازمه مایل و راجب اولمشیدی
 آخو هیچ بر بی مفید و ترتیب اید و کی متداندن مستفید اولوب جلدی کجی عاشق
 کجی رنج بهوده اولمخلد صا جلی میر مرحوم متداندن ملازم اولدفن چکلک
 سمت قصاب مالک و عازم اولدی حال اوزره قضا ننددر بونارخ انکدر
 پایک غباریم سنگی غنچ لب نگار اکمه بی که خاطر که کلیه غبار
 قودم بن بر حصا عشقه بنیاد فونز بر طاشنه بیک اول فرهاد
 پنخون و بر رقیبه افونی داد بنم شیرین و مانکدن سنگ داد
 قیاسی لیلک القدر اچره کوردم بکجا مجنون دیدی عشق اولوب سوزد
 حضرت اید تو بونارخ فایه مد فون متدانت عاشق کجی اولدفن بو بیت دیوب آینه در و
 او قور دی قیاسی صند قاضی بیدر او قاضی بلکه قاضی ندیشدر
 عفا کجی لطافت هوا و نفاقت قضای اظلام شکین ارقام
 اید کتات اونخ امر حال اید و کجی ظاهر و پنهان اولوب کات قدرت
 اقلیم لطف و ملاحی بشهر ریزد بر بست تیار ایدن شرجش آس و کجی بر و
 و ندر قاضی فسطونیه اولان سلطان محمد و غلغلی سلطان بایزید خان زمانش

بو عالم فنا و عدم قدم به پیش عز و قدر کتبت صنعتها به هر دو علم سال هرگز خطک
 شسته خاک - اولمغین مجلس بوری موثره اولمشیدی قضا و اشعار کتب و اشعار
 اوایل کتب با بود دنیا پیدا. اولمشیکن بوطیع غرامی حال را با صفا. و منزل مجلس نظر
 اولوب ساغر صبا کبی لدن و دلدن و بمنز و بر کس اولمز که بزم انس بلیله الالاف
 بنه ای جام مصفا سنی کوردک **کتاب** مجلسک رونقی سسین دین ارت کلمه
 عاشق چلی رحوم مطلع مزبوری شامی به نسبت الیشدر و آینه نعا علم **کتاب**
 افلاک نه قباب کبی عجبی با اولان شهر سینا بدند نامی مصطفی در صوفی سندن
 قلم کبی کتاب. ایلد مجلس و انیس اولمغین کاتب خوش نویسن اولمشیدی قضا و اشعار
 سلوک ایدوب لکن زبانده لکنت. اولمغله مرادن ادا به کند و ده قدرت و مکننت
 اولوب دمان ننگنده دلی مراد کج و دنگه قابلیت اولمغله اصحاب دولت و ارباب
 غزله عرض حاجت اینک استغاثتی بو غنیدی بنا علیه ترک مال جاه و جلال ایدوب
 اختیار کوشه قناعت اینمشیدی و بعضی امرا و اکابر ک معلم و کاتبی اولمشیدی
 بعضی اکابر ک سورنه بوطیع فی دبوب نوزاک اولدوغین و خج دیندر **قطعه**
 نوله معذور طوتسه لربارن. خدمت سورده معذورم چوق
 اول سبید ندر که تاریخی. سوری سبید و بیکه بوز بوق
کتاب غلطه سبیدی علی و بیکه شهود انواع محاسن و مکارم تا مخصوص ایل
 معروف و مذکور در بابی عزیز کتبی و کندوسی کاتبی همیشه معارف و کالاک
 طالبی اولوب شود طرف ابر الفت و اعیان زبان و همز دران جهان ایلد صحت
 ایدوب جو غه جام سخا می مجلس به صفا سنده حاضر و ظاهر و مکره مدام صابو
 و سفره انعام و عطا سی آینه و دنده به علی التوام جلوز ایدی خانه سی
 اصحاب عرفانه علی و مادی و ضعیفان وادی غنا اولوب بیلای بلای غنی

اولان طرفا و عرفا به ملتی و متکا ابدی یننه کم اولان نامک خوا سندن مولانا بنیم
 بوز قبا به صالیدی جود و کرمه آواز. سبیدی علی روحی حاجی قوام شیراز
 شاد و ران قضا و معارف و غواصان دریای کمال و لطایف اولمغله ساحل خانه
 جود و نایب. لکرباغوب جویره آستانه صولت و حاجیان لطف و نوال
 هر کونه کعبه شام مقام معالی مالن طولوز. ابدی بنیم مزبور شرف مجتهدن دور
 و بوز نانه ایلد بر ایلکی کون بهجور اولدوغین انده اولان اصحاب آواز و ارباب
 سوز و ساری اکوب بوتر جیح دبوب اول مقام منیع کوند رشیدی اول نبی بو
 و ارمه کوشه مقصوده بند. منتظر در دل فرسوده بند. کوشه کوی مغازه کورسم
 دامن زبیدی فی آلوده بند. صالیه آفاقه طریف آواره. کوشش ادرق دم مقصوده بند
 اینکله نامی محمد قاسم. اورس آتش حین غوده بند. حقه بازی ایدرک کورجه می
 ویرسه جنبش اوف جوده بند. کاه ناز ایلیمون کاه نیاز. اوله بخلی می بهلوده بند
 به دوشکدر کوزک آغ غفلتی خوش. خوابن بیکله کزوب بو. غلطه ده روان فلک نظاتی
 ایوان کیوان برابر و لکزه طاق سما انتفاعی بام فقر ضلله همسر رنگ نگار خانه چین
 بر فقر خورنی رونق و سپهر آیین. پنا بیکدن اولان بنیم مزبور ایلد مجلس و قرین
 اولان شوا و سحر آفرین بر ناریج **قطعه** دبوب دیوار فلک کردار بنی تربین
 اینمشیدی کندوسی تنوز بوزرق لفظی ناریج اینمشیدی حاجب قران زما
 سلطان سلمان خان. نهایی سرای وجود طما سحر بران. اینکچون غوغه نایده
 قصه ایران و توران. اینمشیدی آبا مده پری رئیس رینه دریای هفتن فودان
 اولوب کینه که نسیم مرام در جانی منتفای **کتاب** سبیدی اصحاب با دخی الف
 در بایع عواصفه بادبان تقدیر کشته تصور تدبیرن. بخت خلاف بتغای
 حاصل بر خواجه. بختری از یاج بالاشتهای کیفن. خواه و نا خواه به بیتا دور طاق

ایله کنت کجانه . دو خوب خدمت سلطان کبر و کجوه جانب بردن کلک لازم کلدکن
کجانه بن جتوب کند ویر موافق اولان عی کر ایله سند دهند و آدر با کجانه و خوا
ولا تیرنی سیاحت ایلوب اولون کز پادشاه تحت نشینک عبودیت نامه سیر خدمت
سلطان شاه نشانه یعنی که مورثال اورنگ لیما نه یوز سوروب حضور موخو خیر حضرت
سلطان سلیمان خان کلدکن اول سلطانین کامکار و حواین ذوی القدرارک
ضراعت و شفاعتی ایله مزبور کربا فر آملن اطهار لطف و نوالی ایله کفر و شافار
رجا و امانی سن نظرات بین احسانی ایله مزبور و تفرایدوب یوز الی آنچه
متفرقه کلا یله تفاهد اختیار اینمندی اولان شاده امر سادی حق ایله صوت
کل نفس ذائقه الموت سمع جاننه و آوازده کل علیها مان در کججه جاننه
ایرینوب هر صراجل همت اجل و بر سوب کشتی بدنی ساحل خوده ایکن روزگار
مخالف لکن حیاتن آلوب عثمان بیکان قنادمانه صامندی اول مغربا حسنه
جوق بلاد کن جلش در سر کشتن و سیر کوه و دشتن بر کتاب ایله و انکان
جانب فلک قباب ایندرد و علم حساب و هجتن دخی فیلی قدرت و مهارتی و اردر
اسطلاب در بیع مجیب و مقننرات و معدل و ذات الکرس عالیده ترکیبین سال
اوزره مرآت کائنات آلوب بر سالی و اردر اول فنده قدرت و شفاعتی
ذکر اولان رساله دن معلوم و معلوم اولوز یورایکی اشعار اول صاحب کلک فلک
دست خون الودک ایندی پیچر جانست . دو ستم الله مشکدر دست بر بالای دست
خدنک غمزه مشکدر ساقی سینه جاکم بن . دمیرون کیک طایر غایت در زانم بن
بولنده اولدو کوه غمزه دلمرک انا . مزارم اوزره م کون او غمزه که ملاکم بن
مهری کو کلدکن اول صمغان چون بری کل خج ایله نقد اشکلی انک دری و کل
بخسرو زمانه فرماد در کو کل . شیرین ادینی انک اول انک اری کل

طعن ایندی و کنتی عاشق مسجود و عفتک . میخانه بجز اکرم دی بری و کل
نوله جرم ایک بارین شفاعت خواهم . طبع سنون زهد نه زاهد نرم الکلمه وارده
کاتبی اول ذات مکارم سن و قدوه ایل زکا و فطین نام نامی حسنی و حدیث
مکارم اخلاقی صحیح و حسن بیان آحاد ناسن اخبار مرام مجید و قیاس بروی و مستغنی
کردن دل جاننه فلانید فرایده معارف ایله مزین و امثال افرانه تعلیم تنوق نور آفتاب
عالمی کبی محسوس و معین در حرم سرای سلطانه ده کشیده بالا . و بوسان خدمت
خاقانین نشونما . بولدقد چکن طشره چقوب کاتب دیوان اول غله عنوان بولوب
لموا امثال صاحب نام شون اولمش در بوزمانه نهال کافه رسیده اولان رؤس کنان
و دفتر بنیاده قیدی موجود اولان سر آیدار باب خطاب مذرفن کتایده قلم سال هر
و فکر و جهانغ عبدل نظری اکر اولنده طایریش کباب سلطانه نکاتینی و جلال و جلال
امور خاقانیه نکاتینی در و نظم اشعار آیداره اقتداری و اردر بوشعار انک کفایت
جهانه کلک عشق اولدی غش . بنم فرمادله جتونه ثالث . بولوکه کاتبی خج ایندی و این
عنن بیه مکر اولدکن و ارش . کوکلی مراننه قونما سون دیو کرد ملال و صوبه ایکی کوزم
ناز یله چمن سیرنه غمزه ایلد خا انا . صف صف طوره ماسر و صنوبر طونه دیوا
دور رو بیکده چمندن بولماسونی دل فراغ . سرو کیمی ای بند و لاله و شنی بخونده داغ
چون هوای عشقی دوشندی کو کلک ای کاتبی . نه ناشای چنین قلع هوای داغ و فراغ
کافی افندی نامی محمد دره باباسی صاحب عرفان مرادیه ادر نه ده مشوی خوان
او کما غنیم کند و لری مشوی خوان او علی بیکله موقوف خلق جهان اوشیدی
طریق علم عازم . اولوب استلای دانشا دلانام شیخ الکلام و معنی الامام
مولانا ابوسعود العمادین علیه رحمہ الملک الهادی خضر ملک خوان فخر کج کراننده
نام . اولوب خوزه مواید نوائیده خاکم . اینچنین خدمت سر بیلندن لازم کلد

نزد

جمع سالک است تدبیر اولوب الی آخره دارالسلطنة قسطنطنیه تحفه مصطفی پاشا
 مدرس مدرسه اولوب پنجه مرتبه اول مدرسه ده اقامت ایدوب اول درجه دن
 پایه اخوی به تعلی و تعلق ایتمکله افران کند و دن تنوق ایتمشیدی هزارمخت الام
 ایدونا امید و ناکام ایکن التفاجاب جلالت نصاب ایدوب کاباب اولوب
 صاحب قران زمان مرحوم سلطان سلیمان خان رفوق ملک سنای المان بضاع
 و بدایع نجد و معال ایدوب کون و عنوان دل جاننی انواع و اصناف لطف و جانه
 معقون ایدوب آزموده کند و مدرسه لندن بر بنی احسان ایتمکله خاطر خوشی ختم
 و خندان ایدوب به زمان فیر میده قمر لطف یغیر فی تشبیه و مقدا اولان
 جمله شفقت و رافتنی کیده ایدوب دفعه دارالفرادر نه تفاسنی تسلید ایدوب
 چون اول صاحب قران زمان قران ده زمین و زمان سلطان سلیمان خانکن
 صفحه دل جاننی کل من علیها فان رفوق ایدوب رفوق و دیباجه ابالت و جلالت
 ایتمکلاتیام ناولا بین الناس سطوری ایدوب سوم اولوب اولی و دخل محل
 حی مرطبه سکوار ایکن حی صر عکرا جل اولوب اولونک سلیمان بن امر حجاب
 سبحان ایدوب شاه سلیم الطیبه سلیم ایدوب اولی و سادین ترون منوجه
 ایدوبی مایون اولوب بر ایکی کون نهدا در نه شرف نزل و بور و فزنده
 بعضی اصحاب و دولک مرزوره غرضی اولوغی رعایا بیک اندن شکایتی و ایدوب
 سوزل بندر دیر جمع اول و ارشاد کین و کن سلیمان اولاداری ایتمک
 سلطان سلیم خان نایب خدمتکریک زمان دولت و کار ایدوبن جزیره
 قبرس فتح اولوغده جزیره معنوا بها العزیزه اول جانب صاحب عزیزه
 تقلید ایتمشیدی لکن اول متولایه مبتلا اولمندن مقصود اصلی و
 بوکود فضا برضا و بر مکن مراد کلی فقر و فاقه افطار اندن بر مقدار خلاص

اولوب کتاب غنا و سبار و تحصیل در هم و دینار در امانه فوای ماکل
 با یتمی المردیدر که اول معنی دفعی حاصل اولوب جزیره مرزوره نیک علایا و براب
 صغیر و کبیر و ضعیف و تواناسی طومر غرات و مجاهدین و لقمه خام حیات
 جان و دین اولوب بقیه السیوف اولان مؤق و دهر و فکر فی نوره طوب و نوب
 و صدقه نیز و خدکن و در عد برفق پیغ جی در کنن پنج زمان حیران و دنک
 اولوب حواشت و ذراعه قدرت و استقامت عکری اولمندن جزیره مذکور
 برایکی سال قلب ارباب کمال کبی برین اولوب اولاف ممالک سلامدن
 رعایا سور ملک ایدوبی لکجه مور و آبادان اولمندی مدت مدیده فضا قضا
 مرزورده ممکنه اقتدار لری اولمندن ناکام دنیا چاره یومی طلقان ایدوب
 تفاعد اختیار ایتمشیدی سه سنت و ثنائین و تنوع مایه ده سانج ایدوب شکایتی
 برینه ساغر زهر آلود و صوب صدمه حمان بنا و کلام و مراحمی کمت
 انهدام طوبیجی تدویر روح بر فتوح الباقی سبزه زار عالم بنایه حرام ایدوب
 حفا که جزیره جان و در و اق دل جان و در یکجه آذان طالبان عرفان
 منا عل معتبر جیانه ایدوب شور و دماغ صومعه و سکان جهان و قطان
 قبه رفیق دزمانه و دواج مشکین رواج مشکین فواج کلکانه ایدوب حطر
 ایدوب شوا و بلاغت کسند و ذرات ایدوب دفعی زمانن کل عنوان و میان
 خلق جهانه خیل نام و نایب و آرایه صاحب قران زمان مرحوم سلطان
 سلیمان خان امام غزالی خورنیک کیمی سعادت نام کتابی جزیره ایدوب
 بوز مشربدی بر ممدارن عبارات شریفه و اسفار لایفه ایدوب جزیره ایدوب
 لکن امانه ایام معاصره و عدلن در اغوش شاه مراد مراد ایدوب
 جوانغ و عوائق و بوائق علایق اول نرینب و ترکیب اوزره اختتامه مانغ

بعده تواریخ سلاطین و علمائے نابغه شروع اتیمشیدی انک دفعی اتمام معلوم و کلام
 یواشعار انک گفتارند در

ادد که عرض جمال اتیدی فوج اید بر فوج کوشدر اول قمری باقی سی اکا مطلع
 بوجس خطله باقوت بزرگوار اید قلندرانش غم استخوانی مقطع
 شراب از دیو ساق عقل بزم ابای صون اله کل و اخل بیفح
 میل بسیم اولمه براده عذوق در داخی اولسه کوزیشن اله صدق
 انکر کفنده که بر یکی بوله زار او کو حوصله تشبیه یوز که فرزند دق کبی
 بلای عشقی کل ای عذیب کلنیم که مشکلات سؤال و جوابله آجلور
 کورسه طلمی سحر روی مقصود شد بین کم کچه لرنرک خوابله آجلور
 قوش اوچر نارا آیدن یار باره بلم هیچ محبت نامه می ایلنوب کبوتر واری باب
 ای سر و ناز لاله خدیباغ و بهار کیمیک بن عذیب زار کم سن کلعدار سن کیمیک
 رستم زمان و چشمه کندر زن صاحب قان دوران مرحوم سلطان سلیمان
 خان وزیر اعظم رستم پاشا عزاله که حکم بنه وزیر اعظم اید که
 بونارخی که حروف منطوقه و غیر منطوقه سی مستقلا تاریخ اولور و کلام درج
 عصر بر ام رستم پاشا **کای دیار** عالم ربانخ منظر جمال کمال نیرد
 سر دقر صوفیان صومعه خاک نور بخش مجاوران قبه افلاک تفرین
 عالم تنوی و صلاح و زین و زین صفه رشاد و فلاح در دریای کمال
 اولان شیخ جمال خدمتیک برادرزاده سی و آستان سعادت
 آشیانیک جاوده سی در خدام شریعت سیدالانام دن ایکن سینه
 آشنای و خمین و تنوع مایه ده ترک منزل فنا ایدوب کوشه باده
 شام و آرام ایچدر مرحوم مفتی علی جلیلیک خدمت بایجت قزالدن

ملازم اولمخله کام و ادا اولمشد قصه یوسف و زلیخا نظم اتیمشیدی کمال اول
 کتب بر صفا بر فوای امانه ابادی سبا کوی چوکان دیور و صبا او کو
 مثال و رقی الطیر هوا به بران اولمخله اجا به وجود دن نام و نشن بوقدر بوا
 کرچه اولمز کوزل اول سر و سر افراز کبی کوزل دلد که توکلن اوله شهر باز کبی
 کله کوش اتیدره مزبوق بره بیل اکلر عشق دستانی شندی کم او نور کم دکلر
 بنده خلقه بکوشم دیو باد اتیدی مکر بنی اول و در لطافت که قولاعم جکلر
کرامی نامی عبد الرحیم در فضایی فضل کمالک شمل اعمی اولان الد زکوار
 خضر نیک برادر کنیز بر که راقم کو فخر شک غنی در والد علی ان خضر نیک
 جحر تر بیلنده مرتبی اولوب خدمت پریمشونده دامن در میان اولمخله تحصیل انواع
 فضایل عرفان اتیمشیدی و برکت تعلیم و ارشادی اید علوم عقلیه و نقلیه ده
 فایق الاقران و قوت مباحثه و مناظره ده مشارالیه بالبنان اولمشیدی طریق علم
 سلوک اید و بذات ارجندی دانشمند اولد قدح خصال خود پر افضالنی باغبان
 فضل کمال اولمز بوسان خدمتکند دکلر دای جان اید جانپنور و ثمره وجود
 فضایل بهره سی نوبا و ثباغ کالات اولمخله اصحاب مدارسه و رغبته و مناقسه
 اید بری برندن قاپشور کرا بید بو حالد شیخ الاسلام مفتی الانام مولانا اسنادنا
 ابولغود اسکندانه تعالی دار کلود خدمتیک تحراب عبودیتندن دایم الکر و
 التجود ایکن بعض اوضاع و اطوارندن ریختن اولوب مرغ بال و بال آشیان
 آستانندن ربیع اولد قدح بروسه قاضی ایکن مولانا عبید اله فی افندی
 خدمت ملازم اولوب نلردن ملازم اولمشد ذات فایقه شایسته ولایت
 اولان اولیدی که سالدک مالک ندریس اولمخله اقصای صاحب مطالبه و اهل
 و اقدام اقدامیه قلدر رفعت و عزت نایل اوله لکن ادر زده حایه مدرسی ایکن

ایکن در نظر

بجای آید به انوار حسنک خانه دلد ه جهان آلاش شدن تحت غفلت باگزین
 و حالک نشین چون انبره اغیار اندوکن بر اولک اولد و غراسته نراکه ملاکز بر
 سلامت باقدین انچه کرامی آرزو هرگز خوابات بجز بر دامن و بمرسبه جاگزین
اشف ولایت کر میانه که در غم فصبه دن کشف مثال اثر جبر شد و جسی نک
 برادر بر ز غنچه صاحب دیوان ملک بلاغ شک خسر و خافانی و بوز مره نک
 صاحب نام و خانی کجودی لکن ایاد اشعار دن اولی الانظار کوزینه طوفوز
 و جلیس خوا و ظرافاده او قور کلما نه بودر سلطان بزیه خاج جاسعی ملید قد ه
 اول بخوری زبور اذ کو بعض جهات ایل قاعت انچه در پوشاک کدر ۹
 دل قسیده کور و کس منی آه دید برج عفر به بند سیر ایدر اول ماه دیری
 باغ گلشن کور و قیامت قیامت کرم بر ایاغ اوزره طور و ببار جک اند و
ک اوزر دندز مقدار اشد ملک طریقه ساکن اولوب لکن روی دل
 و جاتندن جی با سار کتاب مرتفع و انوار علم و عرفان ایل تراکم کلام جمل
 بی پایان خدیو ملک علم و شان اکر مشکف و منشع اولمجمی راه و فکر و کلمات
 اولمشدی حالاکستان امانی و امانی خلی نصارت اوزره او کو متوقف
 کج بقدی کوزینه سر کعبه جانک جکدی که مینه بسل نزل قبله نمانک
 ای ساقی جام مین کورین کل جاب لعلک غنچه دو کدی اجل در این شراب
 یوزینی سور زدی دایم ساعد بیکه قولرک باین و میر سیدی دستم بالینک
ک ولایت اناطولیون بر غم نام فصبه دندز فاتی قسطنطنیه بر حرم سلطان
 محمد خانک وزیری اولان سر دفتر اصحاب بلاغت و انشا و وزیر خود مستبیر
 محمود پانک نظر کیمیا از لایله ز وجود نامدار کاسل العیار اولوب بیکه معارف
 و کمالان سکه قبولی ایل بر اعتبار اولمشدی مولانا و بزور ک فضل و کمالی سیم شکر

عاشق بر ملا کجی موفور اولمغین وزیر بزور ک غلام سر این خواجه لک قد متواوز
 اولمشدی وزیر سفوز عازم برای سرور اولد قد ه اوزر فربین خاص کو غم فصبه ده
 بنا اید و کج مدرسه ده مدرسه علم و کماله اشتغال اوزر کجین مدارس ملا اعلاده
 طوائف کوز بیان ایل فنون شیمی کراز و کمال عالم بقا که فرقه قد سبحان ایل مایل
 تحمید ملک تجیدی نند کاد اینک حکمت بکده روی زردی نند زرا صفر ناصع اولوب
 موصوف کلام سرت نظام صفراء فافع اولمغین لقب سلور ایل شایخ اولمشدی
 زمانه سده شوی کمال بر لوک مطور نظر ایل بقال اولمشدی پوشاک کدر
 بن دیدم کینه کی جانا دیدی کو کلدن کل
 غلبی شید او کلک او حشی شملار بنم ایدی بنجا صبری زلف سمن سار بنم
 باده و محبوب عشق ایلینه لایق در دیدم طوئیلر سموع بو فتوحی مستلار بنم
 ای کاشش جون بولکه خاک ندیم که کاه انکس بزرگ اید رفم اولسه
 ابر و لک کمالرینی مینه نور دیر بکزر تیقلرنین نور آهو کور دیر
 قوادیر صنوبری بانگی صالنه اول در دمنک آینه بالینه اور دیر
ک نامی سمیل در بنده و آزاده سیانق دفتر دارزاده و کماله نور اخلاق
 و اوصاف سخنه ایل مذکور اولد و غنچن غیری زینت آباد قلب پر ساد
 انواع معارف و کمال ایل همور و صاحب بال بر انصاف مصب غام کمال اولمغله
 روض مطور علوم حریه و فنون دینه ده رانج دما هر و معارف کلمه و ضایع
 جوتیه ده عبدین نظری کار در مشوی النوح ایل شیره جهان اولمغین کاهی
 نقل مشوی ایل خلق جهان سودمند ایدر کید سوبه ایل بال بر کالندن آرزوی
 جاه و جلایه دافع اولوب بر مقدار جوالی ایل صابر و فافع اولمشدر ایلد آفرینش
 بوزمانه کلینی اولان حوادث و وقایع جامع توار یکن بر کتابی مل فافع تالیفه

شروع ایند و یک استماع اول نور لکن اول بر لایع. هنوز تمام او بگویند. **اول**
 اید در که انما بیلد موثق اولوب بودنی در بای عدمه طایبوس بئر اعدا مدنی اولوب
 نرنگ روشن چو انی روز و شب طور زیار. کرمی باقد و غنی چو انی سوزید بزرگوار
حکایت کلبیو نام قصه بنامدند و کاهی بعضی مرایه ناکم و صاحب. و کاهی
 بعضی قصه کاتب و نایب اولغله ترک بودای مراب و صاحب ایتشیدی
 کلاب کلامدن بوی لطافت فایح ایند و کج بوطلع مشهور بطلع طاهر دلایح در
 سکا و یکمکه جان صمک طایغی دار. با سنی قویوب اکا طایبک ایامی دار
کتاب دوا ایز صاحب کماله مدار و دار القراز شوا به باخت شاز اولان
 یکجه وار دار دندر نامی حسن در جیر قنک بر اداری اولان سینه جاکل
 خدمتین چاکل چالاک شاکر دغاصی و منظور نظر اعتبار و اختصای اولغله
 معارف و لطایف بیزن بهره دار اولوب زمانده خجلی اعتبار بوشیدی اندازان
 بهار گشت کوه و دشت ایدوب خانقاه دنیا نمکه کاه بقا. دکلدر دیوباد صبا
 کجا بریده بکت و قرار. ایتوب کاهی آستان مولوب سماج و صفای بختل سوز
 و کداز. و کاهی غله ترکل و زاد خوایلد سوز حجاز. ایشاری معنی دار.
 سوز ناک و الفاظ و اداسی دخی پاکور. بو غزل بزبور کور
 بحسب هر کج کلامه میدان الی بکودک. اول الف قامت قشعی نوخدر انک بکودک
 بیک جبریلی خودک دشت فنا. آفرین ای عرصه کاه لا مکالک بکودک
 خضر عیسی کبی چاکل لیک و دج و شوز. طک دکل اولسق زبینه زانک بکودک
 ای کوکل جاناک لیک صاحب نظر ادر. عزم ایدر عثانه دکل آب روانک بکودک
 ای کنایه غصه نظم اچره پرواز این بوز. کیم سمنه طبعه سن بین جهانک بکودک
 خاطرات. راقم کو و ذی ساخت و ظاهر اولان بود که اگر چه شاعر بزبور کج سمنه طبع بکودک

مضار بلاغته جائز نصب کیم. اولوب میدان المشرده و عرصه کاه فصاحته کمانه خوا
 راحت سمانه آت صامت و لکن بوطلع بو غزل لایق و بیت نامخ مدح رسولان دان
 اولغله سائر بایانه موافق. دکلدر بوشعار دخی بزبور کج کفار دندر
 دکل آواره سی سر و سمن سما و مهر و نیک. قبارش جنت و جویین ایاغی جام کلونک
 تیغ سر نیزک که بار و سینه بیسکان. خضر در ظلمته کویا چشمه حیوان ادر
 کناهی کاه ابر و سمن او کربین زخمی سخن بیدانک شمدی الکده طویج چو کج
کواهی ولایت اناتولیدین کبوه نام قصه دندر افقار سلطان آل عثمان کاسر
 تاج شامان ایران و توران نیش زهیدین نوش نرغیب ایلد بنتین و ادرار
 فیض انعام. اغراض صیت حایه قوین. ایدین سلطان سلیم خان رضی زان
 جمله عی کر جاردن. زمره ارباب بیمار دین اید. اولشاه مرتج انتقامک نام بجز
 کتیر ابدای نام. برکت بوب کتیر باینتن ابراد ضرب امثال الزام ایتن
 بولور ایند و کین اول کیم بد عکدر. کیم ایتی اولد ورن سور مشدر
 او شمه طوغری سوزا کون قهر. قو و کت غم دکل طوغری شهر
 کرک ال له کیم منصب قزان. کبر و یا علی قزان یا علی قزان
 اولور بوزی اولور کر چه ای. اونتمه کیم اولاسن دولت ای
 مقابره کلکی کتیر دعا کلوی کتیر. دعا این اوزادوب مرجان اوشک
کوتیری لطافته آب خوشگواری مثال کونتر. دهو اسی دم وصال کی جان بر
 محل و مقر سلطان عدالت کتیر اولان دارالت دکنه العله قسطنطنیه دندر
 ساق کونتر علی مرتضی ایلدیه نام. اولغله محض بزوری عفت احترام بیکشیدی
 نایسته شهر بپادشاهی سلطان عدالت دسکاهی خدمته باش و حاج برکله
 مقفوز و مباهی اولان سباهی زمره سمن دندر بوشو انک کفار دندر

بوز کجی نایب
 بوز کجی نایب

جعفر مشرباشنی بغاغه غنی جامه خواند همان دبسته قاشق لعلکی کورن جانی
 با غشقه نه صراشکلی او اجندن اغلرای کوزمک مردی بوک اجند
 سبری بند قفا ابدکم بودر کیم کچسون تیری اوده سینکلی او اجند
 کیفی رأیت وجودی اما سید سنی غزن خانج اولوب پای سیاحت گشت
 مسالک و طرایح ایتشیدی آخو دل بباره چاره نیارد در دیو بعض امراء
 نامدارن دار الشفاء آستانق جاکیم اولمکه در دور و رخ بر مقدار علاج پذیر
 اولمشیدی اخوا و خیالاتن حال اولان نسخه کلام و چون مخانی کیفیت
 و حالتن عاظم خانج دکلدر بوشر اکلدر
 اویارک خوابه وار ششم چشم خوش تابش اولور شهر باز و شید قیادینه جلوت بایان
 یوز چور و رانج بدلی روی خوبدن و جوی بوقی یوز سولون کچم کچم
 شویست اولشم ای کیفی قیامت بکر حشر اولکچم بزم کیم کیم
فصل الثام لای ولایت صار و خاندن زمره قضاة جلیل العناء و نذر
 مغر علمای روم جامع الفوائد المعلوم حایز کمال انسانیة فائز غیاثی سمانیة
 مرات جلال کمال احسنوا الحسنى و زیاده مرحوم و مغفور له کمال پشاده دن
 ملازم اولوب نوزان کتات فتوی ابلستان سما سمارنده خالام
 بدن بعض قصبان قاضی و حاکم اولمشیدی بوشر اکلدر
 قتلنه قصد ایتسون هر دم اکر عاشقک بکلون بایتنی یوزی صوبله خجک
 خیال خورده فکرات وصف دند انده لایک لایک تا که نظم اولد در کوهر کنون
مولانا غیرت کارسان چین و خطا در شکارم جهان کلشن سبا
 اولوب خاک دلکش و هوای مشک اولان شهرت آسا خورده برودن در
 عالم شروانشانک مهر ساطعی و زمانه سنده شما بلا غنک چشم نایب و بدرکای

ایدی بابای سلطان بایزید شهریارک دفتر داری اولمشیدی مکن بر نورک
 باغ دماغنه نیم فنا و دان و بدرقه هدایت بیانی ایلد طریق سعادت رفیق
 توفیق روان اولوب نیمی روز کار دفتر دار کا مکار اولور سکرا ارحیم
 حضور خذاده محاسبه افعال افعال کورلد کده من نوقش فی الحیا بقدر عذب
 فوا سنج حساب ویر مکلفن عذابدر دیوسالک راه صواب اولمشیدی و بو عالم
 فنا کیم بقای اولمده غشقه عارف و بوجوهان جی مانک شهرت و ریاستی کچم کچم
 ایدر و کنه دیده بصیرت ایلد نظر و واقف اولمغان سیاح دل جانج قنایون
 طوتمشیدی بر ایکی کون طریق عکده مک و پو و شاد مراد و مرانی جنت و جود
 ایدوب جمال وصالنه دیده ظاهرا ایلد نظر اولمغه جمال اویچی قطب فلک کمال
 مرکز دایره وجد و حال غنای قافی قطع علایق شهابز هوای قضای حق
 نقش نیکار خانه ولایت مرسله پیوند حوران هدایت مقبول حضرت بار
 حضرت امیر بجاری به ارادت قلوب خدمت پر سعادت نه تحصیل کمال انسانیة
 و تکمیل مراتب و مقامات علیة ایتشیدی بیدر سایل و مصنفانج و علم تصوف
 و فن شعرا و انکاره نیم مؤلفانج و اردر مندا جامی کن اکثر کتابینی ترجمه ایتکله
 زمانده جامی روم و ایتکله مشهور و موسوم اولمشیدی شنده اولان مصنفانج بکر
 حسن و دل شرق زبان عبرت نام منقبت اوس القرف ترجمه تخت ترجمه
 نواهد النبوة شرح دیباچه گلستان شرح معانی اسماء الحسنی بار و خوان منشات
 و جمع اللطائف و منظوم اولان مؤلفانج بکر در دیوان اشعار و کلام
 و امن و عذرا و بیه و راجین اقبال و سلامان کوی و چوکان و کتب
 مداح رسول بزدان و مقتضای ارباب بلاغت و بیان اولان حضرت خواجه
 رضی الله تعالی عنه دوشنده کور و ب اشارت پرش رتیری ایلد دیدیم دیو دیباچه

کز بر و سطر اینمند واته خالی اعلم شمع و پروانه جابر نامه لغت فارسیه
 بهشت بیکر شهر انگیزه بوده و متعلقات حین روایت اولی که اول نامه و
 سلاطین بالمرحی جاسون متعلقات حین او قنق کوز و دیدن منلای مریور
 کتاب مذکور یثالیف ایدوب اول نامه قاضی شهر اولان ایشی زاده سیه
 و واعظ سطور و اعیان شهر و عاقله جمهوری جامع کبیر بر سوده جمع ایدوب
 حضور زنده متعلقات حین او قنق کوز کتاب رفو شده اول جگر کوشه رسول و
 فزنده سال غنچه بول عا کرم کانه خنده و لدن غنچه مثال دکن ملول اوله و غنچه دکن
 تیلون بر خسته جان بیک تبرله . شیر تنها بر سوری خنجر بر
 ویزید پید کاف طامدن کوپک دو شکر کبی بام بر کبندن دوشد و کندی
 طامدن طاموب دکن خوش جان اتر . اکه بوا سلوبله او چنق بستر
 بوبر ایکی اشعار مریور کندر .

جعفر نور کوکن ملکر آه و زار مدد . اود که بنده بوا که بر شرار مدد
 تو نمون بار ایشکینه خال جعفر غبار . ای کوزم بانه بوسیل اشکبار مدد
 کوزلم بول کوز کنگ تیره و لدر ای . توتای خاکبای شمسوار مدد
 ای طیب جان دله کار اینجین بوز غم . درجه نریاک شهید صل بار مدد
 لامی دل زورقن کرد ایه جلدی بوج غم . یوق کنار وصل بار و زور کار مدد
 کمل کون بر فزه بارک خاکبای کور مدد . اعقله دیده دن جتق قراس کور مدد
 چون ازل صحنه اوردی نوین جان . طک دکل غش اوزره دیکره این سلطان غش
 قانع اوزرا و سکر نیک عالمی فتح و لیه . عرشه نعلی طوتر چون جفن سلطان غش
 بجز در بایه دوشه دامن تر ایلز . جوج عایه کبی کوز لر عصمت سلطان غش
 آتش اوزره سکه عینر کاکل کین . نقد جان بر منج جگر کاکل کین

دور دی داود دوز را خط غنچه یاز چکدی عباسی عکس کاکل کین دست
 کویا حال بر شام اکبر شکر دیرک . رحم ایدوب کوشینه سول کاکل کین دست
 نایت اولدی خطنک جوکم موزر جیتی . سعی ایدوب زور برین اور کاکل کین دست
 طوطه و غنچون مهر کنگ کین فرخ حلق . بیلد غرق او نمش سر اسر کاکل کین دست
لایحی نامی مصطفی در . روم ایلین بیروز دیکله مذکور اولان شهر شور دندر
 سلوک طریق عکس نهج مهود . اوزره بذل نهجود . اید کدی کمره نجات جذبات
 گلشنیدن جانته بر نیم . ابر شکر سفر دیار مهره تقیم . ایدوب ساحه بالی غبار
 رجاء جاه و جلالون پاک . درجه صغیرن کدر رات طلائع و عوایق امارت جاهد
 و انوار تجلیات ایلد تابناک انکار جاسیله نهج مدت خدمت آستان گلشنی ده
 مقیم . اولوب گاه اوراق بهار کبک گلستان آستانه دکلور صابور و کاهی
 غنچه کبی شحات سیاب شوق و انچه ایلد کلوب جلور و گاه خوان دیده بر کجار
 کبی جامه و دسار دن عاری اولور . و گاهی دیده غنچه سدن زاله مثال
 مشاط اولان اشک حرمت و سر شکر ناحت . نیل معرب کبی جاری اولور و جین
 شهر استنولین پیغوله اختفا و حوله نهج زمان سرو مثال اوج عالم و اکشن
 و کاشانه قنعه در دله در دکن اولمشیدی صاحب قران عالم در حوم
 سلطان سلیمان خانه وزیر اعظم اولان علی پاشا کبک بر بوزره میل تم و انچه
 مالاکلافی اولمین مشرق مقامی مرجع خاص علم اولوب التنا عالیسی
 ایلد جناح مزدحم شیخ و نایب اولمده جلدی عالیجناب اولمشیدی خلک مریور
 ف د عقیقه ایلد اعتقادی و آرایه واته خالی اعلم رتبه شرف و نقل باقل
 و درجه اعتبار ارباب انظار دس خط و نازلور بوشهر ایلندر
 قنور فیضک ابر بار کادر ایشک . شور که خلک مهر و ما پدر ایشک

طریق کعبه ره روان اولسه . جانب حقیرت برش برادران شبک
 فیکدن اوز که او کور بولای کینده . غریب و بی کس اولانه پادشاه
 دیکلازم دکل غل و فکر که کم یاره . زبان حالده سولر اغرا خوب نویاره .
 کبار افاصل و مدن جامع الفنون و علوم نظیر و عیلمی اند عفا معدوم
 اولمده موسوم اولوب صاحب سیریل شریفه . و مؤلف صفات لطیفه و حیات
 علوم و فضایلدن . انا مل دریا خصایل ایلد ازله غواشی ایدوب کتب معتبره و نفیقا
 حواشی ایدوب مولانا لطیفدر که آواره فضل و عرفانی قبه زمین و زمانه پیر
 و لوله کوس نام دنیای عرصه کاه جهان . دیوان کیوانی هر غوغا ایدوب برینم
 کلامی ابصار اصی ب انظاری عاطف اولدوغندن غیری علما و فضلا
 و امرا و وزرا هجبت و سطوتدن رهناک و خائف ایدی مواعظ و نصایح
 شفقا ایلد اکابر و اعیان زمانه زبان طبعی دراز ایدو کندن هر رنگ
 اعلام انتقامی حاکم و امیر از اوزره اولوب مترصد کینتی و مقرب زدن
 و ذلتی اولدور کرایه جلدن اولان مانع اولان اصحاب فضل و عرفا کینتند
 و طایفه شریفه ارباب تحقیق و اتفاق مقدم و پیشوا سی جامع انواع معالجه
 و افضال خطیب منبر فضل و کمال اولان مرحوم خطیب زاده نک حاشیه کتیر
 شریفیه بتالیف ایدوب کج حاشیه برین تزییف ایتکله مقیده اولدوغندن
 خاطر شریفی متألم و مضطرب و کانون در و خنق آتش کینه و انتقام مضطرب
 و ملتهب اولمیدی و اولان مانک علما سندن مندا عریب ایلد سلطان جهان
 شاه در ویش نشان مرتب العلام متوی القعفا مرحوم سلطان بایزید خان
 حضورنده بحث و واقف منوون مباحثه ایتدکه ذکر ی قبیح بعض نکات
 شنیع و فحش ایلد مندا مزوره اطال لسان ایدو کندن شاه جهانک خرات

قلب پر صفای بر مقدار مکرر و سرچشمه خاطر عاوی غبار که دورت ایلد فی حکم مغیر
 اولمشیدی حاصلی بر بهانه ایلد شاه جهان متوابع سلطنت و مدبران مملکت
 اتفاق ایدوب مندا مزوری منظر اسم مفضل اولوب طریق توفیقدن ضالدر
 و دایما حال خلق افلاک و اضلالدر دیو تفتیشی خرم ایدو دکلرین مزبور
 ربخیز و دست زباندن الم کشیده و تحت چنین اولان بعض اصحاب بعض
 و عدوان حاش اول صاحب فضل عرفاندن قتل موجب بعض اقوال و افعال
 مشایخ و معاینه ایتدک دیو خفا شهادت ایتکله علما زمانه سی افلاک ایتدک
 جوات ایدوب مندا مزوری ایتدک شهادت ایتدک و لغت شهادت
 تاریخی اولمشدر مرحوم مرتضی مولدی شمسوده صفات بلق نوید مذکر
 سنان پادشاه علوم آله و فنون عالیه تحصیل ایتدک حکم مرحوم علی قوشچی
 محمدن کلده که تلمیذ خاقی اولوب علوم ربانیه و فنی تحصیل ایتدک در مدار عمیده
 افاده علوم ایتدک حکم صححه مدح مرادیه برو سوده مدرس اولمفلد
 بنای سرای فضلی شنبه و مؤتمن اولمشدر مندا مزورک اوضاع و احوال
 تکلف و تصدقن سالم و عاقل هر کس ایلد مطایفه و ملاطفه و عارفه و محاوره
 اوزره لا اباله شرب اولدوغندن حاش بی دین و واسع کدیت منور کراید
 اول شیر دلیری مقید زنجیر ایدوب ایتدک یوسف اول ذات فقایل شنجونی
 مجوس و کجوان ایتدک صکر سلطان بایزیده کوندر دویج ایتدک مذکر
 اولدو منی محوفا ایتدک و کیش کراید منبر و فو اولدورک سنج
 وزیر اعظم اولان ابراهیم پاشا کوندر دویج ابیات لطافت سماند مذکر
 ای مروت معدنی لطف سلطانم مدد وی اباعن جد و زبیر آل عثمانم مدد
 دامن یوسف کبی جا ک اولدو ذیل عظم خصم بی ایقان الذل اگر بیایتم مدد

علی نبی رحوم ایل دیار بخت بد کلین سلاخی به سز طواقف اوزره قرن فی ایل
 اولان دار کد بنی اوتوز ایل دیار ویر دکلر نه سلاخی سزور دیر
 ای دهر عبادنه در کیم حدت ایدک . بنیادنی بقدرک همه عکک عبت ایدک
 بر دهر به بر اولمچون دار کد ایدک . نقض ایلوبن اوتنی دار کد ایدک
تشیخ مولدی قسطوندر اوی ایل حالده تحصیل علم اشتغال نمیدی جمع داشت
 ایدوب بعض عمارت جلیله کتبت ایل کسب معیشت قلمندی طاعت استنبوله
 پیرانوان تیر فاضلی سال کلن ایکی بولکش شیخ حیات برک و بار او کوجوشن
 و قد و ناسی سلام مرک و پیام اجل المیعون یحیی اولمشدر زمانده خود ایل
 شهرت بولوب تذکره لشوار کویرواعلام ایمل زحمته مبتلا اولمشدر شیخ اجا
 شواد لوازم و مهم کاری مرغی ایدکندن غیری حلاوت عبادت و لطافت
 استعارندن بری خاطر افسرده دلان کبی لطف و لطافتن عاری ایلوب
 اجاله اقراح انت ایدن ارباب بلاغت و براعتک مجلس اعتبارنده کاسه
 حرف کبی الالاغه یافتی و شایان قیچ نظر و کریم بیکر کبی بریم ایل کماله کلکه
 صورتی بوقدر جمله شواد کد و نک سقراطی اولان قسطونی نام شهرت انتاب
 و انتا . ایتکل یاران صفای کتاب بر نوره قسطونی نام و بر در کوجله ایل
 شوی انتا سندن بهتر اید و کج خلق و موز در اشعاری دخی وسط احوال
 اولدوغی معلوم ارباب مثال در بواشعار ایل کفایت دندیر
 سوز و ملکون اوزنی نکرستنگدن . شانه نگه سون الی زلف پیرنا کدن
 زخم غبار پای سک کوی دلبرز . اولورک اباخی نوزی خاک کترز
 نقش دو کوفه آینه جانده سیر ایدر . فغور فغور سیرینه مالک سکندر
 جمدن یکا ایدی کسبه سبزه و نغمه . ساقی بود و تیلر شمع هفت کشورز

زلف غنیمت بار که بوزدن کور کج دهری . چو کدای حوری شیرین کلشن جینه بار
 ظلمت شب ایلوبدر عالی صنک سباه . باد آمدن سونبدر جواج مهر و ماه
 کوزم با شینی کج ایدم فرا فکله جد القدر . سسکه قانی اظام صوبیز زدی ارفق
لطیف هوای لطیف و آبی خوشگوار . اولمشدر تراز بلدان و امصار ایلوب
 نمونه جنات کجری من خنرا الانار . اولان شهر بزدن برخواجه مالدارک
 اولمشدر که طوطی لطیف . دیکله تهره هر وضع و شریف ایدی مرخوم کز سیدی
 ملازمت سیر اولدو فکک منسوب فضائل حفظ و کمال . و نصیب و فراوان
 کسب بسم و زر . و تحصیل موالید و مر ایدک کج کج استنبوله مدینه بنا
 ایدوب کندوسی مورتی اولمشدی نجه مدت صلاح و تقوی ایل کوشه کیر عالم
 اولدو فک کج طوطی بنان سراسی ملک بنا اولمشدر بوشوار کدیر
 که کز توسن چرخ نه نودن فراغ دار . بو عالم کشت زارین زحمتنه ادر اغم دار
ساقی مقررات سلطان عثمانیه و مهابط انوار عنایات سبحانه اولان قد الکلام
 شهر قطنیه . دند اولان ات کریم ایملیک کد فیض حیات دستندن ابرها رحبا ایدر
 نام شریفی کجی در عالم مبادندن که حکام تحصیل موفقه عود کجالات ان نیت
 نظرات ملک سیرنده جلوه کرد و سعادت کتبت کد آیت رفیع رایت علم بالقلم جلالت
 شانه ناطق اولدوغی کاتار علی علم و رفعت شان سعادت موفقه اما صدق
 معنون بلاغت شرفان و قلم و مایطون . در اناطیه در با خضائینه مندر سیر
 اولمشدر تحصیل فنون آینه دن استیفا . ایدک کج مالک خلدت خوانه واستیفا
 اولمشدر بی بر زمان دیوان سلطانیه . ده حی سبزه جیلک عنوان ایل معنون
 و کوشن صیاف و دفاتر کوشواره نامزد و مفاخری ایل موش و مریز اولمشدر
 حقا که موقوف افلام نجه شهر و اعوام . اجمال کمال ذات و تامل حسن صفات

دینش من نه جانده بوسه اولر اولر سون ^{مصلح} اولمزدی بوسوز اسدن اولون بوسه کار
 مقدما مذکور و مطوز اولان لامینک فرزند دلبندی در نامی در ویش
 مالک طریقه سادات رفیع علم اولوب طریق رفیع شداید و معایب بحد و رتبه
 چکشی و بجم اصل و رجایه زمین نامرادیده اکتبیدی آخر بر فوای من فرج الباق
 و بیج و بیج هزار اقدام و بیج ایلد صاحب قران زمان مرحوم سلطان سلیمان خانک
 خواجه سی خیر الدین آقند نیک استان رفیع داخل اولدنده خلقه مثال اب فلک شالند
 زاین اولوب غروره و شام اختی حکم طوفانیه دولت ملازمه نایل و داصل
 اولمزدی مدینه قسطنطنیه ده بوی قرنی انچه ابله خدمت ندر مشغول ایکن کوکب طالع
 و خورشید پر شمع وجودی غریب و افول و لوب نال جیایه صدمات خوان و فنا
 فکر زلفکد شب زنده جان کلنجی کیم ایلد مرغلک اولور آشبان کلنجی
 کوکب طول اصل فکری ایدیدر پایال اوللی سودای زلفک هر زمان کلنجی سی
 غرزه سی فکر ایلد بروسی خیالی دیرک لعبا بیزر سکا نیز دکان کلنجی سی
ملک دیگر زمینی رنگ بهرین و خاتم بلدان جهان قیروزه کلین اولان
 شهرت آیین بر دسه خورده دن باریق و لامع اولوب خورشید وجودی افق
 شهر نور دن ظاهر و طالع اولمزدی نامی عبدالله در بابا سی قضاة اسلام
 بر متعین و بام کنه ابدی کندوسی هر حسن و ملاحک بویف کنعانه و عالم
 نبوه و نازک مهر خشنایه و آفتاب پر کنعانه ابدی ذرات مثال اول آفتاب
 حسن و جمالک عاشق سرگردانی محنت عاشق کیمی چش یکلمزدی و تابیده
 عشق و محبت ناب مهری ایلد سوزان اولمزدی دن آفرینش اولمزدی
 عد اولمزدی قد و قامتی بزم تراکت و لطافتک شعور و روی بگو سی
 فلک خواجه و ملاحک آفتاب بر لعل اولمزدی مخلص مزبور اختیاز انجمن

بصایح

بصایح و بصایح علم مالک اولوب با بای رفیع مالک بوانا بده شیخ الاسلام
 منیع الانام حمیرا الحلال عن لکرام علما دانشوران جهان اجماع بی عدل و مش
 اید و یک متول علیه و مفتی به اولان جوی زاده افندی خدیگری سایه بان
 صدارت ایوان سلطانه کسراینه اولدنده جبل کنین همته عاهم اولمزدی
 حقوت ملک رفعتن ملانم اولمزدی حقا که انام خواجه و عشوان زندگانه ده آفتاب
 دشت انشایک برق مثال النماح و بجم کلک مر سونک کر چکدن برین و شمع
 اشعارنده معانه دقیقه و تخیلات رفیع ابراد ایملک خدی الشماح و طبع و قاف
 و ذهن نهادینک بوفنده ایلا و اختراعی وارد ایدد که بوی فیکر مثال ملال
 از دیار و کمال بولوب لمعه ال کیمی صحت الصحلال و علامت الحلال طوئیه
 بواجب انک کلک و معانه در و بوجده بحریرا و بختیون مخی طبع با کماح در
 بانه بوز ویره یار اینم شوندره هب بوغوغا را و مالک با شعی التقدیر
 شونک تفرقه کیم اندی دلت بیداد او کومه دوشی عدم ملک لکون در
 صانع رحمانه عبادت اولد بزم غرضی هر فن صوفی سماع ایلد سبطاد دوز
 مثال ابدیت کشت دشت راحت قیاس قرار کاهکی کوه غایت و در واد
 یقین اولما سون غبار اول همه سولک بایج بد و اول کونلری بکیم الله اراغ انون
 بواسطه ایلد بزم دلواره وارم رکون بن اولد کده بلالره فلک انیم اباغ انون
 عذر انون اومد اباغنه بوز سوسون اعلا نشان بچیلک بکیمینی کوز قولاغ انون
لوی ولایت روم ایلدنه بر شسته نام قصبه دندره صفایح و صیایف قلعه
 مرسوم اولان تنوش سواج خلوک ایدوب لوح قلبی غبار اخبار دن ساده
 قلعه بون طریق بقوه سلوک اکتبیدی بختت قطب فلک کراحت خور دایره
 دایت مرکز افندی به ارادن کوز و ب بختی کمال ان بیه صرف بخت

حرف المیم **ت**اج بار حصار او علی دیگه بنده دارد و دیار اولان قاضی نادر
 او غلبه ز قید و تنویر شدن ازاده و روی المی مانند فلک اطلس تنویر
 می سنده ساره غریب شکل و صورت و عجیب وضع و هیئت دایما هنر از بجای کار
 همیشه زندگانه قلاخلع اوضاع و اطوار اولوب کنافت لجه دن بر رب
 او غلبه مرزبوره غایت خفت عارض و کار اولمشیدی سکنه و وقار دن
 دخی بالکلیه کار ایدی بر حال و شانندن صد و زمان اگا منصب نوبس
 روا و سزا کور میکی سالک منصب قضای اولوب اناطوی ده و دروم ابلنده
 بلاد کیشره به قاضی اولمشیدی سه اشنتین و اربعین و شمع مایه ده کلیسوی
 نام شهر باخر آمده قاضی اسلام ایکن دایمی حمام دفع نزاع و رفع خصام
 اکون خواه و ناخواه جناب قاضی ایجانه چکنیدی تاریخ و فایده و درج
 مانی حق قلبی جان تسلیم زمانده شواله شهر بولان سواد نامدار دن
 و اول عهده دام داد و نقطه و حرف ابله تزدوان معانی لطافت مالوفی
 شکار و درهم و دیار فکر و انظار بنی نثار و اینکله سهی قدان نوا

و لطایفی در کناره این ناطق لطافت شعار و نذر و بر اکی اشعار انک کفر زنده
کا کلک اول جمیع بزرگیم جان او ستنج . غمزه را اول سینه بزرگیم سنان او ستنج
اشک خوشنیمه هر دم چشم کریم بنم . شول جبابه بگز ای لبر که فانی او ستنج
قد بالا که اوزده جانازلف قنایک کلک . بگز مشدر ناخه که سرور و ان او ستنج
لعل شکر باری اوزده طم طار بار . ای ای جمیدر کویا که جان او ستنج
او یکینه صنوبر قدیاره عجب اولمز . زیرا که باشط شیره اولغه ادب اولمز
اسک دآه کوکل انانرسن . بله او یوب صوبه طمانرسن
ای قدح قنقی بزمده کاو له بار . اول ار ای طوفو ز طولا نرسن
مالکی نامی عبد الملک اولمغین محض مرنوز ایلد مخلص اولمشدر صد مقدمه مذکور
و مسطور اولان فاکرینک زرنذر مغاخر و ماثربدیر بان نب و حالیه
سوال تفصیل ایلدنج . اولمغین شرح احوال تلکوار شیخ اولمشدی داعی باقم
انواع معارف و کمالات ایلد حال . خوانه قلب سعودی نمود قضایای معلوم
ایله مالیه بر ذات مستجمع الحاکم و الحالی . ایدی صدر افاضل جهان و بدر عالم
عالم فضل و عرفان مرحوم والد فردوس ملکین جو تربیتین مربی اولمغین
کب جلائل قضایل ایدیوب آستانه افاده لنده فاکم اولمغین خدمت
اعاده لندن ملازم اولمشدی دارالسلطنه الشیه فکالطینه الحیه دده
مدرس اولد قدی مکره معر غنا و یارک مالکی و فقو فاقه تلک عبد ملوک
ایکن آزاد اولوب بر ایکی درهم و دنیا رک مالکی اولمغین سمت قضایک
مالکی اولمشدی خواجی معرقا بهره ده عنایت ملک قبوله قبوله حاج
اولوب جنت اناطولیده صند فلی نام مقبه دده . ارجو ایه قضیه شرعیه دهرام
ایکن مناع وجود نامدارنی هازن فلک همدوق قبره صاحب شرع آید و ولوی

قد

شهور ذات بزگوارنه بازار روزگار ده اعتبار اولمغین جوهری ایام
 اول کوهر بر خرامی نه صدف زمینه المشرابی بواشعار آید اول از آن کوهر
 باری مست اکلده بوسه نک تازندن طنور حسنه شود طوره زبازندن
 دید بر خط کلد و کن خیار جان او کشته کرد غم فوندر دبلر آینه جان او کشته
 سولید که اول بکی عیاشی المرداک کرسکوت ایلر سر بر دم قان اولوقان او کشته
 روی رخسار او زده نازه خطکی کوشش مورار جقدی صنور دال در خندان او کشته
 زخم خندک باره خون اولدی بوجکر بود کلو یاره بادشهم فنده باشر طوخر
 کجک کرک خندک خفا سندن ای کجکل اول قاشی بی خجک جهانن سور کجکر
 اردن جقدی جان بوسکین لک کورک قلاب زلف دلبال سندن لک کورک
 ناصین طره کجک رخک دی مالکی بریج و ناب اولور کجی اولنجه تاسحر
 ره غشفده جانا چشمه لرد چشمه در بایم اکادست بلا با پیش کمر لرد ایتمی فاشم
ماتنه باباسی جالبی علی دیکله معروف افاضل صفات نصبات دن بر ذات
 ستوده صفات در نامی شیخ محمد در کلسان ملاحتک در خنده افنی و چمنزار
 شیوه و نازک سر و روان اولوب صورت ازل و خلاق لم یزل صحیفه وجوده
 روی بنکوسن مثال از نیکانی ایدیه مانجه بود و صورت بختش چه بود
 مانجه منم که چهر کنی ملاحتم فواسی صدوقه حال حال اولمغین جلف زبوری اختیار
 ایتشدر حالانا طویر به صدر اولان مولانا اعظم جامع العلوم و کلم ملا احمد
 افندی بعلول زاده افندی اربابا ایدوب خدمت شریفه دن ملازم اولوب
 طریق تدریس سالک عازم اولشدر عشوان جوانین قلم فکرت و خیال ایلر رسم
 صورت قبله قان و کثر بتوش کلام و مقال دست از نالیج و طوطی طبع بزکانه
 مهر باغت و فصاحت سبک خالین اوزره در ایددر که مدارج ترقی ایلر قلم

مستغنی اولوب ذروه فیل تنوقه اقدام اقدام ایلر شلق ایده بواشعار اکلده
 ای خط سیه عارض جانانه طویر بوز قاره لغن ایلر ایمانه طویر
 آغوش مبین طلب ایتیمه کیم آس مانجه مد اول سر و خوا مانجه طویر
 ره غشفده نه غم چک کواکل در دو ای شه ملک جفا شیدی کوردک کریمک
 بزده کلدک الی او بکله باغنا اولوک اولدی ای جام صفا بخشین کفدن
 ای مصورا و همک صند بنان بازو دوشدی انگشته کزیر ایدر بکن فلک
 ارزوب دشمنی داغ اوته داغ اوردی اولدی ای مانجه دختنه زباده الک
 غل بر نور راقم کوفک بوغزله نظره واقع اولشدر **غزل اقم المورف**
 کل کل اولدی بیلر زلری هر صبریم بریر اجدی بینه کلری باغ ارمک
 خون عشاخه انجیر کیم کلکون برینه نوش جان ای کوزی مسانه زباده اولوک
 خلق رغبت ایدر کجک اگر چه اومرز بیزه اول منته جکدر به خاک قدمک
 مددای فاشی کمان فانه کمر کوزیم کیم بری بیکه کچر ناوک جلد و سنمک
 بیلر ل نوله در دبلر فغان تیجین خار لاله یینه دامن اول غنیمتک
مستقی نامی محمد متقی در مقدمه حروف فافده قری فلف ایلر مختلف اولان عرب زاده
 افندی ک فرزند بلند بزرگدوبه آباء و اجداد دن میراث اولان علم و عرفانک
 کتبیلنده کوشش و تکمیل معارف جوینده ده ورزش ایتش جوان ایدی حقا که
 بچه زمان اید بیکه جنوب فلک حسن بوسفی کم کرده و ناپیدا ایتشیدی بوی پیراهن
 وجودنی استنهام ایتکن اتخ لاجدریج یوسف ایلر کویا اولمشیدی و بی آیام
 ایدی که کلبه اوزان جهانن در و دشت بچوان ایلر و ابیضت عیانی من الحزن
 دیوب چشمان نور افشانه که بری ماه تابان دوبری مهر خشان در غیبت نور دیده
 ایلر کربان ایدی طلعت غراستنه من ایدیک فلما حال البغیر القاه علی وجه فافده

مصحفی از زده قریب وینا اولی **مصور** ازل از روح صورتی میخواست
 مثال قدر ابر کشیده و آمد راست . حیفا که دست بطاول هر غدار لباس کجاست
 همکل غریب بری و عمار . ایدوب اول نخلان کمال کشت . مودض آفت بهر چینی
 اولی . و احسن که اول خوردیده نک نوری رسیدن اولو شکوفه زار وجودی نام
 اجلدین مصر باد قنایله برک خوان کس خاک صاف . و تند باد اجلدین انوار
 و کج و افزار . و نده خواصف نهادن کرد بلیت و آزار . اول نخلان کمال کشت
 قنایله چاک . در بخاک خوشید روز جوانی . جو صبح دوم کم زندگانی
 اگر چه جگر رومیده اول نخلان غریب چشمت بدی دور انگی چون الفاسد ایلریدی
 لکن نخل آفت و کزند اولی . و بر اغوش و زید صبح آسا . نیچر مرده لیرن جیا . ایدوب
 بر جوا بله نیچر خسته که در مان ایدر کن تدبیر ملک قدیر ایلر دامن جیانی دست اجلدین
 خود تر مود در مان اولی . بعضی امر ارض فنی چون چوب چینی ایچک با شرت ایدوب
 ایام طاعون و موسم دبا اولغین . توخی چوب حدوت و بایه مودی اولوب
 بسنه نشین و تنبان و نوحه بایه **ده** و کدی در دبله اجل در استی
 موسی میان و ابروی باریکی کی دین خیا . و خطر روی دلیوسی کی فنی کاشیه
 نعل . در درج دماغ کی منتظم بود و دار در بویا انک کلماتند که کثیر است
 بنی چون مثال انک بواستفانند زندگ . و فاد و مهر ادم شدن کبر و دیوانه در سندن
 احوالی عرض انک هیچ دوشکی نیست . بر خط بندن بنم ایلریدی و فتن
 عفر و دل صبر اولی روان بنم کبر . ای جان ملامت زده قالدی کس کجاست
 در دکلر و اولرید وصال کمال جیا . ای روح روان انکسیده جان کجاست
 تشبیه ایدر اولی و شوا موید میان . ای متقی نمدی فنی انجلدی ترکست
 وصال امیدی ایلر چو کم ویر مکل جیا . اولیچک ککل ایدی بلای جرای

بنی با قریب زده که هر کون ای میلم . رخو که بکزدن آفتاب مه رخشان
 چشم خیال حسنه بر رو افزار . قاشک غلبه طافتم ای غنی طاقد
 ساق این طولر دیو بکشد عاقبت . چشم حباب و سغری کوز نولا قدر
مثال جواهر وجود ارباب معارفه معدن و منبع شوا بهرین مقال پاکیزه سخن اولان
 دار الفواد نه اندر نامی حسن در . مقدمه ارباب حفته کن صنعت علم و موفقه عین
 و بعضی ارباب هنر ایلر قرین و هنرین اول مغلده تحصیل معارف و لطایف طالب اولی و فتن
 قابلیت شایه . اول مغلده خونی زمانه مثال و افرانته غالب اولوب شوا ایا کجای نظر شایه
 و نظای دور انک شاعر شیرین معانی . اولوب غنایب زبان . فخر مانع نجات بلاغت ایلر
 مترنم . و طوطی جانیه شکرستان فصاحت کلام رکنین ایلر مشکلم اولی بر فاج زمان
 فتن معایه کوشش انکله انده دخی جلی نام و نشان بدایت در هنوز داخلین شایه
 جناب کرم و نامیدن مولد که مدارج بقایه متقاعد اولد قیام طبع پر اقداری میفرماید
 اولوب خفود جودی و اصل هر چه شایه و بر خوردار . اولد قیام طبع معانی اولوب
 لوله افلام مشکین ارقامندن دایما جاک . اوله بوبر ایکی استیلا فتن شایه اولی کجاست
 و بمرسن بایه بوسه عاشق زار کجدر بو . او پرار کوز کوره رخسار کج ایلر کوز لدر بو
 قیوب کو کین کو کلم راه عشق اختیار اندیم . کو کلم فاکون بکم بول فاکون بر لشد بو
 سلا نیکه کلور دیو عیب فرخ قال . ملال شهادت جند جقدی ایدوب استقبال
 طیسیم کوردی کم جسته بهر کج کل کج . بودر ال اوج ایلر بنفط طوند غنه حکمت
 دیدیم آخر خط کلور اول عل خندان کشته . دیدی اول روح روان کج کج فاجان کشته
 فلکده کسبه باش اکرین ای شلی غرایب . قناعت ایچک اولور بر دلم نانه ملال آسا
 اولیری کوسر میوب روین طوتر حاتم . هکله بیلدم خط رخسارندن ایلر من حجاب
 سنی شایه چاکوار کجای غنی او بکله . هر قیام کجست ایلر موز کله با جلدی کج

جواهر وجود ارباب معارفه معدن و منبع شوا بهرین مقال پاکیزه سخن اولان

نار آید منایک طوفان کش . خیل ای مهر جهان افروز کرم انش نهار
 جامه سبز و کبود اجره زاندر خنجر . صان شفق اجره هلال آسماندر خنجر
 آسمانده ماه خود را باده ماهی خنجر . ماهن ماهی به دکل حکم رواندر خنجر
 تشنه دلقور دو کج دمه ناله جانگیر . بر کوزل بیدن جگر آب رواندر خنجر
 شویله کچکند که فانه بانه دهن بلرزان . غمزه مست مدامکن نشاند خنجر
 طنلود تلرله منایک کبر و بر کولنه . کویا بر دلبر شیرین زباند خنجر
جمدی نامی محمد در بر خنجره غرا در که نذر در دنایان و بر خورشید پیریا در که
 افق بلبل بر نوره دن طلوع و رخسار اول در مقدما تحصیل معارفه اشتغال
 و تکمیل فضایل بر قبیل دل و جاننده اشتغال و بر دکه چکره اخراج زاده محمد جلینک
 در سلطنت بایزیده مدرست لکن خدمت احاده سندن ملازمت بمنز اولوب
 عودن مولی منقشه طهوره جلوه کرد اولدقن دولت فضا یاننده در دیوکت قضا
 بایل اولوب سلک فضا قضا و داخل اولد حقا که جامع معارف و کمال انان
 و حایز مکارم و فضایل نفاخ علوم و فضایل جایی رفیع و مجدی ایشل
 و ایراد معانی برج البایده ذات کامل القضا فی ناشی غیر و خیل در خطوط کلمات
 بر عنوان عودسان معانی به هر کجی شستای ایدرو غلام افلام لطایف رسانی
 عالم مخوری و نکته گذارین ابریشای اولور بوزمان جوکان زبان اولد کوی قضا
 و بیای ر بوده ایرن اصحاب عرفان و خوا و عالیث نذر بوبر یکی انعار رفتم زده
 سحر بزم چنده زاله ایلد غنچه کرا . سید صبحه قلمش شیشه در اغنده برالما
 و ایدوب سور دکلرین خلق مانون . سولیدین انجی سک لیلدی نموندن بکا
 ویدر قدک القدر ایکی فاشک ایکی . بر دیوب ایکی دیوب قومدی انخ شوا
 خواجه عشق بوزن او غلایندر بولکتر . تیر آهم قاره فولقده انمش اوقی کجر

نظور

نه طور دور کلک صوفی کیم . بچکه کل کس به سانه سی وار
 مجدی کندین یوردی دیشل . یو لورین بیچینه دیشل
 ارادم بولدم کوبین کور . بولغور اکبر کس زهر جفا کار
 خیل آلوده ایدی خاک بکله بوز . اغلا غبسله بانه بودی ارتدی کوز
 و بر تئوز صبر و قرار بی عشق دراز . کوکله قلمش در انجی اکه خاطر مانده بوز
 بکا کوسر ملک خسار زیبا سینی خایک . اولدیر باشی التندن سر زلف پشایک
 بولوغت قلمش شهرت طوبی اطراف . بنم جوق سود کم سن از کیشی صندع عناق
 دل صوفی در دلی بر نفع اغرنه قلم . یوشه اغری واردی یوقدر دوانک بی صم
 کوزلم بری برندن اغرای سیم . خاک با بو که نارا بیلک لولوی عدن
 جوق نغمه ابتد و دلر لوب اکلت . اول کلر خاک اولابن بیلد لینه قران
 کرسون کوبین غم بیلاده آزار . قیس خرا ده کلن سو میخور کسار
 خط وار دلمه حاشیه روی باده . النده ای کول جوغ اولور لوز کنار
 ساق جمع ایندی بر ابله یار . پادشاه در نوله ابله این دیوان
 قلمه طرزه نغمه دیشل حق مقبول طبع خوب معانی ای کواختر انجی نذر بکری قوا اول
 شمس الایمه سراج الایمه . امام زجاجی قناری شرح الصوء السراجی له ذهن وقاد
 و طبع نقاد انوری الطبیعة . سنان النویجه یکادان تبال قاسم الانوار اذ هو الانوار
 سار هیکل من مبال النور . مسئله سائره بین یدی کجور تمیزل مرقم القیل الا قیل
 و سراج النهار سنی طویلا . سلطان ولی الایادی والنعم اخذ ایدی ارباب العلوم
 و حکم لقبه العام بامران . و یقول بعض المستغنی بامران غلطه دندر
 خدمت ارباب مدارسه ایند کدی کمره کتبات و نیابت ایلد مارت ایتمشیدی
 بناء علیه اکثر با غلطه ده مایب کتبات اولوب خدمت بر نوره قناعت ایدوب
 راجع

آخر مطالبه و اعظم مارب بمشیدی بنده مدت دخی سدا نیکو بوحالده روزگار
 کچوب در یادن استنبول کلوکن عهاب وار. بر کار با کار کیکسی نورانی کار
 ایدوب در دمنده و عیال و مال منانی اید با سهرم اسیر اولوب بنده زمان
 جلدی کبی بسته اغلال بنجر اولمشیدی بوحالده بنده ماه اول کچکر کن کند و چه اولاد
 براید کدوب تحصیل کچکر کن کفیل اید استنبول کلوب اکابر و اعیان و اشراف
 و ارکان دیوان و مقدما کند و به سبق حق نام. ایدن یاران و اخوان گاهی
 کونته کلستان کل کبی رزبو را اید خندان. و کاهی کلکله اخوان جهان و شمع دار
 کند و یل سوزان و کریان اولان صدیق خالص اچنان نندن در یوزه انعام و آن
 انمشیدی کفایت معیار در هم و دینار جمع ایدوب کچکر کن شنیدن دریای
 وجودده و کله ایدوب روزگار کوز در کن هر صفت کشتی جیانی تحت مخالفه
 و شرب بالا خور امواج بلا باشند اشوب هزار جنت و انشوبله گرفتار کرداب عیال
 و غراب عیان فنا اولدقن هدم و جلب نندن جبر ریش رزبو رک اولاد و عیال
 طبر مقصود کمال کبی نفس بند و اغلال ان آزاد. انیکله در دمنده روح روا
 شاد ایدوب ارالین قوی بیلا اولان فقر فوت و صدقتی دست لطف
 و مروت اید آباد انمشیدی بخیر و شیرین ده نرنامه دیک در طبع شوخ
 و نیم شیوه سی اصحاب لطف و قبول کعبه اولوب حرم سرای بلا نندن
 ابحار افکار کجومی اولد و غنن غیری دریای شمع سنابن متعالی سواصل متضای
 حاله و اصل دانش و اندام اشاری و ایزر جالب و محافل امانه و امان
 آب زنجیر سور و کله نورین در سیر اچون روشن جلاله هر جبابه و یکه
 عالمه اسرار عظم فاش اولدی اکیم خد متون سن نه جنگ دخی پوشین در
 اید بر صوابین عظمه سیر و سولک ساکن کوه بلا و غم عجب و ادین در

بجری

کجی عمر اول دهندن بر جواب شکرم خدا نورین صانک یوق بره رنج
 کجی معنای غیر ایتمه زنها التفات لذت کمال اولور انیم کیم غایب در
 محمد افندی و هو الود الفاضل و العالم العامل ذو الحکیم و الکریم
 و کثرن القیم و البیت المحض البتیم در دریای مروت نمره بنجره فوت
 منیع زلال فضل هیز زلال بیابج کمال بشر طایوس بستان فضل عرفان قانوس
 لای متکالی کشتی و ایقان فاتح مقدمات عوامر مایل کاشف شکلات اواخر
 و اوایل واقف مقاصد اصحاب علوم و فنون رافع عجب و اسرار نوم و ظنون
 ناظم معارف و فروع و الاصول صابط قواعد المنقول المعقول مخدوم اهل العلم علی الاطلاق
 وارث صاحب الفضل الاستخفاف زمانه ترک مخدوم مکرم و مظهر در که مرحوم بستان
 انذیک فرزند مجمل و مخفی در حقا که غره مخدوم نور صباح کبی شارق و علو جابه
 کوبنج و خورشید و ضیاح کبی متکالی و بارق فی یل نجابت جبین میسندن لایح
 و انار و انوار جابه غره غما سندن کاشف و صیفا ظاهر و دافع اولور کاشف
 روی بر صفا سندن لامع و اسوار مجد و محال بیشاخ خورشید نمنا لکندن روشن
 و ساطع اولمغین وجود شریف و جلیلی شواهن جبال سعاده متعالی اولمغی نورین
 وجود ابدن اسرار و اعلی اولو فضل عرفان انما اولور انندن متون و اقدام
 مکرم و افعال اید فقر عالیه در جاه و جلال مستون اولی غنه خلق عالم واقف
 و جازع ایدی که عذیب لسان جلالان بولکلامه مترنم اولور کاشف
 ان اهل مال اذاریت نموده ابقیبت ان استصیر برزاکا مگلا
 فی التواقع سمنه دای غزیمتی ریزان نمونه انوب جی کاسم اهل غن غن غن غن
 وادی کسبه فقائمه معطوف اولمشیدی و ذات رسوده صفای فی الامام
 و التیاج تحصیل علم و کمال و کیمیل فضل و اخلا مشوف اولمشیدی بر فقه علم و کمال

و اسوه فضل و حمود اولوب بکری کران فضایی مورد اعتراف امام و درباری
 بی پایان عرفانی مقصد افاده عام و عام اوله سزاوار و تابش خورشید صغیری
 شمع انجمن انشوری و آینه رای میری جام جهان نای هنر کسری اوله جای نگار
 بحر علوم و کسری فضایل که ذات او . مجموعه حقایق و دیباچه حکم
 عار می دواند و نای کل سرین کی جلد روی زمین اچلشن و شمامه نکشت خلق
 کریم نسیم بهار کی هر دباره یا یلوت صیاف مناقب و مغفوری مانند اوراقها
 بستان جان خلق جهان صا چلن در اخلاق و ادبانه هذب کویا برود
 زمانه هر طراز مذهب بوستان ستاره روضه مظهر و عظام اکرام و انعامی
 سیاه مطرد و وجود شریفی که بیست فضایل مکارم اندضام و دست
 مبارک کن اولان قلم سیف صام در مرحوم ابو کحوله افندی خورشید در ملام
 اولوب مدارس علیه شرف و توفیق متوجج الواح اشاعه فنون اند که هر کس
 فضا نام شرف انجام تشریف ذات پر احترام علیه کسب عنوان و اختتام انجمن
 فضا برده دخی تعلیم عالی نشید ربه دفع کونه ابدوب دولت پابوسه
 طالب و عاشق این فایده تدریس اعلیٰ برین شهر بر بوره و داخل و کمال
 اولمیدین فضا در نه بیابانج اولمشدی جبهه ساحه فلک ساحه فیه الکلاک
 مغرب خیام بهر مقامی اولوب ذات خورشید انارخه منصب جلیل صداره
 برین و لغات و بیروب طوای ذات مسودی ایلد منصب زبورک منشور
 وجودی پر عنوان اولدقد حکم طباب خیام سعادت و اختتامی ساحه
 صدارت رومن اونا کجالت و احترامه مربوط و انتظام احوال اصحاب
 فضا کل کف کف تدریس متوفض منوط اولوب نیه ایام روم المیده صدر
 پراختام اولمشدی الواقع مفتوح تنم اقباله جن طبع بر کمال لکشی آب

سی و مجاهده بی باک و شاداب نموده لاجرم غنچه دولت و کی مرانج شکفته
 و خیزان اوله روادره و مبداء استنقاق نفحات سعادت نردن خاک بطالت و عطلتی
 کلشن معطر عطر لرذن دور و مجاور نموده سپهر بلبل دایم و جلال شکار
 عزت و علایزده مدام دستان سراه اوله سزاواره ساریه سعادت نری مستقیم سیر
 ایکن ناکا رجعت ابدوب قدم جلالت نری مدارج سعاده متصاعد ایکن متفاعد اولد
 لکن مشنری به راجع اولمقدن نه زبان و ماه آسمانه کاهی بلال دگاه بدر اولمقدن
 نه نقان فی الواقع محققان موافق امکان و مرصده ان مرصده دوران اولنره
 روشن و لامع در که آفتاب عکانه دولت مشرق سعادت نری به روضه علات طالع
 اولوب از دیبا در جهان کمال ایلد اوج اعلا به اقبال بولدقه مودف اسبیل ال
 اولد دخی ظاهر و ساطع در روشن بجوم اقبال بهر دینه و بر منوال اوزره اولوب
 کواکب مجمره شالی کاهی مستقیم و کاه راجع در
 فاضلا کواکب اقبال اگر رجعت کرد نیست بهر دمر حله توازان هیچ غبار
 زاکه در عرصه میدان فلک رجعت استقامت پذیرند نجوم سباز
 من بعد موع و مرجو و منوله که دیوار بستان نعتربنه به عجله خنده که اولد
 دست عنایت حق پروردگار ایلد معور و انوار اولوب اولمکیدن دخی حکم و اعلا
 و آینه سینه کینه ربه نقادیم و تراجم اشراره دن غبار انک ز که قوس در
 مصقل دولت از جهنده ایلد مانند مدن انور و اعلیٰ اولوب میان برکان ان
 عذنا لالقی و حسن باب سابل حال ذات فلک جنابری اوله
 و الشمس من بعد العوب طلوع چونکه گلستان جهانده اغصان نای جله عالمیان
 از نار مدح و اطرا ربه منوره و دماغ سکان ایوان وجود خود او صاف مسود
 رواج مسکین نوابی ایلد معبر و معطر اولمید در حل منازل خدا دفقا بلرند جواد

ایک

خوش خاتم اقلایک نه قدرتی - و ستر باز بلند پرواز مفاکک هوای شرح کمالگرده
 طیرانه استطاعتی - دارد در هر چند ذات بزرگواری و جناب فضایل شاعری عنوان
 شاعری ایلد بوجله ده مرقوم - و حضرت معالی انتظام کنگام بر خیرای وصف نامی ایلد
 بونکرده ده مرسوم اولی ذات شریفه نظر عین عیب عار - و کمال مروت و شجاعت
 لکن جلد فضایل از نظر عقده نظم فصاحتی جواهر آید آراء و لالیات هوار ایلد مسط و خوش
 و کلان براءت و بلاغتی - رسالت کلک تیار و غلام افلام کو هر بار از لایق خود و شرح
 اینه کلان اظهار و اعلام - چون کثیر و تطبیق اقدام اولد - بوبرایکی ایلد لطافت
 اول ذات سوده صفایکدر - متاع موفقت کندی نه لطف و نه کرم قالدی -
 همان دنیا ده شدی حوص یار و دردم قالدی - آنکرمش نیم سرور و انم کل کسب
 آلا آشفته فکشر عالمی لیل کسب

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین
 و الصلوة علی محمد و آله
 الطاهرین

محمد حایز کالات حبیب - و فائز سعادت و همی مکتبی جامع علوم و حکم
 منبع جود و کرم - معدن علو و هم - نیمه شرح فضل و کمال - سیمه قلداده سعادت و اقبال
 واسطه عقد فضایل - رابط جلال فضایل - دره بیضا بکرمط معارف غره و فیاض
 معانی و لطایف - درج مکارم اخلاق در تفسیری - برج کرامت فضائل که هرگز نبی
 بوستان دانش و ادعایک خصال لایسی و صفی غر و شرفک لالوی لالاسی آسمان
 سعادت و اقبال کوکب سعدی - عالم عظمت و اجلال ذات بر شرف و مجدی غره
 کل زیبای کلزار مروت - در بکتهای در بای فتوت
 فتح کردن بزم کارانی - چراغ افروز جمع نکست دانه
 سواد دانش و دانش که عین مردی سواد کرده ملک بر بیاض دین خور
 بودا غنی ضعیفک - بود اوراق پر شانه جمع و تالیف - اتمنه عله غایبه - اولوب

موسسه اوده

مرآت سوده صفاتری تجلی مور معارف غیبیه - اولان مستنشین صد کاه
 فضل و کمال - سر برارای ابوان سعادت و اقبال کوکب سعدین - شریف عالم فضل
 و یقین - بکرمواج - سراج و نایج - سیاب ماطر - فرات زاخر - سلطان فضل و کمال
 خواجه سلطان خورشید بک - آن خواجه عالی هم - دیباچه جود و کرم
 مرآت فضل و حکم - سراج اصحاب کمال نهال و ده فضل انصوری و نور دین سرور
 و جود بید نهال جود پر اجلائی - کلان فضل و عرفان کسب بالا - اوله روا - در
 که آب خورده جویا فضل بشمار - در و هلا ذات پر فضایل - بول فیو کدر زبان او
 سزا - در که اول خورشید فضل و احسان مستفیض انواء و انوار در
 هر بوی که از مشک و فلفل شنوی - بومیت کزان زلف چوسنیل شنوی
 سر سعادت مغنی آسمان سعادت و اجلال عسرا - اولی غننه دلیل بویتر که سعد کبر
 اکا پر در وجود کمال منزلتی - صدر زین اوج سعادت - اولما سینه بران و خجدر
 که انوار نجات جبین میبندد - هر بار بار غر در عربی ان الهلال اذاریت نموه
 ایغت ان سیمیر بر اکاملا - فی الواقع جلد افعالی محمود و مرغوب اوله عجیب کل که
 وجود پر جودی بر اسد که مصدر سعادت شریف در - رباعی قول و فعل و وضع و
 ادبی مدوح و مقبول اوله غیب دکل که بنای ذات سعودی ثانی علم و حکم و وقا
 ملحق - در انکال احوال منیع مجد و معال - اولی غنی نه محال استدلال - در که کبری صغری
 فضل و کمال جمع و ترتیب بکدر - و ترتیب مور علوم معلوم اولد غنی بالبداهه محمد که
 نصیح طریق نظری عقل اولدن کور در - حالا و اصل سن شباب - بیکر جنبه ان الله
 فضایل معارف بیجا - حاوی و شامل اولوب طاهر وجود پر جودی هنوز طلال
 اکن فضیلت و کمال ایلد بر کمال اولمدر سرعت فهم و حدت ذکا ده - بر شرباز
 ممتاز در که جود باز قوت متجدد هوا و وقت افکار و انظار ده انکله پرواز - ایتک

الو تابه

ار محال. و طایر شکسته بال خیال. اول و دیده طبران اینک مخفی خیال در اولد کشید
 بختی بولد السعید. فحواسی او زره اخلاق و اطوار مدوح. و ذات نیکوکاری مرضی
 و مقبول نجات حیات و ادب و سکینت و وفار او زره بیل و هزار کھیل معانی و شیوا
 مواظب و مشغول در کند و لریند میراث اولان کمالات بسیار و دن بری که نظم اشعار
 آید در ادراک و خفایت مکت و اقتدار. ابداد و اظهار انجمن و دامن زینج زنگ
 جواهر ز دایره بلاغت و بیان اید کوهر بار قلم در بوبر یکی اشعار لمانع بخار اول خدم
 نامدار کی آثار قلم بخار و رتبات حساب کلک مدار. در
 نه باشد کرد کن بزمی باریب شیر تیزی نه قلند و کد کن باد بزمی چشم خونریزی
 مرآت روی باریب نظر قل جانی کور کلا حسن دلکشه بن جانی کور
 آیات حسنی دست کلک قضا منقله باز شش جمال باریب نظر ایلان کور
 عبرت کوزینی آج نه غفلت او بخوی هر دم عدم ایست کوجن کار و کور
 کل ای طیب جان دل انصاف کل مد در دو غمک حسنه اولن با تو ان کور
 ای سر و قد بار و سر قیاس ابدن الجملع ایست اول و نخل روان کور
 بیلد لایع و راغی گشت ایست باریب کل بوزینی کور مسون عالمده هر کز فاسر
 ای کو کل صحای سودای سواد زلف بار طی اولن بزمی کور سیم جمال باریب
 منزل مقصوده ای اصل و لمرش راه غن رهبر عشق رخ دلداسر
 عشق خالی دلدای محمد کو کلن بر عجب و ادب بوزیم اولن ز هیچ کار سر
 آینه بین ملا و جودی زین فلک مکنین و ریاض بر لطافت و ترهتی غیرت
 سپهر بین و هر باغ ارم آیینت مکن اولان فقر زین اید رنگ کا خا
 چین اولوب بلدان جهان بجز هر چند نجه عبدل و قین اولان تهر قزوینک
 صفاتندن قضا بهر دیکله شهره دهر اولان شهر دن طالع و قین اولن

حقیقت

بد رسا و معارف و حقایق بر ذات برگزیده و طبع فائق در حلقه مروت و مضام
 فتونک سابقه سابقه طاعتها کنانده متصرف منصب و زری اولان میرزا بیک
 سابقه نیک سلسله انتسابی شیخ با الدین سرور و خضر لایق منتهی در فرزند حاکم
 نخل وجود مسعودی ریاض شهر معهود و ده نشو و نما بولوب مرآت سوده صفاتی
 مصقل معارف و کمال ابد آینه عالم نما اولمشیدی اولن باریبشت نثر ادب و آتش
 رفض و الحاد اشتغال و انصرام طویلی انده منزل مقام طوق و اول کوشه
 ارم مثاله آرام اینک بیرون چیز امکان اولدقه
 و اذ الدیار تغیرت عمر حالها فدع الدیار و اسر ع النجوم
 فحواسی او زره باریب خوف و هراس طامس بر و سوا سدن خطره شیخ صفی الدین
 اردبیلی بر که اجداد نک مزاری اولمغه دست ظلم و عدواندن کیزان اولن لک
 دارالامان ایدی انده مکتف و متوطن اولن شریکی و دایما جواهر پند پد رانه
 زمین جاننده نثار ایدوب بنم حال بر اختلاف مدن عبرت ال و بود باریب که مقام
 قوم ضالده زنگن خاطر سن خاطر کدن مشر حال دیر اید اولن ناده بدر
 دبار عقبای کدرا بید کده مولانا قاضی زاده کده رود که علم و فضل اید بیکانه اهل و
 و طبع روان و قلب بر صفایک مثال و دایم المکر مراغت و موافقتی اید
 مثال انکار کوه و دشت کدزان اولوب باد صبا کبی و باد و ملالده بوبان
 اولن مانند فرات کشت و کدزار لری شهر بخدا ده او غرا دقن اسکندر شایک
 مظهر الطاف فیج الاکان فی اولمشیدی لکن بوجالدن ش ضال خیر اولدق
 مولانا نیک اهل عیال و عفار و اموال نهیب و خارت ایدر کده انده دخی
 نکلن و قاره مجال جمال اولوب غنیمت اید اید بیره یه نوچه ایدوب بهره ده
 اینک مولانا مزبور جان کبی بصر دین اولو مثال روح عالم قدس روان اولد

بصره ده گشتی به سوار اولو جانب هر موزه روان اولمشیدی نگاه دریای عمان
 باد مخالف و راج عواصف ایلد جو غنوشان گشتی باده کبی جوشان و خوشان
 اولوب تملط امواج کوه مثال ایلد گشتی کاهی جرخ دولایه کبی عالیجا و کاهی
 غواص و غوطه زن غراب اولوب کاهی رفعتکراوج افلاک کاهی و کاهی درون
 دریای آرمکاهی اولان کاهی اودورد.
 کاهی سوی محطش دابر و از . کاهی اورد سوی مرکزش باز
 کاهی چون نجم سیار سائر . کاهی چون کسب دوار دایر
 کاهی در اوج و که در غور بود . کاهی مایه و کاهی مه نمود
 آخوالا حریفه موج من فوقه سیات مظهر حال دل بر فطراجه اولوب باد با
 گشته کریبان عاشق بی صبر و فرار کبی درین . و بالا و سر و قدان منک مستقیم
 اولان تیر سفینه کمان ابروی جوانان کبی نوتن خمید . اولمشیدی عجز کرد دریا
 اولن بحر طبعی که بود کلوا شالوق پیدا . انجمن و گشته دخی نخلان جان کبی
 اول روح روانه جسمه کمان ایدوب اولو لولای ال اوزره طوتر کن غایت
 دریایک جالحق ایدوب زنجیر زلف خویان کبی دریم . اولان اجا و سفینه بی
 مانند حریف مقطع بری بیردن جدا ایلد و گشته دخی ایلر کمال اول کوه هر کتایه
 الدن جقدی . همان روز کار روز کار . سفینه به اول درش هوا صدف و از
 سیند به جکدی دیو در و دخی کینه ایدوب . بیاوردش بنزدیک کناره .
 رزش بر شک و کوه دشت پاره پاره . خالواقع بر سفینه که دریای سجان ایلد ملان اول
 اول سفینه غریب اوله نه جای طعن و لا اعد . و بر گشتی که جواهر فضل و ادب لب
 اولوب کوه و قارانه کنر براغه لشکرش ادر و دریا به دوشه نه محکم کلام
 سعادت رفینه که اول کوه هر کتایه در سفینه ایلد و بخت و دولت ایاغنه کلون اول

در شاهواری بو طایق ایلد در کنار ایلد آخوالا مردر باره بود کلوقه و شدت
 چلکه غریت بندون فراغت ایلد جو زراغ و زغن نه که بهند و ستان روی .
 دیوب حمامه دل و جان جانب شیرازه پرواز ایدوب آنده دخی آشیان ساز
 اولن محال اولیق لباس درویش ایلد خواسته اندن بنه بلاد شروان و تبریز
 کلون احوال مورد و نه بقیه فلان ایلد منال ایلد نیت خجته الاسلام . و رو به مالیده
 خوالا نامده باد صبا کبی طوریسویا تحمل شاق اسباب ایدرک و مثال جویبار برده
 قرار ایتوب کوه و دشتی و گذار . ایدرک علیکم السلام فی آخر الزمان معنوی
 ایلد عامل اولوب آیت رحمت کبی راحله افلاک شرفی شرف الی بنانزل اولمشیدی
 و آنده دفتردار اولان شیخ کمال زاده ایلد قراچه نسبتی لری المومنین خدمت علیه رینه
 کمال رتباط . اتحاد و اختلاط مرتبه سینه و اصل و فایل اولمشیدی بعد طالب کمال
 سعادت دنیا و آخرت اولنزه سرابه روم اولدوغی معلوم و مرسو لری المومنین
 حصول برید و وصول بروم . اچون دفتردار مرقومک مخدوم ملک خضایی کبی
 چلنک خدمت شریفین دامن در میان و کوشش اچوکان تجلید غلط و دود
 رورق دار السلطنه الکلیه قسطنطنیه محیه نه کلدرن آسان قدری قدر آسان کبی
 متجاوز مدارک افهام و سپهر رفعتی رفعت سپهر کبی خارج حیطه ادراک و نام اولان
 سلطان الفضل و برهان العلماء خورشید اوج سعادت و اقبال کوکب جدید فضل کمال
 آن خواجه که دست ز تائید خاندان شد . تدبیر حال دولت و تائید کار ملک
 قبله کاه اصحاب معارف و کمال و قبله های ارباب جاه و جلال کعبه فوافین
 و رکن عظیم جلال خضایی رینه روبال ایلد که منظور نظر انعام و انضای اودوب
 جناب سپهر احترام ایلد نه تحصیل اخفای نام . و تزیین الاکلام ایلد که نوبت سلطان
 بایزید خان ایلد بین الاقوان قدر و عنوان بولدر و الواقع سر رفعتی اوج سباه

خاتون

عسکر

اوله رواد که خاک آستان سعادت آشیانه رو ببال تمیز و زرد وجود ما بدست
 دار ضرب جهان کمال عبارت اوله لایق و سزاوار که پوئه اخلاص کند و فیض
 شبنم سحر کبی آسمان غنیمت عروج اینه خلق و جدیز در که اول سرخشان احسان
 مقابل اوله در و زوال وجودی خوان احوال من خلاص اوله نیری در که جنت سعادت
 و رفعت داخل و اصل اوله در حفا که بر ذات شریفه که انواع مکارم اخلاق و مکارم
 اشفاق اید موصوف ذات بنوده صفات علیه کماله نجات اید مریز اید و کبی
 نور خورشید روشن شدن مشهور و معروف جامع فزون دانشوری مالک ملک کلام و خوری
 درج درون معانی شخونی جواب هر زده هر محامد و مانرا اید ملو و صیایف ناقب
 و مفاخری مجامع اصحاب باطن ظاهر دره متلو بلاغت و بر اخته بر اقی فصاحت
 شتاب انگشت نمایی ارباب حکم و تالیف بالین اصحاب قلم اولوب شروان اده
 صاحب بدیضا اولدوغی کون کبی طاهر و هویدا در باوایتین طبع عجا و ذات معانی
 مندری نظم شعار ترکیه یکوشش و در زش ایتکله نام مرتبه ده مکت و اقتدار
 ابر و اظهار ایلوب رقم زده قلم سحر و در نجات کلک سیاب رفتاری کوشواره
 کوش اصحاب عرفان اولمغه و زبور کردن هوش ارباب اذعان اولمغه لایق
 و سزاوار در پنجه زمانه که کستان جهاده غنی و اول جان نسایم کلام کوه خانی اید
 منفی و پنجه نهور و سنین در که خا طرافات و حکمین صحت فرخ و از ترج زدا ایلر
 منبسط و منشرح و عقد ثریا کبی اول ذات کریم کبی ایلر صحنه مجمع و منظم اولوب
 عقیدیل و فکار کبی سر رشته مصاکف و محاسن منقطع و منبرم و کلد ربا و علیه
 بودن زیاده کیت باد بای افلا من میدان کنایه کلامده رکضت و خوام و بر مکنون
 منفع العنان و مخلق اللیام قلندی بوبر یکی شایع ایتا مانده عود قاری شام
 بلغای ستوده اهل رنج و موطر و شال شبنم سحری ستان قلوب اهل هنری محفوظ

این کلمات فصاحت عاتق مذکر که کتب و کثر و غیره و سبک اوله
 جفا و جور بنی بدم که یارک امتحانی در دله جانانک جویری بر لطف نهایه در
 فکار سینه می تیغ غمکه چاک ایدم طریق عشقه آخ و جودی خاک ایدم
 تنم غباری بوکلن کدر و بر سر اگر سرنگ چشمه ریزداری باک ایدم
 غم ذاق و بلای عتاب مکن صبر رقیب میل اید یک کینه می هلاک ایدم
 خم ایته بار غمکه کمان کبی قدم که تیر آهلا فلا که زخماک ایدم
 مکر و اقف نشد از درد جان بویار گذشت از برم امروز یار من
 نه دارم با کسی کاری نه از کس بر دلم یار همین عشق و غم عشق یار شد کار من
 سپردم دل به دست در بایچه پیش اید فکندم بار خود را در بلا به نایچه پیش اید
 دگر پروانه سان سرشته ام چون شوم عالم دگر چون شمع سرگرم بجای نایچه پیش اید
 بصد جابستم از نار خلق رشته جان برف ست عهدی بویاچه نایچه پیش اید
 فخرت صحایف جلایضایل حاصل و ز نامه مواهب و فضا ایل خزانة فضل
 و کمال محفل اموال معارف و افضال سر دفتر کانه دیوان لقا فذکله مستوفی
 اموال خاقانی عالم علم و عرفانک خورشید روشن ضمیری و دست وصال با نثر اوزده
 بیر ایدن دو لیسند زاده رک بیری در دمت عامل قلب جمیلند در عهده اولان
 معارف جویندن باچه قویوب بالتمام تحصیل و ابراد و معارف کمال و لطایفی توفیق
 و تطبیق ایتکله محاسبه وجود و سعود و تخیل ایتکله حکم طریق بر توفیق علم سالد
 و عازم اولوب هر طاهره فاضی و حاکم ایکن عریق نیر حمت رجایه اولان
 محمود جلی دن ملازم اولشدر ایچ ایلده مدرس اولوب مدارش فضل و کمال
 امثال و افراشته سابق ایکن فایده نغذیر عنان غریب کربنی سمت قضا یاقی اولمندی
 روم ایلده یکسهر و سلاطین و بونک منایه فصاحت کماله کاران اولوب جنت دفتر دارک

عنوانی ابرو کرم و مغز و معاطف وجودی لطیفی طراز دولت و اقبال ابدی و مظهر
 او که حقا که علوم و معارف و خطا و فحش و نصیب مستوفی و ابدی مظهر و صور جلالت
 فضائل و مراتب و صفات و تصور برین مرتبه مظهر و خواننده حافظ لرزه نوادر و حکایات
 و لطایف و تاریخ و معانی و سایر معارف و کماله تدن و جواهر و غنائین و عجاایب
 مخزون و محفوظ در بوفه و فحش از تابش طبع ابدی که بجهت دغدغه دست کوهر خندان
 لای منظم و مشور می و مظهر اول در بوبر یکی است و غریب و کفر نندرد ۹
 جان و سلام و نیز دوش چنانکه اول یافتن اول در بر بر مزل یا تر غزل یا فاشک
 آسمان او چو جنگله ناما باغ بوزک طالبان عبید و صله غزه عز آفتک
 لشکر خوانده خط خوب مشور رخ حکم اجا ابلزدی حکم طواف شک
 ملت عشق اهلک تجرای اول و جوبه ایکی طاق اول و شکر کا پیغمبر و بی شک
 پای دلبسته در اول کا گل بوی کوهل آشفته در اول لف پشیمان بوی
 ماه هر کون قش طغاسی مثلین قره ل مثل و مانند اول و می اول و هلال بر و بر
 قمری فکر نرم ایل دل شکست دیکت اول شوق طائر کد رنگ اول و غزوه
 سبک قلندر کل کلا زار و بر فرو سروک اتمز و کله ساره جاناسر فرو
 قوراشیکل خاکنه هر کون سر مهری در که عایکه ایلر عرش اعلی سر فرو
 زینت باغ جهان رنگ جهان بید زال صدس افکار نازه جوان خواهد شد
 محوی خال وجودی روی چهار زینت زین ابوکوبه جابینی مافه بخت زین
 و مستقرات سپهرات سلطان کی فقیه اولان شهر سلطانیه دندرنامی جبین در
 باز باشته زاده دیکله شهرت پذیر است و شمس بازار روزگار دده مناع وجودی مراد
 ایدوب آخوالا موه که قبل و قال و نبرد کا جواب سوال دده نیز خانه چشم جبین
 سنان و جوایس الف و غفان و نلره قصب فلم مشکین برقی لوله چشمه تحقیق

وایقان اولان سنان افندی که خدمت دامن در میان اولی و خدمت شریف
 ملازم اولی که کسب معالی و مکارم ایتیشیدی بوج قضایه ماکله ختمیه و افراد
 قضایای شریعتی در معدود یکین و اینه وجودیه تصور اینه و کی قضیه بقای
 سالد کلیه اولشیدی معارف و جویه دن بجهت دار و نظم شعاره و کی افکار و ارد
 کمان بر و لک لک ای مهر و هلال اکبر سوزک طوغریسی بود که کیم قش کری خیال اکبر
 کوز که قدک و زلف و فکمل سکر تر حم ایلد بکم عاشقه بو عالم در
 قسطو نیندر وادی تحصیل علمه پویان و شاد مراد و مرانی دل و جان
 ایلد جوان اولی که جویده شود پاینده معانی ظاهر و عیان اولوب عجب که کند و بی
 رو سناج ایلن دیدنه جانیه کل معارف ایلد تحصیل و شنای ایتیشیدی و ایش علم و هنر
 یانه بزم مسون تمام باشی برابری بر فرزند لطیف انجیری و ارد در ابدام با حاشه
 و هنگام مشغره ده انکه مافه و مافه سی اولوب معارفه با کلام و کرد و فن
 معارفه بالراح و کتوف مقامه و ارد که اید ایلان صفای زندگی کند و سندن نرجس
 و تقدیم اینه کلندن بخش غلم چکردی آخر بو بار جفا چیکله طاقی و بو حشمت
 و شسته کلمه استطاعتی اولیوب سینه ثمان و ثمانین و شمع مایه ده عالم بقای جلالت
 ایلدی سلطان قابلم وجود والی ولایت کرم وجود آینه جمال خرم و انتباه
 آفتاب عالمات السلطان طلاله بهشت خرم سلطان مراد حضرت ابد الله و قوایه
 محمد جهان عدل کتری و مشیدار کان نیان رعیت پروری اولدق جلوس و یون
 سعادت مفروضه بونایخی و ایتیشیدی
 تانف عینی مدی محوی انگار بختی اولدی اقباله داور عالمه سلطان مراد
 داعی را قلم کرد و فحش بونایخی و ایتیشیدی سلطنت بولدی را دینی بین
 یحیی افندی ذات بزرگواری اولاد و احباب منافع ایدین اولان محی الدین

افندی در که مجیدی بن مسند آل خازی الی هذا الآن خانه فضل و عرفان اولو حجت
 کریم الاطراف شریف الاوصاف. هر بری جامع عوارف و معارف اولو ممتاز. علم
 و کمال در اجل طایفه مطایفه. ایلد سرفراز. اولو شکر و مهر برینک جو و معالی موفوری.
 بیالی زانده مانند دور. اولو بجا بجا فلک ضابطی بنی شیخ و شایه. روض مظهر فخر در
 عامه رجالی. زمان جلوه علم و کمال. و ابطال میدان فضل و افتخار هر بری عصبه
 مباحثه و محاوره در بجهان بوم النقی الجمعان در منلای زبور دخی منبع الوری و الذیاته
 مطلع العلم و القیانه. کلام مجد و معالک خبر و مبتدای. و کار کارم و معافک بدایه و مزایه
 وادی علم و در عدن سالک مسلک سوی. اولو فخر سلاف کرامت حلف رضی اولو در
 ذات پیرانیا هنک رتبه جلال و جلال. اول درجه دن افزوندر که واسطه اقللام و اسطی
 ایلد بنیه قلعه. و نصر بایست نامة. و صدارت عامه سنگ صراحتی اول مرتبه دن افزوندر
 که تکثیر کلام. و توفیر مقال ایلد مفتخر اظهار و توجیه اوله ولایت روم اناطولی میا صدر
 عالیقدر. اولان علی جلینک فرزند پدر خادام علی پاک که حب جت و لا. علما و فضلاء زمین
 بالذن نگاشته. و رایت رعایت اصحاب درایت. دوش هوشنده افراسشته
 ذات ملکی ملکاتی محاسن صفات ایلد رفیع اللبان. اولو بکرانیم اوصاف و کلام اخلاق
 طینت پر ارج و اشتغاف. ایلد شریک المعان. ایلد منلای مرقومی فرزند ایدوب لوانم
 و شریک تربیتی کانیغی نقدیم اند که همگی مرزور چون مدرسه شریفه با. ایدوب
 مفتاح مدرسی دست افاده کسینه تقوی و تلبیس انجیدی خورج مدرسه جام مرانی
 رحیق انعام. صاحب فران بهر ختام. ایلد طوالمشیدی که او در شریک صدر اعظم
 مالک روم. اولو و اصل بر دیم اولو مشیدی منصب صدرتدن معزول و بقی دولت
 مجاورت بت حرام مدنیارت روضه طرارت سید الانام. ایلد شرف و مستعد اولو
 مقلد منصب فتوی اولو مشیدی اثرن دخی استعفا و استعفا ایلد معترف کونه خراش

در کمال و کمال
 در کمال و کمال
 در کمال و کمال

داندوا اولو مشیدی مرحوم مرقوم غایده اکل و شریک ملازم و مداوم. و جوهر فایده
 ماکل و مطام. اولو ب معنی کویا بر نوزایدی که داخل اولان اطوفه فی الحال سوزان
 اولو ب وجودندن اثر نمایان اولو مزیذی و یا بر دریای عمان ابدی که سافط و لا فط
 اولان لغات بیکراندن. برانده نام و نشانی بولنمزیذی آخر اطوفه و الوان عالم امکان
 دفع کرسنگی و سد جویچ ایلد امکان. اولو ب سینه اربع و خم برین تسبیح بایده بودار حجت
 طاردن دار الضیافه جنات نعیمه که و فیها ما تشبهه لافس و تذا لایعین در
 و فاکمه عایجیخون. و لم طیر قیامتیهون. ایلد شوم ایلد روان اوکده امور دین
 و دنیا سنن تفسلف و تعفف. و تکلف و تعسفدن فاصل مرتبه و سوا و جنون
 اولو ب افعال و اقوالی قانون شرع و عقلمدن بیرون آید. هر متاع که بازار دن شترا
 ایدیه با احباب و اصحاب بدن اهند اولو. هزار بار آب روانه بویچه اخی استعمال
 اینجی بی سخته مدادی دخی بچه دفعه صوابد بویچه فو لنمزیذی بویاید و غایب
 و عجایی بجه و شمار در. ابرادی ایلد کنز اولو مکی کلایه و کراخی. و مرتبه کلایه و کراخی
 وار در بواسطه اول حجاب فضایل شاره و ذات معالی کردارک گفتار و نذر که
 اغزی از کلک کلایه فایده نوش ایلد اوکده نه. فطره خورم انک برین فکند زشتان
 بکر انکم کوپری طو لنمزیذی و کراخی. چشمه لرا و زره مکر در اکی جاشم بنم
 اوکر کر کرچکم صبر جمیل. و لی صبرک دخی او را نه خوش گذر
 دل حبیب دن اکک اولون در د. مسافر خانه نک بجهان خوش گذر
 عجب محبوب سن ای شوخ طن از. دلی و بر نرس اولماز و برسم اولماز
 الی دیر کوزکی حبیبی اینم نرس. لکست صومر سکت ایلد ملازم اولماز
 محبی حیل. ملاک جو در هر کجایه. نصبت دبار فرمانن بکن و بیکه عنوان بول

در کمال و کمال

قصه در ظاهر و بیان اولش در نامی محمد در اشاعت انوار فضل و شادی عیال و جهان
 کرامه اولیده مادی اولان تنلای شیخ الاسلام مرحوم ابو توفیق عمادی خیرینیک
 فرزند فضایل نخلی سر و دوش کلشن شده سر آمد اولان مرحوم احمد جللی کت
 آمینه ذات معالی آمینه مقابل اولعله صورت ملازمتی طلعت نما اولد فدی کن
 ساکن مسکن کفیه اولشیدی طافه فضا کت نامندن و کرم و مروت اول طایفه
 مزبوره نیک شهره ایا مندن قبی دوارس کمال معارف و محبتی عمارت طایفه
 سی صفت سخن مرده رینی احباب ایشکله لوله افلام مشکین ارقا مندن چنبار
 آب حیاتی احوال این شهر در و بشیرت خنده روی کناره صورت مطروح شکلف
 صحنی خوان خون و ملائین سر و مثال زاده و مرآت محال سی غبار الام و نمودن
 ساده اوقات نجسته ساعاتی خلیل فضایل عرفانه مقصود و تصور انواع مکارم و
 محاسن ابرو و فی و مشهور در بر یکی اشعار بوجه بیست و پنج و چون زیاده کفری کفار
 سندن یا نوب بخله جانام کلمه نودی دغان آتش آهیم فلکله
 کمر کن بارین بیمار ایل آهسته دیده یلکم اوللو اولدی جانن کر در بسته
 بوقه الیه ابا خواجانه وار کوهریزه و لکنده طو لود در دامن چشم نریموز
 لطافتین او بو کج فرزدی بر بر او اجدی باغ رخسار شفا نو
 جامه خوابین کور و چین کرا اوله و اوله صاندم که ابوب فو کج کردی کنش
 اولدی ای شجبه دمن بو کج بسته قرار کل شهر ایلده علاج ایتدی طیب کلزار
 کربانی اوله یک مطلع مهر لطافت در اولور انن جمالی آفتاب هر سحر پیدا
 بزرگن وصف فنده لعل شیرینک خفا بر لیدی لذتندن الیه اولدی شیرینک پیدا
 فتنه ری سادات عیلم تعالی کبر نفسی مخاری و خیرت ناشیه نکات استوده
 اوضاع و حکیم اهوره امیر کمال و غلبه رک ساجانه کور اولان امیری کبر ادر

شادان بلاغت و بیانه اظهار خیریت و دعوی طلبگی از ایشکله غایت بی غایت
 حضرت باری یار اولوب مراد و مرا منی الکتور مندی شواله زمان و بلغا جهان
 ایل خلیل بلاغت و بیانه دامن در میان اولعله صنعتی فی الجمله بهر شیشه و بر یکی
 باده نوش اینه کل غیارله دیرسم تر اولور مدد اولد بر کلچهره نه نزد لبر اولور
 زلفین نسیم چوبایک حدین اشکار اول کونج کوس تر می عجب با که دوزگار
 برنم چمن لاله کمراده زاله لر مختاری جام چمن کور بنور حجاب وار
 غریقی بحر فو اقم او باره ایر منزل امید و صلی فو ای دل کناره ایر منزل
 قلوب قیامت حضرت بولنده ساینه ابقده فالدم او قدی چاره ایر منزل
 لیک سرن نوله کشف انب کفار سوزیده اچلور عالمین اسرار
 او کشف آشفته سی اول کل کل غنیمت بارک وجهی وار اوله برن کج زلم دسارک
در تس اثن شهر طراز نندن طالع اولان بدر لامع خورشید آسمان ولایت
 کوکب رخشان جهان هدایت شریف کلک و کریم الحیا مظهر انوار و کجای تقی اولان
 اخدی در که در غر مودت وادی رشته عروق و سرابین خلق جهانده منسک
 دنقد محبت و دکان پوتنه دل جان خلق جهان منسک اولشدر مقدماتی علم ظاهر
 سلوک ایدوب صحن سعادته مدارن نادن بری کشف با عالم علم و عرفانه منزل
 و آشنانه اولدقن تعلقات هولایه و کدور اجسام نک کرد آلا شینی دامن
 خاطر و جانلندن سلوک ذیل وجود کرامت مانی خا و خاناک خلق جاه و جلالت
 نور شیدی که ذات قدی شاعر و کج دد ناری جماعت خانه امیرن و اجتماعدن
 قاجوب خلوت تشو و انقطاعده او نور شیدی حواله قسطنطنیه ده بنک طاشی نام
 موصوفن نکلن و مقام ایدوب سجد و مکرنا ایدو اول اناکه بور باجه اخذ ارا دین
 فیزل باشلی طبر اغیبه اولدینر

غنیمت
 غنیمت

حضور طفلی بولایع استنبوبین با شک طاشنده طبر اغیر اوس
 بر دور نیز ارباب خلقه ارادند و کبیر اصی مجلس افتادند اولوب آخرا آمدند
 آمدند خلقدن خلاص بولجق الرجال فی الجبال فوای اوزره بوروز نام موضع مکان
 ایدوب انده دخی مسجد و مدرسه و حمام بنا نیشیدی و ارباب ملک بیکجا خلق خدای مالک
 مرصوم سلطان بیدم خان شاهی خدمت نیک مرحوم رفو به تحت جاک و خلوص جنای اویون
 حرم سرای قلب بزکواران اشعات فصاح فیض انار لیل بر انوار ایدوب لای کلمات
 حقایق شکاری کوش پشورینه کوشوار ایتکیچون حضور یوفو کجور رینه دعوت ایدوب
 و انصرافی در دوزخ لای ایدوب انار ایدوب خدمت نیک کوش از عالم فوای
 نوزدی سنده نام سبعین و نه مائیک لیل انصاف سندن کوشند جان بوشند قیام
 ایدوب لیک کویان احوام اکنانه طواف کعبه جنان روان اودله اکثر کلمه جود بانه
 دید لایانه در مجلس نوزد انرا اولدوغی دخی بومعانی بتور در بویشا هر کوشی غایت
 حاتم اکنده دلاک بر این کوردی شاهی باشند بنی جودی آد ایلدی تراشیر
 باشومی استره یلد و نوزدی لاله زاره فان باشند اشدی اولدم اندن دکلدی قاف
 کوز قید و غمی کور نوزدین قید غم نوزد ایتکلده غم کلور دی اول جا لده مائش
 صبر یلد کوردم اود کز ایدوب کوش کوش دیدم که اوسته لطفاست جلال استرای طاش
 جالده ی استرای طاش قید ایدوب کوشی حسان موسی ایدوب غون کردی نینه صواشه
 آه ایتدای مدرسه ج دکلوس کوشنه البته کوز کور بر هر نه باز له باشد
 خراب کده که کلک کماله بنم عتای اکنده بخلین طاشش دکلور
 و ارنق فوجی بر درین دکلور کوش کل شبح اول کوشتر کجا عالم ندر آدم ندر
 نفس مقلد تر ایلو قیاسه هر از او کجا روح القدس بمر ندر عیسی ندر ابریم ندر
مخلصه صاحب قران زمان مرصوم سلطان بیدم خان کت او علی عبید و ندر کت

تبع طهارت عینیه اولان مرصوم ندر آد سلطان بایزید کشفه خواجیه سی اولان جعفر
 اخذ نیک و غلبه رکند و دخی نیشا نوزد کوش و مخلصه اولمغین بولمغلی اختیار نیشا
 با اسی عالم عقبا جلالت ایدوب اختیار کوشه غزلت و انار مقام قناعت ایدوب بومی
 بکرمی قیام نیشا ایدوب مایع مناجات خراغت ایتدیز بولمغلی کت
 اولوب برین اربابا برین سور جانیم سن ای طیب دل جان در دمه در نام سن
 ندر ای زمره سپاهین اعیان بندگان در کاه عالیه بدن قرع می صلی بیک شهور
 سایر سپاهیه ویر لکلن خدمت ملکی و مرآت خاقانیه مقرر اولوب اواخر جان
 قسطنطنیه حیده امین بیت المال اولوب شجره وجودی بستان جانده متوقف
 ایتن نر کمال مثال ایدوب بود از فساد کلاز بقایه انتقال ارحال ایلدی
 ساغ کلامی مدام کیفیت ایلد مالیه و عفا را شعاری نوزش حاله خایه کلور بولمغ
 کوه غم چشمه سید چشم کهر بازش کل سطر ایدوب اوستن انکاش کل
 مدعی خروار لب در یاده قرار ایدوب بلدان جهان لجر صدق لطافتی در کنار
 ایدوب کلوی نام ضمیمه پراشته ندر نامی محمود در مرصوم شیخ الاسلام مفتی الامام
 مقرر اذان الله هور بطلای حقیقه و مقلد اعناق الزهور بجو اهر نه فیه عالم العلوم
 بالرتوم و کدود مولانا و اسنادنا اوتود خدمت ندر دولت ملازمه بهر دور
 اولوب منظور نظر کبیر اثر لری اولمشیدی مشعل شب افروز نجوم علوم اهداء ایدوب
 اصحاب افلاک و تدبیریه افتدا ایتد کده لک دلایت کده متوقف خدمت فتوی اشدی
 حالا مولوب نیکو ناهیه ده خدمت فضا به مباشرت بدایع بفصاح معارفی اول دایره نشر
 هم الفضائل محمود کفایت فضل و کمال بلیه معرفت هر بادی و هر حاضر در زبور ایتدی
 بادی نقش کر کجا به زبیبی بارک دوه طابانه در اخر نینه دوشن اختیار ک
 نعلک نقش کوی دیای هر عالم خاکده نوقدن برغل کدی ماه نوا فلا کده

انصاف
 بولمغلی

اولان غم بخت و غم در نشأ فی ارض شکار و محنت فضل حقایق دمار مصنوعی طبعی ابر
 مخوف و در باطن بخت آناری جانت بگری من خنما الانهار اید موصوف اوله ابر
 دندر کفیل فضل و کمال و تکمیل اثره اصناف و افضل اید و حبس کفایت سلوک طریق
 استفاده اید که در جنب فلک قباب مفتی الانام هجر الهام و الحبر الغوام مفار دقایق
 اسرار الشاق و بل کاشف حقایق انوار الترنیل المطلع علی خواص التراکب و الکفا و الوفا
 علی غواص کنت القوان و السبع المفاخر استادنا ابوتو کمالی خوراندن نایل رتبه ملازمت
 اولد قده که سالک طریق توبه اید و در روز قهر و غم کربنی تشبیه و تالیس اوزده
 قسط طبع حیده قرن اچی اید مدش ابراهیم پاده مدرش ایلین دولت کون اختیار
 ابدی فضای سلمی بو مثل شهر در دولت قضا باندن در دلوب بند طبع کمال قضا سبل
 متوجه سیر قضا ایشرا اید فی الواقع قضا خدمت علیه رتبه فضل قضا و علین غنا
 اولوب قضا ایشرا اید ایلک سیر کین قضا ایشرا اید ایلک سیر کین قضا ایشرا اید
 اولد قده شهادت اید ایلک علم عصیان و طغیان اخلاصه و سکن فلاح شری و در
 اطراف دکاند انداخته اید و در قاج انرا اید که دارک اغوا و اف و دلو غنوف
 و الدسولات کفای کند و به پیش خمار ایلوب قزداشی سلطان سیم شریاز ایلک آهنگ
 جنگ و یکار ایلد که والدوز کوار لری صاحب قزان سپهر اقدارک دخی سلطان بایزید
 بو اوضاع ناپسندیده سندن خسته خاطر نظری مغیر و مرآت قلب کک صفای مکرر
 اولمیدی ناله علیه کون مانر دن سلطان سیم معین و ناصر گوذر دکن بایزید شمشیر
 صد شبنج جهان کین معادنه قدری اولمیدی کاتهم هر مستقره زنت من خورنا مصدق
 کمال اولوب دست اختیار اید بایزید بیخاری لزان و ابر معافه بایزید و دلدن
 اشک زبان و افغان کین مخموم و کیزان اولوب یوم بفراموشی آتاری ظاهر
 برداشتم دل امیدی که دیشتم بر برداشتم زخمی که کاشتم

صاحب دکان

سجده

سجده

سجده

سجده

صاحب دکان زمان مرحوم سلطان سلیمان خان شهبازی یک آن لیس من ایلک
 قوامی اوزده طغیان و عصیان اید تصانیف و محراب دل جانت کت انقیاد و اذعان
 اخلاقی غلبه علیه و ستم ستم به چمن ابدی دیو غزل اید و بخت زبان مناصب اید
 نایوس و محرم انواع غم و اهرام و الام بی ایلم اید موسوم اولمیدی آخواله موسوم
 نوز و زده که اقبال بهار و اعتدال ایل بهار له روی روزگار خندیدن اولوب درخت
 بوسان کون زند کین عاری اید یکمیدن لباس حیاتیه پوشیدن اولمیدی و شان
 کلسان که خور و سر کران نایور کراید جام لاله دوزین قبح ایل کل کین تراب اغوا
 نوشین اولمیدی انجاری اختیار حکت اید سه سر اواره در که زمره طاب بکین ایل قمری
 خوش ایکن اولمیدی و ایلک چمن باغین پرده دین طشره جفره بر میرد که ترنم طائر
 ایلد فاخته خرطان و کشره اطفال ایل کوز ایلک خواب عدمدن بیدار اولد ایلد چمن مار
 حمر صوبه لریوز لرینه ابر بهار بهار به بوقیده لرینی صوند قده جوده جوانیم و
 کنا لرینه رقم عفو و احسان چکلک ریح اذاع چمنه اقلب معالی انصاف دکان و زان ایلک
 غنچه خاطری در دم و دلتک اولمیدن سیم سر در و صفای خندان ایلد که و لاله طرا کین
 سوخته دال ایلک غنچه شال شبنم سرت ایلد خنده زان ایلد که ایلک عدالت عنوان
 قضا محمد و ششون دیو جناب جلالت شالیه احسان ایلد بویا اولمیدی بلخت
 صدای غیش بکردن و سایل ایلک کون که دشت کشت جو کردن و سبزه بولون
 بنفشه و گل و سنبل شکفت زکار نک شقایق و سمن و سبزه رست کونا کون
 سوی چمن حکت کن در ابدای بهار در ابتدا منتظر بود از آنکه سکون
 حال دخی زمره قضا اسلامدن کاه خیزل کاه غیب و کاه حضور و کاه نصب
 ایلد عمر کچوب شجره طبعه وجود سکون ایلد کین طبله و ایلد دست امیدی
 معانقه عروس عمر جاوید ایلد کاسی در حاکم اشعار بلخت شوار و کفا قضا دیناری

سجده

سجده

فضايل و معارف و شمار کبی مقبول است و کلمات بابت انوار مناقب ذات سوده الطوار
 کبی رصین و حکم در مدام بخار بلاغت لطائف صراحتی بان و انبوه افکامدن جام مرت
 فرای عبادت و کلام بصورت اوله فی عقول فحول اهل بلاغت منسوبه و لباس ادراک
 و احساس اصحاب بابت بالکلیه سلوب اولور بقیه التکلف صدق لای فضل و شرف
 عبدل نظری از شاعر در مرتب و مکمل بویا ترکی و فارسی بابت بلاغت عنوان و ارد
 تیغ عشق بار لبسم کور غزباره دن . بن قوله در دو بلا چون تیرش باره دن
 باره ای اختیارم کینه ای قفس دکل کیم . یاد ابلد کجایم به اختیار کیم
 آج بود که مهر نور و تاب اولون . جوی بهک در هر مشک تاب اولون
 خط رخ رباری و صفایه لم . بیک گلستان دگر کتب اولون
 سلی بنده اولون دیر سن . اولون ای شاه کایا اولون
 این سویر آصلیقه ردید کیمی . او تمش رقیب اور ماندن بر دسورور
 غمک او فدا بدشهم دل سپر اولون . نگ بن قولک بر کوز او جلد نظر اولون
 بر کز اینک طبله ویرانه بهر شک . خاک نمک دین به کل بهر اولون
 محبوب و میه نور بوشش نه زاهد . بیور دغنی انیمه لم توبه لر اولون
 کمد در دیر یک مباره و یک شها . بلدر بر پیکر صحن چمنه جانب
 بوی زلف کنور سن نزه اولون . ای نسیم سوی صولیمه الدق خبر ک
 در دغنه بوشه لعل جانان کرک . ای طیب جان آمد د اولم کجا دران کرک
 خضر و شس ایر شک آب حقیق لعلنه . نیجه صبر انسون بر آدم که اولم خاک
 سلی بارک الف قدی فاشی نونی تر . غم دکل خال خط اولم کوز لده آن کرک
 عشقه دل بر یکا طغیله اعدا بر یکا . اره ده قالدیم بنی ابله خدا یا بر یکا
 کینه لر بولما غنچون دوی و یکدن . ما تابان بر یکا محود لارا بر یکا

بویا ترکی و فارسی بابت بلاغت عنوان و ارد

خواجه عطارک در سای ابرارین شمع آید و کی قصید بلاغت شعائرند
 سرور از آتاج زبر بر سر اگر چه زیور است . تاج زور را هر که او سرور نیار دسرور است
 ای بس که رفت و ماند خال افروز . کر چه پیوسته بر می باشد آنچه افروز است
 با جمیع کاران اخوت چون غدا نیست . رخ که بهر سیم و زر گری نماید افروز است
 عیب هر چه دل کمن چون سیم فزوداری . کور به چشمی که آن بر زر جوین عیب است
 راست در دوزخ نمی از دغل لفظ و معنیش . شکل و صغر و الفان بهر ایش مر است
 عصر یوم جمعه ماه صفر فارخ گشت . هم برین هنگام و روز انجام کارش مر است
سجی زمینی تقلام اشعار و احداث دن دوز و هو اس غایت اعتدال که مشهور
 و آب بر صفای عین چشمه زلال اولمغه مذکور اولوب حوالی اسکوده پشته دیکل علوم
 جهوز اولان قعنه صفا موفوز دندر سیح صفت سخن مرده لرلی احیا و غیر اقلام مشکین
 ارقا مندن آب جوتی اوجا . ایند چون مجلس زبور ایلد نهرت پذیر اولمغه نزار کلام
 روح بخش و اشعار جان پرور ایلد اولناظم بلاغت کسره مسیح ناخ ذلله رواه در
 حفا که حال سورا حوالان مراتب فیل و فالده منظر نظر اهل مکان اوللی بر نوره معادل
 و مائل و مث به و ث کل ناظم هر حال و ث عساح و روشن معان جلوه کر منفه جود
 و صورت نمای مراتب حضور و شهود اولمشد ر دقت خیال و لطافت و زراکت
 مقالده . عدیم کنظیر و شاعر ایدروم اجمع ناکث ثلثه دینک لایق و جدیز و شعار
 بلاغت شعائر . مانند خورشید فلک نیز عالم کبر . دشتت پذیر در دوا لطافت عنوانده
 جمع اولان خیل معانی بر دیوانه جمیع و ساء و حایف ابیاتن نمایان اولان کوا
 خیالات بر برده ملنچ اولمشد دیکله مدیح و مکرر فام خط و مهارت نام
 و خوش نویسلکه قدرت مالا کلامی اولمغایه مرحوم علی پاشا لکات دیوانه
 و عطار دصفت محرز احکام جلالت عنوانده اولمشد ای آفر و زبر زبور ک مجموع

لعل کبسی جمع اولان اسباب حیات و راجع بقدر حیات کبی با دما ایله تار و مار و پرچم و توف و چو
 پرفروغی صرصر فقا و کنبای کنت ایله پریشان روزگار و اولدقن مرحوم باج زاده نک
 خاک با بنی باج سر انگشیر آستان عرشه التجا اید و با اولاب سعادت قبا به انتاب
 و انما ایتشیدی کاتب سلطان دیوان و اولی رجا لیه بوصفین زیبا که افق بلاختن بر
 غره غرا و عالم مضاعف بر هر جهان آرا در دیوب طایفه زبان فرمان غلغل و صدا ایشید
 خوا غلغلن وینما غلغلن از بار هر صوبه لر یوز لرینه ابر بهار
 شود صالنه طراز باب چمن کم سروک ابغی با غن اولاس ایدردی قنار
 کلرک انگشیر عارضی وصفن کتر بر موجدن سطر ایدنر صفحات انهار
 کوشل هی بطرف صا که کندن خلفه نازل اولدقن صوا و زره قطرات اطار
 فاخته چونکه النع بو و نشد سروک اوستنه مدح اونیوب اوله هواد آوار
 میر اقلیم سخن بغین غنای پشایط کاره مرز فحشلی شایسته خدنگ افکار
 سحر نظمک الدفیه الینه شعرا ولده شیبی اولور هر برنگ استغفار
 المنزم اخونه معینه فایده هیچ و کلم طف که خابین ایدر ستم اظهار
 جسم اچنه که جان عاریتی اولدقن دیر لکدن ایدرم اکی ده بر عزت و انار
 آخوکار بر قاجاقی تبار ایدر روزگار کچو و با قوز یوز اوسن کزد هیچ آسا و دوج عالم
 بقا ایدوب محنت ملک فدا ان خلاص رجا بولدی سیجی فون شد تارخ و فاج در
 بوبر قاجاق ایشا بلاغت سما اول قنن شو انک ککما در بار نذر
 کجوب در دهر و برن روزنی درین بت لرله بولور نه که دیرک اچی صورت
 آن کرک کجوبن کافه ال اوزر طوطی طلی بوخسه بر خاتم دخی بولور کوز یاقش
 کربود قنر دن کبه کلر سبزه هیچ برینه اولد کلویا زلر کرا و له خط تراش
 خیمه عشقی اوروب جالین محبت طبلنی شمد یک نوبت بر بندر زده بشه متر

سن و اچی کوز بله چونکم با نقد جان دل غنبت استر کسکس بز جان و دلدن استر
 لعل با کبایه دینه دوشد کسکس شوبه کم هر نیرده بر خمی کور سوز کوب و شوز
 بو اولونخت دکلمیدر سیجی سیزو کم فقر مزله بوخه ایکا ر معانی سلسله
 بکوکن شوق قدر قانیده اقدی کوز کم پای که است فون و لعل اولد ایشیک کبی طایفه
 اگر هوا ایلوب او یکنیمیدی لعلکده خاتم کسه که دیمزدی کوزی و شوق و ارق
 کوز و مرصنه رمدن سیه نقاب ایدرم بکوز بله یوز و که بقوه حجاب ایدرم
 بو قطره قطره دوشن انک شیم در صمنه بشدن اچنه دکوب جوزج حجاب ایدرم
 خانقا اچکن زاهدینه کم اوراد اوقور مکتب مینا نه ده مخورنی بازر کو کل
 سوز سیمدن قراروب خلک کلین خاطر مدن کچنه نقش تصویر کسک
 کنبوب چون باندون بر فک کتب ایز کوز کم بو جبر دن دو شوب اغشا ایشید
 کوجله هر جوییه کچوی کبی فونوب اولدی او کینه یوز دن و بر لکدی ضربت
 سجده فوبوب اوقون حجاب و فونوب ای در یخ ایل سلام و کد مینش پر
 ش می شجاعت رستم دوران اولان صاحب قران زان مصمم طایفه سلیمان
 خانک وزیر اعظمی مصمم رستم پاشا نک کتد ارنه مصطفی کتد انک خال و طه بر صفای
 مبط انوار ظاهری و معنوی خط خطیره حجاب بوکو اولان شرفونه دن نشود نما
 بولوب درویشان دلریشان خوش خوی ایلد صاحب و معاشرتن کبدل بکودی
 اولمغله شام دل جانیه رواج فتوفنا یله خوشبوی اولشیدی که قرق الیه یکا فیه
 زعامت قناعت ایدوب از دیلا منصب مقال اچون خدمت اصحاب جاه جلال ده
 ترک کدی بوی ایتشیدی حفا که کلمات پر بلاغت و بیانی شام اند جان مسک و عنبر
 کبی منجز و معنیز و اشعار بلاغت شعرا مانده عود قنار دماغ خلق جهانیه مطهر ایدن
 شعرا بلاغت کشر دند قبا یی منقبتی طراز سیلانده معلم و اوصاف کریمه رینه شرف انما

حساب نبوت نظم اولوب اشعار با کجای کی زبان و امثال میانه علم اوین روزگار
 شمع و معانی هم در بواسطه اشعار امکن گفتار نذر
 بوشه که کشته کا کجاست خاک دو کشته نه نم دل نه غم دین کربان و در کشته
 شوق قدر آره به بن شاه مقصود می کنم جست وجود اطلبم خشنه میدان دوشه
 حکم غم حکم کوز و مده خاک قدمی اگر لای نوز بهر کمال صفایان دوشه
 خط بعدی روی لبری بنده هم ختم افشام ایرتدی سیر کاشیده بین دوشه
 سینه در خال دکل جوان جوان دوشه نیکه در اکلت دکل همان همان دوشه
مشرقی استنبول نذر اطراف دکان فوج باد بهار کبی سر سری گشت ایرد
 منزله نایل طریق جبردی اولمعه حلقه ارادتی کوش جان کجوت اولن مرهنگ
 بنق حلقه کوشی و جام محبت و سازمودن ترنگ مسدده هوشی اولمیدی علم اوداره
 دخی صاحب اقتدار کید اخراک حضرت سلطان سلیم خان کجاست تخت تین سر سیمایه
 اولمیدین معینا دیکن آستان فلک مثال نردن در بوزة لطف و نوال انجلیک و نوال
 ایلمدن زحمت اجل دینی روی مال کبی نرزد ابدوب خاک فیا به دوشه شیدی بوز انگر
 فراموشه ضعیف و ناتوان و در دنا کمین غلگدن شرفه شرفه باره باره چاک چاکم بن
 کی اولدره احباب اولر اولر نفس ناما بوین اوللوسن قنل ملر اگر هلاکم بن
مصطفی غایت عقود سداد و نهایت فلاح و شاد ایلر شرفه عامه بلاد و معلوم جمل کجاست
 اولان خدمت مخدوم حقایق نباهی منظر الحافا متناهی الحق شهابز هوای فضایی جهان
 عنقا و قاف حقایق و ابقان جهان کمالیک در بای محیطی و عالم علم و فضل ناموس
 و سبطی حال سلطان سلیم ماضی مدرسه سی بله استقبال اقبال ایدین وایله هذا الان
 بنجه مدار علییه و جست و جوی شاه فضل و کمال ایدین مالک ممالک هو شمندی مقدما
 نام شرفانی مدین متقاعد کن انتقال ایدین قاف احمد جلینیک فرزند سعادتمندی

این
 کتاب
 در
 تاریخ
 سلطنت
 سلاطین
 عثمانیه
 است

مصطفی جللی افندی در که ذات قنار و مستشاری زبان صبا کسن تمیزه بالغ النجیه
 مضایق بل بیاه بالغامایع مالک اولمقدده خیر الانباء من بقیدی بالاباء و فیلوایه
 اوزره مظهر سر ایدر و انرک کبی علم و فضل ایلر شهره دور اولمچون باباری کبی
 طوق سعادت رفیق علم مالک اولوب زین علماء ایتام شیخ الاسلام و مقیدی الانام
 مفسر کتاب کیم سچانیه و جهره کندی مرابای مرابای رفایع مولانا و استادنا ابو خود
 اسکنه آله اکبریم الودود نه مد محضود و طبع مضود و ظل محدود خدمت سیرت
 ملازمه معبود اولمدر حقا که انواع فضایل و معارفه محلی اولمیدین الاغان تر رفع
 و معنی مرآت ذات مصقل کماله محلی علوم عدین و فنون کثیره به فایز و غایت
 تکمیل نفرانایه اولان فضل و عرفانیه حاوی و حایر در فارسی و ترکی اشعار و زبان
 عرب اوزره مضایق بلایت شاعر و ارد در مصوم و حقیم نفیر کتاب ملک علانی انام
 ایند کلرن بو قیض طاعت نظامی دیشدر بو کلمه بلاغت ایت اولان استود صفا کدر
 کونش کبی بجا هر کون سن ایلر عرض حال رفیسی کور بن آی باشلرن مجو هلال
 عید اولدی یارله ایدر اغیار حجاب ال چکدی بندن ایتدی دلدار حجاب
 و کزایه بجا کلکی حجاب اچون اللره به تخلف ایدر اول یار حجاب
 سو بو بروجر عالم همب بحر اشکدن اولدی مال مال
 کرده جلوس حضرت سلطان سلیم خان بر تخت سلطنت بودش ملک با لود
 تاریخ این اگر تو سپهری حباب کن نه اذربع اول و ز دوشنبه بود
 الام الام الیم بحسری کوا بل نقد صار بحر الابد صل
 و بیل غم غم اندهر لکاس کلمم ام اختصر بے نداننه غنیر زایل
 و تفسیر التفسیر بل قد جاء فایضا جمیع تفسیر الفول الا و ایل
 وارث ده العقل سلیم به الی خرا بکتب الله افوی الو سائل

و اقوال اقوی الا قابل بسیم . فی اخیر اقوال و یا خیر قایل
 و فی حکایت بنیات کاترها . علی رؤس الاعلام منور است علی
 نفی ظلمات جهل من غیری . فما هو الا المندی فی المنازل
مصطفی آفتاب وجود بر نوری توسیة دیگر منور اولان فی صدر طلوع
 و طوره انبند در توسیة طوسیة لفظی کثیف و تحریف اولی احتمال کای طوسی
 مخلص ایدر مکام اخلاق ایدر آفاق اولان غنم ارباب استبرال و تحقیق
 جامع فضایل است و عادی فضایل قدسیة کلسا فضل و عفا کسر و سر سبک . حالا
 مدارس سخن بانیه دن برین مدرسه اولان کوچک مصطفی جلی افندی در تحصیل فضایل
 ایدوب میان افزانده امثال مثال رالیه بالین اولوب ساکت طریق علم اولوق
 قضا مصفا هر ایدر بر عنوان ایکن عثمان جهانه غنم در بای رحمت جهان اولان
 مصوم عرب زاده افندی دن ملازم امثال در حالا دفعی مناصب و رانبری معارف
 و فضایل کبری کبی ترخیده . و اسباب و آلات سعادت و کمالات تلقی در حق
 و دمنون عالم بلکه محیط عالم فنون اولان قانوس علم موصوف مالا عین راست
 و لا اذن سمعت اولان علوم غریبه و نوادر و لطایف عجیبه بی جامع و من اولوب
 هر بنده متوق نام و مهارت مالا کلام پیدا ایتمک استلا کامل روکندر اخلاق السلطنة
 اولوب بر کتاب بلاغت فصاحت نالیف انبند در اول کتاب مستطابین اظهار بر بیضا
 ایدوب واضع قواعد و قوانین فنون و درغ بیایه اسلوب کثیر و املا
 اولد فکون اعلام و ایدر انبند در و فکلیه ازین رساله نمجری و درخیمه بیانی
 و مثالا رفیه لری و ایدر طبیعت شعریه و سلافت نظمی لری زیانده عاوش حاج
 اولمخلد حضرت قزای ارباب عقول اولان صعب و دشوار و ایدر درده ماهر و راسخ در
 جمله دن مجموع مکام و معایه دیباچه اولوب سلطان علما و معلم سلطان اولان خواجه

سبک مصطفی

افندی مخزن نیه دیکلری قصیده مخزن لری در الحی بوقصید بنیال نظر اولی ارمغان
 و بوطر لغوزه بودن اوز که کلام و مقال دیکلر مخزن خیال ایدر کج معلوم و مجرّم اهل
 حق بوجله به کثیر بر او نمجرون بوقصیده ارباب انبند در بویا اول قصیده دن در
 بر کج طوغدی کور دم ماه نجان حدی . چکنر فلک نفا به مهر جهان سودی
 انجم سیاهی نوش طوطو لوب و است زل طاق سپهر چشش کور فردان حدی
 شمشیر زخیده کور کرده سعد ذراج . قربان ایدر مکمل ستر نور زبان حدی
 انمشن بنات معده تقریر قطب ارباب . داماد ایدر مکمل ستر کیوان توان حدی
 یزمش دبیر حکمت انشا ناظر نده . خواجه جهان دولت دولی جهان حدی
 سر کوبیده اولور سه نوک اکرم بیل . صوکی اول بوی سر و الجفه اولدی بیل
 بویمشر عادی بارک نه عجب مجتهد . خارج سجت اولر تیز اولور مشر داخل
 عجب فلش جهان حق تعالی . معلق بیدی قسبه النی دریا
 نیجه نقش المیش باری جهان . زمین مایه زبانی اسماعیل
مصطفی منظر غنای بیانیه فائز کمالات انانیه . مستجمع حقایق علوم مستنبط
 و فانی حدود و رسوم فطریه فایه مطارح و مناظر . و مبدع مزایای مباحث
 و محاکات . حالا مدارس سخن بانیه دن برنده مدرسه اولمخلد بای سر لری غنای
 منبند و نوشتن اولان مصلح الیدین افندی در ذات پر معارف و فضایل و جفا
 کوبیم انصاف و عجم النواصلی آسمان فضل و عرفان بدر کمال و انواع و اصناف
 علوم و کمالاتی حاوی و این اولمخلد مخلص خیر بشری وجود لطیفی کبی کامل در
 اول سیم خان کوشش نام نقشه بامدن ظاهر و موبدا اولوب عجب که کوشدن النون پیدا
 اولمخلد بوته حیات و اشتغال سیم وجود کربنی قال ایتمک قرائن بازار عرفان
 قاتنه کامل الهایه و نافدان فضل و اقبال میانین اعتبار اولمخلد بنیاد علیه

کمال در

سبک مصطفی

شیخ الاسلام و مفتی الانام . منبع اسرار الوعان مطلع انوار معانی الفوان جناب شادابی
مولانا ابوسعید محمدی خراسانی خزانة کتب مطبوعه الکافی کثیر الاعداد . و غیر تعدادی اولوب
نزد دلبندی محمد علی افندین ملازم . اولوب مخدوم زاده ایزد حق استاد و معلم . اولوب
معارف کلیه و جوینده راسخ و ماهر ظرافت انجام ایله مصاحب معاصر اولوب تکلم زبان
فارسی به تمام فاکر در طایفه علمای حسن حظ دن حظری اولوب اکثری بوسا اکتان
به بهره در آنکه جناب مولوی خط نسخ تعلیق خوش نویسیک به تمام شهره و در
معارف بشمار رندین بری که نظم اشعار آید در صوبه طبیع چهره آری اولوب ادبی به
روان و جبار و آثار طبع بر افتد بوی مشکیت در آنچه خود قاری کبی منتشر و سب
بور ایکی اشعار اول ذرات بر سبب لامارک کفایت رندین بوجله بکتر از پنجم کوندر مشر
خال خلک یاتن دمانک کوندر شها . بکتر در سبب اکسها بختی سبب
بزم غنم مطرب فی آه و ناله در . اشکم شهاب و فکر دمانک نواله در
میل تپه حسن یار و العجمی در . خورشید اگر بلند اوله سبب زواله در
سابقه غنچه قم که بسند بیاله در . کویا خن غنچه سبب از سبب اغرنده لاله در
زلفیه دال و زنده و لاسک کمر دوز . ذی شانه نسبت ایله از ناله در
دادم در فتنه اوله و غنچه کمر کباب . غبار کبک کفشدن ایرود و شدی جانانک
مرام شیرک و جند کندی جان خیمه . کلوب یاسنی فصل ایدی اولدم تیغ بر آنک
شرف بولدی سک کویا کچن سر فراز اولد . بکوده کامل بچاره چونم اولدی در بانک
کل خود را جلالت نسبت بخت کنده یاره . دوزش خیمه غنچه نور سته شرمین
مستطاب سناخو و مطوز اولان غنچه کبک فرزند دلبندی در حالاکه حدیث
سن و غنچه ان شبابین در بهانه ملک کوه . اقصای حق استیج معارف و کمال
مخنه کھوز و قناری نغمه احو از قنات فغانی بی یابات جانیه مقصود اولد

غرض زاده

اعنه شمس جیبی استحصل حقایق علییه معطوف . وارثه تجدد علمی استخار و قایق
حکیمیه مصروف شب و روزت بران فضل و عرفان الیه امتزاج و ابتدائی و بابا و آلا فی
مکارم اخلاق بله تمام انصافی . وارثه دوم پسندین اوضاع و جمیع الطوار در بولکه
غایت بی غایت کریم کردگار ایله صدقه روزگار ده دوحه وجود پر غبار سب
بر حور داره اولوب نعل سعودی کستان جیاتن ثابت و پایدار اولد اشعار و کمال
غایت اعتبار و اشتیاق بولس نور خورشید تابدار کبی روشن و انکار در نظام آیداره
کوشش و پیر برز کواریری کبی بوفه تمام و زرش اوزده در بوبر ایکی شکار
صفا اشعار اول مخدوم نادرک انار طبع بر اقتدار رندین
مقصود مز کوشش بوز که بر نظاره در . مانع اولور اکاد فنی اشکم ساره در
بانه شمدی و انکلک بوزی قاره در
رفعه در شود کلوزم نار آهنگر . انجسم او نار دن بره و دشمن شرار در
ابر و لکله رطلک ای شوخ و شوکار . مجنون عشقه بیری مه نوهری بهار
ابر و لکله دوشد و کلک تری وار . اچمز اور ای کسبه اول زلف مشکبار
بر باره طور دیم او بیری طوبیو پیر . عالم خواب جانم ایلمر فساد
اچکنار آب روان دلتی نولا . اچله ایله کچه کوکل خنجر کنر
ملا معصوم نانی محمد معصوم در هلال وجود بر عنوانی دیار خواب نین میر دلاخان
و بکله مشهور خلق جهان و ممدوح انور جان اولان شهر زدوش نالغ و جان
اولوب آرزوی سباحه افق ایله دشت قیاق دن دار السلطنة العلیه به کلوب بیابان
اولشیدی فی الواقع کوهرکان معارف ایدی برندن جدا و کینه قیمت و بهای بی اولمز
ولولوی شاهوار خان لطایف ایدی صدق و حقیقی کوشواره اشرف و اعیان اولمز
آفتاب عالمات دایما بر در قرار ایله نوریل شکار اولمز بود یار خسته اطواره

کجه

دعای

بر تواند از اوله قدمه حاشه وجود خطری اولافانه فکر کثیره تقصیرده آشیان از او نشدی
 وطن علم و عرفانه سالک ولدق زمانه سندن شهرت بخار و دانشنده نامدار اوله قدس
 سلطان الا فضل برهان الامان سر دفتر اصحاب مکرم وجود. این بکود و محف وجود.
 مطلع انوار درایت و مهارت جمع انار سعادت و مهارت خردمند که انوار صالست
 و احوای جلالت و جناب پر افشاکنن ظاهر و لایح و در داخ سعادت و اقبال اول ذات
 بر کمالک شایم شایسته دم مسک و بوی عود کبی فایح در **مستطیبه**
 آن خواجه و الاحب سرانده فضل و ادب. هم قدمه خیل. هم عمده ملک عجب
 خواجه افندی خیر نیک مرتبت شایسته فضل و کمال و صفت بجان سعادت و اقبال بجان اول
 آستان سدره انصار بر رویان اید و با اول جناب پر کارمون ملازم اولغیر مغبوط
 ازان و امثال اولشدر طاروم المین قاضی و حاکم کفیل معارف و کماله مواظب و مداوم
 اهل روم ای کثرت اخلاص و وفرت انبطن اوفاع و اقوار و کلمات و اشعار
 نام رومیانه اولو عجب اوله غنی انبات لکون شایسته مجاهد اکمل بندر که شایسته ان روم
 اید کثیر اخلاص و الامتزاز لایق قبول کلمات لطافت سماقی و نازک و خیل معنی
 وارد بر ام سینه بومعنی شایسته دنیا و مقبول مرغوبه نازا اولشدر
 پنجه بر دولت و سلطنه اولاسن مجرم اول حرکت بولنه ویر حاصلی می معصوم
 ندیده فطره خون از جگر بر آورده. به بین تو دل از دین سر بر آورده
 کون نشسته جدا از نور چشم بر روی و سر راه نظر سر بر آورده
 بسینه ام الفاء سرود و جوینست که دل بیا قدمه دوست در بر آورده
 ناده لعل از کفش برای سوز دلم خط که ناله بدور قمر بر آورده
 ز چشم و قدمه توجیر این صبح بچونم که چون ز سر و تو بادام تر بر آورده
 دلم بودی عشق نورغ نالایت که از خنک جفای تو بر آورده

ای شایسته کانت چشم دل معصوم. همه اردانه لعل و کهر بر آورده
معانی نامی علی در بر وجودی نیر نام قصیده طلوع اید و ب بدری اولشاده
 سلائی که اجوت انجمنی مزبور کنش و نامی و سلال مثال این کمال بولسی انده اولغیر
 سلائی که لکله شهره اولشیدی فن معاده نامدار و صاحب افتاد اولغیر کمال
 اختیار انجمنی اکثر نامی تلی و بجایه بکلمه و کافیه فضا فضا بکلمه مصاحب
 و منام اولوب دولت و ار رکاب عزت مدار لایه ملازم اولورده. آخر دوس نام
 قصیده مخوس و بدنام ده توطن دارام انجمنی آخوالا مرغلان واجب الازعان ملک
 علام اید اول قصیده دیار غلبه خوام اید بی خلاصه سلاطین رزکار و نفاذه
 خوافین سپهر افتاد خوشید روشن رای چشمه مالک ارای فیه با صره کمال
 غده ناصیه جهان داری شاه قتل محل سلطان سلیم اول شجر مالک ایران و ضبط بلاد
 آذربایجان اید که اول بارک هر فتنه صاحب شتر مار لکن دار به سه کون انجمن
 اولشاده دیار عجب و معانی و معارف کلوب معارف شاهی شهره
 و شایع و مطلع قبول صلح جهان من مانده خوشید رخشان طالع اولشیدی معانی مزبور
 دخی اول نامین شاه مزبور که نامنه معارف لای و بر دکن مالک محرمه این دخی
 بوفتنه صاحب اعتبار و اشتها کسکه اطهر و بدیدار اوله و غنه غنی خاطر عاقل ختم
 و خندان اولوب مزبوره او چو ز فلوری انعام دان انجمنه تحقیق کلام اولدر که
 مزبور اگر چه نفاذه اوقات و خلاصه اعمار فی که سرمایه سعادت شیاره و ذوق
 صرف اید و ب زمانه شتر مار بکندر کن شایخین رومدن امری صلی و مرحوم والد
 معارفی مطلع بر ذوق طالع و انکار اولی مزبور که معارف کتب اولین و احکامین
 کبی مزورک و منوخ اولوب صدای که ساز مولی و شایسته بوی که انوار و معانی
 سودمکن غیری تنم لبسم اولعانه که اید بر دم نظر بودیده کسر بانه

طاهر رحم ابدی رحم البز اول سنگدل . آه انشایم ایچر شعله نوزله
 بونکیم باشنگ حوزا جیدر **معدیه** موج آب دین تک مجاهد
 لب لعلک حیات مرده جان **معدیه** مدد اولدم دیسدر ایلدرمان
 اوکی صلو ای کوردیم قان زل **معدیه** ویردی بن سینه تکرار ای دل
 دیار انکروس فتح اولوب دیار اسلام ختم اولدقن تاریخ دیشدر **معدیه**
 فتح اولدی تکلی انکروس **معدیه** سلا بکدر طایقن موکو دشوکل تاب مشوی
 اولوب تحسین مجاز و کلمات معنوی ایچکله مخلص زبور ایلد مختص اولددر **معدیه**
 دور ایدر کعبه کوکیده سنک لیل و نهار . فصل ایدر غمی کلا هیلر **معدیه**
معدیه روم المین قصبه قلعان دلنددر . وجود خطیری قلعان دلر تیرنا نیر ایکن
 قلعان دلن کایر اولق غمیدر . و اول مقوله صاحبن ایکن معارف بی بدن صاحب هم
 و نصاب اولق ابرجیدر لطیف نوکره سنن مفتی علی طنجی **معدیه** اولق تقوید
 مخلص زبور ایلد مختص و نام زبور ایلد مختص اولددر دیوب روحم عاشق طنجی بابی
 معبد اولمده معبدی مختص لغت در دیشدر رخ الواقع زبده افاضل دور و تعاوه امانل
 صدوز مقده اولمده جهور کاشف حقایق الامور مالک زکات مقوم و منور
 فانی کز انشدانش اوروشن شد . ایچر بر خلق جهان بدر حقایق منور
 بکر فکش تنقیر نفار احرم . دل پاکش نظر لطف خدا منظور
 و الد روحم و مغفور کی خطی شریف ایلد در و سطور دز که زبور کی ایسی معبد زاده و کلام نور
 سلطان بایرید دورنده کجمنش میسر دن امین حاشیه تجرید حاشیه باز مشدر
 او سینه کند و به معبدی مختص میسر ز مفتی علی طنجی به معبد اولمش ظن ایلدن دیشدر
 زبان نر که ده خسته دین شوا دندز شاعر کوی در نظمی پائین اکثر کلام ساده و عفت
 بوغزنی بعضی مطرب ترانه خلایقین و در زبان خلق زمانه اولمشدر

طالع خمس اولدوغی چوخ نکر دیشدر . باشمده بوخجه بلا دلغی دهر دیشدر
 عشقیدر یا کلیدر ییلدی لانجین . نالسی بزم اهلک میبغی سوغدیشدر
 و قریغ قازار شسین قی طوله لم . کل سن انصاف ایلدن اول بود قتر دیشدر
 ای معبدی کچ کوندر کویونان غلغی . کنده کنده نیشدر بوخه کوز قتر دیشدر
معدیه نامی محمد و متغیان افاضل و مدح جامع انواع لغتون لغتون فصایع معارف
 و می سن لطایف مانند خورشید پر نور موقوف و مملوز اولوب اکابر و اعیان مینین
 امثال و ازان و اکف و اخواندن تفوق ایلد موصوف و مذکور اولان مرحوم معبد
 زاده اصفینک نیشدر وجودی و نهال سنان مکرمت وجودی در اجداد زکوار
 که بکشتیان دیکله برشته در . دیار مرخنده غایت فضل و کمال و رفعت جاه و بطن صلال
 ایلد امداد اولوب ملک کفریه صدوره اولمده بن کجور خیل اعتبار بوشلدر در
 زبور و خبیث علم و کمال مری ایشدر و ریاض فضل و عرفان نشودنجا بوش . نیمه
 و شاح علم و دانش نیمه فدا ده عرفان و بنشین چمن ارای عالم علم و کمال زینت
 افزای سرای معارف و افضال موشخ قلاید کمال . مفتی مقالا فضل عیاض
 انواع کلام اخلاق ایلد مشهور هر جانی مکل و مکور بر ذات معنوی و در
 حال اتق ایچر ایلد بر و سه دوختو یه مدبره سنن موزون تحسین انواع لطایف
 مو اطلب و مشغولدر چونکه معاضدت مجایع ایلد رضوان اکت به تمتع
 و اقدام اقدامات هر ایلد تحسین و تکمیل و تحلی در امید در که هر آن تر قیده
 و هر بار جناب نفی ایلد به باب عقلی و تنوعی تلقیده اولدرا یکی شاعر
 نوتل آیدین دلشنه جان و غلغی نکر . آدن کمر بردخی عالمده آب کوثر
 المزم کل صلاجه نو چشم غنیمت . نونای دیدنه اعیان کن خاک درک
 آرزوی بوی زلفکدر شهاب سنل کیه . خاوان هر دم پرین ایلد شفا ک

انواع کلام اخلاق ایلد مشهور هر جانی مکل و مکور بر ذات معنوی و در
 حال اتق ایچر ایلد بر و سه دوختو یه مدبره سنن موزون تحسین انواع لطایف
 مو اطلب و مشغولدر چونکه معاضدت مجایع ایلد رضوان اکت به تمتع
 و اقدام اقدامات هر ایلد تحسین و تکمیل و تحلی در امید در که هر آن تر قیده
 و هر بار جناب نفی ایلد به باب عقلی و تنوعی تلقیده اولدرا یکی شاعر

جامع و بر سبکی که عجب اولم . الدن الی دوشنده جیاد اولم
 کذب غیر خاکی بی غیر افانک کورن . سنبله فلز نظر زلف برین تک کورن
 کورن کوه بلا در کوزلم باش کل . راه اقیم فنا در قرن قاش کل
 دشوگر در بلرک یا قوه تشبه اید نوک . اولون ای کان وفا شک ملامت
 بر کورن کل معبدی خاکی بار یله . کورین اولون انک خاک مذلت
معنی مقدمه بر کتاب دیوان سلطان . نویسنده دقایق و جلایل حکام حکام
 اولوب قبی جلالتی طار زیارت ایل مطرز . دیوان عالیه ذات معانی
 طو انویس جناب سلطان . اولفده مکرم و متوز و پنجه زمان رفعت جاه سودا سید
 جاه مذکته دوشن کرا اهرک و سکیر و معنی و صرصر حو ادوات بنای اراکرمه نزل
 اولان در مانده رک باغت زار و تکلیفی اولان مجبی علی در که نزل کا انری
 مشهور دانش و هنر معصوم و مخصوص و صنف صوف کیم مکرر و عود
 موصوف صفت کاهم بنیان موصوف صحیح الا قایلین مبلع الافا عین عوالم
 محمده کفایت و مد و خدائیل بر ذات کامل کفایت در فاعله لای
 و قلم زبانت صحیفه املا و انشا که جویان اول مرتبه ده دکلر که ل افلام
 مشکین ارقا مل قابل اعلام اوله و کتاب مدح و ثناء و دفاتر القای و اوانک
 کثرت و وزنی اول درجه دن از دندر که کتاب جهان عمده کثر و نظیر
 بیرون اولفده اکلان اوله لاجرم اشعار حیات شاعر سلطان کلکاری خارج
 اولم و وار در و اول بکار افکار ک بو زدن نوع احتیاج و اختفای
 بیان واضح کبر ناله رفیع ایلد کورن در مقدمه طایق علم ساک و ذاهب اولم کورن
 دیوان سلطان ده کاتب اولوب قطع مدایج و مراتب ایدر که صاحب جلیل
 محمد پاک نکره حبیبی و لفظه اعلا : شواهی مناصب بخیر در نظم اشعار آبداره

مبدا

الند

اقداری و صندوق در و نمن طوق دیاره و دوسن پلاست اولم لایق
 بعضی لایق شوار و جواهر پراخی ری وارد و مطلع مشهور انکدر
 دوات آب بنم لعلک غمید بوی خون الموش . قلم مانند جبریت باز بسدن هر کورن
معنی استنبول دندر سالک طایق علم و کمال اولمده حکم کت قضا بایل
 اولوب قضاة سنده خصل سکته داخل اولمده احفا که بوستان یافت کلان
 قضا حن مانند سر و سر زار و میان سر ابرو رمانع . امثال او اولمده شش و ممتاز
 آسمان معانی بر یح لیان . نواقب الفاظ جلیل العواجی ایلد مرتب و صباح لطف
 ملاحت . افق کلمات لطیفه و مطلع عبارات بفرسندن منظور و معنی در
 بوستان چنانک آب روانی . و ما معنی جو قدر بهمان عیبی اولمده که اصحاب
 دولدن ظاهر و معنی بوقدره بویر ایلک اشار و مطلع نامدار اولمده که اصل آثار
 حد اطلیه بری قو قی و اعطال لطف حق چو کبر . کچلردن ایندک بکه انده قور قور
 زلفه دکلر کین ایلدرده اید و آبانه . صقیلمادی بو ستری و حقد رشانه
 عجب اقسه خون آلود اولوب هر دم کوزم کیم . و فاک کورمدی غم کلمه بودم باش
 بنق کو کلری مهر کلمه باب یا پیلچو بانه . جفا سکینی ای لبر و فامیدانه کیم
 سال هر کرک باشند قبح باد و کورن . معنی اولمده بزم بلانک رنده عجب
معنی ولایت ایدمده الی شهر دیکله انشاز و بلان قصبه نامدار دندر علم اجتهاد
 باروی توفیق و سداد ایلد قانیم . داعی تحقیق و اذعان ایلد تشبیه مانی عرف
 دائم اکین غریب کجارت رکن اولان مرصوم عرب زلفه دن ملازم اولمده
 اول اصحاب سفینه دن س حلاله جفوب جبال سلامده عاصم اولمده دندر اذات
 و ساعان قطع دعاوی و خصوصیه معروف ایدن قضاة سنده صفات
 عدادندن حد و معروف آید و جلال اکین سه انشین و معین و سماعیه ده

قصه اسکندر ده توجیه سر منزل حیاتین پیچیده عنان اولوب عالم غیبیه روان شود
 بوقش دخی فی بحجه اقتداری و مرتبه قبوله وصول بولش بخاری وارد بوشو انکدر
 بوج پیروزانی دل کله دانه دوت . کشته نکبانی صاغ اولوق در سر پائیه دوت
 سینه مک اغن کورد بتم ملکات کینی . کل کورای شیرین دهن طایفه طاشک کینی
 کوروب رخسار یاری ایچ اجد کلر . کوزدن ترکک آویقوسنی اوچر کلر
مقاله ساجان کوز اولان خذایله قصبه ویرمجه دندر خزانده راست مقال
 طازنده خلعت بحصال نخل بند کلسان غشا . رسیده پوز حوران قضا . دیده دل کاش
 کل معاز و در زلف . ایدر وشت . غواصلای اشعاره اولمغین عثمان بکران عرفه
 آشنا . چشم خانیه باغ معرفت ترکس و انظاره و اشجار بوستان مغایه سیاه انجام
 و باران زانکده طری و ناظر طهراق الفاظ ایلد غایتن مقید . حق مکرر دکلانک سب
 عبارات بلوغ ایلد نوسن متنبه در تجر که اول سرد ملک باغشک شوی کمال تشکین
 و کلمات حالت بخشک جابجای رفیق زانکده طوشکین معین ظهیری . اولمغین
 مانند سلمان دنلا و خندان اولمشدر و حمام تربیت و احسان اکابر واعیان
 بهمنه اردل جانیده هرگز باران اولمشدر . بواشعار نام کفاره نذر .
 آیکه سن نقطه دمانه بوله بر ذره عیب . دارم بوق این سلطان سر پرده عیب
 باردن نوبرسند و اعدا و ملاکات دین . شاکر کلدن و کینج خاردن بچین بوز
 حاصله چکک کر بایان تعلیقن الیه . سر و کبی کوشه غزلن دامن چین بوز
 آکه قلدی کم دمانک یادیه ایله دو . باشم الوب عدم ملکینه دکنم این بوز
 بز که نقش اولوق مغایه صله خلفه داک . روی یاری کور ملک بشدن باغ دین بوز
 دامن نمت درازا طلب کوماه دشت . رنبه اقبال عالی پائیه ادبار پست
 اسدق و ش اولماره صد باره خاطر . نثار اتمک اولوردی سوزده جواهر

اگر جلیل اولماره ابر مو انخ . ظهورم اولد کینش کبی طاهر
 بن اول شا بهارها بونم جنام . مخفی شکام ایکن سر طابز
 چون اولدم کرفار دام حواد . شکست ایندی دوران بر و بالم آخر
 دل و فجهول معلومیدرب . اگر امر غایت اگر امر حاض
 زلفکدن سندی که بر عزیز تن . مواض صندی دتردی منظر تکلیف
 شکسته بال بن اولمغین بی بر بال . که قلا را اولمیسه بی دانه بر دم آرامه
 طو توب کیمیه صیاد ایلد آزاد . او داره دانه او جسدن بنده دوشه دام
 اعتبار جفا اینده هم تک حقلدر . آخر بزی ده صاغ قور اولدره جکدر
 سلیح نواحی نوقاته ندره غایتن قلاتن و غایتن می پرست و او باشع ایدی که
 پیما نه مثال کوشه پیما نه دن بر قدم طنز جعفر . دخم می کبی خانه خماره کوب دو خوب
 س غمیری نمی اولمیسه . اندن بیرون اولمیزی . مدح شاه و شراب مدام سوزی
 و پیر لکی عالمی دخی س غمیر . مثال عینک و عصا . طو نر الی و کور کوزی کبر کوجه
 معافیه . خم مثال مکان ایدنن ارباب فنی و عصا ندن کیمیه حقه اول زمانه سلطان
 جهان اولان فاتح فسطاطیه موصوع سلطان محمد خان مرزوره بر مقدار سردمان
 کلکون دیو جام بهادری دست توبه کونوب من بعد شراب شراب اینه دیو تنیه
 و تا کیده شدید انجمنه بی آخوالا مردن حوض خماره رقیق عتیقندن غیر لیه علاج قلندر
 و بو مقول امر افق علقه بدل بتخلل می ارخواندن اوز کسنه اولمیز . دیو پسر در دولا
 بن مرصان کبی کند ویه شراب ایلد احتقان انجمنه عفا آتیه کج ذنوبه و ستر بفضل عو
 نجم کور و بن سوز درونم اوده یاند . شمع اعلد و غم کوردی باشم خانه بونید
 کولم دوشه لیه عشقنه دیر کور و نه هر دم . دو کد کیر قانومی بره دو کله قانک
 زلفکدر خک مصحف حسنکدن نکارا . تفسیری در آیت نوز یله دختانک

مسئله جللی نانی محمد در واعظ و ناصح عابد و صالح جو فیض میری انوار مجید
در یافتن نایاب و آینه طبع در اکثرین رنگ غنای عالم آب دکان زدودن
اولان چهره کنای صور معانی لطیفه اسوه الواعظین بدرالکلیه ضایفه ناک فرزند کینه
جناب پیر عقل خودی هنوز خود سال و گلشن جهان نخل خود چو دی ناز نهال ایکن
رحوم مرقوم را باین سه انتقال و عالم قدس ارتحال اینک عفو جوهر روزگار
بیکرده بی نهان اولان ذات فیدی صدف زمانه ده بردانه اولمعه نیم قلوب الکمال
فی البیتیم فی اسی دوز تحصیل فضل عظیم انجیدی فی الواقع نور خورشید طالع بکلی روشن طبع
در که لولوت هوا از صدف ده بردانه اولمعه پیر اعتبار اولوب کونتره کوش اعظم و اکابر
اولور و جوهریان دکان امکان بچن غایت مقبول قیمت دار اولوب جوهری و هم
و خیال کان تعین بر اینکدن عاجز و قاصر اولور بوستانده بر نال که بردانه اولور
تر بیت باغبان ایلد فی الحال کشیدن بالا اولوب انحصان و افتان مرفوعه سندن
نار لا مقطوفه و لا منوعه اولور کلو و از دشکاک اولور که دست نخیز اجتناب
اقتضای فتن حایر و بایر اولور الفقه ذات مستحکم کمال و مستوجب کمالا فی تحصیل علم
و کمال و تمجیل انواع معارف و افعال ایلد سر بلند اولوب حسب العاده دانشمند اولور
کلمتان تعلیم و افاده سر و آزاده اولان مولانا اعظم جامع العلوم و حکم بر الیقین
زاده خدمت نیک مدرس مدرسه سلطان سلیم خان ایلد مشرق خدمت عاده لری اولمعه
ملازم اولور در اسباب سلوک طریق علم افاده و حاضر و بوستان وجودی زینت
سحاب تربیت فاضل و اکابر ایلد بهی و ناخر ایکن دیوان سعادت ایوان سلطانین
علما دانشوران هر فتنه راسخ و ماهر ملوک اطراف و آن فتن استان بجا مطافه
عبودیت نامر که کلمه که تر جمه ایدوب جواب صوابی است و املا به فکر بر ذات
جلیل الشان و جلیل القدر ریب و زینت دیوان علی و ارایش پنجاه بارگاه معنی

اولمن دین و دولت ارم هم ولازم در بوجانب پرکار میری وزیر ایدوب و کلان
سابق و این کنیت اولدیر محمد انه هکک الکبیر زمان بسپرد اول در خطبه اول
دکلو دست برد و اقدار اید و اولور انجمنه که اعوام کثیره ده عشر عشری مقدور
دکل اید و کچ نور آفتاب کبی محقق مسنور دکلدر مدارج معالی به قدم قدم اعتدال
و مدارج عزت و علایه الحق الحق صعود ارتقا فلفله امثال اکفای لیدن فایق
اولی غی لامع و بارق در که افق جبیندن امت محمد و معانی و کوبک سعادت افشان
هر بار طالع و شارق در و غنچه مثال سراج اصحاب جاه و جلال اولمعه سر بلند و سر فراز
اولی محقق و مقدر که فضل کمال ایلد اخوان و انسا کندن سر و سبی کبی کشیده بالا و ممتاز در
مقدمه عزیز مهر وزارت و مدبر امور ملک و ملت اولان سنان پاشانک نکر چینی اولوب
حالا وزیر اعظم و مشیر اتم مسیح پاشا خدمت نیک خدمت اصحاب حاجات مرده لرن بر و یل
اجا ایدوب اولر اقلام لطافت فرجامندن دایما آب جوانی اید و زره در حاکم
ذات شریف و اجب کثر نفی و اید معارف و فضایل و قلائد جلایل حسن نیلن ایلد حاجی وزیر
زخار پراورن فی یل قبایل و دولت ضیا خورشید عالی منزلت کبی روشن معین در
عدت ذکا و ادراکی و جولان عقل بالا کبی بر مرتبه ده در که پیر روشن ضمیر عقل دراک
در بستان فهم و فطانت و طفل لوح خوان و و هم دوران نشن مایه ضبط کم و بیشنده
طفیل خون اولشدر بوجله ایلد خواند درون فضایل موقوفه در و غرور و جواهر
زواهر نوادر و لطایف ایلد اولر کلو ملو و مشحون در که مرتبه احاطه و هم و خیال
بیرون در مجلس سبزه انتظام در معنی خاص و نادر کلام سولینه هزار نظیر و مثله فی الحال
تکرار اید و اخوان و یاران بری زمین مشعره و محاوره بهر کوی و القابل
در حال نیچ جواهر اعتباری نادر و ایدر میدان عفا نه سنده دایمی القانی
جولان اینکدن قنق بهلوان در که انکله دعوی مبارک ایلد و عرصه ذکا و فطنته

وزار فی واصل چرخ دوار ایدرد. بوبیت بنی افریدو بیا به سن چاک و دیدن
خوش کرامت اهل سن مومن ملوک و شهنشاهان و شهنشاهان و شهنشاهان
و بر دخی بوابی که هر یک اول شهنشاهان و شهنشاهان و شهنشاهان
و کلا و قیوب بلا شهنشاهان و شهنشاهان و شهنشاهان
ز غنچه پادشاه زاده که محبوب جدم کفره بجای اکره مشهور و اول قوم شوم و منفور
میانه با فور و دیکله مذکور در آید. چند شهنشاهان که در این زمانه در این
نی نیزه اردیگر به هر حال سویندی قسبه بل عمر حال
بومعایله و ایما و اولاد سلطنت امینند آید. و استاد لرینه غایده خض و
عداوت اوزره اوکو. پادشاه اولسم جلد سنی قتل ایدردم دیر آید. بر دفعه باران
برسی یا شیر کاکج دخی اولدر رمدیک یکین انری قتل پادشاه اولمق نه حاجت
دیر آید. مرحوم سعدی افندی به منته ایکن دانشمند اوکو. سرای سعادت شرای طایفه
بانه جلد خواجیه سی اوکو. اندن دخی فراغت آید. متروی کوشه قناعت اولدر دیکین
نافع عسکر لدن دفعه یوم فرق انچه ایله مدرسه طلبا آید. آخوندان و اسل
و مطلب و مرامی محال اولمق زوایدن آلانچه علوفه ایله قناعت قابل اولدی
دستاری چو کین و ناپاک. و بایچه ملوث و دشمنان. زولیده موی ناشسته
روی الی ابریق طهارت یا شهنشاهان و یوزی کوزی غفلت و ضویر الشهنشاهان
رهبان اولمق غریب. بهر شخص عجیب آید. بر عمارتکاشه ذمتده بوبیتی ویشدر
برخی تک صور رسک دانه سین. سکر مک بخره بونق کرامت
مهری طایفه زمانه نظم و شعرون دم زمان اولدر دوز زمانه عالم
و ملاحک پهری. و سپهر شیوه و نازک بنین جهری غرقه غوا مطلع حبیب زبده سما
و اما تثانیث لایسم عسکار. و لا الله کبر فی

ملاحک پهری و سپهر شیوه و نازک بنین جهری غرقه غوا مطلع حبیب زبده سما

نوی اوزره دست بریم بر فکری نخله رطب باغسته امتزاز و میرکله بر منفی
علیک طلبا جنتا. لطایف و قوا که ظرافتی اقتطاف واجتا. ایو عرایس کار و منفی
نخله نقره کتور مک سر ایدره حار و نه ایجا زانکا منظم هر و غلام سنی کلشن اشعار
بر ابراهمن متقا و ادرا اگر چه زمانه شوا و ظرافت و صحت و الفت و مهر و محبت اوزره
اولور من لکن سبه فخر منک مهرینه دست احابنا امیرش و سر ایدره عصفه
ناحرم حوام کبر من در بر و اشعار انکدر. آتش غنچه کباب اولدی جکر دونه دونه
کو کله جقدی و خاندن شردونه دونه جان جانبا زکی کور لعلکله ابر سنیمکین
ربحان سر زلفدن اینر دونه دونه. خاکا بوکه بوک سور مک ایچون کس من
سر کو یکله کور شام و خودونه دونه. اسکندر نام برد لبر سیمانه امه کتانه کلمه بولدی
نچو اسکندر ی علم ز لای صوبه ایله دی و صومر کتوردا. و زبور ک حفته بوغلا به لای ویشدر
خوابدن آچدم کوزم ناکاه فاله دم سر. و شوم کور دم طور بر راه چهره دهر
طالع سعد اولدی ایچود قدره ایدرم غالب. کم خلم ایچره کور دم کیچو طوئش شرب
نور کور دم جمالندن اگر چه ظاهر. کند و سی بکر ز سمانه لباس کاف
کوزم ایچوب بوخچه اولدی چشمه بختان. شویله شخیص ایدرم کم با بیکدر ریاس
ایردی چون آجیات مهری اولر حشره. کوردی چون شب ظلمتدن اولر ایچون
بن او مردم که بجا بار و فادار اوکن. کیم بلور دیکه سنه بویه جفا کار اوکن
سنکه کلزار جنانک کل نورسته بی سن. زرو اولر که هر خار خسه یا را اوکن
به دعا ایتمزین تا که خدایون دلرن. بر سنک کی جفا کاره هوادار اوکن
نمدی بر حالده بو زکیم ایمن دشمنه. دیر کی مهری کبی سنده سیه کار اوکن
مهر اخذوم صدق و دومان سید شریف جو جانیدن بر در کرانایه و دوحه
سیادت و نهال سعادتین بر شاخ بلند سایه طازنق خلعت فضل و کمال وارنده

مهر اخذوم صدق و دومان سید شریف جو جانیدن بر در کرانایه و دوحه سیادت و نهال سعادتین بر شاخ بلند سایه طازنق خلعت فضل و کمال وارنده

رایت سعادت و اقبال که استین عصای بی طراز نسب عظیمی از طراز و معاطف لیکر
 وجود پر جودی محاسن صفات نامحسوسه و اکرام خصایل معدود ایل معز و ذواللوب
 نصر کاکه مقتدری بلند سبب عظمی از حبس اهل البیت اراستنی از مرتین و محلی و عاثره افراد
 و احاد بشر در نظم حال و خنده مال الا المودة فی القربی اولی و غله مناز و مستثنی
 اولان طره ناصیه التیاده خرقه جبهه التیاده ان عین الامامه عین ان الکرامه نوچه
 فتوت نور حدیقه مروت قوام ملک ثبات نفیث الا قدر مدح که شد بنام مکتب منش عالی
 طایفه اشرف دیار روم اولان جامع الفنون و العلوم خدمت میرزا محمد دوم در کمال شرف و کرامت
 معین الدین شرف در بر بزرگوار لری سادات ابوانک طایفه عاقله فی مکالم اخلاق ایل
 شمره آفاق اولان میر عبد الحی اولوب والد ماجده لری طرخدن جبر جبر لری طرخدن
 فضل دوران کریم عثمان زمان حاکم حکم فضل و عرفان اولان مولانا فاضل جهان و بر طرف
 دخی سید عاقل و شریف بر شرف نتیجه مقدمات آیام شهور و عیش دارد دنیا اولان مولانا
 نجف الدین منصور در دیار عجم خاندان شریفه اهل سنت و جماعت دین اولی صفای
 و کبار میاستن بر اشتیاز اولوب حاکم لری اهل بیغ ضلالت فاضل اخفاء و اسرار و کجک
 بهما خلعت برزیت جلالت و سطوت و دیبای زیبای مهابت و شوکت قامت سعادت
 و خلعتیه حبت و جلال اولی دامن مذهب مذهب لری خاتون اهل اشتیاز و کرامت
 طهای خاتون زمانه حاکم لری بونوال او زده جبار و شاه بر اسرار که اظهار اعلام اسلام
 احتیاج و اختفاده فی محله توارى اولی شید سعد اولی زمره باغچه و خرقه طایفه
 مذهب اهل سنت از مدین او کوه کجک لری من کتبت فحواسی او زده اولاد شاه نکبت
 بنا برین سعادت مفری نایج بر نایج نشین ایل متزین اولان شایسته نایج کارای
 شاه اسمعیل نایج شاه طهماسب لری بر نایج شاه ایلان زمین اظهار شکار اسلام و ایمان
 ایل رایت بر ج الا مذهب اهل سنت و اصل فرق فرقان انیمش لری اولی جلدن

اعلام انتقام اهل اسلام اولی فقه لیکر دست نکبت انی ملزمت ایتوار زده و مهر
 کین غدر و صفاده مکین اولوب زمان فرصتی انهار زده ایدی آخر سردار لری اولان
 فوق اشترار بری بر لری افاد و اضلال ایدوب دماغ لری تو بیلات شیطانیه ایل
 پراختلال اولی فقه منشا ر قو مک قمارای است و اقصای نهضت مذهب شیعیه فی کفر
 و محبت کبی عالمین کوزوب مانند عنقا ستماسنه معدوم انیکدر دیوشه بر نوره لجوم
 ایندن خواه ناخواه یوسف مثال لجوم و کینه دافالمان کبی نکت تاریک بر جبه
 حاکما اچچر جبر انیمش در چونک یوسف مثال لری مصر سعادت و اقبال اولی مور اید
 بر ایکی کون مجوس زندان ملال اولی نه غم و آفتاب و اری بری اوج سپهر برین
 اولی مقدر اید بر زمان زمین مجنون کین اولی نه غم و آفتاب ایتا عالم کتاب
 شب و لچوردن حقیقه عالمی بر نور انیمش و بدر دلفوز و قهقهه حاق جانوزده او زده
 کمال و ظهور بولمر لعل و خفا و باقوت رانجی زمان اندون جبر و زندان کانه
 چکینیه خاتم مثال دستبوس سلاطین ایل عالمی زیر کینه المنز و لایه مثالیه نیایام و کیک
 ضد و قصدی بر ضیقدن و عثمان ناپید اگران و عیفتن تلخی دهر و شوری دایه
 طمینی عقد احوال حسن انتظام کلز بجن اولی شاه سعید دست ظالمان عنیده شهید
 اولوب اولی شاه سعادت شان جام جمای دست لیامدن چنان کوسفند جانیمندن
 اسلام و ایمان بولنده قربان ایندکیش انشاء قرانت که اول قوم بر ضلالت سحاب
 عذاب کبی بریره کلوب متر اکم اولی شیدی و باد اخواد افا ایل موج فتن مستلطم
 بر حاند جسدن خلاص اولی فقه اولی بارده مجال قراز اولی سحیح موسی و اخوان
 غداردن خایفا بر قرب فرار ایدوب مدین روم لطافت مرسوم اولی شکر بری
 سنده ارج و غمانین شمع مایه ده روی مال سن سلطان فلک مکین ایدوب مقامی
 آفتاب عالم کتاب کبی اوج سپهر برین اولی فقه مولانا احمد فروغی نکت و طیفه سی که

اولی شیدی

یوم النشأ فی درغین و نشیدی منت خدای که بایون کویا از غده کوفی برود انشا
 بحق ذات ماحد لیکمی سبح انواع مفاخر و محامد و اسباب مجده و معالین ملک طریف
 و نالدر مفتی و قاضی آمد اولد قدر کفر دار التام بغداد حکومت ذات عدالت تاملر
 باغ داد اولوب غنیمت قضا مشهدین اول باغ بقصون قصر بر سر در کبی زب و زین
 و بر دین قضا طرابلس شام خاکبوس ستم پر احترامی ایله کب اختتام ایله جمع
 قضا حرمین محرمین ایله تحصیل سعادت دارین ایدوب اولد با جلیل الاعبار ک
 صفار و کباری نظر الی فی و اعطاف بشماری اولوب معلولان اوده برینه نقیب الاشراف
 دیار روم اوکو منصب طویل ثبات تشریف ذات عاکتبتندی ایله کب شرف نزه و تحصیل
 نصارت و زناست بی اندازه ایله بومده عاید موافق شاد صلاحه ذکره منته نعمین
 و نوح مایه ده خط باران ایله حال زمین و زمان بر مرتبه و از رشیدیکه هر جبال اصغر
 نوده اغیر اولوب سبزه زار لردن جوایان ایدین تراب عین سرب اولوب حدایت
 و ب نین زهت آیین ده اولان حضرات و ریاضت محض تراب اولد سیدی
 خلق جهان دشت کربلا ده اولان تشنگان کبی براب و بلا اولوب دایما اشتری
 آه وادیا اولمشیدی حسن و ملاحق بر اجم صوا اولان دلبران کلر و دجوری و شان
 سبیل موبر اجم صوا چون میانرین اولان جنت ابداره دوشیدلر سیاح عوالم قله جبال
 ملک مثلدن انکار نده مادن اثر اولد و غننه استلال ایدوب بوسود ایلد خلق جهان
 همچون مثال طعلا ده دوشیدلر مسکین زمینک جای حلقه کلوب دم آخوذا یکج بر جی
 زمانه کور که جنبه ابرایله اغیزه بر قطره صوطلتم خاک در دنا گل حمله مالک با یونب محتاج
 و بیل اولشکن خست دورا ف کور که اگر بر حبه کجی تمیزی اصحاب قصر خورق رونق
 منظر حال فاصح بیک کفیه علی مانق اولوب و تب اولمشیدی ان اصبح ما کم غورا
 فحوا سی روشن و اشک زاده هر چند صفار و کبار استفا و استمطار ایچون

کرم

انصاف

کرم غفاره دست مالت و غفر غفرینی کنوده ایدوب روی میده و رجایه خال مذلت
 و افتخار سوده ایدیلر برسی سودمندا و لبوب نیزد عاری هدف اجابت و اصل اولد
 اگر چه سیاح دیر لردن باران سرشکی ریزان ایدیلر لکن نبات نبات مرام حال اولد
 اول انشاده جاب عباد و لک محمد و فی نقیب الاشراف اولوب مکه مشرف و دن دار السلطنة العلیه
 داخل و باران حمت کبی حاشه شهر مزبوره نازان اولمشیدی عاتقه اشرف ایلر بر و باره
 استغفار روان اولوب آه آتشین و ناله خورین ایله دل آسمایه نرم ایدوب کوزدن
 بسم سرشکی نثار ایملک اولد لبر کشر غداره بر مقدار ملائک کلک کفر خدمت ایچون باد صبا
 تنک و پوده و سیاح دفع شکر اب ایچون ارایه کیرد فطرات بجاری سو بوجت و جو
 اولد هانا آسمان اولد فیض و عفا فی خاکه پایال اولد و غنن کور یکک
 طور بسوب فریاد و وادیا بشدی و یا خود اولکل کسبی و غنن کرک صدق دیر
 بود کلوانی آیدار و جوامه نامدار ک ناز اولد و غنن کور یکک اختیار هر طرفدن
 بنمایه بشدی لیکه آسمان حق القدوم کمر دانه دازین ناز ایدوب اولد ذات بزرگوار
 نیت باران این که من بار در ابرو باران شیه کمنده از بهر شریف ملائک در نثار
 آسمانک قلیط شدن کل که اول نور دین رسولک چشم کور هر اندوزدن بود کلک کورید
 کلک سوزن کور و ب در دله کربان اولدیه اولد کلک کلک کور اولد کلک کور کور کور
 انقین کور و ب نالان اولدیه خدمت والد علی النج قنای شام شرف ایچام ایچین سینه
 نلک و سبعین و نوح مایه دما حجت بیت اکرام و در و مال ستم مدح اخرام حق خیر الام
 نیتی ایلد شهر شام روی مهوش نده اولان شایه کبی لطف و ملاحق و افق بلخ مزبوره
 روی خورشید انار کمره جرج صاحت ویرد کلرین خدمت عین انک منظور انظار
 لطف فرا و ایه اولوب قدوم نرت رسولینی عین عبادت بیکر اید و اولد عای
 اوج دفعنی کور کفر استر ایچین برده بولق دیو نیچیرده سنج شکر قلوب فرایض و

سند

واجبات رعایتی در جان بله اقامت قلندرایی اولی زمان بر و از فرد عقیق
 اخوت و محالیت محکم بلکه خدمت کائنات نوری و بار و من مباحث اید و با حجاب
 و برین دن چکد کج اول عقیق دخی محکم اولش ایدی ذکر فضایل علیه رتبه کثر بر رقام
 و کثر یک قدام باب اظهار و اعلام دهنه ابراث اید که ریافت اصناف علوم و شمول انواع
 فنون و رسوم اول مخدوم سعادت رسوم میر اندر عقیق ارباب فضل و کمال اولد قلمی انباش
 ابجون کثیر متعال اید استدلال لازم که نور بین علم یقین جبین سعادت قرینیه
 پدر بر اجلا لکن در انتقال یکنزد مدح و ثنائین بویتر که بشا اشر که پدر در اول اوقات
 احوال عقل اول ولد و غی مقدمات عقلیه و نقلیه قطعیه اید میر میر متدل در که امره مبداء
 فیوضات غیبیه پس عقیق ای غنر در تقابله فیض و فر غنظیه ضمیمه اولو انشا سلطانیه
 اید معنی و امثال اوقات اول لکن مضطربا عودن والرح می انتقال اید یک بود بارده
 طور معنی مجال اولوب تلون طبع متغیسی اوزره قصه ربوبی ترک اید و مکه شرفه
 قضایه اید اول ماکن شریفه رکت اید بو انا که عجایب اوضاع و غرائب الطواری
 ظاهر و باهر اولشدر بود کلو کمال و فضایلین فضل لطیف اشعار و محبوب و مرغوب
 کفار بلاغت شعار ترتب و کمال دیوانه مصنع و مجمل کمال صفحت عنوانیه و اردر بویکی
 اشعار اول مخدوم جمله عالم و صاحب فضل و کرم منبع علوم خود نیک نازک کلک کلک و رتبات
 صبر گستاخانه بدر غصه دل می بخند . شکنه ماز تو میخواهم سزای او دهند
 ندانم که در جانم افکند آتش **قطعه** زمن هم نهانست رازی که دارم
 بطاعت حاصله توان خدین **قطعه** زمن وقت منته نیازی که دارم
 گفته کز عاشقان جان تو بایتم کرد اشرف در خاک و خون غلظتین پس بایتم
 بشناب چو دارم بوشن کنن اشرف ترسم که خبر یابد و از ذوق میسر د
میری قصه اسبانه دندز سرفه سلسله اخبار و ابرار و صدق بر شرفی لای نامدار

در این کتاب
 در این کتاب

و در غر پر غبار اولای جد بزرگوار در اوقات پرتابک نام نامی امرانه در حق که
 بو عثمان جعانه بود کلو لای نمان بر صدق و عیان اولق هر کز واقع اولشدر بود
 اینه مجد و معال که هریری اما لای فضل و کمال در بر مطلقه نمان و لامع اولشدر
 قطره نطفه سنن نه حالت وار در که هر بری بر یکز اخر و کجی و شمع طیبیه
 وجودن نه کرامت وار در که هر غنشدن بر خال فضل و کمال ظاهر و بیدار اولشدر
 بخرج منها التلول و لکجان ماصدق دل و جانیه کشف طیبیه اصلها بابت و در عاقبت
 صفت حال اولاد فضایل نه در اول منبع علم و هر دن منبع و اول سجا کجایی بدن
 مشکب اولان جفر انک بعضیسی بوجه ده کثر بر و نظیر اولشدر بی بن نام قصه ده خاتم
 شرح سید الانام ایمن و کان امرانه قدر امده و را فحوا ی روشن و اشکار اولوب
 یا اینها النفس المطمئنه ارجع خطاب و خرامنه اطاعت و اذعان ایدوب فاضلی حشیه
 ایدر سینه و سنین و نبع مایه ده عارم دار جان اولک و زنده ارجمندی فضایل باب
 مسلم افندی که سادس شهر شوال لفظن تاریخ انتقال در حال انبند ترتب و کمال
 دیوانیه مصنع و مجمل بلاغت عنوانیه و اردر بخانه اید معاصر المعین اکثر غزلی اول
 طرزه اولوب ربورک غزلیاتنه نظایر دوشدر بو اشعار انک در
 اعضا مک و فنون کلک سنگ کلک . تا و بریده دندان سک دلبره زحمت
 مددای شوخ غمزه کار مدد . جانیه ابدی غمزه کار مدد
 امرنه کور و ب سرخ پلاون امرانک . خون جگری یک اثر بر فقر انک
 عاشق فلین کوی یک لبر لری غن . مسیحه که خسته دل کور به بشی بر غن
 زلفک خمینی کوردم رخسار کوزده غنم . طفل جشش بر شش کله سینه دن فوج غن
میری مایاری دیار چمن مرز بوم دیار رومه قدم معان طایفه اخی یک با لری
 کجی میر و یکله شربت پذیر اولشدر خلق تحریف ایدوب کجی زاده دیر لای کجی موکود

شبه خست آب، محو و بربور، در غایت مراد تحصیل کماله، قیام و دائم اولاد و کرم و رحم
 حسن بیک فزونیست منظور نظر مکارم و مراحم اولوب جناب شریفین ملازم، اولاد
 طاعتی و خا طافیت مقامی و دلشک و ملول و ادر نه ده دار کدیت مدینه و موزول
 متوقعد که عن قرب پائیدار نماید صحن مراد و نامول موصول اولاد حق که اولاد جناب علیان
 و جلایه مانک آینه ضمیر خورشید توبی مصقل فضل عزیز و علم کثیر ایل مصقل و
 صیغ جواد قلبی بنای ارقام لطایف جلایل ایلد موخج و اعناق دلچ نظر و بینایی
 قلابه مبارک و فضایل ایلد برین و محله در اوضاع و اطواری میرانه و سپاهیان و صید و
 ایلد مقید اولوب فرس و فی نامه از محمد عصار که محو و شری سن تر چرا ایلد و بلا زبانه
 و لا نقصان ترجمه ایوب کتاب مروره سنه زیاده اندم و بواقفی را ایلد و رفت
 معاده و فی جوق کوشش و طبع مشک کثای بودادین خیلی در زین ایلد و مقامی که
 نامدار مقبول مدوح صفار و کبار اولاد بر بوی اکی مویات و اشعار اولاد است و ده
 صفات کفایت زنده در بوجله پخت بر او نمون اربال انجش در
 کوکل گوی سکار که کجی آت هوانند، محال اول شری به گجک او آرانک هوانند
 کور چشم بسیار شکلا کوشش و کوشش، ایلک شامند کوزلر شکا رینی بو اند
 برزغی فکد یازدق با کلدق دو کجی ایل، شکات ایلد کبار، رقیب بد لقانند
 و بریدی کور و کوه صیل مانع بر نظم دلبر نه کلو اولد و چند دی انک بری به کاندن
 دوشه شدی بولر صولر مرمر **دوشه شدی** کجی مز دی طایف من صرصر
 در زیدی جبال او مر قصبق **جوخ** سنجای کیم شدی و شق
 جوخ و شش و نمک ایلدی هجوم **اول** ده پیری نقطه معلوم
 صحو بویب اینه بیکه آتک **سایه** سینی کجی سردی و زینک
 میلی جناب یالت نصاب سلامت قباب مقصدای تیردین دار سلطان علی نقی ایلد

نقش

قبله ارباب علم و عمل کعبه صفا دید صاحب شمع غنای کفرین و استیلا کفرین و اولاد
 ابو محمود اسکندانه دار کلدق و خیر لایک و زندی اولان محمد علی خدی در
 والد ماجد لایک ایام حیاتش مدرس معانی آت اولوب مرات قلبی ایلد
 علمک بالنام، صورته ایشام بولدی فضا نام شرف کلام ایلد مفضل المرام، اولوب
 نجه ایام اول بلش پرا خرامین خدام شروع سید لایام، اولد و کرم و موزول اولوب
 بعوض فضا صلب شهاب ایلد کام ردا، اولوب ساغر حصول آمان مجلس عال و انجس جوان
 کردان و غنچه خا طری ششم سرور و افر ایلد بهی و خندان ایلک محبت حیاندن
 گرفته دل او بون مجلس این عالم قدسه یلین اولوب و بطوف علم و لدن مخلصون
 سایلندن لایفه غول و لایم بیرون حقیقی نوش انجیون ایلدی ترک
 اکثری صحتی شوای ایام، و طاف و اعجام ایلد و لغب سیکه معارفی میزان اعتبار ده
 تمام و کمالات جوئیده خیلی صاحب قدرت و نام ایدی حسن خط نام سبل
 اولوب سید قطعه راجع ایلد و بیکه مرقع دوزد و رب مرابطه عمر و زنده کاسه
 و نشود نامعدود و اموال بکیرانی اکا صراف تمشیدی زبان فارسی اولان اشعار
 خیلی عجمانه و استادانه دوزد و بر اکی اشعار اول محمد و م نامدار کلدق
 ترا ای نوش لکام دل و جان متوان گفتن بجان بخشی است را آب جوان متوان گفتن
 به آیین و فاستی با نر با خیالت این چنین نازک خیالی که توانستین محالست این
 ای در دلت باهل و فاجور و کین همه چشمیت بازار بهرن مردان دین همه
 مرحوم مرقوم بوطلمی دید کین اولان مانع اولان اشعاران متبع انجش لیدی والد
 علی انان بوطلمی لایک نشانی جمله سندن کوی باقی بوده انجش در اول مطلع بود
 دین میر در خلق با توبه کین همه نوسند هم نشود آن به بدین همه
 بسی نتاج دیبای زیبای کلام اولان قلام کین ارقام نامر و بود و قایم خود

عالم

موال مقال به پنج ابد کن و نویسنده احوال اطوار اولان خامه خراب نگار
 بوجه ده اوصاف حضرت معالی کرداری پنج ابد کن صدارت اناطولیه موزال اولان
 جامع معقول و معقول ذات جبین فعال و حضرت ستوده اوصاف و فعال سابق
 میدان فضل و کمال صدر بن مجامع مکام و افعال و طراح و اشفاق و مزین
 استیصال و استخفاف نماز گلشن علوم و معارف و بوسان کمال و لطافت مانند
 سر و سر از طبع بلندی قلعه فاف حقایق و هوای نصای و قایق همار و از او
 رخسار کنش می یزد دولت نور آفتاب عالی منزلت کبی روشنی مبتنی میدان فضل و کمال
 امثال او از اندن مرید با بقی اوله و غی تحریرات لطیفه و مؤلفات شریفه می کبی
 دلائل قاطعه و برا هیج ساطعه ایل مدلول و مبرهن اولان زکریا افندی خدمت کرد
 انقرون نام قصیده پرا حرامند از اولاد اذیال اشتغال و دامن تحصیل فضل و کمال ازین
 دست موانع و غار علایق منقطع و شرابط و علل استعداد ذات معانی ازین
 با سر با جمع اولوب طریق علمه سلوک سیر و قلرین صور مزایای علومه طبع فضایل
 مرسوم احسن مراتب و معلول فضایل و کالات ذات ستوده صفات عله غائی
 اولان مخرات ذی منبع تعالی معلول افندیک اناطولی قاضی کمری کنن زکریا
 خدمتند ملازمی او کو منظور انظار عنایت و مکاری او شکر در عین مراتب
 و صاحب سینه به اعتلا و ارتقا ایدوب نیجه دفعه سیکه فضل و صفات محکم اعتبار
 و امتیاز ز خالص عبار ایدوب کی ظاهر و واضح و دفاتر عند الامین بکرم کرام
 او بران میدانن امثال او از اندن سابق و راجع ایدوب کی ساطع دلاج او کو
 بود اسطه عظیمه ایل مدرسه علی پاشای حق تحمل اداره حق تدقیق و تحقیق
 او شیدی بعون ادرنده اوج شرفه مدرسه ای بنام دن بولوب شریف صحن
 تانیه ایل پرنیان اولد قده کمره افتخار آل عثمان صاحب قان زمان کا سراج

ایل بی و عدوان اولان حرم سلطان سلیم خان مدرسه مشغول مدرسه
 علم و ادب ایکن قاضی مدینه طلب او شریعی اگر چه اخوان زماندن بعضی صاحب
 و عدوان بر بر جمع اولوب بر فوای و القود فی غایت لکیت و مفسطاه و غزنی
 چاه مذله الفا ایکنه اقدام ایدوب قضا نور دن جانب فضایل موفور برینی عزل
 ایکنه بحسب الطاهر مقضی اکرام اولد لکر عنایت به غایت سحانی و هدایت به نیت
 رحمانی ایل غریز طالت و جاه زلیخی اقباله اگر چه منواه دیوب جوق مدت چندین
 عزیز مصر عزت و ملک ملک فعت اولوب روده خوسه به قاضی و حاکم اولد لکر
 مدینه مزبوره ده اظهار شایر و معامله دایم و خدمت دین اسلام جان و دل دن
 علی الدوام قائم ایکن ارباب ددن چادر طغیان استخوان شیطان ایل مدتی رخسار
 عصیان اولوب حبس استیج البیس مقدمات مکر و تلبسه مشغول و لغد جناب
 سکا مشمول قضا مزبور دن معزول ایدوب لکر لکن بوحال چشم اعتبار لری کور
 اولد لکر آفتاب اوج دولت کرد فتنه ایل مستود اوله و نیر آسمان اقبال جا و بدین
 ابرائوب ایل نابید اولوب مواهب تقدیری موجب تدبیر ایل در ذلله و ابواب
 الطاف ملک جنیری دست خدای و نزو بر ایل سدایده لر
 سوز خون به نیرنگ خیالی چکند چون کلیم از چه اعجاز عصار بر کرد
 بخدا نه حکم اعدای بنده دکن حاتم انتقامی معارعه سپهر انما ملرندن خیمه
 اولوب قوت بازوی حاکم ملرندن سر نیجه خصوم پیچید و جلد ناک کشف وار
 سر نکبت مدار کشید اولوب بعون الله ملک الوهاب آفتاب عالمی در دلری
 عقد کوفدن خلاص بولوشام مخفی صبح سعادت مبدل و قافله امانی و راجله
 امانی ره آلام و علامه دن طریق اقبال اجلاله تحول اولوب قسطه طینه محمده حاکم
 و فاضل همه نرغیه اولد قده حکمران ذات خورشید انارجه بنور ابوان دیوان ایل

مستخرج

مستخرج

بر شادی که چون زاد فوت کرده بود . انرا بیک لطیفه قصه کرد روزگار
 محتاج بود ملک پیرایه چنین . آخر مراد ملک ادا کرد روزگار
 و الواقع نور آفتاب کمی روشن طالع . در که اول آنست و صفات فی کل آن حسین
 خدمت دین بسین کوشش بنیاد ابدی حکم . همان علی الاقبال انت طالب منور آلی
 طوای سعادت پیرای صدرت ایل معنون اوله سر او حق در . و اول جابجا کند که
 علی الدوام کند و خواب خوردی خواهم ایلوب میدان کثیر دلائل و مضامین و غیر
 گشت خاندان مدام خواهم ویره بموجب و حتم علی الايام انک غالب سپاه رجا
 نوادی طلبه مرام و مراده تلقی ایست معجز و محقق در کتاب هدایه به هدایت ربانی
 و غایت سبحانی ایل بر شرح کثیر بخشید که غایت مقبول و محبوب و زمانه بسین
 و خود را شروح متقدمه به احکام بنین کمی منوخ . فکشد و شرح لقا و تعلیق
 و صد کثرت به حاشیه . و شرح کوافه دفع تعلیق لطیفه که هر فن پیچیدگی
 و در هر بری مقبول ارباب انظار اولوب افاضل روزگار و مانتی شهرت بخند
 مبادی ایام صبا کن ای یومنها ذره مثال خاک برداشته آفتاب غایت و طغیان
 و مانتی خضعیف بنیه پرورده ابر افکری اولوب صدق خاطر فائز و بیان
 و احاطی باران و غنی باطنی ظاهر داعی اخلاص ظاهر شبنم کم که اگر ایل نافر
 و خندان در لاجرم بماند نه انچه از غنیمت و بو خاطر خاطر فائزده جای کبر و غنیمتی که
 اول حضرت و الازبتک بکرم شکر کنم واجب و حتم . جزایل جلایل نعمت دین که نقاب
 شکر بی ب تکل با رستن حائز و بایز و و صفای سپاس به قیاس ذکر نموده اند
 عا و فاضل در هزاره یک و بسیار دین اندک بی بیان و عیان قلم
 نشا و اندر آیم بخواندگان . مفرح رسام بدانندگان
 فرده و لانرا بر آرم بکار . غم آلودگان ترا شوم نگار

وصف طبع

اما مثل

اما شواذات جلیل که یک که خوف به وجود هم خضره النعم فحوا سی و زره انوار
 مجد رفیع جبین بسین طالع . و اول حضرت پر کرم و جود که سپاه به وجود هم
 من انما السجود . متغایر انار برز کواری رخسار پر انوار من طالع و در زلف
 و توصیف من غنی و مریح و اطرادن مانند نوزد کای نیاز و مستغنی
 سخن بدمخ نوار اسنن غفلت . که نزد اهل هجر و نفع بود مارا
 و که منقبت آفتاب معلومت . چه حاجت بنیاط روی زیبارا
 سایر فضایل فضل عری و فارسی و ترکی اشعار و بوفند طبع بلند از یک نهانده
 اقتداری و در در بوبر ایکی اشعار و ادوات فضایل خاکن با کاکر فکر و انظار
 بر اعتباری و در شجاعت سیاح کلک تباری و قطرات زخار خاطر برز کواری
 لعل کند او کینور مشقه که سر و چین . دادی دایه و ارمید رانده ای کنگر
 یوله جان ویرنه و سلم درج انیم دیش . که بو عهدینه و فایر به جانان نشین
 اتمدی هرگز دل سکین شریه اثر . طایفه باشد باشد طایفه اوردی که کوی کوی
 لعل نیرنگ در در بایش ای غنیمت . طوی کویا که اغرنینه بود رانختی دوشن
 کوشه غنی نه یکوب دوشه یاران . میلای سن بخدی بویله نوبه کار اولی دن
 کلشنه غرض حال استی به محبوب . خجسته ن بر کجی کور و بانچه صور
 کینج حسینه نیال ایره اول کجبر . از دمار در رانج بکل ایکی کسولر
 عرصه حین ملاحظه سر آمد در . کاکل ایل اول ایکی سپاه ابر و لر
 بولطافله کور و عارض باری . کلشن ایچم سکه جک بر کار ایل صور
 لیدین اغیار اغرنین او یار اید . با که ده بر بوسه ویر دیم دل اغرنین
 کینج کچون موده دینم جکدی ارباب . خاطر ایچم سکه جک بر کار ایل صور
 و هو کوی انظار و عالم العا کث فی غرض شکلاته حلال موز و عطلات

محو در
 اصح

وصف طبع

کریم الاوصیاء الاخلاق عظیم الخلق فی الآفاق مستجمع صفای العلوم مستنبط
 وقایق الحکود والنوم مولانا الشیر بلطف یک زاویه جعله الله شی من الذین
 الحسنه و زیاده پرمختلای دفتر دارلق منصبه اید متوز و مکرتم اولمشیدی لکن جناب
 فضایل بها بزرنگ که صفای روان کمالا تک سرخیده در سمت تحصیل علوم و فنون میل
 اولوب شریک طبع بلند پرواز آسمان فضل و عرفان طیران و نهادی ملک نژادی
 زمین علم و ایقانه جولان ایدو ریاض علم و ادبی آب و طیله ایدو سیراب
 و کشتان کمال و بونست فضل و انصافی جویا بهر جهد بسیار و کوشش سون بشمار
 ایدو سبزدن آداب ایدو حقا که وفور علم و فضیلت و صفای لطف خصلت ایدو آراسته
 صفات حمید و سمات پسندین مکارم اخلاق و مراجع اشفاق ایدو پیرایه
 بر وجود شریف و بر ذات لطیف در کفایت علم و نهایت حلم و جودت طبع و حدیث
 و انواع مکارم و انصافی نخی ایدو اسناد کفایت در سر و بالا کیستی زوشتنه
 و جهان حال فرخنده مایه رنور هارت و حایه جلای سعادت ایدو مزین و مجلی و مبرات
 ذات ستود و صفای مفضل معارف و کمال ایدو روشن مجلی در انوار فضل و بشار
 جبهه مبارکدن بر وجه طاهر و باهر در که مهر سپردوار انکه دعوی مساواته دن
 و انچه ضیاء و انشوری اسرار جبین همایوندن اول طریقه لایع و طبع در که
 روشنشان شب تار و نواب کوکب شیار انکه دم مبار او ربه دن و از کلندر
 عی الاجمال احوال شریفی بو منوال اوزده در که قیاط قدرت قیاط صفای فضیلت
 قامت وجود پر جود لایه راست ایدو ب دست ایام ردا و کمال ایلتنه ماک علیا
 لایق و سزا کوردکن عزیز ملک کمال یوسف مهر استیصال اولان سنان فزیده دن
 ایدو کام روا اولدو فکرمه موارس سنییه اعتقاد ارتقا ایدو ب قرق ایدو ایدو
 داود پاشا دن موزل و لدن هنر پشته مکارم و مکرمت چاکم و ارضای غلو همت

آصف سیمان مان صاحب صاحب توان مرحوم علی پاشا کز و لغفار تربیت و طاعت
 میان جانرب بند ایچکد لدلن صوب و مرانه سوار اولمشیدی الله ایدو ایدو فخریه
 در کسنه اندن انست معاقبتا صلیبه مدرسه خاکی خاص قید اولوب اندن جود
 شریفیه که سما و فضایل شعری مایه در مدرسه شریفیه مایه تقویض اولدو دن مدرسه
 مرنوره و دومان جناب معالی شریک ایدو موال اویش کل مشقت بهشت اولمشیدی
 بدین چادر کن سرائی اقبال و عناصر اربعه عالم مجد و محال اولان مدرکس سیمانیه دن
 بری انتماد سن علی ایدو تحصیل انواع غنث و غلا ایدو اندن بیتا نه علم ده
 شرفها ملک العلم خاگم شرح سیدالنام و فاصل افضیه سر عیبه خاص و عام اولمشیدی
 اول کلین کلین فضل و فضل مکرمت شرفه دن بی وجود بی سبب غزل اولمشیدی اگر چه
 دور ایام و سپهر بی مبردن بر مقدار جفا صورت لکه نمایان اولمشیدی بوجون نه
 طاهر لطف و مهری عیان اولمشیدی و قامت غنث و سعادتی که فی الجمله کان کی
 انجا بولمشیدی حافظ خورکی استقامت بولمشیدی بیله بی شهره بی رنج کینج مبتدر
 اولمز و بی زحمت نعمت نعمت مقدزا اولمز پیشگاه سعاده اولمشیدی دار که
 مشاق جاده طلیه صبر ایدو و جمال کعبه حراد اولطالبه تجلی ایدو که رنج بادیه
 تعب و فضا محمل اولمشیدی جانیه جبر ایدو بقدر اکتد کتب المعالی بروش
 محکم سینه بیجا اولوب خدمت شرح معاینه ده دایم و قائم ایکن اندن دخی موزل
 اولوب خاطر فضایل ثویله غنچه صفت دلشک و بنفشه کی حروف و طول اولمشیدی
 طاهر اندن معالی قفا ادرنه احسان و تحفه روی سعادت لری کل کی خندان اولمشیدی
 انقی خرمه مزین جناب فضایل موفون تقبیل اولدو دن زمانه وضع انش
 بی محله صورتنی بی کفایت من ایدو ایدو ب دوام دولت ایدو بوز لایه استلال
 ایدو و سپهر دوار اعط القوس باریرا معنای شهره و مرعاینه ایدو

اصف سیمان مان

استمرار سعادت ذات معارف را برین جازم و عارفان او که امید در که من بکلیستان
غزل و اقبال که در صوفیان و اختلاف در تکفوف و آسان سعادت و اجتناب
امداد غایت از بی و اسلحه حمایت لم یزید. اوله مخوف اوله خدمت شریفه اولان
محبت سابقه و مودت لاحق و جناب فلک قیامینه اولان اخلاص و افر
و اختصاص بیکانتر متصف. اوله بیکه اوصاف ذات کا میا برین مستفلا بیکان
تالیف و تصنیف اوله. لکن سامت و ملات تطو بلین احتراز و اجتناب اولوب
بو مقدار قانع قبول بیاختصار اوله. بو بر اکی شعار اول ذات بزرگوار ک
اول حبه لطف و نوالک و اول منبع سلسله تعالیک و اول عیان بیکه افضل و غنیانک
اول بحار مدد راجع و اتقانک رتبه کلک ستاری و قطره غمام افکار بر
نر کلدی سنگ عشق ای لیل صفت با سینه مخزون دیو اطعانی شهرک طوبه بر طای
یار اغیار بیل غم ایلچاک در بایه. طفل دل اعلی و رقی قالدی بک طاشن
دور ایدوب رخنه دیده کوهر زایه. قبودن زاده باشم دودری بورد بایه
شود کلو مایه که کرم خضر بالینک غنچه. بوسه بیکه سیر ایلین صانور خضر لعل
غمندن آه ایدوب نوک شود کلو غلدی. کوزل آهلا شکم صنور رنوح طوفان
روز و صندن او پرسم نوله جان الین. وقت عبیه اوله او پر بزن لر سلطان الین
کور مردم اول بویغ نایه کبی حاجال. که چه کشت ایتیم سر سر مهر که کفان الین
دست جور کله خراب اوله کج حاکم. لطفله معور قل کل کو کلک و بران الین
ساقیا جام شراب اله دستن نیم. طوتمشور بیانه ایلد نرازل بیان الین
باقیدی دستینه خن اول نال هر بکند. عاشقن قربان ایدر کن طوتمشور بیان الین
بوسه دند زباز دزد بو قل بی بل ایلد سر و سر فراز کبی حجاز در
مرغ دل ای یوزی کل کو بیکه دارماغ استر. طلبه بال پیری بوغیسکن اوجاغ استر

اغله دغ

اغله دغم بو که مردم بنم اول سر و س. ره عشقن کوزم باشنه ارماع استر
درد و کج رختای دل کلک الی. سینه بر عید اول کو کدن اوجاغ استر
کلک و کج خوشودن نازیکه جانانم نیم. بو رکم ایدر کوز کج خوش ایدر جانانم نیم
طور فراز کوز لر مدن فائده باشم نیم. کلکدی کلکدی نیم بو کلک کت نیم نیم
معد قصبه نوه برده لیدر عیال سلطان یغی و غبار ک کسانیه ایدر کج کج غنچه
اوزده مطبوع الثمایل مقبول انصافین ضابطه خصوصیات لطایف نویسنه مودات
معارف طریق ابراد و معارف نظمه واقف. انصار و ابیات زبده قول موصول
اولوب دفاتر کلانیه امضا ایل کالانه محضه مقبول اولدند بر یور اکی شعار بو مجله
لعل لایه جان دلین بنده و افتاده یوز. زاهد اعیاب ایلد زبر السیر باده یوز
صوفیکه قصبه یو کم سیکه ایدر خواجه. بودخی خوشه عمارتیدر اوقاف نیدر
نظم و جلد و رنگ ایدر بوسانه خوان. خوانه جمعت جعدی شه جهان خوان
عجمی جمع بغایانیک ایدر سر صبا. حواله اولدی بنه شهر کستان خوان
دو کلدی برک درخت آفت سما ویدن. دونهاده سنی عرض ایدر رانه خوان
انگوشن ایلدی بادی چنین دفتر دار. که واردات اوقیه شاه مهر جان خوان
صبح صادق اولور اول مهر درختان کلن. قره اخشا ملر اولور اول مد نامان کلن
سید میخاج نام قصبه دند زامات و نظارندن کلن در بای غیش و عشره خواص کلن
ظلمت سجاده بعض و ناموسیه صوبه حالش ایدر یو سحر انگیز امین
ایکی ابرو کاره سندن کورینن حال چین. سدره دن پروازه جان ال جدی حیران
غنی سنون نامی اول ذات انجیل نام نامی واسم سابیسی محمد در پیر بزرگوار لوی
که آسمان عرفان بدر بر انوار در کل باب علوم و قدح اصحاب فنون در قومدن
ریشه اصحاب علم داد بدن خافه مدینه طلب ایلن قضا ریاخ و حکم نافذ یزدانی

در کج کج

ایله دست ساق اجلدن کل نفس ذائقة الموت شریح چنان اولوب شهر باز
 بلند پرواز روح روانی بو خاکدان جهاندن کسان خانه طهرن ابدن سر آمد
 احی فضل و عرفان سر دفتر ارباب ذوق و ادعان قدرت تجوئے مطبوعه سر بلندی
 خدمت مولانا پیر احمد چلی اندی در ذات شریف جلالت شانه که بدر برج معارف در
 و غنر لطیف سعادت عنوانی که هر سپهر لطائف در مطلع خانه فضل و کمال در طالع
 و شرق و دومان دولت و اجلال در شارق لامع اولوب الیه الان تصادیر در
 عثمانیه نیک چهره کشی و تصویرچه قصور ایلت خاقانیه نیک زینت فراسی زنگ دای
 مزایای قوانین و احکام رنگهای طوایر شیرین اسلام عنوان صحیفه جاده و جلال
 و فقه لکده فخر و جواهر دولت و اقبال اولوب اباعن جبر تمام عهد و عهد ایلد
 آل عثمان من مثال قلم سر درن قدم ایدوب مداد آسمان بعت خط خرم نلرین جبار
 دروان و پوخته غاشیه اطاعتی بر دوش و کمر خدمتی در میان قلوب کوی
 میدان عبودیت جوکان اطاعت دروان اولان مرحوم جلال آده نیک و دمان
 جلالت نشان و خاندان کثیر الحسنان ظاهر و عیان و لامع و رخشان اوشدر
 اوایل حاله که انام تحصیل هنر و هنر کمال در مراتب صفات بالذکر غبار
 کسل اهل پاک اتمکله مجلای صور علوم و ادراک اولوب قلم نقشینه خیال صحیفه
 بال باجلال رسم و کتیر برانید و کصوره کمال آینه حصول جلوه کرد و خوان
 معانی و شواهد ادراکات اولف نامی ادخ توجه و التفات جناح ایلد در بره
 اوکورد دیده امت بی هماری هرگز سبک عارض حکار و خورشید اقدام ملری
 ظلام عدم اتمام متواری اولمندی هر که را اقبال ایلد زاده هر می شود
 امت اندر هر چه می بندد میتری شود بر فحوائی غمشدای
 ثوابس کتاب نفیس . انه فی الزمان خیر جلیس

در دست

در دست

سر طه و بوستان و توفیق حدائق و برارستان مطالوکت فضایل عرفان غنیمتی
 و تداول کوسن خراب ارغوانی اداره کل بزرگ اصحاب تحقیق و ایتقان قلمشیری
 نر کسر خرافات و مظاهر انوار و از مار علوم کماثره دن اوز که به ناظر اولمندی
 و غیران غیر عاری ریشات سحاب سخنان اکابر دن غیر یله سر سبز و ناصر د کلمه
 جناب معاکت بی فضایل و حایه بالی باطن ملک اولد قدح حکم و طوق علم سلالت
 اولد فن مرحوم مرحوم خدمت معالی رسوم رینک هلال جود و متالک آنا فاما
 بدر کمال اولوب آفتاب علمیات ذات فرخنده صفایه افق عزت و دولتن
 طالع و لامع اولمندی تواند از عالم امکان و منور و ایامی قیبه جهان اولمندی
 عارف و عالم اولمندی و قدم قدم در جاذبه و اجلال و مصاحبه و معاهدت
 و اقبال و اصل و فایل اولمندی و لایکی واقف و جانم اولمندی و دین و دین
 ایلد کران اولد قدح جبین مبین اصیل دولتک لامع در شان و خال و خور و خور
 ساطع و عیان اولد و عین مشاهد ایدوب فکر و فکر و ملل ملل و ان و خور و خور
 و اوراق و اطباق بلاغت و رقم زده کلک بدیع الایاتی اولمندی و قیبه و دیوان
 قدر و قضا کتیر بر شیر احکام دنیا اچون حضرت بارفت و علل و نغین تمسک
 جویم و نغین اوزره اولمندی بنا و علبه جناب جلالت تن نلرینی که انال و انال
 مباهات فایق و قلم مثال مثالی اچیم مثالی بالیان اولمندی انواع رعایت
 و نوازنده لائق و شایسته و طوق بر توفیق کاتبه سائق اولمندی فی الواقع و مقام
 هر قوم نظری صحیح و راست اولدی که لوازم انوار سعود و جادو دانی ساعی است
 لامع و طالع امار و نور کما مرانی مانند خورشید آسمانی روز بروز بارز و ساطع
 اولوب تبارک و تعالی دولت افق وجود فایق و ظاهر و لامع اولمندی کون و کون
 روشن و واضح اولد و مناسب سعادت کفا پر کفا تکریم تسلیم اولمندی

و مع عاشق و دو دم صفاق کبی با هر دو سجده و بعضی در زانو عظامه که در جنگ
 خدمتیه اید استخدام اولوب رئیس کتاب دیوان طایفه و نویسنده جلالیه و قاضی احکام
 خانان اولوب سلطان جلالت نشان مرصوم سلطان سلیمان خان زمانه اوراق
 روشن عزت و اقبال و صفیات روزنامه سعادت و اجلال قلم مشکین رقم
 و حاشیه عنبرین شماره لرزه فهم و صیغای نام و کیا و جواید فضایل و معانی رسوم
 کفایت و رفوم و نظریه مسطور و رسوم اولوب پنجه زدن طوائف و سلسله جهان
 اولدقن زهره زهره بزم فلک مینا و ذات خرمن صفات کوردوب بوبیت
 توجیه که از سر فلک نو ملک عاشق است و صحیفه فلک از دفتر تو یک ورق است
 جناب امجد و انجلی مثال قلم و زرا و عظام الذین و شیموب هر آن اوراق متودان
 کبی باشد از زره مکان ایدر کرد کونن کونه آفتاب دولت و عزت و برج رفعت
 و عظمت ارتقا و اقدام اقدام و ایتماحی معاهد غرور و عطاء و اعتلا کونن و
 فارس اقلیم قلم ایکن صاحب طبع علم اولوب شقه رایت برج الآ بهشتی و پرچم
 توغ فلک فروغ باکتای سر دولت مشرق و نماز مبارک سعادت مظفر لرزه سار انداز
 اولمغله ذات بر اجلای علم مثال اصحاب جاه و جلالت مبین مستند و ممتاز اولمغله
 امیرالاحرار و حکماء اولمغله که منصب جلیل توقیع از لدن نامزد ذات رفیع و
 اولمغله کبر و اولمغله استفاده ایدر زرا و اولمغله بعد اول جناب فلک نمکینک
 رای زبیدی مشکلی خلق جهان و فکر حسین و متین صورت نمای مرابای امن
 و دامن اولوب ذات ستوده صفات مطلع آفتاب عقل و سداد و منبع عیون صلاح و
 رشاد اولمغله و غی سلطان جهان و دفران ده زمین و زمان نوشیروان با عدل
 و داد پادشاه سلطان مراد و خورشید و خورشید معانی روشن عیان
 اولمغله و نظائر انواع لطف و کرم و جمالی صورت و نوازش فراوان اولوب

در این کتاب
 در این کتاب

تشریف شریف وزارت ارزانی ایدر یک و جو خورشید انار و نور سهر اوان
 اولمغله بدی بعد اولمغله و الا دن استغفار کوشه نشین منزل استغفار اولمغله
 کنن توقیع رفیع سعادت و مدار دست تقدی اختیار دن خلی پریان روزگار
 اولوب مرالای ادا و دال اوچموب شیرین نمائینی چکوب چورمکه نرات
 خاوا عکری بر خبار اولمغله بنای علیه کبر و اولمغله رفیع و عظیم دست نظر لرزه
 تنویض تبسم اولمغله همانا تا بختی منصبی بر و سدر که از لدن ذات جلالت
 مانوس لرزه نامزد اولمغله غمزه جبر و اگر اهل و ارباب جناب دولت خلیقی پنجه دفعه از غلظت
 ایدر که طلاق رجعی در دیو و ساطت شفاعت ارباب سعادت فید کاج و تخت
 نظر فلک کورد و با خود ذات فایض لرزه بر عاشق صادق ذکر که بر ابلی کونن مطلب
 و محبوبین معارف اولمغله بنات پرموده نک نزول باران و غیب دلخسته نک
 وصول ایدر اشتیاق فتن شد اولوب هر شیک مرکز کونن و آب روانک
 سوی کلان جوایز کبی جناب جلالت نشانه منجذب اولوب دایما خدمت علیه لرزه
 کلور ایدی بوفنده طبع عالی شاک طوائف خیالی عنوان و امثال اوراق مبین
 زائنده نام و شایسته و ایدر بوشا و ایدر بوشا و ایدر بوشا و ایدر بوشا
 با قیام و غمی سینه ایدر اولمغله غلظت کرمه در دلدن دال اولمغله
 نه کونن مسکن ایدی ملک جهان اولمغله صاورب فرمن عمری بیل ویر زره حاش
 صید اچون مرغ دی فرمن عالمه کوکل دام نزد بر اجلدر نور ملی قید حیات
 عکرمسته اولمغله زلفی سردار المیش دلا اولوب هرین بر تاره بردار المیش
 خنود تیغ و کندن بلیه بند المیش شمسوارم موبینتی سحر المیش
 ات صالوب میرد شوق قتل اچون قنی کاکل مسکینه کند ویر قفادار المیش
 غمزه سی مز کاجی کیدی دلن ایدر لرزه بنویند با صوب ایدر کند ویر دلا المیش

در این کتاب

گنج غم اولدی مغر بودل انکاره . کلدی ارباب حنن با که مبارک باده
 دوستی کین اورسک کادشنگ . اختدا اتم صفین کسه ایلدنیاده
 نامی آب و هوا سے مقبول مرغوب اولان مدینه بدیع الکلوب شهر اسکودر
 بکلی محب بکلمه موصوف شهر نورانی شهر نور مینانج حلال مشون کی پرونده کورد
 دمی وار در کوزلم باشنه عیان ایلر . اول پری با که جوق ایش ایلر هان ایلر
 خانم لعل خطیله الدی دل ایلر . لشکر موریلر بو فتحی سلیمان ایلر
 نامی اسم جعفر در دبار حیدر دن قصه اغرو سدن نورانه قاضی دیکلمه مودف باغشنگ
 اولغیدر والدرت کانی قات فی الجلا واسطه بید حیدر دالمان دل و جانی جواهر
 تربت واحیایه ایلر پراتیه کدن غیری قدح افاضل روم جامع النور و العلوم فی الجلا
 بودی عرفان مرشد و نادی اولان استاد نابو کتود کمالی خورنیه دانشمند
 ایلر و ب آسان سعادت آشیانیه خاتم ایلر خدمت شریفین ملازم اولوب
 اول غنیه علیه به انتادانت ایلر حالیه خلیه کاران دکاباب اولمده لکن خور
 اذانت اکرمت الکریم ملکته . و اذانت اکرمت الکریم تمرزا
 دیش جانغ غم والدرت دس مکاندن کورد دست حالیه نمایان اولان مصمم
 رفو ک فضا در ایلای خلیه به بصیرت مستور اولوب ابناء ایلر دس
 حاد لایمه انتا چون اولان ت برقیقت و مدحی حاشا ذم و فوج ایلر دی
 دهانا بوبیت بیبال مصدوقه حال احوالی ایلر .
 لغد ربت جو ایلر طول عمری . فلما صار کلبا عیض رسل
 آخو کار عمر زندگانه دن بهر دار اولوب المای نام قصه ده شایکین والد
 علی آن لک نعم فراوان کوزینه طور و ب اعلی اولمده ی بریکلی آیه حکم عالم ظاهر
 بوموب دار ایلر آهنگ و افعال اعلا شیه به دار دنیا می شال نفس باشنه

تنگ ایلر اشکار لایحه ولا کجی محمد کلام موزون نفی متولد سید بوانکار ایلر
 نه غنوه در بون شایم نه شبهه در بون باز بو کونکی کوندن افندی فو کونک دفعه باز
 کتسه به هر طرف دن روز کارال برک اولر . نصیب اولما کت شایم مراده ایلر اولر
 فیکر عاشقانه ذلت رقیبه خلیه رفت وار . بو کون ظلم ایلر دنیا ده کیم یارین قیامت وار
 مرادم اولدین سید وصال ایلر ایلر . انجمن کین غن روزه ایلر نه نیت وار
 نالی محمد در قطن طیه حیدر دندر مقبل حرف العذ مطور و مذکور اولان طایفه
 طاهر نسب افتخار لالا . منبع لعل . مولانا ایلر کل ذر نه معارف موفور بیدر
 دصم معلزاده افندی کتب علم و کماله خاتم اولمده خدمتین ملازم اولمده
 حالا او تو زانی مدرسه دن موزون کھیل و کھیل معارف و کماله مشغول طبیعت
 شویب سی فضیلت علیه سینه جمیه و جواهر زور و بلاغت و براحت کردن دل و
 جانیه نیمه حسن خط و موقول اشعار و ابیات حسن قبول موصول اولمده
 جمله تراکت و لطافتین روایت اولور که بی وقت محاسن انار شیب ظاهر
 اولوب ظاهر اسن و لینی تکذیب ایلر یک اول فی مقابله ده شهر ایلر بوزینه فرا
 سورب صفایه بویرد . و بومعنا به غیر لکی لکرا ایلر بیا راننه واقعا بن
 بوموی سفید ایلر اولسم وجود محی استغفار ایلر . بنی اسرار شیش و نوشته خرم نیر
 ایلر و مجلسین انش زلمه همد . اولمده کزدیر کید . بوانکار ایلر .
 بازار حسن ایلر اولیدی بهاسکا . ویرمک نه ایدی روح روانم تراکا
 کل بوزک کو بیکم هیچ کونتر مدک کندی . نقد اشکم کلکون ای سرو و ایلر
 اندرب لعل لیک بند که ایلر سن داد . او پیر رسن الو کجی غنزه ایلر دن زیاد
 کرچه در کور را دمه باران او کجی . کور خاتانه عجب دیش کوبان او کجی
 دقتن نیر که غم یار نو ال . غم سیم دلا ایلر نزدیک خون وصال

بیل کے آہ ایلہ کو بند حبیبک . شایہ ضرر کی ارشہ اول تازہ نکالہ
 بو طرز حسنہ یہ سلمان کنی نایب . احسن غزل بکلی بر کوردی کمالہ
 نامی قبتہ السلام . مدینہ پرا حرام . مقسم ببول منی و سؤل اولان شہر سنا بولہ
 جناب فضائل بن مولانا الفضل . والہدرا الاکمل ہدایۃ الزمان غنایۃ الرحمن .
 نہایت فضل و عرفانی . بیرون شجید غایت بیان . اولان علما ایاکم ہر دو سہ سہ
 مولانا فضل افندہ . آستانہ سہ منتمی اولفعل مشہور و مذکور در بوغز لایق نامنہ
 شایع اولعین مزبور ک بود کلو الام موفوری جگہ یاد . بودافع اولک فضلہ جہ
 جہانک نمونہ کند و آب دانہ فرکیدر . ایلک کاشانہ سندن کو مشہور و مزیدر
 غنا صدر ندہ کے موزنا آسودہ سرور . فنا بر منہ خواب آلود اولان سنا نہ فرکیدر
 ہمای اوج غنہ کبھی غیر سزدن ای نای . محبت شمعہ شہر یقین پروانہ فرکیدر
 آیینہ و شس جہانک قلمس نولہ نظر کلز افندی عاشقہ دیدار دین
 کلدی دیار و مکریم دیوز لکھی ارادی جملہ شہری سہر موقوف صوفی
 بخانہ سر غزل یوان غنایۃ الفضل محمودہ قصا . المبع سخواران بکلا طراز
 استوکتہ ششمان دقبتہ پرواز . شوار و یک پیوا و ریشی ویرلیغ و توفیق غنہ
 فنر اکسک طوائف نویسی اولان شاعر کرا آفرین . و ناظم عہدیم العبد علی القومین . در
 صنوف اشعار طیبہ ایلہ محفوف بلدان دم اکچن عذوبت اول لطافت ہوا . ایلہ بروم
 و موصوف کلمہ سجاد و لکف . و بوستان ارمد جاننوا . سواد کی کبوی ماہ
 کبی دلا و نیز و مہورہ سی چہرہ و سیمہ ان شایہ طرب انگیز . دم عیبی اتنا سنجینہ
 و نشا آب حیات ہوا ای جان پرورنہ حشر اولان دار کفر و کینہ جو شہر در
 لکن نونہ نامی بلع قلمونہ اولشدہ والدہ ماجدہ زکوارہ پدز نامدار ک . متقل
 مسطور اولان میری فزیدہ بخت نور ک . حقہ دما نرمن بو کونہ ناز کو ہر و عمل

صفحات

ایدر کرا اید کرش و مشہور مرحوم و مغفور احمد شایہ حرمہ بود و صحت لغت
 ایدوب شوا و سوا آفرین آسان فلک نمکیند شال پر دین برین جمع . اولو
 ہار صفت اولہ خوشبہ نر لندن ایلر لیز . و حلقہ کبی بکرت وجود نرین ایلر
 ایدک اول نشادہ قلمونہ بر کار بان کلو با خبر ویر دیکہ بخانہ خلص نوح نام .
 فصیح اللفظ . و بلنج الکلام . بر شا عسا . پیدا و ظاہر . اولک دیو ایا مین دونہ دونہ
 ردیف رابکی غزل لطیف . دیوب شہرہ خاصہ عالم اولک بو بکلی شایہ اول لک نرین
 چقدی فلک در و دم شری دونہ دونہ . باندی فزیدہ سہر کجکری دونہ دونہ
 سن اولاسج بو بر اصلوب آیینہ لار . کلنہ کیدہ ایلر نظر سری دونہ دونہ
 اینی برین بھر زلفکہ بردار اولکک . ذوق و شوقیلہ ویر جان سہری دونہ
 نام زلفکہ کو کل مہری خواب اولک دیو . سکہ ایلندی کو تر خبری دونہ دونہ
 کعبہ اولاسہ چو ک بکون ایلر بخار . ایلر لردی طواف اولک کزیری دونہ دونہ
 بو جفادان کہ قدح اثرک او پر دونہ دونہ . ناز غیرت کباب اولدی جکر دونہ دونہ
 نہ روا در بو کہ بن فامنی حلقہ قلم . الجہ بیک توجہ روشن کردہ دونہ
 حقا کہ بر خواسی الفضل المنقذہ کبیت اشعار برتر اکتی . مدار بلاغت و مضمار
 فصاحتہ سابق . و طرز غزل و ایلر اد مشل دہ شوا و بلغای جہانک فانی ایدک
 نوافق مغارب و شارق کبی لامع و رق . در طرز غزل جہانک جدیدی طور
 مشل زمانک زبیری اولک نہ مرحوم والد کت بو کلا بے شایہ در
 حشرہ دکر شاعر و کامل بے شو و غزل کلکبہ نہ بخانہ کبھی ماہر فی المشل
 سلال شایب معانی اسالیب لطیف کبانہ . سندن جاکر و رباعی لطافت معانی
 مجاری کلام بی شالند نمودار جمال جنات بحرین منسور طبع بے مثل طوای
 غزای مسغان ایلہ معنوی کردن دل پر کانی فلادہ وقت خیال ایلہ محلی و ترنیا

خیال

بر سر دکان آینه بوز اور ما بچون کیدر . دوز دوز ترانه ایلد باغ جویبار
 یار سبک آینه جهان بواز دواج . چون دور مهر عمر مسیح اوله بایدار
 اوله صفا و بخش مراد بیدردام . نیست که عهد سر و چشم بید افتار
 سلطان محمد بن مراد اشرف ملوک . دارای تاج بخش سلاطین روزگار
 شاه بخوم کو که خورشید مرکا . میر قضا توان دقد فرس در ویم بار
 بعن سلطان زنده حکم . با اینها النفس المطمئنة ارجی . دعوت از حقه رجعت ایدوب
 مالک ملک ابراع و ان . بر موجب توخ الملک مرشا . و تنزه ملک متن شا
 شهنشاه زنده که لندن برات خلافت . ویر لایح حکومتی الدروب و آستان بقدر برباط
 سلطنت و دار و گیر نی . دو مشرک اسار کا . اقبای زلزله قیامت اعی و منهدم
 و شرفات فقر جلالت . صد نه صر اجدن مت . قضا و قضا منعدم اولمشیدی . و اول
 اشاره ناسر منیر عدل احسان اولان در صوم سلطان بزرید خان . سر سلطنته جلوس
 ایدوب دمان که مباهن نام شریفی ایلد خنم زبان . و اعطاف محافل و منابر استماع
 القاب ذات بر مغاوی . ایلد خنم و شان اولوقن کیت مدح و ثناء سنده
 قلائد اولمغون شاعر کوریم قضا . ویر و منظور نظر کارم و غوایدی اولمشیدی
 بزد و نگه نشیدی جماله آفتاب . مشکین کلاسن کچیک عنبرین نقاب
 مشرق ایلدن اوچمشیدی شایه زهر . مزین قونوب اوچمشیدی باشنه غراب
 صیلا و خنم زانغ بنی قلمه شکار . شکل هلالی قلمشیدی جنگل عقاب
 با خود دم شفقن ایلد زخمت مر . عین سپهر اوچمشیدی شب سیه نقاب
 سلطان روم خرم و آفاق بایزید . کسری روز کار و نشه معدلت تاب
 لوح صغیری ضبط ایلد احوال عالمی . قول مؤلفه نه کم صفی کتاب
 شایانم که مجلس بر حکم ایلیم . بر تارله هزار خوانیسته که رباب

سف شکار
 سف جلوس

دمد روز و مه تریشکدن ایلر کمال . کیم تاب آفتاب خوشبوی اولو کلاک
 بیدار اولک که درده ایلر یورد واکر . عادت ایلر در در دار الشفا سحر
 هر صبح ایشکدن او فرسخ بایل . کوکلر قیوسی آجلورای مه لقاسحر
 هر خطه تازه روی و جوان اولمشیدی . کون کیمی . روید سور صفا سحر
 فی جلد کبریدی عنبر منیر که . بولسه جهان فاین رسم بقا سحر
 خوش وقت اولمغونی که عهد کن هر صبح . بر اسرفه بشینکا و جنبه بولا سحر
 در صوم سلطان بزرید خانک . ملحوظ انظار احسان و مجلای صولطف فراوانی اولمغون
 فزندان ساد نمند فلک نمکینی خدمت لیچون جناب بلانت نصیانی عین بوزر کرد
 جمله دوزن فلک باره شهنشاه ملک خصلت سلطان عبدالله سنجی و جعفر قیو علم کبی
 خدمت ذات محترمین ایلر یوب قلم مثال کتبه کلمش عبد مکانی و دیوان مکاتیک
 عطار و صفت کاتبی اولمشیدی بعن اول جود و حرقت وجود . زلال فنا و عدم ایلر
 ترک عالم و جود . ایدوب سما و ایلالت و جلالت منقظ . و کواکب نواقب حیات منشا
 اولمغون بوزر شیه دیوب دین سندن سیل خنم . مثال ذات و چون روان و سرنگ
 حرمت و امطار و افلاحت سحاب چشمن باران اولوب آسمان کی دوزن کت
 وزمین کی باشنه خاک خبیث صافق . دارالتلطنه العلیه بوزر اوروب ملام
 رکا بیدارت انتاب اولمشیدی بربایات اول مرتبه دندر
 دلا و بیغ الفتن ادکل ایلر تراش . قلندر اول که جود را ایلر لباس باش
 الور کو زیلد بقیه جهان کیم کنشک . بوزینه طوغری بقانک کوزندن آفر باش
 حکایت اولور کت و زنده شهنشاه مذکورک عاشق شیدا منی و سینه ریح نخت و
 ولایه و اول سر و شیرین لیک فرمای . و اول لیلی حسن جمالک نمون جودن
 نمانای اولوب حسن عالمگیر تک کا کل شکباری کبی پریشان روز کاری و قامت

به منال به نظری که جوید صفت به صبر و داری اولمشیدی اگر چه شهادت
 عاشق بر بلندک نسج را فحاشی او نه شاعر و معبر در دلدن خبر داره ایدی
 لکن اعلام و اظهاره جلاله و به حاله هر کز فال معالیه بوغیدی سرنهانه جان
 کمی مقبول شعله آتش درون پر زبانه اولکن نه سوزش جانی هر کز زبانه
 کنور زبیدی اول شهنش هلاکت شایخ دخی مهر و مجتبی هر کبی عالمه عیان و سیکر
 عشق کا مل العیار میدره دیو چک تجربه او مغله معانی ایدوب نشا صها عشق
 و محبت ایل قان زل و جام غام مدام ایدوست و لایعقلن ایلکن نه اول عاشق چه دی
 نرم شرابه و خلوت سراسی فلک جنابه دعوت ایدوب فر بور دخی بو حاله
 خیر اولوب بو غزل به نظری ایل بو کو اهر بر اخباری کلشاه کا مکاره اشار و غار
 سنبل صیقله فاطمه عا و اولک کل زطرک بر عله ایلک کون بر اولدی
 بازار غنم دلمیدر اول کیم خرد اولک دلال عشق الذن بو کون آخر اولدی
 تیغ مجتبی کیم اولدی شهید کیم روح القدس جنابه سینه حاضر اولک
 دیر لک نرا به خوابات ارطری شاد اول کول که التون اول کول با و اولک
 یغمه جمیم عشقه موتی بنی سینه بیاره عاشق اولدی به کا و اولک
 بعد ضامان سکنه زن مرحوم سلطان بایزید خان اولاد اجمال احسان
 نژاد زن سلطان محمود بنی غوغه جقدن شایخ ایلدقن امثال و ازان معانی
 پر خوان اولمیدی و طغرای غایبی بنی الامام نام دشن بو لمشیدی
 خسته بو غزل به بدل اول منصب و الا محاکم نایمیدند **ع**
 صنما که بنی دور زمان چکدی چورد بر طره لری مشک فتن چکدی چورد
 منته قدر دون بنی دیوان ضا که علامه اولدغه فتن چکدی چورد
 نقاش ازل صدول بر کاره قوچ **دوران بنی بر بنی نکل چکدی چورد**

صوفی و او را به کنورش کمری . یوق برله اول موی میان چکدی چورد
 طوبیکن اوق کبسی بولیند افاکی . الی الی برقاشی کان چکدی چورد
 جت پاکه زاده سالف الذکر کخی باغ سلطنته محال وجود طوبی مثال ایلکن
 نکبت اجل برک بار وجود نامدارنی و سحر حیات پر کوفه و انوار بنی رول ز ایدوب
 اولدو خاک مذلت و بوار ایدیک بورتیه دیوب برک مثال کلستان آستانه ایدوب
 دنیا اوی مفت و ریخ و غنایش . صحن صفایه کلری ماتم سر ایش
 بر دستمال کفن آخ سکر . دیز که بو کد ایش اول با دشت ایش
 بعد مال صاه و جلالت فراغت ایدوب هر آید بیک انچه وظیفه ایلدقن عت ایش
 کنجور کنوز علوم اولین آخین . دقیقه دان آینه فضلکم علی العالمین
 خاتم فضل و کمال ملکین . و نکین خاتم فضل و یقین
 اولوب خاتمی خلفه ایلد مذکور . اولان مرحوم و مغفور
 مؤید زاده ملک نام بر خوانسته ترتیب دیوان ایدوب منظر الطاف و احسان اولدقن
 اجرت بنو نیک طغوز بوز اون دورت سینه سنت کتیه جانتک طوفان ممان
 بخانه میتر اولمبول لکرمشان حرمانه لکرم بر اعونت انده کان و قرائتند داخل
 قسطنطنیه ده و قاضی مد فوندر **ع** اولمینی کلدی مسکین و فامیدانده
 قری مشهور و معروف در . مرحوم سیدی یک مزار بنی بر رب تاریخ وفات کتیه بخانه
 دیندر مرحوم بخانه شکر در زن اولان مولانا صنعی تاریخ زبور ک حروفنی قلب
 ایدوب کتیک بخانه آه دیندر **ع** ناگاه ایشیدی صنعی بیاره رحلتک
 تاریخ دیدی مونکه کتیک بخانه آه . لکن اهل ملاقات اولان بار اصفا به روش
 و هویدا . در که کتیک لفظی به املا اونی لازم کلوز سیر تاریخ زبور به جنتی دخول
 و منظور در کتیه بخانه آه . دیندر اولد و اوی ایدو کتیه ایشیه و مراد قری

بوبر ایکی سفار بلاغت شاد اولی و ساج فصاحت دینارک و بوبریچ ایستار است
 اول طوطی شکرستان کلانک با کار قلم ساری و تیج طبع بر اندازی در کمالی
 مشهور اولان دیوان غنایا خواندن انجلیاب اولون بابت کتدر و نظیره کلدی
 خط رخ بار اهل محبت اجل در غافل بود و آج کوزکی کون کجلی در
 ترکس کوز که او کینلی قدر کشاد بانک بکورد و کوزی و اول طوترال در
 بودار روزه سی سینه فی افکار ایل خوش ایدر غره لری کو کلکی بیبار ایل
 بر دم ایکن دولت دنیاچه بر صمدیل بوفنا کلزار بنک غیشنی مایم صمدیل
 اهل تکرور یک آینه ده تصویر کی بنونه با همشش تو عیب ای بریم صمدیل
 چاک چاک ایندی فزاز افکار کوجین زنده رکیشدر اراهم ادم صمدیل
 تکارا تو بیای خاک یک اوز که داردو جکریم سورمدن اکک کل در کوز تراورد
 سوا ایدر رفارده سرد و خا مانک سنگ قل بر کفتارده بعد رافانک سنگ
 نش طو غترخ بزر غمکه هدم اولان فیکک جنگ آدن اگر می آدم اولان
 بر اجم صودر از خجی را نکدن نود بر کن اچر سک نه جفر مانک دن
 خطر کنی بید اولن یا عذار صانه سن مصحفه رأیت بر کن
 خوش بر ترش در دمانک لیکن جانیه بوقدن و ارایدن بروردگار
 با تور دختنه ارجان فیکد بیدر نوک تر حشم ایل غنا فک فقی صید فم در بیک
 بخانه سدانیک جوار نمدن اول بارده اولان مقاطع کات اولوب
 فضا مفتین ایل ناکم و صاحب او کورد عکر جوار کی سفار شیار کی بعضی
 کنج غشید دل بر انکی سرور طوت ظاهر ک دیوانه اولون باطنک مور طوت
 بوسه و بر کل ارجان لغو مغول حق که دیت لازم اولور فاکه مغول و لبحی
 حق بودر سلطنت دهره کج فکیز بر سنگ کیسی فندیکه قول اولبحی

کجی بوبر ایکی سفار بلاغت شاد اولی و ساج فصاحت دینارک و بوبریچ ایستار است

کجی دیار جانیکد نذر قدا و شواد نذر خافاه سکند معادل سلطای بایر عیال
 زاننک نجم حیات غارب و آغل اولمش در علم کونن کوننار روز کار اولد غنچون
 محض مکرور اخبر غنچدر نکر ایلر کشته به طالع بد اختری بعد ایلر نه مدد
 بکون بر دلبر فضا یک اولم قولی فزانی نسوی شرحه شرحه بنه ترکا نترم کن
 ترازدون با بندر دلبر بودر بارب صقله سه فور دندن فزانی کیم اولو بدو بوش فزانی
 کجی بیت شرف بلدان جهان اولان شهر دودوشن حوسه برکون طالع
 اولمش برکوب دشمن و لامع در سب تحصیل و یکیلن اهندا و کونم علوم معالی
 مرسوم ایلد بر فزانی و بالجم هم مهندون ساکنان اهر علم سعادت معون اوک
 کوب ذانک حکت ابدک قطب فلک فضا بیل محوری سن شایل مرسوم سعدی کت
 نیز اعظم جناب انجیده و ایل اندکد ککر دینق اعتبار بنه دلائل و احکام انظار
 فاضلیان اولوب مراهجتماع و انشاکلک عاقبتی انفصال و هوای جاه و هلال
 و فکر ارتفاع در حیات مجد و معال عین انام و محض و بال در دیونرک لایه و امال
 ایدوب و جوار حضرت ایتوب انصارین ندرسه فاسم یا یل تغای اختیار
 ایتدر فی الواقع سائر علوم و معارفندن عجزی عارف سیر نوات و سیار
 واقف دقیق و او صناع فلک دوار زینق اصحاب هیئت و تخیم محفل موزعیایف
 زیج و تقویم ضمیر منیر مشنری تأثیری دلائل انظار ایل داننک راز فلک مستیر الخمین
 محض زبور ایل شهرت پذیر اولمشدی بوبر ایکی سفار و زبور ک کفتار نمدن
 بولسم سفق مؤنس کیندینا نیز اولمشه فزانی منشع امن صوا نیز
 دل که بر فضا یک اولد کشته بایر زلفی چکانن فالری ایل هر باره سه
 پنجه برقان بوده لم ایل کوه پندن پنجه بر کوچ حکم ای کجی فاشندن
 بخشنی فانی محمد در ولایت حمید نمدن ساکنان حق علم و عرفان اولوب سلطان

کجی

افاضل جهان و والد دوزخ و دوزخ دامن در میان دست اعصابی عرو و
 و شفاء ذات پراختراست به حکم ایدوب رکاب و از ملازم حضرت کارم و توانایی
 اولوب سرافراز کاترین خادم اولمعه خدمت علیه لادن ملازم اولمعه کلستان
 جهان خدمت علی انک لطف بکران غنچه دل جاننی دایما سیراب و رانده فیض احسان
 من استانی را با فیض نفیبت و شستنی زلال شفا قلر به سر سبز و شاداب ابد منظور
 نظر اکبر از لاری اولمعه معارف و کلمات مذبحه دار و مهره در اولوب لایق
 قبول و محل تحب بن بر دانتی و خلوص معاد به طوکار دارد در کارنا طولین
 مستغرق منصب فضا در بوبرا یکی اشعار و مقامات در
 اروا میدرسنی تمام معنوی به پاک یوز و کبر کوز بر کون ای بری لاک
 سیر ایدون اول ملاحت کنگنه بن نجم غنچه چاک اتری قیاس لاله بقدری سینه
 کتمزای سرور و اخلاص ایدون ملک سنگان مهر دلدن و مثل است ازل ملک سنگ
 نسیمی نامی عباد الیرین در دیار بغداد دین خیمه سیمین وزان اولمعه خلوص نور
 و سیم اولمدر زمره سادات ذوی لافسما زدن بر ذات نهرت شاز در کلستان
 جهان و بوسنان لاجانه نیم فداوزان اولمعه بوی عشق و جنتی منته تو رسیدی
 که خدمت مشایخ زمان ایدون که فضل اند و در بارادت کور رسیدی طایفای اوزره
 ریاضات و مجاهدات چکله تمام شطی نه قدم بصوب باد باخت و صفا مودت پیمان
 وجود و ساغر خلقتن زیاده کلکله کوی بنامین خاک روی و منته فاده اولوب
 عنان اصطبار و اختیاری دست افتد از نر کتمیدی و کیفیت عشق سلطان عفا
 اولمعه به اختیار کفایت و افتاد اسرار اهرار کتمیدی و عفا و سیر عا
 واجب الاضمار اولان کلماتی هر سر بازار ده اعلان اظهار ایتیمایدیه جلیده قوی
 ایتیمایدیه و طایفه قبل سیر عشق و مودت و غیسل طایفه نکات اولمایدی

و در...

الواقع چونکه سلطان سر عشق غلام اعلام غلبه و استیلائی قوی افزاخته ایدوب
 مغلوبان موه که جبرنی و رطه بلا و محنت انداخته این طریق داشت و جبرتن تشنگان
 بی بردیا اولان استیلائی رفیق عقل و رهنمای ادر اکر جدا این دل ضعیفی که
 مخزن اسرار رموز حقیقت و اخفاء اسرار بوبتیدن عاجز و بدن بخفای که حال اعمال
 و در بعد از احتمال با شریعتن با شری اولوب با چار درون در ذاکلزن ناموزان
 ظاهر و پدیدار اولور و اول کجه تحقیق مانند روز ظهور و بروز ایدوب راز پنهان
 روشن آشکار اولور بنده کم سالک طوار حقیقت و مجازی سرور میدان غنچه بازی
 واقف راز خواجیه حافظ شیرازی دیدند دل میرود و دستم صاحب دلاخ ایدوب
 در اکر راز پنهان خواهد شد آشکارا و شاعر بر بور دخی بو و ادیب و بیشتر
 دریای محیط جوشه کلدی کونید مکان خورشید کلدی سحر ازل اولدی آشکارا
 ترک و فارسی دیوانی دارد در سیم آس داشت دنیا به تماشا ایدون که سلطان حرا زمان
 دیار و کلکش و خلج کلماتن بوی فنا کش در بوبرا یکی اشعار بر بور که گفتار نذر
 کاف و کوبه زلف و فک بیدی ای کار مطلع آمنت بانه خلق اللیل و النهار
 دیکل صبح سعادت محمد عینی به اربع شام قیامت محمد عسری
 و شنت این در است میگوید آنکه روی ماست میگوید
 سبزش گفت ملک حسن است کج نشست است و راست میگوید
 است ولایت و مانند خلافت ادوار نتیجه مقدم و تالیل نهار کج کوز خوان
 راز قافله سار و افتان رموز حقیقت و مجاز هر سیر عالم کون و امکان
 شهباز بلند و از فنی لامکان رانم خط معنوی ناظم کتب شوی جلال الدین
 المولوی خضر یکت اولاد اجماع سلات نژاد نذر فیض نیر خرم و سر عزم
 خسرونا حیدریم و بهرام رزم سلطان آفتاب نر خاقان حسین نظر و ایدوب

و در...

و در...

چشمه ثواب خدام خانج مالک جهان ابوسعید سلطان محمد خانک وزیر شری ندری
 و مشیر خود مستیری کبری مقتدا طوق نزدیک مرد دزد و فوجی اوله قد فکان بکانه بزورک
 طوق اکثر نام هایون سعادت موقوف اولوب جبع ذات خورشید انار حق قبه جلالت و زار
 اولدر زمانه انشایله شمره جهان انشایکی مقبول مدوح انس و جان اولمشد ز لکن
 شوده اولد کلو اشترای و میان خلقه مذکور مطر نیایج الحاری بوقدره بوطلع انکدر
 طالعده دولت اولسه خدمت نه فائز . شوال خسته کم هلاک اوله شربت نه فائز

نقد کثیره التقصیر بکونه متبع انیم

اولدم غم ذاقده صلت نه فائز . خدمت غایت اولسه طاعت نه فائز
 قربان اولوب ابرم دیر ابریم صلیک . ایر کورمدی اولکونه ذقت نه فائز
 عثاقه نوبتله وفایلیم دیش . دکر بون بلاکش نوبت نه فائز
 خوشترنج دولتی غبار درک و . بوقدر بنم باشده اولد دولت نه فائز
 تیغ جفا یز حسن ایلیم هلاک . حکم جبر کرسن که ندامت نه فائز

نشان توبه نام قصه دزد جلالت اده مطهر جلی یکله شهره دنیا اولان قوت
 در که طوق انوسید یوان خاقان و پشو او ترسل اصحاب بیان و معانی حرب دیوان طوق
 مزین توقیع احکام سلیمان صفت سخلاه خاتم زبان ذات علی ملکاتیه محاسن صفات
 ایلد رضیع اللبان و حکارم اخلاقه شریک العنان غلام اسخامی زینب خاص و عامه
 مدام سبک و بجزیره کران احسانک فیض شقایق چمنه ارمدار باب استعاده
 دایما متعاقب آید . مقتدا ابراهیم شایه کاتب سر اولوب وزیر مرقوم دیار صریح
 کندکن بخت و غایت کیمی یانجه روان و دولت و شوکت منالیه صفان اولوب
 نظر اکثر تاثیر لیه کوزدن کونه هلال مثال ترفیق و مهر منزلت کار باطن و احسان
 تلقی ده اولوب وزیر زبورک مایه الاستطاری و کار اصلاح مالک سلامت

موتی و مستری ایدی جبع صاحب الاطاهره . منصب الایام ایلیمه سلطان
 خاقان الخاقان خاتم اکرمین کرمین مرصع سلطان سلیمان سید احمدی خمین
 و تنع مایه سفره افین اینه کلرین نشایج سیدی محمد بیک وفات آید و برین نجی
 اولدر پنج زمان دیوان سلطان جهان . منصب صلیب ایلیمه عنوان بولوب محمد ارکان
 و رکن رکین دیوان عالی شان ایدی جبع سید اربع و سنانج تنع مایه ده متقا عذر
 اولوب ایدی ابوباسفاری جوارین . نونه خلد برین . دشتانه جان برترین
 بر باغ بهشت آیین . دیر جامع که انواع حیاتی جامع . دیر حاتم بر رخام که داخل
 اولره بر دسلام . در بنا آید . نفوذ عمر غریزی اول مقامه وقف و اوقات ختم ده
 ساعاتی صنوف طاعت و ضرب عبالا نه صرف ایتیمیدی جبع جناب سلطان کاکار
 تنایج خلق منصبی قبول چون اکره و اجاره اولند فین ناچار خدمت دیوان علای
 اختیار ایتیمیدی مرصع سلطان سلیمان خانک او اخر سلطنتین عالم عقبا جلالت
 ایتیمید اول زماندن بر و اسرار کلماتدن غیری نام دشتان فکشد را اگر چاش ده
 بد بیضی وار دیو خلقی کچن مشهور در کمن موقیات چندان متلو و مذکور دکلدر
 رخت و الد و دوس طکان . بکونه که هر افان اولور ایدی که اکثر با طوق الفاظ
 ایلد مقید اولد و غندن جانب معنی رعایت و نقدن قلور ایدی جمله دن کیچر بلر
 و جاشلر و صفین کیچر یان صور غوج سر و سر هکان شمشیر مغف در آید . مؤثر
 و احد ک ناری متشابه اید و کج ظاهر و باهر در دیر آید . بواسطه زورک بلخت اشعار
 ای جینی محو ایدن ماه منیر کبر یون . روشن ایلد مهر خورشید کل کوکمل اودن
 بهار ایدی صفا کسب اید جکند چنلر . خصوصاً صالنه یا کچر سر و سیم تلزده
 زبون اولمه نه زندر غم شراب اچ دوشیدن . قوی تمت کر کدر بوجان اچم ارلرده
 صر بلور هر کل اندام حکم بلور بهر و ی . نه خالتلر زاکندر قوشن حق بیهلرده

دن

روایت

قهرمادی کو کل ند اوله تار زلفه کبار . صنوع دگر هزاران غلو در هر بر شکنداره
 نوافلک نشانی بند کمالی مکدر در . وصالک و عن تنگن بهی آفت کج زده
 اغل و غم کوردی جان بوزینه طوطی . اوله باران کز لوز کور غمزا اولور آفتاب
 شام جوان اولد صبح وصل باران کول . لایق جنت اولور برکه کم حکم عذاب
 بهار ایا میرا جلدی غنچه . ایدر بلبل فغان آجلد و غنچه
 ستم کاکلکم صفی خیار غنچه . ایکی هندو به بزرگم یانر کلزاره به غنچه
 کلک ارضم صندت بهار کز کلن . جمالک نقشنگ حیراندر دیواره به غنچه
 ندرای دل بواوه دنا غنچه بولفاش . سکای قالدی ای دین جهانیه بولفاش انگ
 کیدرم صفی خشک خنک سبل نذر . ضرر در بوختن آل اورا قیتر اشنگ
 هوا جانغوا سی طلبه عطار کی خوشبو ونگار . و خاک بن بر ریخته
 مانده مکنت و نافه ناتار . اولان شهر در نه دن ظاهر و بدیداره اولمش در
 عطار اولد قد کک جمیع ادویه و عقایق را بمکله حکمتن جم اور بو جانیه
 جانغور علم کجوز دی . بردخه معجم مولانا غنچه چلبیدن معاش و مظاهر
 طلب ایدوب مظهر خیران و خبیت اولد فن دیم در
 در ده در مان این صنودم اغی . اوکلر حکیم المیشراود غی
 اخی جلیبی غی جوانین دیم در . هر که اجدی نضوجی شربت
 صحت تو به نضوج استدی . بوسه زبور ک گفتار دند
 ملک کل شتر تا بقلدی دیران اولد کل . انتهای ذقت و پایان جوان اولد کل
 نطق دار السلطنة العلیة قطن طینه حبه دند نامی حین دره نرج زاده دیکله
 مودنی جانیه مودنی کمال الیه موصوفی در موصوفی الدین فندی بن سلمان
 اولوب لایق نفا جانم اولمش در بواشعار زبور ک گفتار دند

اولد کج سر و اغم نکرنگ کج بی بن . ایدوب اهم علم قدم بلا خیل سپاهی بن
 در نیا اولد کج مردم جهان غنچه بود . بلا کج غمی کلمه عالمه یوسه الیه بن
 مطلق هلال جودی افق ولایت نیر و اندک طالع هر دین اولوب باد صبا کبی
 و باد طالع و صبا یصال مضیات و جبال ده پویان و انهار کردار کلان جهانیه
 سیران ایدر ک دار السلطنة العلیة به مرکز و مدار حله آدم . کعبه مراد و مراحم عالم
 داخل اولد فن نظر قبول کابر و انامل و اصل اولمشیدی و فطنه خوانمقند دره زمان
 و شهره دوران . اولمق تقوید نظر اکبر انتر سلطان جهان قران قرانی زمین
 و زمان حوز سلطان مراد خان . ایدر مغبوط و محمود ازان اولمق مرینه نابل
 اولمشیدی طاکرستان مجلس . جهانیه شکر مکر رطف و احسانیه نطق فصیح
 بر طوطی شیرینان . و کلتنان صحت سلطان زمان کل صبر ک خام ذوا و این
 شوقیه اداسی بلبل . بر بلبل هزار دستانر بنی نوع انسانک به الامتیزی نطق در
 دیو طوطی طبعی دایما کویا . اولوب بلبل طبعی هزار دستانه عالیه نغمه سرادر بوبر ایکی
 اشعار بوکنا بخت بر او نغمه خون اختیار . ایند و کج در مطلق
 مجنون که دل ناله او جوش میکفت . گرمی شنید ناله من کوشش میکفت
 و شوا بخت حسن نام شاعر ناکت بو غلنی شمع اتمشدر که مطلق بود
 او سخن از کشتن من میکند **سین** من بهین خوشتر که سخن میکند
 آنچه غم جان به بدن میکند **طالع** . بوزخ دوست بمن میکند
 چشم توارفته خبر میدهد . لعل توارناز سخن میکند
 میکند از حسن نطق سخن . می روی طرز حسن میکند
 و معما کولفند دخی کوی سبقتی بود نامکه اقدام ایدو استاد طبع و این
 دخی انام کجون نیار اولمشیدی دیوب نیار کمت بو معانی او نور

در نیا اولد کج مردم جهان غنچه بود . بلا کج غمی کلمه عالمه یوسه الیه بن
 مطلق هلال جودی افق ولایت نیر و اندک طالع هر دین اولوب باد صبا کبی
 و باد طالع و صبا یصال مضیات و جبال ده پویان و انهار کردار کلان جهانیه

هر که سخن از زلف تو بنیاد کنم . دیوانه شوم هزار فرساید کنم
 از بهر چون مراد بر بند کشند . در بند همان زلف زباید کنم
 نظامی دایر قرا ماندن بر حال دور انگ و غلی در جوان مادی و مشکین بوی
 اید که چشم دوران نظیر و اقرانی کور کشد و بر دلبر سر دقت و سر بریده اید که
 دست دهر محال شبیه و مثالی الگو نشدی رخسار و لوبت تمنازی روز و صبح
 نابان و زلف دلاویز و درازی شب ذاق کی بی پایان اوله و غنچه غیری
 دین ادا نه وار ذال دن آینه جمال چه مثالی دور و میان دلبران در رسیده اولی
 خوفند بپسندن دخی مارب و نور آید . بوجالتن غیری شایسته و نیز بکار
 فصاحت و خنیاچه حکم و استوار است و اشعار بگردد و هوار کلماتی مقبول است
 جمله اعظم شوای عالمی بلغای رومک شایع بلاغت نظامی و قضای زمانه سبک
 نظام فصاحت نظامی در اما حیف و هزار حیف که هنوز خط سبزی مانند خول آب
 حیانه رسید اولوب سبزه موی زینای سبک کشی کنایه جویبار کوثر و دین
 اولدین و موی عمری کمال بولدین . زخم خورده تیر ترا عین الحمال اولدین
 و بر عمر و شکوفه حیاتی تمام جلدین و خان محبت و فنا ایل مولد ز سلطان ال
 عثمان ابرج سر علم رایت بدیع الایته کی سر آمد اولان فاتح قسطنطنیه و صوم سلطان محمد
 من بزرگ اوصاف و اخوانی استماع ایدوب حضوریه دعوت انجیدی بولدین کلور
 دعوت پاکین و ذوالجلالین اجابت ایدوب اثنا و سوزده دیار عقابیه کز ایدوب
 سبب وفاتنی بومول احکامات و روایت ایدوب که بر شیخ نامدار و عابد بر حیرت کاره ک
 فرزند لندی و آریکه که ارالین بای محبت و اساس مودت حکم و استوار آید
 بر مقتضای نیاز و اغوا و افادناش و غماز . میانین آتش عشق و نار محبت
 ایل غایت حرارت و آریکن نفس سرد قیسی . بر مقدار برود ظاهر و بیدار

وصف

اولدین مجبور اولان جوان بدیع الاسلوبک سنگی ایل شیشه و خنیاچه
 شکسته . اینه و کندن بدیش مذکور . دیگر در بخور اولوب و زودی هدف نیز
 دعا ایدوب و بر ایکی سحر طریقت خا و اول نظام فصاحت دنا رکن کفایت آنا رندند
 کل عارف که اوله معارض غیب اولم . کیم بوزی اهل کتب حیا و ادب اولم
 داغ غمک که مهر و محبت است ایدوب . سینه صافم که سعادت است ایدوب
 قدک قیامه کلمه فائق دوشردله . زیرا قیام فتنه قیامت است ایدوب
 فصل کلد طلب با دله کلرنگ ایدوب . نغمه جنگل حبش است ایدوب
 خاواک لبیل و کلیمین ایدوب . صمیم کلشنه کل برین و برین کیده لم
 چون خدگینه انگار اولان خوشنمیش . باری چون جنگ ایدوب و زور و شکر جنگ ایدوب
 نگار اسنر اولان دم نه دمدر . دم در غم و وقت نه دمدر
 ابق بهمنش که فایده دو که دلبر . بحسب اینه ایدوب دمدر قدرمدر
 نظامی نظمکی غنچه ختم است . که حبس نه تنک صوکی عیدمدر
 خطک اول پرورده در کم لعلاب است . بیدر اول عمل کم در خوشاب است
 خاک اولای دلم تو خندن سیرک غیب . که آفتابک پر توی دایم تراب است
 چشم کربان ائی دلبر خیالیه قدک . بر نهال تازه در کم جوی آب است
 فایده شوال در دوشدر که در است . کوز لرم نوجنه بکر کم غدا است
 بوزک استن و وطن طونه کوزک ایدوب . منزل برنج چونکم آفتاب است
 زلف ابرو کج کوزلر دیر هزاران آفرین . نول معتبر جزه کم مشکین طاب است
 ای نظامی و صفت داوود و جویبول . کانا تک خایه چونکم انقلاب است
 نظامی دار کفر و کینه اولان نذر در نه و نذر صاحب و ان زبان صوم
 سلطان یسار غایت بنوع زاده رندن اوله زخم سپاه طوفان دن اولمدر

شود و زمان متعجب اید و بت دیگر غریبه نظایر ایله جمع اید و بت هر برینه کند وی دخی
 نظره دیوب ذکر اولن سلطان کند نظره مؤثره صانع و بدایع شریک کوشن بشمار
 انیدوب اطوار زمان و انار دوران کمی مقلوب ستوی و فلک اطلس کمی نجوم نقطه ساد
 و آزاده و فلک ثابت کمی کوکب اعجام ایله زمین اشعار و مکیله اشعار و پوشند لکن غرض اول کلو
 حالت اولوب نظم نظم لطف و ملاحات اولند و بو غریبه بود کلد و **ع**

دبانک بورسین فلقی متنا . بر اولد زلف کرد روقی بره جان
 نیم بر طول ایو ایله کوکب . یاز قدر اهل عشق آهین اما
 طواف کعبه کوکب صفا سن . بولور می حبه صوفی و ارسه فضا
 لطافت بره ذاتک کرچه جوهر . و یه قلبک نکار اسکن خارا
نعت وصف و نعتی خارج تخیل عقول فحول اولوب بلدان جهان ایچین ششنی و مقبول
 اولان شهر استنوله ندر مرحوم قدری فندی اناطولی فنی کیری لکن کانت بویانی
 و نوبسند توفیقات بر خوانی اولمشیدی لکن اندخمس کرخانه خمار و مثال جباب
 جام شرابه مدام هوادار اولغین دولت جهانن سروسامان بولوب آخو سلیمان پنا
 مصره کند کلمات اولوب اولن بارده ایکن نجسم حیاه آفل و غارب اولدی
 فرخ و کلرخ نام بکر ملن بر نظم نامی وارد بواشعار مزبور ک گفتار ندر

قافیه اولدم کم بزم ذوق و صفایه و آرایه بزم مزده ایکی یار اولسه بری دلداریه
 یوز سورد دم خاکبای باره هر شام دهر دولت و بخت ماعظالم بیدار اید
 آه کیم ویردی قایلیب آخو زکار . بر زمانیدی کرچه نعتی خاکبای یار اید
نعتی نامی نود الله در چشمه چی زاده و بیکه مذکور و مشهور بود دخی شهر نور دن
 بنوع ظهور انشد طریق علمن و کتبه در درج مانر کوکب برج سابق و مفاخر اولان
 مولانا سعدی فندی کس استان بلندی نجات اولوب خدمت پر کتدن ملازم ای

سلاطه و اصل و نایل اولمشیدی پنج زبان قافی و نایب احکامی اولغند بحد و حد
 سائل و کتاب جمیع اتمشیدی شوانسرت بهای نفیس فواسی و زره مطالعه کتسب
 و عرفانه صحبت یارانه کتسب و اختلاط اخوان زمانه ایله میزری بارشیر ایدی طلب
 از دیار جاه و جلاله طالب اولوب تردد ابواب اکابر و احیاندن متفرد تار سب
 اولغین آخو عمر بن الی قافیه قافی مدد کسین مدرس ایکن ترک برای کهنه جهان
 ایدوب **ع** راعب و طالب نجیم جیان اولدی بوشهر انکدر

آستانکدر شهید درگاه اعلای بزم حق بیلور بوق غیری قاپوده تننا مزبزم
 قولکدر عالیجناب و بنانک ادنا جوز یولکدر اولون خدا علی وادنی مزبزم
نعتی مر نورک دخی کوکب وجود پر جاننر نور دن لامع و عیان اولوب صاحب

قران زمان قران قرانی جهان مرحوم سلطان سلیمان خانک وزیر آصف شانه
 اولان علی پاشا کدر وزارت او انن رئیس الکتاب دیوان خاقانه و محرز مطروق قانع
 سلطان اولمشیدی ربا سندن مقدم کیفیت برندن حکم کیمشیدی ربا سندن جوق
 کیمچین بو معترفان کیمشیدی صدوق دروخی که اشعار کونا کونا لیکه در بو غریبه

جانا دمجه و صلاکد ایرک محالدر . کیم بیلد حق بستره این استملدر
 منور اولمه منصب نه ایکن کیم . باخ دکلدر الدح بو برد استملدر
 مجلس بوسک الدی و امیلغ ایلک . خون قدح نولایکا دیر رسم حلالدر
 کوکلمن کوزرک سنک ایلی جمال . مجنونه انسن غلشن ایکی غزالدر
 ساعزادی شود کلد ر غمینک . بلکه جنابکه عالیکه هر خر صالدر

نعتی از بنقد ندر روی تحویل علم کمالدن حجاب نقایب دفع و دفع کلستان
 جانندن خاوه خاهاک بطالنی قطع و قطع ایدوب طریق علم عازم اولدقد کیم
 مرحوم محالدر بن فندی ملازم اولوب قاضی ایکن سینه اربعین و تسع باب ده و اعیان

زمان

مردم کنان آید جام جهانگیر بهای نهاده کنان اولد بونور انکس
 خاکبای یار اچون طور مزید باد کمر . کند و چه کوستر زانا سورمه کوزدن
 نقش نامی احمد در بخت وجود لاسی افق دار السلطنه العیله قریه نعلیه حجه دن ارق
 و طالع اولمندر مقدماتا خلق مانع مانع ، و مانع مانع ، اولوب زمانه انکشت
 نمای خلق چهار . و نقش بند لکن دلپذیر اهل زمان . ای نقشبند خیال اندر کج تصویر
 و تماشا کجیران و آشفته حال . اولوب اقدام بدیع لاری منظر ظهور پیدا . اولون
 نقوش پر زین و بها . ارزنگ نقاشان چین و خطا . اید خانه چهره کن شدن جان
 کران چین جیران . و طبع رنگ آمیز زدن دل نقش پر دازان خطا . صورت بی جان
 جواد بر لوح صورت کلک راند . چو صورت عقل بر جاشک مانی
 نه کلک شرجان صورت نکاد . که مانع را بصورت در نیاید
 بقدر صنعت علم کجور اشتغال ایدوب بوقلمن دخی صاحب کمال اولمندر
 جامع شریف سلیمان موقت اولوب اوقات و ساعاتی بومول کماله صاف
 و دایما کاری تحسین لطیف و معاد . ایدی بویاریکی انکار مزبور کفایت ندر
 چاکلیمه سینک ای دال اول کلعداره خرو . آجلق اولمز اکن اول صحره خرو
 کو کلدر مرغی قومقندن کلشن . نال آزه در اول ایکی ایدوب
 طویری خنجرینه تنه کوکلم . کنه صوچه چوقی اچر اوله صبر و
 شکری غلط دندز نقاش حیدر دیگلا اشتیاری واردر . مقدار زمانه سنگ
 ورق کجاری و صنعت رسانی و نقش کارین . مانع یاری اولوب براندا کجیزاد
 دست ایدی که مانع بهر کن . رسم اید و کج صورت رعناج . کوردکن صورت
 چین کی جیران اولوردر . و صورتان کار خانه چین و خطا . سیاه قلمه صورت نما .
 اولدوغی نمای معاینه ایتمه صنم مثال صورت بی جان اولوب جیرتن دیواره

وصف نقاش

وصف نقاش

طایف

طایف فوری قورودی قامت و کدک تحریک فی حال رفتار قورود . و صورت
 کل زینا فی نقش ایلیمه بلبل وار . هر طرفدن هزار آه و زار اولوردر .
 برندی نقش یاری فی التل کر . کورن دیردی کار روح معسور
 ایدردی کشت کلزار حبسین . بازیدی صورت آب روانی
 غلطه لی اولق تو قید شیاوران دریایله شنا اوغیر ریشک کشته سنگ اولون
 انق دخی کامر قرسان . اولوب مانند راج دریای خفاخه ایغی التنه انکشدی
 بوجله ایل سفینه اچک کشت دریای ایدرکن التنه سفینه نهار . و بحر نظلمن خوش
 لاله آبدار التذن دوشمز . و دلدن بر آن کتمز . ایدی سنون افلام و بادبان
 اوراقله یلکین آچوب عمان عفا نه دوشن طوغر کشیدی . اول اولدن سر بر آری
 کورستان . و مهم سلطان سلیم خان مانع خد مسکنه ندیم . اولو جام شراب کی دخی
 رزم غزنی . و سعادت و سر در مثال ملازم حیم جلالت و شوکتی . اولو
 حد و دغمانین ده صحیفه حیانتک نقش نگاری . بوزلوب دیر جهان صورت دج
 اولدوق عالم عقاب روان اولمندی طرفه هیئت خوش صحبت کمنه اید بونور
 لعل لیم اصدی دیو کر مه قائمه . هیچ اولدوغی انندی قییم کنده جانم
 سرودن بالارا اولش قات دلبه کوک . نارسیدم داخی بر چله قیغیدی
 لذه نینه لعلک بکرتد کچون دادنی . باشن از دکن سکر کالدق لبوکل دادنی
 کجای ولایت ایدرجا بلندن روشن و عیان اولشن بر قابل جوان . ایدی
 طایق علمدن مرادی قلم مثال ایدر کدن . طایق فر بوردن فراغت . ایدوب
 متوجه سمت کتایت . اولمندی انق دخی نامراد و نا کام . ایکن مجو جام جام
 اولدزدیق دلا جانک جانب عفا نه نازکانه کاهی کجایی اولغله نهار بخت
 شایله سما و بلانتک نایتمه . ایدی بوانهار مزبور کجای بلانتک نایتمه .

در بین او فو که نیکو کنان زدن شیوه باین از برای وارسیه چار
 به عمل جنبه که بر مذبو غوغا را بدر کویا الهی کی جنتی زاهد علم
 جنت عنانک جنگده بر کرچه ایشی بدی بیزم ایشی است که وارید
نوری لطیفی قوی او زره کنی وطنی اولان نه قسطوین در فاح قسططیه
 اولان مرصوم سلطان محمد خان زمانه قضاة عدالت عنواندن اکیج ترک جنگده
 جهان ایندرا ای ایتوب ایضاً بر مدفون اولان عرب چلیک ولد بدر مطلق اکر
 قامت نماد که او یکند و چون زدن مابینه اوسدی نه غوغا لوقدی خراج
نوری قهر برای اعتبار و اشتیاری اقره دیکله فلک مقدار اولان شهر سواد طوار
 دن ظاهر و بدیدار اولمشدر نامی نورانه در نجه زمان خدمت والد فرخ و یگان ده
 دامن در میان اولوب ذات بی عدیل نظیری مدت مدید و کثرت کاهی شرح
 مواقف و کاهی هدایه و کاهی تغیر او قاعلا مثال و اقرا فی میان خلی عنوان
 و مشهور اولمشدی حقا که انواع علوم و معارف معروف و اصناف فضائل و کمالات
 موصوف هر دو جهل نویف و توصیف اولمخولایق بر ذات کامل فایده خدمت
 والد دن مرصوم خواجه عطا افندی با زبانا اید و خدمت علیه لرندن ملازم
 اولد قده کلک طایق تربیه ساک و عازم اولمشدی قرق ایله قسططیه علیه ده کچی
 مدرسی اکیج طایق تربیه فو و فاقه سینه محل انجیوب طایق قضا که شد بر رفو
 والد فرد و مقام فاضلی نام شرف ایام اکیج بعضی اعدا و آدی مرصوم غم و شوق
 ایند کلرین خدمت والد رفو از اید که مرصوم کوندر و کیم میریدون ان مطلقوا
 نور اشیه با فو اچتم آیت کریمه سن رفو ده درج ایدوب خدمت والد که شیب
 از دیار رعایت و نوازش اولمشدی معارف و کمالات نهایت بود و جمله دن
 بجکی کنجیه از کاتبه ذیل نامه سبوعه بسیار نام ایکی یک بیت لو بر کتاب بحر

ایندر

اینشدر کنجیه از کاتبه که سبوعه ملاجای بریدر اولان کاتب اولمیش بود
 جمله اولان که نظم کلام سبیلده بولور اول طرز تمام جهاد و فوج اید کور بولور کن
 بر الحاق اولان نظم سخن شکر کم اولان امری ذی بال بولور اولور بے دنبال
 خت مولده **بیت اولان** میرزا عجز اینه انک اهل سیر باز دیر نجه محبت دفتر
 چانوب بر نجه میل قاضی عیاض باز دوغن اید مدد فی بابا نه بخاری نه صحیح مسلم
 هریری بلدی چون راهنی کم احمد جنبلی چکدی ایک لیک خبری اولوب بزرگ
حضرت **مواجهه** قضاة عدالت اینه سیر تک چون سیر تک فدا ندن اور نور بد عینک
 مذکور کی نه دیر شبیه زبور حسنله محبوبان اهل دل بولر اید در حق جمال
 کر چه کم جامه سی روم استو رویشی طرز عجم کجوب **نوری** علما و دکن نه اشیه
 مرصوم و مغفور اید بی فاضلی تک قویا ایدی طبعک تحصیل علم و کمال قبولی
 او کاعلم مرصوم و مغفور رستم پاشا پیشکش و بر شیدی وزیر زبور کافکار لطف
 موفور منظور اولد و غنندن دیکر و بخور اولوب اکل برش کیفیت و دشنوب
 بو حالک دخی کالین بوشش بجای ایونله کاری نام ایشی آید بوج مهر کیدوب
 آفتاب غریب نوری زایل و خشم جان اول یارده غارب و آفتاب اولد مرصوم
 خیر ایدیش قسططیه محبت و چلی حاتم دیکله نام و سنه خاص عام اولان حاتم که
 قبه سیرین نام اکاکاش فرش اولدم دیور شک ایدرد و هر دو اول عام
 جام اولق توفیق اولد دین سن بر شک ایدرد بنایت کیم اولان مانع اولان حاتم
 بلاغت طراز حاتم مثال اول عام بی اناز کن شاخار مدح و ثناء سنه اشیه از
 اولد قضاة عدالت زبور دخی حاتم مذکورده نیجه ایتوب اطرافه خط حاتم اید باز در
 بوجیتی دخی قاپو او سینه کاتب اولمشیدی
 کلشن جنت کونراستین غلامه میر کور با سیر بلون حاتم

مرحوم عاتق جللی که تمام طایفه طوئوب ما جمیع کونرا اظفار عظیمه و دیو و دیو و دیو
 بچین و جمعی کونرا در لایق اولم پسند خلعت، و زیاده جاسک طوئوبی فوق، و توری آخری نیز غلوت
نور شهر فلک آباد، قصبه بلوادون، ارباب قلم و قریب از زنجیر علم و کمال از مالک
 نصایب، و دیوانه نقش و ابدال مزاج، تند صحبت و متعجب مزاج، اشغاری و افروز کوشی
 در دله زرد او شنیدی بکر مزایو ایگی، فنو یا چشم بر بر آل تنیدی و لایه مالک
نور قصبه دهنه، یقینی شری افندی رشتیله، دارم کم او دینی تکیه
 محضر ایدرافندی جعفر نیز، ایل عال را ایدر که شله جقه، **نور**
 ادم ایلدن خاک غنیر رشتیله، تظیر او لپن قصبه پر شسته، دندراست بنوله مزاج
 ایدوب بعضا مراد و زانک خدمت و مول، و شرف صحبت منوال ایلر ملک بندکان
 صاحب قران، جناب سلطان سلیمان خان، و خوال تمشیدی بعد شنه آده کان ایشان
 بیاتن او مانع کی هر آمد، و کلسا سبطین نعل هر وقت، ایکن تند باد اجل، ایل
 منزل اولم خاک لحد، اولان شنه متجمل و مجید، مرحوم سلطان محمد، سنجی خه جقه قد
 بهت اچان و اکابر، ایلر الخا کاتب سر، اولمشیدی آخو اول در بای کرم و خان ایزر
 اولان شنه عالیشان، عین بکر بکران، رحمت رحمان، اولدق نیه در دولته
 کاتب دیوان، اولمشیدی مرحوم سلطان سلیمان خان، سوغیر طوفیج و اندن، ایکن
 کاروان جل ایلر عالم فادین فرا ایدوب ملکیت بقایه روان، اولد کثرت اکل برش
 وافیون ایلر بنوی خون و حاله در کون، اولمشیدی بوخس **نور**
 صف دل کبی کلوی مجلس ندانه صفا، اغزی هوین اقدیر کور لب طایانه صفا
 صوبه قوشش کلک بکر زده ای دلارک، ایچکه صو ویریک اغزنده زده صفا
 چون اولور جامی یک شکر صفا کثر، جام سبدن طوئوب اولسه نوله بنیانه صفا
نور حدائق برافین بر صفا سی نمونه کلستان فیما انرا من عسل مصفی

اولوب هوا جان نوا می وصال لبران کبی دلکن، و ساحه طر ملاح و برک کوی جوان
 سبهران کبی دلکش مرغی، اولان میخلوغه، دیکله ندره دنیا اولان قصبه دند زانی
 یچی در، جناب ملهم با صوابن، یا یکی خدا کتاب نه اسنه کوش جان ایلر استماع
 ایدوب غایت شوق و نهایت الساع، ایلر تحصیل تکمیل علوم متنوعه سمنه لک
 و نصایب معارف کلیه و جوییه بالغه مایع مالک اولدق صکر، مرحوم اخویر محمد جللی
 مدرسی سیه، ایکن بودار فایه دن تقو جیات عالییه انتقال ارجال ایشیدی
 مدرسه خنوره یه مدرس اولدق خدمت زینقرندن ملازم، اولوب کت مدرسه
 سالک عازم، اولدر حال خدمت مایه بوجله به املا، اولدق مدرسه رفعتی مدرسه
 سلطان مدرسه سی ایلر رفیع و علی، و پایه قدر جمیلی، اول منصب جلیل ایلر رفیع و بالا
 اولمشیدی حقا که ذات ستوده صفات، کمال فطنت و حسن فطرت و صفای ذهن
 و ذکا طبعیت، اوزره مجبول و منظور صورت خوب، و سیرت مرغوب صفات
 جمیع، و سمات پسندین، ایلر مودنی و مشهور تکمیل معارف و لطایفه مدام مشغول
 اولمغله بنی نوعی میانین ممدوح و مقبول زمانه زده قدم جودت سلاقت، مدارج
 بلاغت و فصاحت ارتقا، و کمند دقت افکار ایلر کما معارف بدیع الآثار، اختلا
 ایدن فرق فضی، و درخشان، دن و انوار جمال مقایه، رنگ روشن ارا یک معارف
 ولای اشعار لطافت شعاری، و شاح قلمایه عروسان لطایف، اولمغله کانه دوران
 و شهره زبان و زمان، اولان جملک بلغا دندر کلام بلاغت سیمایه، اصناف صنایع ایلر
 موشخ، و اقسام لطایف و بدایع ایلر موشخ، معارف بدیعه حسن ایلر بیان ایدن
 و خواننده درون لطافت بشنوندن صد و عدد دن افزون تبحر و مکنون، نادر امن
 آخو الزمان ایدن، شاعران در میدان حقیق نیزه خامن اولوب جو طبع
 پرایکانه جولان، و بر دکن قشقی و در کرا نخله مقابل قله، و حشره بلاغت و بیان

یکرا قلوب بر او خانه منزل ویرد کنس سبج نامی بولور که انکه مبارزه یکله وقت
 معایده لطافت او ایستد و کربلی متزاج و بر کله کلمات زینتی غایت خوشتر و شیرین
 اید و کجای غدا و بیج و کلد بر سبغه بود که نفایس و امتعه کلمات ایا است
 اید ملو و مجامع و محافلن بر بر اولر که این ایات مدائح ذات و صفاتند کور
 و ملو اولسب لاجرم بودند زیاده سرج و اطرا ده گفت و گو ایتمک محض علود در اشاع
 بلاغت عنوانی غواص و از سواد زمانه باشش اکرش طبع با کمالی بوقن بر اجدالین
 کار نه کمال ابر کشد و مرتب و مکتوبان بلاغت عنوانی و صغیر و کبیر میند
 شدت پذیرد اولش تا بر یکد و کربلی و وار در حال دخی دست کو هر باشی پنج کلمات
 لطافت سمانی طور یوب بر نموده و طبع معیار پیشه سی تیشه اندیشه البرکان و غایب
 هر زمان فارمن در و بر فاج کلمات بلاغت امتزاج مشرق قلب مطبوع غنن طالع اولاد اولاد
 و صا و عده ایتدک فراموش اید که کتری و در روح روانم کل اولدن و عده و عده
 اکر کلد راکر خا رجفارت دایم عاشق و طایفه ای غنیه کو کلدن هر نه کم است
 بر خط صور نا اولدک ملایم و عده ده اما در بیخای کل تر خا و خا و قوی بر کشد
 و صا ل ابر بر منش عاشق جیم اولان ملک قبوکن اغلیو اغلا یو جانا ایشیز شد
 او قویب یا که طوک ال او زره یازورنی سنجون کند و سن الیله ده نوعی داستان
 اول سنم رفقا یله بر سر و بالاد کیدر یا نه افتاده لاد و شش ناسا در کیدر
 سنگ خردنک اولق با که شادان اولدن کیدر عتکه اغلق الیله خندان اولدن کیدر
 اچلدی لاله کل میل اولدی خوشش ووالنر سه عجبی کو کلدن داغ هوس
 نه فاره قوللنگ اولسه افندی غنن او زره قلم مثال دیر سک بنی کاتبه کس
 غریب ایدر حشله اول ای اهل دل عالیجا بدرا و برزم حسد مزد کل
 ایلک سنگ غزازی بنه بار کران عاشق کشته یار اولد و غنی تیرنی شان

کوبور

کیوب اول نوخ سید چو دقبا یکلون ابدی نازله کوز مردمنی غنن خون
 دو کندی نقدا ستم کوز لرم غودی پیرا جوانم با که رحم اینترخی پیرا دلدم فقیر اولدم
 صیوب آینه قلبی یوزر جانانه دودر بر نله اول فاسر نیت و کج پمانه دودر
 چوردی بشدن که چه دلا اول هر و ایدر ایدر طایفه انلش بر رخ سر کردانه دودر
 میان سبزه دن اچلدی غننک بندی کناره غم ایده لم اودته بق کوز لندی
 ملک شمایل اولوب بال سبزله هر شاخ لطافتیله جهان عرصه جهان کندی
 باشه ایر شدی کو که رفعتله هر دونک حق بودر کم فنی الجفتلی وار کردونک
نهاری سرچشمه زلال نذر نظم اولوب اکر خلق صاحب علم و فقه اولان شهرت
 آیین قصبه بر زمین دندره مقدار تحصیل کمال اشتغال ایدوب معارف و لطایف
 اکت عال قال اینه که حکم قصبه منوره ده کوشه فراغت اختیار ایدوب توشه
 قناعت ایدر روزی که چو یلیم نهاری معروف عبادت صورت باری یکن **کشتیه**
 کوفه بیدی قام اولدی نهاری صا چلدی باد مرکبکله یارک بوشار و زور
 صور مندر میان و دما نکه حاله چون بوق نتیجه کجی قیل و قاله
 بار کران ایکن میره بو قلم جانم طاعلر جیم یو کیننه اولانی مجالنه
 بو کون سر و سر فرارم صخره او کیدر یارن روز قیامت نه منت ظل طوبایه
بو غلبه با خلق غنن بودر بی و فاخان اولد و غنن که نه شاه دوران اولد و غنن که نه
 مور و شش بال بوختنم ایل سلیمان اولد و غنن که نه
 بن کدای شهر او یچ بر عزیز مصر سلطان اولد و غنن که نه
نهایه نعال جو در صفا و شفا طبع لطافت انما سی باغ و راغی روی کلون
 کبی نازه و ختم و کلستان بوستانه رنگ ریاض ارم هوای غم زدای خدال
 خوشنیم بهار و در باغین روح افزای مطرد باغ سکان حله دایر اولان چو ش

کشتیه

نهال وجود مرغ و معنی است - و کمال سنان و یکله شهنش جهان اولان قاضی ملک
 کستان وجودندن کشیده بالا اولمشدر نامی محمد در طریق پیر نوبتیک ملک
 اولدوقده دیوراد دور و دراز جانکاده قطع مساک و طی ماک ایندکده سرتیو
 قسیم و افاد اولان مولانا اعظم جامع العلوم و احکم لطفی بیک زاهر
 افندیکن شهرستان فضل و عرفانه و اصل اولدوقده قلوب یا کمالینک مقدار
 مراد و مرامی حاصل اولمشیدی مولانا مزبور مکه مشرفه به قاضی و حاکم اولدوقده
 ملازم اولوق امیدیه رکاب سعادت نصایرینه ملازم اولوب اول ذات فایق
 ویر کریده فضل مغارب مشرقینک سایه مثال مغارب کلیدی مکه مشرفه
 مولانا مزبورک بعضی افعال و اوصافیندن ریجیده اولوب شهرهای طبع
 ممتازی تشبیه استانه لوندن ریمده اولدوقده ملکیت اعدا و تعوض دست
 حس دون اعتبار اچون مولانا قاضی سینک حرم خدمتده پیشان ساز
 اولمشیدی مولانا مزبورون ملازم اولدوقده نصکرده دیار رومه محودت ایدوب
 مدارک فنون و علومه مداوم اولمشدر حالا اورنه هر یکلرکی مدرسه سنده
 منصوبی خدمت تدریسده مقام تحصیل تکمیلده و ایم العکوف اولمغده
 فضایل و کالانده معروف و موصوف افتاب معارف شکاره سی لایع و شایسته
 و محاسن باطنه و ظاهره سی کون کبی ظاهریان اولوب نهال ذات باکالات
 بوستان فضایل و معارفده پیر برکت و یار اولمش و فقر وجود ملک مثالی
 انواع کالات و اهل یتیم پر نقش و نگار اولمشدر بو اشعار ائکدر
 خدایکجه بر کمال تراله کیمز خدایکجه بر شایخ صنوبراله کیمز
 مرات و علی عکس رخ باره سپریت کیم بود کستان مصفوره کیمز
 کورنه مکن اولور دی خجانه الوعین اوچک انا یزین راحه و بسم اله کیمز
 تنکلیک

تنکلیک کیم بر جان حقه جالنده اولور نیزک کیم بر اکسند و تراله کیمز
 ابدی نهالی اوهرکجه بر معنی و صفین یا زماغده او بجه قلمه کیمز
 بر ایندی نقشتمی قسید صورتها ول زمین و شوروی ال زمانه بنی
 نهالی رشته کیمی بکوره لونه غم قدم هله صراره اول غل اغوانه بنی
 بو غنکین جالده جلمی کیم صافی رخو رشک زکات بکله انکده بغه می خون
 نیزم خورشیده ضیائش اوجوشک ماهدن قدری بلند اولدوقده کوندن روشن
 سویم بجهت نظری کن که در جهان مرکز زنی کسی چو نه افتاد کس ندید
 چون رو بستان بلند شمایور باید سر نهالی با وج فلک رسید
 جلال الدین اکبر مکه مشرفه فقر و غنا و جاورینه جلای نام مملور یار
 و انعام ایلدکده بو نصیده بلاغت شعاری دیوب اول دیاره بهال
 ایشدر بو بر اکی بیات اندر رش حریفان نظره بر جلال نو دارند
 مرادل جمال تراکشته مظهر چه خرم جمالیست ما حسن است
 چه معظم جمالیست اعدا کیمز قول اصلنددر قدوه ارباب
 فضایل و افاد اولان مرحوم حاجی حسن زاده ملک و الشمنه علی کون
 بعده بنا ایتدک کی مدکده به دخی مدرش اولمشیدی استنبوله مصطفی
 پاشا مدرسه ندرتس اکیمن ارباب صلاح و تقوی اید اینس و شایخ
 و مسادات ایلدکجه ایلغین ترک خدمت ندرتس ادوب عازم
 طواف بیت اهد با صفا و روحال روحنه رسول محبتی ادوب
 سفارت عظمایه فایز و دولت علیایی جایز اولدوقده غایت
 دوق و نهایت سرور و شوق ایلد فدا و دل و جانندن نهیم
 اتمیوب ایندکجه مولی سنده جانی نهالی نسیم و کمال

و عشرین و تسعاً مزیور کلمات و ابیاننده اول و کلو لطف و حاجت
 مرئی و منقول و کلد در تفصیل احوالی کتاب شفا بقده مذکور و بورد
 عطا الصدور غلی شهر اولوب بعضی مجموع (هر حجر بر سطور در ش
 تا کم کوری طلعتی کی ای بوزی سحر ارمی که چشم دن افر سام و سحر ما
 ام در دیدی دل العلی در دینه دیدی که کرم اولد لیکن بنده کی اولد ر مکه یا را
 ار ای دهاندر بوزک ای بوزک کش شکست نمه که اولد رسکه حاج سدر ارا
 ارادی که کل بولدی سنا که بخت خورش خوب خود در درخی کل نشی با
 آی بوز لورک مدی بوزی سحر ای با لون بوالف با بده لون قلب فلان
 بوشو مشهور دخی اکا سناد اولنور

لاله رحیمی قران جیکه سیر کجی جیکدی سکسن حجیر سنی سیر کجی
 راضیه ر لاله تا صحن باده ویر کجی یا سمنه حقه بوز طو تش الهی لرنکه
 ای نهانی چار یاری سوز غنچه با نیز بدی مشه بول اولد تبا سیر کجی
 لطیفی تذکره الشو سنده و میشد که مخلف غزل مزبور هر حجر و با نیز بد
 مذکور اولوب سلیم لفظ اشنا و نهانی بیگانه اولسی ایله تعلیظ و تحریف
 خلفه بهانه اولوب غزل مزبوری مرحوم سلطان سلیم خان سناد
 ایدر لر نفا اول ذات سنو هر اخلاک نام شریفی طو راق در سیم
 عنبر شمع باغ و راغی باغ سکان جهانی معطر و نور نور و شیا و غزازی
 و بدو فلک و واری منور ایدن و ارا لفر و المینه المینه اورنه و ندر
 میر جمشید ابین مرحوم دونه کین زاجر قاهره طاهره میر میران لیکن
 صدر الشان سر و غماز مرحوم سلطان سلیم شانی خدمت من ریاض
 شهر معنی ساره فیدریاست و سلطنتدن سر ووش از اهر لیکن

بیشک شایانه و هدایای بیکرانه و شایسته جناب شهر بار کامیاب
 طرف تحف بجد و حب ایله حضور موفور و محبوب لرینه کوندرد که جناب
 شهر شایسته مظهر الطاف و اعطاف نامتناهی اولوب وجود پروری
 سزاوارت سعادت بنا سی ایدوب مجلس خاص الخاص لرینه و ذوالان
 عظیمی و اصل نهایت مرتبه قرب قبول اولمشیدی شهر شایسته مرحوم کوندرد
 لیکن فرزند اشع با نیز بدخان سلطوت تیغ جان ستاندن سراسان اولدند
 انک از بر حیان و خراسان ایدوب اسل سنت و جماعته با غرض اولان
 ملا علیان وروا قضک سرداری شاه دیو کرداری اوم صابون سیرای
 محبت و اخوان اولان سراسر اینی دارالامان طین ایدوب واروب
 سنده دهان اولمشیدی اول ظالم مسافر لازم اولان رعایت و صیانت
 لیکن ماحضر زمر زقوم با نیت جکوب اکرام صیف میرینه مظالم و صیف
 و دهان دارلق بدلی بر دارلق احضار ایدوب کمان کبی اول بد کمان
 اگر بلیک و خنجر کجی ابکی بوزی کک انشیدی و نهال حوص مالی زربان
 مال اولالنه و کشیدی و اول کور اوله جوق و الی کور قیر طولدر اجن کور لرینی
 اول شهر شاه ملک خصاک مال و منالنه و کشیدی که شاه کابوس
 شهرزاده ملک جمله اموال و مهابنی نهب و غارت ایدوب کند و سنی
 دخی مجوس انشیدی فرزند اسنی سلطان سلیم خان دخی سهر بر سلطنتی
 مشارک مساهم و متاع و محاصم کند و به سلم او مفسحون سلطان
 با نیز بدی فضل اندر مکه طو راق طیبی بی اول شاه عبیده ایچی لک ایله
 کوند مشیدی مرحوم زقوم دخی شاه مخدول و مینور و واروب را از نه
 چوق مباحثات و محاورات اولوب بجم دفعه اول غریب خاص حامی

جام جام و ابر اولد فده غایبده شکسته خاطر اولغین من بعدک نه کت اب
 انتا بنه سرفرد ایمینوب ملازمت اصحاب دوله حرص و غلو کوسه مشیری
 برکون نیازیک مرتعدی ایاس باشانک مجلس دکت سنده او فده
 و او اثره بلاغت و بیانی قولاغنه طوفنده خیاالی به رخاست همز بوری
 زمره سپاه ظفر پناهدن یدوب خدمات جلیله و عطیات جزیه به
 سطره انیمشیدی اول اثنای حروری نیازی خباب کارساره سوش
 و لو عالم تحت و اخر اندزه خدمت ارباب دولندن کریران اولوب درگاه
 خالق نی نیازه یوز او ریشیدی اگر چه زماننده مرتعدی مشهور اولوب
 قبول اهل اصول و وصول بولشد رکنی شمدی اولان فضیفات
 و در بعلو نسبت تقویم پارینه مصوله سی اولشد ربو شو انکدر شعر
 گوشه غده خیال یار در اکلیف من بیل عشق و لا کز اردر اکلیف من
 عمری صبح اولو غم زلفک بنی کز اکسک اولم فنده لیس و اردر اکلیف من
 جنت فردوس ایچون زاهد کوی غم من ایکی عالمه معاین دیدار در اکلیف من
 انیدب کوز پیشنی بیل لایوز بر یوزی کل سر و خوش رفت در اکلیف من
 کج فرفنده نیازی گاه غم ز گاه و صف یار له اشعار در اکلیف من
 ای هوای عشق و لیدن کلمر بلا و درد و غمندن چکلنر
 نیجه بند لیس سراج اکلمر بکلنر بود لی کو کلمر کلنر
 ینه بر دانه مفتون اولمشنر غم جو یله غمرون اولمشنر
 طو شوب طفلاره بخون و کلمر بکلنر بود لی کو کلمر کلنر
 نیانی بلدان ولایت روم ایچره ماننده شمع شب افروز بلده جنت مثال
 و فضیله فی زلیله و مهال اولن شهر سیز و نوندر مثال حکم و فرمای جمله جهان

بدن عاطف مثالی روان و تیغ بی دروغ قهری روی دشمن غدا ره صاعقه
 اشر نشان اولان مرحوم بدم با نیزید خانک شتر سندن ترک فدا سی
 غنیات و نصایب سیکرانی و خرنشاه مزبور نامه منب و نقل بوانی
 و اردر احمد پاشانک کثر قصابدی اکا جواب لشد مرور زهور و کرد
 اعصار و شهرور ایدشت عمر مزبور کت کلماتی نیای منیب اولوب موصوف
 صفت کان لم یکن شیانده کورا اولشد ربو اشعار انک کفتارندن که
 زلفک کججه سندن با شمه کون طوفانه
 تحریر اولندی شعر
 تحقیق ای که کلمه اللیله حبلی اهوئی تلک چیخ یکنلندن امین در
 بیر حکمت ساینی اید لی ملجا اهوئی تلک کوردی سحر شیر لوانی
 خون جگرندن دم صبح اولم نامی عبد الصم در شجره پرنه زوال مؤید
 بر بخل ارجمند و اول دودمان فضایل و عوفاندن هر نهال برومند که
 بو ایامده شیخ الاسلام مفتی الانام اولان حایه فضیلتی الفتوی و الفتوی
 جامع سعادت الدنیا و الاخری عالم و فضل خجور کامل سجع انواع الفتا
 و الفواصل مولانا العالم العامل شیخ افندی خدمت رنک فرزند و لیدر
 هنوز و اصل سن شهاب ایکن جائز معارف و فضایل و محاسن و جود
 پیر افضا تلک مطلع علم و کمال دن بر وجهه طلوعی و اردر که ماملر که قریب
 الا یام بدر کامل اوله و افتاب عالمنا ذات کامیایک مشرق فضل
 و فوالدن بر حاله ظهوری و سطوعی ظاهر و بیدار در که مرچو و ستولدر که
 اقرب الزمان غیب بخش عالم فضایل اوله حقا که محذوم خوش طبع و نیکو خلق
 و شیرین شمایل تکمیل جلایل معارف و فضیل کالانه مشغوف و مائل در
 سایر فضایلندن فتنده بوفنده و خرافتداری و میرن و موشع فلانیت

و اسفار بعض اناری و ارد در بو شعر انک گفت در در بار نذر که تحریر
 و تسلیم اولندی **شعر** زلف و رخ جالبه لیل و نهار
 سیرم همیشه سبیل و کدر راز **د** دل نکل خج و لبه عمان عنده کم
 اعتبار او سر و قندی دادم کنار **ف** قدم خم اولدی بجز طوق اولدی طاقم
 صبر و فرار قالمادی بن قیاس **ب** بل کسی بدک اول صفتک و صلته دل
 بر بوسه سنده الیمک روزگار **ل** لا یقیمی ای کل اجل سن غبره سن مدام
 بسبیل کس نیازی قالمه اوهزار **ا** اومه دون خاطر عشق فی لطف اندی الله
 دل محزون منی اکاد و غینه غلام **ب** بجار اشک غرق ابدیوب دریای جویبار
 کوزه بکدر دم ای دل صافی کوزه **م** ممکن ای که میوه و صدک اوله نصیب
 باغ وصاله طمع خام ایدر رقیب **ع** عالم و فاضل بخیر کامل مهر جهان
 فضایل بدر اسمان حسن شمایل مظهر شرف فنون مکتبی منار انوار
 معلوم و ادبی مرات جمال صورت اسحقان صراح ارواح مکارم اخلاق
 خاطر فضیلت مفاطر محسوس و محمول عشره روی دلجوی فضل و کمالی
 ماصدق کلام و جوده بومند ضاحکه مستبشرة شجره طیبه عکس اوصاف
 اینه کصور حقایق الطاف و انتدیه مقاصد فضل و عرفان واقف مواقف
 تخفیف و ایقان اولان مولانا افضل اعظم جامع انواع العلوم و حکم
 کلمات فضائک نخل ارجندی لطفی بک زام ارفندی خد متدیر که
 طفل علم ر ضیع سمات که مسیح مهرد و اندر حال فرخنده مال حضرات
 ستود صفاتی کلام و پذیر ایلد تحریر اینه کرده ذات فضایل شمولی
 پایی شملک ایلد فضا را از میردن معزول ایدی نام مجد لری محمد در
 برادر میز میلی مختص اختیار انکین بز و خنی مختص مزبوری شعار و توانا

دیو کوم هر بار اولور ایدی حقا که بر جزه باز بلند بپرواز در که صید شکار
 نذر روان فضایل و ایماکاری و بر تو بجز از علم و اخ و عیان بیکران فضل
 مشکاز در که خار و خاشاک کدورت و حشونتدن سالم و عاری اولوب
 باران بهار فضل و عافیتی کشت زار جهانده متناثر و متناظر
 و ظهور انوار معارف بیکرانی مشهود دیده خاطر مبرادی و حاضر و محسوس
 حواس باطن و ظاهر هر مقیم و مسافر در مرحوم و الد قدس شیان
 و مبت مکانک مجلس تحقیق و افاده ایفا نمونده حاضر اولوب سکت طلب
 فضایل اکتب بلزیده منسلک و نقد وجود مسعود لری پخته تعلیم
 و ارشاد لرزیده منسلک اوله فقه مرحوم مرحوم فکر مدراج ماضی و نشتر متب
 و مفاخر ایلد رطب اللسان اولوب بحالس و حی فیل اکابر و انا صلبه
 مدح و ثنا و توصیف و اطرا لری ایلد کوه فشان اولور لریدی فدوه
 اهل علم و نمینه مصر فضل کماله بیر عزیز اولان سر دفتر افاضل فان
 مرحوم و مغفور له سنان انندیدن ملازم اولوب هر کس محروم
 مدارس عیدیه مدرس اولوب الی ایچ ایلد از نیقده بعده دارالسلطنة
 العلیه فسطاطینه محبه ده علی پاشا مدرسه نیای سرای فضل و کمالی
 مشید و موشش اولد قد نصکره تدریس مدرسه سلطانیه بروک ایلد
 نشید مبای عزت و علا ایدوب اندن صحن نمایه به جمال ذات حوری
 سرشده مشت بهشت کجه انواع بهجت و سنا و یروب بعده از میره
 قاضی و حاکم اولوب حکمه حکمه شرع مبنیه اول محذوم کزین و ذات بی
 عدیل و فزین خادم او کشتلیدی چونکه غنچه معنایی ذات بی نظیری غایت
 بخش بیر انجمنی مغرور در بر ایکی کون باغ جهانده و شک اوله علم و کلام

و غیب با عقل و فریاد کنه ابواب مجد و معال مغموم اولی عشق در
دست بخت بر زمان قابولی اجمعه صورت خنک کوسه به جای الم
و کاند رعل کوسه کانه پیشه اندیشه سن طیفه فروغ بخش نام شایان
پرا حرام اولمز و لولوی لال مصیق صدق و نفعی در بیانی طمینه عقد حواله
انتظام بولر خلخال زربین ایاغه دو شمشک به کسکه نقصان کلیم و کوم
ز کین خاک نشین اولمغه حسن و به کسکه زیان کلیم **شعر**
کره بخت بخت باشد باز بخت همین چرخ کلیم سر کشی ای مرغ خوش خوان
شر من بعد ماول و مسلو که که افقاب رفعتی عقده کوفدن
خلاص بولمغه اوج غرقه لاس و مستغیر اولوب کوکب بختی که حاله
اجله رجعت استی درینه بولنه کلوب استقامت پذیر اوله متوقع شمع
در که من بعد مناصب علیه و مراب سینه به تعلی و نسق الی القرائن و اشانه
نفوق ایله هر چند کمان لبساط کلام نبردی استغاره و ایرام و یازوی
کنایت و استخدا ام ایله نیا کوش سعی و اهتمامه دکن کشیده اوله سهام یار
منقب بجد و ارقامی نشانه هدف انعامه رسیده اولمق امر محال و جناح
معالی جناح طایره مقال پیر اضره شرفات شمع افضال و کالند و پرواز اجمعه
نهایت تعریف ذات شریفه و اصل اولمق محض خیال اید و کی صبح صا
صادق سبکه لاج و سوز عاشق کیه ظاهرو واضح در لاجرم بوندن زیاده
عوائی معالی نوب علی الغلظ و حلل نرا کسب ایله نامسته و حیانم کلام
اطناب و اوند بختی و ایرام ایله پیر کسکه غلغله بود کلونضالیدن
فضله لطیف اشاری و مضع و تحیل مطالع ابداری و آرد در بوبر ایکی
اشعار اول فاصل نامدارک بومجید به بحر بر اولمغیون اختیار

ایندوکی

ایندوکی گفت رنند در شرفه اول شایخ سروده بیدی عبدل ایله لایق
ای باغبانی حقی قبول این خلائی نو شب وصل اولدی روزی ای مکمل سینه
اولمنا کو ریمیم کوزه داغی روز جوانی می کلفانه کفیه کندی بن حکم نشینه
بخه و ونک کر کدر غلام فرخنده فغانی امر نه کورب در هم و درین امر انک
کوزی بهنید رالنه درید رفیقانک اولمغه بوی سنبلیکه امین
دوسم همیشه شمال یسین وصلکه ابو دو کم بعید مبد ر
و مهمم اولدر که موت اوله یسین اولورسم اوغوز ارم طاشله خرد ایلسون
که زحمت حکیمه به پاره دندان سبکانه اینکنده اغلسم یارک کلر با که غیب
حاله ایندر کلر بر حاله وار دکن غیب داغلم سوزش مهر کله به قدم سینه به
دلده شفا کجی و ارم اوردم لول کجینه به

واحد

نامی عبد الواحد اولمغه محض مزه بوری اختیار انبش درم حرم قمر اود
افند نیک اوغلی سیدمان چلبی نک فرزند در کلبه ک اختاری رشک کلزار
ایکن روز کار زور کار اوراق وجودین باد ملاک و بوار ابله نار و مار انبش در
طریق علمده دانشمند ایکن نوبه و انابت ابدوب مشیخ عجب زینیه به اراوت
کنور و کدن صکره عالم عقبیه نقل و رحلت انبش در بومطلع زا و طبع در
رباریدر **شعر** ایندور رخنه لک لولوی لاکسیر من
کوسه رعل لیک سغ صر سیکیرن و اهوره به قریب ار کنه کوپیر
نام نصیب دندر مرم حرم سنان افندی صحنه مدرش ایکن انک انبش در
اولوب طریقین فراغت ابدوب مشیخ بخت بزدن دست انابت انبش در
طریق صوفیه هر خلی کوشش قلش درم حرم طریق افندی خند مننده و خلی اولوب

اندرون خلافت المشیدی بوبرقج اشعار تحقیقانه و ابیات تصوفانه
 ایک گفتار نذر شد
 میجاوش لولولر در کور را دیده در کور
 انی ضایع بود حریف که بمنزله او در وار او فید کور هر یک سیکده اولان نقشی
 سیدان زمان اولد کور در کور کور نثار انیک لردل پانیه اول سر و مال ایک
 کور زم زمی ایلد جانندن ارنق و الهی غم نقشه سیر ایلان نقاشی نقیون نقشه
 جانی جان اسنین ویرسون لیل جان یکشکه
 ۱۷۱
 هوای جان فرسی احمد الشیمهار انهار زلال کردار ایلد نمونه جانت
 تحری من تحتها الانهار اولوب بلدان جهان اچره دلیران خوش طرز لطیف
 اسلوب کجی لطیف و ملاحظه شهر اشوب اولان اسکو بدین نامی احمد
 فضا سوره صفاندن بر نیک فرزند مضایل سماتی در لوار فرم و هام
 عقیل و تکبیل حاضر و اما هر قلوب حسب العاد طلباب سایر کیس ایک
 طریق استفاد اولد فده فضایل و کمالاتی پابینه درجه علیا اول معاین
 ادر نه حراخی زاهر محمد بلبل یک عذمتنده مدرسه سلطان بایزید خا
 منصرف حدت اعاد اولد فده فکرة مضب فضا در جمله عباد
 حدت اولمغه افضل عباد در در بو طریق فضایه سلوک ایلد
 ذکر جمیل لرینه اشاح ویر مشدر حفا که اخلاق رضیة و کوار رضیة لیه
 معروف فضایل انبیه و کمالات فده سبیه ایلد موصوف فانت سوره
 صفاتی انواع و اقسام کمالاتی حاوی و احادیث حدیث فضل بی بیار
 و خبر مشهور و نادر و موفوری حاکی و راویدر علی الخصوص کتب سبیل
 علم نفیقه مشتغل و دیده خاطر فیض منظر هر سریه فضایل متنازع
 و اکابر اید مکمل اولمغه الش عشق الهی کانون در و ننده ملتزم مشتغل

کلمات بلاغت نصیای رکوهر شنباد که منور قلوب ارباب عرفان و اشعار
 بلاغت شعاری بر عود قمار می در که معطر مشام صدر نشینان بلاغت و بیان
 کردن و کوشش و کس ایام در و غور کلامی و جوامع و امر ابیات بر تظلمی
 ایلد محلی و مرین کلمات بر صفا و ابیات دلکش ایلد اکابر بلغای ایام
 و اعظم شعرا بنام دن ایدوکی مغرور و معیان در مرتبه کمال و دیوانی مصنف
 و محبت کلمات بلاغت عنوانی و اردر اشعار بر صفا سنی بر دلبر رضا در که
 خلق عالم جمال با کمالینک عاشق حیران و الهی و جمله ارباب دل خط و خال
 بیضا لیک و دال کاکل غنیه نمنا لیک حایم و الهی در حال ادبی بیل طبعی
 کاستان سخنده کویا لفته و طوطی لسان شکرستان بلاغته شکر خالقه
 بوبر یکی اشعار بلاغت شعار و فصاحت و تار اول شغرا مدار کور شد
 علم لفظه سبیه بورسون بورسون سابه شش عشق اری با کجی سورسون بورسون
 عاقبت چرخه دو قمر لیه سبیل شکر اسبابی فلک و ارسون او کسون بورسون
 جام کلف مله سانی نینه رفتار کلوب بزم کلشنه نهال کور و سون بورسون
 ابر میوب سور و صا کو که چکن ماتم غم جوی شکلی کیه طاشله دو کونسون بورسون
 باد قبل و الهی و صفت خط و نقاشی غزل کور دیر بیک که او قسون بورسون
 یو لکه شول قمر چرخ اندی شین بزر حب با فیه و کسم نیمیه کعبینه فارون
 نجه نر صبح ایدد بن یوسفی من جانندن دوشده کور دم بو کجه اغدی نیزانندن
 و بیل شکر با خط کما لجه کوزل من ای یوزی مصحف کتاب حکیمونه
 سدل ننه زکامه شکر کور زانه ایلدی هر یار حسن فولا غنجه

پیری کرک سا که دل و جانندن ای ملک
 ال دیدم که دیدی فولا خاطر کرک

طراوت نغمش زلفک جالکده ملاحت و ار
کوز لشمش من ای مهر وینه خلی طانت و ار
عوق سبلاب بلاهر عاشق غمخیزه در
سمندن خارج ککل مجنون فویه و اوده در
سهر در مرانه تشبیه ایک خمار کی
عقل شیرینکه سنوسه دیکت غایده در
علاقه ایک عشق خدای غیره زاید در
جمال لایزاله عاشق مندرست هدر در
کوکلده جمع مال و ضمه کده غایده
ای فواجه نقد عمر دو کندنی نه غایده
و عوی فضل بدر ایتمه سجادم ایک
شرف نسلکه خضر ایتمه کرامدم ایک
اور نه دندر نور در اهر و یکله معرف عشقون شبانه دن
ای هدا الان معارف و فضایل ایله ماکوف او ایل حالته حرمی محبوب
واله و جبرانی بزم شراکب سفر صحرای کبی زا اوسه کردانی ایکن مناجب
علیه و مراتب و نیویه بی ناکت اولوب طریق پیر نوبیق نفیقه ساکت
اولوب میدان و عطف و نصیحتده مر و معارف اولمشیدی بو ایاده اولانه
و اعزل لکت غام بنامه نندن و بوطایفه کرامت خلی فغانندن در مجلس
و غنظنده رجیق پندی نوش ایده نمرالام و احزان جبهالی فراموش ایدردی
و هر بر نیک عیان خبانی دریا لکبی جوش ایدوب عواصف ضیاع ارشاد
نشانیله هر جوش و خروش اولور لریدی بوقنده دخی طبعی ریح و کلمات
و ابیاتی

و ابیاتی رصین و شمع در لطیف نار بختری وارد در صنایع لفظیه
لفظیه به مایل اولمغیل بویتهی غام کبیزی سلطان کل ز غنچه سمی
زاو زبدرود و پیک سحر ادریش ایدید بود نامی اجوف اثر
علت افغاندن سر و ناقص رخش کبک خراامندن مر یق
عشقم در مان بکاسن شاهه فاشدر تیش کم دور و بحر کله اسم الله
قامشدر مر اوان عشق ایچنده اولنمرا اوک عده کایده
نکبتهی اوله بالانشین چوید فایده صاچلوب پینه سده داعشک
ای کل بوکانه سدر طوطی بلور در صایحه فر نعل و اشقه رایت
تویف و توصیفی و الا باغ جهانده نهال مدح و تناسی کشیده بالا اولان شهرت
شعار فضیله یکی بازاردن ظل هر ویدد ارا اولمشدر نامی عبدالرحمن در
حالا حجره دل جانانه مشکاة اصحاب کمالاندن اقتبس بیده اناره و عباس
و محافل اکابر و اقلده کوشن جلالت و فضایل او اوره ایدن طلمات زمانه
زمانه دن هر دانشمند نامدار و شهرت شعار در و اصل سن شیب و خال
ربیعان عمر بختاب ایکن مایه فضایل و معارفه حید و حساب اولوب کردن
دل و جانی فلاید کمالات ایله حالی و سحر وجودی حقیق لطافت و نوادر
ایله مالی در مائولدر که عنایت بی غایت لایزال ایله بو مالدن که زائل
و خالی اولمیه اقلیم معارف و کمالاته والی اولسی کون کیمه ظلم و ستمانی در
مقبول و محدود استعاره ابیاتی و صنایع و تحسین معیاره و منظوم
بعضی کتاب بلاغت ایاتی وارد در هر یکی استعاره مز بودرک
کفتار ننددر
همچو بر بنوی لشمش عشق غمخیزه در حق بودر کم لاله احمدی و اوده در

ابر مکرر او فاسنی بالابه نیتتم افتاد در بیم و لیک بسند اولی انتم
 و ار با نجه صالو اول سر خوش غلام اغیار نا بکار دلاله می آنتم
 بکر هنر در کر اغایه بیکم کون والی عجیبی بمنزیه کس نیتتم
 بولیم می لب جانان ایچک عرق عیش ایک اصل دلاله کیف با اتفاق
 نه فتنه ایلا را بر در حشمت متالی بحق بجایه اولور غمزه سیاه مزگان

با کوم کل کندوی اخراشته کله خاک ایدر

یا خود اولور فوت روحی انک اول لعل شکر

بیب

وصال خونریز و بکر رغبت ایدوب

کے کهره کھی نفدیده ایدر صلیبی

چو شنه ظلم اولد دل که ویره کومرے

اکله کان لالی به نفد عسل نله

قاشق نل ردکی ای اهل غمک جرجوشی

صورت حال عجل ایسون اول ماه وشی

وجه ادر نه لیدر کبه می از اهر و میکل مشهور در ادر نه سر ای خواجه

ایکس ملازم اولوب بعدد بعضی فسیانه حاکم اولد قدده افواج امواج اجل

متلاطم و متراکم اولوب سفینه حیاتی عمان فنا به عرق اولمغله دیا اخرت

عازم اولدی بو مطلع انگدر

نوشن شراب نایله کتمز بلای دل در و اهلنه اولور لب و لیر وای دل

ش

وجودی

وجود سلال وجودی دیار فر مانده لارنده و میکل معلوم از اهر
 و بنده اولان قصبه ون مانده اولمش در نامی محمد در طریق صفا رفیق
 علیه ملک اولوب پنجه زمان و الد فر دوسر کشانده مگان ایدوب یاض
 وجودی غلام لطف نامعدودی ایله محضر و نسیم الطاف عجمی ایله شجره دل
 و جلالی منور و منقش اولد قد نصکره مفتی الانام مستاد امده اعلام مرحوم
 ابوالسعود افند نیک مدرسه علم و کماله خادم اولمغله خدمت شریفند
 ملازم اولمش در منصب ندر رسیدن بعضی مدرّس اولد قدده فایع و ملا
 سر دار ارباب ضبط و رابط و بسط و کشت و مرحوم مصطفی پست کانسراج ارباب
 ضلالت اولمغیچون سر دار اهل سنت و جماعت اولد قدده خدمت معالی
 نشانه نیک فتح و ظفر کیم معنان و مانده غبت و اقبال حرکات کبریا
 طاکوس جولانی اولمغین شام شرف انجام هر فرق بیک آنچه غامضه
 طریق علدن فراغت اثبت در خیال دیار اولوب کتاب و بیشتر بحق نظم
 خوب و کتاب مرعوب معنسی خیال کیمه دقیق و الفی ظلی روی بار کیم خوب
 بویر ایکی ایبات اول کتاب سنط بندر سبب بالیف و مدح
 والد شریفده صفت بهار

شعر

بنه اول خالق زمین و زمان نظدی باغ جهانی حشر شان

اولوب اواز رعد نفی صور جفدی بیرون چین جو اهل قیور

فطره بیضه و ارشیدن بچینه طوطی کیم جفدی رحمن

اسیر نیغایه بشدی کیمه لر اود یثوب کل کا علامت اندر

یا بلوب جسم بفرغاب روان مر مراکین ارشدی کشته جان

کاشنک اولدی بو خیالدار جمله هب بچن جفودی نزال

قتی نوز سینه ایی شاه کل : ایچکرمی اولمه هر بیل
 باپشوب مهد شاخ کلزاره : باد طور من صلدی کهواره
 علمانک بو کون علی حبی : ذوقنون جهان طلع جلبر
 که انک نامنه دبیر قضا : بخت فضلی ایدی ا مرصا
 کورسون لطفاتی مکر و بدکو : که اولوز نافه تک نمکن بو
 بو غول دمی انک کفتار درر : بار ندر که خیر اولندی شعر
 بر ملایم فیلو ناز کوزلدر بیک : بقه لرسه نوله ناز کلکله بیهنک
 کلشن باغ لطافته عذاکر بیک : نر کس سا کوزی جفسون کل غوغا کلک
 خط سبز که خاک نوله طاعت : باغ عالمده شها رو نفی کدره عینک
 بوف بیه لبر که ناسنه خوش نکر : دلبر اسویله صوفلا سون ارا به عینک
 بویجه کوندر که عدم ملکنی طور فطر : بولدی ذره جه عالمده وجودی بیک
 بوردی زال هر غنچه غریبه بیک : نولا شیرین ایساک صورنده فیهل اولدر بیک
 قاضی زاهر و مناسر و نذر خاوه رینک : همشیره زاهر سیدر خاوه رینک
 مهر تربیتی مزبور کشتیم که خاکدن فالدر ب بر ذره ادنی ایکن : حاصل حبه
 نصف اولغه فقر قدری محاذی سماک : اولوب شتر کی کون کی انداک
 ایشیدی روم اینده کسره فاضی سی ایکن : سینه ثمان و حنین و شهاد
 ترک عالم اب و خاک ایشیدی بو شعر انکدر : **ش**
 جع سر کردان بچر سا که تا بانه : حاصل شمدی طغوز کیشی بور بر جالمه
 در دبله چرخک چون فاضی تو : دستنده دودا هم کوا که بر عصاره
 ناز از نیتقدر بو عجمه کجشد بر شش : افیون سفدار روزی ایله
 تمکن کیفیت عینده مغلوب لولوب خانه دل و جانندن : اسباب فوت و قوی
 بالکلیه

بالکلیه منسوب ایشیدی کن سبیکه کلانی صبر فیان : بلاغت و نافه ان نکات
 یاننده تام و الوزن و کامل العبار و سکه قبول ایله سکوک بعض
 مطالع و اشعار می و اردر بو شعر انکدر : **شعر**
 جلاله چشم جان خاکهای در لایله : صفین کی لدر کوزک بویر لر نوبتایله
 چکدی قوس فرجی رزم ایله نهدیر : فلجندن فلک قال طمرای مهر شیر
 غم زلفک چکین سر نه قدر شکل : اولومدر بجا کوسر نه خطک ایله ترش
 کوسر که نولا خلقه نیانیده بنی یار : اشفته سیم جیل زماندر که بن انک
 وزان نامی عبد اکرم در مناسر و نذر و اولدر دوس مکان حد متنده مدام
 استقام علم و عرفان ایدی و ایشتمند لردن ایدی : مرحوم هر قویک روح فیهی
 کوشه نشین ملا و اعلی اولدرده ملازمتنده خیل نخت و بلا جکوب اثر بر اور
 راقم الحروف حکومت کسره به مبتلا : اولدرده خدمت نیانیدرین ایدر کن
 سینه ست و ثمانین و شهادیه هر اخره رحمت : انیتدر بولسا انک
 کفتار ندر شعر : **شعر**
 دل خادسنی بقدی چون اولی ارجفا : یا یدرم زرد و دیوار غنسی اکا بنار
 قدنه کوره و ملک جامه سی جاکت : اول بوی سر هر دیک اعلاسی کت کجاکت
 عورت مفسون اولن مجنون : وزینا نیکر سن اکوب بر ایکی زنباره وی
 وصال : لطافت سادع عظیم الماحه سی معلوم طبع خره بر این اولان ولایت
 بدیع الایه ملک ایدین و نذر سلطان : باینیر و سلطان سیم خان
 زماننده اورنه هر سره ای سلطانده معلوم علان : ایکن ترک دار جهان انک
 سدرای جنان انیتدر رقیب و مکمل بوالی و اسامی بنی نوع انسان
 هر اسمره حروف سیجانه قبی اوزره غزلیاتی و اردر بواشعرا انک

گفتار نذیر اختری در شعر

کوزلر مد کوزلم کوزکی جانیده سون کوزه کوزستر کوزکی کوزدن ایلر اولمکن
اغلمقدن کوزکه اوده فی قان اولمکن کوز کوزدن کوز اوچندن نه عجب کوزدن
کوزلر کوزلر کوزلر اولدی کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر
کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر
وصف اناطولیده نیکده نذر طریق علمه کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر
اولد قدر نیکده بعضی مخادم کرام طر فزندن مظهر لطف بهر مزید اولد قدر مدینه
خاصکی هر معبد اولمشد معارف و کمالانده حقی اینیه سینه سنی مصقل فخر
درانش ایلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر
و درش ایلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر کوزلر
دل شوریده می اول یار جفا جلالی بکلیوب بولر بی دیده تر صبح و ما
اشک خویین ایلر نین اندی شود کلوئی کم

و مستی نای دل کندی دیو دو کدی کهر لرمسان اکا
قامت وجودی قنای مدح و اطرایه لایق اولوب بلدان روم کیچه صوفیه
دیمکله موسوم اولان شهر فایز نذر طریق علمه ضعیف فداکت دیده و الم
کشیده سی اولوب دشمن اهل هنر اولان دنیای دون پر ورک
پایال غنت و زلفتی اولمشیدی بو ایامده خدمت بعضی فاضل نامدان طلام
اولمشد شاهزاده و مراد و مراد فی تمجید و صلتی اولمشد در جبر قوت و زور اشعار
و ایالاتی موفور مراد دیدن مقاله قادر شاعر در بوسطع انک گفتار نذیر
که سخنرا و لیت بی شعر و لایپکان سخننن یورکم غرق چون او شتر
دیوان غنچه سی فکرینه وار بکسر نکون او کوش و وصفی خارج حیطه

مقال اولوب ممتاز بنده ان جنت مثال اولان شهر فایز نذر قنیه سیر و زندر
مرحوم سحیح ایلر سمفیس و ممد ام اولمشد علی پاشا کت سیرای سعادت سیر کت سحیح
اولوب شهر باز وجودی جناح خود نامعدودی ایلر طیران ایلر و سی و هر بر نیک
کار بان امانی و امانی بدرقه احسان و نوالی ایلر شهرستان حصول
و بخت روان اولورودی نجه مدت شهر مزبور هر و الی امور هر هر و الی
ایکون شراب ناکوار مهمانی و ایلر اولمشد حیات و صفی نیک بار مرارتنه
مخمل اولوب بالآخره جوهر روح کند و سندن مفارق اولدی غمت عشقی
ایله محبتون و و ایلر اولدی غمی غموس زمانه بی خواه و ناخواه جبر و اگر ایلر طلاق
اولدی مفا که لایق توفیق و نذر او ایلر محصف ناظم دقیق خیال و شاعر
فخوش ادا و لطیف مقال خیمه از خیا نندن ضمیمه ان بلاغت و بیان نایت
و غنیزان و میزاب خامه لعل نیت ابا نندن باران کلمات فصاحت سمات
ساکب و ریزان اولمشد در نته کم بو ایام اولان ایسات بی مثالی
صدق مدعایه شاهد حال در شعر

نقد رتیر که ابره جانمده جانمده جانب کوینه روز نذر ایلر جانمده
یاره مکت فیکویشی کدی بر دم صغی کریم او کندی کلور دیده کریم نندن
یارب نوبیدی عالم کینده مول اولم یا خود اولور که هر کوزله مایل اولم
دل صبر ایلرودی و صبر ایلرودی غم کیجه اجل و غمی سنجیل اولم
ای و صفتنک کماله انکار ایلر شغری کماله ایلر مزایدی کامل اولم
عکس خند کسکه نوبید خناب کویا برک کل نذر در شراب نابده
کند نیک عکس کسکه نوبید خناب کویا برک کل نذر در شراب نابده
و صغی نامی مصطفی در نقاش صحیف احوال و رستام صور حال ارباب

استنبول ماضی اولوب اذن منصب جلیل صد ارته وصول بولمش شریدی
اوج دفعه شهر مزبور قاضی و حاکم اولوب بعد الفول دخی لوازم خدمات
دین و دولته و ایتم و قایم اولمش شریدی بویا آمده امام طر شوسنت اجم
الو کج نام کتابی ترجمه ایدوب اول عروس حمله کمالی علی و حلق عبارات
شریفه و مستغرات لطیفه بده مرین و حلقی قلمش در و اول شاهد رفقا
قبس روی کیور سکه جمال با کماله حسن و بر او بر شدر بر بوفنده دخی نهانده
افتداری و طبع و ضایل بیشه لرینک بود و ایدیه دخی چون اناری وار در
بهر ایکی اسعار اول جناب بهر زکوارک انار طبع در یار ایدر

دو شهر هر کردن ای به نغم اشکم بر نجه کوندر بجایا اولمدی
طالع ستارم قانی دوشکندر مهر عالم کشت ایدر اطر
چرخ سولیسو اولمفسن افتاب حسنه بر دم رو برو
مومیا نکه دلاکت بخش ایندک یون بیر قالدی قرقا دلمندی
بیری بیر نمل مومبو و میدم دشت بلا هر فرقتکه دلبر
افدی محمدن بنم سبلا ب اشکم جو جو کور ماکه سن مهر جینی نجه
ماه فلک شهرک ایچن طولنور منزل بمنزل کوکبو
قلعه بوینده بنم بوفد رایلیر یار یقین بیده بیلیم بیلر
نار بوجر کله یونوب کندی بورک خجرت سینه جرجانانه
دلر ره فرقتده وصول هر دم رعد امله فلک اطر
تبع طاع غزا و جادی عبیده و دوسوع و عنده سنت اجماع
اوزره کشیده و حسام برق اینقام انتقام ایلد و کس سلال

فلک مینا فام کبی کشت زار اعدای دین اسلامی در و بده ایدوب شعله
سنان انش نشانی خرم سوز و شمنان دین و ایمان اولان بیالی
اوجا خندن کفدنا بکار ایلد و ایما جنگ و بیگا ر پیشه سی و اجام و کام
نجات و بسالت مدام کفم و پیشه سی اولان اسد ضارم میر پرگارم
امرا اچره علمی کبی سر آمد اولان میر بجل و بخت محمد کبک که حالا اوز
کوس مارت و کرة نامی افدام و مایا بنی فیه افلاکی بر و لوله ایدوب است
و صدای سعادت و سخاوتی ابوان سرای جهمانه غلغله و بر شدر بوطایفه
شریفه به عادت و فرقه مزبور به خلق و طبیعت اولان سخاوت شجاعت
ایده معروف و کمال افدام و مردانگی و نهایت انتقام و فرزانی ایدوب وصف
مطلعون لسان اقران اولمندن مجروح حسام و سنان اولمق اولی حسین
حیا ننده کلکونه جیانی نشان اولمندن پیشانی دانه نقش مات ظاهر
و عیان اولمق اوی اید و کینه جازم اولان مردان ارسنده آیت و بیان
امرا ایشاه جهمانده مثال رایت در کفار با بکار بوجوق بوجوق نلده
سچر کیم حکم و رفیع بر لره قاجیه اکابر طریقه وصول بولمق امر حال
و هر سرکش و غدار مار صفت و کندن دلاکیر سه نیره خوشخواری ان رشتن
حیفر بمن محض خیال در کفارت لکه و سگ نیا خیانی شدت و کسندن
انکباب و انکر اس اوزره و صر صر سب صبار فزارندن اسس
وجود و صلا لت سستی ساسی مانند ام و اندر اس اوزره در کفایت نجه نیره
از دما مثالی ایله بجای اوج اولمق خوشندن حالتی ماصدن کلام فهمی
امر مرج در تیغ لی در یغنه کفارتا بکار فرال دبود و فرال خوف
و ملائکتدن مظهر حال ماله هم و ال اولمش در هر جمیع نوع نجا عنی شانه زده

دست دولت و طرک مسکین را اینی پیر بسته مشاطه نفع و نصرت اوله و غندان
غیری ایبات بلاغت سمانی لطیف و مقبول سهام اشعار فصاحت شاد را
نشانه قبول اهل عرفانه وصول بولشد در اقلیم بلاغتمک میر سخندان اوله
مرتبه و مکتب بوانی و اردر که اول دیوان معالی عنوانده ضلی معانی
کتابیده مجتمع اولمغه نوبت خسروی و حاقانی اورشد ربور اکی ایبات
اول میر خطیر کلمات بلاغت سمانند در **ش**
اگر انکه ابریزم ستم دار و صلفده الم با فکده ای سر و سر افر از م قیامتده
بحرین ایچره نولای در یکدانه سکا کوصد فایه اولوب لولوا و لولولالا
بزه اچلمغ امیش نصدی **ن** اچمه اما بور ای کسه بی ای باد صبا
زال و سر و کل امیش اگر سوبی سفید مسجد م پشته با قمری شفقند عت
طرز زبانی به وصولی بوری اویدر شعور ایده کور فاعده اب حیاتی
اجرا و **ن** نامی حمزه در کاربان دل و جانی مانک جهانده بلاد کر میاندن
لطافت اب و هوا بله مدوح و محمود و فضیله حسن و بها سی خه بود عدول
ایده مشهور و مشهور اولان نقیبه شهودده داخل خه وجود اولشد
طریق طلمه سلوک ایدوب ذات معالی شمولی مولان و اعظم جامع الفروع
والاصول ناظم المفقول و المفقول مولانا تاج الدین افندی که منته وصول
بولدند جناب عالی لرنده مرعی و مقبول اولوب خدمت علیه لرندن ملازم
اولمغه و اصل ممول و سؤل اولمشیدی حاله الکی اچمه اید قاضی مدرک سنده
منظم خدمت ندایس اولمغه نبای سرای مالی ناسیس اوزره در
موجبه گاه معارف و کمال ملک مردمیدانی و میدان مرز و قنوت
فارس و پهلوانیدر میدان غنیمده در سنی بولنده بخش و بر مشکلات

امور و مفسدات جمهور را کامر اجعت اولنور فادر اولرنجه مرکک مصالح
و مهاتنه بولنور صدافت شعار بیروان ستم و اطوار در بوفنده دخی
غایت افتداری و اردر بوجکه به صغیر اولنمغون بواشعار ریاحت
انمشدر که خبر اولندی **ش**

بوز سوزب ایفکه اغله بودیده تر نرد و شر کوز لرنده خاک بهکلی کل نر
شده راحکده که کیر به بانک نوزی کحل ایدری کوزینه زمره ارباب نظر
صقن اشکم سنی غنچه چکر و مثال قامت یاره دلشده بوری و ارای عمر
روشدی کوناب بلایه بولکل **ن** بحر حیرنده نودی نکر کن رولیه
خولر ایچره کول بر سر تراشه اگر کبار ماسو کاشقی پشدن ایلدی بر بر ترش
و نامی عبد الوهاب در نقاوه فضلاء لطایف اثار زاده و نیت
و وجد و وزگار عالم عامل و عارف مانک سبب المغفر النادر و الطارف
خدمت و الی ما جدک برادر که ندر دار العلم و الکمال اولان سعاد خجانه
بر اجل الله تحصیل علم و معرفت ایدوب خدمت شریف لرندن ملازمت
میتس اولدندن صکره مضایق و ما از م ندر لب شمل ایده میوب سمت
قضا به عازم اولدی شعر و انشا و فرس معانی ابله پشته بودیده جانی
کحل عوارف ابله روشنادر اگر معنی محمود اراده حجاب اولمه اوصاف
الغایب زنده بجه حصول و ابواب خیر اولنوب ذکر منناب یا حایب
اطناب اولنمغه شبیه و ارباب بو عیدی مکن فی الحقیقه کشی
کنند و بی مدح و اطرا تمک معنای اید و کی ظاهر و هویدا اولمغین
بومفداره اکتف اولندی بواشعار انکدر **ش**
کوکلی فادر کل راه سیر کلستان ستر سحر کلنده بیل کیمیه فریاد و فغان ستر

او غنچه دور و دراز انداخته بچهار صبر ایل زمان است
 باننده راهد شهر کنگار و باوه غنچه همان اهل با صاحب ظاهر و نمان است
 قدیمی اشناختن وفا امید کنی که کوی کل بر نور سبک بولنده تیرک بخش جان است
 قناعت ایلز اول شاه خوبان بکلیله نیجه و بانی کیسی بچاره نمانوان است
 بو مطلعی کو محصوره قاضی ایمن و میشدیم دیو اشعار ایدردی شو
 شهرها نامکنم سفر دیار کویها آه که کول اولدی کوز لورم پیشی بکا اول کول
 کوز بر سه یار من زاهد نمانی اشته بن سوغریه اول به مهر بانی اشته بن
 یار حسن روح ایدوب جانا کینک دیکم کویک بیک جانیده سوغریه سکا اشته
 کون کی مشهور عالم سنده فکارس عشقه نامی طون ملک جہانی اشته بن
 نخل جو و ناریفتی ولایت ایزدن الاشهر و میکل شهرت شعار
 اولان نصیب نامدار دن سر زده و صورت نما اولوب دارالسلطنه
 العالیه فسطاطه نجیه نشود نما بولمقد کشیده بالا اولمشد اول
 باغ بلبلانک سوز از لورسی مفدا ماز کور اولان مفا لیتک همیشه
 زاحر سید زامی اولیس اولمقد مخلص هر قوم ایلد موسوم اولمشد طریق
 علمه ساکت اولد فده فدوة الافاضل والا کابیر راوی احایث کابیر
 عز کابیر منلا جلیبر افند فیک طلاب سعادت اکتسابی سکینه منک
 و منوفا و کردن دل و جانی جو امر زو امر لطف و احب فی ایلد منتظم
 و منوفا اولمغین جناب هر سگار زلمیدن ملازم اولمشد را فتاب
 مفا ل مطبوعیک افق قبول اهل کما لدن ملکوچی و ما معین کل امتیک
 سر حشمت لطف و انتقل مدن خلی ظهور و بنوعی وارد بو ایا مده
 بیل کلشن صفا اولان دل کو یکسی شاح ریل غنچه نغمه سر اول

نجات و پذیر ایلد مدح و ثنایه لایق و سر اولان شعر اوند کیند
 وجود نامداری شویلم که بر صف دار بوستان میانده پایدار اولوب
 بو حال اوزره برقرار اوله کر چکدن شاعر پرشتها را و بلغانی روشن
 و اشکار در بوبر ایکی اشعار امک گفتار نند **ش**
 نامه که بقا و غنچه اول نگار بی وفا ای دل غنچه بندن بر فوج کاغذ کا
 سر کیسوی کر مکیک اوجندن کوز لم غنچه غنچه بلا کی غیر یغنه چکه لم
 کو کلنه کیریک ابدی دل بت شیرینک طمش کسیدن ای غنچه کویک
 مرغ دل پرواز ایدر کن مکزوی شہزادہ دوستی کندی فو نشمق حسن ماهر و ارله
 شک و غنچه کن اول طلیب زور وک دلا او بدک لشد کک بیج بلغم ندر درک
 فشک و غنچه دل بر دم بکلمه مہفقار مرکی شمشیر کور دم کسدم و ایلار
 جویان ایچره بت دیر طندر کج کافر سنی اما کور بدہ طلیق کفره بر ایدر

حرف الف باقی

محبت ادر نه دن شیخ خلوصیه دن شیخ زاهدی زام و یکلمه موقوف بندہ اوزام
 اولان کسہ نکات اوغلی در نامی عبدالرحمن در طریق علم و وفانه سکوت ایدوب
 سر نه سلمان و طریقی بیایه اید کورب فدوة الاکابر و الا عظم مرحوم
 محی الدین افندی بن طرازم اولد فد نصکره طریق نصوف کت عازم
 اولوب ذات عالی و شیخ ایلد فدوة جملہ شیخ اولان شیخ بہار الدین
 زاحر خدمت نندن دست توبہ الوب هر طریقه ہستاجر خدمت
 و اطاعت عین طاعت و عبادت در دیو شیخ کبی هر کجہ صبح
 خدمت پر کت نرنده ہستادہ اولمشیدی بعدہ صاحب قرآن زمان
 مرحوم سلطان سیمان خان احکام تخریر عارف و ادر بجان ایدکرہ

قیصر بنامی ایله شهره انام اولان شهر پسر انتظاده مرغ جانی ایشان
 جهانن نصر عابقد عالم ارواحه طبران ایشیدی عایب حالاندر
 شیخ مزبور دخی جیدن کلور کن اول شهر هر ریاض رضوان واهنک
 تفریح کلر ارجبان ایشیدی دولت طول عمر له چندان تمتع اولدین
 شراب کلر صافی منجیح اولمش در بوقطعه انکدر **دولن** دون الن
 بوش دلردیکم عدد بوش ایله طوقه زلفن دلیک
 اه ایدوب دیدی اراقدن باقی طومنه بر دم کم فوسون
 انکرک **باقی** افتاب وجود پر عانی انقده نام شهر دن طالع در
 اولمش در مزبورک دخی نامی عبد الرحمن سالت طریق علم اولدده
 انیم علوم و فضایلده صاحب سیه اولان جلیل و خلیلی عقلت
 مایه فضل کبیر اولان مرحوم معلما میر افندی دن ملازمه دبدده
 امانی و امالی فریر اولدند نمکره سلوک طریق قضا طبع بی نظیرینه
 دبدنیر اولمشیدی حد و سبعین هر مانتف غیب دن فاد خلوا خالیدن
 ندانی استماع ایندکده نهایت شوق و النیای ایله عرف ریاض خلد برین
 انیشیدی خوش طبع و لطیف صحبت اهل علم و صاحب معرفت کینه
 ابدی بو اشعار انک گفتار نند **شعر**
 بمشبه کوزلرم مژه می پر در ایندیلر بسم که بوفد در قند و در تیلر
 رو شمشیدی خلدن ایقده ایچکیمه عید اولدی ساقیدکی بینه یوزید
 مسکین غزال غبه بر نه ناندس کسمو کرک شفاقتی خانق خور تیلر
 نام مجیم دن بوری غوغا اینده تخی اول کوشه بی اولولر ایچون **شعر**
 بنکده ویکله مشهور اولان شهر دن ظهیر انمشدر همد اهل مقال

و محرم صاحب کمال اولمغه عقیل حال انمشدر یواشدر انک گفتار
 کمال اولمغه عقیل حال انمشدر یواشدر انک گفتار
 کورلدن داندله سنک زین الدوغی اوشوب اوراق کل صحرای طونا
 اولدن عشق شیدا بجز سایه غلک کلاه اسمی و دکیودی کوکه انمشدر
 لب لعل عرفنا کنه اوکیش و بوساتی عوفله باد نای بی برینه فانی
 شب انک عمده اوکینور شیشه افکده شهر باکست باقی چرخ فلک ابدن اور
 وجود بی بهانه سسی روی دلجوی دانه خالی دین مبالغه و راغی
 نمونه هده جهات عدن فاد خلوه خالیدن اولوب سعت و لطافنده
 عرضة بوضه می سپهر اسافانک پاک ساحه نایک عبیر زاومغک اولان
 محرومه بر دساوند کردن حالی فلاح سیادتده حالی و نصر قدر
 والکسی اساس فلک محسالات الموده فی القربا ید رفیع و معنی اولان
 اولاد اجماع و نبی با شمدن محضیل معارف و کماله مداوم شب و روز تکمیل
 نفس طغیه مجده و عازم اعناق دل و جانی فلا ید لطیف بیان و معانی
 ایله پر و شایخ و نمایم انواع افسام کلامده مامور استیج هر مقبول انظم در
 اگرچه مقاصد مفیده صنفنده سر آج ابدی لکن محضیل کمالانده بلی سراج
 و باجم در مدح انار بار واهی اطاب و اکثار کلامه محتاج دکلر و رفیق
 معمار دخی تمام نامدار اولوب سینه خط و سحر اجنده غایبده افتداری
 اولدوغی جای عناد و لجاج دکلر بوبر ایکی ایسات و صفات اول ذات
 سیادت مالک کلمات بر نه نند **شعر**
 بکر کن جامی مسودم کوب نوش انری لوانت کلخه یوبیکه انک ایغنه دولت

هم عصر و سیمان زمان او سک بود نیام اجل از صوب دوران بنه افروز
کبه با بوسی بنر سینه من استر ایلر کامل بقده فالوریا قصل لیلان صدر
معتشوق و عاشق بر اولور سوز عشق پاک بر او دکل شعله پروانه لی یقین

کون یوزک سیر ایلیدن ذره سان جسم و جان مهر کله اولدی لامکان
ولا اوازه عشق اولم کمر پنچون سرباز اولوب دنیا کبوتر
بر کون اوله کم و هسر دنی **بیچ** مسجوع عشق لایمکان بنی
اسکی مشتاقه اوش اولمکی غبت **شاه** جاده اول اولان بولدی ترفیق

شاه بونا ریخی ملقوز یوز طلقان بر هر جمالی وفاتنه دیشدر **بیچ**
نهران اولدی جمال یوز طوب صد قبل الله طلقان اوجده

علوی به دیشدر **بیچ** مقام اولسون سکه جنده علوی **ششم**
بابکسی ولایت بچمن ماحرت ایلد داخل ملک روم اولوب بودخی

اولاد رسول و اخلاص بولدن اولمقل مخلص مرفوله مرسوم اولمشدر
همیشه افعال و احوالی بروفق مراضی اولان صاحب قران زمان سلطان

سلیم خان ماضی سقی الله شراه و جعل لجنه مشواه خدمتدینک صاحبزاده
وناظم انواع مفاخره منافعندن ابدی حتی پدری شهرشاه فرز پور حرورک

بابا لری سلطان بایزید خاندان ایلد وکی بخار به هر زخم حور ذریغ وستان اولمقل
عالم عقبا به وان اولمشدی کندوسی دخی روم ایلر نده فاضلی و حاکم

ایمن ملک بضا به عازم اولمشدر رستم کاهم رطل فندن فی نصیب الفاظ
و عیاری فی شرکانه و طرز **شاه**

غریب اوزره در بوشتراکت گفتارنددر بر زمی ایلمشوز دون کچه سلطان ملیه

نجمه سلطان ملیه می سر و سنا ملیه و نه خوشش بلو کیده یوفد رینی اوده و فی
شولک انسل ایلدی یخنون کبی یوز ملیه **ششم** اسکدر دن در بابکسی فرقه فضا

وزمزه سادات معجم الیرکاندن اسپارنه نام نصیه دندر نفیه زاهر دیکمل
شهره انام ابدی سیک طبرق علم اولوب منصب فضا به سوغل اولدنده اسکدر

متوطن و منبزل اولمقل نصیه مزبوره دن مناهل اولمشدی شامر نور
معارف و کمالانده مهور حال فاضلی دارالسلطنه اولان فرقه جلیلی زاهرک

ملار فی اولوب انقل رفصل موفوری ایلد منظور بوستان دل و جانی
انهار لطف بی کرانی ایلد مهور اولمشدر بوشتراکت **شاه**

امیر خلیس اولور کسم عجیب صحنه غلام حلقه بکوشم بیاله خدمته
بنم فرما غنیم شده هر در و دلا **شاه** بنم یخنون کبی وادی غمده مبتلا شمدی

بنم نوی دلک کوکل بیفوق بر لری کوشکن که او فکس و صور و حقیر و بی نوا شمدی
نیم ایلد بو شفقن سحران در لری حکم دکلر شت هکل عذر مننده نظره شبنم

خالی اوزره موی اربهلوی شیم **شاه** موی غنیم بار در صان نافه نانا رحم
رومه کلکش دلبه ندر کی کیوار در موی غنیم بازله خالی رخ دلدار در

خاک سیا هی عین مشک از نر و بوی دلجوی ریا حین ربان
مانند نکست عود و غنیم کلستان ارمه در شک وجود شامخ العادندن

منواری پیروده اخلاص اولوب ساین شهر سبا اول شهر حبست کسالی
کوریک جماندن نابود و ناپیدا اولان محروسه بر و س و ندر رسوا و دیده

اصوب کمال و سویدای غلب ارباب انصال قم علوم معقوله و منقوله
و اصناف فنون مقبوله بشیوای علما زمان و بیکانه دوران محیط

دایره فضل و ایقان مه ارمه کر کسجه صحران حاوی اسباب اصول

و فرود مستحق مدد و معقول و شریع بحر حقایق ذکر فضایل مجموعه حقایق
و جلال فضایل و کمالات حضرت خیر الاولان مولانا را عظمی از اجلایی در
بابا لری فاضلی حاتم در یکله شهره انام ابوی مولانای مرقوم تحفیل تکمیل
فنون و علوم ایند که در محرم کمال با شمار از هر نکت مجلس بر افاد رسنه
حاضر اولفله غنچه خاطر سعادت ملازمتی ابله خندان و ناصر اولفله
صکوه مدارس علیه دن نصیب و دایه لرین الوب مدارج جاسی
قدم قدم بلند پایه اولمشیدی و سافونتب برکالی ر حقیق غرت و اقبال
ایده منلی اولفله امری قیصر از جندی امثال و افرا اندن منعلی
اولمشیدی یکی دفعه بر و کسه تحریک سیه اندن ادر نه تحمیه به اندن
دار السلطنه العلیه به فاضلی و جمله انام سیرت ر ضیة سندن شا کر
و راضی اولمشیدی شهر مزبور در منصف فضا ابکن حکمه حکمه فضا
و قدر هر استر داد و در بیعت حیا نه حکم و اصفا اولنوب بساط
حکومت و فضا سی کطی السجل للکتب نور دیده اولدی شهاب غنچه
مندان جهانی نهر اولوب مبتلای انواع زجر و بهر ابکن **مصرع**
و صاله ایدری غایت بولدی عری جناب تبر کو اولونیک
بوفنده دمی انتداری اولوب مقبول انام و ممدوح جمله حاصلی عام
اشعار در رباری فار در بو اشعار کیدر

دخالت کلزارنی عسمر کور بنجه ایفاسینی محکوب سماک اندی غنچه
باشن لکر سن صغدن غیری اول دو کر کله افند سر طلب دینجه
غفلتندم خطک کشمش میره میا کت کیمی بویم فندن ابجه
کل اولدر مجری قوز بلادلن دعا لرایسون سا که اولنجه

کرچه مهر و به دل و بر کده نامر اولک کل سن صغدن غیری به پیش لکر کفر اولک
دیر ایش سن لغت رخ به عجم دولتم اولسون ای دل دولتی بیده و کز اول
ایچه مجری زاهده یارک دمالی سترنی عاقل ایسک دکه بیزلوانه فکده کشف از
مرحوم مفتی انام شیخ الاسلام ابوالسعود حضرت نرینه و پیش رشو
حکته بوعلی اوله کر شور طاهر اتیمز طاهر و اولمحق کسبه طاهر
ای در فضله غزل سلطان اولان عزیز قالدیم ایفده دانست اولمزنه تشکیر
این مهبط انوار اسلام و ایمان و مجمع اصحاب فضایل و وفایان اولان
دار السلطنه العلیه فسطاطنه حمیه دندرنای حقه طغی در صفار و کبار سینه
سلام مصلحت و یکله اوزده اشتها ری و اصل فیه جرح دوار و فکده سحر
زرنکار اولت ر حفا که شویای روک کبار و غنی سندن و صفی انامک
نام بناسندن اشعار بلاغت شاعرینک لطافت و ملاحتی حسن و صحت
سیمیران کچه روشن و عیان و گفت ر ظرافت انار نیک ر شافت
و صفاسی صیاه مهتاب و انوار افتاب کچه طلوع درختان اصناف
و انواع فکله قادر صاحب دیوان شاعر ساجد در صدای شنه بار اغیار
فته ناک دوا ری بر خلفه و ارازا نمیشد و صب احوال و شوق و مقبول
و در محبوب جمله عاف اولان اشعاری و در زبان راست روان و افق
و مجاز اولمشدر خلق جهان بجامع دنیا و محافل علیا حرایات مدح و تحسین
ذاکر و تالی و سوغات کابره و اصغر ر حقیق رفیق اطرا سیده مالی
اولمشدر علم ادوار هر دخی صاحب افتادنی فیله و ور به در و بر یکی
اشعار بلاغت شاعر اولت شاعراندارک گفت در بار تندر
جفا کرک لعتن و لفظا کرک بلعی عنایت و رحمت کناه کاره کرک

جفا کرد دلشاق و افکاره کرد بی عنایت و رحمت کنه کاره کرد
 سپهری کور که چکر سینه سینه براهی همان غلگده بکرم طمع و ستاره کرد
 جاکلی بجه بوزون کورم دین و نکر شکسته ایینه لر گویی باره باره کرد
 ای فاشی با چند نکهت بر من نشانه دگ نازک نهال سر و در اول باغ جانانه دگ
 تیر طبعی نیر اندک و کدک شکسته نمر و عصیان دل تا نوانه دگ
 ای جان طبعی تیغ غمک سیم اندک کاک کل سوزن مرز کله یه نازکانه دگ
 کل دکه باغ عارض لبه بزم دیو سر و چنار کله یی یه باغبانه دگ
 عشاقی بکشته اید مهر لبی شکره ای بوسف زمانه لیش کس نهانه دگ
 نومدی صورت صفای عارض عینک حریف لبوب و وندوکی اندن بولیش و لای
 جو یکر و کل ای بوفشان کرد آتشک جاده و تنگ بوزی و لیدی ابک
 کند ی عفا که اوله روح را و نگر نیم حشره و بلوغ سینه یه جانم کلمه
 بر ماهی چکر سینه یه غول کم کجی روشن دل اوله باله کبی و ورسه
 بکدی بجنو عشق دگ کچر دل ستمه ابله کد و صلفندگی او صلفن برم دیوانه من
 مثال کعبه یا نور دیده عشاق کورن جاکلی مشتاق کور دین مشتاق
 فل نظر خالینه اشکینی و ان اینیک دم کلو و غصه و طو و صو جبر رقان اینیک
 سیر اید و صفها موغنی او شمسوار عشاق اوینه بر دم اینوب ایلر قرار
 میخانه حریف بچقیری بونور و و لیکه ره نه چکلمش کتابدن
 لیل انده گاشه بچون عاصری صوزنده صندی معینه با پله مر خاطری
 شهادت کوزک کوزینه لاولی از غلگه و ای اول عمارت که علیل اوله ناظر
 بن تا بنم قبول کد کنش نوری سیر اید بر کور و نه بندک ایله شها انده سایه
 نامی حسین در انقب و ذات نواری خاندان فضل بی شمار دن

ظاهر

ظاهر و بیدار و هلال وجود بی مثال افق علم و کمالن جامع و نه کاره کرد
 مرحوم و مغفوره اختری زاهر افند نیک بخل کهتری و روحه ذات پیر
 انضا نیک بخل معارف کستر و هر زوری در بو تابنده و تحصیل تکمیل
 و معارفه افند امر نام آتیکله اقران و امثالی میاننده تمام بنام اولمش
 عفا که بوسن و سالده بود کلو سوز و کمال کب ایدوب مالک جودت
 مفال اوله و غنی حیرت فزای صفار و کبار در بو ایام شتاب و جو اینده که
 هنگام هوس و ارزوی وصال موافی در تحصیل لطایف و معارفه گوشش
 نه شمار اید ناظم سحر حلال اولسی موجب عبودت ابدی الایضا در رشوبله که
 عنایت بی غایت سبحانی و لسان بی احصاء و صفت صمدانی ابد نهال
 وجودی اسبب زوالدن مصون و ساعه فکشن حیاتی حزان با خرا اندن
 محروس و مأمون اولوب بخل وجودی کلستان بقاده بایدار اوله
 بوفنده که چکدن اعصاب و دشتها بر بولسی ماننده نور افتاب سپهر و آرا
 به موجب عادل فی آدم بهر مکارم طریق علم یک اولوب ملازم اوله قدر نفس
 سمت نداریه عارف اولمش در بو ایامده کلمات سنجیده و ابیات پسندیده
 مکارم و اخلاق عمیده سی کبه معروف و مشهور السه خاص و عامده
 مداح و تنکسی منلو و مذکور اولمش در بو شواکت کفایت رندند
 شاید و نا اید و بو اول یار بر حقیقا صبر ایلر بدم ایله عمرم اکر و نا
 احکم بی برانده طور میوب گذر و ولاب اشکم اول صفت بولنده و و
 کر چه خرم تر یی لولاشه کماک تنده در یاره سی عشاق نالاکت بلغمز قنده در
 کو کهره ایدری فغانم خفی ختم نیمز اوباه بر خفا اهل روک اندکی فریاد واه
 لطف و استغنه مفه ایدرین سگشا قاتی چوق و ایزال بچاره سفدارین سلور

عشق کورک بولده نظر ایلمز او یار ویرکه بولکه کلور اول شوخ شنبه کار
 صالدم جیوز ورنه دل اریک شنبه بن کرداب غمده نالده کولک پنجه روزگار
 زلفک عارفک کورل دلبر اسنک بریر بر ایتمز اولدی دل سبتلار
 دوندردی که سیم اول یارلی ناکوزیشلری دو کورک کولک خاشاک
 اولمز کت هر طالع ناسا دی دوشم ایلمز هدایی ششدر مختده اه و زار
هلاکی ولایت نرماندن ظاهر معیان اولمشدر مقده ماطرین علمه سکوک
 ایدوب و اصل رتبه اسفند ادا و لشکر ترک از روی حرام و مراد ایدوب
 بر ایکی پنجه جهتی معیشت ایدوب قبول اما منته فاعلت غمشیدی
 امام مسجد یا حصار اولوب پنجه روزگار امام و مقتدای امام اولوب اول
 صاحب عرفان پنجه زمان جامع جهانده مقدم پیشوا ابدی اوایل حالنده
 هر غمده سی خونی به جان ویروب دلبر ان سیمبر لک هلاکی و تکیه نجت
 و عشقک ایدال و سینه چاک اولمغه غلص مزبور نخت رقت جالبی اولمشد
 ننه کم دیشدر **شعر** سر کوی و ناک سینه چاک کوز لک
 اولمکوسی هلاکی **نه** خیل فارسی دان و صاحب عرفان مکینه اولمغان
 خلق جهان اندن بوستان و گلستان او نور لریدی روزگار نده شوله
 شعار ویروب خیل نامدار اولمشیدی حد و دثمانین هر عزم خلد برین
 اتمشدر بو بر ایکی اسعار تاک گفتار ننددر **شعر** طیب جوهر
 ایدوب فقر و فاقه دن زاری دیدم نه چاره دیدی کم شراب دنیا را
 می بچند او مرهلفاییده مست اولایلر بله بیده ینده کویستری
 عالمی ساقی بزه جام جهان نماییده فدای لاسن استدم یوزکز
 حق نصیب اندی بیک بلاییده بن زار و ناتوانک تر دوشم بلا

بخنتی قبوسی بغلو ممکن کلک شمر لب میکن و اریکن اکه حفظ زنگاری
 کل کیم باده طور کن ندلم هر زما **هلالی** هلال وجود مقبول مطلع ظهور حال
 فحول دلان قبه الاسلام شهر استبولدن طالع اولوب ارباب مقال الیه
 اجتماع و اتصال انیمکه کون کونه قطع منازل عرفان ایدرک بدر زمان اولوب
 ارباب استبهاال میاننده هلال عبید کیمی رالیه بالبنان اولمشیدی اصحاب
 حرفت و ارباب صنعتدن ایکن کتاب نظم تشریف حرف زمان اولمشیدی
 جسم نزاری غم بچینده کی نال مثال بحیف و هزار دقت چشم دور بین الیه
 نمایان اولان هلال کیم غایتده ضعیف اولمغان مخلص مزبور غیر بلردن
 احق و احری ایدوکی روشن و اشکارا در حفا که سما بلاغت و مطلع فصاحت
 تابنده هلالی سلسال معالی عالم نر لکات و گلستان ملاحتک اب
 بر هلال ابدی که مطلع وجود و ظهور اید پنجه تابان اولمشیدی جسم نزاری
 غم بچینده کی نال مثال بحیف و هزار دقت چشم دور بین اید نمایان اولان
 هلال کیم غایتده ضعیف اولمغان مخلص مزبور غیر بلردن احق و احری
 ایدوکی روشن و اشکارا در حفا که سما بلاغت و مطلع فصاحت
 تابنده سلالی سلسال معالی عالم نر لکات و گلستان ملاحتک اب
 زلالی در بر هلالی ایدمی که مطلع وجود و ظهور اید پنجه تابان
 اولمشیدی ویرماه رعنا ابدی که بر لوق و المعانده افتابدن لامع و خشن
 اولمشیدی بر پیر منیر اید بیکه سنده دن استقاره انوار ظلمتیدی و برسم
 مستنیر اید بیکه صغیر و کبیر کلام دلپذیرینه که فوند رسیوب سنده مغرت
 و عار انیمزیدی مرتب و مکمل بوالی او مصنع و مخیل کلمات بلاغت
 عنوانی وار در حدود حسیان هر بر در وجود و عفته همانده خوش

ایروب اول ظلمتدن انجلا بولغا امکن اولدی یوشوراک گفتار نذر

شعر

شکست از صراحی با مجلس فرار اولمز مشدر رس قیامش کشته این پادشاه اولمز
بر بر رویم اوزره کرد و کرم شکست خنایی ایچرس بن منظر اهل حرام اولسون فیانی
فتح با بوله میند و بود وصل یارون حلقه شش فالدی کوزم کتم در لردون
یاره از اغراض در در و منظم ایوب کیمه لم قال اعلم بود دیده خوب اران
بنی بانه هر کیم که کور کسن پیری زارک صانور نصویر در بر سر شیر نیند فیکر
عزیم سنه و لیکه ناره بوز صوتمدی بلا عشق ایلد عشق نیت زه یوز طوقی
حذر قل ای کل عیانیاز بلبلدی هزار رسته اولانی نیازه یوز طوقی
الک کیمه تخمین کل کیم اول ناکت یون سینه قف فانه کیم شرمای ظلمت دیر کون
بستان املال وجودی مطلع شهر بر دس دن طالع و مر جوبکستان بانه
خان زمانده اولان فتن نمایان اولم اولمدر زمانده هلال مقال
بدراولمش و صالح اول ایا مده نام و قدر بلوش دیوانتی نریب تکمیل
ایمش لکن بدر وجودی افق جسدن غارب و نادر و ایاتی بر کبی
کوزون غایب اولمشده هانا کلامی مرور و هور ایلد کیف خطیب طیل
او معاین علمدن ندمش دست ایام ای عان محده صامت در یوشوراک
مزبور کت گفتار نذر **شعر**

کون کور اولوب بکنده حسینی امنون عرض

نسبت بوز کله کونده باین اسما و الارض

شکله سیم اشکه شول دکلو نادر مرم کم

کعبه قیام طوائفی اولمک بر ربنا عرض

شعر نصیبات ستمه صفات ایچره لطف و ملامت ایلد حایر نصیبات اولان
شهر بدیع السلوب نصیبه مرغوب اسکو بد نذر شهره افان اولان مرحوم
اسحق چلبزنک بنده و بنده زامر سید روحنا نصیبات نصیبات خنک
ایدی مرحوم مر قوتمک و فاندن مسکه بعضی مفاطع کت کانی اولوب
بعضی اصحاب جاه و جلالک صمدی و مصاحبی ایدی و دنده نام نصیبه هر تنگ و متوطن
اولوب اول محله طلع بنا اسکن امشکن بود ارنان دن حرکت ایلد
سرای بفاحر سکن اولدی یوشوراک گفتار نذر **شعر**
بی فید اولان بود ارجه ننده کدر کرک

سنت اعلی اسنین اهل عبادت

هر کیمک بوند زمانده بر مصاحب صمدی

هم کونی ضایع کیم هم روز کاری هم دس

نخچه نام و همار و موالی غلط م و امانی غامه تحلی و مقام اولان انیق
نام نصیبه بر احضار امدن سلطان مراد خان غازی و دوزنده بو عالم فایده
ملک بانی به عواری اولان شغرا و نذر شیخی احمدی ایلد معاصره اولوب
برسی برلیه معارض و مناظره مدام مجلس اندر نده نادر و ساغر خاوره
و مشعره طور میوب و ابر ایدی بجم هاستیک منی نامه سن ترجه تمبشدر
عوام بکنده مشهور اولان منظوم ناکه لردن بوز کدر ننه کم دیشد

شعر

الای کور فتنه دلاله پیکر مبارک طالع و فتنده انحر

مکلفی غنچه باغ لطافت عذاری ورد کلزار صراوت

پیری اندیم شکست شهرت طغوز سیدان چرخک شهرت ساری

هوا ای خوبی لقا محبوب کمی حیات افزای قلوب و آب پر صفا و جویبار صفا
 زبیل که در دست عموم و کرب اولان شهر لطافت محبوب تحمید بر وس اندر جلال
 مزبور در عهد المؤمن جامعده خطیب ادیب و ارب فضل و لبیب فضائل معارف
 جائز نصیب امثال را قرآن کوره خطیب منبر لطایف و کمالات دینک عیب
 و عیب و کلد رکستان و بوستان کرکی بکسر شرح ایدوب شر اعدن سرور
 و سمینک کلامت هدر زور کجی جرح ایدوب کستان معارف و بوستان
 لطایفه انواع الوانه مزین و منقش بر صخر فلک طرح بنا ایست در
مصرع صد مناران افیرین استاده عجب در که
 عکس کجی هوایی او محبوب طریق هوایی الدن فوشت در و تحویل علم
 و کماله اشتغال دن غیر حلاله فوایی صرف قلمش در صدر الشریفه به کاشنه
 سخنر الیست در بود کلو معارف فصایل موفوری و اربکن احباب احم
 و ارباب کریم منظور می او محبوب کبیر خطیب غریب و مهجور و مانده
 مخفی و مسنور فاشد رها اشعار انک گفتا اند در **شعر**
 منجه بر لاله زاری کوز لبسم کلک حسن باری کوز لبسم
 مسک و عنبر هر یون در و عنقه سبیل زلف باری کوز لبسم
 دلی هر در بایه و بر میسم و لیر شبیه کاری کوز لبسم
 کله ناکه میان بزمه رقیب یار لیه بزرگناری کوز لبسم
 خونین اولای ناخن خنجر و نعل زین اولدی بر لاله ایله صاکک و نعل
 و اعلمکله طندی بروج بومینه اصدان در مان دلر سوایی مرده کوتر سال
 حبه اب غیب کجی هوایی جان چاره نه بلا محبوب بزرده کچندن حکم

مرفع البیاضیه

نامی علی در کار بان ذات بهبودی رفعت برج دیار و کسی محاذی قبه
 سماک و وسعت سور منبعی موازی فلک الافلاک اولان قبه الاسلام
 دارالسلطنه العلیه سلطه محیه هر شهر وجود و اصل در نیم
 فردی صدف شهر مزبور دن ظاهر و حاصل اولمشدر با بکسی درگاه
 عظمت نباه صاحب قرانی هر طور زبانی بکشی اولمشد کند و سی کجی
 اولوب اول شاه سرافرازک هوای ممتنده جناح عبودیت ایله پراز
 ایدر کن عنقاسی قاف کمال شهریار سهای جمال و جلال اولان شیخ جمال
 افندیکن جنگل عقیاب اروتنه ربوهر اولوب اون شش بیل نقاری
 حذ منق ایدوب سر نیازن جناب پیر اعزازنه سوهر استیضدی
 شیخ مذکور علیه الرحمه الملك العفو عزت شهادتی علاقه سعادت
 ایدوب بو تنگنای کثرت و دشندن مقام وحدت و ریاض جنه
 رحلت قلوب و قد مشورن که ملتقا و وفور رحمت و محمد امداد مغفرت
 سود لجه نام موصغه نقل ایند کلیده اول موصغه کند و به مسکن بنا
 ایدوب استمداد روح پیر فوج حضرت شیخ ایله معتکف کوشه
 فراغت و انزوا اولمشیدی بعده اهل عیال اولمشد بلای فقر و فاقه
 مکدر الاحوال اولدغه مرحوم سید علی چلیمر مزبور کت خوج و حواجینه
 مستکفل اولمشد لحاف الطاف و اعطی نیده منزل اولدی بر دغه
 طونما سفر نه بیده کمتشیدی و بو فطوره بی اول سفر شدت و خطر
 دیوب عین عقلا به طریق سفر دریایی سدر ایدوب بر کمتشیدی

قطعه

صوبی برد افده ویشکر کی بی کاغذ بر بزدن اول بوجهان کیرن این کاف
 عالم برنی نویب بکر موکند ملین بوعلی ایله دخی عقلنه ادر اکنه یوف
 - اخر نفقه اولاد و عیاله قادر او کیوب نه بینه سو حاله سبلا اولدند
 عرض حال ایچون منظوم بر ساله دیوب صاحب قران دریا نواله منقد
 غوق در بای احسانی و مظهر الطراف قرانی اولمقد سلحدار بلوکنه بوج
 ینه کماکان بنده کان شاه معدلت عنواندن اولوب امثال و افزانی ایچند
 نامد نشان بولدی بویر ایکی ابیات بلاغت سمات اول رساله دندر
غفر با خصوص اول شه جهاندارک بکره بر پادشاهی خود
 خونگارک اب اجدادی خدمتده پدری طور نه حیاتی
 ایدی پیر شهپر ایکی سلطان رومه هم بنده اولمیدم
 بکر می بیل بنده اب محنت سوروب سفر لرم بیش
 فوشدم ره خطر لرم بنوب اینکده نای همور ایدم
 عشوه دولته ربوم ایدم تا اکادک که جنگ سمعیل
 که بزد اولمز اول بنم عدیل اول سفر ایدوب قضا
 و طر نفه فله م حواله شیخ و تبر بن بورزم ایچره
 ناکه بان بر سیر جانه اندی کمان جذبه سی تیر
 دور عدل ماینکده بودم امن و اسایش اوزره د عالم
 فالماوی بر مشوش الحاطر مکر الا که خاطر شاعر
 بولور البت کما نظم و رواج شب و یجور ایچون دکلمی سراج
 مرد شاعر که اوله بیغ و بلند ساحت نظم طبعی اوله سمند
 شواخیلی ایچره الفصح اوله تیغ الفاظه مستح اوله

سخت عشقه کله سنانه صونه جامی به شوقی بیانه
 ان بر نظمه نرفته خاص ایده خاک نوابی بی ناص
 مشنوی طری ایلمه ایضا متر منلانی ایلمه کویا

اچ کر کلستان عرفانی ایلمه روح سعدی سیر لانی
 انتظام کلامه ایلمه کوش روضه سنده نقل می ایده خروش
 نه بعده حضرت صاحب قران مرحوم سلطان سلیمان خان سفر
 ایکن عک کر نصرت ماثه ایلمه فونیه به وار مشیکن اهل و عیاله انجند
 استنبوله خدمت بنار جامع جدید ایچون انتخاب اولنان خدا مدد
 اولمق امید یله مینه استنبوله عودت انیمشیدی انحر صورت ماقولی صوب
 المنول اینه لغوز بنده نمایان و افتاب امل و رجاسی مطلع طبع
 و استعدا کردن مقتضای سخته لامع و عیان اولمیب سفرها یونه حاضر
 اولمق ایلمه علوفه سی قطع اولمیب فی سدر سامان در یتیم که سفته دل
 هزار محنت و کربت ایلمه پای در کل غلشیدی بو اشنا حزنی شمار بلما و غنا
 ایکن نیامی سراسر حیاتی منزله ل اولوب عالم بقا هر مقام و منزل
 اندی و اول یتیم اهل و عیاله یتیم فالوب در دوفر اقبیله جگر لرین
 دو نیم ابدیلر حقا که مرحوم مسقینان شورا در و مدن نظیری نادر
 شمر صدف روزگار اکر امشایه بر در شاموار و احدا بعد
 و احدا هم اولان ناظم سحر و دندر بویر ایلمه اشعار انک

کفتار بندند **شعر**
 سیر پایایی سیر جهان بی بی سواد در حقیضی اوج ایدر اوج حقیضی ایلر
 کوزیشی کیمی صوبی غم کیمی شی و امیش قیسه مجنون و بیکو عقل مشی و آرش

جوی اشکون بجا دو لایب طور مزجک نور

ای بینی کور کج جان مرغی اندر دگر شکار

اشبوح اولمشد رعاب طور مزجک نور

موله و منشائی کجینه رازنده دید و کی بکس از نو دلائی در

دو شرمه طبل بوسندند بچمی او غلانی اولدند نهکده کجی بیا بیا

اولوب اندن نولیت سمعنه سلوک ایدوب اندن رعامتله

کوشه فرغته قناعت انیمشد رشوای رومک محکم و کباردن

در و بوزمانده اولان فصاحت مایه افغانی لرندند راشعاف

درر بارینک اعکسی دل ارباب سزکمی صافی و بابک کویا که

بر کجی خاشاک و اینه نایب که ز اکثر معانی عشق و حالدن

ظهورو صدور انیمکایه حسب حال عشق هر حال اولمشد

زبان بلاغت و بیانی و ادای جان بخش و روان ایله بیخ اسما

سغن در لرین احیا ایدن شغردن و کلکونه گفتار درر

ایباری رخ زده اشعار نه زینت و بهار و بیرو ب دیار دانه

صاحب خمر اولان زمزمه مضامند در چونکه غایت اعتبار و نهایت

اغیت و اشتها ری بوجرخ و آرحر انقباب و از طاهر و بدیدار در

بوندن زیبا حرکت خانه مشک نشان مضمار تعریف و بیانده مک

دیو و بیابک کلام شاه اطباب و اسمهای حبیب و جوانیم کله

مکلف معقنای حال او کفاین بومقدار مقال ایله گفتار اولدند

رو و زکار زور کار کرم و سرون و بوجرخ کج رفتار زور و در

جکوب خیل و در کار دیده و کار از نو هر گاهی از مرغونه در خنده عجب

و کاسی مضیض زنده خاک فرسود اولمشد در مرحوم ابراهیم

پیش او اسکندر جلیبر به نصیده لر و بیروب خلوت خاص لرینه

دخول و مجلس سدرینه منول و وصول بومقدار الطاف لوطی

مظهر و مانند سلال انگشت نمای ارباب کمال و اصحاب سحر

اولمشدی موالی غلط مصلح معتدلی و الهامی کرامت بجال سدری ارباب

معارف ایله مشاعره سی علی الخصوص مرحوم خیالی ایله معارضه

و محاوره سی مشهور در صاحب قرآن زمان مرحوم سلطان

سلیمان خان الفنس ایله دیباچه سفر ایند کده بونصیده سی

دیوب خیالی ایله معارضه سن اید او اظهار انیمشد ربوایت

اول نصیده دندر رشو

جکلم کون کبی ان سغن ایله شرفه چری قره طایفه قمرلم قیه لم سرخ سری

یکه اولید جی خیالی به اولن غنکر حق بیلور سحر حلال ایدیدم شغرتی

بن از اندر بخفی بزم اول شفق کسری بن صویش کولی جرم او همان حرد چری

بونصیده رستم پاشانک سمعنه و اصل اولدنده محضنا

خیالی به جفا ریجی بکه حضرت ایوب انصاری علیه الرحمة الابرار

بولرین و بیروب و ان سفرندن کلک کدن صکره قیلوجیه لولیان

بعده سلطان اورخان لولیان و بیروب سهل زمانده استنبوله

سلطان بایزید خان لولیان انعام و احسان انیمشیدی الطاف

و احسانی دانی او بملکه بر جزوی نصیه بی بهانه ایدوب تفتیش

و عزال انیمکله عظم پامال و نظام امانی و امان دل به طلالی کبی

پیشان حال ایدوب اخر کرمی بیک انچه رعامت ایداختیار کوشه

اینم شیدی بوهر یکی اشعار و مطلع ابدار اثر طبع بر قند از بند که
 تحریر و تنظیم اولندی
 صبح صادق بکے اسی غافل اغردی صفک
 خبرک یون سنی پنبیلده بوغزلرا جلک
 هر نفس اکر رسیدی اه و افغانم بنم
 اولنودردک عهده کو پیمانک کجے خانم بنم
 قرمز جامه کیوب الیل اولد ره بنی
 چق بو پنجه قانه کیرش دیمون کورن سنی
 کوزک نوری کو کلو یکسر وری عزمک اری
 بزمه دوست اولمز سکت عداوت ایلمه یاری
 ایلمدن فشرک فکرنی ملال اسابنی
 افتابیم بر صغیده کو ستر رنوب سنه
 رقیبیمی سور اولدم عداوت ابده مزم
 کلاب کو یکمه هرگز حقارت ابده مرم
 اول صغ عاشق برست اولم دیو غور قمر مدام
 اچکھون کسبه بکش المکیوب و میر مسلام
 ایکی فات اولدی وجودم فوجه دم فات قالدیم
 ملک الموت سلامینی اکلدم الدم
 صبد اچکھون اول ملک ایدوب اهتمام
 احم نلکرا وزره نور حلقه حلقه دام
 بیمارم ای اجل بو کچه بکله یایم ال

روز فراق دلبری کو ستمه جانم ال
 عرض ابله کون یوزکی ایام شتری جمال
 بسون زوالنی کنش اکسکلکن ملال
 درمی دند انکه بکیرندی صراف سنک
 بو قدر بر ایه اورا جفی وار ابله انک
 ایغیر سن ساکه عاشق اولد و غدن ای ملک
 قایل اولدم اولکه بچیده خاطر اولمک
 ای ماه چهره کوره مز اولدن کش یوزک
 بن بی سناره ابله بر شهادی بلد رک
 سنی سور و کنی جانم سکا اظهار ابده مز
 دکه در دبله کناهن کشی اقرار ابده مز
 عالمک بو قدر صفا سی درد بی درمانی و آر
 بو مناع و صلته الذمکز مجانی وار
 تیر مجراندن اولمش بچیک شیداسی وار
 قاره لکیمیش کمان اپر و لرنیک بهسی وار
 عظمی المفدن ال جانم ال دیدم اکا
 اول پیری کلدی دیدی عفلک الان جانک الا
 اکلر فقیری وعده و صلک نه حال ای
 چاندراوم افندی نه دکلو حال ای
 دربان پادشاه ایدوب اول سروفا منته
 دوران یینه قبویه کتوردی قیاس منته

حمام کبیری او د لره با قوب بو چاکری
 قایمه کیردی کرمی حاتم اول بهری
 ادم هو ابه اویمه برک خزان بکته
 فوری به سورمه اب روان بکته
 دریا کبی غدا کی سکا کوند رخدا
 زینهار بکته ایلدای طوغان بکته
 صف نغالی مسکن عالی نصو رایت
 طوغرله بر لک بوجله سینه د خان بکته
 بجی حبله معرفت اولانه واری کور
 دریایه بولی اوغراین اب روان بکته
 بحی عمده علامه سر دفتره افصل کرام صدر نشین مقام تحقیق
 زنده هر وفوده افان ذات پیر افغانی مراسم فضل و کمالی
 احیا ایدوب مظهر حال مر خنده مال و دینا له بحی اولان
 علامه زمان زکریا افندی حد منکر تنک نهال بوستان فضل و کمال
 و نمره شجره معارف و افغانی در ذات سنوده اوصافی سابقا
 نقیب الاشراف اولان معلول زامه افندی بدن ملازم اولشدر
 حقا که بر ذات شریفدر که انواع معارف و فضایل ایلده موصوف
 و بر محذوم عالی در که اصناف مکارم و معالی ایلده مشهور معروف
 مسنده زار و جانی باران عرفان بیکر الله سر سبز و طری و گلستان
 دل و جانی جو بهار معارف بی شمار ایلده کجاست بحی در قامت
 سرافزاری ریاض معارفه ممتاز و طری اوله بریدر که و کان نقیا

ویراوالده کلامه مظهر در وهلال وجودی کوندن کونه سماء
 فضا بلده بدر تایان اوله ملکه که اکا قبص و اخوا و اقوا

اول خورشید انور در **موضع**

چنین بود بدر کی کش خبان بود فتر زند **نثر** بجای دولت و اقبال
 چپین ایینه نمشالنده ظل هر عیان و قایم مقام بدر بر اجل
 اولاجی چنه سیه نظیر و مثالنده ضیا بدر کبی روش و تاباندر
 چونکه اول محذوم نامدارک و ذات سنوهر اطوارک افتاب
 وصف و اطرسی پرده اختفا ده منواری دکلد راجرم میدان
 نبیان فضل و عرفانده کیت لسان و نوسن بیان کشیده عیان
 اوله رواد هر چند اول شهسوار میدان معارف و کمالات جلله
 علوم و فضا بلده جائز فضیلت اولان جناب مکارم ابانک
 سوای مدح و شناسی بالای مفت سماندر پس شهباز بلند برواز
 ناطقه اول سواد باطلران انمکدن و از کله سزا در نخل وجود
 نامداری بوستان جها نزه بر خور و از اول انشاء الله الملک
 العفار او اثره اصنار و اشراف ناری خلعه انداز جرج دوار
 اوکسی نوز خورشید نوا تر کبی روش و اشک در در مرغوب
 و مقبول گفتاری و بسندیده صفار و کبار اشعار می و ار در
 بو بر ایکی اشعار ملاغت شعرا اول محذوم نامدارک در **شعر**

کوکل او نر خچره در که باخسوزارین اولورسه لطف الهی کور ربکون یارین
 بنمده چشمه اول قدی قیامت تایل اولمقی قیامت و اردیمز می بونه مشرق قایل اولم
 ای زلف خرم اندر منقش قلاب محبت سب که حکمدی دل ارباب محبت

جوق زمان در محنت بجز کردن غلای پری میشود در نوله اغریه کوزم و ملکی
 حکمک بیچاره اول عالمه غم خالدهی حاصلی بو عالم فایده عالم خالدهی
 عالمی دهرک الم اولدی غم دوشدم جانا غم عشق کله محب عالمه دوشدم
 بانگم ایلدی قدم اولم کی اخو عدم یولینه شهاطت اولم کی
 سور رسن پایی یاره دایم ای دل جهره زردک
 و میز می اول طبیب جان و دل سکه ندر در دکن
 برین خزان اولم کله رعن لوی صولم
 نه بانگ نخلید ایا نه مال ناز پیر وردک
 قهر شوم در غم به منجانه در جانان اچر
 با نمرودن کجه تکلیف ایست ایچنر کچر
 یقینی مظهر عکس حلیه اولان دارا انصاف در نه محبه و ندر
 شهر مزبورک ارباب ججهانندن و طایفه مزبور نک اصحاب
 کمالانندن ایدی بو اشعار اکر **شعر** روان
 اول بر نیک در خالصان بیسمی اولور کله رطلور رسد و یور رطلور
 عاشق اولدمینه بر دله نرس کوردم لب جان غمشی جان معجزه کوردم
 تاب ملون نن سمی عرق بر اوشور در د کورمه مرتبت بت رعن کوردم
 یقینی زمره فضاة معدلت عنوان اولان مرحوم عماد سنک
 او غلله ندر در و اینکسی میبانه علوشان و معرفت و کمال و مکارم
 و افضل و خلق و جمال ابد مقبول و مطبوع اخوان زمان ایدی ملازم
 اولد قد نکره سمت قضا به عازم مزایه عبده قاضی و حاکم ایشیدی
 اول نشانم با دنیا چمن از بقا سینه اسوب و افتاب حیاتی زمین حاتره
 غروب

غروب ایلدی بو فنده ضلی فایستی واریدی بر مقدار عمر و همدن
 بهره دار ایلدی کر جکدن صاحب شهار اولور دی بو اشعار اکر
شعر
 از سید رنجه بهایاب لعلک جوقی بهایفت بر یک سوید لعلک جوقی
 کوردم اول یوسف کل پیری آفت او یانوب ایلد کم ناله حی غمشی ندر
 نینه در در خنده لپی جان پیر وردک صدمه از ایلدی ای بیلل ل جان وردک
 بهر مراد ایلد احسانی جهان نیست ارباب حکمه دلا منان اولم وردک
 مرض عشقه ویر در کت فغان یهم شمدی دمری ایکنک ندر ای دل وردک
 بهر فتنه یقینی لب ایدی انعام بهر یکاسنده چون ناله قیلوب نیدرک
یوسف منبع اصحاب معارف و معدن ارباب لطایف محل غلای
 بلاغت شعار اولان بکجه واردار دندر حیرتی برادر کی خمنی نه محبتک
 مست بی باکی کوی عشق غمک عاشق جالاک خاقانه جهاتک روش
 دلریش و ابدال سینه جاک اولان سینه چاکه رطلور قلمدن فراغت ایدوب
 منزوی مقام قناعت اولد فنده مصر در صوم شیخ ابراهیم خضر ندرینه
 ارادت و تسلیم کتور بخدمت علیّه لنده دل و جانله مقیم اولمشیدی بعده
 طالب عرفان معنوی اولوب ناظم کتاب مشنوی اولان مولانا جلال الدین
 المولوی حضرت نیک رویا سنده بهر اجلالی ابد تحصیل و جدو حال ایدوب
 استان فلک مثالنده سماع و صفایه فلک کبی کردان و فی مثال در دله
 نالان اولمشیدی مشنوی دان و صاحب عرفان معارف و کماله طالب
 بو مقوله لطایف و نوا در هر برادرینه مزار بار غالب ایدی اشعار کی
 محدود و مقبول مرتبه قبول اهل کماله موصول اولمشدر سینه ثقت و حسن و شجاعت

فوت اولوب سودجه هر كه از جعفر اباد هر مد فوندر بوبه ايكي شغار
اول شاعر نامدارك گفتارندند **شعر**
بزنجان رباعي سرش بان جهانوز بر خاک كف پاي كد ايان زمانوز
بر دكلمز غلغلني بيلنگ بزنقه سر ايان كلستان جهانوز
افاقى نبول طوطى شكن ناله اى دل بر ظفره در ركم بينه بي نام و نشانوز
نى نام و نشانوز نه بچه قصيد هر تير بلاكم انيلور كه نشانوز
ارباب محبت نري يوسف بيلوراما احوپ حصد كوزينه اى دوست سنانوز
اهل در اوليان كلر حفسن ملك كچه صور لذتني بن بيلور در درونك
نثر پنجه زمان ايدى كه طابيرن و هم و خيال قضاي بال بباله خبايا حقيقت
و مجاز و نواد و خواني اطناب و ابجاز ايله پير و از هر ايدى و نشت اولد كچه
شخصار فرغنده اشيان ساز اوله و پنجه ليلى و ايام ايدى كه كيت
خوش خرام افلام اقدام اقدام ايله بيدان بلاغت و فصاحت و ناز ايدى
بهره كه باينه عفال عى و فهاست اور مغله بر مفدا ارام ايله **شعر**
بجگر اندك كه بر غنم زمانه
ببايان ايد اين شيرين نشانه

فدوق الفراغ من الخيره على يد الغفير الائمة ربه العلى اكبير عبد الباقى
يوم خمس وقت الظهر الثامن والعشرين من شهر ربيع
من سنة ثمان مائة و الف سبعة و ثمان
محمد بن الافات و البليه